

کلمات هر کس که درین علم تصنیف کرده اند پس اختصار کلام این کرد و باز کرده شد و ترتیب اول بر خوابی
به نسق حروف اول و حروف دوم و سوم مشروح درین کتاب یاد کردیم و نامش کامل التبعیر بنامیم زیرا که ازین علم کتابی
ازین فاضله بسیار سی نسخه اند و آنچه انصافست به کس را این کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر و نظر دارد از همه تعبیر
بی نیاز باشد و از احوال استادان این ضعیف احوال شش کس یاد کرده که هر یک در عصر خویش یکانه حکیم وقت بوده اند
اول و انبیا حکیم که در روزگار نجیب النسب بودند و دوم جعفر صادق سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی پنجم ابو بصیر
کرمانی ششم اسماعیل بن اثبت هفتم ضعیف الله عنهم نخست چیزها که پیغمبر از دانشن آن ناکزیر است دریا نوده فصل
بیاوریم و هر چیز در موضع خویش بر ترتیب فرانها و یکم تا بر خواننده و آموزانده آسان کرد و در هیچ از وقایع بد و پوشیده
نماند انشاء الله تعالی و حمد و الله علم بالصواب **فصل اول در شناختن مزاج خواب** **فصل دوم**
در دانستن قسمهای خواب **فصل سوم** در یاد نفس و روح **فصل چهارم** در معرفت درستی خوابها **فصل پنجم**
در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** در دانستن تفاوت خوابها **فصل هفتم** در معرفت فرقی میان
خوابها **فصل هشتم** در دانستن علم جعفر و قال **فصل نهم** در معرفت خواب فراموش شده **فصل دهم** در گذاردن
خواب بقول جابران **فصل یازدهم** در معرفت احوال نخستین خواب **فصل دوازدهم** در معرفت شرط
ادب تاویل **فصل سیزدهم** در نگاه داشتن معبر و سایل و اصناف **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه
تعبیر از چند رویت **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقبول بود و در **فصل شانزدهم**
تاویل و دیدار حق سبحانه و تعالی عز و جل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بر ترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بنسب و
نظام هر خوابی را و اول این یاد کردیم یعنی اگر اول خواب الف و یا بود اندازد حروف الف و یا بگوید و اگر حرف اول
الف و یا بود و حرف الف و یا طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود این ترتیب از اول حروف دوم
نگاه دارد و اما استخراج خوابها بروی آسان بود و به هیچ و اما این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب تاویل نگاه کند
و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم به تمام کردن این کتاب و ثواب و وجهانی چشم داریم از رب الارباب و الله اعلم **فصلیت**
ابن حکم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ و شریفست که حق سبحانه و تعالی عز و جل این علم را به یوسف صدیق علیه السلام داد و بروی
نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده و کذلک مکنا لیسوف فی الاض و لنعلم من تاویل الاحادیث و عبد الله بن عباس
رضی الله عنه گفت اول چیزیکه حضرت حق سبحانه و تعالی جل و علا بجبرئیل مصطفی صلی الله علیه سلم داد آن بود که فرشته مقرب را
در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی جل و علا ترا از جمله انبیا گردانید و ترا اختیار کرد
خاتم انبیا گردانید و لکن رسول الله و خاتم النبیین گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت
خواب نبوت خیر و اقبال است و بعد از معراج خوابی دیگر دید چنانچه از حق سبحانه و تعالی فرمود و لقد صدق الله رسوله

الرویا بالحق لتدخلن المسجد الحرام انشاء الله انین" تا آنجا که فرمود وقتی قریبا بود وقتی البرکیم علیه السلام گفت
 انی اوی فی المنام انی اذ بک ماذا تنوی تا آنجا که حدیث الرویا انما لک بخیر المحسنین و در خبرین
 آمده است که ابن معجر یوسف علیه السلام بود و علی که معنی پیامبری بود و ثقیف که بساطی شریف و بزرگ بود و بعضی از انبیا علیه السلام
 که مرسل نبود و اندایشان را بخواب کرامت کشت و شام بن عمرو از پدر خویش روایت میکند که او گفت که در تعبیر این آیت
 که حق تعالی اجل و علما فرموده لهم البشری فی الحیوة الدنیا حقتالی عزوجل بدین بشری خواب صالحان خواب خوش
 که مروج صالح خویش را خوابی بنید یا کسی او را خوابی بنید که در تصدیق خواب آیات و اخبار بسیار است از انس اگر چه را یا و کنیم
 کتاب و راز کرد و در خبر است از انس که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت الوی یا جز و من شته و ابین جز و من
 النبوة یعنی بدین خواب مروج جز و است از چهل شش جز و پیامبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل سال بود که بروی حاتم
 و شصت و سه سال بود که از دنیا حرکت کرد میان وحی و حرکت از دنیا بیت و سه سال بود و آنچه خواسته بود و در خواب میدیدند
 مدت شش ماه از بیت و سه سال یک بهر از چهل شش بهر بود پس رسول الله صلی الله علیه و سلم بدین معنی گفت الوی یا جز و من شته
 و ابین جز و من النبوة و پیامبران دیگر همچنین بودند هر چه خواسته بود و حق تعالی اجل و علما ایشان را از خواب بوی
 و در خبر است از عبد الله بن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خواب راست و حقی است که حق تعالی اجل و علما
 مرئینده را از خیر و شر بوی رسد و از دنیا مشغول شود و از امر کرد و کاغذ غافل نباشد و ابوهریره رضی الله عنه گفت چون رسول علیه
 السلام بپا رسید یا انش غمناک پیش وی آمدند و گفتند تو ما را از کار خیر خبر میدوی اگر اکنون عیاء و ابالله منها ترا اجل
 برسد ما را که خبر و در اختیار کار و دین و تدبیر آن چگونه خبر دایم رسول علیه السلام گفت بعد وفاتی بقطع الوحی و لا

ینقطع البشیرات بعد از وفات من وحی بریده شود و اما بشیرات بریده نشود و گفتند بشیرات چیست گفت الوی یا الصالحه
 التي یواها له المراء الصالح اوی وی له یعنی بدین خوابهای صالح که مروج یک بنید یا کسی دیگر از بهر او بنید و در خبر است
 از ابو سعید خدری که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که با یاران میگفت که چون کسی از شما خوابی پسندید و ونیک بنید باید
 که شکر حق تعالی گوید و آن خواب با برادران مومن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بنید و مروج صالح بود و چند بار
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و از شر دیو بپناه حق جل و علا زد و در خواب با بیچسب بگوید یا مضر فی و زیدی
 بوی نرسد و در خبر است از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه که او گفت چون مومنی خوابی بنید یا ویرا
 بخواب بنید واجبست و انستن تعبیر آن خواب تا از خواب نیک بهر شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی
 بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمها و دیگر
 چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نکرده و وقایعش تعبیر نیز یر و بطریق آن معلوم نکند مگر این علم از
 اصل نکرده و از احوال مروج بهیات و صفت و قدر و دیانت و بهمت و ارادت و غیره با خلاف وقتها

همیگرد و زیرا که وقتی تعبیر مثل یا باصل باید کرد و وقتی تعبیر کاه از بهر مردمان باشد و کاه از بهر اصغاث و احلام یعنی
خوابهای شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باید که بصورت علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی
علیه السلام و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر فرار گرفتن و باید که بزرگ و
لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم توفیق از
حقیقتی حل و علا خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و برزبانش صلاح و صواب راند و اینچنین با حق سبحانه و تعالی
بجسی دهد که طبع او پاک باشد از همه به لقمه حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی خوار
نماید تا در سلک العلماء و رفته الانبیاء درج گردد و وارث پیمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد در شنیدن
علم تعبیر و شناختن قوانین آن زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجت مکرر تقوم را که حق جل و علا
در نشان ایشان گفت اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون والله اعلم بالصواب **فصل**
اول در شناختن مزاج خوابها اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که
سبب وجود خواب از بخارهای تر متصعد است که از تن بسوی دماغ بالا شود و بدانکه جمله حواس قوی بایراند و آسایش
یابند و طعامهای خورده مضحمل شود و آمیزشهای تن بخته گردد و اینچنین خواب را پریشان طبعی گویند و بعضی
گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گویند که خواب فعلیت از فعلهای دماغ و آن فعل طبیعی است
زیر که از وی راحته بالقوی میسر شد خصوص قوت تخمیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی
و موضع ایشان دماغ بود و آسایش بخواب است تا روح نفسانی آرمیده گردد و دلیل برین آنست که چون کسی تحصیل علم
مشغول گردد و شب کرم و خشکی بر مزاج او غالب شود و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد
و از اینجای رنج و بیماری تولد کند علاج اینچنین است سرد تر باشد چون روغن بنفش و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب
بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بر دلبهی کرمی اصلی اندرون را از اندرون کهدار و چون
بسیار خنید قوای نفسانی سست گردد و بسبب آنچه تری بروی چهره گردد و لیکن باید که رنج زایل کند و فضلا که در تن جمیع
شده جمله لبرق از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است بآنکه کوز باشد یکی از فساد مزاج تن دوم از زیاده شدن بعضی مسامهای تن
یعنی خون و صفرا و سودا و اسهال و خوردن غذای غلیظ از آنکه از مزاج رقت تر است و باین از تری دماغ ظاهر شود و از آنجا است
که دماغ کرم و خشک را خواب کمتر آید و دماغ کرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند و گوید که چه دانستی که
خواب فعلیت از افعال سرد تر و راحت و قوت تخمیل و فکره است جواب آن است که ما را از طریق عقل
معلوم میشود که نشستن راحت ایستادن است با اعتدال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ
پس یقین است که خواب فعلیت از افعال مغز سرد تر و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخمیل و

وقوت ذکر وقوت فکر بحجت و برهان از قول حکما قدیم در کتاب کفایات الطلب نهاده ایم و جمله در آن بیان کردیم و فصل
 دوم در اینست قسمها خواب و انبیا علیه السلام کوید که خواب در اصل دو چیز است یکی آگاه کننده از حقیقت حالها و دوم بیدار کردن
 از سر انجام کارها و این دو فصل از اینجا قسم است یکی خواب امر است یعنی فراینده و دوم خواب زاجر یعنی باز نماند سوم مندرجی می باشد
 و ترسانند و چهارم خواب بشیر یعنی مزود و دهند و عبد الله بن مسعود کوید که رسول علیه السلام کوید الروایة قسم من الله تعالی
 و بشیر المؤمنین فی حیو تخم قسم دوم من الشیطان الذین امنوا قسم سوم اضغاث واحلام یعنی خواب بر سه قسم است یکی از
 حق تعالی اجل و علامت مومنان و در زندگانی بایشان و دوم قسم است که مردمان را اندوختن و کین کردن و سوم قسم است
 که خوابهای آشفته باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید اصل خواب بر سه قسم است یکی را حکم خوانند دوم را قسم نشان بخوانند و
 سوم قسم را اضغاث واحلام خوانند و اضغاث واحلام چهار کرد و بینند کرد و یک طبع ایشان بفساد و ابله است و کرد و یک طبع ایشان
 باشند و کرد و بی که غذای سودا انگیز خورند چون باد بخان و عدس و گوشت نمکسود و آنچه بدان ماند و کرد و بی که سودا
 نابالغ محمد بن سیرین رحمه الله علیه کوید خواب بر دو قسم است اول خواب حکم که آن درست بود و دوم اضغاث واحلام و آن
 خواب پریشان و پراکنده بود و اضغاث و سنهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاه متفرقند هر گونه در بستانها و اضغاث
 نیز مختلف است و آن نیز بر سه نوع است بعضی از غلبه طبع و هوا و بعضی از نمایش و یو و بعضی از حدیث نفس و این
 هر سه نوع درست نباشد که مانی رحمه الله علیه کوید خواب بر سه قسم است قسمی از بشارت حق سبحانه و تعالی عز و جل و قسمی
 و سوم از شیطان و قسمی از سخنی که با خود کوید و از هوس آن سخن در خواب بینند و آن راست صورت فرشته بود
 که از لوح محفوظ بشارت دید بخیزد که کرده باشد یا نبوده بحضرت حق تعالی اجل و علامت مومنان و در آن سخن که بوی رسد ازین سبب چون
 کسی خواب بیند و فراموش کند معبر کوید تو به کن از کنایان و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که بایند خواب فرشته است
 از لوح محفوظ مغربی رحمه الله علیه کوید خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و قسمی خواب دروغ و خواب راست بر سه قسم است قسم اول را
 بشیر خوانند و قسم دوم را تهدید و قسم سوم را الهام قسم بشیر است که حق تعالی اجل و علامت مومنان و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که بایند خواب فرشته است
 بر سر فرزند آدم که خواب بدگشت از لوح محفوظ بوی رساند و بنماید او را و خواب و آن فرشته مالک الروایا خوانند پس چون کسی بشارتی
 خوابد رساند مالک الروایا او را در خواب باز نماید و خواب تهدید است که مالک الروایا او را برساند و آگاهی و باز خبری که بوی خواب برین
 تابنده خواب بطاعت کرید و از کنایه پرست و بسبب آن عبادت و فرمان برداری کند و از شری که بوی خواب برین رسید
 کرد و قوله تعالی و قولوا الى الله جميعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون و خواب الهام است که خدای تعالی الهام بدین فرشته
 را تا در خواب بنماید بنده را که صدقه باید داد و وجهی کردن و بحق سبحانه و تعالی باز گشتن و از سر کنایه در گذشتن و عدل
 و احسان با خلائق کردن و خواب دروغ بر سه قسم است یکی را خواب همت کوید و دوم خواب علت سوم خواب
 شیطانی یعنی خواب آشفته و مختلف خواب همت است که مردم بر بیداری چیزی اندیشند چون خواب در زمان

بینند و آن خواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم آزاری از در و اندامی که چون بخوابد
آن در و بروی غالب شود و چیزهای منکر و ستمین بخواب بیند و سبب آن خواب از در و باشد و آن خواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی
آنست که او را تن شستن واجب کند یا چیزی ناممکن بخواب بیند و آنرا تعبیر و تاویل نباشد و قوله تعالی و ما نحن بتاویل
الاحلام بعالمین و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عزوجل آفرید یکی خواب است و آنچه
در خواب هستی بهیچ از چیز و شکر که بعد از آن حکم ایزد تعالی جل و علا برسد این سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی
آنست که شخص در خواب بیدار خیر و منفعتی و راحت بیدار بشود و آفتی همچنان آن خیر و راحت یا شر و آفت بعینه بیداری
بوی رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم و کند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز و یا شمری که یا در خواب بخت
در خواب خواند و یا دیگر در بیداری درست باز خواند و بسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند
چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شود آن سخنان باز گویند چنانکه بختی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی
آنست که در خواب چیزی ببیند که افترا باشد و تاویل آن چنان است که آنچه در خواب ببیند فرزند یا برادر و یا باشد چنانکه محمد
مصطفی صلی الله علیه و سلم یکی خواب دید که بوجیهل مسلمان شدی آن خواب از پس بکر مه بازگشت هم مردی دیگر خواب دید
امیر که مسلمان شد آن خواب پس از عباس بن اسد بازگشت که چون کودکی خواب ببیند تا ویش مادر او را بود و یا بنده
ببیند تا ویش خواجه او را باشد از این عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم کتاب دراز کرد و فصل سوم در یاد کردن
نفس و روح بدانکه حق سبحانه و تعالی اجل علا در قرآن مجید فرماید الله یتوفی الانفس حین موتها و التي لم تمت
فی منامها فیمسك الی قضی علیها الموت و یوسل الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی عز و جهه خبر کرده است که
که نفس باخوشیستن گیرند در خواب و بیداری باز گذارد و نامرده باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا استیفا بود و معنی بستن و میان علم و حکما
در نفس و روح خلاف است بعضی گفته اند هر دو یکی اند معنی نفس و روح جانست و دلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب
بشت معنی دار و جان خون و آب معنی و برآز و بخت و جسم و بد و روح را گویند و از و معنی دار و جان و باد و کلام و روح القدس
باران و حوئی افسون مسیح مریم و زندگانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و جمعی گویند که جان ببنده خواب از تن بیرون آید با همان
رو و آنچه بیدار است و ببنده یا بیدار و چون بیدار شود باز جان و تن او آید دلیل ایشان آنست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم گفت بنده که بطهارت
بخسید و ذکر حق تعالی بر زبان آید جان او را بر آسمان برند و بعضی معبران این خبر را منع کنند و گویند این قول رسول است اگر خفته راجحان از
تن فرقی حرکات و مرفون نشستی پس چون این حال در خفته حاصل است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است و بعضی در میان جان و روان
فرق نهند و گویند که چون خفته در خواب و در روان او از تنش بدر آید و در عالم کبر و در باز در تن و آید و آنچه دیده باشد
جان را خبر دهد و دلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است و مثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص آفتاب
در فلک چهارم است در روشنائی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یک نیست و هیچ

فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفت نشان بقیاس عقلی چون کج از است و آب از کج و نزدیک اسطرطاطیس
نفس مبداء اول است و او شریف و بزرگوار تر از روح است و اما صفت نفس روح از قول حکما پیش ازین یاد کردیم
در کتابیکه نام و سماز السایل است و آنجا بیان کرده ایم تا بنزدیک اصل سنت و جماعت روح المریت از امری باری بجانده
تعالی عز وجل قوله تعالی ویستلوه ذلک عن الروح قل الروح من امر ربی یعنی من امر حق تعالی میکند ترا از جان بگو که جان
از امر کردگارین است و عتقا و بقول باری تعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم مقصود از یاد کردن تا قایل حکما دین
باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برهان خالی نباشد ازین جهت علاما را بطریق دین خدا و سنت پیغمبر نگاه دارد و
توفیق خیر و کرامت روزی کند **فصل چهارم** در درستی خوابها بعلامتها که مانی رحمة الله علیه که بگوید هر که خوابها را درستی
خواب خویش بعلامتها و دلیل نیک بداند باید که تا تواند بطهارت بخیسید و بپهلوی راست بخیسید و خدا یاریا د کند و طعام بسیار
نخورد و زیر آنکس که طعام بسیار خورد و خدا یاریا د نکند معده او پر کرد و بخارهای طعام مبالغه او رسد و عقل از آن متخیل
کرد و ازین سبب خوابهای تشنه و مختلف بسیار بیند و طعام اندک هم نخورد زیرا که چون معده از طعام خالی باشد و گرسنه خیزد
هم خواب تشنه بیند زیرا که طبیعت غذا بنا بدست و ضعیف شود و او را خواب نبرد و چون در خواب رود خواب تشنه بنشیند
و مردم در وقت خواب باید که سیر باشند و نه گرسنه تا خوابی که میند راست و درست آید و نیز خواب را فراموش نکند و در خیر است
از عبد الله بن مسعود که مراد اعرابی نزد یک رسول الله آمد و گفت یا رسول الله دو شب چنین خوابی دیدم و خوابی تشنه آغاز کرد و
میگفت رسول فرمود که چرخ زده بودی گفت خورای پنجه خورده بودم بسیار رسول علیه السلام فرمود که این خواب را تا وایل نیست و
درست نیاید و از آنجا است که معانی بسیار خواب را تعبیر میکنند و تا وایل آن درست نمی آید معبر باید که از این تعبیر غافل نباشد و چنین چیز
از سایل پرسد بعد از آن تا وایل خواب بگذازد آنچه بگوید راست و درست آید و علامتهاهای درستی خواب چنین باشند که یاد کرده شد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بسیار خواب است که کسی بیند چون آنکس سزاوار آن نباشد تا وایش کسی از خویشان او باز کرد و یعنی بفرزند
یا برادر یا پدر و بسیار بود که تا وایل خواب از مرگ او تاثیر کند و مادرین باب پیش ازین تقریر کردیم تا بوجهی که بگوید خواب بیند و تا وایل
آن بر سرید چنانکه گوید که تا بالغ چون خواب بیند برید باز کرد پس چون معلوم شود این چیزها و البته باشد و هیچ مشکل نبود و بعضی فساد حق تعالی
گوید بسیار خواب است که بیند و اصعب و سبکترین نماید وایش بخلاف آن باشد چنانکه در ده ویم و تا وایش شادی و خرمی باشد قوله تعالی
و لیبدلنهم من بعد خود فهم امنا و کرجحین از یم یا پناه و دشمن و دو دان و آنچه بدین مانند دلیل کند خداوند عز وجل بر امان
و زنها خدا تعالی باشد قوله تعالی ففروالی الله الخی که مهند زید و میان و اشکال این تا وایات بسیار است ما هر یکی در موضع خود
بیان کنیم ان شاء الله تعالی **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ از بایا علیه السلام گوید که مردان باشند در شکل صورت و طبایع و با لایق گفتن و
خواب هر کس چون بر طبع مردم و هوا و شهر هر کس مختلف باشند و بر یکدیگر نماند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا
و شراب و چیزهای دیگر که از وی خون بفریزد خواب رک زدن و حجامت کردن و لب تا ختن و عشرت کردن و آواز

چنگ و چنانه نشودن آنچه بدین ماند پس چون معبر در وی نگاه کند و کوزه وی سرخ بیند و تن فربه و در وی نشاط و
شادی بیند بوقت هنگام خویش بداند که آن از غلظت غالب شدن خلست و آن خواب اصلی نباشد و چون بر طبع مردم
صفر غالب باشد از خوردن چیزهای صغری چون پیرو پیاز و پیله و چیزهای گرم و خشک و خواب آتش و چراغ و شمع و
قندیل و کرم و چیزهای بسیار بیند چون معتبر از رز و کونه و لاغر بیند در وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید و داند که صفر
بر وی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای لغیم افزا چون دوغ و
ماست و شیر و آنچه بدین ماند و خواب برف و باران و آنچه بدین ماند بسیار بیند چون معبر کونه و سفید و تن فربه بیند و سخن او گران باشد
و داند که بر مزاج او بلغم غالب است و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن چیزهای سودا انگیز
چون گوشت نمک سود و ترشها و بادخج و آنچه بدین ماند خوابهای با بجم و ترس و مار و کژدم و مارکی و چیزهای سبکین
و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ و روی او از اندیشه تشنگی است و بی سببی بروی و ریش خود دست مال
معتبر بداند که سودا بر وی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجبست که معبر بدین چیزها که گفتیم
تأمل نگاه کند و خواب هر کس را نیک برسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید این سیرین حرمانه
علیه که خواب آن کس نیک است صاحب بهمت باشد چون عاشق معشوق را بخواب بیند یا رباب حرفت که پیشه او بخواب بیند
مثلاً جولا که رباب را یا آهنگر که آهن را بیند بر معبر واجبست که خواب باز پرسد که دوش چه خورده بودی و در چه پیشه
خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران و یخ و سرما که قنایست چون بیدار شود جامه خواب از وی
دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برنگی باشد و بی جاکی او بود و آن خواب را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که گذر یا بود یا آفتاب
و حرارتی و خورشید چون بیدار شود جامه بسیار بخورده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بخورده باشد و اگر کسی سبب غلظت فی نماز و در وی
در اندام وی افتاده بود و در رنجور میداشت و همان در و دار و آنچه در خواب بیند که بول میگرد چون بیدار شود بیند که در جامه
خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم در دانستن تفاوت
میان خوابها و تفصیل خواب هر کس این سیرین رحمه الله علیه گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا نمک است یا کافور این اصل را
چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب اربابان
ششم خواب بندگان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب اهل گران و دوازدهم
خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابلغ و ازین جمله خوابها پادشاهان راست تر و درست تر
است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چنان فضیلت است که پادشاهان را بر رعیت چنان و مجاز و تعالی جل و علا باشد تا
برگزیده و سروری و او را و خلق را فرمود تا اطاعت وی بجا آورند قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ
اطِيعُوا الرَّسُولَ وَاطِيعُوا أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْكُمْ و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الأئمة فقد أطاع الله

و در سواد که پس هر چند خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند خواب بفرق پادشاه را نزدیک بود و خواب پادشاه نزدیک تر و خواب او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب کمران زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کارهای خاص و عام بستن و کشادن با مومرسل این همه را قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است بر خواب علوم چنانچه ایشان دانایانند باصول فقه و حدود و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا شرف و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علما را فضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را شرف و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند را منفعت دند که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان افضل است از برای آنکه باری سبحانه و تعالی ایشان را بر کمر بر زنان بچند چیز جبران داد و تفصیل نهاد و قوله تعالی الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ و بنمایانند از آنکه علیهم السلام فرستاد و همه مردان بودند و جای دیگر فرمود و فَجَعَلَ و امراتان مبین تَرَضُّونَ مِنَ الشَّهَادَةِ و بیبر عقل است صبر و وجود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت و خدم و امثال آن همه در جبلت مردان مذکور گردانیده و خواب زنان نزدیک است بخواب بندگان و خواب صالحان را فضیلت بر خواب فاسقان از برای آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانچه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب نو آکر بر خواب درویش فضل دارد زیرا که نو آکر زکوة و صدقه دید و حج و غیر آنکه در رسول صلی الله علیه و آله فرمود که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ یعنی دست نخورده به از دست رساننده است و در وی از تعبیر آن گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب بگوید اثر آن دیر پدید آید و چون بدیند اثر آن زود و ظاهر گردد و خواب نو آکران خلاف این باشد و خواب اهل طبع و خیر باشد زیرا که شهرت برایشان غالب باشد و نابالغ او عقل ندارد و بعضی از تعبیر آن گویند که خواب کوک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پدر و مادر را رسد و بدی آن زبان دارد و خواب کوک نابالغ را دو قولست قوی آنست که خواب ایشان راست و درست باشد و گمشد پدید آید زیرا که دل کوک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قوی دیگر خواب کوک را در عقل و تمیز خباثت باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حائض درست باشد چنانچه صفیه بنت هند خواب دید که ماه و اقاب از آسمان هر دو کمر روی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را از این خواب گاه کرد و امیر خیر طیارچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب است میگوئی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله خیر است از برای من کند دیگر و رسول صلی الله علیه و آله سلم خیر برگرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه و آله سلم از صفیه پرسید که این کبوی که بر روی هست از چیست صفیه این صورت خواب باز گفت بخمیان بود که دیده بود و تاویل خواب درست آمد و الله اعلم بالصواب فصل هفتم در معرفت فرق میان خوابا که مانی رحمة الله علیه گویند که خواب سلمانان راست تر از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا

(۱)
(۲)
(۳)
(۴)
(۵)
(۶)
(۷)

(۸)
(۹)

(۱۰) (۱۱)

(۱۲)

(۱۳)

السَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْكُمَهُمُ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ لَّهُمْ فِيهَا مِمَّا تَحْكُمُونَ وَخَرَاب
پیران بهتر است تر از خواب که دوکان و خوابان آنرا بهتر از خواب کنیزک بود و در خواب هر کس معبر را باید که در وقت گذاردن
خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خواب بیدار شود خواب سوگال کند و الفاظ پر کند که شنود و معبر را بقیاس عقل راست کند
چنانکه لفظ اول تأخیر بود و از آن آخر باول آوردن نگاه تعبیر کند و هر کلام که لفظ قوی تر بنید یا حصول بهمان لفظ تعبیر
کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و از غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کرده اند
و صواب راست آمدی حکایت چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمه الله علیه سؤال کرد که خواب دیدم که بانگ نماز گفتیم ابن سیرین
گفت حج اسلام بگذاری هم در آنوقت مردی بیاید و گفت که خواب دیدم که بانگ نماز میگفتم گفت ترا بزرگوار می ششم گفتند که در آن
گفتند که این دو خواب یکصورت داشت که بانگ نماز می گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت آنرا سیاهی صلاح دیدم گفتیم که حج کنی
قوله تعالى وَاذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ مَأْوًى مِنْ يَدَيْهِمْ وَسُوبُوا مِنْ كُلِّ زَاوِيَةٍ فَهُمْ نَدْوٌ فَقِيلَ لَهُمْ ذِكْرُوا نِعْمَ اللَّهُ بِالَّذِي حَقَّنَ لَهُ الْوَعْدَ فَهُمْ لَهُ يَسْتَوُونَ وَنَبَذَ فِي السَّيْرِ الْأَوَّلِ كَذِبًا وَنَبَذَ فِي السَّيْرِ الْأَوَّلِ كَذِبًا وَنَبَذَ فِي السَّيْرِ الْأَوَّلِ كَذِبًا
بگیرند قوله تعالى فَإِذَا نَزَلَ بِكَ تَبَاتُكُمُ الْمَسَافِرُ فَاصْبِرْ لَهُمْ صَبْرًا مِمَّنْ سَبَّحُوا بِحَمْدِ اللَّهِ فِي الْبُيُوتِ وَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْنَاهُ الْأَوَّلَ كَذِبًا وَنَبَذَ فِي السَّيْرِ الْأَوَّلِ كَذِبًا وَنَبَذَ فِي السَّيْرِ الْأَوَّلِ كَذِبًا
و تاویل آن هم در آنروز باشد و خوابی اندر شب بنید و تاویل آن یکسال باشد و خوابی در شب بنید و تاویل آن شش ماه باشد و وقتی
باشد که خوابی بنید که بیت سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه در شستن امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان
بود که رسول صلی الله علیه سلم خواب دید که سگی خون دی بخوردی و بعد از چهل سال درستی آن خواب بیدار شد که او شهید گردید و جابر بن
رحمه الله علیه گوید که تاویل خواب شب قوی تر از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بنید درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشغال
خوابی که در نیم شب بنید هم از قلم اصناف و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ
بمردم نماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بنید تاویلش بر پنج سال بدین شود
و اگر سیانه شب بنید تاویلش بر پنجاه بدین شود و اگر در سحرگاه بنید تاویلش تا ده روز بدین شود علی الجملة هر چند که شب بروز و روز و یکروز
خواب درست تر و روز و تر بود تاویل آن فصل ششم در دانستن خواب جذر تا بر معبر راست آید و آنیال علیه السلام
گوید که هر که خواهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم جذر و فال را که استادان قدیم را بود نیک بداند
چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک باشد دلیل بر نیک کند
چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سهیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله را دلالت بر خیر و
فرج بود بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از وی تعبیر
خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بنید بدانکه خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بنید خواب
سفر کند خاصه که اسپ و استر بازین و لکام بنید قوله تعالى وَالْخَيْلُ وَالْبِغَالُ وَالْجِبَارُ لِيَذَّبَ بِيْنَهُ
و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و آن زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار بانگ

کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جای مرغی رحمة الله علیه گویند شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس در آن حال کلاخی
بیامد و بر دیوار خانه نشست و دو بانگ کرد عبد الله بن عباس گفت دلیل که شری تو رسد هم در شب دزدی بخانه وی رفت
سوارخی کرد و هر چه داشت بر عبد الله گفت که من بایا را نگویم که اگر کسی تعبیر خواب بپرسد و کلاغ دوبار بانگ کند دلیل بر بخت و
زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکوئی و اگر پنج بار کند بر باد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین جزو الله
علیه گوید که بانگ کلاغ چون طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود حضرت صادق رضی الله عنه گوید اگر
مردی بخوابد بر پشت آنکه خوابی بر بیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند یا بگوید یا کاه یا اسپ یا سبزه یا این
باشد که گوشت می خیزی خورد دلیل بر تباهی کار او باشد اگر بیند در سبزه یا بگوید یا کاه یا سبزه یا این باشد که گوشت می خیزی خورد
دلیل بر نیکوئی است فصل نهم در خواب که فراموش کرد و باشد حضرت صادق رضی الله عنه گوید چون کسی خوابی دیده باشد
و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بدان طریق است که نامش بپرسد و حرفهای نامش بشمارد و بحساب بجدد
از وی چند از دواگاه کند که چندانده است مثلاً اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دیده و اویش دلیل بر فساد کند و الله تعالی و گمان
فی المیدان ففسد دھط کیفسدون فی الاوصی ولا یصلحون و اگر شش مانده باشد ففسد یا تزدوج
دیده باشد قوله تعالی تمایز صحیح فان اتممت عشرين عندك و اگر هفت مانده باشد و ان یا سکان دیده باشد قوله تعالی یقولون
سبعة و ثمان و ففسد کلهم و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب تور باشد دلیل کند که فرشتگان او صلح را بخواب دیده باشد اویش
تمامی شغال وی باشد و اگر خداوند خواب فسد بود دلیل کند که دیوان او را فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال او کند و الله تعالی خلق
السموات و البیوع و قووها ثم استوی علی العرش و اگر پنج مانده باشد اسبان و سلا حها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان
ستارگان بخواب دیده باشد فی اربعة آیات سوء للسائلین و اگر سه مانده باشد دلیل که کسی کاری گفته باشد یا یکنون من یخون یخون
الا هو را بعم و دیگر گفت ثلثة آیات الا کرو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثانی ثلثین اذکما و الغار اذ
یقول لصاحبه لا تخزن ما ویش است که از آنچه میرسد این کرد و این سیرین رحمة الله علیه چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و بخوابد
که خواب بد خداوند خواب را گوید دست بعضی را از اعضای خویش اگر بر سر نهاده و خواب دیده باشد و اگر چشم نهاده باشد و دیده
باشد و اگر بر بینی نهاده و من کوه دیده باشد و اگر بر خسر نهاده و غزا دیده باشد و اگر بر دامن نهاده چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر
کوش نهاده شکافها و من کاه دیده باشد و اگر بر ریش نهاده گیاهها و خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهاده و خانه و خواب دیده باشد و اگر بر پوت
نهاده زخاها و خواب دیده باشد و اگر بر پوت نهاده شکم و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهاده و درخت میوه و دیده باشد و اگر بر پستان نهاده
خورد درخت دیده باشد و اگر بر مقلد نهاده و دیده باشد و اگر بر زانو نهاده و دیده باشد و اگر بر ساق نهاده و درخت
بی بر دیده باشد و انیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چها چیز بوده باشد یکی از بسیاری گناه
دوم اگر در خواب سوّم از ضعف نیست چها رم اختلاف طبع که چون از حال بگردد و لاجرم خوابها فراموش کند

فصل دهم در گذاردن خواب بقول جاهلان که مانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایزند شستن اندک رخسار پیش جابل که پدید آید تا تعبیر آن از جابل پرسید و اینکه گویند اگر کسی خوابی دید از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه معبر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که مانند خواب فرشته است و هرگز خطا ندارد شستن و آنچه گویند باشد حق بقول نادان باطل نکردد و میان عالم و جابل فرق بسیارست قوله تعالی **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود **لَا يَسْتَوِي الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ** و چون نمودار خواب فرشته است که از لوح محفوظ گفته باشد اگر بنید که خیر خواهد رسید یا شر و هر که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیدنی بود برسد مگر قضای مطلق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان آن خواب برید چنانکه حق تعالی فرمود **وَقَالُوا أَضَلَّتْ سَبِيلَنَا بِقُرْآنٍ كَذِبٍ إِنَّا نَعْلَمُ كَذِبَ الْكِتَابِ وَإِنَّهُمْ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَ بَشَرٍ أَلَمْ يَلْمِزْهُمْ بِهِ قُرْآنُكُم مِّن قَبْلُ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** و این خواب پرسید و گفت قوله تعالی **يَا أَيُّهَا الْمَلَأَءَاقِفُ إِنِّي أَنَا الْكَلِيمُ الَّذِي يَكْتُبُ** یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا درین خواب قوم او گفتند ما تعبیر این خواب نمیدانیم پس یوسف عم تعبیر کرد و حدیث منفی ساله قحط بگفت بدین عجب دانستیم که هر چند جاهلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکردد و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات و اصناف و هیأت این سیرین رحمة الله علیه گوید خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سبیل نشسته است دلیل که بزرگی کند و ثعلبی که او را باشد اندران منفعت اندک بود و اگر این خواب بر روز بیند دلیل که زن اطلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سک را گرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بر روز بیند یا بر کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواب از اصل نکرد و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر عذاب بود قوله تعالی **وَلَعَنَّا إِيْمَا قَالُوا** چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کسب بدارد و کارهای ناسازگار و چنانکه مجرب عبد الحزیز روایت کند با سنا و درست از عبد الرحمن اسلمی که پیش از صلواتی علیه السلام میان ابو بکر صدیق و سلمان فارسی رضی الله عنهما برآوردی کرده و او و سلمان خوابی دیدند ابو بکر را گفت و سبب آن خواب از وی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب سید عالم صلی الله علیه و سلم خبر داد تا ویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و او اسلمی رضی الله عنه روایت کرد از عطاء بن خواب که مجرب سیرین رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب سبک بر منبر بود و چنین کرد که اگر اهل صلاح است شرف و بزرگی یابد و اگر اهل فساد است برداشتن کنند و در عید الحدیث آمده است که احمد بن سحر روایت کرد از ابو سعید که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پرسید خواب دیدم که ستون شرف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سر غبار آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بمیرد خواب هر دو یکی بود اما تا پیش از اختلاف وقت بخت و ابو حاتم روایت کند از اسمعی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجو فرو ختمی گفت شوهرت آن بدل کنی و گندم چو از اصل ببرد و انبیا از شستن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که صاحب احمعی حدیث کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بیار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویلش تاخیر بود و خواب که در فصل تابستان بیند حکم تاویلش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند تاویلش دست نیاید و بر بستی

این سخن دلیل آنست که مردی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب بهشتی و برکت شمرده از دشتی بمن داده اند ابوبکر گفت
 بهشتا و چوب بر تو نرزد و آن هفتصد هفتاد و چوب بروی بزوند پس همین سال دیگر همین خواب دید همان هفتاد و برکت از ابوبکر صدیق
 رضی الله عنه پرسید گفت بهشتا و هزار درم بتو دهند گفت یا ابا ایوب همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد و چوب بود امسال
 بهشتا و هزار درم مگر گفتی از فضل این خبر کنی گفت پارسال در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان بهشت شک می شدند و
 برکت میرسخت تاویل آن آن بود و امسال بهار است و درختان روی باقبال دارند تاویش نیست آنقدر و هفتاد و هزار درم نیت
 و انیال علی السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب برسد یعنی از باد و تانیم و حکم تاویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زول
 تا شنبگاه دلیل بر شمس و فساد بود و تعبیر آن خواب بر روز ابر و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید
 جابر مغزی رحمه الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن ببیند یا استواء آفتاب خواب نیکو و
 درست و راست باشد و تاویل خواب نکفتن درختان و رسیدن میوه خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز
 زمستان ببید حکم تاویش ضعیف باشد و در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل دوم از دهم
 در معرفت شرایط ادب با اهل خواب و انیال عم گوید مجرب باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علیم و از خصمیان دور باشد
 و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سائل با احتیاط تمام بشنود و بداند که سائل پادشاه است یا
 رعیت که تر است یا مهتر عالم است یا جاهل زاو است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا دوریش مرد است یا
 زن فارغ دست یا مشغول و در تابستان دیدار است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را بقیاس عقل
 چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود گوید این سیرین رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام و یکانه نبود با اینهمه
 فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی نکفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابوالفضل که این سیرین از سی تا چهل که پرسید ندی
 یک جواب بگفتی و باقی را تعبیر نکفتی پس میباید که اول سخن بینه خواب نیکو بشنود و از تعبیر نیک بداند و در آن تاویل کند و اگر
 سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تعبیر کند و اگر حشوی در میان سخن باشد آن حشو از وی
 جدا بیند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ یک را نگیرد و نماد اضناث و احلام است و تاویل آن نکند و اگر تاویل آن
 پیوندد بروی از آن معنی پرسد از سائل که تنگ دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنای تاویل خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و
 معین خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار و روشنی و نیکوئی و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود
 نگوید و بروی پوشیده دارد و گمانی رحمه الله علیه بدی اصل خواب بر سه چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان
 و مرغان بود اینها در تاویل مردان باشد و صفت آنست که معبد بداند که درخت کدوم است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت
 که در کان بقیاس بداند که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت گردکان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد
 مردی عربی بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت که در کان بود مردی

تواند بود ولیکن به عالمه و تجسید و تنسیع بود زیرا که چون کرد و کان بجنبانی باناک کند و مانسکمی مغزش بیرون نیاید و اگر
درخت خرما باشد کاری اختسار کند که آسان باشد گشجده طیبیه اصلها ثابت و فرعها فی السماء و حبه طویه آنجا
درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که می پرد و بانداند این مرغ سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی بگوید
بود و نیز بنیده خواب باید که مردی راست و با واینت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان نکند زیرا که
همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی بنید و از آن بترسد باید که سه بار آیت الکرسی بخواند و با و برنجوشستن و در و بگوید

اعوذ برب موسی و ابیهم الذین و من شر الودیاء الی وایتها من مناحی ان یضرنی فی دینی و دنیای
و حیثتی عن جأرك و جل ثناؤك و لا اله غیرك پس از آن دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد و پشتر آن خواب
بگرد و مغزی رحمة الله علیه بگوید اعلی اللعنه در همه خوابها اعتراض کند و بهر چیز خوشیستن را مانده کند مگر بختی عمو و حل و
فرشتگان و پیغمبران و آفتاب و ماه تاب و ستاره کان خود را بدان تشبیها مانند نتواند کرد و اگر ویرا قوت آن
بودی که خود را مانند این چیز نمودی میان خدایق فتنه افکندی که گاهی خود را بصورت پیغمبر نمودی گفتی که من از تو
خوشنودم هر چه خواهی میکنم بادیگری میکنی که من آفریدم کار تو ام کنایان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزی گفتی که بندگان
خداستعالی عزوجل را که راه کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هرگاه اعلی اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید
از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کار بر اعلی اللعنه آن باشد که دل مؤمن روشن بود و حق تعالی عزوجل را بداند

و خوابهای او راست باشد فصل سیزدهم در آداب نگاه داشتن سائل مبرک را بی رحمة الله علیه گوید که پیشتر معین بود که تستکی
و بهوشیاری سرمایه خود سازد بوقت سوال تا خواب نیکو بشود و در یاد و بر دین و در سبب اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن
او راست است یا نه که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اصدقکم دویا اصدقکم حدیثا ینگا هر که راست گوید راست خواب او
راست تر که بود جعفر صادق رضی الله عنه که بد و اجابت بر مرد عاقل که با طهارت خید و بشکاف نخستن خداستعالی را یاد کن و این دعا وقت

خفتن بخواند اللهم انی سکت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و قومت الیک و الحادث کل شیء الیک
لا ملجاء منک الا الیک تبارکت ربنا و تعالی انت الغنی و نحن الفقراء استغفرک و اتوب الیک اللهم اردنا
الودیاء صادق غار و تصال غیر فاسل و غیر تجرب و رافعة غیو و اضیة و چون بخید بر دست راست بخید و چون بر دست
چپین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد نگر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
و قل هو الله احد تمام بخواند و بادی بروی دست چپ خویش دهد و بگوید یا رب تو دانی من را نم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رساند و اگر
شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان دور واریا محجب دعوة المضلین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و
برخاستن و ابتداء کار که بدین عابخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسماء شیء فی الارض و لا فی السماء
وهو السميع العليم و بامداد و چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه بر خیزد و نزدیک معبر رود و بگوید

وقتی نیک باشد و چون خواب کوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمة الله علیه کوید شش طبع است که چون خواب
 شنو و باطلات باشد و اگر کسی دشمن او باشد از به دشمنی خلاف نکوید و شش شخصی که بداند او دیگران نکوید مشرعی رحمة الله علیه
 هر که خوابی بنید باید که زیادت و نقصان نکوید و از دروغ اجتر از کند که در خبر است که خواب است و حی می باشد از حق سبحانه
 و تعالی و هر که حی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی است باشد و خواب انانی است میان خدا تعالی و بنده و رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود هر که برین که رسول دروغ میکوید نسبت فساد میکند و کوید ای تباهی بر خود میدید پس هر که خواب دروغ اقرا
 میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عامی میشو و این دلیل است بر عظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگاه داشتن بر بهر مسائل واجب است
 فصل چهاردهم در معرفت آنکه تعبیر از چند نوع باشد این سیرین رحمة الله علیه کوید تعبیر باید که نخستین نام و مقدار و وقت و مدد
 و سیرت و عقل و فهم سائل معلوم کند و وقت دیدن خواب که در روز دیدند یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سائل در وقت و آل
 چه حرکت میکند و خواب بر چه نسبت میکند از فصل ماه پاری و روز ماه تازی بداند نگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تا اول کند
 و انیال کوید چون کسی از تعبیر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه جز و فال دلیل کند بخیر و
 بشارت و غرضی و اگر نام وی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انیال علایم سلام کوید خواب در اول روز گیشنبه نکوید و در اول
 بافتاب دارد و در اول روز و شنبه تعلق ماه دارد و نیکو باشد و در اول روز شنبه تعلق بر پنج دارد و پس دیدن خواب شاید و
 در اول روز چهارشنبه تعلق بطار دارد و قوم بود و صاحب الرس هلاک شد ندیم شاید پس دیدن و در روز پنجشنبه مشرعی را باشد
 اول روز خواب دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز دینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عین جمیع خاطر باشد
 مشرعی رحمة الله علیه کوید تعبیر بسیار می باشد و در کاردن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بهار و معالجت او حکایت
 امیر المؤمنین مهدی شیخ خواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد رسید و معبر از جمع کرده خواب بگفت در تاویل معبران را ندید
 و تاویل آنکه السند ابراهم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آورد و خواب خلیفه شنید گفت ترا و خبری آید معبران گفتند
 ترا دلیل برین چیست گفت وَاِذَا ابْشَرْتُمْ بِالْاَلْفِ ظِلٍّ وَجَهَهُ مَسْوَدٌ اَوْ هُوَ كَالْطَلَمِ پس امیر المؤمنین فرمودم کرمانی
 و او هم در آن روز اول و خبری آید و هر روز دیگر یار ابراهم کرمانی بخشید حکایت مری خواب دید که او را اخصی کرد و بنزد یک معبر را رسید
 کردی گفتند این مروز و بهر دیگری گفت از فرزندان جدا کرد و دیگری گفت حده او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده
 دیگری گفت زن را طلاق دید پس روز کاری بر نیاید که زن را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و عزم سفر کرد و در دریا دشتی
 نشست بادی مخالف بر خاست کشتی غرق شد و در میان و ریانه ای ذکر و خجستین او بخورد و مال و فرزندان او هلاک شدند
 و تعبیر خواب چنان آمد که معبران گفتند بودند کرمانی رحمة الله علیه کوید باید که تعبیر در کورستانها تعبیر خواب نکند و سائل در وقت سوال
 راست کوید که در زندان بود و سفسه علیه السلام گفت قَضَى الْاَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند
 راست آمد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روانا شد یکی از بیدنیان دوم از زمان سوم

از جا پلان چهارم از دشمنان فصل پانزدهم در نوشتن سایل که تعبیر آن مغلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که
سایل پرسید که تعبیر آن مغلوب بود چنانکه بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر علم پوشیده نماند این سیرین گوید که طاعون خواب
دیدن کارزار باشد در بیداری و گریستن در خواب شادی بود در بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن بود و در دندان
مچجویی دیدن خود را دلیل کند که در گریستن کند و در خواب خود را در گریستن دلیل کند که در زدنش کند به بیداری و در خواب
خانه خراب شدن و خیران زدن بود و دختران زدن در خواب کشت کردن بود و قوله تعالی لسا و که حرث لکم فانوا
حرثکم الحی نشتم نیکی در خواب که پاس تنیدن بود و گریاس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و آنچیز خوردن پشمیانی
خوردن بود و سیل بجای آمدن و شمشنی بود در بیداری و آمدن همه چیز که نو آنرا نیک باشد که نه آنرا بد باشد و هر چیز که در
خواب کهن آن بد باشد نو آن نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشیده بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با سلاح موزه
کهنه پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خریدید بد باشد و اگر میفر و خست نیک
باشد و اگر کینه یک میخیزد نیک باشد و اگر میفر و خست بد باشد ازین قسم مکتوبات بسیار است اگر حمله را یاد کنیم کتاب و بار
کرد و لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی فصل شانزدهم در دیدن خدا تعالی و فرشتگان و پیران
علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمه الله علیه استاد این ضعیف بود تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی
و فرشتگان و پیران در اول کتاب یاد کرده اند تا برین مقدمه نیز صواب چنان دیدیم که در اول کتاب یاد کنیم بر
تا وایل کتابها و خوابهای دیگر بر سق حروف مجسم ترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمایم تا استخراج آن خواننده
و آموزنده آسان کرد و تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انیال علیهم السلام گوید هر بنده مؤمن که خدای تعالی عز و جل را
در خواب بیند بچون و بچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار فرشتش روزی کرد اند و حاجتهای او را کند و اگر
چنان بود که ایستاده بود و خدای عز و جل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد و بمعفت مخصوص کرد و اگر
کنا پکار بود تو به کند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی از میکفت دلیل کند که آنکس نزد یک حق سبحانی و تعالی
گرمی کرد و قوله تعالی و قرینا به بخیا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت دلیل که او را درین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی و ما کان
لبشر ان ینکلم الله الا وحیا او من وراء حجاب و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را
بایزد و دلیل کند که او را بایزد و او را در دنیا بلاوی کمار و اگر بیند که خداوند عز و جل او را نیک میداد دلیل کند که رضای خدای عز و جل
در آن نبود و قوله تعالی یعظمکم لعلکم تتذکرون اگر بیند که خفتن تعالی او را مژده و او نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و
اگر بیند که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عز و جل و اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر بر پیشان کند دلیل که
غم و اندوه رسد قوله تعالی و لو توی اذ الجمعون ناکسوا و هم عند ربکم کرانی رحمه الله علیه گوید که اگر بیند که خدای تعالی
او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گزارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید دلیل کند که بهشت

و لقای خود او را روزی کند و اگر بنید که او را از متاع دنیا چیزی داد و دلیل که بهاری سخت بکشد و از آن اجر و ثواب باید
بعضی از مفسران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عز و جل بنید اگر کسی او را گوید که این خدای عز و جل است دلیل که
او را بیادشایی حاجت افتد و اگر بنید که خدای عز و جل برین فرود آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی
اهل آن موضع را نصرت دهد و اگر در آن موضع قحط و تنگی بود و بفرسخی مبدل کرد و اگر اهل آن موضع کنا پیکار و عاصی باشند حق
سجانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بنید که حق سجانه و تعالی در خانه فرود می آید و بملطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید
یا بر گرفت یا بر بجانید اینهمه که موم حق سجانه و تعالی باشد اما در دنیا رنج و بهاری بکشد و اگر خدای تعالی را بر شال نوری بنید یا که
وصف آن نتواند کرد از ادلیل بر غم و اندوه کند و اگر بنید که خدای تعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر
بنید که بروی خشم گرفت دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بنید که خدای تعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که احبش نزد یک
رسیده باشد مغزنی رحمة الله علیه که پدید اگر کسی خدای عز و جل در شهری یا در دهی بنید دلیل کند که آن موضع امانت مصلح اند
عز و شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قوله تعالی الله یحکم بینکم بینکم فیما اختلفتم فیہ تختلافون
و اگر بنید که خدای عز و جل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آن شهر میل بدانست کند یا امیر آن شهر با رعیت ظلم کند یا
عام آن شهر بدین باشند و اگر این خواب دزدی بنید دلیل کند که دست و پای وی بپرند و در آن شهر فتنه و بلا افتد
و قتل واقع کرد و قوله تعالی و هو الفاعل فوق عباده و یسل علیکم حفظه حتی اذا جاء احدکم الموت توفیه و سلنا
و هم لا یفرطون عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید اگر کسی خدای عز و جل را بیچون و بیچگون در خواب بنید از ترس بیم امن
کرد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان بود و آخرت پیدا حق تعالی بنید قوله تعالی للذین احسنوا الحسنی
و زیادة مفسران تعبیر در لقای حق سجانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بنید که مثل انصورت ندیدد باشند
دلیل که بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر بصورت مروی بنید دلیل کند که مرقا هر و نایا اگر رود و اگر خداوند تبارک و تعالی را
در نماز و تسبیح بنید دلیل کند بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غایب از آن در غیاب بنید دلیل که آن
غایب از آن نصرت باشد و اگر خدا تعالی را بر سر تربت مروکان بنید دلیل کند که آن مروکان را باید زد و اگر بنید که خدای عز
و جل را دشنام میداد دلیل کند که آنکس کافر کرد و اگر بنید که خدای تعالی بر تختی نشسته بود یا خفته اینهمه صفات
نامر است دلیل کند که بنیده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل دیدن خدای
تعالی بر هفت وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و هدایت و قوت در دین
چهارم ظفر بر اهل ظلم پنجم ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم در آن دیار آبادانی و عدل پادشاه
هفتم عز و شرف و بلند می در دنیا و آخرت چون بجهت نظر کند و اگر لغو باشد منهای بنظر قهر نگاه کند
بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بنید که خداوند تعالی عز و جل با وی با خشم بود و دلیل که آن شرع تجاوز کند و او را مظلوم ندید

و اگر پادشاه بود و دلیل بر رسیدگی کند و اگر عالم بود و در دین و اعتقاد او خلل بود و فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر کس
بنظر قهر بنزد رحمت و عذاب بود و حجت ما آنست که گوئیم خدای عز و جل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس
باید که بخواب دیدن خدای تعالی عز و جل منکر نباشد ابو حاتم از مجرب بن سیرین شنید که گفت از خواجها پیچ درست ترازان
نباشد که حقتی تعالی عز و جل را بخواب بنزد سیرین و بچگون روئیه الملائکه تاویل دیدن فرشتگان و دلیل کنیز پادشاه
که مکار با دین و بادبانت و یا عالمی بر پیغمبر و بزرگترین ملائکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
علیهم السلام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بنزد خوش طبع و کثاده رومی دلیل
بر دشمنی نظر نماید و برادر برسد و اگر بخلاف این بنزد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بنزد که او را جبرائیل مرده
داد یا وعده نیکو یا از کار می باز داشت دولت و عزت و جمیعت یا بد و اگر بنزد که جبرائیل او را چیزی داد دلیل که
از پادشاه قدر یا بد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرائیل بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد
و اگر در خواب بنزد که مردم بد و گویند که تو جبرائیلی دلیل کند که سخندان فصیح گردد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت
مشهور گردد و اگر کسی میکائیل را علیه السلام در خواب بنزد چنانکه صورت اوست دلیل که خیر و بشارت بارود
زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر
در خواب بنزد که میکائیل او را عطا داده دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب بنزد که گویند تو میکائیلی دلیل که از وی
خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اسرافیل را
بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش بود و در هر دو بار که او را بنزد دلیل
بر ایمنی و آبادانی آید یا بر بود و اگر بنزد که صورت در دشت داشت و میدید دلیل بر بلا و فتنه کند زیرا که او را امر خدای تعالی
بدمیدن صورت و هر جا که دیدن صورت پیدا شود بسبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی و نفخ فی الصور فصعق من فی

السموات و من فی الارض و اگر بنزد که اسرافیل علیه السلام صورت در دشت داشت و میدید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس
افتد و اگر بنزد که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار شد دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد و زمانی رحمه الله علیه
گوید که اگر اسرافیل را بخواب بنزد که اندوختن بود و صورت میدید و او تنها آواز صورتی می شنید دلیل که در آن دیار زمین مریک بسیار
بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بنزد که اسرافیل تازه روی بود و شادمان و روی نگاه میکرد دلیل که او را پادشاه خیر و
ایمنی رسد و اگر بنزد که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بد و داد دلیل که جلش نزدیک باشد و اگر بنزد که اسرافیل بروی بانگ دونا پدید
شد دلیل که او را پادشاه زیان رسد دیدن عزرائیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بنزد خود بر سر
زمین دلیل در کاریکه بود و مغرول شود و اگر ملک الموت را نزدیک خود بنزد دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بنزد
دلیل که شهید گردد و اگر بنزد که با ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر بنزد که ملک الموت را بنزد اخت

بعضی از معبران گفته اند که بمانند و اما شفا یا بد مغزنی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بید غورم و
 شادان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بید که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتم
 کار روی بر شهادت بود و اگر بید که ملک الموت بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان گذن بروی آسان بود و اگر بید که ملک الموت
 بروی شتم نگرست دلیل که با خطر مرک او باشد و اگر بید که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان گذن بروی دشوار
 باشد و اگر بید که او را خبر دادند که ملک الموت بفلان جاست و او از دور نگاه کرد دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر
 بید که ملک الموت را بکشت دلیل کند که او دشمن خلق کرد و دیدن حمله العرش آن فرشتگان آنکه عرش را
 با حق جل و علا بر داشته اند اگر کسی ایشان را بخواب بید دلیل که با سلطان کار افتد و مراد یابد و اگر بید که ایشان پیوستگی
 داشت دلیل که او را بپادشاهی بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بید کرانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسی نیکه اهل دین باشند
 پیوستگی کند و حج گذارد و قوله تعالی و قوی الملائكة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم و اگر فرشتگان او را
 بنواختند و بید کی خویش بازو شدند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد که اما کاتبین مولا اند که در او کفایت خلافت از کس
 بدینویسند بن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی که اما کاتبین را بخواب بید اگر مصلح باشد خیر و صلاح و دجانی حاصلش شود و اگر
 مفلس بود غم و اندوه بسیار شد قوله تعالی یعلمون ما تفعلون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بید که فرشتگان
 با هم جنک و نبر و میگردند دلیل که کهنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی اِنَّا لَنُبَشِّرُكَ لِبُئْسَ لَمَسٍ
 یحیی و اگر بید که فرشتگان منتظر استاده بودند تا چیزی از دست آید از دست او در زوال افتد و اگر بید که فرشتگان در
 یک موضع استاده بودند در آن موضع ایمنی باشد و اگر بید که فرشتگان در حرب مشغول اند دلیل که بر دشمن طغیان یابد و اگر بید که فرشتگان
 در کوع اند و در سجود دلیل کند که احوال دنیا و دین او مستقیم گردد و اگر بید که فرشتگان بر صورت زمانند دلیل که بید خواب بر
 خداوند عز و جل دروغ گوید قوله تعالی اِذَا صَفْتُمْ و بکم بالیقین و اتخذ من الملائكة اِذَا اَنْتُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا
 عظیمًا و اگر بید که پرداخت و با فرشتگان می پریشان نزد یک بود و با تو بیاورد و اگر بید که از دور فرشتگان را
 میدید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل که او را مصیبتی رسد قوله تعالی یوم یوم الملائكة لا یبشرون یومئذ
 للبحر مبین و اگر بید که فرشتگان او را اطاعت خود فرمودند دلیل که او از اهل خیر و صلاح باشد شادی
 و خرمی بید و اگر از اهل فساد باشد رنج و اندوه بوی رسد قوله تعالی اِذَا اَقْرَأَ كِتَابَ كَفَىٰ اِنْفُسًا
 الیوم علیک حسیدا و اگر بید که فرشتگان بروی سلام کردند بجزمت دلیل که بر دشمن طغیان یابد و عاقبت
 کارش محمود گردد و اگر بید که ملائکه در یک مقام فرو آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم و اندوه فرج یابند زیرا که
 فرشتگان پیوسته نبصرت پیغمبران آمده اند کرانی رحمة الله علیه گوید ویدن فرشتگان پند و معظمت باشد
 خداوند خواب را و اگر بید که فرشته او را وصیت کرد و پند داد و دنیا شنید برود و اگر فرشتگان مقرب را و حای

بنید که اینجا اهل اسلام باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در بخار سجده و قحط و سختی بود و قحطی باشد و تعالی اهل موضع را
از سختی و تنگی خلاصی دهد و اگر بنید که فرشته کشت و آسمان رفت دلیل که در دنیا زود و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و راه
آخرت جوید و اگر بنید که با فرشتگان آسمان رفت و باز نیاید زود از دنیا برود و نامش در جهان نیکی باشد و از مغرب گوید اگر بنید که
فرشته مقرب در وی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از آن حج کند و غزوات بسیار کند و اگر خود را
بصورت فرشته بنید دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام داشت و امتش گذارد و شود و اگر اهل راستالش زیاده شود و اگر در روش باشد
توانگر کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که فرشته او را بکاری شود و دلیل که بزرگی او را بشغل باز دارد و اگر بنید که فرشته او را
عطا داد و عطا و بزرگی یابد و اگر بنید که در وی فرشته او را استقبال کردند دلیل که دولت و وجهانی یابد و اگر بنید که فرشتگان بدین
او آمدند و شمعها و چراغها داشته اند دلیل که او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر بنید فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی
از خویشان او بمیرد و یا اجلش برسد و اگر بنید که در وی بخور می نگاه کردند عاقبت کائنات بسعادت بود و اگر بنید که فرشته او را جامه
قرآن و ادب یا خطی نبشته دلیل که سی بروی داور می کند و بروی غالب کرد و تاویل روی پیغمبر این علیه السلام ابن سیرین گوید که
مراتب پیغمبر این علیه السلام بر سه کوه است اول الوعزم دوم مرسلند سوم نبی پیغمبران الوعزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم
ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی و مرسل آنها اند که جبرائیل برایشان وحی آورد و ایشان سیصد و شصت و نه اند
و انبیا آن پیغمبر اند که جبرائیل برایشان نیامده و بر الوعزم را بخواب بنید دلیل که عمر و حالات یابد و اگر مرسل را بخواب بنید بر
دشمنان ظفر یابد و اگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و ملالت باشد ایشانرا بشارت بود و بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا
و اگر بنید که پیغمبران از جای نقل میکردند و بر اهل آن موضع دعای بیکر دهند دلیل که خدا تعالی اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و
بخدا استغاثی باز گردند که گمانی که گوید هرگز مؤمن که پیامبری از جای خود باز نرود و مؤمنان بنید دلیل که عز و جاه و نصرت یابد و اگر از خبری
خشمگین بود دلیل بر بد حالی است و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که از عالم پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر بنید که
پیغامبران را بخت دلیل که خیانت کرده باشد کفره تعالی فيما نقصهم میثاقهم و کفرهم بآیت الله و قتالهم لا ینبیا غیره

حق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بنید بزرگی و ولایت یابد و تعالی وعصی آدم ربه فغوی ثم اجبت
ربه فتاب علیه و هدی و اگر بخواب بنید که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آدم لاسلام کلها و اگر بنید که آدم
دست او گرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بنید که آدم طاعت نبرد دلیل که عاصی و بدبخت شود و حوا علیها السلام را اگر بخواب
بنید دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد و نوح علیه السلام را اگر بخواب بنید عیش
دراز گردد و لیکن از دشمن رنج و سختی بنید و عاقبت بمرد رسد و در پس علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش نیکو شود و عاقبت
محمود گردد و همود علیه السلام را اگر بخواب بنید دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یابد و لو ط علیه
السلام را اگر بخواب بنید کارش بصلاح باز آید و مرد اول بنید و صلح علیه السلام را اگر بخواب بنید از جای بجای بخواب

کند و در خیر بروی کشاده شود و ابراهیم را اگر بخواب بنید حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان مظلوم بروی ستم
رسد و نیز گویند که با خوبی کند با او و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر بخواب بنید نشانت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی و بشترناه
باسحق نبیا من الصالحین یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بنید از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم
فرج یابد یوسف علیه السلام را اگر بخواب بنید خوشنشان بروی پستان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب را
اگر بخواب بنید خصم بروی غلبه کند و بعد از آن بروی ظفر یابد موسی را اگر بخواب بنید مبتلا کرد و با اهل و عیال
بعد از آن حالش نیکو گردد و در دشمن ظفر یا بد کف و عزوجل و وهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیا و بعضی
معبران گویند که موسی را بخواب دیدن دلیل که پادشاه در آن دیار پلاک شود و او را اگر بخواب بنید حق تعالی او را
بزرگی و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندر کسب یا علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی او را توفیق
دهد در طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی او را توفیق دهد و خیر حضرت را اگر بخواب بنید سفری دراز
کند با ایمنی و رزق و عمر دراز یونس را اگر بخواب بنید از همه نجات یابد و از تاریکی و درو شنائی آید ان شاء الله تعالی
ایوب را اگر بخواب بنید کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم را اگر بخواب بنید از همه نجات یابد و اگر وام دار باشد و امش گذارده شود و اگر بنزد فرزندان بود و ربائی یابد و اگر
تسرس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراضی یابد و بعضی گفته اند که هر کس که توانگر بود در پیش شود و ابوهریره گفت از رسول
صلی الله علیه وسلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد که من دانی فقد دای الحق فان الشیطان لا یتماشى
بدرستی و راستی که شیطان بصورت من تمثیل نشود اگر کسی مراد خواب بنید غم و اندوه بوی نرسد عجب عار که تاویل دیدار
من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر حشر را در پیش روی بخواب بنید دلیل برستی دین و آشکار شدن بدعت و راندن یار بود اگر
رسول صلعم را در خواب بنید که جائی بانک میکردند دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزی بخورد دلیل که
صدقه و زکوٰۃ باید داد و اگر او را دید که در آنجا هیچ بلا و سخت نبود اهل آن موضع نعمت زیاده کرد و خاصه که اگر او را سحر
بنید و اگر او را غمناک یا بیایر بنید دین او ضعیف بود و گمانی که اگر محمد مصطفی صلعم در شهری یا جائی بنید دلیل که در آن موضع نعمت
فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بنید که اندامی از اندامهای سول صلعم کم بود دلیل که مردم آنجا در
راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد و اگر بنید که مصطفی ص از میوه های تر یا خشک بوی داد او را
در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود این سیرین گوید اگر کسی رسول صلعم را ناقص بنید نقصان آن به بنید باز کرد زیرا که رسول
صلعم را مردم نیک بخواب بنید و مردم نیک از مزه دهنده بود بخیرهای که بوی خواهد رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت کردن
تا از عقوبت رسته گردد زیرا که رسول الله صلعم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را خشکین بنید بد
باشد عبد الله بن عباس گوید که اگر کسی جنازه رسول صلعم بخواب ببیند در آن دیار رنج و مصیبت

بسیار بود و اگر دید که از پس خباز رسول الله صلی الله علیه و آله میرفت دلیل بر پیروا بدعت باشد و اگر بینید که او را زیارت میکرد و دلیل که
مال و نعمت و ولایت یابد و اگر بینید که رسول الله صلی الله علیه و آله میگوید که کافر شود و کفره تعالی قل با الله و اياته
و رسول الله کنتم تستهزئون لا تقتنروا قد كفر بعد ايمانکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زیارت سپیدان در خواب
برده و جیم بود و یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم قوت دهم خیر
دو جهانی و نیکوئی مردم آنموضع که اینجواب بنید تاویل رویه الراشدین اول امیر المؤمنین ابو محمد صدیق رضی الله عنه ابن سیرین
گوید که اگر کسی ابو بکر رضی الله عنه در خواب ببیند دلیل شادی و کرامت بود و اگر مالی گوید که اگر کسی ابو بکر رضی الله عنه زنده و شهری
ببیند دلیل کند که مردم آن دیار و آن شهر زکوة و صدقه بسیار رویند چون او را کشاده روی و خوش طبع ببیند و اگر ترش روی
ببیند و خوش طبع نبیند بخلاف این بود امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین
عمر خطاب را بخواب ببیند دلیل که او را و با انصاف بود و اگر او را در شهری خوش طبع و کشاده روی ببیند دلیل که مردمان
شهر عدل و انصاف پدید آید امیر المؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان ابن عفان
را رضی الله عنه در خواب ببیند دلیل که در ع و زید و پیرمیز کاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و کشاده روی ببیند دلیل که مردمان
آن شهر لقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی رضی الله عنه ابن سیرین گوید که اگر کسی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه بخواب
ببیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری ببیند آن شهر لعدل و انصاف موصوف گردد
و لیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم جمیع ابن سیرین گوید که اگر کسی صحابه را بخواب ببیند
دلیل که در راه دین و اسلام یکانه باشد و در میان مسلمانان صادق القول گردد و بداینت موصوف گردد و کفره علیه
السلام اصحابی کالتجوه با یتم اقتدایتم اهتدایتم ترجمه گفت صلی الله علیه و آله سلم یاران من ستارگانند که هر قدر می
آنها کنند را یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را که بخواب ببیند خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار
رضی الله عنه را که بخواب ببیند دلیل که حج و غیر آن کند ابو هریره والنسب بن مالک رضی الله عنهما را که بخواب ببیند دلیل که نسبتها
را غیب بود و علم و شریعت دوست دارد و سلمان فارسی را که بخواب ببیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی و اندوختن
حمود کرد و عبد الله بن عباس و ابن مسعود و ثار که بخواب ببیند دلیل که بکار دین مجتهد باشند بلال حبشی را که بخواب ببیند
دلیل که معروف گردد و ثواب بوزنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه و آله سلم دلیل
بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب ببیند دلیل که بر کارهای خیر و طاعت
توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و اشراف از صفی الله علیه و آله سلم و راه نمایان مسلمانان و اگر بیند که در
شهری و یا در محلی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بختار و کردار
امرونی منکر تمام شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغمبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیه چیزهای

و دیگر که بنید بر حرف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التبیان آبادانی ابن سیرین کوید که
بنید که جایگاه خراب را آبادان نمی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خرد و
ثواب آخرت که ویرا حاصل کرد و اگر بنید که زمینی خراب از خود آبادان نمی کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که
خیر و فایده اینچنان یابد و اگر بنید که جایگاه آبادان بنیقا و خراب شد دلیل کند که آله نجایکها را بلا و مصیبت
رسد و بفرخی کوید که اگر کسی خوشنیت را بخواب و جایگاه آبادان مقیم بنید دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی
که دیده بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب
بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارهای اینچنانی دوم خیر و منفعت سیم مراد و کامرانی چهارم بر کشایش کارهای بسته
آب بدانکه زندگانی همه چیز بآبست قوله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی ابن سیرین کوید که بر فراز آب
همی رفت چون آب دریا و رودخانه و آنچه بدین نماید دلیل کند بر قوه ایمان و اعتقاد پاک و می و اگر بنید که آب صاف
خوشکوار می بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش بود و اگر بنید که آب تیره یا ستور می خورد
تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که از دریا آب صاف خوش می خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت
یابد و اگر بنید که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بجزی و بعضی کوید که بقدر آن از آب دریا
خورده بود ویرا سر رکی و مال و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بد و رسد بار خج و
سختی و بیم و ترس بود و کرمانی کوید که اگر بنید که آب گرم می خورد دلیل بود که بهاری و سرخ کشد و اگر بنید که بروی آب گرم
همی سختند خیال که او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار کرد و یا سخت بد و رسد و اگر بنید که در آب بنیقا و دلیل کند که در سرخ و غم گرفتار کرد و اگر بنید که
آب بجام برداشت دلیل کند که برال زندگانی فریفته کرد و اگر بنید که در کاسه آکینیه بزین خوشش داد و کاسه آکینیه را نسبت بچوهر زمان کرده اند
و آب که در کاسه آکینیه بود و فرزند طفل بود که در کرم مادر باشد و اگر بنید که کاسه آب بر خیت دلیل کند که حفت او بمیرد و فرزندش بماند
و اگر بنید که آب بر خیت و کاسه تهی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بنید که بی سها آب بمرد می داد و دلیل کند که در دنیا آخرت
خیر او بمرد رسد و جایگاه خراب آبادانی کند و اگر بنید که در خانه که اندازان آب ریخته بود و داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر کرد و اگر بنید
که آب صافی پاکه مانند سی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذراند اما کاری کند که بلا و فتنه بد رسد که مال جمع را اندک بزمان
بخشد و بخیارت خرج کند بفرخی کوید که بهای که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر آبهای بسیار دیده بزمین
خورد دلیل کند که مردمان عامه سلامت و عافیت بود قوله تعالی و قیل یا ارض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی و غیض الماء و اگر بنید
که بهای از مردمان فروی آید دلیل کند که در آن سال نعمت و فراخی بود و در آن دیار قوله تعالی اذا صبنا الماء صبیّا و اگر بنید که در خانه و آب
صافی بود دلیل کند که نعمت و خرمی و معیشت یابد و اگر بنید که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تا ویش بخلاف این بود و نهایی کوید که آب را در کشت
از چوبها و روغن دلیل کند بر مال و دستکاری از غم و اندوه و آب دادن مردمان دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای نیک

و پسندیده بود و اگر بنید که باب اندر می رفت و اندران وقت تن او قوی بود و دلیل کند که لشعل صحت مشغول کرد و از قبل میسی و
 قول او اندران مقبول بود و خاصه که رمی اندران کا بنظر کرد و اگر بنید که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود و دلیل بر قوت دین بود
 و تکل کردن بر این و تعالی و استقامت کاروی و اگر بنید که آب سیاغ می برد و دلیل کند که زن خوابد یا کینه خرد و اگر کسی بنید که آب
 پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که آب تیره بروی ریخت تا ویش بخلاف این بود حضرت
 صادق علیه السلام میفرماید که آب فروختن بخواب مجرب بر پنج و شصت کینه است اول یقین دوم قوت سیم کار و شوار چهارم ندی پنجم
 عمل از جهت نرس شهر بد آنکه تا ویل باران در حرف بی بیان کنیم و تا ویل آب چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف چیم و آب دریا را بحرف
 وال و آب رود را بحرف را و آب کار را بحرف کاف و هم برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی مینویس باز نایم نامعلوم بود
 آب عینی و انیال گوید که آب عینی دلیل بر فرزند بود و اگر بنید آب از بینی او می آمد دلیل کند که دیر فرزند آید و اگر بنید که از بینی او خل
 بیرون آید همین دلیل کند که زانی نکوید که اگر بنید که از بینی او آب فرو می آمد دلیل کند که دامنش کزاده شود و از سرخ و سختی و غم برید
 و اگر بیمار بود شفا یابد این سیرین گوید که آب عینی در خواب فرزند بود و لیکن اگر بنید که آب عینی بر اندام او افتاد و دلیل کند که دیر پسر
 آید و اگر بنید که بر زمین افتاد و دلیل کند که دختر آید و اگر بنید که آب عینی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آبستن کرد و لیکن
 فرزند را بفکند و اگر بنید که زن بروی آب عینی افکند دلیل کند که او را پسری آید و اگر بنید که آب عینی در سرای همسایه افکند دلیل کند
 که زن همسایه خیانت کند و اگر بنید که آب عینی خود را در ستر مردی افکند همین دلیل کند این سیرین گوید که اگر بنید که آب عینی خود را بخورد
 و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بنید که آب عینی زن خویش را می خورد و دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بنید که آب عینی او سیاه
 و تیره بود دلیل کند که فرزند او زنده و وصیت رسد و اگر بنید که آب عینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار کرد و آب ناخشن *
 این سیرین گوید که اگر کسی بنید که آب ناخشن کند بجای کاهی که موضع آن نباشد اگر خواب غمگین و دام دارد و دلیل کند که از غم فرج یابد
 و دامنش کزاده کرد و اگر بنید در خواب تو را که کرد و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب ناخشن و انیال گوید که اگر بنید که در
 جای کاهی چهل آب ناخشن کند و دلیل بود که از اهل موضع زن خوابد یا کینه خرد و اگر بنید که بجای آب ناخشن خون همرفت دلیل کند
 او را ناقص آید و اگر بنید که بجای آب ناخشن ریخت میرفت دلیل کند که او را فرزندی آید بنی معلول و بعضی معبران گفته اند که آب ناخشن
 مال حرام بود و اگر بنید که آب ناخشن می خورد و دلیل کند که مال حرام خورد و کرانی گوید که اگر بنید که اندر چاهی آب ناخشن کرد و دلیل کند که از کسی
 مال حلال حاصل کند و اگر بنید که آب ناخشن می کرد و دلیل کند که او را فرزندی که قرآن طاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بنید که برخی
 از آب ناخشن ریخت و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال می برد و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بنید که در میان
 از آب ناخشن وی مسح می کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند و جابری گوید که اگر بنید که
 در مسجد آب ناخشن می کرد و دلیل کند که مال خویش خزینه کند و بر وجه خویش و اگر بنید که جامه وی بآب ناخشن آلوده گشت دلیل کند
 که مال خویش بر فرزند خویش خزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب ناخشن در خواب موضع خویش موم را زانوی رسد

که کارای زمان گذارد و پیوسته او را بازمانی مخالفت بود اوله این سیرین کوید که ابله و خواب زیان مال بود اگر بنید که بر تن او
ابله بود که بقدر آن خاسته مال او را حاصل کرد و کرانی کوید که بر تن او ابله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت صادق
فرمود که ابله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول یادتی مال دوم زن خواندیم پسش آید چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس بیم امن کرد چون
ابله بنید آنبوس ابن سیرین کوید که بدین آنبوس در خواب مروی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تو اگر محکم بودی
از وی چیزی بکس نرسد کرانی کوید که آنبوس در خواب فی بودیم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آنبوس
در خواب کسی باشد هم برین صنعت که گفته کردید آتش و انیال کوید که کسی آتش بدید و بنید در خواب دلیل که یادشای
نزدیک کرد و کار بسته او کشاده کرد و اگر بنید کسی ویرا و آتش افکند و آتش ویرا سوخت دلیل که یادشای و بروی
سخت کند لیکن زود خلاصی یابد و بشارت نیکویی یاد چنانکه از و تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا ناد کوئی بود او سلا ما
علی ابی ایهیم و اگر بنید که آتش ویرا سوخت دلیل کند که روی بکراهت سفری کند و اگر آتش با تف و موز و سوز بنید دلیل
کند که از علت شب بیمار گردد و اگر بنید که آتش اندام ویرا سوخت دلیل کند که آن سوختگی ویرا رنج و مضرت رسد و اگر
کسی بنید که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه می زد و از و سیم و ترس در دل او نیاید دلیل کند که آن شخص
معصیت که بدور رسد بسبب بیماری وضعف بود چون سر او طاعون و ابله و سرخه و آنچه بدین ماند و اگر بنید که زان آتش
فرگرفت دلیل کند بقدر آن از یادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بنید که آتش را دو دو بود دلیل کند که مال حرام ویرا رنج و تیمار
حاصل کرد و با جنات خدمت و اگر بنید که ز آتش کرمی و پیش بوی میسب دلیل کند که کسی ویرا از دو غیبت کند کرانی کوید که
بنید که آتش بمردمان می انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت و دشمنی افکند و اگر باز کرانی بنید که آتش در دکان
و کالای او افتاد دلیل کند که کالای که دارد بر باد و دیر یا آنچه بدین ارز و بکس درم فروشد و بکسی شفقت نبرد و اگر بنید که آتش خانه
کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ فتنه و جور سلطان افتد و اگر بسیند که آتشش جامه او را بسوخت و دلیل
کند که با خویشان جنگ و خصومت کند و از بسبب مال اندوختن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمین بنید دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ
افتد و اگر چیزی سوخته بنید دلیل کند که از جهت زنان وی با کسی خصومت کند و اگر بنید در شهر می یا در محل یا در سرای آتش
افتاد و چنانچه هر چه بود و آتش زبانه میزد و آواز سهکین می داد دلیل کند که در آن موضع جنگ کارزار بود یا بیماری
صعب افتد و اگر بنید که آتش بر چیزی را بسوخت و برخی را کرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود در جنگ و کارزار
در آن موضع و اگر زبانه و فتنه نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و دیند دلیل کند بر ترس بیم اندوکار
و اگر بنید که آتش آسمان بنیاد شهر می یا محله یا سرای بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر
بنید که آواز سهکین داشت و زبانه میزد و در جایی افتاد لیکن کند و زبانه نمیکرد دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی خصومت
افتد و زبان و اگر بنید که از زمین آتش سهکین برآمد و سوی آسمان شد دلیل بود که آن موضع دوستان با حق تعالی حرب کنند

بدروغ و بهتان گفتن بروی بقدر وقت آن آتش که دیده بود و اگر بنید آتشی از جای بجای میرفت و آن آتش هیچ کز اند
 نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت یابد و اگر در پیش بود تو آنرا کرد و استعیل آتش گوید که اگر کسی بنید که از آسمان مانند باران آتش
 میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن بود و از جهت پادشاهان و آن موضع و اگر بنید آتشی از آسمان باید و چیزهای خوردنی که از آن او بود و خست
 دلیل کند که طاعتهای وی نزد حق تعالی پذیرفته کرد و قوله تعالی یقرآن یا کلاً الشاد و اگر بنید که از آسمان آتش میبارد
 کسی را سوخت بیم حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار الی کثیر لهما انکین یون و باشد که از پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
 بر آتشی بزرگ کرم میشد دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بنید که بر آتشی چیزی میسخت شغل نمی و دنیاوی تمام
 کرد و اگر بنید که آتشی از آسمان فرو داد و نبات زمین را سوخت دلیل بود که در آن دینار نعوذ بالله مرک مفاجات بسیار بود و
 اگر بنید که آتشی بزرگ قبه یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع هلاک کرد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بنید که آتشی
 از زمین برآمد و فروغ میداد دلیل کند که در آن موضع کینج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بنید که بارهای آتش میخورد و دلیل
 کند که مال پیمان میخورد قوله تعالی الذین یا کلون اموال الینماحی ظلمنا لیا کلون فی بطون فیهم نار و سیصاوان
 سیصاوان و اگر بنید که از دمان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بنید که هر جای آتشی میوزند
 میسخت دلیل کند که از هر جای میسخت و مردمان پادشاه و اگر بنید که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او از زبان
 مذمت دلیل کند که بدو چیز نیک رسد قوله تعالی اخر انیم النار الی تو دون و اگر بنید بنیم آتش عظیم میسخت دلیل بر جنگ و فتنه
 کند و در آن دیار قوله تعالی کلما اوقد و انار الکرب و اگر بنید که آتش در مردم میوزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بنید که
 آتش میوزد و آن آتش نور داشت دلیل کند که از غلت سرسام بیاری کشد و اگر بنید که آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را
 از خویشان و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی شاکویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در روز مکه آتش بنید
 دلیل کند بر بهار بسیار میسخت چون آبله طاعون و سرسام و مرک مفاجات نعوذ بالله و اگر آن آتش را باد و دیند دلیل کند که از
 پادشاه او ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بنید دلیل کند بر بدینی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف نهند و بر
 خریده دروغ گویند و اگر در دیاری آتشی افروخته بود دلیل کند که در مردم آنجا معصوده بود از پادشاه و از او بر رعیت
 ظلم رسد و اگر در راه مجهول آتش بنید دلیل بر بدینی بود و اگر آتش در جائه کسی افروخته بود دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر
 خورشید را بر آتش ایستاده بنید دلیل که او را رنج رسد آتش افروخته ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و
 آتش بدو و فروغ قوت بود و خواسته آتش با دو پادشاه تکر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بنید که آتش بر افروخت
 تا کرم کرد و یا کسی دیگر بدان کرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بنید که سفایده آتشی بر افروخت دلیل
 کند که بی سببی جنگ و خصومت کند و اگر بنید که آتشی بر افروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد سبب
 غیبت مردمان تا طلب حال کسی کند و اگر بنید که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد

باغ و مانند و اگر بگوید که بریزد یک تش می فروخت و در یک کوشش بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار
که با لایمی خانه را منفعت رسد و اگر بگوید که در آن یک سیح طعام نبود دلیل کند که از آن کار را در غم و اندوه بود و اگر بگوید که
برافروخت از برای روشنایی دلیل کند که کاری بر بخت و برهان روشن کرد و اگر بگوید که آتش برافروخت که خلوا سازد دلیل کند که او را
سخنی نیکو گویند که آتش میگوید که بگوید در جایگاه آتش برافروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت
کند بدی گوید و اگر بگوید که آتش را در بخور یا در آتش دان همی فروخت بی آنکه طعام پزد و دلیل کند که با مردمی از خویشان و یا
اهل بیت او را جنگ و خصومت افتد و اگر بگوید که خواست تا آتش برافروزد از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی فروخت و
روشنایی نمیداد دلیل کند که از علم خویش برخوردار می باید و اگر این کس پادشاه بود و عذر و جاه و دولتش افزون کرد و اگر
بگوید که آن آتش که فروخت بمرد دلیل کند که هلاک کرد و جای که بگوید اگر بگوید که در بیابان آتش می فروخت که مردمان از نور آن
آتش راه می یافتند و هر کس موضح و مقام خویش می یافتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بگوید که
آن آتش فرو میبرد و نور و از ایل میگرد و دلیل کند که آتش متخیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بگوید که آن آتش در بیابان
افروخت و بر راه راست می خروید دلیل کند که علم او مردمان را بر ابراهیم خلاصت برود و اگر بگوید که آتش در موضعی برافروخت تا آن موضع را
بسوزد و آتش از آن سوخت و آن بازار کان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بگوید که از خانه بیاید
آتش می برد دلیل کند که مالی حرام بدورسد و روشنایی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنایی آتش بنیچانکه
بدان روشنایی راه تو از رفت دلیل کند که زادی یا بدو اگر روشنایی آتش را بیاید دلیل کند که سبب دولت او پاهای او
و اگر آتش فروخته بنید دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آتش فروخته بنیچانکه از نور آن خانه بود دلیل
کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده کرد و اگر بگوید که آن آتش را که در خانه خود فروخته بنیچانکه از نور آن خانه بود دلیل
پرسیدند و انبیا گوید اگر بگوید که آتش می پرستید و سجد میکرد دلیل که پادشاه بنظر اسجد کند و بخدمت او مشغول گردد
چنانکه او را شکستند اگر بگوید که تنور یا آتش یا چراغ اسجد میکرد دلیل که بخدمت زمان مشغول گردد و اگر بگوید که آتش را بوسه می داد
و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بگوید که در میان آتش مرا خواهم همیگرد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازگردد
و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود خاصه که از آتش بزن او کردند و اگر از آتش تن او را هم کردند و دلیل کند که بر سلامت سلامت
نفس و جمعیت بار و زکار او از پادشاه وقت و اگر بگوید که در میان آتش رفت دلیل کند که بقد آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بگوید که
آتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنایی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که در شمس طفره یابد و مردود جهانی
حاصل کرد و قوله تعالی و ادخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل
گوید که اگر کسی در خواب بنید که آتش می پرستید دلیل کند که باز داری دعوانی کند و آن آتش که می پرستید اگر شکل انگری بود که در خل
ازین جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شاره آتش ابن سیرین گوید که شاره آتش در خواب سخن بد باشد که بوی

رسد و اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گرد و گمانی کوید اگر بنید که
 در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد دلیل کند چنانکه و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بنید که شراره ای آتش سخت
 بزرگ بود و دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی **إِنَّهَا تَرَحَّبُ بِمُتَدَلِّينَ** و کافقر
 کافله جماله صفر و اگر بنید که شراره آتش در میان مردمان افتاد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر جنگ خصومت
 افتاد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت زشت گفتن بود و جای مغربی کوید اگر بنید که پاره آتش در دست داشت
 دلیل کند که بکار یا دوشاه مشغول گرد و اگر بنید که با آن آتش بود و دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر
 بنید که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه دالی حرام بدست آورد و اگر بنید که از آن آتش پاره
 مرد مرایی داد و دلیل کند که از گردازی مردمان رنج و مشقت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بنید که چتری از خور و فی
 بهی سخت و پیچور و دلیل کند که سخنها می خوش شنود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در خواب بر بست
 رنج و وجوب و اول فتنه بود و دوم کار زاریم فساد چهارم مرتب پنجم خصومت ششم سخنها زشت هفتم منع از کام و مراد
 هشتم خشم یا دشتاد نهم عقوبت دهم نفاق یا دهم پیرایه و دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه بدی چهاردهم مصیبت پانزدهم
 ترس و بیم شانزدهم سوختن هشتدهم خدمت پادشاه سیزدهم طاعون نوزدهم سرام بیست و یکم گشایش کار بیست و دوم
 فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی بیست و پنجم منفعت آتش ان ابن سیرین
 گوید که آتش در آن خواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش در آن زمین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل خانه
 بود و اگر آتش در آن چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتش در آن ازل بود دلیل
 بود که آن زن اهل کردن گناهان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در آن خواب بر دو وجه بود اول زن
 خادمه دوم کنیز آتش زنه ابن سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتش دان این هر دو انا باز باشند که از ایشان
 یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان را بر شرف و کارهای بزرگ در آورند گمانی کوید اگر بنید که از آتش زنه
 آتش بیرون می آورد و از شمع یا چراغ برافروخت اگر بنید که پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش
 یابند و اگر بنید که خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او بهره یابند و اگر باز کان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر
 و احسان کند و اگر در ویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کرداری منفعت یابند حضرت صادق علیه السلام میفرماید
 که اگر بنید که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا شغل و مشغول گردد و از ثروت مال
 بدست آورد و اگر بنید که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیاید آتش که این سیرین گوید که آتش که در خواب
 جایگاه کرده بود گمانی کوید که آتش که جایگاه مردم جمع و خالی بود و اگر بنید که در آتش که دفت و از اینجا چتری بوی رسید دلیل کند که آن
 مذلت و خواری بوی بد کنیز از بوی برادر و سرخا پیشانی خوردار و کون بدانکه از کون شکوفه است دیدن آتش در خواب دلیل بر رنج و بیماری

سختی

ترش

ترش

ترش

بود آورد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی سرخ بد و رسد و انیال کوید اگر بنید که آر چون برف از بهامی آمد دلیل کند
 که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل کرد و از آنجا که آمد بخار و این سیرین کوید آرد و جوتها و این دوستی دین بود و آرد و آنم
 مالی بود از تجارت که بسیار فایده بود و آرد و کاورس مال اندک بود که حاصل کرد و جابز غزنی کوید که آرد و فروش بخواب دیدن مردی
 باشد که دین خود را بدینا آورده بود و آرد و سیر کرمانی کوید که آرد و سیر بخواب مردی باشد که در میان دوستان و خویشان می کرد
 ابن سیرین کوید که آرد و سیر بخواب زنی بود و فضول یا خادمی بود که اگر بنید که آرد و سیر بزرگ نوزاد گرفت یا کسی بوسی داد دلیل کند که
 زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خوشکار دوست وی کرد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت او مقیم بود دوست وی
 شود حضرت صادق علیه السلام کوید آرد و سیر بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دویم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت
 اندک آرد و سیر کرمانی کوید که اگر بنید که در خواب آرد و سیر بزرگ نوزاد گرفت یا کسی بوسی داد دلیل کند که
 طعامی بود و از کلویش بیرون آمد دلیل کند که جلش نزدیک بود و محمد بن سیرین کوید اگر بنید که آرد و سیر ترش و ناخوش بر آورد دلیل
 کند که سخنی گوید که از آن مغرور و خطر بنید و اگر بنید که آرد و سیر همچون دو بر آورد دلیل کند که بی شکام سخنی گوید که از آن انزاعی گوید
 و ملامت کند و بر سر انجام از آن پشیمانی خور داند او شدیدن و انیال کوید اگر کسی بنید که از او شد یا کسی او را از او کرد دلیل کند که
 اگر بیمار بود و شفا یابد و اگر وام دار بود و امانش گذارده شود و اگر حج کرده باشد بگذارد و اگر بنید بود و از او کرد و اگر گناه کار بود
 توبه کند و اگر غمگین بود و شادمان کرد و از غم فرج یابد و اگر عبوس بود و خلاص یابد و علی الحکمه آزادی و خواب بنایت نیکو
 پسندیده است آستانه کرمانی کوید آستانه بالائین در خواب که خدای خانه بود و آستانه زیرین که بانوی خانه و اگر بنید که
 آستانه بالائین در رویه و خواب شد دلیل کند که خدای خانه بمیرد و اگر که خدای خانه بنید که آستانه زیرین خانه بمیرد
 یا بسوخت دلیل کند که که بانوی خانه بمیرد و ابن سیرین کوید اگر بنید که خداوند آستانه زیرین با آستانه بالائین نوبدل کرد
 دلیل کند زن و طلاق دهد و زن دیگر بخوابد و اگر بنید که آستانه بالائین را بکند دلیل کند که خود را هلاک کند و اگر بنید که هر دو
 آستانه خولیش را بکند و خواب کرد دلیل کند که که بانو که خدا هر دو هلاک کردند آسمان و انیال کوید که اگر کسی خولیش را
 بر آسمان اول بنید دلیل کند که اجل می نزدیک آمده بود و اگر خود را بر آسمان دویم بنید دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان
 سوم بنید دلیل کند که عز و اقبال انجمنی یابد و اگر بر آسمان چهارم بنید دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم بنید
 دلیل کند که هیبت و ترس بیم یابد و اگر بر آسمان ششم بنید دلیل کند که بخت و دولت و نیکی یابد و اگر بنید که بر آسمان هفتم بنید
 و لیکن در اینست دید دلیل کند که کار می وی بسبب مردی بزرگ بسته کرد و اگر بنید که در آسمان نیاست نگاه کرد و در سر
 فروان کند بود دلیل که از دیدار مردی بزرگ جدا کرد و اگر بنید که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و بزرگی بکشند دلیل کند که در می علم و حکمت بزرگی
 گشاده کرد و ابن سیرین کوید اگر کسی خود را بر آسمان بنید دلیل که او ستمی پیدا شود و در آن ستم و رتبت دنیا و آخر حاصل کرد و اگر بنید که بر پنجمی آسمان بنید
 ستمی بود با نعمت و برکت و اگر بنید که همچنان راست می پرید تا با آسمان رسید دلیل کند که ستم و سرخ بنید و اگر بنید که با آسمان رفت

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

حرف

١٠

خراگرفت لیکن نه از آسمان و نه در شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بنید که آفتاب
تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود این سیرین کوید که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود
و ماه و وزیر او و زهره زن پادشاه و عطار و دبیر پادشاه و منرخ پهلوان پادشاه و ستارگان دیگر لشکر او بود و جابر مغربی کوید که
آفتاب در خواب پدید بود و ماه و ادویه و ستارگان دیگر پادشاه بود و چنانکه حقیقتی در کلام خود در قصه یوسف یاد کرده است
قوله تعالی اِنِّیْ دَاۤیْمٌ اَحَدٌ عَشْرٌ کُوَکُبًا و الشَّمْسُ و الْقَمَرُ دَاۤیْمًا لِّیْ سَاجِدٰۤیْنِ و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه
بیند دلیل بر پدید آمدن و در و برادران بود و اگر بنید که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه وی تافت دلیل کند که از غمها فرج یابد
و اگر بنید که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشاند دلیل که حال پادشاه مضر گردد و احوالش بد شود و خاصه وقتی که بنید که آفتاب بنکسف گردید
و اگر بنید که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد و لیکن زود به شود و اگر بنید که بر جرم آفتاب رسی یا رشته فروخته
و او دست بر آن رسد دلیل که نو پادشاه او را یاری و قوت بود و اگر بنید که آن رس بجست و او بیفتاد دلیل که زبیری و
منزلت بیفتد و اگر بنید که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که کناه یا خطائی از او ظاهر گردد و اگر بنید که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان
در یکجا جمع شدند و او جمله را گرفت و نور ایشان بستاند دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاهان جهان جمله طمع او شوند و اگر بنید که
آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بنید خواب هلاک گردد و خاصه که ظالم و مستکبر بود و کرامی کوید
اگر بنید که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بنید که دو پادشاه را با هم جنگ
خسومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بنید که آفتاب بر زمین فرو آمد و هیچ نور نداشت دلیل بود
که پادشاه آذین یا محمول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی بزرگ
رسد و او را نیز از آن بهره بود و اگر بنید که آفتاب در سوراخی فرو شد و نا پدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عالم مرم
را غم و اندوه رسد و اگر بنید که ابر آفتاب را ستارگان را همی پوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش از پیشش و شمش بهر میت شدند و اگر
بنید که آفتاب را همی پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد و اسمعیل اشعث کوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی با آفتاب
گردید دیگر بار روی از آفتاب برگردانید دلیل که آن شخص گناه بود و پس مسلمان گردد و بواقبت کافر گردد و اگر بنید که آفتاب
باز دید دلیل بود که پادشاه آند یا را بجهت چیزی جزئی رنجی رسد از جانی که امید دارد و اگر بنید که آفتاب با وی سخن گفت دلیل
کند که از پادشاه جاه و شهنش و بزرگی یا بد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر پشت و وجه بود و اول
خلیفه دوم سلطان بزرگ سیم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت عیبت هفتم مردان و زن و زن را شوی
هشتم کار روشن نیکو و هم او کوید اگر بنید که آفتاب را سجده کرد دلیل که سلطان او را بنواز و مقرب خود گرداند و کار وی بالا
گیرد و عدل و انصاف و رئیس و امیران و یار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب بدین حد آن بود که گفتم او اما این سیرین کوید که آفتاب در خواب
از خادمه بود یا کوید که چراغ خانه بدو تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتاب خام قومی بود که آن قوم طاعت او کرد و آید و از معصیت پشیمان

خواب

کنند و اگر بنید که آفتابه نبود داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل کرد بدین صفت که گفتیم و اگر بنید که آفتابه
 بشکست دلیل که خادمه یا کنیزک بیار کرد و ویرا بنید که آفتابه و ضایع کرد بدلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا کرد
 حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادمه سیم کنیزک چهارم قدام پنجم تن ششم
 دراز هفتم مال و ثمن هشتم خیر و برکت نهم راحت از جهت زنان العج بداند که العج را بازی رغور گویند اگر کسی در خواب
 بنید که العج همی خورد دلیل که او را رنج و بیماری رسد بقدر آن کرمانی گوید که اگر بنید که العج داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون
 ریخت و از او نخورد دلیل که او را رنج و بیماری امین کرد و در علی الجمله خوردن العج در خواب در این پنج خیر و منفعت نباشد اما س
 ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بنید که برتن او آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد و
 خاصه چون که در آن آماس ریخ میزد که بسیار بود کرمانی گوید که بنید که برتن او آماس بود چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن
 مال حلال یابد و اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آماس برتن
 پنج وجه بود اول مالش زیاده کرد دوم زنی با منفعت خود اید سیم پس آورد چهارم جانش رو کرد و پنجم امین کرد و انچه
 و اگر سه تن خود را آماس بنید دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آهک و انبال گوید که اگر کسی بنید که با آهک موسی
 از تن بستر و دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موسی که بستره بود او را مال حاصل کرد و اگر نکمین بود از غم فرج یابد و اگر وام
 دارد و مالش گذارد کرد و این سیرین گوید که اگر در خواب نو انکر را زیادتی مال بود و در ویشتر گذاردن وام و
 کافرا نشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آهک در خواب بر نه وجه بود اول خبر بدو دوم سخنهای
 زشت ناخوش سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آهک در تاویل بدو دهم حسن ابن سیرین گوید که آهن معمول خواب دیدن
 خادم بود و اگر نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن و اگر بنید کسی که آهن بوی دادند دلیل که از متاع دنیا بقدر آن
 آهن کسی چیزی بدو بخش کرمانی گوید که هر آهن که کسی خواب بنید که آن سبب صلاح دارد و از منسوب بپادشاه بود چنانکه خدی عزوجل
 در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالى وَإِنَّا لَنَاصِرُونَ الْغَافِقِينَ و منافع للناس و اگر بنید که آهن از تن
 بیرون می آید دلیل کند که او را سختی پیش آید قوله تعالى قُلْ كُونُوا حِجَابًا و أَوْحَدِيدًا او خلقا مما يکذب فی صد و در کوه
 جابر مغربی گوید که اگر کسی خواب بنید که آهنی بیکر دوز را اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهن بیکر بود دلیل کند
 بر خیر و منفعت بعضی از معبران گفته اند که آهن تباویل پادشاه بزرگ بود و او را آهن سیرین گوید که دیدن آهن بیکر خواب چون معروف
 بود دلیل پادشاه بود و اگر معروف نبود تاویل نیک و بد آنچه دیده بود با آهن بزرگ کرد و اگر بنید که آهن یا مس همی که ریخت دلیل کند که این کس در انرا
 غیبت کند و زشتی گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چیزی که از آهن خواب بنید که از سوزن بود آن هم منفعت و دولت و ولایت و توانائی و
 ظفر یافتن بر دشمن بود آهس و دیدن کرمانی گوید که بنید که آهس را فرو گرفت دلیل که کنیزک خبر می دهد حال کرد و اگر بنید که کوهی آهس بر دلیل که
 دوشیزکی دختر بهر کبر و اگر بنید که آهس را از قفا کوه بر دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت جماعت کند و اگر بنید که پوست آهس را بکند دلیل که

رج

رج

رج

رج

در آیه انما یصل

رج

بازنی غریب ز ناکند و اگر بنید که پوست آهوا همی خورد و دلیل که او را از زنی خو بروی مالی حاصل کرد و اگر بنید که پوست آهوا
یا گوشت یا سبزه او را بپزند دلیل که او را از زن مالی رسد و اگر بنید که آهوا را بکشد دلیل که از قبل زن اندو مکن کرد و این سیرین
گوید اگر بنید که بی آنکه کرد و آهوا رو و بنیکند دلیل که زنی را و او شیر کی ببرد و اگر بنید که آهوا وقت شکار بنیکند دلیل که شصت
یا بد و اگر بنید که آهوا در خانه او برود دلیل که از جهت زن غم و اندوه بد و رسد و اگر بنید که آهوا را بنیک یا بپزند و دلیل که سخنی ناسزا گوید
زنی را جابز غریبی گوید اگر بنید بپنج آهوا گرفت یا کسی بد و داد دلیل که وی را از کینز کی فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
آهوا در خواب بر چهار وجه بود و اول زن دوم کینز کی سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز ابن سیرین گوید که آواز مردور
خواب چون بلند بود و دلیل کند که در میان مردم بزرگی یا بدار کسی بنید که آوازش بلند گشته بود و دلیل کند بر قدر بلند می آواز و
نام و بانگش بلند کرد و اگر بنید که آوازش ضعیف گشته بود و دلیل که بانگ و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یا داد و بکند
کرمانی گوید بلند می آواز مردان را دلیل شرف و بلند می نام کند اما بلند می آواز زنان در خواب نیکو نباشد بخلاف آواز مردان
بود بسیار می آویختن و انبیا گوید اگر کسی بنید که پادشاه و فرموده او را بیا و بیزند دلیل که از پادشاه شصت و جاهد و بزرگی یابد
لیکن دلیل که در ویش خلل افتد و اگر بنید که هنگام آویختن مردان نظرد روی میگرداند و دلیل که بر عدد آنقوم بهتر می و
فرمان روائی یا بدار بنید که گروهی جمع شدند و بر ایا و بپختند دلیل که بر آنقوم بهتر و فرمان رواد و اگر بنید که سیری مجهول
و بر ایا و بخت و مردان بنظر آهوا همی بود و دلیل که بخلق جهان فرمان رواد و چون بنید که خوشان بنظر آهوا همی بودند
و اگر بنید که خوشان را بیا و بخت و بپس روی نظاره نکرد بلکه خود را آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خوشان خود بهتر می کند و لیکن کسی
مطیع او نکرد و جابز غریبی گوید چون و بر آویخته بود و در لیسان برید و بنیقا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بفتند آئینه ابن سیرین گوید
که آئینه در خواب جاه و ولایت بود و اگر بنید که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد و دلیل کند که به قدر بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت نسبت
یابد و اگر بنید که آئینه کسی داد و دلیل کرنا و متاع خوش پیش کسی نهد و اگر بنید که در آئینه سیم نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه و خوش
که است بنید زیرا که آئینه سیم را کرده دانند کرمانی گوید که اگر مردی در آئینه آئین می نکرید دلیل که اگر زن وی حامله بود پس
آورد که همه چیز را مانند پدر بود و اگر زن بنید که در آئینه می نکرست و آبستن بود و دلیل که دختری آورد که همه چیز مانند مادر بود و اگر
زن آبستن نباشد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و زن دیگر بخوابد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پس بنید که در آئینه نظر میکرد
دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند و بر خواهی آید و اگر پادشاه یا عالمی نگاه کند معزول کرد و ولایت از دست او
برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابز غریبی گوید که روی نیکو در خواب اگر در آئینه دید چون معروف بود و پادشاه بود و اگر معروف نباشد
تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد با آئینه باز کرد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آئینه بخواب شش وجه بود و اول آن دو علم سیر
سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انبار ششم کار روشن و هم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب ببیند دلیل که زن خواهد بزرگی
یابد و اگر دختر بنید دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز و کرمانی بود و اگر بنید که مردی مجهول آئینه بد و داد و روی نکرست دلیل که بدیدن دوستی

حرمان

سختی

خرینه

غایب شادمان کرد و امر دیدن در خواب و انبال کوید که برنجواب دیدن برشش نوع بود و اول بر بنفید سیاه و زرد
 و سرخ و ابر بارنده و نابارنده و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر غشی خستین را و زرد بر بنفید بارنده دید دلیل که خدای عزوجل بر
 علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان را از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر ببیند که در زیر ابر زرد بود و دلیل که بکار کرد و بعضی از
 منبر آن گفته اند که زنی خواهد و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر ببیند که در زیر ابر سرخ بود و دلیل که بر خست و بلا گرفتار کرد و وزیر که
 خدای عزوجل بر قوم که عذاب فرستاده است نخست ابر سرخ بر فلان آن ظاهر شدی و اگر ببیند که بر فلان ابر سر است باریتاد دلیل که تقبیر
 آن فرمان روائی یابد و اگر ببیند که ابر بر سر او میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو چاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل کرد و
 ابن سیرین گوید اگر ببیند که ابر را در هوا میگرداند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه ببیند دلیل که در ولایت
 خویش بر ولان و صاحب خزان فرستد و اگر ببیند که ابر از هوا گرفت و بر زمین آورد دلیل که کارش نیکو کرد و وزیر کی یابد علم
 حاصل شود و اگر ببیند که ابر بر سر وی سایه میگرداند دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد قوله تعالی **و ظَلَّلْنَا عَلَيْهِ الْغَمَامَ**
وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِ الْمَاءَ و السَّلَوى کُلُوا اگر ببیند که از ابر جامه در وقت بود و در پوشیده دلیل که چندان علم حاصل کند که
 کس را نبود و اگر ببیند که ابر بر سر چهارپوشید و هیچ باران نبود دلیل که بدو و کرامتی گوید که اگر ببیند که ابر را جمع کرد و بار داشت
 یا بخورد و دلیل که در میان حکیمان تمنا ز شود و در دانش بیکار کرد و جابر مغزنی گوید اگر ببیند که ابر را بخورد و دلیل که معیشت
 او از حکمت بود و اگر ببیند که ابر سیاه بر فراز موضع جامی گسترده بود و دلیل چشم و عذاب حق تعالی بود و در آن دایره هر که اندران
 ابر نزدیک تر ببیند در عذاب حق تعالی نزدیک بود و اگر با ابر باران ببیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر ببیند که از ابر باران میخورد
 دلیل که بقدر آن ویرا رحمت و نیکوئی رسد و اگر با ابر باران در سخت بود و دلیل که بزرگس از دعای مآورد و پدر یا از دعای
 مسلمانان و اگر باران برق ببیند این عذاب سخت تر و قوی تر بود و اگر ببیند باران صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر ببیند که در
 خانه وی و جایگاه نشستن ابر گسترده شده است دلیل که فرزند او اهل بیتش را حکمت بود و دانش نیز حاصل کرد و بر قدر
 تنگی و تاریکی حضرت صادق علیه السلام فرماید که اگر بخواب دیدن بر نه وجه بود و اول حکمت دوم یم ریات سیم پاوشاهی چهارم
 رحمت پنجم برهنه کاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید که ابر سیاه بخواب دلیل بیم و ترس سختی بود
 و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنار دریا آمد که تازی آنرا اسفنج خوانند دیدن می
 در خواب غنیمت بود در قدر آنچه دیده بود و ابر و اما ابن سیرین گوید ابر و اما دیدن بخوابین بود و اگر ببیند که ابر و اماش تمام بود و هیچ
 نقصان در آن نبود دلیل که زینت وی تمام و کمال بود و اگر ببیند که ابر و اماش فرو ریخت تا ویش بخلاف این بود و کرامتی گوید
 اگر ببیند که ابر و اماش تمام بود و ابر و اماش فرو ریخت تا ویش بخلاف این بود و کرامتی گوید
 بید دلیل که قصد چیزی کند و یا نیک نامی صلاح دین حاصل یابد و اگر ببیند که ابر و اماش سفید گشته بود و دلیل که علم و مشکلی معنی یابد و در دین انفسا
 بود و جابر مغزنی گوید اگر یک بوی خوش یا ریخته دید و یک دیگر را کند و دید دلیل که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل

رب

کروم

بیش

بلیب

ارشیه

رش

اره

ریش

بیش

دلیل نقصان نیست دین وی کند ابریشم بد آنکه تاویل ابریشم بهم تو تاویل تو بود و در حرف قاف گفته خواهد شد
 ابریشم گفته اند علی بن ابی طالب کوی که دیدن ابریشم بخواب دلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و نومید از
 نیکی و در دامن اهریمنی آموزد و شرف و اگر نیکی با ابریشم و جنگ و نبود و او را قسر کرد و دلیل که در اینجا صلح میل بود و اگر بنید که
 ابریشم بر وی غلبه کرد و دلیل کند که بر او شرف و تاویل بود و اگر بنید که ابریشم با وی سخن می گفت دلیل کند که او را زنده بگرداند و او را از غمت
 باز دارد و اگر بنید که ابریشم در نصیحت میگردی را خوش می آید دلیل که او را هم بال و هم تن نصرت رسد و اگر بنید که ابریشم دست
 او گرفت و بجائی میبرد و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بجنازه بزرگ مستلک کرد و بعد از آن نصیحت
 کسی از آن گناه باز آیند و اگر بنید که ابریشم را بر گردن غل نهاده و دلیل که اهل دین صلاح را نشاندی رسد و اگر بنید که ابریشم ضعیف و در مانده بود و دلیل که
 علما و در مان مصلح را قوت بود و کرمانی کوی که بنید که ابریشم را مطیع شد و دلیل که به پای نفس مستلک کرد و اگر بنید که ابریشم چیز را عطا داد و اگر بنید که ابریشم بود و دلیل که
 مال حرام یا بدو را اگر بنید بود و دلیل بر فساد دین کند و اگر بنید که ابریشم شاد و قهرم بود و دلیل که کار و در مان بغضا و قوی کرد و اگر بنید که ابریشم را خواست که
 بشمشیر زند و هلاک کند که بنید که دلیل که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف کند و اگر بنید که ابریشم را بخت دلیل که نفس خود را
 قهر کند و راه صلاح و رزق از زیر این سیرین کوی که بنید که از زیر بیاورد و دشت دلیل که بر قدر آن و بر چیزی از متاع دنیا
 حاصل کرد و که در زیر آفتاب بود و چون کار و طبق و مانند این و داند که ملک است دلیل که بقدر آن و بر خاکی و چاکر بود و کرمانی کوی که
 بنید که از زیر سیم کوی که دشت دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن از زیر در خواب تله وجه بود
 اول منفعت دوم خدمت کار سیم متاع خانه ارش این سیرین کوی که بنید که ارش یا چیزی دیگر بارش همی بود و او را سو و منفعت
 بود و چاکر کوی که بنید که رن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر مال حرام بقدر آن بدست آورد و ارش این سیرین کوی که بنید که باره
 دختی را کند و دلیل کند که نصیحت مردی که تعلق بدان دخت دارد و مفارقت جوید و او را بیا زارد و تاویل هر دختی در حرف دال باین کنیم
 و اگر بنید که فرزند یا برادر یا خواهر خواستار باره بدو پاره بهرید دلیل که مانند آن و بر افروزی دیگر یا بدو یا برادر یا خواهر کرمانی کوی که
 اگر بنید که ارش را گرفت یا بخرد یا کسی بدو داد و دلیل که اگر سپرد و او را سپردی دیگر آید و اگر دختر دارد و بر او ختری دیگر آید
 و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پائی مثل آن و بر او حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که ارش در خواب دیدن بر سر وجه
 بود اول فرزند دوم خواهر یا برادر سیم انباز ایما را این سیرین کوی که بنید که ایما را در خواب زن بود و اگر بنید که ایما را در میان دست دلیل که
 زن خواهد یا کینگی خرد و اگر بنید که ایما را وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بنید که ایما را بر سرش بدید دلیل نقصان
 عیب زن بود و اگر بنید که ایما را وی باتش سوخت دلیل آفت و بیماری زن بود و چاکر بنی کوی که بنید که ایما را بر سر
 پشیم یا بنید بود و دلیل که زن او تنیزه دین دارد و اگر بنید که ایما را بر کین و چرکین داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که ایما را
 قوی یا ابریشمین داشت دلیل که ویرانی معاشرت با تنگ بود و پیغمبر می دانی که کوی که بنید که او پیغمبر شد از جمله پیغمبران و
 حلقه انجده امتحان و راه توحید همی نمود و دلیل که سخت بخت و ملاک قرار کرد و بعد از آن بر دشمنان طغیان کرد و اگر بنید که ایما را در دست

همین دلیل کند لکن محنت و بلائی وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بنید که او محنتش و توانگر کرد و بدست دنیا بر وی قریح کرد و اما
 دین او تباها کرد و کرامتی کوید اگر بنید که نام وی متخیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعید و صالح و علی و مثل
 این دلیل بود که او را بدختر و بیکی یا دوازده و اگر بخلاف این بنید مردمان ویرا بشهر و بیکی یا دکنند و اگر بنید که او پادشاه
 یا امیر یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بنید دلیل شرویدی بود و جابر مغزلی کوید اگر
 بنید که از حال صلاح و فساد مبتدل شده دلیل که بدین بختی و ادباری وی و اگر بخلاف این بنید دلیل بود و بر سعد و اقبال و دین و دنیا
 وی اثر دایم این سیرین کوید از دایم را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بنید که اثر دایم داشت
 دلیل که با بزرگان پیوندد و اگر بنید که اثر دایم جنگ و بنبرد میکرد و بر او چهره شد دلیل که با دشمنان او را جنگ و خصومت افتد و
 سرانجام دشمنان را قهر کند اگر بنید که اثر دایم کجاست و کوشش وی بخور و دلیل که بر دشمنان ظفر یا بدو مال بستاند و بنه نیکند
 جابر مغزلی کوید که اثر دایم ویرا فرو خورد و دلیل که نیم از دشمن بود که دشمن ویرا پاک کرد و اندک اگر بنید که بر پشت اثر دایم نشسته بود
 و اثر دایم مطیع و فرمان بر او بود دلیل که دشمنی بزرگ وی را مطیع و فرمانبردار کرد و کارهای او بنظام کرد و اسپندان
 کرامتی کوید اگر اسپندان بنید دلیل غم بود و اگر بنید که اسپندان همی خورد و دلیل که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد اگر بنید که کسی اسپندان
 بدو داد و دلیل که غمی از آنکس بر دل وی حاصل کرد و اگر بنید که اسپندان او کسی داد و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسپندان
 کوید اگر بنید که اسپندان داشت لیکن نخور و یا کسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپ
 دانیال علیه السلام کوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی و عز و جاه بود و اگر بنید که بر اسپ تازی نشسته بود و آن
 اسپ مطیع و فرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یا بد بر قدر نیکویی و قیمت اسپ اگر بنید که اسپ را فرار گرفت و نه تازی بود
 یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد لیکن کمتر از آن که در اسپ تازی گفتیم و اگر بنید که از آن اسپ چیزی
 کم بود یا زین یا نر زین یا لکام دلیل که بر قدر آن نقصان در بزرگی او بود و اگر بنید که اسپ او را زین انبوه و دراز بود دلیل
 که بر قدر آن ویرا خادمان باشند و چاکران و اگر بنید که زین اسپ او بریده بود دلیل که ویرا خادمان و چاکران نباشند اگر
 بنید چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و شرف او نقصان بود و اگر بنید که با اسپ جنگ و بنبرد همی کرد و
 اسپ غالب بود و فرمان بروی بنیود دلیل که معصیت و گناه کند محمد بن سیرین کوید که اگر کسی بنید که بر اسپ برهنه نشسته بود
 دلیل که معصیت و معصیت و گناه او بیشتر شود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود آنچه گفتیم خداوند اسپ را بود و اگر بنید که اسپ برهنه بود
 لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر بنید که بر اسپ نشسته بود و آن اسپ بر بام خانه یا بر دیوار بسته بود دلیل آنچه
 گفتیم از گناه بیشتر و صعبتر کند و اگر بنید بر اسپ نشسته بود و آن اسپ در هوای پرید یا بنید که اسپ را پر دایم بود چون مرغ
 همی پرید دلیل که ویرا شرف و بزرگی بود و در دین و دنیا و باشند که خداوندش سفر کند کرامتی کوید اگر بنید که بر اسپ ابلق نشسته بود
 دلیل که کاری کند که بروی کوهی دهند و اگر بنید که بر اسپ پاه نشسته بود دلیل که کاری کند که ویرا مال و مهوری حاصل کرد و اگر بنید

و
 و

و
 و

و
 و

که بر اسپ کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بنید که بر اسپ اشقر بود دلیل که صلاح دین و حرمت او
از پادشاه و اگر بنید که بر اسپ زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسپ سهند سمین دلیل بود و اگر بنید که بر اسپ جرمه بود دلیل
که بدین صلاح و اگر بنید که بر اسپ سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بنید از اسپ فرو آمد دلیل که از شرف و بزرگی بنید و اگر بنید
که از اسپ برهنه فرو آمد دلیل که از کناه محصیت باز آید و اگر بنید که بر اسپ نشسته بود و صلاح تمام پوشیده بود دلیل که شرف و
بزرگی یابد چنانکه کسی را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بنید که بر اسپ بهی تاخت تا جنگ کند دلیل که از وی کنایه در
وجود آید یا ترس و همتی بدورسد بر قدر تاختن اسپ و اگر بنید که بر اسپ نشسته بود و اسپ او را در مجرب بود دلیل که هیچ چیز اندرین نبود
و اگر بنید که اسپ او را از آنجا بیرون آورد و اگر بنید که اسپ او را مرغ همگردد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بنید که اسپ باوی
سخن گفت دلیل که کاری کند که مردمان از آن بشکفت آیند و اگر بنید که اسپ بیگانه و سرای وی در آمد یا در کوچه و می دلیل
که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه و می در آید بقدر قیمت اسپ در آنجا مقام سازد و اگر بنید که اسپ از کوچه و بیرون رفت
دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه او غایب گردد و یا بهیرد و جابر کوید اگر بنید که اسپ مادیان و اگر رفت یا کسی بدو داد و
بر وی نشست دلیل کند که زن خواهد و بروی مبارک بود و اگر بنید که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف
نام دارد باشد و اگر بنید که آن مادیان ابلق بود دلیل کند که زن نام دارد و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند
که آن زن خوب روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبزه رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پیر سیرکار باشد و اگر اشقر بود دلیل که
آن زن عزیز و خداوند جاده بود و اگر کیت بود دلیل که آن زن معاش و طرب دوست بود و اگر بنید که آن مادیان کوه داشت دلیل
کند که زن را هر زن بدو چنانکه اگر کوه او نباشد دلیل که آن زن را پس بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود و اگر بنید که کوش
اسپ همی خورد دلیل که پادشاه او را خوشکار کرد و بختی تن نزدیک کند و اگر بنید که در پس کسی باشد نشسته بود دلیل کند که آن فرد
در پس وی نشسته بود و تابع او گردد و اگر بنید که اسپان بسیار پیرامن سرایا کوچه او بود و ندان دلیل که در آن موضع باران بارید و اسپان
روان گردد و اسمعیل انشت کوید اگر بنید که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن توانگر با صلاح بزنی بخوابد و اگر اهل آن نباشد نیز که
با چنین زنی مصاحبت اقتدا و از او منفعت و نیکی بیابد و اگر بنید که کوش اسپ او بریده بود دلیل کند که پیغام مهمان از وی
بریده گردد و اگر بنید که اسپ بسرد آمد و زود برخواست دلیل کند که در بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر با صلاح باز آید و اگر بنید
که اسپ خریدنی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی بخوابد و اگر بنید که با اسپ هوا بر شد و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل
کند که بردست پادشاه هلاک گردد و اگر بنید که اسپ ویرالکدزد و یا بگرید دلیل که عیالش بنهاره مشغول گردد و اگر بنید که کسی اسپ
ویرا بدزد و بدیم بود که عیالش هلاک گردد و اگر بنید که اسپ وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که اسپ خورشید و خورشید دلیل
که عز و جاه او کم گردد و یا عیال از وی جدا گردد و اگر بنید که بر اسپ و از کون نشسته بود دلیل که از وی بقصد کاری منکر
پدید آید که در آن ویرا مضرت و ملامت بود جابر کوید که اسپ در خواب بوی بپزند و نفس خواب بود و اگر اسپ خوشین را کش

بیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بنید که سرغیش مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود و بدی و بداند که هر
 اندامی از اندامهای اسب را نشانی بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنید غرور و نفعت او بود و مردم عامه را اسب بخواب دیدن و
 بخت بود و اگر بنید که اسبی چهل از محله بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برو و اما خالده اصفهانی گوید که اسب پالانی بخواب بخت
 مرد بود و هر چند پالانی فرمانبردار تر باشد بخت او طبع تر و فرمانبردار تر بود و الا بنید پالانی و شهر می یار و دی یار و سر می شد دلیل که مردی
 غریب عجبی در آنجا پیدا آید و اگر بنید که بر سبی دراز نم نشسته بود دلیل کند که ویر طبع زیاده کرد و بقدر درازی و لم اسب و اگر بخلاف
 این بنید دلیل که حال بروی بد کرد و عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن اسب در خواب بر پنج وجه بود و اول عز
 دوم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خرو برکت چنانکه رسول خدا فرمود و الحدیث الحنیف معقود بنوا صلی الخیل و البرکت
 الی یوم القيمة و الذل فی ابد البقی و اگر بنید که بوزینه بر سب او نشسته بود دلیل که چه دوی بازن وی فساد کند و اگر بنید که بر سب
 نشسته بود دلیل کند که مخی بازن او فساد کند استر این سیرین گوید که چون استر در خواب بنید اگر مطیع نبود مردی بدغی و چون مطیع
 بود نیک بود و اگر بنید که بر ستری بی زین نشسته بود و نه است که استر از آن گیت دلیل کند که بسفر رود و اگر بنید که بر ستر خویش نشسته بود
 چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بنید بر ستر زین یا پالان یا عمار می نهاده بود دلیل کند که زن او ناز آید و بود خاصه که داند استر ملک
 بود یا کسی بر او خشنیده بود و گمانی گوید اگر بنید که بر ستر نهاده بپاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خوار و ذرمت بود و اگر استر
 بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پر مهر کار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند
 دلیل که آن زن مطرب و معاشر دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمارگون و زرد روی بود و اگر استر بر پهنه و رام کرده بیند
 دلیل کند مردی ضعیف یا مجربزی گوید که استر نهاده در خواب بپالان زاده بود و اگر استر زرد و سفید بود و بعضی از استادان این صناعت گفته اند
 که استر زرد بود و استر نهاده زن و اگر بنید که از کسی استر نهاده بخیر دلیل که از کسی که نیک بخرد و اگر بنید که استر نهاده بفرخت دلیل که کینرک
 بفرشتد یا از کینرک جدا کرد و اگر بنید که بر ستر نهاده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز ویرا فرزندان پیدا و اگر بنید که بر ستر نشسته بود
 دلیل که عمر وی دراز بود و مرادش حاصل کرد و اگر بنید که استر از پس می مید و بد دلیل که ویرا غمی یا غمگین است که گوید اگر بنید استر نوحه
 میسکند دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بنید که استر وی سخن گفت دلیل کند که کار عجب ویرا پیش آید که مرد و ناز از آن شکفت
 آید اگر بنید که استر بر آبگشت دلیل کند که مال یابد و اگر بنید که استر وی بر دیاضاع شد دلیل کند یا از زن یا از کینرک جدا کرد و اگر
 استر زرد و دلیل که از صحبت مردی جدا کرد و بداند که گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت استر بیماری بود
 و اگر بنید که شیر استر همی خورد دلیل کند بر دشواری و ترش سیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
 استر در خواب بر پنج وجه بود اول سفر باشد و سیم زندگانی دراز سیم طفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود
 و استر نهاده زن ناز آید و بود استر که منفعت و یا فتن مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مای بود
 که مردم بدان معیشت کنند و اگر بنید که استخوان فرا گرفت و بر آن استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن گوشت شیر مال یابد

ت

ت

استخفاف

اسطرلاب

استخوان

شتر

و اگر بنید که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بدو رسد و اگر بنید که گوشتی استخوان داد دلیل کند که از او بپاکس خیر رسد که گویا اگر بنید که استخوان کسی را شکسته بودی بست دلیل کند بزرگی و صنعتی که گوناگون باید بود و از نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بنیوانی از وی بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن استخوان بخواب هفت وجه بود اول مال و مال دوم خویش و بنیم فرزندان چهارم قهرمان پنجم مال ششم برادران هفتم یار و ارباب بود استخفاف را بدانکه استغفار کردن استغفار الله بود یعنی آمرزش خواستن از خدا می شود این سیرین گوید اگر بنید که در خواب استخفا میکرد دلیل که خداوند تعالی بر او مال و فرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی وَاَسْتَغْفِرُكَ وَارْكَبُ لَكَ كَانَتْ عَقَابًا يُؤْتِي السَّمَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرماید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم تو بکردن از کفایتان اسطرلاب کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل صاحب سلطان بود و مهر بزرگ اگر بنید که اسطرلاب داشت یا از کسی بخیرد یا کسی بدو داد دلیل که از صاحب سلطان کرد و مهر قومی کرد و اگر بنید که اسطرلاب بوضع کرد و بدید یا شکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جا بر منزلتی گوید اگر بنید که در اسطرلاب با قباب نگاه میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت بنید و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که ویراثاتی نباشد و بر کار نا پاینده نبود اسفغاناخ این سیرین گوید دیدن اسفغاناخ در خواب دلیل اندیشه و غم بود و خوردن وی دلیل بر ضررت و نقصان مال بود اما اگر بنید که گوشت پنجه بود و خوردن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر آنچه خورده بود شتر این سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول بنید که شتاب هستی دلیل کند که بسفر رود و اگر بنید که بر شتری جولان می کرد دلیل که غلجین و تفکر کرد و اگر بنید که بر شتری نشسته بود و راه کرده میزد و نداشت که راه راست گجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر او نتواند ساخت و اگر بنید که ماده شتری یافت دلیل کند که زن خواهد که شتر با سچ بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بنید که شتر از پس او می دوید دلیل که غلجین کرد و اگر بنید که شتر از وی رو کرد و با طبع او نشد دلیل که اندو گین کرد و دانیال گوید اگر بنید که بر شتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بنید که با شتر جنبک و نمبر و میگرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود در راه او را با وی خدمت افتد و اگر بنید که ریه شتر از او همی چراند و نداشت که از ملک او بود دلیل کند که ویرا و لایقی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر بنید که شتر را همی دوشید دلیل که از پادشاه مال یا بد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بنید که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر بنید که ماده شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخیرد دلیل که زن خواهد یا اینکه بخرد و اگر بنید که ماده شتری که از او بدو بگریخت یا دزد بدو دلیل که از زن جدا شود یا در میان ایشان خدمت افتد و اگر بنید که ماده شتر او بمرد دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که شتر سچ آورد دلیل که زنش سچ آورد و مالش زیاده کرد و اگر بنید که ماده شتری دید یا بمیدی که دارد برسد و اگر بنید که گوشت شتر بخورد دلیل که بیمار گردد که گویا اگر بنید که گوشت شتر بسیار بدو داد دلیل که مال یا بد بختدار گوشت شتر و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و یا بمیرد و اگر بنید که شتر مجهول

در پس او همی آمد دلیل که کشته و متفکر کرد و اگر بنید که شتر بر اقره و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون خویش
 کرد و اگر بنید که رسته شتران و در میانی باید روی جمع میکرد و بنید دلیل که در انجا دشمن جمع شود و یا سیل در انجا خرابی کند یا بیماری
 در مردم آموختن متولی کرد و اگر بنید که شتران بار کند و وجود آشتند دلیل که از ان دشمن در انجا خیر و برکت بود و یا بر کوبد اگر بنید
 که بر شتر کیا نشسته بود دلیل که اندو کین کرد و اگر بنید که از اندام شتر وی خون زایل شد و دلیل که سعادت و نعمت دنیا باید بقدر آن
 خون و اگر بنید که بهار شتر می کشید دلیل که با مودی فرمانبردار او خصوصت افتد اگر بنید که در بیابان شتر بسیار یافت دلیل که بزرگی
 فرمانروائی یا بد بر جاست بیابان کرد و اگر بنید که دو شتر یافت دلیل که مال یابد و اگر بنید که کسی ویرا شتری داد دلیل که بقدر قیمت
 آن شتر منفعت یابد از کسی اگر بنید که قومی شتری بکشند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل که در آن موضع مودی بزرگ بود
 و مال ویرا قسمت کنند میراث انجیل اشعث کوبد اگر بنید که شتران بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک و است و از شتران
 اعزالی بودند دلیل که در دیار عرب یا دوشاه کرد و اگر شتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم یا دوشاه کرد و اگر زنی بنید که شتر را بخورد
 دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست شتر نیز همین دلیل دارد بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بنید که شتر با سخن
 گفت دلیل که خیر و نیک بدور حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن شتر در خواب بر وجه بود اول پادشاه عجمی و دوم مودی امیر تهم
 مردم من چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال دوازدهم عربی دلیل بر مردم عرب کند و شتر عجمی دلیل بر
 مردم عجمی و بدانکه شتر بانی تباویل خداوند تبارک و تعالی است بود و راست کننده کار او و همچنین است شتر مرغ ابن سیرین گوید
 که شتر مرغ در خواب مرد بیابانی بود اگر شتر مرغ ماده بود زن بیابانی بود اگر بنید که شتر مرغ ماده گرفت یا کسی بدودا دلیل که زنی بدین
 صفت که گفتیم بخوابد یا کینیک بخورد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود دلیل که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران گفته اند که بر مودی بیابان
 غالب کرد و دو بکاری بزرگ رسد کرمانی کوبد اگر بنید که شتر مرغ را بخت دلیل که بر مودی بیابانی دست یابد و او را قهر کند و اگر بنید که
 خایه شتر مرغ یا بر یا استخوان او دشت دلیل که از مودی بیابانی ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که بچه شتر مرغ دشت دلیل که کوزه
 مرد بیابانی او را حاصل کرد و یا بر مغربی کوبد اگر بنید که با شتر مرغ بنشیند و آن شتر مرغ او را مطیع بود و او را در هوا برود و دیگر باره
 از هوا بر زمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر رود و باز آید با مرد و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید بدودا شتر غار ابن سیرین
 گوید که دیدن شتر غار بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غار را گرفت یا کسی بدودا و از او همی خورد دلیل که بقدر
 آن غم و اندوه خورد اگر بنید که وی آنرا کبسی داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غار داشت و بخورد
 شتر همی داد دلیل که نکس از بهر آن شتر اندوه کین کرد و اگر اشک کرمانی کوبد اگر بنید که اشک سر و از چشم او همی بارید
 دلیل که شادی و خرمی یابد اگر بنید که اشک بارید دلیل که غمگین و درو مند کرد و اگر بنید که بی که استن اشک
 بروی او بود دلیل که ویرا سخن طعنه زنند اگر بنید که در چشم وی بجای اشک کرد و خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن
 مالی حلال بی رنج بدورسد و اگر بنید که اشک بروی او فرو آمد دلیل که مال خویشش را هنرینه کند حضرت صادق

شتر

شتر

شتر

فرماید که آله در خواب دو وجه بود اول پادشاه عالم و ثلث و خوار و دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بنید که
 آله داشت دلیل که عمر او دراز بود آگهی سرخ ابن سیرین گوید اگر در خواب آگهی سرخ و سیاه را بوقت خود بنید دلیل بر مال و
 خواسته بود و آگهی زرد دلیل بیماری کند اگر بنید که آگهی زرد با سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود و فرا گرفت یا کسی بدود و او بخورد دلیل کند
 که بقدر آن مال خواسته میابد اگر بنید که آگهی زرد در وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش
 بود بهتر بود این سرین گوید امامت کردن اگر بنید که پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم بهتر کرد و وجه تالیف
 نشود چنانکه امام تالیف امام باشد و اگر بنید که جماعتی انبوه در نماز بودند و پدر گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود باو که امامی کن و او پیش رفت
 و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا کو و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود
 و اگر بنید که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که برایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سرین گوید اگر بنید که امامی
 میکرد و لیکن نشسته بود و دلیل که بیمار کرد و اگر پهلوشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود میرد و آن قوم بروی نماز کنند
 و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت یابد بقدر و شرف و منزلت امام و اگر بنید که امام را ولایتی نمی داد یا با امام در خانه
 رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بد و رسد جابر شرعی گوید اگر بنید که با امام بر جفا بود و دلیل
 کند که با دولت و ولایت با وی شریک بود یا در سجده یا در روی یا در شهری اسمعیل اشعث گوید هر چیز که او امام در خیشتن زیادت
 بیند در ولایت و بزرگی او زیاده کرده و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید
 که امامی کردن در خواب برش وجه بود اول فرمان روالی و دوم پادشاهی بعد از انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم
 منفعت ششم بهیمنی از دشمن و اگر بنید که امامی زمان کرد دلیل کند بر کرده ضعیفان و الی کرد و اگر بنید که امامی از آسمان فرود
 آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بنید که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روالی یابد
 امر و ابن سیرین گوید که خوردن امر و بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری
 بود اگر بنید که امر و میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار کرد و اگر بنید که پنهان بود و اگر امر و بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین
 بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود و اگر مالی گوید امر و سبز و شیرین بوقت خود دید یافتن مراد بود و اگر
 بنید که امر و در پی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن امر و در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال
 دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بنید که پادشاه امر و میخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار
 منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود انامه دانیال گوید که اصل انار بخواب مال بود لیکن بقدر بهمت مردم خاصه که
 بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بنید که انار از درخت برید و بخورد دلیل کند از زنی
 با جمال منفعت یابد این سرین گوید اگر انار شیرین بخواب بنید مال جمع کرده بود و بعضی از معتبران
 گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیاید و انار ترش غم و اندوه بود و اناری

سرخ
 سیاه

امر و

ترش

که اندازد ترش یا شیرین بود تفسیرش چون انار شیرین بود جا بر مغربی گوید اگر کسی بنید که انار شیرین بوقت بی خور و دلیل کند که هزار
درم باید یا اینکه کمترش بنیاید درم بود که باید و باشد که آنچه دنیا گرفتیم درم باید پس معبر باید که بقدر هست و بزرگی مردم تاویل کند
و اگر بنید که انار بیستان بی خور و دلیل که بعد و سردانه او را چوبی بنزند و در همه چیز انار ترش خوردن و روقت و بیوقت بد بود و حکم
انار شیرین میانه بود که گمانی گوید اگر کسی بنید که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر باز در کان بود قماش و متاع او رواج کرد و او اگر مسافر
بود دلیل که غرضش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بنید که دانه های انار یافت یا کسی بد و او دلیل که بوقت آن و بر لاری رسید
اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین یا پوست و پیه آن میخورد دلیل که از همه چیز بر خور واری یا بد حضرت صادق علیه السلام
فرماید که خوردن انار شیرین در خواب بر سر نه وجه بود اول آن جمع کرده بود و دوم زن پارسا نیم شهر آبادان ولیکن انار شغم بود
استمبیل اشفت گوید اگر پادشاه بنید که اناری داشت ولایت یا شهر یا بدو رئیس را دهی بود و باز کارها ده هزار درم و باز از این
هزار درم و مردم در و بیشتر ده درم یا یک درم بود آنچه سیرین گوید که خوردن آنچه بنیخواب اگر وقتش بود و اگر بیوقت بد بود اگر
بنید که آنچه می خورد و با جمع میکرد یا کسی بد و بنیخواب دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و باشد که کاری کند که از آن پشیمانی خورد که گمانی
گوید که آنچه زرد و بنیخواب دیدن و خوردن دلیل بیماری کند و آنچه بنیخواب دلیل بر غم و اندوه و آنچه بنیخوردن بوقت چون بطعم
شیرین بود زبانی نازد آنچه بنیخواب این سیرین گوید اگر بنید که آنچه بنیخواب خورد دلیل کند که از آن بیاضی باطل فریفته کرد و خوردن می شود این
سیرین گوید اگر بنید که از کتاب آنچه بنیخواب خورد دلیل کند که از کسائی از ملت عیسائی باشند خیر اندک بد و رسد و اگر از بر میخورد دلیل که از حق
باطل کرد و دود و سستار ترسایان شود انداختن مردم این سیرین گوید اگر کسی بنید که کسی را بنیداخت دلیل که خصم بر وی خیره
کرد و اگر بنید که کسی سنگ انداخت دلیل که سخن سخت کسی گوید و بعضی از معبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بکناهی متهم کردند
و اگر کسی بنید که سفال انداخت بهم خشن درشت بود که کسی گوید و معبران گویند اگر کسی بنید که شکر یا بادام یا قند بنیداخت اگر انگرس
معروف بود دلیل کند از و بداند مقدار عطا یا بدو اگر جمید بود بدان مقدار که کسی انداخت حیثیت و عطا یا بدو اگر کسی بنید از این خورد و بنیاید
که گفتیم سوی چهار پایان انداخت دلیل که مال خویش بر جان بدان نرسد بنید اندامها این سیرین گوید که اندامهای قوم را که بنید که از فروتن دلیل
کند خویشان و اهل بیت او زیاده کردند و در موضع خویش مقیم بود و اگر بنید که اندامهای او بریده شد یا از تن او بقیه دلیل کند که بسفر رود و خویشان
او بر او کینه کردند و اگر بنید که اندام خویش میبرد و بر او کینه دیگر دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را دشمنان بر او کینه کردند که کسی بنید که باره
گوشت از اندامش برید دلیل کند که کس خیر و منفعت رسد و اگر بنید که اندامی از تن وی جانند دلیل کسی از مال او چیزی بستاند و اگر بنید که گوشت
از اندام خویش میبرد و پیش مرغی افکند دلیل که مال خود چیزی بکشد یا بنیخوابی گوید اگر بنید که اندامی از تن وی با خون گشت دلیل بود که در خلق بر سر آورد
قوله تالی قالوا انطقنا الذي انطق كل شيء و اگر بنید که اندامی خویش بر وی همی رفت دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد دارد و اگر بنید که اندامی
از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بفرست افتد و اگر بنید که اندامهایش از تن او جدا شد و دلیل که بیمار زد و اگر بنید که مرغی از اندام می بارد
گوشت بر او دلیل کند که او را چیزی بر او بستاند و اگر بنید که گوشت خویش بر وی پیش مرغی افکند دلیل که از آن چیزی بکشد یا بنیخوابی گوید که اندامهای او کشته شدند

خوبه

خوبه

خوبه

خوبه

که بر است نبوده ام فضل گوید که بر رسول خدا عرض کردم یا رسول الله خدای منکر و دیده ام فرمود چه دیدی عرض کردم پنج باب
 دیدم که باره از اندام تو بریدند و بر کنارها و اند رسول خدا فرمود که فاطمه اسپر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه حسین موجود
 آمد و در کنار تو بزرگ شد و او را می پرورید انگبین که را می گوید که انگبین در خواب نیست بود از اناها و یکی بود و اگر دارا زبیر که در وی
 شقای در ده است و شهید روزی بسیار بود چنانکه حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ حضرت
 صادق علیه السلام فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن و بر انگبین روزی
 بود که بی منت بدور سد قوله تعالی وَآتَوْنَا عَلَيْكَ الْقُوَّةَ السَّلَاطِي انگشتان ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست در
 تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان و برادر بود و بعضی از تعبیران گفته اند که انگشت مہین دلیل نماز باشد و انگشت
 سبجہ در نماز دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت مخصر دلیل بر نماز خفتن و
 صلاح در نماز بود و اگر بند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند که فرزند یا برادرش بمیرد
 رسد که را می گوید اگر بند که انگشتان را بهم گذاشته داشت دلیل که تنگ دست کرد و اگر بند که انگشتان را با هم جمیع کرد دلیل که کار
 برادران و فرزندش را صلاح آورد و اگر بند که انگشتان را بگرداشت در هم بسته بود دلیل کند که کار را بروی بسته کرد و دو انگشت
 او جا بر میزلی گوید که اگر بند که انگشت مہین او بریده است دلیل که قوت مالش بود و اگر بند که انگشت سبجہ او بریده است دلیل که در رفیعہ
 نماز را تقصیر کند و اگر بند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی یا دولتی یا بزرگی بمیرد و اگر بند که انگشت بعد از میان
 او بریده است دلیل کند که ویرا مال زیان افتد و اگر بند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او بمیرد و سبیل شعث
 گوید که انگشتان پای و خوابیدن دلیل بود و زینت و آرایش و اگر انگشتان پای را داشت و قوی بنید دلیل کند که کار که خدای او ساخته کرد و اگر
 بخلاف این بند کار وی ناساخته کرد و اگر بند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که ویرا غمی سخت رسد
 بسبب فتن مال و اگر انگشتان دست و پای را کسر بنید دلیل کند که کار وی بازگردد شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن انگشتان
 در خواب بر شش وجه بود اول فرزند و دوم برادر و از کان سیم خدایان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بند که انگشتان
 وی بینداید یا بریده شد دلیل کند که انگشتان که کفیم او را مفارقت افتد و اگر بند که انگشت اول انگشت دلیل کند که یکی از
 اہل بیت او بمیرد و خلف اصفهانی گوید اگر بند که انگشت مہین او بشیر می آمد یا از انگشت سبب او خون می آمد دلیل که آنکس نابادر
 زن خویش فساد کند و اگر بند که انگشت او آواز برآمد دلیل کند که در میان خویشان او گفتگو رود و انگشت ششمی در نیال گوید که
 چون بند نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بد و خیر و یکی رسد و اگر بند که انگشتی کسی بوی داودا چیزی بدان مہر کند دلیل
 که از آنچه لایق او باشد برخی بیاید یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیاید و اگر تو انکر بود مال یا بد بقره و بی قیمت شتر
 و اگر بند در سجری یا در نماز یا در غز کسی انگشتی بوی داد اگر آنکس زاهد و عابد بود و اگر باز رکاب بود نصیب او نفع تجارت
 نبود و جمله ہمین قیاس بود و اگر بند که انگشتی سلطان بوی داد دلیل کند که از مملکتی سلطان بوی دهد یا دلیل که از مملکت

سبب

نکشت

نکشت

سلطان بدی بدورسد یا بنجوشان و می بن سیرین کوید اگر کسی بنید که انگشتری او ضایع شد یا دزد و بدلیل بود که در کارهای او
 آفت و دشواری پدید آید و اگر بنید که انگشتری او شکست و بیکان او یا بدلیل که بزرگی وجاه او نبود و آبرو و پیشش بر جای بود و اگر بنید که انگشتر
 نمکین از شکست دلیل کند که آبرو و پیشش شود و وجاه او بر ما ماند و اگر بنید که انگشتری خود را بیکشی بشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملک
 برخی از آن بخت شد و اگر بنید که انگشتری خویش را فروخت و بهایست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفرشند و بزرگ کند و اگر بهایست آنچه دارد
 برخی از آن بفرشند که می کوید اگر بنید که صنعت انگشتری او را پسندیده است دلیل کند که زمانی که دارد چیزی بشود و پادشاه بروی چشم
 کبر و اگر بنید که انگشتری او را سیم بود دلیل کند که آنچه دارد و پسندیده حلال بود و اگر انگشتری از زر بنید دلیل که آنچه دارد از مال
 مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بنید آنچه دارد و اندک متعبر بود و اگر بنید که انگشتر از هفت جوش یا از سید روی بود
 دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم که بنید که انگشتری او از زیور بود و متعبر از آن جمله بود که هفتیم جاش بر خرابی کوید اگر بنید که انگشتر وی
 انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بنید که از برنج یا از مس بود دلیل کند که از مردمان بی اصل منتفع یابد و اگر بنید که
 بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدورسد و اگر بنید که از سیم است از جایی چیزی بدورسد و اگر بنید که انگشتری خویش نزد کسی بماند
 نهاده و او را بخشید و آنکس هم انگشتر بدورد کرد دلیل کند که زنی بجای بخوابد و اجالتش بکشد و زن بدورند و اگر بنید که انگشتری
 خویش را شکست دلیل کند که در میان او و عیالش جدائی افتد و اگر بنید که انگشتری او دو نمکین است یا کسی بدودا و گدازن و دیگر نمکین
 موافق بگوید که اند دلیل که خداوند انگشتر غلام زاده بود و اگر بنید که از آن دو نمکین یکی بقیضا دلیل کند که از دو کناه بکیرا تو بکند و اگر بنید که
 نامزد نوشته بود و با انگشتر خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بنید که نامزد شده و مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکار آید و
 رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول ملک دوم زن سیم فرزندی چهارم مال و انگشتری بن
 نیک بود و اگر زنی بنید که انگشتری با نمکین از او ضایع شد دلیل کند که شتمت و جاهد او بشود یا فرزندانش بمیرد یا مالش تلف گردد و اگر دالی بود و غول
 کرد و اگر زن بدید شوهرش بمیرد یا فرزندان انگور و انبال کوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت ترس و بیم بود
 و متبلر آن گفته اند بعد دهر دانه انگور خورده بود زخم خوب یا تازیانه بر او نهد و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت و خیر دنیا بود و پیش آنکه
 امید دارد و بغير وقت دلیل کند که از دژان خداوند خوابن چیزی بیرون آید و دلش بر صفای بود و اگر انگور سرخ بنید بهین دلیل
 کند بن سیرین کوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل برالی کند که بدشواری بدست آید و انگور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر
 منتفع اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که پوست او روشن بود دلیل بر حال حلال کند
 و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوریکه بدید سرخ نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انگوریکه بدید سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند
 و هر انگوریکه شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال و جاهد نماید و غرضی بشیر کرد و جابر کوید اگر کسی بنید که انگور معصر جوین همی نشود دلیل که خدمت
 پادشاه ستمگر کند و اگر بنید که آن معصر از شست و کل بود دلیل که خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر معصر از شست و پخته یا از کج و شکاف یک
 بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بنید که انگور و طشت همی نشود دلیل که خدمت زنی بزرگ کند

داد دلیل که بر مردمان خویش رئیس و والی گردد و اگر بنید که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او اگر بنید که بر سر پادشاه کلاه چرخ و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بنید که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روز کار رسول بر سر صحابه بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بنید که پادشاه را باد گرفت و بفرمان شد دلیل که ملک جهان بجز در بر آن قرار گیرد و اگر بنید که پادشاه در دید دلیل که بنید خواب تو انگر گردد و اگر بنید که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آمد چنانکه در آمدن او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از بسبب پادشاه قول الله ان الملوک اذا دخلوا اقریة افسدوها و جعلوا اهلها اذلة و اگر بنید که در آمدن او آنجا چیزی منکر نبود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باحل آن موضع نرسد گرانی گوید اگر بنید که پادشاه بر دو نقش معروف و دوسوی نکرستند و کفن نساختند و جنازه او بر نداشتند دلیل که بعضی از سرای او خراب گردد و پادشاه که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بنید که کعبه سرائی او بود یا سرائی او کعبه بود دلیل بود که هرگز ملک او از وصال نباشد و از دشمن ایمن نبود و اگر بنید که بی سلام میگرد و یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود و از غم و اندوه و خلود و در آنجا نگره حق تعالی فرموده سلام علیکم طیبتم فادخلوها خالدين و اگر پادشاه بنید که رن در دست داشت یا دست در رن زده بود دلیل بود که برادر راست رود بر جاده عدل و انصاف اقامت نماید قوله تعالی و اغنصهم و اجمعهم و الله جمیعا جابر مغربی گوید اگر بنید که در نزد پادشاه بزرگ بودی دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را ورنه باسی نیکو بنید در سرای یا در کوچه که مشرب با او بود دلیل کند بر باری و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه وی و خدم و حشم و مال و خزاین او و اگر بنید که پادشاه را نقصانی بود و تا پیش خلاف این بود گرانی گوید اگر بنید که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی نماند و اگر پادشاه بنید که برین فرو شد دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت بغیر از حضرت صادق علیه السلام فرماید که کسی پادشاه را کشاده روی و خرم بنید دلیل بود که کار او کشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بنید دلیل کند که کاری کند که زود و اصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاه بنید دلیل که از شغلها فروماند و با عاقبت بر او برسد و اگر بنید که پادشاه را بنید دلیل که او را از کسی طاعت رسد و اگر ملازمان پادشاه را بنید دلیل که شغل و عمل او اصلاح آید و اگر اعوان و ندیان پادشاه را بنید دلیل که کار او کشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بنید دلیل که کسی او را طاعت کند و چیزی که از دست او رفته بود بدست او باز آید و اگر چاکران دلیل که بنید دلیل که کسی او را طاعت کند که از شغل و دین عاجز گردد و اگر سپرده را بنید دلیل که کار بسته او کشاده گردد و اگر متقنه زن یا پادشاه را بنید دلیل که کسی او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانیان پادشاه را بنید دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بنید دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر دیر پادشاه را بنید دلیل کند که آنچه میجوید بیاید و اگر سلاح پادشاه را بنید دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بنید دلیل کند که سختی دروغ و بی حاصل شنود و اگر غاشیه دار پادشاه را بنید دلیل که او را

ختم و اندوه رسد و اگر جامه در پادشاه را بنید دلیل که کار او نیکو کرد و او اگر دوات در پادشاه را بنید دلیل که او را از دنیا چیزی
حاصل کرد و او اگر خاندان را پادشاه را بنید دلیل که خرم کرد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که پادشاه بشهری در آمد
و بر پادشاه آتش غلبه کرد دلیل که کار آتش نه نقصان یافت پذیر بود و اگر بنید که پادشاه در شهر اوجی خانه او بخت دلیل
کند که پادشاه را بدین حاجت افتد و شغل و عیش فرماید یا تپیل ابن سیرین کوید که پاتیل در خواب دیدن که بانوی خانه بود
و اگر بنید که پاتیل نوخیزید یا کسی بدو داد دلیل کند که بانوی خانه را آفت رسد کرانی کوید اگر بنید که در پاتیل چیزی بود و از خودی
دلیل بود که او را از کد بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بنید که در پاتیل چیزی ناخوش بود و از طعامها دلیل بود که او را از کد بانوی
خانه ضرر رسد ابن سیرین کوید که دیدن پاتیل در خواب چیزی زیاده نبود یا و ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که باو بخت می جست
دلیل بود که مردم آند یا را بیم و ترس بود و اگر بنید که باو چنان سخت بود که در حمان می کد و خرابی می کرد دلیل کند که اهل
آن دیار را بلا و مصیبت از غلت طاعون و سرخه و مانند این کرانی کوید که باو موم و در خواب دلیل بر بیماری ریهای سر و کند و باو
معتدل سر و دیدن در خواب دلیل بر بیماری شوریده بود در آن دیار و باو معتدل دیدن دلیل بر تند رشتی بود و از مردم آند یا
و موجب نیکویی و کسب آند یا کند و اگر بنید که باو را از جای بجای میبرد دلیل کند که غری دو کند و در آن سفر جاه و بزرگی پاتیل
آنکه او را باو زمین برده باشد و اگر بنید که باو با کرد و تارکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی کوید که
بنید که او را باو سخت بسوی آسمانها برود دلیل که اهل او نزدیک بود و اگر بنید که او را باو آسمان زمین آورد دلیل بود که بیمار
کرد و عاقبت شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه بود اول بشارت دوم فرمان روائی سیم مال
چهارم مرکب پنجم عذاب ششم گشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بنید که بر باد نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان دانی
یا بد اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که باو مغرب نرم جست دلیل که مردم آند یا را مال و نعمت زیاده کرد و اگر بنید که باو شمال
نرم می جست دلیل کند بر شفا و راحت آند یا و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بنید که آواز باد می شنید دلیل که خیر پادشاه
بزرگ در آن دیار گسترده کرد و اگر بنید که باو مردم آند یا را برگرفت و بر هوا برود دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی
یابند باو را گردن ابن سیرین کوید که اگر کسی بنید که در میان مجمع مردمان باو را که چنانکه مردمان آواز از آتش شنیدند
دلیل که سخنی زشت کوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بنید که باو نرم را کرد
و آواز از آتش شنیدند وایش بخلاف این بود و اگر این خواب مروی شنید و بنید دلیل که او را خرمی رسد کرانی کوید
اگر بنید که باو را کرد و آواز بزدی و بوی ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او
تشبیح کنند و او را علامت کنند و بدی او کوید و اگر بنید که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت دلیل کند
که آن کاری بیفایده جدا کرد و خیرش در آن بود و اگر بنید که بر قصد باو را کرد و مردمان بر او بخندیدند
و او شرم پیدا داشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته کرد و حضرت صادق علیه السلام

باز

باز

باز

فرمایند که باور کردن در خواب بر چهار وجه بود اول سختی زشت دوم تشنج سیم کاری بلامت چهارم رسوائی اگر بنید که باور اقتضای آن کرد دلیل بود که آنکس بدین و بد مذہب بود باور و ک نوعی است از ترنابن سیرین کوید اگر بنید که باور و ک نمی خورد دلیل بود که حاجت او را کرد و در او باید زیرا که رسول خدا فرمود الْحَدِيثُ مَا أَطْيَبُكَ وَمَا أَطْيَبُ رَائِحَتِكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بوی تو حضرت صادق علیه السلام فرمایند که خوردن باور و ک در خواب ستر وجه بود اول حاجت روانی دوم کام یافتن سیم دیدن عایب دیدن باور سیم بر آنکه باور سیم محوره و ک بود کرانی کوید اگر بنید زنی که باور سیم بیافت یا کسی بد و او دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل کرد و اگر بنید زنی باور سیم از و ک او بنیقا و دلیل که مهر او از شوهر بریده کرد و باور سیم این سیرین کوید که باور سیم خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر خجسته بود و اگر خام دلیل بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک او کیسان بود کرانی کوید اگر بنید که باور سیم بسیار داشت لیکن جمله را بختید یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و باور سیم این سیرین کوید اگر بنید که بر پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر جنس آن بار ویران منفعت رسد و اگر بنید که بر پشت بار کران داشت دلیل که کنه و مناصی بسیار کند قوله تعالی لِيَجْهَلُوا أَوْدَانَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْدَانِ الَّذِينَ كَرَانِي کوید اگر بنید که بار بسیار داشت و دانست که از ملک او است دلیل بقدر جنس بار ویران منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بنید آن بار ملک آن نبود و غیره شران بخداوند خواب باز کرد و باران و انیا کوید که باران در خواب رحمت و برکت بود از خدا یتالی بر بندگان چون باران عام بود و همه جا برسد قوله تعالی وَهُوَ الَّذِي يَقُولُ الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ و خواب دیدن باران بوقت خورشید نیکوتر بود بوقتی که مردمان باران خواهند بهتر باشند اگر آن باران خاص بود و چنانکه سیرین کوچه آن باران سخت می بارید و جز آنجا جای دیگر نیارید اینچنین دلیل کند بر رنج و بیماری بر اهل آن موضع سختی که باشند رسد و اگر بنید که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل موضع و اگر بنید که اول سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاد پیدا کرد و اگر بنید که باران بهره سخت بود که بسیار بدلیل کند بر بیماری که در آن هلاک کرد و این سیرین کوید اگر بنید که باران سخت نه بوقت خورشید می بارید دلیل بود که در آن ایام از لشکر رنج و بلا رسد و اگر بنید که آب باران مسج میگرد دلیل کند که از ترس و بیم امن کرد و اگر بنید که باران بر سر وی می بارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید و اگر بنید که باران بر سر مردمان بون طوفان می بارید دلیل بود که در آن دیار مرکب حاجات لغو و با شد پدید آید و اگر بنید که از هر قطره باران و از هر می آمد دلیل کند آواز عزت جاه او زیاد کرد و اگر بنید که آب باران مسج میگرد دلیل بود که از ترس بیم امن کرد و اگر بنید که باران عظیم می بارید چنانکه جو یا از آن روان بود و زانیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه صاحب کند و شر وی از خود باز دارد و اگر بهشت که از آن جو یا نتوانست گذشت دلیل که شهر پادشاه از خود

دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا می آید و در باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پیدا آید که مانی کوید
 اگر بیند که بجای باران آب نیفتد و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بنیاد از آسمان می بارند و تا پیش از خنجر
 آید و اگر بیند که آب باران نمی خورد و آب آن صفائی و روشن بود دلیل کند که تقدیر آن خیر و رحمت بدو رسد و اگر بیند که آب باران تیره
 ناخوش بود دلیل که بر قدر آن سرخ و بیماری کشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باران در خواب بدو از ده وجه بود و اول رحمت
 دوم برکت سیم فریاد خوشن چهارم سرخ و بیماری پنجم بلا ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم قفسه نهم قحط دهم امان یافتن
 یازدهم کفر و از دهم دروغ بارانی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که برتن او بارانی بود و او در خدمت پادشاهی بود دلیل بود که
 نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش گردد و اگر بارانی از جهت جامه بر او بود دلیل است که او را فایده دین و دنیا
 حاصل گردد که مانی کوید اگر بیند که بارانی او از پشتش بود یا از کتفان یا از پنبه و بگونه سبزه بود دلیل بر نیکی او و اما بارانی از روی
 بر سرخ و بیماری بود و اگر بارانی کی بود بود دلیل بر گناه و معصیت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت که از جانب
 بدو رسد باروی ابن سیرین گوید که باروی شهر قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و مهربان گویند که باروی شهر
 دلیل بر پادشاه بود باروی و دلیل بر خداوند و کند اگر بیند که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه
 و اگر بیند که باروی شهر بنفقا و خراب شد اگر جمله بنفقا و دلیل بر پلاک پادشاه کند و اگر برخی از آن بنفقا و دلیل بر پلاک والی
 بود و اگر بیند که باروی را نودند دلیل بود که پادشاه نود آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نود کرده بیند
 دلیل کند که والی نود آن بنفقا می کرد و که مانی گوید که باروی شهر آنچه نزدیک دروازه شهر بود تا پیش عیش و امین
 بود و آنچه در پس آن شهر بود و باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باروی بیند دلیل برین پنج گونه بود که ذکر
 کرده شد باز ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آواز مطیع او بود یعنی بر دست و می نشست
 دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل که از پادشاه قدر
 منزلت یا بدو اگر بیند که باز از دست او بنفقا و بدو دلیل بود که از منزلت بدو پیشی و بیچارگی افتد
 که مانی گوید اگر بیند که بازی سفید یافت اگر از مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت
 یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشد دلیل که او از فرزندی آید
 صاحب جمال حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه نصیبت افتد و از او خیر و
 منفعت یابد و اگر بیند که بازی بکبریت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان کرد و دلیل که آن زن از پسری خبر وی پدید
 آید و اگر بیند که بر پایی آن باز و کله زین یا سحرین بود دلیل که آن زن را دختر می آید یا بر غریبی گوید اگر کسی بیند که بازی یافت و او را
 بکشت دلیل که اگر انگیس از مردم پادشاه بود معزول گردد و از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنج و غمی رسد از جهت اهل بیت اگر
 بیند که باز از دست او پیر بدو باز نیاید و اگر این خواب پادشاه دیده بود دلیل که ملک از دست او برود و اگر

بروی

بروی

سجده

بازوی

برنج

بخت

بچه

برنج

باز باید و بدست او نشست تا ویش از آنکه ملک و قدرت یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که چون ببیند که باز مطیع او بود
تا ویش بر پنج وجه بود اول ارش دویم شادی سیم بشارت چهارم فرمان پنجم یافتن مراد و مال ثبوت و قیمت باز از خود
درم خاصه چون باز مضید و مطیع او بود و چون مطیع نباشد تا ویش بر چهار وجه بود اول پادشاه شکر دویم حاکمی که میل کند بدین سیم
فقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد یا زوی ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست
محمّد یا انبار اگر ببیند که بازوی قوی بود دلیل بود که ویران ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که
او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر ببیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی بازوی او را برید دلیل کند که برادر یا
دوست یا انبار او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باز و در خواب
برنش و وجه بود اول برادر دویم فرزند سیم انبار چهارم دوست پنجم پسر ششم همسایه باز و میزند که مانی گوید یا زنی
زیرین اگر ببیند که در باز و داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر باز و نبیند سیمین داشت دلیل
کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب نبیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر ببیند که باز و
سیمین یا آهسین داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر ببیند که باز و نبیند شکست یا ضایع شد تا ویش
بخلاف این بود پاس داشت ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب بر دو وجه بود اگر ببیند که پاس اهل صلاح
میداشت دلیل بود بر خیر و منفعت و وجهانی و اگر ببیند که در سراسی پادشاه یا سبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت
یابد و اگر باز و کانی این خواب را ببیند در تجارت سود بسیار کند و اگر ببیند که پاس اهل صلاح دور ع میباید داشت دلیل که از
ایشان خیر و منفعت دنیا ببیند و یا سبب ان در خواب دیدن خداوند قدر و منزلت و ولایت بود و تبارک را دارد
و مردم در انتقام او باشند یا شنه پامی ابن سیرین گوید پاشنه پامی در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند
و اگر ببیند که پاشنه پامی او شکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد و کاری که از آن پشتیبانی حاصل گردد و اگر ببیند که
پاشنه پامی او شکافت یا مجروح شد همین تاویل دارد اما اندامتش از آن کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی
ببیند که پاشنه پامی خود می برید و بخور و سباع و درنده میداد دلیل کند که آنچه بکسب حاصل کرده بود بخورد
و بدشمنان دهد و اگر ببیند که پاشنه پامی او بیفتاد دلیل که او را کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره گردد
باغ دیدن و انبیا گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر ببیند که باغ را آب هم داد دلیل که باز و
خویش مجامعت کند و اگر ببیند که باغ را آب میداد و تر نمی شد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت طلبد
و اگر ببیند که در باغ کل و ریچان میکشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر ببیند که در باغ شفتالو
میکشت دلیل کند که او را فرزند می آید که نزد علم و ادب بیاورد و اگر ببیند که در باغ اورچان دست
و بالاکشیده و بوی او بد باغ میرفت دلیل بود که او را فرزند می بود و لیردانا و خردمند و بوی ریچان دلیل بود

هر فرزندان که باغ خود را بسز و آبادان قاصد روان و کوشک بنید و از میوه درختان میخورد و از میوه داشت و با
زن خود در تاشا بود و دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بنید که در باغ آبادان بود و از میوه درختان میخورد و دلیل
بود که زنی توانگر بخوابد و از او مال و نعمت یابد و اگر بنید که در فصل خزان در باغی میچوبل شد و از درختان بر کاه میخورد
دلیل کند که غم و اندوه بدور رسد و اگر بنید که در باغ کوشکها بود و سبزه ها و آب روان و درختان زنی صاحب جمال او را
بخوابد و دلیل بود که بهشت و حور العین و آخرت باید و دلیل کند که درجه شهیدان حاصل کند و اگر بنید که باغی داشت
یا کسی بدو داد میوه آن باغ میخورد و دلیل کند که زنی مالدار بخوابد و مال او را بخورد و اگر بنید که در باغ بود و میوه ها
از درخت بلند بروی همی افتاد و دلیل بود که با مردی شریف او را خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بنید که در
باغ بر سر درخت خفته بود و دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشد که زنی کوید که باغ در خواب مردی بود و بزرگوار مال
جمال و اگر بنید که در وقت بهار یا تابستان باغ خرم گشته بود و در او میوه ها رسته بود و کل و ریاحین شکفته و
آب روان و او در میان باغ نشسته دلیل بود که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان
باغی میزد معروف یا مجهول و میوه های آن شیرین بود و بر کهای درختان ریخته بود و دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و حالیکه
پادشاه از خدمت چشم باز نماند و اگر بنید که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رود و باید و باغ را از اصل بر کند
خراب کرد و دلیل که پادشاه آن را بسیار با هم ملاک بود یا بسبب سلطانی بزرگ آن پادشاهی معزول گردد و اگر بنید که آتش میزد
و درختان آن باغ را بسوخت و دلیل که پادشاه را مرگ مفاجات رسد و اگر در خواب بدید که در باغ اشتران بودند و دلیل بود
که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد و اگر در باغ کوفته اند و دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم
پادشاه را بدو و اگر در آن باغ پرندگان بنید و دلیل که لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشد اما برایشان اعتماد نبود و اگر بنید که
از آن باغ میوه جمع میکرد و بجان میبرد و دلیل بود که بقدر آن ویران و منفعت رسد و اگر بنید که در باغ پیغمبر جمع میکرد
دلیل منفعت بود و از پادشاه لیکن بسختی ورنج باید جابر مغربی کوید که اصل باغ در خواب تنگ مردم بود و بقدر هیبت و اگر در
باغ سبزه بنید و دلیل بود که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته شود و اگر باغ از سبزه و میوه خالی بنید و دلیل کند که کار او نیکو گردد
و اگر باغ خرم و آراسته دید کسی او را گفت که این باغ از آن فلان است و او میوه از آن باغ میخورد و دلیل که بقدر آن از خداوند
باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان ندید و دلیل بود که
پادشاه بر رعیت جور و ستم کند و اگر بنید که بدست خود باغی نوساخت و درخت نشاند و میوه بر آمد و دلیل بود که زنی توانگر زنی
خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل کرد و اگر در آن باغ بوقت خویش انکسور دید و دلیل بود که مال و منزلت یابد و بقدر بهشت
خویش حکایت آورده اند که مردی پیش سلیمان آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی
میوه های بسیار بود و در آن باغ دیدم که خوک بزرگ نشسته بود و مرا گفت که این باغ ملک آن خوک است من از آن

حال متحیر کردیم و در باغ خوکان بسیار دیدیم که میوه میخوردند و گفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک میخورند پس بلیمان
 گفت این خوک بزرگ پادشاه ظالم و ستمگر است و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که مطیع و فرمان بر پادشاه ظالم اند و دین را
 بدینا فروشنده و از عذاب جنت خدای تبارک و تعالی محرومند و صادق علیه السلام فرماید که دیدن باغ و درختان برهمنیت و جود و اول زن خوب
 و دومی فرزند نیک سیم عیش و عشرت چهارم مال پنجم بلند ششم شادی هفتم کینه و باغ و درختان دیدن قیم زن بود و اگر کسی بیند که
 باغبانی میکند و دلیل کند که زن توانگر کند و بشغل او مشغول شود و با ایشان سازگاری کند و بعضی از معجزان گویند که دیدن باغ
 بر سه وجه بود اول که خدای سرای دومی قیم زن سیم فرزند ذرة العین یافتن جامها این سیرین گوید که یافتن جامها در
 خواب ضرر بود و با فتنه مسافر بود و اگر بیند که جامه یا چیزی بیافتد دلیل بود که بسفر رود و آوره اند که یافتن جامها در خواب
 خصومت بود و اگر بیند که جامه بافته بهرید دلیل بود که انکار با خصومت بر طرف شود و بریدن آن هم از سبب ضرر بود و اگر سنا
 یا ریا نرا تاب میداد دلیل کند که بسفر شود و کرانی گوید اگر بیند که بجای ابریشم لیسان یا کتان می بافت دلیل بود که بدو بزرگ
 نشان خیانت بود و اگر بیند که جامه را تمام بافت و بهرید دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام کرد و اگر بیند که تمام بافته بود
 دلیل بود که کار او تمام نکرد و جامه بر مخری گوید اگر بیند که بافتن میسر و دلیل بود که او را بامر و مخصومت افتد و حالش نیکو گردد
 اما از مردمان او سرزنش و علامت رسد با قلا این سیرین گوید که دیدن با قلا در خواب وقت خود خوردن و بیوقت خوردن
 اگر خسته باشد یا خام دلیل بر غم کند و حکم تا و آن در تر و خشک کیسان است و اگر بیند که خور و غم و اندوه کمتر بود و کرانی گوید اگر کسی
 بیند که کسی با قلا بدوداد و خور و دلیل بود که اندوه کمین کرد و باشد که آنکس خصومت کند و معجزان گویند اگر بیند که با قلا داشت
 یا کسی بدوداد یا از خانه بیرون ریخت و از آن هیچ نخورد دلیل که او را زبان نذار و خاصه چون بوقت غلش دیده بود یا با قلا رفتن
 محمد بن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کوه یا بر کوشک و برانند اینها و بالا رفتن دلیل کند که آنچه خواهد
 بیاید و حاجتش روا گردد و بعضی از معجزان گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا سیریت دلیل که آنچه میسرید بر سر و دشواری بیاید و اگر بیند که
 بر زردبان بالای شد دلیل بود که دروین شرف و منزلت یا بدخا صه که زردبان او از کل بود و اگر بیند که زردبان از کچ و سنک بود دلیل
 بود که در دین او خلل باشد کرانی گوید که از زردبان بر بالا رفتن از کچ و سنک دلیل که شرف و بزرگی یابد و در این جهان
 و اگر بیند که از خشت خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد و در آن جهان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت
 و باز نیاید دلیل بود که اجل او نزدیک باشد و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیمار گردد و
 سر انجام شفایا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن بر پنج وجه بود اول روانی حاجت
 دومی زن خواستن سیم قرب و بزرگی چهارم مزایا یافتن پنجم بالا رفتن کار یا پالان این سیرین گوید که پالان
 دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی بهر یا بخرد و دلیل که زن خواهد یا کینه خرد و اگر بیند که پالان
 بر پشت داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و دومی مستولی کرد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که

نقش

تبد

پالان

پالان

زن از وی جدا گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بنید که بالان پاکیزه نبود داشت دلیل بود که زن مستور ساز کار بخوابد و او مشغول
 منفعت یابد و اگر بنید که بالان ورشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی منفعت یابد
 بالش ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بود بنیده خواب را اگر بنید که بالشی نو فر گرفت و آن بالش سبز بود یا سی
 بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکاری مصلح پارسا پیدا کرد و اگر بنید که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تا پیش بخلاف
 این بود و اگر بنید که بالش او بدرید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع کرد و یا بگریزد و یا رنج و
 بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا گردد که مانی گوید اگر بنید که کسی از خانه او بالش بدزدید دلیل بود که کسی از پی زن او
 میبرد که او را بغیر یابد یا از پی کینه دمی و متبران گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بنید که
 بالش بسیار یافت دلیل بود که تقدیر آن بالشها او را خادمان و کنیزان حاصل کرد و اگر بنید که آتش در افتاد و بالش او
 بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او برونند یا بگریزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود
 اول خادم دوم کنیزک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پیر نیز کاری و عدل بام اگر بنید که بر بام خانه مهول بود دلیل
 بود که زنی خواهد بر قدر لب می بام با قدر و رفعت اگر بنید که بام آستخانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کاریش
 بر نظام کرد و جابر مغربی گوید که اگر بنید که بر بام خانه یا دشت بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بنید که از بام بسیار آواز
 جاد و منزلت میفتد و او را اندوه رسد بانگ و استغاثه جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ و استغاثه جانوران مرد
 بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بنید که او را بانگ میکرد و ناز جانی دور اگر خواب داد و دلیل بود که زود بمیرد و اگر بنید که
 خواب بنید دلیل که بیمار کرد و اگر بنید که آواز کرستین می آید دلیل بود که شادمان کرد و اگر بنید که آواز می شنید دلیل
 بود که چیزی را خوش نشود و اگر بنید که بانگ زاری می شنید دلیل بود که حاجت او را کرد و در دشمن ظفر یابد و اگر بانگ و شتم
 شود که راهتی بوی رسد و زود زایل کرد که مانی گوید اگر بنید که اسی بانگ میکرد دلیل بود که او را شارتی رسد و بعضی از
 معبران گویند که البته مروی بوی رسد از بهر آنکه بسایم دروغ نگویند و اگر بنید که خرابانک میکرد و از دشمنی و جاملی فریاد و شتم
 شود و قوله تعالی إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيمِ و اگر بنید که شتر بانک میکرد دلیل که حج رود یا به تجارت و
 در آن ویرا سود و منفعت یابد و اگر بنید که کوسندی بانک میکرد دلیل که از بزرگی و پراخیز و منفعت رسد و اگر بنید که از بنی خاله
 بانک شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بنید که آهوانک میکرد دلیل بود که او را کینه کی حاصل کرد و اگر بنید که شیر
 بانک میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بنید که پلنگ بانک میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد
 و اگر بنید که یوز بانک میکرد دلیل که کسی بروی چشم کیرد و بروی کبر کند و اگر بنید که کرک بانک میکرد و بر دشمن ظفر
 یابد و اگر بنید که شغال بانک میکرد دلیل بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بنید که رو باهی بانک
 میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بنید که کره بانک میکرد دلیل بود که او را

تجرب

ج

تجرب جانوران

از روز و نیم بود و اگر بنید که شتر مرغ بانگ میکرد و دلیل کند که خادم دلیر باید و اگر بنید که کرس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی
 بزرگ غمگین کرد و اگر بنید که بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بنید که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرشکان پادشاه
 شنود و اگر بنید که کلازده بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بنید که خروس بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانه شنود
 و اگر بنید که چیل بانگ میکرد دلیل که خبر اندوه و مصیبت شنود و اگر بنید که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بنید که فاخته بانگ میکرد
 دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بنید که تذر و بانگ میکرد دلیل که خبر بی باحال شنود و اگر بنید که طاوس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه
 عجیب شنود و اگر بنید که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی درویش شنود و اگر بنید که لک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی متقانی
 شنود و از آن خرم کرد و اگر بنید که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر بی نیکو شنود و اگر بنید که بانگ کجاکان شنود دلیل کند که خبر بی متور
 شنود و اگر بنید که بانگ کلاغ می شنود دلیل که خبر مردی حرام خواره شنود و اگر بنید که گنجشک بانگ میکرد و خبر خوش شنود و اگر بنید
 که بلبل بانها و رستان بانگ میکرد و خبر طریقی یا نوحه کردی شنود و اگر بنید که ساز بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بنید که مرغ آبی
 بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بنید که بط بانگ میکرد و خبر مصیبت کسی شنود و از آن او و اگر بانگ بچکان مرغ شنود
 ماتم و مصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را بفال بد آرند
 که بانگ او اندوه و مصیبت بود و بانگ تارترسیم بود و از دشمن ایا بانگ زنبور و ملخ و دلیل بر ترسیم بود و بانگ مرغ دلیل کند
 در جمعی فرو آید جابر مغربی گوید که بنید که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سبکین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه بود
 و هر چند بهتر خبر و شرب بود حکایت آورده اند که مردی پیش بن سیرین آمد و گفت که خواب دیدم که دایه جفنده بامن سخن میگفت
 ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ**
أَنَّ النَّاسَ و چون بگفته بر آمد آن روز دنیا حلت کرد و بانگ نماز ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بنید که
 در جایگاهی معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز بدلیل کند که حج بیت الله بگذارد قوله تعالی **وَإِذْ قَالَ فِي الْمَنَاسِكِ**
يَا أَيُّهَا النَّاسُ و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود و مردی و یا پسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بنید دلیل
 او را بدزدی بگیرند و اگر بنید بانگ نماز از مسجد یا از مناره و بدلیل بود که مردمان را بخدا میخواند و اگر بنید که در بستر خفته بانگ نماز
 میداد دلیل بود که بازن خود الفت دارد و اگر بنید که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که منقطع و درویش گردد و گویند کسی از
 اهل بیت او هلاک کرد و اگر بنید که بانگ در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود و اگر بنید که بانگ نماز
 در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند که رانی گوید که مردی بنید که بازن خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا حلت کند
 بزودی و اگر بنید در کلبه های بانگ نماز زیادت و نقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم و بیاد کند
 و اگر بنید که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گویند و اگر بنید که بانگ نماز در گریه میداد دلیل
 بر حالی او بود و درین دنیا و اگر بنید که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تا ویش بد بود و اگر بنید که مجوسی در

تجربیات

زنان بانگ نماز میداد و اقامت کرد از زندان رفتی یا بدو اگر بنید که بانگ نماز بله و بازی میداد و دلیل که ملاک کرد و اگر بنید که
بر سر کوهی بانگ نماز میداد و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بخدا ایتعالی خواند و اگر بنید که در مناره بانگ نماز میداد و دلیل بود که بزرگی
و فرمانروائی یا بدو اگر بنید که در کعبه خانه بانگ نماز داد و دلیل که در کاخ حیانت کند و اگر بنید که در صوابه بانگ نماز داد و دلیل بود که بسفر
زود شود و در آن سفر سرخ و بلا کشد و در باز و اگر بنید که در میان کوهی بانگ نماز کرد و دلیل بود که در میان قومی تنگتر گرفتار آید
و با وی حیانت کند و اگر بنید که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده و بله بانگ نماز میکرد و دلیل که عقل از او زایل کرد و اگر بنید که
دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود و کسی او را بخدا ایتعالی خواند و اگر بنید که بانگ اقامت نشنود
دلیل بود که در کارهای حق توفیق یا بر حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ نماز در خواب برود و از ده و ده بود اول حج دوم سخن
سیم فرمانروائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم مردن هشتم مفلسی نهم خیانت دهم جاسوسی یازدهم منافقتی و بدینی
دوازدهم بریدن دست پانزدهم ابن سیرین گوید که یکبار ه پانزده خواب دیدن سخن خوش و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند عمالی
یا بد یا بدستی و بدو اگر پانزده بسیار بنید نعت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و اگر بنید که سر زنی بخوار یا پانزده خوشبختی دلیل بود
که مال و نعمت دنیا بدو بقدر آن کارش بنظم گیرد و اگر بنید که پانزده بسیار داشت و جمله را بخشید یا از وی ضایع شد دلیل است
که اگر نعمت دار و جمله را نفقه کند یا از وی ضایع کرد و پامی و انیال گوید اگر کسی بنید که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال
از وی ضایع کرد و اگر سر و پای بریده یا شکسته بنید دلیل بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و متبران گویند که اگر کسی سر و پای خود را
بریده یا شکسته بنید دلیل بود که بسفر شود و اگر بنید که پای او آهین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بنید که پایش آهین
بود دلیل که عمرش زود سپری کرد و مالش نماند زیرا که آهین را بقا و قوت نبود و اگر بنید که پایش شل یا مستلا شده بود دلیل بود برستی
و ضعف حال او با آنچه طلب کند از خیر و شر این سیرین گوید که اگر صاحبی بنید که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او و قوت تعالی و کمال
علی اکبر ^ع هر چه و اگر بنید که پاهای او برین بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی دهد و اگر بنید که پایش بنود و بچوب راه میرفت
دلیل بود که اعتماد بر کسی کند و از آنکس و فانی بدو اگر کسی عامل پادشاه بنید که سر و پای او بریده بود دلیل بود که از عمل
مغزول کرد و مالش تلف شود و اگر بنید که پای او آهین بود دلیل بود که مالش نماند و اگر بنید که پایش سیمین بود و پش
زیرین سیمین دلیل کند و اگر بنید که پای او درد مند بود دلیل که او را زبانی رسد و اگر بنید که پای او بستونی بسته بود این تاویل بهتر بود
زیرا که درخت چون مردی بود و ستون چون مرده و اگر بنید که پای او در دایمی گرفتار شده بود یا در جانی فقر و فاقه بود دلیل بود
که در مکر و حلیتی گرفتار کرد و بقدر آنکه پای وی در آن سخت شده بود و اگر بنید که پای در جا یکپایی یا در کوری بلخزید دلیل بود که
از کار دین و دنیا باز ماند یا کسی سخن بد گوید که از آن رجوع کرد و اگر بنید که پای سبزه روی می جنبانید دلیل بود بر غایت طلب کمال که میجوید
کرمانی گوید که سر و پای تاویل مادر و پدر را بشود و هر چه و نقصانی که در پانزدهمین دلیل بریده مادر کند و اگر بنید که پای بسیار داشت
دلیل کند بسفر شود و اگر در ویش بود تو آنکه کرد و در دین پیش پای خود دلیل نیست مرد بود و حصول مال و طاعت که

سجده

حی

کرد و بود جابر مغربی کوید که اگر بنید که پای او چون پای شتر یا پای کاه بود و دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بنید که
 پای او چون پای اسب بود یا پای خر و دلیل بود که قوت و جاه او افزون کرد و اگر پای خود چون پای درندگان یا دوان میزخیری
 حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون حیال مرغان بنید دلیل بر قوت و معصیت است او بود و بر دشمن ظفر یا بد حضرت صادق عم فرماید
 که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش و دوم غم سیم سحر کردن چهارم طلب مال پنجم قوه ششم سفر هفتم زن و پادشاهی
 در خواب غم و معصیت بود پای او بخشن ابن سیرین کوید که اگر مردی در خواب بنید که پای او بخشن در پای داشت دلیل بود
 که او رنج بود و اگر بنید که سیم بود رنج و سختی او کمتر بود و کرمانی کوید که پای او بخشن زن از ناشوی و زن از نایک بود و پیر اسبانی
 زن از نایک بود و مرد از احرام و اگر بنید که او بخشن از پای سیرین کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که عکس از وی رنج و دل کرد و
 بنده نهادن ابن سیرین کوید که اگر بنید بر پای خود نهاد و بنید دلیل بود که ترسان و هراسان کرد و اگر بنید که در پای او دو
 بنده نهاد بود و او در سجده بود دلیل بود که او از دین ثبات بود یا در ناز یا در غزای یا در کار کرد یا در آن صلاح دین بود و کرمانی کوید که
 بنید در خواب بند را که در پای خویش بند بود و او را غم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم که دو هر چند که بر پای بند
 قوی تر و محکم تر بنید دلیل که افتادش در آنجا بیشتر بود و اگر بنید فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بنید که بندش از سبب بود پس دلیل
 کند و اگر بنیدش از آهن بود دلیل بود بر آنچه که نکست یا کرده شد و اگر بنید که بندش از سبب بود مقیم شدن از سیرین بود و اگر
 بنید که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود و جابر مغربی کوید که اگر برای بنید که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن جهت
 خلاصی یابد و اگر پادشاه بنید که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود و حضرت صادق عم فرماید دیدن پای بند خواب
 بر سه وجه بود اول ثبات در دین و دوم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الحکمه هر که در خواب بنید که در پای او بند بود و اگر بنید که
 نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود همچنین پای تابه ابن سیرین کوید که پای تابه در خواب چون نهاده بنید مال بود و چون
 بر پای سیمید بنید سفر بود و اگر بنید که پای تابه بر پای چنانکه مسافران آنهنگ بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود
 که زود از دنیا حلت کند و اگر بنید که پای تابه خویش بفرودخت یا کجی بنید دلیل بود که او ضایع کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که
 پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال و خسته بود دوم سفر سیم مرگ بود و سیم برای سیمید و تنه اعظم بیابان کرده پاچه ابن سیرین
 کوید که اگر کسی در خواب بنید که پاچه کو سفند همی خورد و دلیل بود که چیزی نعمتی بد و رسد بقدر که خورده بود و اگر بنید که پاچه کاه
 همی خورد و دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود و بر اندازد خوردن او جابر مغربی کوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود خوردن
 مال تیمان بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بنید که خام بخورد یا پانده ای کردن ابن سیرین کوید که اگر در خواب بنید که کسی پانده ای
 همیکرد و دلیل بود که در کالکس مقیم و پایدار بوده از او جدا نکرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که پانده ای کردن در خواب
 بر سه وجه بود اول مقیم شدن آنکس که پانده ای او کرد و دوم غایت کردن با وی سیم خیر و منفعت بد و رسد و اگر بنید که
 از پانده ای کسی بیرون آمد و او عیش بخلاف این بود بهر ابن سیرین کوید که بهر جانوریت درنده و از جمله سبع است

پای او بخشن

بنده نهادن

پاچه

کاه

پانده ای

سبع

و دشمن شیر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود لیکن کریم و مهربان بود و اگر بینید که بابر در نیر و جنگ بود و در
 قهر کرد دلیل بود که بر دشمن چیره کرد و اگر بینید که بر وی راقه کرد دلیل بود که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بینید که بر آویزان
 بود و دیگر نجات از دشمن امین کرد و اگر مانی کوید که پوست و استخوان و موی بر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از دشمن بدو رسد
 بقدر آنچه دیده بود و اگر بینید که بر بنفشه بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او کرد و پست ابن سیرین کوید اگر بینید که بت
 می پرستید دلیل بود که بر خدایتی دروغ کوید و بر راه باطل بود و اگر بینید که بت از چوب بود که او را می پرستید دلیل بود که
 منافق بود و درین و اگر بینید که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر سوامی نفس تقرب کند بزی که با وی میل دارد و اگر بینید
 آن بت از زر بود دلیل بود که ملیش بکار کرده و جمع مال بود و اگر بینید که آن بت از آهن بود یا از مس یا از زر بود دلیل بود که
 غرضش از این صلاح دنیا و طلب متاع او بود و اگر مانی کوید که اگر آن بت از جواهر میزد دلیل که غرضش از این پادشاهی و خدمت و شتم
 بود و اگر بیند آن بت از جواهر دور شد دلیل بود که غرضش از این جمع کردن مال حرام بود و اگر بینید که بت در خانه بود از عقل و
 دانش خود فرمانده و تخریر کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بت در خواب بر سه وجه بود اول دروغ باطل دوم بکار
 منافق سیم زن هفده بنفشه کردن ابن سیرین کوید اگر بینید که مال خود را بکار خیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند
 خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد و مال خود برایشان قسمت کند و اگر بینید که مال خویش بر راه فساد و تبذیر
 دلیل کند که سومی فساد و حرام کراید و اگر بینید که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که هاشم هم بک او و هم نزد کافی
 او پراکنده کرد و اگر مانی کوید اگر بینید که مال کسی را بخشش میکرد بر خدای خداوند مال و دلیل خیر و شتر آن بچند او ندان باز کرد و
 بخور کردن ابن سیرین کوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار و اگر بینید که از بومای خوش چیری بخور کرد
 دلیل بود که قدر آن از مردی حاصل کند یا بزمی کوید که بخوری که آن خوشبوی تر بود بینید که بر خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بخور خوشبوی
 نبود خداوند خواب تا دلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که اول بخور کردن بخواب بر سه وجه بود اول مال بسیار دوم عیش
 خوش سیم نام نیکو سپهر ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بینید که او بر پا بود چون بر مرغ دلیل بود که او بهترین و بزرگی بود و بقدر پیر
 و بعضی از معتبران کوید که پریدن بخواب قوه و پناه بود و اگر مانی کوید اگر بینید که پرید و دشت که می پرید دلیل بود که سفر رود و کارش نیکو بود و اگر بیند
 که با خود پر مرغ دشت دلیل بود که قدر آن و پر خیر و منفعت حاصل کرد و اگر بینید که پر می آید و بختا دلیل بود که از بزرگی و جاه میفتد و مالش
 نقصان کرد و پر پیر ابن سیرین کوید که پریدن بخواب دلیل بود باندیشه و غم و خوردنش دلیل بر صفت بود و بر لب ابن سیرین کوید
 که بر لب بخواب لب باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال کوید اگر بینید که بر لب میزد دلیل بود که سخن دروغ و محال کوید کسی بدروغ مدح و
 ستایش کند اگر بینید که کسی پیش او بر لب میزد دلیل که سخن محال باطل شنود و اگر بینید که بابر لب خنک چنانچه میزد و می بود و بخیل و غم و مصیبت
 کند که باطل از منصف رسد اگر بینید که بر لب او شکست یا بینید دلیل بود که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بینید که بیار بود و بر لب میزد دلیل بر
 مرگ او بود و اگر مانی کوید اگر بینید که بر لب استوار و ستاد و وار میزد و او بر لب از زن ندانند اگر بینند خواب عالم بود دلیل کند

ب

خوشبختی

خوشبختی

خوشبختی

که مردمان علم و بیان نیکو گوید و باشد که این هر سه علم را بدانند اول تفسیر و دوم فقه و سوم قصص و اگر بنیاد کسی که جاهل بود کاری کند که از آن تشل و از مردم ملات و سرزنش رسد و اگر بنید که آواز بر طبع می شنید دلیل بود که خبر زنی بزرگ شود و با آن زن ویرا دوستی افتد
جبر جستن ابن سیرین گوید که کسی بنید که از جای بجائی می جست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بنید که بجائی دور می جست دلیل بود که بسفر رود و اگر بنید که در وقت جستن عصا و دست داشت دلیل عتاشوس بر موی قوی بود که رانی گوید که بنید که از جای بیرون جست دلیل است که از حال بد حال نیک کرد و اگر بنید که بهر جای که میخواست می جست دلیل بود که قوت و توانائی وی چنان بر او آید
مسنرئی گوید که بنید که از جای پاکیزه بجست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بنید از حال صلاح با فساد آید
بر و آبرو ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که خواب دیدم که مردی را بر دو دست بر میدند و دیگر را بر دو آبرو کردند گفتم که اگر این خواب راست میگوید امروز امیر شهر را معزول کنند و امیری دیگر بجای او بنشیند پس همان روز چنان شد و دیگر می بجای او بنشست که رانی گوید که اگر بنید که کسی را بر دو آبرو کردند و مردی در روی نظاره میکرد و دلیل بود که بر چندین مردمان بهتر کرد و اگر بنید که کسی بنظاره او نبود و شرف و بزرگی یابد لیکن در راه دین عذر و فاسق بود و اگر بنید که گوشت کسی را بر دو کرده بودند میخور و دلیل کند که آن کسی که مردم مسلط بود بخورد و خاصه که چون بنید که او را اثری نبود و اگر بنید که او را بر دو کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق علیه السلام گوید که بر دو کردن در خواب بر چهار وجه بود اول بهتر می دوم مال تنیم بزرگوار می چهارم غیبت مردم کردن و ابن سیرین گوید که بهترین جا مبارک بود و اگر بخواب بنید که بر دوازده بود و بگوید سهر و سفید بود و یا جائه نواز بر دو پوشیده بود دلیل بود که آخری نعمت یابد و بقدر آنکه جائه نیک بود و از آخری منفعت رسد و اگر بنید که جائه نیک داشت و بگوید سیاه و بگوید و ناویش بخلاف این بود که رانی گوید که در وقت مردی بود که دین را بنیاد اختیار کرده باشد خاصه چون بر دوازده بود و اگر بنید که در وی ابرشیم بود دلیل بود که هم طالب دین بود و هم طالب دنیا و ابن سیرین گوید که هر که پرده خواب بنید که بر دوازده بود و اگر سطل غم و اندوه بود و ترس بیم و در آخر کار و امیر کند و اگر بنید که پرده بر دوازده بود و در میان بازار غم و اندوه بود و ترس عظیم که رانی گوید اگر بنید که پرده ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس بیم ایمن گردد و چون پرده بنید و معروف نبود غم و اندوه صعب تر بود و اگر معروف بود آسان تر بود و جابر مغربی گوید که پرده نو پا و شاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و پرده کهن بهر حال نیکو نباشد پرده داری محمد بن سیرین گوید که کسی بخواب بنید که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی که دارد و اگر در جاه و عزتش زیاده کرد و جابر مغربی گوید که اگر بنید که پرده داری یا شاه عادل میکرد دلیل کند که وی اصلاح و تحیر کرد و حال حلال یابد و اگر بنید که پرده داری یا شاه مفسد و ظالم میکرد دلیل بفساد و ایل کرد و حال حرام یابد و ابن سیرین گوید که اگر بنید که پرستودن کسی بوی داد دلیل بود که آن کسی که از او جدا شده بود موانعت کبر و در مقام او قرار گیرد و اگر بنید که پرستودن بخت یا از دست بشکند دلیل بود که با کسی که موانعت دارد جدائی جوید و در وقت که رانی گوید که دیدن پرستودن خواب مردی توانگر با خرد بود و اگر بنید که پرستودن

جست

اولا

او

او

او

او

ماده بیند زنی توانگر با خرد بود و اگر بیند که بر ستوا زوی سپهر بدلیل بود که از مردی توانگر جدا گرد و اگر بیند که بر ستود دست او برود
 دلیل بود که یا راوبیر دور رخ و اندوه بیند جابر مغزنی گوید اگر بیند پستونی فرا گرفت دلیل که از غنای فرج یابد و از ترس سیم این کرد
 برف ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود و اگر ندانند دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجا بکشد
 که پیوسته در آنجا برف بود و دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغزنی گوید که دیدن برف بخواب شکر میفرماید که برف بخواب
 باری بیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی دوم زندگانی سیم مال بسیار چهارم
 شکر بسیار پنجم بیماری ششم غم و اندوه اگر بیند که تابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل که که بعضی خوش
 گذارد و منفعت بسیار یابد که مال گوید که برف بخواب دیدن در سردی دلیل بر خیر و نیکو کند و در گرمی دلیل بر غم و اندوه و قحط و
 بیاز بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد و بهتر از آن بود که بوقت بود برف ابن سیرین گوید که برف و در خواب خزانه دار پادشاه
 بود و بعضی از معتبران گفته اند که برف وعده کردن پادشاه بود و بدی و موطا عرا بطبع وی اگر بیند که برف را از هوا یا از آب فرا گرفت
 دلیل که کاری کند که در آن خیلی حیران بود و اگر بیند برف می خورشید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود و خاصه که باری با او هست
 بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برف در خواب بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دوم وعده بدیسم خواب چهارم حجت پنجم راه است
 بر کشود ابن سیرین گوید که بر کشود در خواب استواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر سبی یا بر کستان نشسته بود دلیل بود که
 کار وی محکم و استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم اقامه کند جابر مغزنی گوید اگر بیند که بر سبی یا بر کستان در میان رزم میدوید
 دلیل بود که کار بر او بخت و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که بر کستان از آب او را افتاد یا ضایع کرد و دلیل بود که نامردی
 یابد و در دست خصمان مغلوب گردد و بر پنج ابن سیرین گوید که بر پنج دیدن بخواب مالی بود که بر پنج حاصل کرد و بقدر آنکه دیده بود
 که مالی گوید اگر بیند که بر پنج نخسته همی خورد دلیل بود که حاجت او را کرد و خیر و نیکو بدو رسد و اگر بیند که بر پنج با گوشت نخسته همی خورد
 دلیل بود که بهتر بود و نیکوتر بود و بر پنج با شیر خوردن بنایت نیکو بود و اگر بیند که بر پنج با دوغ نخسته همی خورد دلیل بر غم و اندوه
 بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر پنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم حاجت سیم خیر و منفعت که بدو رسد و میرسد
 ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پنجاه داشت و از دست او برید و دیگر بار بدست او آمد دلیل بود که حاجت او را کرد و اگر بیند که بر پند دلیل بود که
 بعضی از مال او رود و بر پند آن بلکه بر پند و خواب چون تاول دیدا بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده شود بره ابن سیرین
 گوید که بره در خواب اگر ز بود و اگر ماده بود و فرزند بود و اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را فرزند یا آید آن فرزند
 بروی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که گوید که
 دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکو مال حلال هم هست بقدر بزرگی و کوچکی او و اگر بیند که بره داشت او را مال و غنیمت رسد
 بقدر آن اگر بیند که بره یا بز یا گاو را بکشت و آنرا بخورد و نه از بهر گوشت کشت دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت
 صادق علیه السلام فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال سیم معیشت چهارم غم

٧

6

١٧٢

9

●

28

بستگی

معاذ

معاذ

معاذ

معاذ

واندود بر سر یکی محمد بن سیرین کوید اگر کسی خواب خود را بر پهنه بنید چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند دلیل بود که حج طلب کند و اگر بنید و خواب بر روی مستور صالح بود که گناہش عفو کرد و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود و گمانی که بد اگر کسی خود را بر پهنه بنید و طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که از آری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت مجتهد کرد و جابر مغربی کوید بر پهنی و خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بنید و صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود و حضرت صادق علیه السلام فرمایند که بر پهنی و خواب بر صالح را خیر و نیک بود و بر مفسد را بدی و رسوائی و بیجستی پیر و اهل ابن سیرین کوید که پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی و در هلاک اندازد و گمانی که بد اگر بنید که پروانه از پس پشت او بر پدید و انگیس او را گرفت دلیل که بنیزکی و دشمنی و از کندی و از وی پسری آید اگر بنید که پروانه را یکشت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک کرد و پروت و خواب دیدن دلیل بر سبیت مرد کند اگر بنید که کسی بروت او را بمقتضی نیاز است تا بویل نیکو بود و او را مفرت نرسد و اگر بنید که بروت او در وقت پیراستن از تن بر پدید یا بستر و دلیل نقصان سبیت مرد بود و گمانی که اگر بنید که بروت او را زنده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بنید که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که بر و تشنه سفید کردید بود دلیل که از کار ناکردنی باز ایستد و اگر بنید که او را بروت بود اگر در آن بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند بر حج و انبیا که کوید که دیدن حل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سبک و جدی پس پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدار صاحب شرط و شراب و پادشاه بود و ابن سیرین کوید اگر کسی حمل را بخواب بنید با مردی محنتش او را کار می افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بنید با مردی جاهل و نادان او را کار می افتد و حاجت او روا کرد و اگر جوزا را بنید او را با مردی فصیح یا زبان کاری افتد و حاجتش روا کرد و اگر سرطان را بنید او را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا کرد و در بزرگی و جاه پادشاه سبک را بنید او را با مردی کشاورز بیوفا کاری افتد و مرادش بر نیاید و اگر میزان را بنید او را با مردی قاضی کار افتد و هر چه ده دهد وفا کند و اگر عقرب را بنید با مردی دشمن یا با زنی مفسد بد کاری افتد و او را رحمت رسد و غمگین کرد و اگر قوس را بنید او را با مردی سالار و بهتر کاری افتد و حاجت او روا کرد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بنید او را با مردی غریب ساده دل و نیک رای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او روا کرد و پیری بدانکه معبر از او درین خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند بخت است و کام روائی در آن کار که بود ابو هریره کوید از رسول خدا مرثیت که دیدار پیری در خواب دولت و بزرگی بود و دست در دست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین کوید که پیری بخواب دیدن که نخجوی و شکو مان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر از پشت غمگین بنید دلیل بر غم و اندوه کند و اگر سری خوش آمده بنید کار او شوریده کرد و اگر پاری جنگ میگردید که کار او آشفته کرد و گمانی که بد اگر پاری گمانند خواب دیدار دوست و دولت بود و آنچه کار او آشفته دیدار دشمن و ابا و اندوه بود و انبیا که کوید اگر کسی خواب بنید که پیران بود دلیل بود که لشکر و دشمنان مغرور و مبارک بود و اگر بنید که پیری او را در گون گرفت و میرفت دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بنید که پیری او را

از کردن بنیادخت از جا و دوزخی سفید و اگر بنید که بریان بلطف سخن میگفتند دلیل بود که کارش نیکو کرد و اگر بریان در جامه
 نیکو بنید حالش نیکو کرد و اگر بریان در جامه بد بر بنیادش بد کرد و اگر بنید که بری او را چیزی داد از زویم و آنچه بدین ماند دلیل بود که
 دولت و اقتباس زیادش کرد و اگر بری می کرد و اگر بنید که بری او بد کرد و اگر بنید که پادشاه بریان او را
 بنواخت دلیل بود که دولت یابد و مقرب پادشاه کرد و اگر بنید که بری جایگاه خویش ابد و نمود و خود را بد و عرض کرد و گاه خود را
 پنهان دلیل بود که زنی با وی کرد و خیانت سازد و اگر بنید که در خانه بریان شد و ایشان را می شناخت و دید دلیل بود که نصرت افتد و
 شهرت یابد و اگر بنید که بری او بری بود دلیل بود که حاجت او را کرد و از جامی که امید نذر و حضرت صادق ^ع فرماید که دیدن بری در جامه
 بر پنج وجه بود اول دوستی عزیز و دویم محبت و دولت و سیم کاری که دارد از آن کامرانی یا بد چهارم بزرگی و ششم بود پنجم خوش
 و کارهای باطل بود و پرواز کردن و انبال کوید اگر بنید که چون مرغ از جامی بجائی میبرد دلیل بود که بسفر رود و بقدر بلندی
 بریان وی از زمین بلند می شود و اگر بنید که راست آسمان میرفت دلیل بود که او را مصرت رسد و اگر بنید که چندان پرواز
 میکرد در هوا که آسمان رسد و در آسمان ناپدید شد و آنجا ناپدید شده بزمین نیاید دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند محمد بن
 سیرین کوید که اگر کسی بنید که از جانب قبله برید و باز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون
 بنید که بری دارد و اگر بنید که بی بری برید دلیل بود که از حال خود بد کرد و اگر بنید که از بام خویش بر بامی دیگر می پرد دلیل کند که
 زن را طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا کثرتی خردگرانی کوید اگر بنید که بعبان آسمان برید دلیل کند که حج کند و اگر بنید که از سرای خود
 بسرای مجبول برید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند و اگر بنید که بری او شست لیکن بخلاف بری مرغان
 دلیل کند که بیمار کرد و زود یک هلاک رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بنید که از جامی بجائی پرواز هم کرد دلیل کند که سفر نزدیک کند
 حضرت صادق ^ع فرماید که بریان بخواب بر پنج وجه بود اول سفر و دویم حج سیم بزرگی چهارم تغییر حال پنجم بیماری و مرگ و ششم
 بریان محمد بن سیرین کوید که بریان در خواب خداوند بخشن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پنجه تبایل بهتر از گوشت
 خام بود گرانی کوید اگر کسی بنید که بریان از گوشت کوفته خورد دلیل کند که بقدر آن مال بر پنج خوشی بدست آورد و اگر بنید که بریان
 از گوشت کاه و خورد دلیل بود که از ترس و بیم امین کرد و اگر بنید که بری او خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد
 و بعضی از معبران گفته اند که خوردن بره پنجه در خواب لیل آمدن سپری کند یا بر خورنی کوید اگر بنید که بریان میخورد دلیل بود که
 او را از همتی منفعت رسد و اگر بنید که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بکوه حلیت بدست آورد و اگر بنید که ماهی
 بریان کرده میخورد دلیل بود که بسفر شود و طلب علم یا صحبت مردی بزرگ یونند و اگر خداوند خواب تنور بود و اگر مفسد بود دلیل
 بر رنج و غم و اندوه بود و دشمن و هاسی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و هاسی بزرگ بهتر از خرد بود و دیدن بریان
 و دوش در خواب روی بود که بسبب می دیگران فراخ روزی کرد و بزرگ از بفراری جامه فروش بود و دیدنش مرگ
 بود عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دنیا بود که دهند و متانند و تاویل درم و دنیا را کرده و اندیشه بود و در آن

بنیادخت

بنیادخت

بنیادخت

نب

هیچ چیز نباشد لکن اگر بسای جامه زرد و دینا چینی دیگر سازند نیک و بدش دلیل بر نفع آنچنین کند که ساد و بود کرامی کوید اگر کسی بخوابد
 بزرگی همیکه دو بسای کالاد و دینا نمی ستند دلیل کند که او را از دوی و دینا می رسد و اگر بنید که کالای دیگر بپوش کالای خویش بپوشد دلیل کند که او را
 حاصل کرد و حضرت صادق م فرماید که دیدن بزرگ خواب زینت دنیا بود و بزرگ بزرگین کوید که بزرگ خواب مردی بود بزرگ ماله بزرگی بود
 در خواب هم بر پنهان اگر بنید بزرگی مجهول بخت دلیل بود که مردی بزرگ غلظت یابد و اگر بنید که پوست بزرگ بخت دلیل کند که مال بسیار است و نه پنهان کند
 و اگر بنید که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بنید که بروی نشست و از هر جانب میراند دلیل بود که یا مردی بزرگ که و حیل کند و طحال
 که خواهد او را کرد اند و اگر بنید که بزرگ از پشت خود بپیکند دلیل کند که آن مرد را از جاده و حرمت بپیکند و اگر بنید که در دوش بزرگ نشست
 دلیل کند که آن مرد را از عمل مشغ کند و اگر بنید که سر و نهایی بزرگ را زود قوی شده بود و یا در عدد زیاد کرد و دیده بود دلیل بود که در عمل خود
 مهتر و قوی کرد و برایشان غلظت یابد و اگر بنید که موی او زیاد شده بود دلیل بود که مالش زیاد کرد و اگر بنید که چشم او بسته دلیل کند
 که بقدر آن مال از فرزندان او و اگر بنید که ماله بزرگی را یافت یا کسی بدو بخشید دلیل که زنی بخوابد کرامی کوید و اگر بنید که ماله بزرگی را بدو
 و شیر او را بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر بنید که ماله بزرگ بخت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او را کرد و اگر
 بنید که ماله بزرگ از بهر گوشت بخت دلیل کند که فی شکاح بخوابد و از او فایده نگیرد و اگر بنید که ماله بزرگ خانه او برین نشاند دلیل که زن
 طلاق دهد و اگر بنید که ربه بزرگ خانه داشت یا بجای دیگر و انست که ملک است دلیل که بقدر آن ویرا مال و نعمت و غنیمت است
 آید و اگر بنید که ربه بزرگ کو سفند و صحرای چراند و بهر جا که میخواست میرد دلیل بود که بولایتی از عرب یا از عجم حاکم کرد و جابر مغربی کوید که
 اگر بنید که از گوشت ماله بزرگ بخورد دلیل کند که بیمار کرد و دوزخ شفا یابد و پوست و چشم و شیر بزرگ خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر
 بنید که بزرگ خانه بدو داد و یا بسای یا بخورد دلیل کند که او را فرزندی مبارک یابد و اگر بزرگ خانه را بخت دلیل که فرزندان او ملک کرد و اگر بنید که گوشت
 بزرگ خانه را بخورد دلیل که از مال فرزندی چینی بخورد و حضرت صادق م فرماید که بزرگ خواب مقدمه لشکر بود اگر کسی بزرگ یافت و بروی نشست
 دلیل بود که این مرد مقدم لشکر کرد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر کرد و حضرت صادق م فرماید که
 از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بزرگ خواب بنید که بزرگ بزرگانه بر دوش درویشی از وی دور کرد و دیدن بزرگ فروش در خواب مردی بود که
 مردان و زنان را جمع کند کرامی کوید که بزرگ خواب بدین گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از مفسران کوید که مالی جمع کرده
 او را حاصل کرد و جابر مغربی کوید که بزرگ خواب بدین خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر
 غم و اندوه کند بزرگ خواب نا ابر بزرگین کوید که بدین بزرگ خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
 بساط یا که بساط و خواب شاد و روان بود و اگر بنید که بساطی بهتر در روی نشست دلیل بود که روزی بروی فراخ کرد و عمرش
 دراز بود جابر مغربی کوید که اگر بنید که بساط پاکیزه و نوداشت و بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار کرد و خاصه که گسترده بنید
 که بساط خویش بفرخواست یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بنید که بساط او بسوخت دلیل کند
 که روزی بروی بسته کرد و مالش بدو و حضرت صادق م فرماید که بدین بساط و خواب چون بزرگ خواب بدو و بزرگ بود او را عز و جاه

تفسیر

ب

دویم بزرگی و فتنه سیم مرتب چهارم مال پنجم عمر دراز ششم شتاب قدر بزرگی بد آنکه چون بساط فروش بهایستان خلاف این بود
بستر ابن سیرین کویدیکه بستر در خواب زن بود و نیک و بدان تعلق بر زن دارد و اگر بنیدیکه بستر می یا بستر را بدل کرد یا از آن بستر
به بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بنیدیکه بستر از حال خود تغییر کرد و دلیل بود که زن او از حال
بحال دیگر کرد و اگر بنیدیکه بستر وی بستر دیگر شد بستر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخوابد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بنیدیکه بستر خوشتر
بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد و گمانی که دیگر کسی خود را بر بستر محمول بنیدیکه
که بقدر قیمت آن او را زبانی رسد و اگر بنیدیکه بستر وی بر تختی محمول گسترده بود و بروی نشسته بود و دلیل بود که بنیدیکه و منزلت یابد و
و ثمن آن را بخرند یا بخرنی کویدیکه بستر در خواب لایق و تن آسائی بود و قوله تعالی **فَتَكُونُ عَلٰی فَرْشٍ بَاطِلًا مِّنْهُمَا مَنِ اسْتَبَقَ وَكَانَ**
که بستر از خانه بیرون گذاخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق حرجی افتد و اگر خوشتر را بستر یا چهار بهر یکی افتاد
ببیند دلیل کند که بشماره هر بستر یکی بخوابد یا اینکه خرد و اگر بستر خود را در خانه بنید یا در محاکم از آنجا بیرون نتوانست آورد و دلیل بود
که زنش بخور کرد و در آن هیچ غلامی نیابد و اگر خوشتر را بستر نرم گسترده بنیدیکه خفته بود و دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بنیدیکه بستر
از پیشم آگنده بود و دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر بنیدیکه بستر او دریده بود یا سوخته بود و دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و
عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بنیدیکه بستر او بر ششیم بود یا بستر که پاسبین بدل کرد و دلیل بود که زن فاسقه است بداده
زن مستوره بخوابد و اگر بنیدیکه در بستر او پوش سوراخ کرده بود و دلیل بود که میان زن او کسی ناستر معاظمی اتفاق افتد و فساد و خرابی در آن
در بر او متعلق بود و دلیل بود که بستر او در جایگاه می بنید گسترده کرد و نشو و بالا گیرد دولت یابد و اگر بنیدیکه بستر وی از هوا بر زمین افتاد و دلیل کند که زنش بیمار
گردد و بعاقبت تنها یا بد و انیال عام کویدیکه بستر خود را بر بنید دلیل بود که زنی خواهد و نذر و پارسا و اگر بستر خود را سرخ بنید دلیل بود که زن او بدخول
کرد و اگر بنیدیکه بسترش کهنه بود و نشو و دلیل بود که زنش از خلق بد خلق نیک باز کرد و اگر بنیدیکه کهن شد و بنید دلیل کند که از خلق نیک خلق بد باز کرد
و اگر بنیدیکه بستر او بر سر بود و سرخ شد و دلیل بود که زن وی از اصلاح بفساد وایل کرد و اگر خلاف این بود از فساد و اصلاح باز آید و اگر بنیدیکه بستر او سرخ
بود مفید کرد و بد یا زرد شد و دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار کرد و چنانکه سیم مرک بود و اگر بنیدیکه بستر او بود و در زیر خود گسترده بود و بالمشها
نهاد و بود و دلیل بود که زن کند یا کنیز کان و خادمان خرد و اگر بستر خوش بالمشها بد و دلیل بخادمان کند قوله تعالی **وَمِمَّا رَفَعْنَا مَعَهُ**
و اگر بنیدیکه بستر بجای محمول دلیل بود که زنی بخورد و در آن کشاورزی کند و ثمر آن کویدیکه میث یابد و اگر بنیدیکه بستر خفته بود و دلیل که رحمت و آسانی یابد و اگر بنیدیکه
بستر وی دشته و بر هوا بروی او خفته بود و دلیل است که سبب آن جاه و بزرگی یابد و اگر بنیدیکه بسترش دریده بود و دلیل که زنش نابکار بود و مؤمنان کویدیکه زنش
و اگر بنیدیکه آتش در بستر او افتاد و بخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق فرماید و بدین بستر و خواب بر چهار و دو بود اول زن دویم
اینکه سیم ولایت چهارم معیشت و منفعت و تن آسائی است ابن سیرین کویدیکه اگر بخواب بنیدیکه بستر میخورد و دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد
و اگر بدیدیکه بستر کسی داو یا بفروخت دلیل بود که زوی بداند و او غم و اندوه رسد جا بر مغربی کویدیکه بنیدیکه بستر داشت و از خانه بیرون
ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از آن نخورد و دلیل بود که از غم رسته گردد و از آن خلاصی یا بدستان افروز ابن سیرین کویدیکه بستان

بستر

بستر
تفصیل

افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین بد بود اگر بنید که بستان افروز فرا گرفت یا کسی برود او دلیل بخرمی شادی بود
 که خرم کرد و اگر بنید که بستان افروز کسی داد دلیل بود که او را خرم کرد و اگر بستان افروز چون بوقت خود بنید می شادی بود بعضی از
 معیان گویند که زن باز کان توانگر بود با جمال و خوش طبع و اگر بنید که بستان افروز در خواب در جایگاه خوش میگردید که بسیار کافی
 دوست و معاصرا افتد و اگر بنید که از زمین بر کند دلیل که از صحبت مردی جدا گردد و بستان در خواب و آنچه در بستان بنید از زیادت
 و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بنید که از بستان شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و
 و مال حلال یابد و اگر بنید که بدل شیر از بستانش خون روان شود بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بنید که بستان پیش از اندازد و فرزند
 بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بنید که بستان او شیر جمع کردید بود اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد
 توانگر گردد و اگر این خواب را عجز بنید دلیل بود بر روی وی و اگر زن جوان این خواب را بنید دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری
 بنید دلیل بود که هم در غرضی بهر درگانی کوید اگر مردی بنید که بستان مردی میگوید دلیل بود که بیمار کرد و اگر زن بستان بود پس آورد
 و اگر زن بنید که بستان میخورد دلیل کند که کار دنیا بر وی بسته گردد و با بختی که بستان مرد در خواب آن او بود و بستان زن در خواب
 و اگر زن بنید که بستان او بریده بود دلیل بود که دخترش بهر درگانی کوید اگر مردی بنید که بستانش بریده بود دلیل بود که زنش بهر درگانی
 بنید که در بستانش بستانی دیگر برآید دلیل بود که دختر آورد و اگر بنید که هم در بستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش
 نیکو گردد و با دختر را بشوید و اگر بنید که از بستان خود شیر میخورد دلیل بود که او را غم و ملالت رسد و اگر بنید که از بستان و می شیر بخورد
 می شد دلیل که او را زبانی رسد و اگر بنید که یک بستانش باقی میماند دلیل بود که دخترش را بختی افتد از پادشاهی و اگر بنید که بر بختش بستانها
 بود دلیل بود که او را فرزندش بسیار گردد و اگر فرزند ندارد از بستانش زیادت کرد لیکن با مردمان ملالت بود و اگر زن بنید که از بستان آنچه بود
 دلیل بود که از نام پسری آورد و دختر تصادق فرماید که بدین بستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند آن خورد و دوم دختر آن سیم خادمان چهارم
 دوستان پنجم برادران بستان بنید این سیرن کوید که بدین بستان بنید و خواب آن را غم و ملالت و کامرانی بود و مردان از آن خیم بازیاد و
 غم و اندیشه بود اگر زن بنید که بستان بنید و نوازده داشت دلیل بود که غم و ملالت یا بد و بکام رسد و اگر زن بنید که بستان بنید و داشت دلیل
 بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی بنید دلیل بود بر خدایان و نامرادی از بختان پشت این سیرن کوید که پشت در خواب
 بدین مردی بود که از او قوه و پناه و یاری طلبید و اگر بنید که پشت او شکست دلیل بود که عکس که پشت و پناه او بود از دنیا جلت کند
 و اگر بنید که زخمی پشت او رسید دلیل بود که زخمی و آفتی بر او رسد که پشت و استظهار او بود که زخمی کوید مهرهای پشت قوه و فرزند بود
 و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تا و پیش بر قوت فرزند آن بنید خواب رسد و اگر بنید که پشت او داشت و با قوه بود دلیل بود
 که او را فرزند می بیند و دانا و عاقل بود و اگر بنید که چهری پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بوی رسد اگر بنید که
 برده پشت گرفت دلیل بود که مونس کسان مرده بوی بود و اگر بنید که پشت او بر پشت دلیل بود که حال او بد گردد و با بختی که بستان
 دشمن بخوابد بدین امینی بود از دشمن و بدین پشت زن دلیل که دشمن دنیا بود اما عیال اشعث کوید که پشت بخواب بدین

پشت

پشت

پشت

پشت



صداقاً نماید که بط سفید و خواب مال بود یا زن تو اگر و بپایه در خواب کینک بود اگر بنید که بط را بکشت و از کشت
 وی بخورد و دلیل بود که مال زن بمیراث رساند و نه نیکند لعل ابن سیرین گوید که نعل مدین بخواب دلیل بر طاعت و ریشی بود که در بر و مدوی
 نعل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بر وی کرمانی گوید اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید دلیل بود که مال حرام یا چای مرغی که
 اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید هم مال حرام باید و اگر کسی بنید که دستها در زیر نعل داشت دلیل بود بر یافتن مراد و دشمن قوله تعالی
 وَأَضْمَمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا ۖ وَبَعْضَىٰ أَرْحَمَ الْعَالَمِينَ گویند که دلیل بود بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که بنید که
 در نعل او نقصانی نیست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بر وی غالب گردد و اگر بنید که از نعل می بوی ناخوش می آید دلیل بود که
 مال بوی ردا تا با دشواری و اگر بنید که از زیر نعل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق ازال چیزی نقصان کرد و بقالی کردن
 ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهل کردن بود در کار و چیزی حال کردن بجهت معیشت اگر بنید که بقالی همیکه و دلیل بود که
 بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت ویران متاع دنیا حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بنید که متاعهای بقالی را برز و درم می فروخت
 دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زرد درم تنها دلیل غم و اندوه بود حضرت صداق فرماید که بقالی کردن در خواب بر سر و دوا کسب
 کردن دویم منفعت یافتن ستم غم و اندوه چون بنید که متاعها را می فروخت برز و درم بلامنکبسی ابن سیرین گوید که بلامنکبی
 در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت نباشد و اگر بنید که بلامنکبی از چوب نرم جسته بود و دوا میش بخلاف این
 بود که گفته شد پلاس در خواب دیدن درویشی بود صلح و پارسا و دین دار از لقوال و افعال با امانت اگر بنید که پلاسی شود
 داشت دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بنید که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن
 او را مال و نعمت حاصل گردد و معتبران گویند که پلاسی حلال بود و اگر بخواب بنید که پلاس نوبت دلیل بود که زن پارسای تو اگر بخوابد
 و از او خیر و منفعت بنید و اگر مردی بنید که پلاس نوبت بخورد دلیل بود که کینک پارسا بخورد و از او خیر و منفعت یابد بلبل
 بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بنید که بلبل پسر بد دلیل بود که فرزند یا غلام
 او ضایع گردد و اگر بنید که بلبل در دست بر و دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد و چای مرغی گوید اگر بنید که بلبلان بسیار داشت دلیل
 بود که بقدر آن غلامان بخورد و اگر بنید که بلبلان را بکشت و از کشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیرد یا بد بلبل که کرمانی گوید که بلبل
 در خواب دیدن کینک بود و ابن سیرین گوید زن او بود و اگر بنید که بلبله خرید یا کسی بوی داد و دلیل بود که کینک خرد و یا زن خواهد و اگر بنید که
 از آن بلبله آب می خورد و دلیل بود که با زن جماعت کند و اگر بنید که آن بلبله شکست دلیل بود که زن یا کینک می ببرد و حکایت کند از او بخله
 که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیاید و گفت بخواب دیدم که از بلبل آب میخورد و آن بلبله را دو در بود و از یکی آب شیرین خوش
 میخورد و از یکی آب شور تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار می داری تو بر کن و از خدا یتیمانی
 بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی تو بکر دم و بخت باز کردیم بلغم دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که
 بود صلاح آن مال را نفقه کند اگر کسی بخواب بنید که بلغم بجای کاپی جر که انداخت ما و پیش بخلاف این بود اگر بنید که بلغم

تعب

تجارت

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

اسفید از کلو بر انداخت بجای پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند که رانی کوید اگر بیماری بنید که بنیم را بر افکند دلیل بود که از
 بیماری شفا یابد و اگر بنید که بنیم سیاه بر افکند دلیل برغم و اندوه کند و اگر بنید که بنیم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان کرد
 اگر بنید که بنیم بر درون خانه خود انداخت دلیل بود که مال بر یکا نکان نفقه کند و اگر بنید که بنیم در سجده افکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح
 بر یکا نکان نفقه کند بر کس ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برک و درخت بر درخت خلق و خوی بر بنیده خواب بود خاصه
 بهنگام وی و اگر بنید که برک بفرزند درخت پاره فرآوردت یا کسی با و داد دلیل بنیده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرانی کوید اگر
 کسی بنید که از درخت برک تازه فرآوردت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جابر مغربی گوید که برک و درختان در خواب که
 میوه شیرین بود دلیل بر خلق نیکو بود و برک و درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برک و درختان که بار نیاورند دلیل بر دردم
 دنیا بود و مهربان گویند که برک و درختان میوه دارند دلیل بر دردم و دنیا کند پلنگ ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب شمشیر قوی
 و توانا بود و اگر بنید که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خشم را طفره غلبه بود یعنی اگر پلنگ بروی غلبه کرد
 دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بنید که گوشت پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ
 خصومت افتد لیکن منظر کرد و در شرف و بزرگی یا بد کرانی کوید اگر بنید که بر پلنگ نشست دلیل بود بر عز و جاه وی و دشمن را قهر کند
 و اگر بنید که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر طفره نیافتند دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صعب یا در این اثنان
 شفا یابد و اگر بنید که شیر پلنگ همی خورد دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و اگر بنید که پوست پلنگ یا
 استخوان یا موی او را فرآوردت یا کسی بد و داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاورد و اگر بنید که پلنگی را بگشت دلیل بود که از
 اسلام روی بگرداند و در آنچه خیر نباشد حضرت صادق فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن از
 دشمن سیم ترس از پادشاه بطور بد اگر بطور خواب فی بی اصل بود اگر بنید که بطور دشمنی یا کسی بد و داد دلیل بود که فی بی اصل بزرگی بخوابد
 و اگر بنید که بطور دشمنی یا ضایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر بنید که بطور بسیار درشت دلیل بود که او را بسبب
 زنان مال حاصل کرد و جابر مغربی گوید اگر بنید که بطور میفر و خشت دلیل بود که دلاکی زنان بی اصل کند و اگر بنید که بعضی از آن بطور میفر و خشت
 بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلاکی دختران و شیرازه و زنان بیوه بی اصل کند بطور ابن سیرین گوید
 که دیدن بطور و خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود و اگر بنید که در خانه وی انبیا نهایی بطور بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار
 او را در آن سال حاصل کرد و چون دانید که آن بطور ملک است و اگر بطور در خانه دیگران بود دلیل که مردمان پیش او مانند پادشاهانند حضرت
 صادق فرماید که دیدن بطور و خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم معیشت نیکو بطور که رانی
 گوید که پلسته افزونته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامن وی کردند و خدش کنند اگر پلسته افزونته
 نباشد تا و پیش بخلاف این بود پناه کوشش در خواب دیدن پسری خوش روی مبارک بود و هر دو بنا کوشش دو
 پسر بود کرانی گوید که دیدن بنا کوشش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت و نقصان دیدن بنا کوشش دلیل بر قدر

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بچه
بچه
بچه

و جادو صاحب خواب بود حضرت صادق فرمایید که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی و دوم قدر و جادو
سیم دین و سیم چهارم منفعت از سبب فرزند پسندم این سیرین کوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر که دیده بود و از آنکه بسیار روی و دانه
نخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد ولی هیچ و تعب حضرت صادق فرمایید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم
منفعت سیم ستر بودن پنبه در آنه این سیرین کوید پنبه دانه در خواب در باخضوت و میوه و دگر بود و شمشک و انبال که کوید که بنشیند در خواب
دیدن مردی با قدر و جادو بود اگر صاحب ستور بود و اگر مستور نبود و بیند که او را برام یا بچلیختی گرفت دلیل بود که با مردم مقدر که چلیختی سازد
و اگر قهر کند و اگر بنشیند که شمشک داده گرفت دلیل بود که زنی با قدر روی ظفر باید و اگر بنشیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که از مال آن مرد بداند قدر
گوشت وی خورده بود و درسد اگر بنشیند که بنشیند از آشیانه سیرین آورد دلیل بود که بدو رنج و علامت سیر کرانی کوید که این سیرین کوید
اگر بنشیند که بچکان بنشیند که اشکار میکرد و کرون ایشان را فرمودی شکست در انبان می نهاد دلیل بود که سلمی کوید که در آنجا بکشد و اندام ایشان را
بچوب خورد کند و اگر بنشیند که شمشک سرخ را صید کرد دلیل بود که زنی خوروی خواهد یا کثیر کی با جمال بخرد و اگر بنشیند که بنشیند که زنی دریافت دلیل بود که زنی
بیمار کوید زرد رنگ کند و بفرمان کوید که بنشیند که یافتن در خواب فرزند بود و یا غلام اگر بنشیند که بنشیند که کور داشت دلیل بود که با مردم می بود
بدل دوستی کند و گفته اند که یافتن بنشیند که در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شتر دم باید و اگر تو انکر بود شش هزار درم باید و خانه بنشیند
در خواب دیدن دلیل بر خیر و خوشی است یعنی بود و اگر بنشیند که بچکان بنشیند که ران خانه سیرین آورد دلیل بود که او را فرزند آن باشد و انحال حرام
و اگر خواب بنشیند که بنشیند که از میکرو و آواز او را می شنید دلیل بود که سخنانی شنود که او را از آن شکفت آید و معبران کوید که او از بنشیند که در خواب تسبیح کند
بود اگر بنشیند که بنشیند که او را بسیار حاصل شد دلیل بود که بهر قوی سروری کند مال بسیار یا دگر مالی کوید که بنشیند که در خواب چون کی بنشیند فرزند بود و اگر بنشیند که
بنشیند که بسیار با ناک می دانند دلیل بود که او را مردمان غوغا کار می افتد و اگر بنشیند که بنشیند که در میان نهاد و فرود دلیل بود که او را فرزند
آید اگر بنشیند که بنشیند که بسیار بدو بنشیند دلیل بود که قدر آن مال یا بد اگر بنشیند که بنشیند که راکبت یا دوست او بر دلیل کند که زبانی بدو در فرزند
بسیار و اگر بنشیند که بنشیند که را گرفت دلیل بود که او را فرزند آید و درشت و بزرگ اندام حضرت صادق فرمایید که دیدن بنشیند که در خواب بر سه وجه بود اول
پادشاه دوم والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی پنجم قاضی ششم باز کان هفتم مرد راه زن هشتم مرد باخضوت نهم مردی بجای کرون
بود حکایت ابوخلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیاد و گفت که خواب دیدم که در استین بنشیند که دایم و یکبار این سیرین
می آورد و می کشتم و شهادت می گفتم آنرا در چاه می انداختم تا ویش چگونه بود این سیرین گفت خانه کجای دارد می گفت فلان محله فلان کوچه این سیرین
گفت که کی ساعت نشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در اندامی مردم است و مردمان
پادشاه را در خانه او آورد و در آنجا حجت و حوکر دهند دیدند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بدستند که آن مرد ایشان را بچلیختی بدینجا برد
مالشان را می گرفت و ایشان را میکشت و در خانه می انداخت و پادشاه وقت بفرمود که او را بکشند و مردم از تعبیر این شکفت مانند
تعبیر بنشیند که در خواب کوید که خورد بود تا ویش از نیک و بد آن بر کوید خورد بود و پند و اول این سیرین کوید که اگر مردی بنشیند
کسی صلح را پندید او که در آن پند او را صلاح دین و دگر کاری آخرت بود دلیل بود بر شایانی که در آن خیر دین و دنیا می او بود

بچه

و اگر خلاف میزد پس بر فساد و تباهی دین و دنیا می بود و جابر مغربی گوید که چند دامن در خواب کسی را که در اصلاح دین بود یک بود
 و چند دهنده و شش مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و چند دانی که در فساد دنیا
 بود چند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میداد از تباهی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بجزای بازگشت تا او را از شر و فساد کارها دور
 عذاب حق تعالی رسته کرد و بنده نهاده آن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بنده اش در پای دشت دلیل بود که دین او بخل بوده و او دعوی
 مسلمانان کند بدو رخ و مردی بخل بود و او از چیزی بخی نرسد و بعضی از عجمان گویند که چون مروجی مصلح بدست خود بند میزد دلیل بود که از
 کارهای بد و ناسازگار بازماند و از دوست بدار و اگر بد دست از چوب بندد آنکه گفتیم که آسان تر بود که دانی گوید اگر کسی در دین خود بند از
 چوب بندد دلیل که انانیت در کردن او بود و او امانت نمیکند و اگر چند چوبین برای خود میزد دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگیس
 در سفر بود سلامت باز آید و اگر بندید که بند کردنش از بیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بندید که بندش از زری بود رنج
 از حشمت از جهت مال بود و اگر بندید که بندش از مس بود دلیل بود که سبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بندید که بندش از شکست بیم
 خلل بود و او بر دین خاصه که بند او بدست بود اگر بندید که بند از پای او بدست شد دلیل بود که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر برای خود
 کند بند نهاده میزد دلیل بود که او را بامدی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را برین بسته میزد دلیل بود که کسی بوی منفعت رسد و انیال او
 که اگر امیری بندید که برای خود بند این دشت دلیل که از ولایت خویش بفرستد و در آن سفر ماند و اگر کسی بندید که بر سر دو پایش بند نهاده بود
 دلیل بود که ولایت یابد و اگر بندید که چهار بند برای دشت دلیل بود که او را چهار پسر یابد و اگر بندید که بند از پای او بدست شد دلیل بود که از
 غمها فرج یابد و اگر امیری بندید که پای او بند و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از عجمان گویند که کاروی آسان کرد و
 اگر بندید که بند از سیمین بود دلیل بود که زنی نکاح خواهد یافت و اگر بندید که بند از رین بود دلیل که بفرستد و و یا بیا کرد و اگر بندید
 که بند او این بود دلیل که سفر دور کند جابر مغربی گوید که بند خواب ثبات دین بود و لقبول خواب پیغمبر که فرمودند **أَحَبُّ الْقَيْدِ فِي النَّوْمِ وَلَا**
أَحَبُّ الْغُلِّ لَكَ الْقَيْدُ ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوست دارم پای بند را در خواب غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بندگی بود و دین
 حضرت صادق (ع) فرماید که دیدن بند در خواب بر چهار وجه بود اول که نفر و بیم نفاق بیم بخل چهارم اطمینان دست برداشتن و بعضی از عجمان گویند
 که غل در دست بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوبنا هوشی بود و از ظلم نهد ابن سیرین گوید که هر که بندد نابالغ را بخواب بندید که بالغ شد است دلیل بود که
 اگر او کرد و اگر کسی بندید که بنده خود را از او کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بندید که خواهر یا برادرش دلیل بود که غمگین است و اگر
 بندید که بنده را بفرخت دلیل بود که شادمان کرد و بنفشه خمین سیرین گوید بنفشه در خواب دیدن بوقت خود دلیل بود که از زنی یا
 کینری چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از زحمت خویش جدا میزد دلیل بود که غم و اندوه خورد و دانی گوید اگر زنی بندید که بنفشه از زحمت بگذرد
 بشو خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بندید که کسی بنفشه بدو داد دلیل بود که میان ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید
 که درخت بنفشه در خواب کینری بود بدخوی و ناسازگار بنیاد نهاده و ابن سیرین گوید اگر کسی بندید که بنیاد نهاده فائده دنیای
 وی بنیاد از خاص عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بندید که بنیادی نهاد در جانی مجهول و نداند که از آن کیست

بنده

بنده

بنده

بنده

دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد را بر زمین و ملک خود نهاده و دلیل بود که ناید و روزی حلال باید کرد تا بیاید
 اگر بیند که بنیاد از خشت پنجه و کج نهاده و دلیل بود که مال او از حرام حاصل کرد و اگر بیند که بنیاد از خشت خام بر نهاده و دلیل بود که همه او
 بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد را بر خشت پنجه نهاده و بر آورد دلیل بود که در اهل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند که خواب
 بنا کرده بود و نزدستان دلیل بود که منفعت باید و اگر بیند که بنیاد را از خشت پنجه بر آورد دلیل بود که منفعت باید از پادشاه و اگر بیند
 که بنیاد از خشت خام و کل بر آورد دلیل بود که منفعت از مردم عام باید حضرت صادق فرماید که اگر کسی بیند که شهری بنا کرد و دلیل بود که
 جماعتی از مردم را در بنیاد خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از دشمنان ایمن کرد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد و دلیل بود که
 بکار دنیا مشغول کرد و اگر بیند که سرایی بنا کرد و در وی نشست دلیل بود که نفعها و چیزها بیند و اگر بیند که مسجد را بنا کرد و دلیل بود
 که جمعی را بکار اصلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاده و دلیل بود که نام او بخیرات منتشر کرد و اگر بیند که طرزی بنا کرد و دلیل
 بود که زنی خواهد و اگر ماد بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی توانگر یا پارسا بخواند و اگر بیند که
 کوستان را بنا کرد و دلیل بود که بکار آخرت مشغول کرد و اگر بیند که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدر و منزلت جوید و اگر بیند که هر بنیادی
 که بنهد و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد و کارش ناتمام ماند پیشتر محمد بن سیرین
 گوید که بیند در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل کرد و بیند که خواب را و بیند تر مال بسیار بود که در حضرت است
 آید جابر مغزنی گوید که پیشتر مال و ثروت بود که باسانی بیاید و پیشتر خشک سفری بود و با آنکه منفعت اگر کسی بخواب بیند که مال
 با پیشتر بخورد و دلیل بود که در سفری او مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از متجربان گویند که علتی بد و رسد لکن این را زود
 خلاص کرد و چه بدانکه استادان این فن در تامل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که مهمتری بزرگ باید و از آن خیر و منفعت
 بیند و تناسی نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری کرد و چنین گویند که آن چون بگونه زرد است دلیل بیماری
 کند و آنکه گوید که سفری دلزد بود و بار خج تن بدان معنی گفت جبرئیل آدم را در وقت بیرون آمدن از بهشت به لوی داد حکم بفرزد از باغ و
 اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت بزیاده و با چنین غم و اندوه که لوی رسید و آنکه حکم لوی بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام
 بزیاده آمد خوردن آن معنی می زیاده شد لاجرم از وی چنین فرزندان در وجود آمدند و آنکه گفتند که از بهشت بزرگ خیر و منفعت بیند یا تناسی نیکو
 بدان معنی گفتند که هنده آن جبرئیل بود و ستانده او آدم و از لوی خوش شامی نیکو بود و چنان آید که هر خوابی که استادان تعبیر کرده اند
 از ظرف ن گفته اند ابراهیم که برید بخواب بیماری بود خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگونه زرد بود و بیماری محسوس بود حضرت صادق
 فرماید که دیدن به خواب چون بوقت خود بود بگونه سبز بود تاویل فرزند بود و چون زرد بود خود بیند که بگونه زرد بود و بیماری بود و بسیار این
 سیرین گوید که بیمار در وقت چهار پادشاه بود اگر خواب بیند که فصل بهار بود و هوا معتدل چنانکه از گرمی سردی در زمانه مضرت و رنج
 رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته از کل و
 شکوفه مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بیمار را بوقت خود با اعتدال

بیند

چ

بکار

بنید دلیل که جاده و غرور و غفلت بود و مردم عام را از پا داشت و قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فضل
 یا نبیره یمن بود و بهشت ابن سیرین کوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مشرود بود و از خدا تعالی یا قول تعالی اَدْخُلُوْهَا
 بِسَلَامٍ اَیْمَنِیْنَ و اگر بنید از میوه های بهشت فاکت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود
 علم و دانش آموزد و سیرت دین براند لیکن سود ندارد و اگر بنید که با حوران بهشت همی بود دلیل بود که نزع بروی اسان
 کرد و اگر بنید که در بهشت مقیم شود لیکن ویرا نکند استند دلیل بود که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود و اگر بنید که در بهشت
 بر روی اولیست که روید دلیل بود که مادر و پدر از وی ناخوش شود و باشد و اگر بنید که بر نزدیک بهشت شده باز که روید دلیل بود که بهار
 کرد و بحال مرکب لیکن از آن شفا یابد و اگر بنید که فرشتگان دست ویرا گرفتند که در بهشت برند و آن برفت و در زیر درخت طویلی
 بنشست دلیل بود که مراد و جهانی یا بد قول تعالی طَوَّیْ لَکُمْ وَحَسَنَ مَا جِیْب و اگر بنید که وی را از خوردن شراب و شیر منع
 میکردند دلیل بود و بهر تبااهی دین وی قول تعالی وَمَنْ یُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَیْهِ الْجَنَّةَ و اگر بنید که از بیوی
 بهشت کسی بدود دلیل بود که آنکس از علم وی بهره بود و اگر بنید که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام
 چیزی خورد و اگر بنید که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که کتنگهای بهشت را یکی بوی داند
 دلیل بود که دلا رومی یا کنیز کی بزنی بخوابد یا بنیغری کوید اگر بنید که رضوان در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و
 شادمان کرد و نعمت یا بد قول تعالی سَلَامٌ عَلَیْکُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِیْنَ و اگر بنید که بر جایگاه بنده نیکو بود که صورت
 بهشت داشت و او بنده است که بهشت است دلیل بود که پادشاه عادل پیونگیرد و یا با تو اکر ی یا با عالمی بزرگوار و اگر بنید که سوی
 بهشت میرفت دلیل بود که بره حق پیوسته بود و حضرت صادق فرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه و جلد اول علم دویم زهد سیم منته چهارم
 شادی پنجم بشارت ششم ائینی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سعادت و اگر بخواب بنید که در بهشت بود دلیل مرآت و جهانی بود و
 بدست او غیرت بسیار رود و اما چون مصالح بنید دلیل بود که بیماری یا بلای مستلک در دنیا که ثواب اهل بهشت بیاید و عالم کرد و مردمان
 از علم او نصفت یابند و این سیرین کوید پهلوی خواب زن بود و اگر بنید که پهلوی چپ او آس کرد دلیل بود که زن و کنیز که او هر دو
 آسفتن شوند و اگر بنید که پهلوی او سرخ شده بود و پاره گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن و بچه بیگانه بکنید
 و اگر بنید که هر دو دست بر پهلوی نهاده بود دلیل بود که ویرا غمی سخت رسد که رانی کوید اگر کسی بخواب بنید که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل
 بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر بنید که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هر دو تلف
 گردند و اگر بنید که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که عیالش رنجور گردد و اگر بنید که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن کوهری یا
 لَوْلُوْی بیفتاد دلیل بود که او از فرزند عالم آید یا رسا و اگر بنید که هر دو پهلوی او فراسم آید دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بنید
 که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که در روزی دین و قوت عیال او و اگر بنید که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود و او پیش
 بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی کوید که پهلوی در خواب دلیل بر زمان بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده

بیت

و یا

شده اند پس هر خیره و شرکه در پهلوی میزد و آن بر زنان باز کرد و اگر عنبیکه را و اگر پهلوی می سار بود و دلیل بود که بقدر آن زبان و کینان
 حاصل گردید و اگر عنبیکه را پهلوی اواری برین آید دلیل بود که او را زنده یافتند صادق فرماید که بدین پهلوی در خواب بر پنج وجه بود و اول آن
 دوم و خشمی که بر یک چهارم خادم پیچیده زنی که در خانه بود و تو تیار این سپهرین کوید که تو تیار در خواب روزی بود و اول حلال که از زن بدو
 رسد و اگر عنبیکه را تو تیار را گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بقدر آن از زن مال بخورد و کرمانی کوید و اگر عنبیکه را تو تیار را گرفت و از کوفت وی
 بخورد و دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد و کرمانی کوید که تو تیار بدین در خواب دلیل بود بر بزرگی و اگر عنبیکه را تو تیار را گرفت و در
 خانه آورد و دلیل بود که از خوشان خود زنی خواهد و از زوال و منفعت حاصل کند و چو ریا این سپهرین کوید اگر کسی بگوید یا کند بر وی منفعت
 خفیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملات یا بد و اگر عنبیکه را بوی یا یافت و سپهری شد دلیل بود که
 شغل خوشی را تمام کند و اگر عنبیکه را بوی یا از برای خانه می یافت دلیل کند که بکد خدای خود مشغول گردد و جای بدشرفی کوید و اگر عنبیکه را بوی یا بدست
 یا کسی بدو داد و دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر که چوکی و بزرگی بوی یا حضرت صادق فرماید که بوی یا در خواب بر سه وجه بود و اول
 منفعت دوم خواستن زنی سیم بکد خدای خود مشغول بودن چو در پیشه این سپهرین کوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فرزند و چون
 بود و اگر عنبیکه را بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود و دلیل بود که بر دشمن غالب گردد و او را تهر کند و اگر عنبیکه را بوزینه نبرد
 میکرد و بر وی خیره شد و دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفایا بر یا عیبی برتن او پیدا آید که از آن خلاصی نیابد و کرمانی کوید و اگر عنبیکه را بوزینه را
 بکشت دلیل بود که بر دشمن تهر کند و اگر عنبیکه را گوشت او را بخورد و دلیل بود که در شکی و عیبی گرفتار آید و اگر عنبیکه را کسی بوزنه بوی بخشد دلیل
 بود که دشمنی او ظاهر کند جابر کوید اگر کسی عنبیکه را بوزنه را بکشت دلیل بود که بیمار گردد و در زود شفایا بد و اگر عنبیکه را بوزنه را بست نشسته بود
 دلیل بود که جویدی باز آن افساد کند و بوزنه ماده زنی مغسوده جادو بود و اگر عنبیکه را بوزنه بخانه در آمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را
 جادو کند و اگر عنبیکه را بوزنه با وی سخن گفت دلیل بود که زن با وی در آن زیانی کند و اگر عنبیکه را بوزنه او را بکشد دلیل
 بود که بیمار گردد و یا از عیال خود دشنام شنود و اگر عنبیکه را بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد و دلیل بود که مال خویش را از دست
 بفرماید کند و پوست و انیال کوید که پوست تن مردم در خواب آرایش و کد خدای مردم بود این سپهرین کوید و اگر عنبیکه را
 پوست مردم ستروال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر خواسته عنبیکه افتاده دلیل بود که ستر و از وی کشته
 گردد و مال او تلف گردد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سیاه عنبیکه دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر عنبیکه را پوست
 پایش روشن بود و دلیل بود که کارش خواسته گردد و کرمانی کوید که پوست جمله چهار پایان خواب بدین مال بود و پوست شتر میراث
 بود از مردی بزرگ و پوست کوسفند صاحب را روزی بود و اگر پوست دخت بفرماید خدایوندش روزه دار بود و اگر عنبیکه را پوست
 از مسلوخ باز کرده دلیل که از آنکس که بدان مسلوب بود مالی بستاند و اگر عنبیکه را سرالی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که
 اگر آنکس قصاب بود در سرای او ریاور نهند و اگر معلم بود بر کوید و کان ستم کند جابر مغربی کوید و اگر عنبیکه را پوست کوی باز
 میکرد دلیل بود که آنکس شغل های کهن و چیزهای تباها شده را به صلاح باز آورد و از جهت پادشاه میا نخی کند چون

تجربه

سعدی

تجربه

تجربه

این و بر زبان لشکر پادشاه خلاف کند و کارای بسیار پوششین ابن سیرین کوید اگر کسی در خواب ببیند که پوشین پوشیده بود و وقت رستمان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که و همیشه تا بود و اگر در وقت تابستان بود و همین دلیل کشیدن سرانجام غمناک کرد و کرمانی کوید اگر ببیند که پوشین بره یا بزغال داشت دلیل بود که زنی توانخواه و از آن مال بیاورد و اگر ببیند که پوشین سسور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخوابد که توانخواه و مالدار بود و اگر ببیند که پوشین رویا به از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانخواه و پارسا لیکن فریبده و حیکه کرد و اگر ببیند که پوشین خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی ناکجا دلیل بخوابد و از رحمت ببیند و اگر ببیند که پوشین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود که زنی ناسازگار زنی بخوابد و اگر ببیند که پوشین که بر پوشیده بود و دلیل بود که زنی بدخو زنی بخوابد و زود و بی امانت بود و اگر ببیند که پوشین و شقی پوشیده بود و دلیل بود که زنی اصل دین دار زنی کند و اگر ببیند که پوشین موش پوشیده داشت دلیل که زنی پلید زنی بخوابد و اگر ببیند که پوشین وی دریده یا سوخته یا صایع شده بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود پوشه و اول ابن سیرین کوید اگر کسی ببیند که کسی را بوسه داد و دلیل بود که آنکس دوست و خواستکار بود و اگر آنکس مجهول بود دلیل که از جانی که طمع ندارد و خیر و منفعت ببیند و اگر ببیند که معرفی او را بوسه میداد دلیل است که از آن کس خیر و منفعت ببیند که کرمانی کوید اگر ببیند که مردی را بپوشه بوسه میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بدعای خیر یاد آورد و اگر ببیند که مرده و پیرا بوسه میداد دلیل بود که طالب و خواستکار وی بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل بود که مراد و مقصود دنیا بد حضرت صادق فرماید که بوسه دادن در خواب و لیش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی و سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش شنیدن یوقی زدن ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب ببیند که بوق میزد و بوقی زدن را نمیدانست دلیل بود که مردی از سر خود آگاه کند و اگر ببیند که بوق میزند دلیل بود که در میان مهران دروغ گوید و آن دروغ را بسکندر راست کند و بجاقت ظاهر کرد و که آن دروغ بود جابر مغربی کوید که بوقی زدن تا اول مردان را مصیبت بود و زنا را روائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق فرماید که بوقی زدن در خواب بر چهار وجه بود اول خبر دروغ و دوم سخن مکر و سیم ظاهر شدن راز چهارم مصیبت بود و دلیل ساحتش ابن سیرین کوید که در خواب پادشاه بود یا دوی بزرگ که مردمان لبیب او بود و بر بند کرمانی کوید که در خواب تا و لیش آن بود که نیکو باشد اگر ببیند که از پل بگذشت دلیل بود که پادشاه او را عز و جاه رسد و از منفعت ببیند و اگر ببیند که بنیادی بریل می نهاد و عمارت میکرد دلیل بود که ولایت و پادشاهی بیاورد و مال بسیار او را جمع کرد و قوله تعالى و القناطیر المنقطة من الذهب حضرت صادق فرماید که پل در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه رسد و او را که سیم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کردن اگر ببیند که پل بنیاد و خواب شد دلیل بود بر بنیاد هی حال پادشاه و نقصان ملک او و بوم بخواب دیدن مردی دزد ناکجا مفید بود و خود اگر ببیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر بهر حال

پوشین

پوشین

پوشین

پوشین

پوشین

دیدن بوم نیکو باشد جابر بخزنی گوید اگر بنید که بومی داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که مردی در زور اقرار کند و اگر بنید که گوشت
 بوم منجور دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی در پنج زور و اگر بنید که بومی بوم داشت دلیل کند غلام کوچک و زو یا ناکردی
 از زور او حاصل کرد و بومیهای خوشش ابن سیرین گوید که بومیهای خوش و ناخوش شای نیک و بد و دم بخن ناصوس
 بود اگر بنید که بومی خوش شنید دلیل بود که او را نکو پیش کنند و اگر در خواب بومی خوش بسیار شود دلیل بود بر مرکب ز که
 مرده را از بومی خوش و حنوط ناکزیر بود و کرمانی گوید اگر کسی بنید که او را خوشبوی کرد و دلیل بود که او را ستایش کنند و ناکو بنید
 و اگر بخلاف این بنید دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکو پیش کنند و نام او بر شتی منتشر کرد و پی ابن سیرین گوید که پی
 در خواب جمع کننده حال و کار او بود اگر خواب بنید که پی بر اندام او خشک شد یا بکست دلیل بود که دوستی که جمع کننده
 حال و کار او بود از دنیا بپاید و یا از دنیا رحلت کند اگر بنید که بسیار بر تن او خشک شد و دلیل بود که از دوستان مفارقت
 جوید کرمانی گوید که بومیهای تن دلیل بر خوششان و اهل بیت بود اگر بنید که بومیهای او در شت و قوی بودند دلیل بود که خوششان و
 اهل بیت او بد حال و ضعیف گردند بسیار بایان دانیال گوید که بایان و خواب قسمت و روزی بود بقدر بزرگی و فراخی
 آن اگر بنید که در بایان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بنید که با گروهی و در بایان شت
 دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاده کرد و ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که از بایان بیرون آمد
 دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بنید که در بایان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و حضرت صادق فرماید که دیدن
 بایان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت و دویم حیرت و سرشکی سیم عناد و رنج چهارم سیم و خطر و هلاک مکر روزی
 زود بیرون آید پس از کرمانی گوید که پایز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت اگر بنید که خواب مصلح و
 مستور بود و بچند خود را از خوردن آن دفع کند و اگر بنید که خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی
 سخنان زشت گویند خاصه چون پایز سرخ بود و اگر پایز پخته خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و
 بخدا ایتعالی باز گردد و حضرت صادق فرماید که پایز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام و دویم غیبت و سخن
 زشت سیم پشیمانی در کارها پس از محمد بن سیرین گوید که پایز در خواب کینزک بود که با وی عشرت و طرب کند
 اگر بنید که از پایز آب یا حلاب منجور دلیل بود که با کینزکی بخلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بنید که
 آن حلاب یا آن آب از پایز ریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد و حضرت صادق فرماید که پایز در خواب بر دو وجه بود اول
 کینزک و دویم خادوم پس از ابن دانیال گوید که پیر این سفید در خواب دیدن مرد بود و بعضی از تعبیران گویند که پیر این زن
 بود و دلیل حال و کار او بود و کسب معیشت اگر بنید که پیر این نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و نیکوئی
 احوال و اگر بنید که باره از پیر این او دریده بود و تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بنید که پیر این وی کهن و چرخ
 بود و دلیل بود که در ویشی و بیچارگی و رنج و غم بد و رسد و هر چند پیر این را که نه تر و دریده تر بنید بلا و مصیبت

تعبیر

پی

بایان

بیکه

بیکه

بیکه

و همیشه شکر بود که خداوند خواب هلاک کرد و اگر کسی بنید که پادشاه او را پیر این خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مالی کوید اگر کسی بنید که پیر این نو پوشیده بود دلیل بود که بظا هر نیکو بود و باطن بد و اگر بنید که پیر این تلوارش جمله حرمین بود که دلیل بود که اگر تو اگر بود و روشن کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر غرضی کوید اگر کسی بنید که پیر این نو فراح پوشیده داشت دلیل بود که عیش بروی فراح کرد و اگر بنید که پیر این تنگ بود دلیل بود که عیش بروی تنگ کرد و اگر بنید که پیر این او درید بود دلیل بود که رازش آشکار کرد و اگر بنید که پیر این بی کریان بود دلیل استین و یکد ز بود و پوشیده دلیل بود که حبش نزدیک آمده باشد و اگر بنید که پیر این دراز داشت دلیل که کارش بدر کرد و در دوش بر آید و اگر بنید که کریان پیر این از سوی پیر بر آید دلیل بود که او را بد روح تهمت دهند قوله تعالی وان کان قیصه قد من دبر فکان بت و اگر بنید که پیر این کسی داد و انگس

پیر این را بوی فو مالید دلیل بود که بنیم کرد و در جایگاه او را بشارت رسد قوله تعالی اذهبوا بقیصی هذا فالقوه علی وجه الی یات بصیرا و اگر بنید که پیر این خون آلود در دست داشت دلیل بود که روز کار دراز در غم و اندوه بماند و اگر بنید که پیر این دریده پوشیده بود دلیل بود که کارش پر کنده کرد و در رازش آشکار شود حضرت صادق فرمایند که دیدن پیر این در خواب چون نو فراح بود دلش برش و وجه بود و اول دیدن مردم دویم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم ریش و خرمی ششم بشارت بیت المعمور خانه است در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم بامانت یا بعل ظاهری کرد و حج کند و از شد دشمنان امین کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بنید دلیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد و اگر بنید که در بیت المعمور خانه ساخت یا نجفت دلیل بود که اهل وی نزدیک آمده باشد و اگر بنید که پیر این بیت المعمور طواف میکرد و همین دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بگرد مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او را کرد و اگر کسی بنید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بنید که بیت المعمور آریسته است و فرشتگان بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عروجه یا بنید پیر این ابن سیرین کوید که پیر این در خواب دلیل بر مال و زمینت زمان و کینک کند بر قدر و قیمت پیر این که دیده بود که مالی کوید اگر بنید که پیر این آریسته بود بخواب و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بنید که پیر این اوضای کردید دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر مردی بنید که پیر این زمان داشت دلیل بود که غمگین کرد و پیر و زده ابن سیرین کوید که پیروزه در خواب دیدن ظفر و قوه و حال روانی بود و اگر بنید که پیروزه از وی صنایع کردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر غرضی کوید اگر بنید که پیروزه بخوار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق رضی الله عنه فرمایند که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دویم حاجت روانی سیم قوت چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین

پیر این

پیر این

پیر این

گوید اگر کسی بخواب بنماید که پیر کردید و محاسن او سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بنماید خرم و شادمان بود
 دلیل که از دوستی مراد می آید و از غم رسته گردد و اگر پیری معروف را بنماید خرم و شادمان بود دلیل بود که از و چیزی بدو
 رسد و اگر او از ترش روی و نکمین بنماید پیش بخلاف این بود و جابر مغربی گوید اگر پیر را بنماید جوان شد دلیل بود که در عز و
 بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بنماید پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بجا آخرت
 مشغول گردد و بطبیعی ابن سیرین گوید که کسی در خواب مال و ثروت انگری بود و اگر بنماید تن او پیس گردد دلیل بود که تقدیر آن
 او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از متعبیان گویند که کسی در خواب میراث بود حضرت صادق فرماید که کسی در خواب بر چپا وجه
 بود اول مال دویم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی گوید اگر بنماید که با مردی پیس او صحبت بود و اگر
 آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و فحش دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد
 پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل
 بر فرزندی بود که از اهل بیت او توالف کرد و اگر بنماید که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوندش در پیکر فنی و پیریز کاری مشهور
 کرد و اگر بنماید که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر بنماید که پیشانی او کوکبی که دیده
 تاویش بخلاف این بود و اگر بنماید که پیشانی او از حال خود بکشت دلیل بود که زبانی بوی رسد و اگر بنماید که بر پیشانی او موی ریش
 دلیل بود که وام دار گردد و اگر بنماید که آکنوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن دانش از جهت عیال بود و اگر بنماید که پیشانی او آهاس
 داشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بنماید که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که تقدیر آن او را کم
 کند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بنماید که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار خدائی او پندار کرد و اگر بنماید که بر پیشانی
 چشبهای بسیار داشت همین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بنماید که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که
 او از فرزندی آید عالم و پیریز کار و اگر بنماید که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود کند
 و مرک او بر شهادت او بود و اگر بنماید که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد
 و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دویم عز و
 بزرگی سیم فرزند توالف چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکو پیشی گرفتن ابن سیرین گوید اگر بنماید که در کاری پیشی
 گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و عز و آنچه بدین ماند دلیل بود که در آخرت رشککاری یابد و او را نزد
 خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق فرماید که پیشی گرفتن
 در خواب در کارهای خیر و صلاح و جهانی بود و اگر بنماید که پیشی گرفت در کار شر و فساد دلیل کند بر فساد و جهانی پیشی
 ابن سیرین گوید که پیشی در خواب دیدن اگر بنماید که پیشی خود را در کار دویم پیشی از آن بهتر مشغول گردد و دلیل بود که کارش
 و حالش بهتر گردد و در کسب و کار وی نیکی پدید آید و اگر بنماید که پیشیهای کونا کون همی کرد و اگر آن پیشیها نیکو بود دلیل خیر

پی

پی

پی

پی



دلیل بود که پادشاه آند یا بمیرد جابر مغربی کویدار بنید که از بهر تماشای پیل نشسته بود و آن پیل بروی قادی بود دلیل بود که
 زن عجمی رانجاک خود بخوابد و آن زن بروی قادی کرد و اگر بخلاف این بنید دلیل بود که بر زن قادی کرد و اگر بنید که پیل صلاح پوشیده بود و
 از آن شهر بشهر دیگر میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه سپادشاهی و دیگر افتد تا او را طاع کند حضرت صادق می فرماید که درین پیل
 در خواب برنش و جب بود اول پادشاه عجمی دویم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد باقوت و هبیت پنجم مرد جسود ششم ستم کاری خون خواره و کوش
 کیا بیست که برک بزرگ بین دارد و آنرا شکوفه زردست دیدن آن در خواب فی بود خادمه فی اصل دون همت اگر کسی بخواب بنید که پیل کوش و شست
 یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از منفعت بنید پیلو را بن سیرن کوید که پیلور در خواب نند طیب بود و مانند فقیه
 زیرا که طیب بیمار از امالجه کند و فقیه مردان را راه دین نماید و اگر بنید که پیلور دارد و اما از فوئد و ازین هر سه مردمان خیر و راحت رسد و بدین
 سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی کویدار کسی بنید که پیلور می می کرد دلیل بود که از آن کس خیر و منفعت بهر کس برسد و فاش
 به یکی در آن دیار منتشر کرد و پیل ابن سیرن کوید که پیل در خواب خادمی بود که کار نکند که رانی کوید که پیل در خواب خادمی بود که کار
 بنفاق کند و بعضی کوید که پیل در خواب کاری بود که از سرخ و عناق حاصل کرد و اگر کسی بنید که پیل دارد و از آن کاری کند دلیل بود که
 آن کار تمام کرد و اگر بدان کار نکند دلیل بود که آن کار بریده کرد و بهاری ابن سیرن کویدار کسی در خواب بنید که بیمار است دلیل بود
 که دین او فساد و بود و کفزار او با مردم بنفاق بود و بعضی کوید که در آن سال بمیرد و اگر بنید که بیماری سندرست شده بود و در خانه نبود و با کس سخن میگفت
 دلیل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بنید که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفایا بد
 گزینی کویدار بنید از بیماری که بر تنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب پیل فرسخت و جو کند و غم و اندوه که از قبل سلطان یاز
 قبل عیال بدو رسد جابر مغربی کوید که بیماری کونا کون در خواب پیل بود و بخوابد ازین فریضه ها و مستها حضرت صادق فرماید که کسی بنید که بیمار بود و
 از علت خویش می نالد دلیل بود که از غم بکین کرد و اگر از بیماری قانع و رضی و شاکر بود و با پیش نبکی صحبت بود و اگر بنید که بیمار بر تنه بود دلیل که جانش نزدیک
 آمد با توفیق الهی القدر جنت و نفاذی که خلق کند اول مرده بیمارانه ابن سیرن کوید که بیمارانه در خواب نظام کار بود و انصاف و لیت بود و بیمار و مان خاص
 چون بیمارانه او شکست یا بسخت دلیل بود که خداوندش بیم مرک بود و اگر بنید که از بیمارانه چیزی می پید و اگر اهل علم بود دلیل که قاضی کرد و اگر اهل علم باشد دلیل
 که از بهر داری تقاضی محتاج کرد و قبول دیگر بیمارانه در خواب روی بود است کوی منصف که داد و مردمان دهر مینی و انیال کوید که پیل در خواب پیل برجاه و فست
 بنشیند بود و هر زیاده و نقصان که دوری بنید دلیل قبر و جابه بر سینند بود و اگر بنید که پیل او کونا شده بود دلیل بود و نقصان قدر منزلت آن کوید که
 پیل آن افتاده بود دلیل کند که از جابه و منزلت بنفید و اگر بنید که سوراخ بینی او فراخ شده بود دلیل بود که معیشت بزی فراخ کرد و اگر تنگ شده بود
 دلیل که معیشت بزی تنگ کرد و بن سیرن کویدار بنید که عز از پیل او بیرون آمده بود دلیل بود که از منتهی منفعت یا بد و اگر بنید که جانوری
 از پیل دی بیرون آمد چون که م و کس و مانند این دلیل بود که او را فرزندی آید و اگر بنید که در پیل او سوراخ بود و
 مهار در پیل او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا با ذنی بزرگ جمع کرد و از و مال و نعمت یابد و اگر بنید که سر پیل او
 بسته بود و چنانکه مردن نتوانست دلیل بود که کار بروی بسته کرد و اگر بنید که سخن در پیل میکوید دلیل بود که در پیش زایل کرد

تبع

پیل

بیب

بجاری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

و اگر بنید که پوست سر بینی اورفته بود دلیل بود که اورا زانی افتد جابر کوید اگر کسی در خواب بیند که از بینی او خون می آید و بخور کند
 که بخواب دیدم که از بینی من خون می آید دلیل که مال بسیار یا بدار کوید که دیدم خون از بینی من میشد دلیل که مالش برود باید که چون
 سایل سخن کوید متبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث اورا بفعل نکا پادار و اگر کسی بنید که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل بود که از بزرگ عاقله
 جمع کرد و اگر بنید که سر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را خسته کند و جنبی کوید که در جاه و منزلت او نقصان شود جابر کوید اگر کسی
 بنید که چیزی بکراست در بینی او شد دلیل بر خشم و نیکی بود اگر بنید که خون از بینی او بیرون آید چنانکه حماتن او خون آلود کرد و دلیل بود که
 مالی حرام بوی رسد و اگر بنید که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آید دلیل بود که او فرزند از شکم مادر بقیه بقول معبران درویش کرد و
 و اگر بنید که خون از بینی او بیرون آید و خون آلود گشت دلیل بود که فرزند از زان از خانه بیرون کند یا با ایشان گزند رسد و اگر بنید که بینی او
 بر زمین افتاد و دلیل بود که او دختری رسد و اگر بنید که بینی خود را همی شست دلیل بود که مردی زن او را بفریبد و اگر بنید که بینی وی می رفتی
 بیرون آید دلیل بود که چهار پای دارد و بچا آورد و بقول بعضی از معتبران خون آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آن دیار بوی
 رسد اسمعیل ششت کوید اگر بنید که بینی وی بر شمال خرطومی بزرگ شده بود یا کم از آن دلیل بود که بقدر آن بر تن و جاهای
 بسفر آید و از آن خوششان نیز زیاده کرد و اگر بنید که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که او فرزند می مصلح بود و اگر بنید که در بینی او
 بوی ناخوش رفت تا ویش بخلاف این بود جاحظ کوید اگر بنید که بینی ندارد و دلیل بود که کسی از خوششان می بهرید و اگر بنید که او را
 دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بنید که کسی بوی خوش فرامی آید او شست دلیل بود که او از آن کس منفعتی رسد
 و اگر بنید که خوابن بود دلیل بود که او را پیر می مصلح آید و اگر بنید که شخصی بوی ناخوش در زیر بینی او شست دلیل بود که از آن کس ششی فرو خورد
 حضرت صادق فرماید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول مرد و دوم مال سیم سبزی چهارم فرزند پنجم عیش و شادی و ششم خوردن این سیرین
 کوید اگر کسی بخواب بنید که پیچ خور دلیل بود که خیر نعمت و فراخی یابد و اگر بنید که پیچ کوفند شست و بخور دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد
 و اگر بنید که پیچ جانوری بخورد که گوشت او حلال بود دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیچ خواب بر سه وجه بود اول نعمت
 فراخی دوم مال و منفعت سیم کشایش کارهای سیم و ششمی کرانی کوید اگر کسی بنید که بیضی کرد یا چنانکه عقل او زایل کرد و دلیل بود که او کارهای پیش آید
 که در آن کشته و تخریب کرد و لیکن انجام کارش نکو کرد حضرت صادق فرماید که بیضی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کار و دوم تخریب و ششمی دشواری
 و بیچارگی حرف الثامن کتاب کامل التفسیر باب اول ابن سیرین کوید اگر کسی بنید که بر تن تاب میداد و یا بر تن او دلیل بود که بفر
 شود و غرض بقدر درازی و کوبایی بر تن یا بر میان بود و اگر دراز بود و غرض از زکند و اگر کوتاه بود و غرض کوتاه و زود بود و اگر برای چند وقت بر تن تاب
 تاب میداد دلیل بود که از پیر مصلحتی کاری کند یا از بهجت نفس ریاضت کند حضرت صادق فرماید که تاب دادن بر تن در میان بر سه وجه بود اول
 سفر و تحویل دوم ریاضت نفس سیم کشایش کارهای فروخته باب شان ابن سیرین کوید که تابستان بخواب بدین پادشاه سخت بود و اگر
 که رای سخت بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح رسد تابستان را بوقت خوش خواب
 دیدن بهتر بود و کرانی کوید اگر کسی تابستان را بخواب بنید بوقت چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار و دلیل بود که غرض از خوش نشانی

تفسیر خواب
 ابن سیرین
 کتاب کامل التفسیر
 باب اول

مهرج

تاریخ

سجده

پیرنگ

کرد و کارش بجاورد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر انسان را نه بوقت خوش بیند تا پیش بخلاف این
 بود تاج محمد بن سیرین کوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت بود و روز ناز شوم و مردم عامه را نیکوئی بحال و اگر بیند که بر سر تاج
 داشت از روز و صبح دلیل بود که قدری بلند و منتهی عظیم یابد لکن درین راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهر می کند
 صاحب شست و جاده و شغل بسیار گمانی کوید که بیند که پادشاه برود و تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کاملی بود و اگر بیند که پادشاه
 تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل بود که فی الواقع خوب روی بخوابد و از دکان مال و داد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بقیاد و شکست دلیل بود که از
 طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر او بر گرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج از سر او بقیاد و شکست دلیل بود که زن او بپذیرد یا
 کسی از اهل بیت او بپذیرد و از دنیا حلت کند حضرت صادق فرماید که زنی بیند که تاج بر سر او درو شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر ندارد
 دلیل بود که بزنان بهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او بر گرفته شد دلیل بود که شوهر از وی نخواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج
 مرصع که بر سر پادشاه بود و جاده و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد یا تاج ابن سیرین کوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی تباراج
 برود دلیل بود که آنکس ناغم و زبانه و زبان رسد بقدر آنکه از وی برود بود حضرت صادق فرماید که تاج کرون دلیل بود بر چهار وجه
 اول شغب و دویم زبان سیخ و غم و اندوه چهارم از زانی رخ مکره غنیمت بود و تاریکی ابن سیرین کوید که تاریکی در خواب ضلالت بود و در راه دین
 و اگر بیند که تاریکی فراگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی بود و آن تاریکی
 باز بر روشنائی مبدل گردد دلیل بود که توبه کند و راه دین برود و گشاده گردد و اگر گمانی کوید که تاریکی در تاریکی فرو رود و آن تاریکی باز
 بر روشنائی شود و دیگر تاریکی شد دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی و اذا الظلم ظلماتهم قاموا اولو شاء جابر کوید که تاریکی بخواب غم و اندوه
 بود و اگر بیند که پوست تاریک کرد و دلیل که مردم آن دیار غم و اندوه و کسارتان تبه کرد و اگر بیند که چاروشن بود تاریکی بر ناکاه پدید آمد
 دلیل بود که در آن دیار مرگ و مفاجات ظاهر گردد حضرت صادق فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر و دویم تحبیر و سیم فروختن کار
 چهارم بدعت پنجم و ضلالت افتادن اسمعیل اشعث کوید که اگر بخواب بیند که تاریکی بر روشنائی آمد و دلیل بود که از روشنی بتو اگرمی افتد
 و از غم فرج یابد و کار بر وی کشاده گردد و از راه ضلالت دور بود تازیانه و انبال کوید که کسی بیند که تازیانه بخیزد کرده داشت
 دلیل بود که کارش نه بر مرد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او منقطع نگردد بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی
 کوید که تازیانه در خواب دلیل بر مال اندک بود و بر قدر بیند خواب اگر بیند که دوال تازیانه او کبست دلیل بود که مال و بزرگی از وی
 جدا گردد و ابن سیرین کوید که اگر کسی بیند که کسی را تازیانه برود دلیل بود که بجاری مشغول گردد و از آن کس کسب فائده بدو نرسد
 و اگر بیند که تازیانه از ویست بیند که دلیل بود که لشکری که در دست دارد و بیند که اگر بیند که چون او را تازیانه بر خون از تن برود تاریکی
 دلیل بود که سخنهای ناخوش شود و اگر بیند که خون از وی زرفت دلیل بود که بهتر تازیانه درمی یابد که گمانی کوید که بیند که او را تازیانه برود
 دلیل بود که از آن کس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که زخم تازیانه بر تن او افتاد و دلیل
 بود که سخنهای ناخوش شود و اگر بیند که او را تازیانه برود و زانست که کسی زد و دلیل بود که ناکاه مال یابد جابر کوید که اگر کسی بخواب بیند که در دست

تازیانه نیکو داشت یا علقه بر شین دلیل کند که او را فرزند می آید و اگر بنید که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوت حال وی و اگر بنید که
 تازیانه او از چرم یا از زوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بد و رسد و اگر بنید که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از
 کار خود مغضول گردد و اگر بنید که بر آب نشسته بود و تازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بوی منت نهاده و اگر بنید
 که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود که آنکس مال حرام باید یا زننده او را تنه کند یا کسی و اگر بر پشت خود زخم تازیانه
 بیند و ندانست که چه کسی زد دلیل بود که شغل مخفی و دنیائی او تمام گردد و اگر بنید که کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره کرد و دید دلیل کند که او را
 تفریق کردند اگر کسی را بی اندازه تازیانه زد دلیل بود که دیر غم و اندوه رسد اسمعیل اشفت گوید اگر کسی بنید که در خانه خود بدست خود تازیانه
 کوتاه بود پس از آن دراز کرد و دید دلیل بود که زبان او خشم و زرد کرد و اگر بنید که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بر وی غلبه
 کند حضرت صادق فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شت دوم جمل کردن سیم روشن شدن کاری شکل چهارم خسرو
 مفارقت پنجم بزرگی و مال تاوه ابن سیرین گوید که تاده و خواب خدمتکار خانه بود که آنچه بیکر خدای خانه بود و جمله عیال خود و بزرگان
 نفقه کند و اگر بنید که تاوه نموداشت یا کسی بدو دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و جایز مرغی
 گوید اگر بنید که در تاده چیزی می بخت دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بنید که از تاده چیزی بخورد دلیل بود که از خدمتکار
 خیر و منفعت بد و رسد بقدر خوردنی و اگر بنید که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه وی و شب ابن سیرین گوید
 اگر کسی بخواب بنید که او را تب می پوخته بود چنانکه زمانیش را نمیکرد دلیل کند که پوخته بفساد و کنگنه مشغول بود و توبه باید کرد
 تا از عقوبت نجات یابد کرمانی گوید اگر کسی بنید که تبش دراز بود دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بنید که وی را تب
 اندک بود و تابش بخلاف این بود شمر ابن سیرین گوید که تب در خواب خدمتکاری بود که بخواب که کاری کند اگر او را کاری فرماید
 خواهد که او را کسب کند و اندک کارش نفع یابد جابر گوید که تب در خواب مروی نرسد بود و اگر باری خواهد از مرد منافق بود و در میان
 مردم جنگ جدائی افکند و اگر بنید که تبی داشت یا کسی بدو دلیل کند که او را بامری بدان صفت دوستی افتد اگر بنید که تب او شکست
 یا ضایع کرد و دید دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد و تب سیرین بفراری طبل بود و دیدن آن در خواب خبر مکرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا روشن
 و این جمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین گوید اگر بنید که بانیه پای کو بد و نقص کند دلیل بود بر غم و اندوه و مصیبت و اگر بنید که او
 تبیره مفرد و بی زود دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور کرد و بعضی از معبران گویند که تبیره در خواب از خوش
 بود الاکن باطل بود کرمانی گوید اگر کسی بنید که تبیره میزد دلیل کند که کاری باطل کند یا شت که در آن هیچ اصل نباشد
 و بامروان هر و عده که در جمله دروغ باشد حضرت صادق فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که نادمی کرده شود و
 عاقبت انکار ظاهر گردد که باطل است و تبیره زدن در خواب مروی بود که دروغ شیرین و راسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را
 غیبت کند و سخنان زشت گوید و تهاج ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که تهاج بکوشت برده یا با کوشت کو سفند و ماست شیرین بخورد
 دلیل کند که بقدر آن از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بنید که با کوشت کاو یا با کوشت خر کوشش کشک و ماست ترش

بهره

بهره

بهره

بهره

بهره

میخور و دلیل بود که منفعت اندک از مردم سفله و دود بد و سید جابر کوید که تاج با کوشش خرگوش یا چیزی ترش دلیل برغم و اندوه بود
 شش محمد بن سیرین کوید اگر کسی بنید که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی کشته و نه بود دلیل کند که بسفر شود اگر بنید که بر تخت
 خفته بود و بر آن چیزی کشته بود دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر قیمت تخت و دشمنان ظاهر کند اما ازین غافل بود اگر این کس از اهل فساد
 بود دلیل بود که بدارش کند خاصه که خود را بر تخت خفته بنید و اگر بنید که تخت بشکست و او بفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بخت
 و حالش بد کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن تخت و خواب بر تخت وجه بود اول عز و جاه و دوم سفارش منتهی چهارم بختی تخم و اول
 ششم قدر و جاه و هفتم عالی شدن کار و تخم کا ششم این سیرین کوید اگر کسی بخواب بنید که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که
 شرف و بزرگی یا بد و اگر بنید که از آنجا که کاشته بود میخور و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بنید که از آنجا که کاشته بود چیزی حاصل نکرد
 و یا ندانست که باران چیست و نیز اندک و بسیار از ندانست دلیل برغم و اندوه کند که رانی کوید اگر بنید که کدم همی کاشت دلیل
 کند که او را خیر و نیکویی رسد و اگر بنید که چو همی کشت دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بنید که کا و رس همی کاشت دلیل بر مال
 اندک کند و اگر بنید که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت دلیل برغم و اندوه کند و انیال کوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت
 دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش از خاک بنید دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بنید که
 سجالی مجهول تخم همی کشت و برآمد دلیل بود که غزا کند و غزای آسان کرد و و خیر کند و اگر بنید که در زمین خویش کشت میکرد
 دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل کرد و اگر بنید که جویا کند یا درخت در زمین خود میکشت دلیل که جاه و غزا و زیاده کرد
 بقدر که کشته بود حضرت صادق فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی و دوم فساد و سیم مال حرام چهارم نفع در
 باز رانی تخم ابن سیرین کوید اگر بنید که او را تخم بود دلیل بود که او مال را بخورد و فساد کند باید که ازین گناه توبه کند تا از عقوبت
 حق تعالی نجات یابد و اتفاق معتبر آن است که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق فرماید تخم در خواب بر چهار وجه بود
 اول مال را با دویم فساد و سیم مال حرام چهارم تباهت هوای نفس کند تخمها که رانی کوید که تخمها در خواب دیدن آن پنج ترش و تلخ
 و ناخوش بود چهار دلیل برغم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صعبه بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب منفعت اندک
 بود جابر مغربی کوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد که آن تخم که پوسیده یا گرم خورده بود نذر و ابن سیرین کوید که نذر
 مرغی است و در خواب مرغی غذا بود و نذر و ماده زنی فریبده بود معبران گویند که نذر و مال حرام بود که بحیل بدست آورد و اگر بنید که با نذر و نذر
 بود دلیل بود که با کسی غذا را و خصوصیت افتد و اگر بنید که نذر و ماده او را حاصل کرد یا دلیل کند که زنی خواهد که در وی خیر نباشد و اگر خا نذر
 بنید دلیل است که زنی خوروی بنجاح خواهد بر قدر رغبتی و یا کینه که از آن خانه که رانی کوید که اگر بنید که نذر و در خانه و دست و مبر و دلیل کند
 که زن او طلاق کرد و یا بجهت زنان او امیختی افتد و اگر بنید که نذر و از خانه او پسر بد دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی
 کوید که نذر و در خواب زن پارسا بود با حال و مال و اگر بنید که نذر و یافت یا گرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که
 کفایت و اگر بنید که نذر و در کنار او فساد و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سرکاری دارد و او را می فریبد حضرت صادق

شش

تخم

تخم

تخم

تخم

میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا

میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا
میرزا

زن کند کرامی کوید اگر زن شوهری دارد و خواب بیند که دیگر شوهری دارد و عوسی را ندید دلیل کذب شرف و عزت و زیادتى مال
او و اگر بیند که عوسی خواست کردن و عوسی را ندید و شناخت بهم مرگ بود و بعضى کوبند شخصى بر دست او هلاک کرد و او اگر
بیند که بیمار بود و زنى مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن شوهر را بخانه برد دلیل بود که مال بسیاری
ازین ممر بشوهر رسد و اگر بیند که زنى نابکار بزنى نجواست و باوى جمع شد دلیل بود که کاری و شتواری بر وی آسان کرد
و اگر باوى جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغزنى کوید اگر کسی بیند که دخترى دوشیزه را بزنى کرد و دوشیزه کی اورا بسند دلیل بود
که اندر آن سال اورا زنى یا کینزنى حاصل کرد و او از پادشاه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بجرام دوشیزه کی دخترى بسند دلیل بود
که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق فرماید که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگى دویم زیادتى مال
سیم رامش چهارم خرمى و شادی **تبییح کردن** ابن سیرین کوید تبییح کردن بخواب مطیع بودن بر فرمان حق تعالی اگر
بیند که تبییح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که تبییح بخواب با خود و اشت غم و
اندوه بدو رسد و لکن اورا در آن اجر و ثواب بود و اگر بیند که تبییح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی کرد و مالی
یابد و این خواب را الی بیند دلیل بود که اورا آبادانى ولایت رسد قوله تعالی **لَئِنْ شَكَوْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ** طشت کرامی
کوید که طشت در خواب زنى خادمه بود ابن سیرین کوید که طشت در خواب کینزنى بود که حوائج خانه بدو تسلیم کنند و اگر بیند که طشتى
فرارفت یا کسی بدو داد یا بخرد دلیل بود که زنى خادمه بخانه آورد یا کینزنى خرد و اگر بیند که طشت بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که آن کینزنى بگریز و یا زدنیا رحلت کند کرامی کوید اگر کسی بیند که طشتى خرید دلیل است که زنى خادمه را بزنى خواهد
کینزنى حضرت صادق فرماید که دیدن طشت در خواب بر سه وجه بود اول زن خادمه دویم کینزنى سیم منفعت از زنان
تشنه ابن سیرین کوید که سیرابى در خواب بهتر از تشنگى بود و اگر بیند که نبات تشنه بود و او آب نمى یافت دلیل کند که رنجى و رنجتى
بدو رسد و در دین یا از دنیا بگریزد یا تشنه شود و آب نمى یافت یا کسی بدو داد و آن تشنه شود و دلیل کند که از رنج و بلا رستد و دوسر انجام ببرد و رسد جابر
کوید که تشنگى در خواب فساد و بدو در دین و اگر بیند که در تشنگى آب یافت و بخورد دلیل کند که تشنه شود و انجام تو به کند و مصلح و پارسا کرد
تقوید ابن سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند که تقوید با خود داشت از انماهای خداست یا دلیل کند که از سخنى و غم برهد و اگر وام دار بود
وامش گذاره کرد و اگر بیمار بود تشنه یابد و اگر زندانى بود رهاى یابد و اگر در سفر بود سلامت باز آید کرامی کوید اگر کسی بیند که
تقوید نمى نوشت و بمردم میداد دلیل بود که ازو بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تقوید نمى نوشت و بمردم میداد و بهامى سده دلیل بود که
ازو بکین کرد و متفکر لغز دیدن تبار زنى بود و عکسار و صالحه که خانه او اصلاح و در راه خیر بمردم آموزد و از شر و فساد
توبه کند کرامی کوید اگر بیند که تبار و شکست یا ضایع کرد دلیل کند که آن زن ازو جدا کرد و یا از دنیا رحلت کند بقول بعضى معبران لغز
کینزنى بود و خادمه تشنه شد بدانکه تشنه لغز سی عدس چینه بود اگر کسی از خواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین کوید اگر بیند
که تشنه همى خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد و یا اگر کسی خفتن افتد بدان سبب رنجور کرد و و علی الجملة در تشنه

تشنه

تشنه

تشنه

تشنه

تشنه

تشنه

خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد بکس کردن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب ببیند که بکسیر میگردانند و او را از سر
دشمنان امین کرد و در خیرات بروی کشاده کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن بکسیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول آنی
از دشمنان دویم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم کشایش کارهای بسته مگر کس ابن سیرین گوید که مگر کس در خواب
دیدن عذاب و شکنجی دنیا بود مگر اندک بود و اگر بوقت خود بود دلیل که اهل آموختن فراخی و نعمت بود لکن مگر کس دیدن بوقت
خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آموختن را حضرت صادق گوید که دیدن مگر کس در خواب بر پنج وجه بود اول بلا و دویم خصومت
سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری ثلث بشاری ششم بود و شرح و تحویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کارهای
ابن سیرین گوید که هر که بخواب ببیند که کارهای دنیائی او بنظام گشت و کامکار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد و قوله تعالی
حَقُّ إِذَا أَخَذْتَ الْأَرْضَ وَخَرَفَهَا وَأَزَيْتَ و هر که ببیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغییر حال او بود و سیم بود که عمرش
پیری کرد و سیم بیدار بود که از او انتقام کشند تن مردم ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود که
معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان که در تن ببیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر ببیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل
بود بر روشنی و سستی کارهای و اگر تن را فربه ببیند دلیل کند بر توانگری و کشایش کارهای و اگر ببیند که از تن او رشته بیرون آید و
دراز میگردید دلیل کند که زندگانی بعیش و فراخی گذراند و مالش زیاده کرد و اگر ببیند که از رشته گسسته شد تا ویش بخلاف این
بود و اگر ببیند که تن او آهمنین شده یا مسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ کرد و اگر ببیند که تن او
آبکینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد که مالی گوید اگر ببیند که تن او درست و قوی بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز
او پوشیده بماند و اگر ببیند که تن او ضعیف است دلیل بود که در ویش کرد و رازش آشکارا کرد و حضرت صادق میفرماید که اگر بر تن
خویش زیادتی ببیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی ببیند دلیلش بخلاف این بود و اگر
ببیند که تهتن او آس داشت چیل بود که بیمار کرد و دشمن را بخت پاری رعده بود و دیدن او در خواب ترعد بود از عامل و از عوام
ابن سیرین گوید اگر ببیند که غریزین تندر را با باران دلیل بود که مردمان را ترس بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر ببیند که باران سخت
بارد و قند سخت بارید دلیل بود بر ترس کاری ببیند خواب از عادی پدید آمدن که مالی گوید که غریزین رعده اندک و باریدن باران اندک
دلیل بر ترس کاری از اهل بود و از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب و دویم حکمت
سیم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر ببیند که از تندر بوقت باریدن می بیند دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر ببیند که
باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود و اگر ببیند که باران تراله می بارید دلیل بود که در آن دیار
فتنه و عذاب و هلاکت پدید آید و اگر ببیند که تندر سخت بغریزید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد
و اگر ببیند که هم تندر بود و هم برق و هوا تاریک بود دلیل که پادشاه ستمگر پدید آید و تندر لیسها ابن سیرین گوید که تندر لیسها که سایه
آن بر زمین افتد چون بخواب ببیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه ببیند و آنچه در دیوار کشیده ببیند حضرت صادق

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

البشر و یثیرون

بکس کردن

بکس کردن

بکس کردن

فرماید که تذلیمها در خواب بر سر وجه بود اول غم و اندوه و دوم نقصان قدر و جاه و تقیم بی امانتی در کارها شکی ابن سیرین گوید
 اگر بنید که از تنگی بفرجی آمد از جایگاههای و هم او بجایگاههای امنیتی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود
 و اگر بخلاف این بنید بد بود و جابر گوید اگر بنید که در جایگاههای تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد
 و اگر بنید که در آنجا طعم تنگ بود دلیل بود که عیش و روزی برادرشک کرد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد تنور
 ابن سیرین گوید که تنور در خواب بهتر بود که خدای خانه و بعضی از معتبران گویند در که با نوزی خانه بود اگر بنید که تنور درست
 داشت دلیل کند بر تن و رستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بنید که تنور بنفقا و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری
 و آفت که خدای و بدی وی و اگر بنید که تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها روزی حلال بیاید و کار بروی نیکو
 کرد و کرمانی گوید اگر بنید که در تنور تختی آتش است بیرونشائی و بر بالای تنور شعاع آتش می افتد و دود نبود دلیل بود که سفر
 بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی من شاطئ الوادی الايمن فی البقعة المبارکة یعنی که و بیت المقدس و بعضی گفته اند
 که از اجز و منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود و خاصه که نو بود و دوم
 مردی با سبب شود و منفعت تو بره ابن سیرین گوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود و خاصه که نو بود و اگر بنید که تو بره داشت
 یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بنید که تو بره ای اوضاع کرد دیدن او پیش بخلاف این بود تو بره در آن
 ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که تو بره کرد دلیل کند که از همه کسان و معصیت پشیمان کرد و در که در نیکو کند که در آن خوشنودی
 خدایتعالی بود و دوست از نو بیاید و و طلب آخرت کند حضرت صادق فرماید که تو بره کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
 پشیمانی از گناه و دوم رضای خدایم راه آخرت چهارم سعادت و توتیا کرمانی گوید توتیا در خواب دیدن مال بود اگر کسی بنید که
 توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا در دشمنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این بود دلیل
 کند که خود را بنفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید اگر کسی که توتیا بد و دادند دلیل کند
 که بقدر آن ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین کرد و حضرت صادق فرماید اگر
 بنید که توتیا در زیر بغل داشت از برای دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ستاوی گوئی
 گویند توت توت شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن خر توت غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین
 بهنگام خود خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر این خواب بهنگام رسیدن توت بنید نیکوتر بود و اگر
 بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بنید که توت شیرین میخورد دلیل بود که از مردی جویند و وصل و عطایا
 اگر بنید که خر توت همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر کرد و حضرت صادق فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود
 اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهر زن توت نه ابن سیرین گوید اگر بنید که تورات همی خورد
 بظا هر دلیل کند که ویرا قوتی بدید یا از مردم متخشم و اگر بنید که تورات خواند بظا هر دلیل کند که با کسی خصومت

چشم
 تنوع
 توت
 توتیا
 تنوع
 تنوع
 تنوع

کنند و بروی طفر یا بد و مروض حاصل کرد و اگر بنید کسی را تعلیم ثنات میکرد دلیل کند که از آنکس خبر بد و رسد تیر و انیال گوید
 که تیر در خواب دیدن مردیت راست گوید که آنکس خبر بد و رسد قبول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بنید کسی تیر بوی می انداخت
 دلیل کند که بخامی بد و فو در خاصه چون بنید که لغرض انداخت اگر بنید که تیر لغرض انداخت دلیل بود که نام بد آنکس فرستاد حرف
 الجیم من کتاب کامل التبعیه چادر ابن سیرین گوید چادر در خواب دیدن سر لوش زن بود اگر بنید که چون زنان
 چادر پوشیده بود دلیل که در آنکار خیر و شرف بود لکن آنکار از آن مکروه دارند و اگر کسی بنید که چادر را بدرید یا بسوخت دلیل
 بود که در آن وقت ستروی دریده کرد و گمانی گوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بنید که چادر شب فرافروخت یا کسی
 بد و داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بنید که چادر نو بخرد دلیل کند که کنیزی بخرد و از و فرزند آید و اگر این خواب را زنی بنید دلیل
 کند که او را شوهر آید و اگر زنی بنید که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق فرمایند تا
 در خواب برسد وجه بود اول قدر و جاه و دوم مرد و زن و زن را شوهر سیم که خدای سرای جادوی کردن این سیم
 گوید که جادوی کردن در خواب کار باطل بود اگر خواب بنید که جادوی میکند دلیل کند که کاری کند بیوده و باطل و بقول
 بعضی از معبران جادوی فتنه بود آنکس را که از بهر او جادوی کنند جابر مغربی گوید که جادوی کردن در خواب از بهر کسی تمهید بود
 بد و رخ که در مانزا بد و فریبید و جادوی در خواب دشمن فریبیده بود حضرت صادق فرمایند که جادوی کردن در خواب بر شش
 وجه بود اول فتنه دوم فریب سیم که چهارم سگالش بد پنجم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی بود چهارم یا می
 ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که چهار پایی را فرافروخت و آن چهار پا مطیع و فرمان بردار بود دلیل بود که بقدر قیمت آن
 چهار پایی از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بنید که سه چهار پاییان و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل
 کند که کرد و سکه مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند گمانی گوید اگر بنید که چهار پاییان و شتی را می پرستید دلیل کند که مردمان
 و انار خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بنید که چهار پایی شده بود دلیل کند که از عقل زایل کرد و اگر بنید که چهار پایی با او سخن گفت
 دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بنید که چهار پایی گوشت میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد چاروب ابن سیرین گوید
 که چاروب بخواب دیدن خادم و خدمتکار بود و چاروب در شب خادمی بود که تقاضای چیزی کند و اگر بنید که خازن
 بچاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر بنید که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بد و رسد خاصه که
 بنید خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق فرمایند که چاروب دیدن بخواب برسد وجه بود اول خادم
 دوم منفعت سیم تقاضی چیزی که با مردم بود و بد و رسد چهارم که مالی گوید اگر بنید که جام پر آب با خجل
 فرافروخت یا کسی بد و داد و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی یابد یا کسی که از و راحت
 بنید و اگر بنید که آب از جام بر ریخت و جام بماند دلیل کند که فرزندی بمیرد و مادرش بماند و اگر بنید که جام را بشکست و
 آب بماند دلیل کند که زنی بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب بر ریخت دلیل بر تلک فرزند بود و مادر هر دو

تیر

چادر

جادوی

چهار پایی

چاروب

جام

جابر مغربی گوید اگر بنید که جامهها و خزانه او در دیوار نشاند بود دلیل بود که بعد از آن جامهها و اکتیزگان و زنان بودند و اگر جامه سفید یا سبز بنید دلیل کند که او از زمان مصلح پارسا باشد و اگر جامههای سرخ بنید دلیل کند که او از زمان معاشره مفسد بود و که جامهها زرد بنید دلیل بود که زمان او بیامروز و کون باشد و اگر جامهها سیاه بنید دلیل بود که او از زمان اندوگین و مصیبت زده باشد جامه و انبال گوید جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بنید دلیل که کسب و کارش بد نشود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بنید دلیل بر نیکی و حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بنید دلیل بود بر غم اندوه و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه نیز حله بشتی است آن نیز خوب بود قوله تعالی عا لیهام ثیاب سندس خضر و استنبق و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر فقر است بود و جامه سوخته دلیل زمان بود از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه شل و نمیدین و پلاس از شستن این جمله دلیل بر مال و خواسته او حاصل کرد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چرکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل بر طاعت و شتاعت کند و جامه که از پوست چهار پایان بود دلیل بر جبر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بیز زشکل کفن دلیل که شغلهای وی و دین تمام کرد و دکن عمرش با آخر رسیده باشد و اگر بنید که پوست خر پوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد این سیرین گوید اگر بنید که جامه متهری پوشیده است اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بنید که جامه وزیر پوشیده است دلیل که مال بسیار یابد اما از خلق ملاتش بود و اگر بنید که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که از عطا ی بزرگان محروم ماند و اگر بنید که جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد و بطا رسانیدن بوی و اگر بنید که جامه جلادی پوشیده است دلیل است که منفعت یابد و اگر بنید که جامه صاحب ده پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور کرد و بمهمات ساختن خلق مشغول گردد و اگر بنید که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده کرد و اگر بنید که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت بود و اگر بنید که جامه بازرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بنید که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که کار و دینش اصلاح آید و اگر بنید که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل فساد و غم و اندوه رسد و اگر بنید که جامه مزدور کارکن داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بنید که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر بنید که جامه جهودان داشت دلیل بود که بیکر و حیل کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بنید که جامه ترسیان داشت دلیل کند که کاری کند که سبب آن از دوست امین نباشد و اگر بنید که جامه ششی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت بود و اگر بنید که جامه معان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددیان و جاهلان بود و اگر بنید که جامه مبارزان پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بنید که جامه مرتدی پوشیده است دلیل بود که

کسی عطائی بدود و باز ستاند و اگر بنید که جامه بت پستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول کرد و یا خدمت متهری
 و اگر بنید که جامه زنی پوشیده داشت دلیل بود که از غنیمت خویش دور کرد و اگر بنید که جامه مردان زندانی پوشیده داشت
 دلیل بود که بسبب کاری غمگین و متهمند کرد و اگر بنید که جامه جمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و انکشت نمایی
 کرد و اگر بنید که جامه کوری داشت دلیل کند که بخدمت مردی غمگین و بیست مشغول کرد و اگر بنید که جامه کشتیانی پوشیده
 داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال با و رسد و اگر بنید که جامه قصابی داشت دلیل بود که ویرانی و اندوهی رسد و اگر
 بنید که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد نه بر است کرامی گوید اگر بنید جامه نود داشت و او نقصان
 نکرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و دوون دیدن و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه زر بخت زن خرمند
 و کینرک با فر تنگ بود و جامه برد و مخطط خیر و منفعت بود و جامه رسی که مجبول بود و زخم نازبان بود یا غمی سخت که بدو
 رسد و جامه معتبرین مال و خواسته بود و جامه بر کوبید که تاویل دیدن جامه بر روی یک کونه است یکونه بدین تعلق دارد و یک کونه
 بدین و جامه سفید دین است و جامه نو عامه دنیا اگر کسی بنید که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه
 سبزه و تنگ بنید هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و درید و بنید هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ
 زمان را نیکو بود و در دنیا و مردان را هم نیکو بود و پیران و ازار و طبلسان و قبا و دستار را نیکو بود و از غم و اندوه بود
 یا جنک و خصومت و جامه زرد و مردان را بسیاری بود و بقول بعضی از معتبران اگر بنید زنی که جامه زرد پوشیده بود
 دلیل کند که او را شوهری آید و اگر در و بیمار کرد و جامه سبز زمان و مردان را دین بود و اگر بر زننده بنید صلاح دین بود
 و اگر بر مرده بنید دلیل رستگاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده نیکو بود اما آنکه پیوسته سفید پوشند
 جامه سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از معتبران خطیب و قاضی و پادشاه را نیکو بود اما
 رعیت را غم و اندوه بود و جامه کبود و پنهان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بنید که جامه ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل
 بود که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بنید که جامه داشت
 که رویش از زنگی و پشتش از زنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بنید که جامه خویشی خور و دلیل کند
 که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر بنید که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری ویران
 کشند و اگر بنید که جامه اوضاع کردید یا از وی بستند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد
 اگر بنید که جامه خویش را بریزد دلیل است که اندوهگین گردد و باز از خویش خصومت کند و اگر بنید که جامه وی بدرید
 دلیل کند که از آنکس جدا شود و اگر بنید که جامه خود را یا جامه اهل خود را مومی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد
 یا از دوستی و اگر بنید که جامه کسی بر بود و برهنه بماند دلیل کند که از حرمت و منزلت برفتد و اگر بنید که جامه در نوشته از هم
 باز کرد دلیل است که بسفر رود و اگر بنید که جامه باز کرده را در نوشت دلیل بود که غایبش از سفر باز آید و اگر بنید که جامه

زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما ترسی عظیم بدو رسید و بقولی او از غم و اندوه رسد و بچیزت کرد و اگر بنید که
 جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامه یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه
 در سفر ماند و اگر بنید که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز در اصفهانی گوید که بهترین جامهها در خواب جامه است که از پنبه بود
 و در وی قریب ابریشم نباشد و جامه عنابی از پنبه و ابریشم بود و جامه زهره و دلیل بر مال حرام و فساد کند و روین و جامه دیبا
 حریر و ابریشم مردانه بود و زمان را بنیک و جامه کهن غم و اندوه بود از قبل پادشاه و اگر کسی بنید که جامه کهنه فروشد بنیک
 بود و اگر بنید که جامه کهن می خرد دلیل بدو و جامه کهن پوشیدن بدست و جامه کهن از تن بیرون کردن نیکست جامه
 مغزنی گوید اگر بنید که جامه شسته بود و پوشید دلیل بود که بات کرد و اگر بنید که جامه چرکین داشت در دیش کرد و اگر بنید که
 جامه زنگین داشت اگر زن بود یا سپاسی بود و اگر بنیک بود و اگر بنید که جامه با شکوه داشت دلیل بود که او را مسکری
 پدید آید حضرت صادق فرماید که دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دویم پادشاه سیم مال چهارم خیر و
 منفعت و هم او گوید اگر کسی بنید که جامه خود را بمقتراض برید دلیل کند که چیزی بدو رسد و اگر بنید که در زمان جامه او را بیرون
 کردند دلیل بود که فساد و در میان زنان وی افتد جامه خواب ابن سیرین گوید که جامه خواب دیدن تاویل
 زن بود و اگر بنید که جامه خواب بپوشید و پاکیزه بود دلیل که عیالش دیندار بود و مستور و اگر بنید که جامه خواب او سیاه بود
 دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از تعبیرین گویند که جامه سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و در رعیت را بد بود
 و اگر جامه خواب را بگوید بنید دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بنید که جامه خوابش چرکین و دریده بود دلیل
 بود که زن او چرکین و پلید ناسازگار بود و اگر بنید که جامه خوابش ضایع کردید یا بدیدید دلیل بود که زن را طلاق دید یا از وفات رفت
 و اگر بنید که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد و حضرت صادق فرماید که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود اول زنی نکاح
 راحت و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر
 بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف کرد و یا خود هلاک کرد و اگر جان خویش بصورت
 مردی نیکو بنید دلیل بود که ویرا فرزندی نیکو سیاه و حالش نیکو کرد و یا بخد مت پادشاه خوش طبع و جوانمرد پیوندد و حالش نیکو کرد و اگر
 جان خود را بصورت مردی زشت خوب بنید بخلاف این بود که گفتیم حکایت در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله
 در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا در کساک گرفت و بعد از آن با سمان رفت رسول فرمود که مصیبت کن که جان
 تو بمکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد و کرمانی گوید اگر کسی بنید که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که
 بکار مخاطره مشغول کرد و که در آن ویرا بیم جان بود و اگر بنید که جان از کف او با سمان شد دلیل است که زود بمیرد و اگر بنید که
 زنگ جان او زرد بود دلیل که در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگوید سرخ و یا سفید بنید عاقبتش نیکو بود و از غم رستگاری
 یابد و اگر بنید که سیاه بود دلیل است که مستوجب عذاب قهقشالی بود و جامه مغزنی گوید اگر بنید که مرده جان همی کند و خوششان

جامه خواب

حج

او بروی نوحه زاری میگردند دلیل بود که اهل بیت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بنید که غایتان وی آهسته میگردند
 دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه ابن سیرین گوید که چاه در اصل تاویل زن بود اگر بنید که در جایگاه چاه میگذرد دلیل بود
 که زن خواهد که بنید که کند چاه کسی او را بدید و میگرد دلیل کند که میان او و آئین کسی متوسط است و خواهد که بگوید که آئین از بی
 وی و بر نیر که کند چاه که و حیل بود و در امثال گویند که فلان چاه برای فلان میگذرد یعنی با وی بدی و مکر خواهد کرد و آب چاه
 در خواب مال زن بود اگر کسی بنید از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد و اگر از چاهی آب خورد که از خشت بخت برآورد و بود
 هم دلیل بر مال زن کند و اگر بنید که کسی چاه کند و آب بر نیامد دلیل بود که زنی در ویش خواهد که مالی گوید اگر بنید که آب چاه خورد و بطعم
 خوش بود دلیل بود که مال زن بکشد و اگر بنید که آب چاه که هم می خورد دلیل بود که بخت مال زن بخوابد و
 بقول بعضی از مبران بیا کرد و اگر بنید که آب چاه خشک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند و اگر بنید که آب چاه
 بسیار بود دلیل که زن جوانمرد و خنی بود و اگر بنید که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن مغله و دون بود و اگر بنید که چاه بکشد و آب
 زود برآمد دلیل بود که زن بیا کرد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و اگر
 بنید که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یا بد و اگر بنید که آب چاه بقدر فوریت و بیخ نماند دلیل بود که زن پلاک کرد و و
 مالش تلف شود و اگر بنید که چاه در زیر زمین فوریت هم دلیل بود بر پلاک زن که مالی گوید اگر کسی بنید که دلو در چاه کرد و تا آب
 بر آورد و دلو در چاه افتاد و در میان کست شد دلیل بود که از فرزندی آید تا تمام حکایت در حضرت که مروی از عبداللہ بن
 عباس پرسید که خواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب بر آرم در میان بد و پاره کشت و آن دو پاره را یکی برآورد و دیگری در چاه ماند
 عبداللہ گفت که تو از خیال خود غایب بودی و تر از فرزندی آمدش ماه که ویراد فن کردند آن مرد گفت که مرا از آن سخن عجب آمد
 و اینال گوید اگر کسی بنید که در جایگاهی معروف چاهی میگذرد دلیل کند که با کسان خود مکر و حیل سازد و بقول بعضی از مبران کند چاه
 و بر آمدن آب حکم نکاح دارد و اگر بنید که چاه از بیک کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط بود کسی را بکناح کردن جابر گوید اگر بنید که آب از
 چاه میگذرد دلیل بود که مکر و حیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بنید که بد و آب هم کشید و در سبب میبخت دلیل
 بود که مال خود نیکو نکاهد و اگر بنید که آن آب را کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را نفقه کند بخیر و اگر بنید که در چاه افتاد دلیل کند
 که در مکر و حیل افتد و اگر بنید که باغ را آب هم داد دلیل کند که مالی که حاصل کرده است زن خواهد یا نیکو کرد و اگر بنید که در باغ میوه
 بود دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بنید که باغ را آب هم داد دلیل کند که باز زن خود مجامعت کند و اگر بنید که آب بر سر چاه آمد
 و روان شد دلیل کند که زنی تو را مکر زنی خواهد و از آن زن او مال و نعمت حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن چاه در خواب بر
 شش و بود اول زن دوم کینه که سیم عالم چهارم توانگری پنجم مکر ششم مکر و حیل و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود و چپ
 ابن سیرین گوید که چپ در خواب زن بود و اگر بنید که چپ فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند که زن از نیک رای و نیک سیرت
 بود و اگر خلاف بنید دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بنید که چپ او بدید یا بسوخت دلیل که میان ایشان جدائی

آنحضرت صادق فرماید که دیدن جبه در خواب که ببینند در زیستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول
 زن دویم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه که بن و چرمین غم و اندوه بود و جابر گوید اگر بنید که جبه نبود داشت یا کسی بد و
 داور نمک سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخوابد و اگر بنید که جبه بخید نبود داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بنید زنی
 بیمارگون بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بنید زنی معاشر بود و با اوسان کاری کم کند چتر این
 سیرین گوید اگر کسی بنید که بر بالای سر او چتر میزدند دلیل بود که اگر ازا دل آن بود پادشاهی یا بد و اگر ازا دل آن
 نهان شد دلیل که بزرگی یا بد و اگر بنید که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق
 فرماید که دیدن چتر در خواب بر منفعت وجه بود اول سلطنت دویم عزت سیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفتن ششم ولایت
 هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معتبر آن گویند که کد بانوی خانه بود و اگر
 در خواب بنید که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی باصلاح و نیک سیرت بود و اگر بنید که چراغ
 نارنگی می سوخت دلیل بود بر سر کد بانوی خانه یا زن یا خادم اگر بنید که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه میسر که بانوی
 خانه میسر و جابر گوید اگر بنید که آتش نه چراغ برافروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا
 کینک خرد و اگر در سفر غایب دارد سلامت باز آید و اگر بنید که در شهر چراغ بسیارست دلیل بود که پادشاه ولایت عادل
 بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بنید که چراغ بسیار در دست داشت
 دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بنید که خواب فاسق بود دلیل که بخدا تنگالی باز گردد و توبه کند و
 اگر مشک بود ریاست یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد قوله تعالی و سر اجامید و ابشر المؤمنین بان لهم
 من الله فضلا کثیرا و اگر بنید که چراغ بمرود دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا عزت و دولتش نقصان پذیرد و اگر بنید
 که در روی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیل است که او را دو فرزند نیک بود که بیک تنگم آید حضرت صادق فرماید
 که دیدن چراغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه دویم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سهری
 هفتم مهر ششم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کینک سیزدهم منفعت چهاردهم پنجه
 بنید همچنان بود چراغ پایه ابن سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بنید که چراغ پایه
 داشت یا کسی به او داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنک گرفته بود دلیل بود
 که زن خادمه متکبر و خود بینی بود و ویش ضعیف بود و اگر بنید که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه مغرور و دون
 بود و بر قول او اعتماد نبود چراغ غدان در خواب زن بود و معتبر آن گویند که خدمتکار خانه بود و قبلیه
 چراغ غدان کار فرمای بود کرمی گوید که اگر بنید که چراغ غدان آهین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار

تیم

تیم

تیم

تیم

کبر بوده باشد و اگر خالین بنید اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود و اگر بنید که چراغدان از دست او
 بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد و چرخ این سیرین کوید که چرخ در خواب پادشاه بود و اگر چرخ حوشی بنید
 دلیل فرزند می بود که بجد بلوغ و مردی رسد و اگر بنید که چرخ را گرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه بر او قسم میداد کند
 و اگر بنید که پادشاه چرخ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یا بدو بر دیگران قسم کند و اگر بنید که چرخ
 شکار میکرد و او را گرفت دلیل بود که او را فرزند یا پسر یا فرمان اگر بنید که از گوشت آن چرخ چیزی میخورد و دلیل بود که از فرزند
 رنج و بدی بنید که مانعی کوید که چرخ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بنید که چرخ در خانه روی
 یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد و هیچ زبانش نزد بعضی از متجربان کوید که چرخ مردی
 دزد بود که لاش کار کند چرخ این سیرین کوید که هر که در خواب بنید که جامه چرکین داشت دلیل کند فساد کار بود و اگر
 کسی بنید که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تبااهی دین و دنیای او و اگر بنید که چرک جامه او بسبب مردگان
 بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود که مانعی کوید که چرخ در خواب دیدن بر سر تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن هیچ
 چیز و منفعت نباشد چرخ و خواب زنی بود مختلف حال و پراکنده احوال و مولی زاده اگر بنید که چرخ داشت
 یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بدین صفت که گفتیم بخوابد و اگر بنید که چرخ او ضایع کردید دلیل بود که زنیش بمیرد یا طلاق
 دهد یا بمرضی کوید که چرخ سفید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوب روی بخوابد و اگر بنید که چرخ تیره و سیاه
 بود تا اویش بخلاف این بود حشمت این سیرین کوید که اگر کسی بنید که از جای میجست دلیل بود که از حالی که دار و بجا بود و دیگر شود
 و اگر حشمت دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بنید که چوبی یا نیزه در دست داشت و بدان از جانی بجائی میجست دلیل
 بود بر مردی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا آنکار بمردی بر آید و اگر بنید که از دیواری فرو جست و بر پشت
 دلیل بود که هلاک کرد و اگر بنید که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت و بمرد دلیل بود که زن از وجد او در و باز
 پیش می آید و اگر بنید که از زمین به هوا جست و روی بقبله آورد و بعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این
 جمله دلیل حج کردن بود و اگر بنید که از سرائی مجهول بسرائی مجهول بر جست دلیل بود که هلاک کرد و اگر بنید که با
 شکونه همی جست و معلق همی زد و دلیل بود که کار وی با شکونه بود و عیش بروی تباها کرد و اگر بنید که بهوا
 بر جست و مرغی را گرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد و زن دیگر بخوابد و اگر بنید که بجوی یا بوضائی از جائے
 بجائی همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برسد و کارش بنظام شود و چشم این سیرین کوید که چشم بخواب دیدن
 مرد و بیانی بود که بدان راه هدی یا بدو چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود و اگر بنید که نابینا شده است
 دلیل بود که از راه هدی کم شده بود یا فرزند وی بمیرد و اگر بنید که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین او رفته بود
 یا کتانی بزرگ کرده بود بیکدست یا بیک پای یا بیک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن وی

چرخ

چرخ

چرخ

چرخ

چرخ

کرمائی گوید اگر بینید که در چشم سر کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بینید که از سر مقصودش زینت و آرایش است
 دلیل بود که خوشتن را با امانت و دین و امر و نهی نماید تا عجز نکند و اگر بینید که سر سر بوی داد تا در چشم کشید دلیل بود که
 بقدر آن مال یابد و اگر بینید که روشنائی چشم اضعیف بود و بظاهری و باطن دوری و منافق بود و اگر بینید که بزرگ چشم بسیار
 بود و همه چیز را بحال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بینید که
 کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد چنانکه دیگر باز نمید
 جابر مغربی گوید اگر بینید که چشم از آن است دلیل بود که پرده او در دیده کرد و اگر بینید که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانکه چشم باز
 نمی توانست کرد دلیل بود که با مردی خجالت صحبت کند و اگر نور چشم بضعف بیند دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی
 افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین شریعت بی بهره گردد و اگر بینید که در میان روی او یک چشم است
 دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود و در باب دین و اگر بینید که چشمهای او روشن است و مردمان بنده از آنکه او کو راست یا
 شنب کو دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بینید که چشم کسی سیاه بود و از رقی شد دلیل بر بی حرکتی حال او
 بود قوله تعالی و خشر المجرمین یومئذ ذقوا و اگر بینید که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بیمار
 کرد و یا با کسی خصومت کند و اگر بینید که هر دو چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که تنگ گردد و اگر بینید که یک چشم او
 آفت رسید دلیل بود که فرزندان او آفت رسد و اگر بینید که کسی دست و پا از کرد و یک چشم او را بر کند دلیل کند که فرزند او را ز راه
 برود و اگر بینید که کسی چشم او را بست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را زیادتی رسد یا مالش برود یا کتاهی کند و اگر بینید که از
 دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال او شود و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که چشم او
 گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را و ختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بینید که چشم بر خفته
 بود دلیل بود که مال یابد و اگر بینید که چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی و ابیضت عیناه من الحزن
 حکایت چنین گویند که مردی پیش وانیال آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من میداد گفت
 ای مرد از خدا ترس و توبه کن و بعد از این باز نهمسایه خیانت نکن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گردی مرد گفت که توبه
 کردم که بعد از این زن کنم حضرت صادق فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دوم دین بدی سیم اسلام
 چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب بهتر بود و جوانمرد خشنود
 چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فیمسح بهن جادیه و اگر آبش تیره و کنده و ناخوش بود دلیل بود که انجام
 غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بینید که از آن چشمه مسح می کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر بینید که آب چشمه زیاد
 شد دلیل بود که جاه و عزت و در آن دیار جوانمردی زیاد گردد و اگر بینید که آب چشمه نقصان کرد تا و عیش
 بخلاف این بود و اگر بینید که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که بهتری جوان مرد از آن دیار

حالت کند که مانی کوید اگر بنید که در خانه او یا در دکان او چشمه آب پدید آید دلیل بود که او را غم و اندوه و کسبیتن بود
 بر قدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بنید غم و اندوه بود مصیبت ترو اگر بنید که در آن چشمه دست و روی شست
 دلیل بود که اگر بنده بود از او کرد و اگر غم بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد و وامش گذارده شود
 و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند جابر کوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بان قدر که در
 چشمه آب بنید خاصه که دست در آن آب رنند و آب ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از متبحران گویند که چون
 آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرمایند
 دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول متهری جوان و دودیم غم و اندوه جسم مصیبت چهارم بیماری پنجم عوز و زندگانی
 یافتن چنانچه ابن سیرین گوید که چنانچه در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بنید که چنانچه میزد دلیل که سخن باطل و
 دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بنید که پادشاه و پیرا چنانچه داد دلیل بود که از پادشاه و پیرا غم و اندوه رسد و اگر
 بنید که چنانچه از البکست و بنفکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بنید که چنانچه بر سر میزد و چنانچه زانند و دلیل بود
 که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از آن علم فایده بردمان رساند و باشد که از شکوه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر
 این کس جابل بود و شغلی پیشه کند که از آن شغل او را کسر زنش کنند و اگر بنید که با چنانچه چنگ و نای و قوس بود دلیل بر غم و
 اندوه و مصیبت کند چنانچه در خواب مردی بود نابکار و حسام و حرام بود و اگر بنید که کسی چند سبی کید و دلیل بود که او را با چنین
 مردی خصومت افتد و دیگر بهر حال دیدن چند در خواب مبارک نباشد که مانی کوید اگر کسی بنید که آواز چند سبی شنید دلیل بود که
 در آنجا نوحه و شیون بود و بقدر بآنک چند و اگر بنید که بچه چند بود دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بنید که گوشت چند سبی خورد
 دلیل بود که از مال مردی در دنیا بکار بقدر آن چیزی بخورد و چنانچه در ابن سیرین گوید که چند در خواب دلیل بر غم و اندوه بود
 و اگر کسی بنید که چند سبی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بنید که چند را از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از
 غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چند در خواب منفعت اندک بود از جهت زنان و چند ریخته هم از زنان منفعت یابد از آنکه
 چک محمد بن سیرین گوید که اگر چک مهره بوی دایا مهره کرده یافت دلیل بود که مال و منفعت یابد اگر کسی بنید که
 کسی برو چک یا خط یا قبلا می نوشت دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید که اگر بنید که چک مهره کرد یا داشت مهره زد
 بر گرفت دلیل است که در مال او نقصان افتد اگر بنید که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع کرد و
 چکاوک بغاری قبر خوانند و تا ویش در خواب فرزند یا غلام بود و اگر در خواب بنید که چکاوک نر گرفت یا کسی بوی داد
 دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام پس آید و اگر ماده بود غلام را و دختری آید که مانی کوید چکاوک
 در خواب مردی بود شیرین سخن غریب و کم ازو چرب زبانی اگر کسی بنید که چکاوک ویرا عطا داد یا گرفت دلیل بود که با چنین
 مردی او را صحبت افتد چکر ابن سیرین گوید که چکر در خواب مال پنهان کرده بود و اگر بنید که چکر مردم بود

چشمه

چند

چشمه

چک

چکاوک

چکر

دلیل بود که مال پنهان کرده باید و نه زنی که دواگر بنید که بسیار جگر بخت یا بریان کرده و حاصل کردید یا خام دلیل کند که کنج باید
 و جگر کا و کو سفند هم دلیل بر مال نعمت بود و بعضی از مجربان گویند که جگر بخت و دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود
 اولادنا اکبادنا کرمانی گوید که بیرون آمدن جگر پدید آمدن مال پنهان بود که سدا کرد و جگر بسیار اگر بخت یا خام بود و دلیل
 بر یافتن کنج و بر علم غیب حضرت صادق فرماید که دیدن جگر و خواب برسته وجه بود اول فرزندان و مال دوم دوست که بجای فرزندان
 بود سیم علم و اگر بنید که از خانه او جگر بیرون میگرداند یا آتش جگر را میسوزد دلیل بود که باو شاه کنج و مال او بستند و اگر این
 خواب را عالمی بنید دلیل بود که علمها را حلقه افروزش کند جماع دانیا را گوید که جماع در خواب روا شدن حاجت بود و خاصه چون
 بنید که منی از وی جدا کردید اگر کسی بنید که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آن کسی بچی یا بد و حاجت او روا کرد و اگر بنید که کسی با او
 جماع کرد دلیل بود که خاندان او تو انگر کردند و اگر بنید که باز خود و جماعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند
 که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بنید این سیرین گوید اگر بنید که باز خود یا زن دیگر از راهی دیگر جماعت کرد دلیل که
 مردی بستد بود بر طلب کار ناسزا و در آن کار او را مصلحت نباشد و سنت رسول را نگاه ندارد و اگر بنید که با ماوریا با خواهر
 یا با کسی دیگر که بروی حرامست جماعت کرد دلیل بود که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زن زده بود یا مرده دلیل بر غم خوردن
 و بعضی از مجربان گویند که اگر زن زده بود از وی خیر و نیکی بنید و باشد که حج اسلام کند اگر بنید که باز زن مرده بود و جماعت کرد دلیل
 بود که تنگین و مستمند گردد و اگر بنید که باز مرده بیکانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن کار نوسید شده باشد
 تیمامی یا بد مرده که بیکانه بود اگر بنید که با جوان مجهول جماعت کرد و میان ایشان خصومت بود دلیل بود که محبت ایجاد
 و از خیر و نیکی بنید و اگر آن مرده جوان معروف بود بروی ظفر یا بد و اگر بنید که جماع با مردی پیر میگرد دلیل بود که خیر و نیکی از
 بخت خود بنید کرمانی گوید اگر بنید که دختری بد و شپزکی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد یا کینزکی بخرد و اگر بنید که
 بحریم یا شاه شد و جماعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بد اگر بنید که با وی جماع کرد همین دلیل کند و کارش
 برآورد و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بنید که با مرغی جماعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان
 منسوب باشد ظفر یا بد اگر بنید که با ترسانی یا چووی یا کبری جماعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او ببطالت رود
 و اگر مردی پیر که بکلی شهوتش زایل شده بود در خواب بنید که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل کند
 که در کار دین نیک راغب گردد و اگر بنید که بازنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر
 این خواب زنی بنید همین تاویل دارد و اگر بنید که با شتر جماع کرد دلیل بود که از بختی بریده و بر دشمن ظفر
 یا بد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بنید که با پادشاهی جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بنید که
 باز پادشاه جماع کرد دلیل بود که از منفعت یا بد و اگر بنید که باز حایض جماعت کرد دلیل که کارش بد نشود
 و اگر بنید که باز جماعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده

جگر

بود از خوشیشان او مفارقت کند و بعضی از معتبران گویند که باز آن حالیست که مجامعت کردن آسایش کار نامی و نیانی بود پس
 اشت که بگوید اگر کسی بنید که باز آن او که کثیر بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بد و رسد اگر بنید که بامردی معروف
 جوان جماع کرد دلیل است که از و خیری بد و رسد اگر بنید که بامردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا
 کرد و اگر بنید که بامردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی یا خیراتی کند و اگر زنی بنید که با زنی دیگر جماع کرد دلیل
 بود که از وی بنید و حاجتش روا کرد و حضرت صادق فرماید که در خواب جماع کردن که از غسل واجب کرد و تا ویش نباشد
 جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک بود اگر کسی بنید که او را جلاب داد و بخورد دلیل بود که او را
 بقدر آن مال حاصل کرد و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بنید که کسی با جلاب داد و دلیل بود که از آنکس
 خیر و منفعت یابد اگر بنید که جلاب بخورد و بر زمین ریخت تا ویش بخلاف این بود چنانچه اگر کسی بنید که بنار زده می بردند
 دلیل بود که خداوندش را بچندان مردمان که از پس بنار زده بودند ایشان را فرمان روا کرد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بنید که او مرد
 و او را در بنار زده نهادند و او را می بردند و مردمان از پس بنار زده او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و لکن دین او نباشد
 بود و با آن قوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بنید که بنار زده مرده برداشت و میبرد دلیل بود که بجزیت پادشاه
 پیوندد و از و خیر و نیکی بنید و اگر بنید که قومی از پس بنار زده او میرفتند و در هر هوائی شدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر و حضر
 میرد و اگر خوشیستن را در بنار زده بنید که آن بنار زده بر زمین میفتد دلیل که که بضر شود و زمانی که بگوید اگر بنید که زنده را در بنار زده
 و در پس بنار زده کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار و می کند و اگر بنید که مردمان در پس بنار زده او بودند تا ویش بخلاف این
 بود اگر بنید که در بنار زده کران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بنید که در بنار زده سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبکیا بود و وحشت
 نیکو کرد و اگر بنید که از بنار زده بیفتاد و یکسان که او را می بردند از بنار زده بنید که دلیل بود که از عز و جاه و بخت و کار و بخت کرد و حضرت
 صادق فرماید که بنار زده در خواب دیدن بر سر و وجه بود و اول بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه و رفعت جنب بود و اگر بنید که جنب
 بود دلیل بود که در حرام آشفته و کمرشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که بستر کند و مراد و نیاید و کارش تباه کرد و اگر بنید که
 خود را از جنابت بشت و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام از آنکار رسته کرد و کار بسته کرد و اگر بنید که خود را به تمامی بشت
 دلیل بود که کارش بر تمام نکرده یعنی که تمام بر نیاید که زمانی که بگوید اگر کسی در خواب جنب بنید خود را برهنه دلیل بود که کار خود متخیر عاجز
 کرد و اگر بنید که خود را در کربا بشت و بیرون آمد و جامه پاکیزه در پوشید دلیل بود که بجا باز کرد و توبه کند چنانکه اگر کسی خود را
 چون مرغان چنگال دارید دلیل کند که او را قوت بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بنید که چنگال مرغان در دست داشت
 دلیل بود که بقدر قیمت آن مرغ خیر و منفعت بد و رسد حضرت صادق فرماید که چنگال در خواب بر سر و وجه بود اول قوت و
 ناتوانی در کار و دوم معیشت سیم کسب کردن چنگاله در خواب مردی بود که در و عذاب کننده و چنگال را بفشاری
 مطلق خوانند اگر بنید چنگاله داشت یا کسی بومی داد دلیل بود که بامردی بدین منفعت او را محبت و دوستی

جلاب

چنگال

جنب

چنگال

چنگال

افتد و اگر بنید که چنگال اندام او را بخت دلیل بود که او را از مردی بدارد و حضرت در میان رسد و اگر بنید که چنگال از دماغ
 کردید یا بختی دلیل بود که از صحبت مردی بدارد و چنگ زد و ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب
 سخن دروغ بود و اگر بنید که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از انغم و اندوه و زیان رسد و اگر بنید که پا در شاه
 او را چنگ داد و دلیل بود که او را از پا در شاه عطا و بزرگی رسد و اگر از پا آن بود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بنید که چنگال شکست
 یا بختی دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بنید که کسی چنگ میزد و او سماع میکرد و دلیل بود که شنونده دروغ و باطل بود
 و بعضی از متعبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر تندرستی و زنده ماندن است و اگر کسی بنید که چنگ میزد و دلیل بود که بزرگی بزرگ از
 بهتران پیوسته کرد و از وعده و جاه یابد هم مال و هم سخن روانی و آخر کار آن زن را بختی بخواهد و اگر بنید با چنگ و چنانچه
 فزائی در قصه هم اینچنین دلیل بود بر غم و مصیبت و بختی که بدارد اگر کسی در بیماری بنید که چنگ و چنانچه میزد و دلیل بود بر وفات
 چنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که او چنگ کرد و با مردمان یا حیوان و دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه
 غالب بود بر دشمن ظفر یا بد چهره و دشمن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بنید که او چهره و دشمن دلیل بود که بر او بدعت
 بود و چهره از آبروی او ببرد و قول ایشان را راست دارد ابن سیرین گوید که بنید که او چهره و دشمن یا ترسایا مشرک یا بت پرست
 دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدا تعالی آهنگان و دروغ گوید و اگر بنید که از آن کیش برکشت و مسلمان شد دلیل که
 گناه بزرگ از دور وجود آید و سر انجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز گردد و اگر خواب بنید که نه از کلام دین است یا
 از کلام قبله نازمی بایزد و دلیل بود که سرگشته و متحیر و گمراه شود و فرموده حضرت صادق و فرماید اگر کسی بنید که چهره و دشمن
 دلیل بود که صاحب خواب کارهای مشکل بدارد و در مخالفت شریعت است یا بد زیرا که بیو و مشتق است از بدی و اگر
 معنی را خواب بنید و دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته کرد و دو غافل بود از کار آخرت چنانکه بدارد چهره و دشمن
 بن خواب بنید که مسلمان شد دلیل بود که زود میرد یا مسلمان کرد و چو کرمانی گوید که بنید که چهره و دشمن یا بختی همی خورد
 دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بنید که چهره و دشمن یا کسی بوی بختی دلیل بود که بقدر آن چیز و نیکویی بود و
 و دلیل بر تندرستی بود و اگر بنید که چهره و دشمن یا کسی بوی بختی دلیل بود که ویران مال جمع کرد و کار می کند که خدا تعالی از خود بخشنود
 کرد و حضرت صادق و فرماید که چهره و دشمن یا کسی بوی بختی دلیل بود که آسان بدست آید و چو فروش خواب دیدن مردی بود که دنیا
 بر دین اختیار کند چو ال و در ابن سیرین گوید که چو ال و در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد و خاصه
 کارهای کوچک اگر بنید که چو ال و در فرزند گرفت یا کسی بوی داد و دلیل بود که او را بامردی بدین صفت گفته است صحبت افتد و اگر چو ال
 او شکست یا ضایع شد دلیل بود بر بلاء آمد و جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بنید که جوان کرد و بدو محاسن بنید یا
 کرد و دلیل بود که فرمایید کرد و اگر جوان مجبور را بنید دلیل بود که از دشمن خواری بنید و مرادش بر نیاید و اگر بنید که جوانی پیشرفت
 دلیل بود که هر قش زبانه کرد و در زمان نیز دانی چو مراد باشد چو مغزنی گوید که اگر جوانی در خواب بنید که سیر کردیده بود

تکلیف ازین

تکلیف ازین

تکلیف ازین

جو

جواب

جواب

چون

چون

چون

چون

چون

دلیل بود که علم و ادب آموز و تشریح آن در حروف میم بیان کنیم چو چوب کرمانی گوید که چوب در خواب بدین اتفاق بود و بعضی از
 معبران گویند که چون چوب بیدار شود در خواب مردی بود که در اتفاق بود و اگر بگوید در آنجا که در خواب دیدن تاویل
 آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که خوشتر باشد و منافق و دروغ زن بود چو راب ابن سیرین گوید که چوب
 در خواب خادمی بود و از شمار رزنان اگر بیدار شود چوب نواز از ایشان یا از ربابان پوشیده بود و دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او بر خوردار
 کرد و اگر بیدار شود چوب شمشیر یا نقشین داشت دلیل بود که کنیز کی خبر وی بخرد یا زنی با جمال بخوابد و اگر بیدار شود چوب زرد داشت
 دلیل که او را خادمی بیمار کون پیدا کرد و اگر بیدار شود چوب او سرخ بود دلیل بود که او را خادمی خوش بستر بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر مفسد بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 دلیل بود که زکوة مال بدو و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 چوب او از پوست بود و بیدار شود که از کلام پوست اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ سرت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست
 کوفت بود که خادم او از مردم عام بود و اگر از پوست اسب بود دلیل بود که خادم او متهم و سپاهیان بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 تخیر بود خادم او از مردم بیابانی بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 داشت دلیل بود که زکوة مال داده بود و حضرت صادق فرماید که چوب پای ل مرد بود و کاه بر پای زکوة بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 می آمد دلیل بود که در مرکب و زندگانی او نشاء گویند و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 و مال و ضایع کرد چو چو شمشیر مجرب سیرین گوید که پوشیدن چو شمشیر در خواب پشت و پناه بود و بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بیدار شود چوب او سیاه بود
 دلیل است که او را بیت او این شوند و دشمنان و اگر بیدار شود چو شمشیر پشت دلیل بود که بصره است و او را دشمنان که بر وی ظفر نیاید و اگر
 بیدار شود چو شمشیر دلیل بود که از کفر منافق و از شر عامه امن کرد و بعضی از معبران گویند که چو شمشیر در خواب زیادتی دین او بود
 هر که چو شمشیر در خواب بیدار شد دلیل که پوشیده و حفظ خدای عزوجل بود و حضرت صادق فرماید که چو شمشیر در خواب بیدار شد دلیل که بزرگی دین
 پناه بیم فوت چهارم مال تخیر زندگانی ششم زندگانی و زیادتی و دین و چو شمشیر در خواب بدین مونس مردم بود چو چو کاه زندان ابن سیرین گوید
 اگر بیدار شود چو چو کاه در دست داشت و کوی میزد دلیل که آنچه بیدار شود قدر و منزلتش بپایند و دین و طاعت است بود کرمانی گوید که اگر
 چو کاه را در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چو کاه چون در دست مردم عام بیدار شد دلیل بود که با مردم جنگ خصومت کند و
 و سخن داشت شود و از قبل زمان و معبران گفته کرده اند کوی را بندان و چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان
 در عالم سیر کرد و اگر بیدار شود چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان
 یا در بافتن چیز بیان کردیم اگر بیدار شود چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان چو کاه را بندان
 می فروخت و آن کو هر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خدایا و دین

نشانده دلیل بود که خداوند غلامان کرد و در تقدیر و قیمت کوهر او را مال حاصل کرد و حضرت صادق فرمود که اگر مصالح بیشتر بود و دیگر که کوهر را
میفرستد دلیل بود که او را علم و دین حاصل کرد و جوئی آب این سیرین کوید که جوئی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود
و پاکیزه دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بنید که انجونی مجهول آب صفائی میخورد و انگیس در سفر بود یا در جایگاهی بیکانه دلیل بود که در
کاری مجهول مشغول کرد و در عمر خود را دراز گذارد و بمقدار آن آب که در جوئی خورده بود و منفعت یابد و اگر آب جوئی شور و تلخ و
ناخوش بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او این سیرین کوید که جوئی در خواب دیدن اصل جوئی وکیل بود که مقرب کرد و اگر کسی
آب جوئی روان و صفائی بنید دلیل که مقرب کرد و اگر کسی آب جوئی را روان و صاف بنید دلیل بود که کار وی روان کرده شود
و اگر بنید که آب جوئی تیره بود دلیل بود که کارش تباها و بی نظام شود و هر جای که آب جوئی بنید و پیش بر دلیل نایه بود و هر زیاده و
نقصان که در جوئی بود و بوییل باز کرد و اگر بنید که تخی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال و وجهانی او نیکو کرد و قوله تعالی تجزئ من تحتها الاکف و اهلهم فیها ما یشاءون و اگر بنید که در جوئی آب صفائی
نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود و امش گذارده کرد و اگر در سفر بود زود باز آید جابر کوید که
جوئی در تاویل مردی بود و محشم بامنفعت اگر بنید که آب جوئی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محشم مال یابد و جوئی
خورد و زندگانی بود و الله اعلم بحقائق الامور **حرف الحاء من کتاب کامل التفسیر** **حبر ابن سیرین** کوید که خبر در
خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بنید که خبر بخیر یا کسی بوی داد و دلیل بود که معیشت بروی فراخ کرد و در مایش حاصل کرد و
و اگر بنید که خبر بر سخت یا از وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و کرانی کوید که خبر بر جامه او ریخت دلیل بود که او را زیانی رسد
و اگر بیمار بود او را زیان ندارد اگر بنید که بحبر چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت از قرآن یا از نام خدا تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او
کند و اگر بخلاف این بود که بنید دلیل بر شر و فساد او کند **حبر خورون** ابن سیرین کوید که حب خوردن در خواب اگر بنید که از برای
بیماری خورد و دید که خوردن او شفا و منفعت یابد دلیل بر خیر و منفعت کار او کند و اگر بنید که از دار و خوردن او را منفعت نبود
تا ویش بخلاف این بود **حج گذاردن** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که اگر خواب بنید که حج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او را روزی داد
و اگر بیماری این خواب بنید شفا یابد و اگر او را بنید و امش گذارده شود و اگر سفر می بنید سلامت بمقام خود برسد و اگر خواب بنید که حج
رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز کرد و و کارش بنظام بود و کرانی کوید که اگر خواب بنید که حج رفت و در حرم لیبیک میزد
دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بنید که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نیکو دلیل که چنانست کند و اگر بنید که روزه گرفته است
دلیل که با کسی صلح کند و اگر بنید که در خانه کعبه نماز نیکو کرد و دلیل که از بزرگان منفعت یابد و کارش نیکو شود و حضرت جعفر صادق رضی الله عنه کوید
حج گذاردن در خواب بر نیت و جهل بود و یکی از حج کردن و بیم کینزک خریدن سوم زیارت پادشاه داد کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی
نمودن در کار خیر ششم مزد ثواب یافتن هفتم بصحبت اهل علم رسیدن **حج الاسود** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که
بنید که بر حج الاسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بنید که حج الاسود را بر کرده داشت دلیل که

توبه

حبر ابن سیرین در کتاب کامل التفسیر

حبر ابن سیرین

حبر الاسود

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

حجرات

بر منسوب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود ننهد و دلیل که باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که
 آب زغرم منخور و دلیل که چیزیکه از وی کم شده باشد باز بوی رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی
 روی میمالید و دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده نشود و با علما پیوندد و حج تمته کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 حج تمته او حاجمی بیکانه در جائی بیکانه کرد و دلیل که امانتی و گردن خود کند و اگر بیند که حج تمته کند و دوست بود و دلیل که
 امانتی بدو سپارد و از شد دشمن المین شود و از غم فرج یابد اگر جوانی این خواب ببیند همین تاویل دارد که و اگر سیری ببیند بزرگی یابد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیر را حج تمته کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حج تمته کرد و دلیل که منفرد
 پادشاه شود و اگر بیند که چون حج تمته کرد و خون از وی نیاید و دلیل که زن از وی بنا کام جدا کرد و یا او را طلاق دهد یا میرد
 مغربی رحمه الله علیه گوید که حج تمته ببیند خواب بود و حج تمته جوان دشمن او باشد و اگر ببیند خواب خداوند علم است دلیل
 که مستوفی شود و یا دبیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود و رخصت غرق شود حضرت جعفر صادق فرماید حج تمته کردن در خواب
 بر هفت وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت
 پنجم بر علیه السلام گفتیم آنکه اگر عامل بود و از عمل مغضول کرد و بعضی از معتبران گویند اگر حج تمته جوان بود و دلیل که محاسب خرج بود
 یا بیایند چیزها و کار مردم بدست وی کشاده کرد و حله زد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حد زدن در خواب دلیل
 بر فراهم آمدن کار زمان باشد اگر بیند که او را حد میزند و دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او کسی حد زد تا ویش بخوابد
 این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند کسی را از بهر کنایه حد زد و اگر ببیند خواب مصلح بود و تشغل و نیاز مشغول نشود و اگر
 ببیند خواب مفسد بود و دلیل بر غم و اندوه بود و هر چه نیزه کوتاه بود و اگر خواب ببیند که حربه داشت دلیل که او فرزند ی آید و اگر
 زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حربه مسلحی تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد و دلیل که از پادشاه
 منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی داد و دلیل که از آن کس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و شکست دلیل که از دشمن
 نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حربه در خواب دیدن بر تشو و وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم
 طغری پنجم ریاست ششم منفعت حرم جای المین بود و اگر بیند که در حرم کعبه بود و دلیل که از آفات دنیا بمنی یابد و او را حج روزی
 شود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی رفت و دلیل که از همه شرفا المین کرد و پادشاه چیزهای بوی رسد
 و بعضی معتبران گویند که اگر حاجت افتد با ال آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد و دلیل که در کار پادشاه
 شروع کند و کاری کند که او را از انکار بدنامی حاصل آید و اگر بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد و حربه و خنجر
 و دیبا در حرف دال بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند که حساب میکرد و دلیل که در محنت و
 عذاب افتد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت حساب با وی آسان میکرد و امید بهست که
 رستگاری یابد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که در رحمت افتد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت بخواب

دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی در پنج چهارم بدجالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه هفتم حصار را گریز نیکه
در حصار می شد دلیل که از شتر و شمن المین کرد و اگر بنید که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر باید که گمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که
در حصار می حکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شتر و شمن المین کرد و اگر بنید که از حصار بیرون آمد بخلاف این بود و مغربی رحمة الله
علیه کوید اگر خورد و در حصار بنید دلیل که نعمت و روزی بروی فراخ کرد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر تناسلی احوال او و فروستی کار را
باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که حصیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یا زیاده
بنید که حصیر می یافت دلیل که زنی عاشق شود و اگر بنید که حصیر کم بها بود که می یافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و
اگر بنید که حصیر قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی محتشم یا اصل بخوابد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که حصیر می یافت و می فروخت دلیل که
او را غمی رسد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن و دوم منفعت سوم خواستکاری
که از آن او را نعمت بود و حقه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حقه در خواب در ششم شدن باشد از جانی بجانی شدن خانه که
از سختی آن بیوش شود و بعضی از متبران کوید حقه در خواب کاری بود بر بنیده باز کرد حضرت جعفر صادق رضی الله
عنه کوید اگر بنید که او را حقه کرد و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بنید خیر و منفعت یا بد حقه
ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حقه در خواب زن باشد یا کنیز اگر بنید که حقه نافر گرفت یا بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که زن
خواه یا کنیز خرد و اگر بنید که حقه شکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود و مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که حقه بزرگ
منقش است دلیل بود که زنی توانگر بخوابد و از منفعت یا بد و اگر بخلاف این بنید دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد
حکمت ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بنید که کتاب حکمت
بسخت دلیل بر تناسلی دین وی بود که مانی رحمة الله علیه کوید اگر خواب بنید که اوراق کتاب حکمت میخور و دلیل که علم حکمت بسیار
خواند و اگر می بنید که اوراق میبرد دلیل که بنیده خواب ناز نکند و اگر بنید که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند
حلاج ابن سیرین رحمة الله علیه کوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بردست وی کشاده کرد و
اگر بنید که حلاج میگرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه کوید حلاجی در خواب برد و وجه بود
یکی منفعت دوم کشایش حلیت انگور بود و در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود حلاوا ابن سیرین رحمة الله
علیه کوید حلاوا در خواب مالی بود که بردست پادشاه گذشته بود و حرام گشته حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید حلاوا
در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلاوا بود که بفرزند پدر و یک لقمه از زینة نیکو بود و حلاوا یک لقمه
با دام یا مغرور و با شد منفعت بود که بد و در سدازدی بخوبی مغربی رحمة الله علیه کوید حلاوا کردن در خواب دلیل که
بقدر آن مال حلال و روزی حلال یا بد و اگر بنید که در وی نقصان بود و بهتر بود و حلاوا فروش در خواب مردی
شیرین سخن بود حمال ابن سیرین رحمة الله علیه کوید حمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بنید که بر پشت باری

[illegible]

این آیه
در سوره نحل

حک

حک

ض

توضیح

حجب

سبک داشت و آن باریک او بود دلیل که بقدر آن بار او راحت و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که در زیر سید دلیل که کاه و عاصی شود قوله تعالی لیحملوا و اوزاؤهم کما مالوا بیه و القیامه مغربی رحمه الله علیه که بنید که حامی از زیر دیگران میکردی بجزت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بنید که حامی میکرد و مرد میگرفت تا ویش غم و اندوه بود حنا که مانی علیه الرحمه که بید اگر بنید که بردست و پای حنا نهاده دلیل که خوشی تن را بیاورد لیکن درین کرامت بود بعضی معبران گویند که حال خوشی آن از پوشیده نماند و اگر این خواب کسی بیدار بنید که او را خاستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یاب حضرت صادق رضی الله عنه گوید خاستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خوشی آن دوم ستر استیم غم و اندوه حشو و بوی خوش باشد که بر مرده کنند این سیرین گوید اگر بنید که حوط بروی بر آید دلیل که تائب گردد و در پناه حقیقی باشد اگر این خواب کسی مصلح بنید از غم و اندوه فرج یابد و از ترس این که در کوفی گوید که حوط خوش بودیدن تناسل مردم بود با خطر جهشت آنکه بعضی از معبران گویند که نیکبامی بود بر اهل میت بر اندازد حوط حوض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اصل حوض در خواب علم و دانش بود اگر بنید در حوض آب پاک صفائی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بنید که خود را بآب حوض می شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز ایستد و اگر بنید که آب حوض همه خورد دلیل که عمر سلامت گذرانند و دانش زیاده شود کوفی گوید اگر بنید که جامه خود را در حوض شست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین در آیند و اگر بنید که جامه در حوض می شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار کند و اگر بنید که بجنده حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض تلک او بود و اگر بنید که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت کرد و اگر بنید که آب حوض تیره و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که آب حوض میخورد دلیل که مال یا بد از مردی تو انکس و عاقبت وی محمود بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دوم مردی توانگر سوم مال جمع کردن چهارم عالمی که مردم از علم وی نفع یابند حوض کوفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که قیامت برخاست و خلق را بر بنزویک حوض کوفی طلب میکردند دلیل که پادشاهی پدید آید و میان خلق عدل و دایرید کند و اگر خواب بنید که از حوض کوفی یک جام آب خورد دلیل که مرگ وی بر سلامتی بود و اگر بنید که پیر این حوض کوفی شست و آب میخورد و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه وسلم باشد و اگر بنید که بنیام صلم او را از حوض کوفی آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بهره یابد کوفی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نام وی بر حوض کوفی نوشته بود و جامی بسند و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت و جہانی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از حوض کوفی آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بنید خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب بنید که حوض کوفی بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او را بجامه آب کوفی بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد و از جمله بزرگان دین گردد و حیض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حیض در خواب مروا را بقا باشد در معیشت و زمان را زیادتی

این آیه
در سوره البقره
نخاع

این آیه
در سوره فی السجده

نخاع

این آیه
در سوره زمره

خرابی

نخاع

نخاع

و معتبران گویند که عاقلی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد چنانچه صداوق رضی الله عنه فرماید خاسته در خواب بر نه و چه بودی علم
 ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم شقاق ششم مکروهیت هفتم حسرت هشتم تشیاف نهم کاریکه در آن خیر نبود
 قوله تعالی مثل الذین کفروا یؤقیهم اعمالهم کما حدیث اشذت به التوحید فی یوم عاصف خامه قلم باشد اگر بنید که غلی فا گرفت
 یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کاشش راست شود و مردش بر آید و اگر بنید که قلم چیزی می نوشت اگر آن بنیست خیر بود و دلیل بر
 نیگوید کند و اگر شر بود و دلیل بر فساد کند اگر بنید که بد و قلم می نوشت و دلیل که غایبی که در شهر دارد و در باز آید که مانی علیه الرحمه گوید که
 کسی در دست خود قلم بنشیند بنید که از اهل علم بود و دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بنید که قلم چیزی می نوشت و بخواند
 دلیل بر مرکب وی بود و قوله تعالی اقر ان کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حبیباً و اگر آنچه بنیست موافق کتاب اهل سنت
 جماعت بود و دلیل که عز و جاه یا بد و اگر بنید که قلم در دست وی شکست اگر عالم بود و دلیل که در قش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر
 بنید که قلم شکسته می نوشت و اگر آنچه بنیست از شمار چهار پایان بود و یا از شمار پند کان تاویل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد
 جنج صداوق رضی الله عنه کو قلم در خواب بر هفت وجه بود یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرمانک پنجم ولایت ششم راستی نهم
 پنجم با ششم کام و مرد و خانه ابن سیرین رحمه الله علیه کو بی خانه مرد در خواب زن بود اگر بخواب بنید که خانه با ستونها از جای بود
 دلیل که زنی خوابد که با مرد و کرم بود و اگر بنید که در خانه نشسته دلیل که زنی توانگر خواهد بود و توانگر شود و اگر بنید که خانه معمر و بزرگ شود
 بود و نه آنست که آن خانه ازان کیست دلیل که صاحب آن خانه از دنیا برود و اگر بنید که در خانه کریمه بود و در آن خانه غلق کرده بود
 و آن خانه بختهای دیگر پیوسته دلیل که از سرخ و سختی رسته گردد و اگر بنید که در خانه خوابد و اگر بنید که در خانه غلق کرده بود
 کند و اگر بنید که خانه وی ازان بزرگ تر شد که بود و دلیل که مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی
 تنگ گردد و کرمانی رحمه الله علیه کو بد و اگر بنید که خانه او بیفتا و یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بنید که خانه وی بی بوی
 خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر بنید که خانه آهین است دلیل که توانگر گردد و اگر بنید که در خانه او سینه بود و دلیل که او را
 تو بر باید که قوله تعالی لمن یکنس فی الوحن لیبتهم سقفاً من فضة و اگر توانگر بود و نعمت وی زیادت شود و اگر بنید که پیران
 خانه وی هیچ خانه نبود و دلیل که حالش تباه گردد و خراکی ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد و اگر بنید که در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی
 از بالا بر زند و است و اگر بنید که در خرابی فرو شد و دلیل که غمگین گردد و اگر بنید که در خرابی غل گردد و دلیل که از غم و فاجع باید که مانی
 رحمه الله علیه کو بد و اگر در سر می یابد خانه خانه های بسیار پیدا و دلیل که در آنجا غم و اندوه و محبت بود و خایسک مسلول بود
 دلیل دیدن خایسک در خواب بر قومی منتهی کند و اگر بنید که خایسکی بسیار داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با منتهی قومی محبت
 افتد و از وی منفعت یابد و اگر بنید که بر خایسک کسی را بر دهنه بر افکند و اگر بنید که خایسک او ضایع شد دلیل که منتهی
 جدا افتد کرمانی رحمه الله علیه کو بد اگر کسی آهنگری نداند و بنید که خایسک بر سندان میرود دلیل که میان دو منتهی سخن جینی
 کند و دشمنی افکند خایه مرغ دانیال علیه السلام کو بد و خایه مرغ خایه دلیل بر کینک بود و اگر بخواب بنید که ماکیان پیش او جای

که در مجامع اول بنید و نماند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری و راز بان زن بماند و اگر بنید که خایه مرغ پنجه میخور و دلیل که
 بر پنج و نعلبانی بدست آورد اگر بنید که خایه مرغ پنجه میخور و دلیل که مال حرام خورد و در پنج و نعلبانی رسد و اگر بنید که خایه یابوت
 خورد و دلیل که فتنه مردگان ستانند کهانی کوید اگر بنید که خایه می کرد و دلیل که زن بسیار بخوابد و بچای حرامی بود و اگر بنید
 که برخایه شست چنانکه مرغان نشینند دلیل که بازمان نشیند و خایه یابد و اگر بنید که خایه در زیر مرغ نهاده و مرغ آن
 خایه بیرون افکند دلیل که کار مرده او زنده کرد و بعضی کوید او را فرزند می آید و مومن بود و اگر بنید که خایه بشکست
 دلیل که در خنجر برید و شیر کبابستاند و اگر بنید که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزند بسیار حاصل آید و خایه بطرف زن
 در ویش و بیچاره بود و خایه پنجه شک دلیل بر خرمی بود و خایه آردی ابن سیرین کوید اگر بنید که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت
 فرزند و مالش زیادت شود و اگر بنید که پر و خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که خایه او بریده است دلیل که دشمنان
 بروی ظفر یابند و اگر بنید که خایه خود گسی و او بخشید دلیل که او را فرزند از او بود و که نسب وی از کسی دیگر یابند و اگر بنید که
 خایه اش آسیده بود یا بادرند و دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بنید که خایه اش دراز شد چنانکه بر
 زمین میکشید دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بنید که خایه های کسی بخشید دلیل که پر و بازمان یکدیگر فساد می کنند و اگر بنید
 که پوست خایه خود بخشید دلیل که کسی بر فرزند وی تخم کند و اگر بنید که کسی خایه وی سخت گرفت دلیل که خبر مرگ فرزند شود و اگر او را
 فرزند نباشد دلیل که جاه و حرش کم شود و اگر بنید که خایه از بن برید و دلیل که خویش بریده شود و اگر بنید که خایه های وی بر میان
 یا بچیزی دیگر بسته بود و دلیل که کار ثابروی بسته کرد و مغربی کوید خایه مردم و خواب دلیل بر باز و دشمن شدت دشمن از وی بود
 اگر بنید که خایه وی نقصان بود و دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بنید که خایه چپ وی بیرون کشید و دلیل که لاک شود و جعفر
 صادق رضی الله عنه کوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم ابلت چهارم غریب پنجم بزرگی ششم طالب
 حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چهار وجه بود یکی مراد یافتن دوم زن خواستن سوم کنیز خریدن چهارم فرزند آوردن
 خبر که رون ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر خواب بنید که خبر که روید که تخمین شود و در عملی مغرول کرد و اگر بنید که کسی را خبر کرد و دلیل بر غم و
 اندوه بود و بعضی از معبران کوید رنگ عیشی بود و خفته گردن ابن سیرین کوید اگر خواب بنید که خفته گردن دلیل که سختی بجای آورد که او را پاک
 کرد و اگر انکسار و اگر بنید که هنگام خفته خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و اگر انکسار ثواب بود و اگر بنید که چون خفته میکرد
 نظر بر خفته داشت دلیل که غم و اندوه و بسیار رسد کهانی کوید اگر بنید که او را خفته کرد و دلیل که انکسار پاک کرد و اگر خفته نکرده باشند
 دلیل که راه مسلمانان دست پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرمایند خفته کردن در خواب بر پنج وجه
 بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکویی چهارم لاش پنجم جانی از زن و فرزند خیر بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید خبر بزره در
 خواب بیماری بود و سبب و شیرین یافت و منفعت بود چون بوقت خود بنید و خبر بزره خود نیکوتر از بزرگ بود که مانی
 رحمه الله علیه کوید خبر بزره سبب در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بنید که خبر بزره بسیار پیش می نهاد و دلیل که باز و می

خایه مرغی

خاکه در میان خایه مرغی

خایه

تکلیف بودی در عین
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای

بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای

بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای
و ایندی که در عین
بسیار کافه ای

که قرار کرد و مغربی که بدین بزمه در خواب چون بوقت خود میبید زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش و جبهه صادق رضی الله عنه که بود
خزیده در خواب به پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خاصه که چون خزیده شیرین بود و خرچک
در خواب دلیل بر مردودن همت بود اگر بنید که خرچکی گرفت دلیل که با کسی دون همت بدو میمصا حب کرد و و اندک باید از وی نفع یابد
و اگر بنید که خرچکی را بکشت یا در و را نداشت دلیل که از بد خوئی دون همت جدا کرد و اگر بنید که گوشت خرچک میخورد دلیل که تقدیر آن
مال حاصل کند که زمانی که بود اگر بنید که خرچکی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوی باشد که از وی نیکی باشد خضر
و انیال علیه السلام که پیروز خواب و دین نجات و بزرگی بود و نیکی و بدی خزیده خواب باز کرد و اگر بنید که خری ملک ی شد یا در و تاق
وی آمد و از خرا گرفت و دست دلیل که در خیر بر وی کشاده شود و از غم رسته کرد و اگر خراب بنید دلیل که نعمت و مال او زیاد
کرد و بدترین خرمائی که خواب بنید آنست که مطیع او بود و این میرین که بود اگر بنید که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که بهتری و
بزرگی یابد و اگر بنید که بر خری سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بپذیرد و اگر بنید که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد کرد و اگر بنید
که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بنید که بر خری زرد نشست دلیل که بایر کرد و اگر بنید که بر خرماده آگشتن
نشست دلیل که خیر و خرمی بود و اگر بنید که گوشت خرچک میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بنید که خرچک گوشت او
بخورد دلیل که مال خود بهزیننه کند و اگر بنید که از نشست او خرم و دلیل که او بزوی بمیرد و اگر بنید که از خر خوش نبغیا و دلیل که
در ویش و تنگ عیش شود و اگر بنید که از خرم ملک او بخود نبغیا و دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بنید که از خرم و آمد و دیگری
بر خرنشست دلیل که مال خود را نفقه کند و اگر بنید که از بهر کاری از خرم و آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند و در میباید کرد
که زمانی که بود اگر بنید که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود و زود متفا یا بد و اگر بنید که خرمی خرید و بهای او اند و دلیل که راحتی یا بد بسبب سختی
که با بزرگی بگوید و اگر بنید که خرمی یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بد شتواری طلب معیشت بود و اگر بنید که خرمی داشت که آن
خرم و چشمش داشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بنید که دست و پای خرمی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را شایع بسیار شود و اگر
بنید که خرمی بمرد و او بر خرمی دیگر نشست یا خرمی که داشت بفروخت و خرمی دیگر بخرد دلیل که معیشت وی از حال بگالی کرد و اگر
بنید که خرمی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود لیکن بظلم و اگر بنید که خرمی کو سفندی شد دلیل که مال حلال یابد و اگر بنید
که خرمی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ غسوب باشد و اگر بنید که خرمی دزد بود دلیل که زن وی
بفساد مشورت یابد و کار او بازن بفرق انجامد و اگر بنید که خرمی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بر وی آسان کرد
و اگر بخلاف این بنید دلیل که کار و کسب دنیا بر وی تنگ شود و دشواری کرد و اگر بنید که بر خرمی داری بار نهاد و او بالای بار نشسته بود دلیل که
توانم کرد و اگر بنید که با خرمی جماعت کرد دلیل که مراد های خود میابد و اگر بنید که خرمی را بر پشت گرفت و از آبی بگذراند دلیل که
قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بنید که خرمی بانگ کرد و دلیل که نیکو باشد قوله تعالی **إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ**
النَّجَّارِ مغربی که بود اگر بنید که بر خرمی نشسته بود و آن خرزیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بدخوی باشد

و اگر بنید که خری داشت و با خرد بیکریل میکرد و از خروی بدتر بود دلیل که حالش بدتر کرد و دو اگر از خروی بهتر بود و حالش نیکوتر شد
 و مالش زیاده شود و اگر بنید که خرفه و باسی یا استری بدل کرد و دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بنید که با دوی بدل کرد و دلیل که از پادشاه
 سنگر چیزی بوی رسد و اگر بنید که خرفه و با مرغی بدل کرد و دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق گوید که دیدن خرفه و خواب
 برده وجه بود یکی تخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کینه زک هفتم شادی هشتم اقبال نهم
 بزرگداری دهم مرگ و خرنده و خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کننده کار و و هبیا و ازنده حیثیت خردگور
 ابن سیرین گوید اگر بنید که خرفه و بوی رسد دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بنید که خرفه و شسته بود و آن خرفه و طبع او بود و دلیل که غاصی
 و کنگار بود و اگر بنید که خرفه و با دوی جنک و نبر و دیگر و دلیل بخنجر کار و رنجی بود که بوی رسد و اگر بنید که خرفه و لشکار بگرفت و دلیل
 بر خیز و منفعت بود و اگر بنید که در خرفه و با هم جنک میکرد و دلیل که دو مرد فاسق از بهر دوی با هم بگریز جنک کنند و اگر بنید که خرفه و بوی
 بخانه آورد و دلیل که فاسقی را بخانه آورد و کرانی رحمة الله علیه گوید دیدن خرفه و در خواب مردی جاهل احمق بود و او را علم و خرد نباشد
 قوله تعالى اولئك كالانعام بل هم اضل اگر بنید که گوشت خرفه و میخورد و دلیل که مال بسیار یابد و اگر بنید که بر خرفه و شسته بود
 و بهیواد دلیل که کاری طلب کند و یابد و اگر بنید که خرفه و بوی رسد یا بنیاشسته بود و دلیل که مالی بی اندازه یا بدختری رحمة الله علیه گوید دیدن پو
 گوشت خرفه و خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه و اگر بنید که خرفه و بوی رسد دلیل که هزار درم یابد یا او را با منتهی صحبت افتد و از خیر و
 منفعت بنید و اگر بنید که خرفه و میخورد و دلیل که عبادت بسیار میکنند و زده دین و زرد و اگر بنید که خرفه و بوی رسد دلیل که از مسلمانان
 مفارقت جوید و خرد دل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرد دل در خواب دلیل بر از زده و از زینت باشد و اگر بنید که خرد دل خورد و دلیل نقصان
 مال بود یا برنج و بیماری گرفتار شود و مخرب رحمة الله علیه گوید خرد دل در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود و خرس
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن فرماید و احمق بود و اگر بنید که بر خرس شسته بود و دلیل که از پادشاه خواری یابد و اگر بنید
 که خرس را بگشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل که بی بوی رسد کرانی رحمة الله
 علیه گوید که خرس نزد خواب مردی بخت و دیوانه باشد و خرس ماده زنی بهین شکل و خصلت بود و اگر بنید که خرس ماده
 بگرفت دلیل که زنی بدین صفت بخوابد و اگر بنید که خرس بخانه وی درآمد اگر بنید که مردی بدین صفت در خانه او درآمد و دلیل
 خرس در همه حال نیکو نباشد خرگاه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرگاه و خواب دیدن نیکو بود و اگر بنید که خرگاه شسته بود
 دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بنید که خرگاه ملک او بود دلیل که زنی خوابد و اگر خرگاه سبز یا سفید بود و دلیل
 بر خیز و نیکویی بود و اگر خرگاه معروف بود و بهر بود و در آن شسته بود دلیل که دیندار کرد و اگر خرگاه مجهول
 بود دلیل که شهید کرد و در خرگاه سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بهر و طریب مشغول
 کرد و اگر بنید که خرگاه کبود بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه از آن
 او بود تاویل بدو باز کرد و خرگوش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد

جواب

جواب

جواب

خرگاه

سیرین

خ

دلیل که زنی بدخواب یا کینه‌زنی نامحار بخرد و اگر بیدار شود و بپوشد یا گوشت او خورد و دلیل که چتری از زنی بوی رسد و اگر
 بیدار شود که چتر خوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که در آن خیر نبود و بعضی گویند که سنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود
 مغروری که گوید چتر خوش در خواب زنی پارسا و خاموش بود و اگر بیدار شود و بپوشد یا گوشت او خورد و دلیل که سبب هلاک زن او بود یا سبب عیال
 او از محنتی برسد و اگر بیدار شود که زن خوش از روی قفا در پیچید خفا که او را خبر کرد و دلیل که زن خود را از زنی دیگر محاسنت کند خرم
 ابن سیرین گوید که خرم در خواب مال و خواسته بود و اگر بیدار شود خرم خورد و اگر از اهل علمت دلیل که علمش زیاده کرد و اگر باز کاران باشد
 دلیل که مالش زیاده شود و اگر بیدار شود خرم خورد و او انداخت بیرون انداخت دلیل که احکام شریعت بجای آورد و بعضی از معبران گویند
 اگر بیدار شود خرم خورد دلیل که میراث یابد و اگر بیدار شود خرم خورد و دلیل که میراث فرزند خود خورد و اگر بیدار شود خرم خورد
 خرم بود و بار بسیار داشت دلیل که بازرگی پیوستگی کند و از وی منفعت یابد و اگر بیدار شود که آن درخت خرم از بن خشک شد دلیل
 که میان ایشان جدائی افتد و اگر بیدار شود و سرای او خرم خشک بود و سبزه گشت اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیدار شود بن خرم
 بنسبید دلیل که کسی از اهل او بیمار کرد و درمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار شود خرم تازه داشت دلیل که مال سختی حاصل کند و معبران گویند که
 خرم در خواب منفعت باشد که از منتهی بوی رسد و اگر بیدار شود در خانه و منزل خود خرم بسیار داشت دلیل که بقدر خرم تا ساع و مال حاصل کند
 و اگر بیدار شود خرم تازه یا خشک میخورد دلیل که حلاوت ایمان یابد و کاش بنظام کرد و اگر بیدار شود بن خرم می برید دلیل که کار بیکد
 دست دارد و از دستش بریده شود مغربی گوید اگر بیدار شود خرم داشت دلیل که زنی ثواب خواهد و بقولی دیگر مال یابد و اگر بیدار شود
 خرم انگور بسیار بود و گرفت دلیل که از کینه‌زنی سیاه فرزند آرد و اگر بیدار شود خرمای خشک خرمای تازه گرفت دلیل که
 سغنی لطیف از مردی منافق شود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن مفید شود و اگر صاحب خواب غمگین بود و از غم فرج یابد قوله
 تعالی بجد ع التخلّة نساقط علیک رطباً یحییها جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرم در خواب مال حلال از قبل
 رئیس کریم بود و خرم خشک در خواب دلیل بر دین پاک مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم مال حلال و فرزند و یکی بود حکایت
 شخصی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که خواب دیدم که بر سرای سلطان چهل خرم یافتم گفت خدا ترا سپاس چهل چوب برزند و بخواب
 بود و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین آمد و گفت که خواب دیدم که بر سرای سلطان چهل خرم یافتم گفت چهل هزار درم بجای گفت بار
 سال تعبیر این خواب بگوید و دیگر بود و سال چون است که بخلاف آنست گفت پارسا خرم بر درخت بنو و اوایل آن چوب بود و سال
 خرم بر درخت است و درختان بنو تازه اند تعبیر این چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص چهل هزار درم یافت خرمن گرفتن ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و غله مال حاصل کند و آن مال کثرت خرمن کند و اگر بیدار شود و در
 در خرمن در آورد دلیل که مال برنج حاصل کند که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود خرمن غله بخرد یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد
 بعضی گویند که او را با مردی محبت افتد که مال برنج و غله حاصل کند خرمن غله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در
 خواب مردی باشد که مال سختی در دست آورد و اگر بیدار شود خرمن غله خورد و دلیل که مال خود برنج حاصل

خبر

خبر

کرده باشد و بخورد و اگر بنید که خرفوت از دست جمع میکرد و دلیل که از مودی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بنید که خرفوت
 بانش می بوخت دلیل که پادشاه مال و ملک بستاند خرفوس ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار بنید که خرفوس داشت و دانست که
 ملک دست دلیل که در عجمی که بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بنید که خرفوس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد و اگر بنید که با خروس
 جنگ میکرد دلیل که با مروج عجمی خصومت کند و اگر بنید که از خروس او را گزنی رسید دلیل که از عجمی او را مغزت رسد و اگر بنید که خرفوس بچایفت
 دلیل که غلامی کوچک یا پسری را بکشد و اگر بنید که بانگ خرفوس می شنید دلیل که بنگی و خیرات گزیند و اگر بنید که خرفوس
 بروی می جفت دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و نایه خرفوس در خواب غلام بود و اگر بنید که کسی خرفوس بچایفت و او دلیل که غلامی
 بوی بخشد مغربی رحمه الله علیه بیدار در خواب بنید که خرفوس داشت دلیل که او را پسری آید یا او را بامودی نمودن صحبت افتد چنانکه
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود **الَّذِي يَكُ حُجْبِي وَهُوَ يَدْعُو إِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خرفوس دوست نیست که مردم را بنماز بخواند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که بر خرفوس دست یافت دلیل که بر بهتر زاده دست یابد و بروی ملک کند و اگر بنید که
 تخم خرفوس یافت و شکست دلیل که بر بهتر می و یا خردی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار خرفوس فروخت
 و خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دنیا کند و اگر کالای بکالای معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خرف ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید خرف در خواب جبه دستار و کلاه آنچه درین ماند جملهم و از او پندیده باشد و زکاتین جامعها اگر بر یک صورت بود و نیکو
 بود و اگر نبود و غم و اندوه بود و در نمک سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرف در خواب کسی را که شرعی خرف بود
 بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت باندازه و قیمت پنجم ریاست و بزرگی کرمانی
 گوید پوشیدن جامه خرف در خواب دلیل بر مال حرام کند مگر آن کویند و از او ابر شیم و خواب دیدن بد باشد و زکاتین جامعها اگر بر یک صورت بود و نیکو
 خرفوش کسی باشد که دنیا را بدین اختیار کند خوشه گردن ابن سیرین رحمه الله علیه بیدار بنید که تن او را کسی بکشد و از خون
 بیرون آید دلیل که خوشه کشنده او را سخنی راست گوید چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بنید که از آن جراحت خون نیاید دلیل که
 او را سخنی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تیغ بر او وینم کرد و او را دلیل که پیش او سخنی گوید و بر طعنه زنند
 و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بنید دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید خشکی بسیار بر تن نقصان
 مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر تنه و جو بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن ناخوش خشت ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید خشت در خواب مال جمع و جموع باشد چنانکه خشتی هزار درم نهاده اند اگر بنید که خشت بسیار جمع کرد دلیل که او را مال
 بسیار جمع شود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خشت از دیوار می تراشد دلیل که مال خداوند دیوار برود و اگر بنید که
 خشت پاره پاره کرد و پراکنده دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمه الله علیه گوید خشت بچته و خواب بد بود
 زیرا که آتش بوی رسیده است بدانی بسبب دلیل بر غم و اندوه بود خشم گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی
 خشم از پدر دنیا گرفت دلیل که کار دین را خیر و خوار دارد و پدر دنیا مغرور شود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که پدر و مادر بروی

خوب

خبر و بخت

خدا

خبر و بخت

خشت

خشم

تخصیص

تخصیص

تخصیص

تخصیص

خشم گرفتند دلیل که از جانی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ يَحْلُلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ خُصُومَتِ ابْنِ سِرین رحمه الله علیه
 گوید اگر ببیند که با کسی خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب کرد و بر دشمن ظفر یابد و اگر ببیند که دشمن بر و غالب شد
 تا ویش بخلاف این بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر ببیند که با والی آمد یا خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که از والی بد و خیر و منفعت
 رسد و اگر بخلاف این بنیاد و الی رنج بنید و اگر ببیند که پیش پادشاه خصومت رفت دلیل که حاجتش روا کرد و مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر ببیند که با مردم بی بی خصومت کرد دلیل که مردم از وی اندوختن کردند زیرا که آزار مردم جوید خصی کردن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خود را خصی کرد دلیل که حاجتش روا کرد و بعضی معتبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری
 سبحانه و تعالی راغب باشد و توانا گردد و اگر کسی مجهول خصی بنید دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد
 که او را بر ابراهیم و صالح خود انداخته و اخیرات مرده و دهر زیر که فرشتگان را شوق نیست و اگر ببیند که در سخنش علم و حکمت نیست
 آن کس فرشته نباشد و اگر آن کس که دیدی بود و معروف بود آنچه از نیک و بد دید تا ویش بروی باز کرد در مانی رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر ببیند که خایه وی بریده شد و بنیفا و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معتبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر و دختران
 بود یعنی پس از آن او را دختری نبود زیرا که خایگان دختر بود و اگر ببیند که خایه خود بدست آورد و کسی داد دلیل که دختران بگریه و غریبی
 علیه الرحمه گوید اگر ببیند که بی سبی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیش از تن بریده شد سمن تا ویش دارد و نامش از میان
 مردم کم شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین خصی در خواب بر سر وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت
خضاب کردن و انیال علیه السلام گوید خضاب کردن بر پیش پوشیدن کاره باشد اگر ببیند که سر را برایش خضاب کرد و
 رنگ نمیکشفت دلیل که ظاهر بمردم نماید و اگر ببیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده ماند ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خضاب چیزه میکشد که مردم آنرا میکشند و دلیل که خود را بخیرهای محال و کارهای ناپسندیده دهد و اگر ببیند که
 پای بخنجا خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر ببیند که هر دو دست را بخنجا خضاب کرد دلیل که فرزندان خود را یار
 بآرایی که خلاف شرع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دست خود را نکشید و بخنجا خضاب کرد دلیل که خداوند کرم و رحیم بود
 و کس عمل خویش و اگر ببیند که نکشید و بخنجا خضاب کرد دلیل که او را عزیزی بمیرد و یا خود را پاک شود و اگر این خوابها را بی بیند
 و خرم بنی اسمعیل اشفت علیه الرحمه گوید اگر ببیند که دست و پای خود بخنجا خضاب کرد دلیل که کاری کند که مردم بروی افسوس کنند
 اگر ببیند که سر انگشت را خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی
 کاشا بیسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدو غ **خطبه خواندن** ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر ببیند که بر سر منبر خطبه بخواند و از اهل خطابت بود دلیل آنکس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بفرود آید
 بسیار کند و هم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود و دلش کرد و اگر ببیند که بی دینی خطبه بخواند دلیل که مسلمان شود و یا بمیرد که مانی
 گوید اگر ببیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه بخواند اگر پادشاه مصلح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که نائب

کرد و اگر بنید که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم را پند میداد و دلیل که شوهر او رسوا شود و فضیحت شود و مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که در میان خطبه نگوید هیچ میخواند دلیل که با همه کس خیر و احسان کند و خیر و صلاح و منفعت یابد **خطمی** ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید خطمی بوقت خواب و دیدن منفعت بود و بوقت غم و اندوه بود و خوردن آن حضرت و نقصان بود و شستن آن
 دلیل بر توبه و پاک دینی بود **خفقتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفقتن در خواب مرده را کسی را که پوشیده بود و راحت و تسکای
 بود و اگر بنید که بختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد و از راه دین و پرستش کاری بخیر بود و زیرا که خفقتن غفلت بود و راه دین را که
 بنید که در جای یکا پی بر لبتر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود و گمانی علیه رحمة الله علیه که خواب ترسیده را ایمنی بود و مرده را
 آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را خلاصی بود و مغزنی گوید اگر بنید که در میان مردگان خفته بود و مردم او را دیدند دلیل که
 در میان مردم شهرت یابد و قوله تعالی و تحسبهم ایقاظا و هم رقود **خلال کردن** ابن سیرین گوید خلال کردن در
 خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال مانند جاروب که مال اهل بیت میرود و اگر بنید که خلال میکرد دلیل که
 بقدر آن که از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت می باشد مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که آنچه بخال از بن دندان برود
 آورد و کسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بناحق بستاند و کسی در خلعت **ابن سیرین** رحمة الله علیه گوید خلعت
 در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل عزت یافتن و مرتب ریاست و مملکت باشد و زن و کینک و حکم تاویل **خلعت**
 خلعت دهنده بود و گمانی گوید اگر بنید که پادشاه بد خلعت داد دلیل که از آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بنید که
 عالمی ویر خلعت داد دلیل که از آن عالم ویر علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید خلعتی بد و او را نصیب
 بود یا بسبب دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دین یا جاه را بر شین بود دلیل که عز و جاه دینی دنیا یا بد خرقه جابه که بنید و پوشیدن
 آن غم و اندوه بود و اگر بنید که جامه بزرگان از تن خود بیرون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزها از بخت و بدین نیکو
 باشد مگر موزه که نه که از نو بهتر باشد گمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند یا بد و اگر جامه نو خود و بفرزند نیکو باشد
 و خرقه فروش در خواب مردی بود که بوی از خود دور کند خلم خطا باشد که از منی بیرون می آید اگر بنید که از منی او خلم می آید دلیل که او منکر کرد
 شود و از غم و اندوه رسته کرد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود و اگر بنید که خلم بر جامه وی افتاد و دلیل که او را
 پسری آید و اگر بنید که خلم از منی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دختر آید و اگر بنید که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنی است که در
 و فرزند نیکو بنید و اگر بنید که زنی خلم بر وی انداخت دلیل که بر زن همسایه آید و اگر بنید که خلم خورد و دلیل که مال زندان را بخورد و بوی
 نیک **خلیفه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خلیفه وی کشاده بنید دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بنید که خلیفه او را کاری
 فرمود از کارهای خاص دلیل که عز و بزرگی و قربت یابد و اگر بنید که خلیفه او را ولایتی داد و اگر از مسلمانان بود دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر
 بنید که در سرای خلیفه شد دلیل که از مقرران وی شود و اگر بنید که خلیفه از تناسخ دنیا چیزی بوی داد و دلیل که منزلت یابد و میان
 بزرگان نامدار شود گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که خلیفه با وی خصومت کرد و از پسر کاری که بشمار غفلت دارد

خطمی

خفقتن

خلال کردن

خلعت

خلعت

خلم

خلیفه

دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که در شیر بجای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را زنی یا کینه‌زنی یا مال دیدار کرد
 بنید که در پس اسب خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بنید که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم
 در شغل‌های وی باشد و اگر بنید که خلیفه با وی ترش روی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خلیفه
 شده است و او را اهل آن نباشد دلیل که او را بجاری فرستد و اگر بنید که خلیفه او را بجاری فرستاد و دلیل که وی خیر و منفعت یابد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بنید و ثامن بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عذر و
 دولت یابد و اگر خلیفه بنید یا پیش بخلاف این بود خشم ابن سیرین رحمه الله علیه بدو خیم و خواب زنی بود که از قبل او فایده
 بخانه برسد بقدر بزرگی خیم کرمانی رحمه الله علیه بدو خیم یکی یافتن در خواب کنج بود و خیم آب زن بود و امان تو اگر باشد و اگر بنید که
 در خانه خود و خیم بر آب بود و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خیم سرکه در خواب مردی پیر و پکار
 بود و خیم سبکه و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال بود و خیم آب کامل دلیل بر مردی بیمار بود و خیم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان
 بود و خیم در خواب دیدن دلیل بر سلطان کند و ریاست اصحاب سلطان چهره کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرشتن آرد و ناپا
 و رستی دین باشد و سرشتن آرد و کدیم مالی بود که از تجارت حاصل شده باشد و اگر خیمیر بخوابسته بود دلیل بر فساد و کد و سرشتن
 آرد و کادرس در خواب نفع اندک که بوی رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خیمیر فرآوردت یا بخیرید یا کسی بوی داد اگر خیمیر
 بود و دوستی دین و صلاحیت بود و اگر خیمیر کدیم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خیمیر کاویر بود دلیل که منفعت
 اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال
 خیمیر در خیمیر سه قول است بعضی گویند خادمه بود بعضی گویند پیام بشهر و سبزه و آورد بعضی گویند زن بود و اگر بنید که خیمیر
 آگیند در خانه او است دلیل که زن اطلاق دهد یا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خیمیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خادمه
 یا کینه‌زنی بقدر خیمیر او را حاصل شود یا او را زنی خاومه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بنید که خیمیر او ضایع شد یا پیش بخلاف
 این بود خیمیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که خیمیر در دست داشت دلیل که او را کسی عداوت افتد و اگر بنید که خیمیر او شکست یا
 ضایع شد دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان بریزد و صلح انجامد و اگر بنید که خیمیر در دست داشت دلیل که او را از کتبی
 باشد در آن کار که خواهد و اگر با خیمیر سلاح بسیار داشت دلیل که دشمن ظفر یابد و کاشش بنجام کرد و خیمیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 خیمیر در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که بقیه می خندید دلیل که غش یا وده کرد و قوله تعالی فلیضحکوا فلیکفوا فلیکفوا فلیکفوا و اگر
 بنید که آهسته خندید دلیل که اندویش کمتر بود کرمانی رحمه الله علیه بدو خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت باشد
 قوله تعالی فنبشروهم صابغاً من قولها جعفر صادق رضی الله عنه گوید خنده آهسته در خواب دلیل بر فرزندی بود و قوله تعالی
 فضحکک فنبشروهم صابغاً و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شکفت آمدن از کار از وی قوله تعالی
 أمین هذا الحدیث عجیب و خوال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که خوانی داشت و در آن مائده بود و از آن

خیمیر
 لیسکی
 شراب قلیش
 سه آتش
 نفت
 خیمیر

خیمیر
 خیمیر
 خیمیر

خیمیر

میخورد و دلیل که بقدر آن غنیمت باید کرد مانی رحمة الله علیه که بدید خوان آراسته در خواب نیک بود چون ناخورد و برادر نغم و اندوه
باشد و بسیار خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بنید که در خوان طعام سه کوزه بود دلیل که روزی او فراخ شود و قوله تعالی
وَبَنَّا الْإِنْسَانَ مِمَّا كَذَّبَ كَفَّيْنِ اللَّهُمَّ بعضی گویند عز و جاه و شادی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خوان در خواب
بر پنج وجه بود یکی غنیمت حاضر و دوم مردی شریف سوم قوت چهارم نظام کار و پنجم عز و خرمی خود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
اگر بنید که خود پولاد بر سر داشت دلیل که جاه و قدر و ثری بود و قوت او زیاد کرد و بقدر روشنی خود و اگر بنید که خود بر سر داشت
دلیل از منتهی قوت گیرد و اگر بنید که خود خود کسی داد دلیل که آنکس را قوت و شمت بود و اگر بنید که خود در لشکرت یا ضایع
شد دلیل که عمرش نقصان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خود در خواب بر پنج وجه بود یکی قوت دوم مال سوم فرزند
چهارم لقبا و کونی پنجم خود را از آنکه بپادشاه شدن خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر خوشی که بوی خوش دارد در خواب
خوردن آن خیر و خوشی بود و اگر بوی ناخوش بود دلیل که شر و بدی بود و پیر و پیران و کند ناخوردن غم و اندوه بود و
اگر بنید که خوشی تلخ و ناخوش بود دلیل بر درویشی و بیچارگی بود و مانی رحمه الله علیه گوید خوردن چون بطعم شیرین بود خوشی
و شادی بود و چون ترش و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و خوردنی فروش در خواب تبایل خوار و نذبح بود و خوشه ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید خوشه در خواب دیدن چون تازه بود و فرزند و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک بنید و فرزند
بود و بر دراز اما در آن سال نکلی و قحط باشد و خوشه خرم و خوشه انکور بهتر بود و خاصه چون بوقت بنید که مانی رحمه الله علیه گوید
اگر بخواب بنید که خوشه سبز میخورد دلیل که در آن سال او را فراخی عیش بود و اگر خوشه زرد و خشک بنید دلیل که قحط و تنگی بنید
و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوشه سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود و قوله تعالی تَسْبِغُ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ
و خوشه خشک قحط بود و خوک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوک در خواب مردی تو آنرا لقبوت بود و لیکن دون همت و بی خیر باشد
و اگر بنید که خوک آن در جای نیک می داشت و در آن نیکو کرد که پراکنده کردند دلیل که مال بسیار جمع کند که مانی رحمه الله علیه گوید محافظت
کردن با خوک دنیا را نیک بود و دین را بد و بچه خوک و خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که خوک میخورد دلیل که رباخورد و اگر بنید که
خوکان را از جای بجای میبرد دلیل که احوال دنیا بی نیک کرد و احوال آخرت او نیک نباشد و اگر بنید که در میان خوکان
میگردید دلیل که بجهت مالی که از حرام جمع کند حرم شود و گویند که خوردن شیر خوک در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و اگر بنید که در میان
خوکان نشسته بود دلیل که دشمن غالب آید اگر بنید که خوک پس از وی درآمد و پیش رویش میروند دلیل که مرای طلبد و او را
حاصل آید و اگر بنید که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که شبان خوکان بود دلیل که بر کسی
بد و بیان و بد فعل بهتر کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که با خوک بصحرای جنگ میگردید دلیل که با مردی دون و تنگ او را
خفوت افتد و اگر بنید که موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل که بقدر آن مال حرام یابد
خوکان آمدن ابن سیرین گوید اگر بخواب بنید که بی جراحت خون از تن وی می آید دلیل که زیان رسد

خود

خود

خود

خود

خوکان

و اگر بزین خود جراحی یا بدلیل زبان تل و غم و اندوه بود و اگر بنید که او را بشمشیر زند و خون روان شد و دلیل که زبان بوی دراز
 کرد و او را و آن ثواب بود و اگر بنید که خون جراح است جا آلوده کرد و دلیل که مالی حرام حاصل کند که رانی رحمته الله علیه گوید اگر بنید
 که خون میخورد دلیل که مال حرام خورد و یا خون ناحق کند و اگر بنید که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا ریخه روان شد و جا را در
 آلوده کرد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که از قیضش خون بیرون آمد و دلیل که او را فرزند یا دانه بیفتد و اگر بنید که از
 مقتضای خون می آید دلیل که بقدر آن مال حرام باید و اگر بنید که ازین دندان او خون می آید و دلیل که از خویش آن غم و اندوه خورد و اگر
 بنید که در کوی چاهی شهر خون همی رفت دلیل بر خون ریختن بسیار بود و در آن موضع دانیال علیه السلام گوید اگر بنید که خون بسیار از بینی
 وی آید دلیل بر یافتن مال حرام بود و خاصه چون جا آلوده گشت دلیل که در ویش بود و مالش نقصان پذیرد و خیابان برین
 رحمته الله علیه گوید خیابان در خواب اگر در وقت خود خواب بنید دلیل که سخن خوش شنود یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بنید که از آن خیابان
 بخورد دلیل که از آن زن ملاقات حاصل آید و حکم خیابان و باد زکیم برین قیاس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیابان
 در خواب بر سر وجه بود و یکی پشیمانی از کار قوم شنادی در آنش سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان خبیث ابن سیرین
 گوید دیدن خبیث در خواب پیرو ما در وی بود که بر دستش مال حرام خرج رود و خبیث انجین مرد عالم بود و دانش آموز و
 راه نمایند بود و اگر بنید که خبیثی داشت یا بنجر بدلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بنید و اگر بنید که
 خبیث از او بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد و چهری ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بنید که خبیث از بهر خود نزد یا
 بوقت خود بنید بنجر بود و اگر غیر وقت خود بنید پس تاویل دارد و خبیثه ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بنید که خبیثه از بهر خود نزد یا
 از بهر کسی نزد او انجا بنشست دلیل که اگر خبیثه سیاه بود و مال یا بدید بر بزرگی و کوچکی خبیثه که باز رکان باشد دلیل که سفر کند و مال
 یا بدو اگر بزرگی این خواب را بنید دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خبیثه کهنه باشد و حضرت بیشتر بود که رانی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که از خبیثه
 بیرون رفت شرف و بزرگی یا بدو اگر بنید که پادشاه بر در خیمه نشسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بدو دشمن ظفر یا بدو اگر بنید که پادشاه
 او را در خیمه خود خواند و انجا بنشست دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یا بدو کارش بنظام شود و خیو ابن سیرین گوید اگر بنید که خود را خست
 دلیل که سخنی گوید که او را احوال نبود و اگر بنید که خپو در مسجد انداخت دلیل که سخن درین گوید و همچنین در هر موضع که خپو انداخت دلیل که
 سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بنید که خپو در دیوار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خداست یا اهل محل و علایق آن نبود
 و اگر بنید که خپو در زمین انداخت ضیاع خود بنید و اگر بنید که خپو در دخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سو کند بدروغ خورد
 که رانی رحمته الله علیه گوید که خپو گرم دلیل بر عمر درازی باشد و خپو سرد دلیل بر مرگ بود و نیکس بالعکس و خپو سیاه دلیل بر غم
 اندوه بود و خپو زرد دلیل بر بیماری بود و آب پس چون از زمین بیرون آید بی آنکه حبابه یا لا بد دلیل که علی باطل و دروغ
 تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد و اگر بنید که ملغم از کلو بر آورد و باستین گرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند
 معتزلی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که خپو کسی با خون در روی او انداخت دلیل که در اهل او طعن زند و اگر بنید که خپو

خیابان

خیابان

خیابان

خیابان

خپو
آب پس را گویند

خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا نماید حرف الدال : دار و ابن سیرین رحمه الله
 علیه کویا که کسی از بهر بیماری دار و خرد او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بنید که دار و خرد و موافق نبود دلیل که
 صلاح دین از وی زایل شود و اگر بنید که دار و از بهر ندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دار و صلاح دنیا طلب کند و اگر
 بخواب بنید که از بهر مردمان دار و ساخت دلیل که بخلق خدا بیگانه ای احسان کند و اگر بنید که دار و خشک میشد دلیل که از غم و اندوه
 خلاصی یابد که مانی رحمه الله علیه کویا که بنید که دار و بخورد و اسهال بسیار آمد دلیل که او اضرمت رسد و اگر بخلاف این باشد بی منفعت
 بود و اگر بنید که دار و بخورد و عقل و هوش از وی برفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید هر دار و که
 زرد بود بیماری در رخ باشد و آنچه بخورد و نکرده بود دلیل بر بیماری باشد. دار حنی بن سیرین رحمه الله علیه کویا که
 بنید که دار حنی خورد دلیل که غم و اندوهش بیشتر شود که مانی رحمه الله علیه کویا که بنید که دار حنی از بهر علت خورد و
 او را سود داشت دلیل بر خیر و منفعت باشد و اسخ کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کویا که داغ کردن در خواب
 مال و کنج بود و اگر بنید که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خدا بیگانه ای صرف کند و در عقبی از عقوبت رستگاری
 یابد که مانی رحمه الله علیه کویا که بنید که از نشان داغ خون و ریحمی آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و
 ریحم نباشد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد و انیال علیه السلام کویا که بنید که داغی بر تن کسی نهاد و او پیش سخن رشت
 باشد یا بروی تهمت نهند و اگر بنید که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیا باشد و بعضی
 سیر بن کویا که داغ کردن بنیاد باشد و در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه کویا که داغ کردن در خواب منع زکوة بود
 و مشغولی با پادشاه قوله تعالی یومر یجئنی علیک ما داس ابن سیرین رحمه الله علیه کویا که کسی بخواب بنید که داس در دست
 داشت دلیل که آلتی سازد که او از آن آلت مال حاصل آید اگر بنید که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال او بود و مغربی رحمه الله
 علیه کویا که بنید که داس زیرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بنید که بدان داس چیزی زیرین در دست
 دلیل که مال و نعمت حاصل کند و ام ابن سیرین رحمه الله علیه کویا که در خواب مکر و حیلت بود و اگر بنید که پای او بدام گرفتار شد
 تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه کویا که بخواب بنید که جانور یا بدم گرفت آنکس که بدان جانور منسوب بود بکر و
 حیلت بدست آورد و آنها ابن سیرین رحمه الله علیه کویا که آنها در خواب اگر بخت یا خام بنید دلیل غم و اندوه بود و کوفی رحمه الله
 علیه کویا که خواب بنید که آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترش از زبان کرد و هر چیز از آنها که دید و در خانه خود بر دیار و جمل کرد
 دلیل که آنچه بزرگان کرد و اگر بنید که مردگان و آنها بزم میدادند دلیل که آن و آنها از زبان شوند و باغی کردن ابن سیرین
 رحمه الله علیه کویا که باغی کردن در خواب که از رون تغل و فرمان بود اگر بخواب بنید که باغی میکرد دلیل که پیشه و باغی کند
 که مانی رحمه الله علیه کویا که باغی تا دلیل والی بود و پوست در خواب میراث باشد مغربی رحمه الله علیه کویا که باغی در
 خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به ابن سیرین رحمه الله علیه کویا که بدیده روغن در خواب

دار و

در حنی

در اسخ کردن

داس

دام

داس

دباغی

دبه

بی

پشتان

دجال

نقش

وصف

دکان

درج

مردمی این بود که بنید به روغن داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بامردی این اورا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بینند
 بقدر آن دیر روغن و اگر دیر چرکین و کهنه بود دلیل که بنیده را مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه و خواب
 بر نه و ج بود یکی مرد این دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال نعمت هشتم خیر و برکت
 نهم میراث از جهت زنان و پسر می این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که دبیری میکرد دلیل که مال مردگان بحیثیت
 ستاند و کارهای ناگردنی کند و اگر بنید که دبیری پادشاه میکرد دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد و اگر بنید که دبیری مردم
 عام میکرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند و انبیا علیهم السلام گوید اگر بنید که نویسنده شد دلیل که بکبر و حیلست روزی از مردم
 بدست آورد و اگر دیر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت بسیار یابد و اگر بنید خواب عمداً بود دلیل که مغرور
 شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که جامع قرآن و حدیث می بنیست دلیل که خیر و منفعت استجانی یابد و اگر بنید که غرض
 می بنیست دلیل که بعینش و طرب مشغول گردد و اگر بنید که نامه می بنیست و مداونیک بود دلیل که قباله را نبوسد و اگر بنید که آنچه
 می بنیست خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود و **پشتان** خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت خیر
 بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و **دجال** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دجال را در جانی معروف دیدن دلیل که در گنجی
 فتنه افتد و دروغ زمان انجما جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد و **دختر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دختر خواب دیدن
 فرح و شادی بود و اگر خواب بنید که او را دختری آمد یا کسی دختری بوی داد و یا بنحشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال
 خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بنید که دختر بھر فتاویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دختری چرکین و ناقص
 بود دلیل بر غم بود و اگر بنید که دختر در بر گرفته بود و دبیر و دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بنید که دختر خود کسی داد دلیل که از وی خرمی و برکت
 رسد و **دختر** اگر بنید که در زیر خود دعو و دعو میکند و یا از بویهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بسیار مورد دوزان منفعت یابد
 و بامردم عیش خوش گذرانند و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دختر و خواب بر سر و ج بود
 یکی گد و میبشت دوم خیر و منفعت سوم بنای نیک و **دکان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دوکان داشت
 جمله خرمند و یا یکی خرمند و یکی کاویا یکی کوفند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زبانی دارد و اگر بنید که چهار یا پان وی دکان
 شدند تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان و خواب بر چهار و ج بود یکی دشمن دوم پادشاه
 ظالم سوم زمان بملطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گوشت دوان میخورد و دلیل که مال مردم بحیثیت
 بدست آرد که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بصورت دوی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بنید که دوکان با
 وی سخن گفت ند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که دوکان را میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و **درج** ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید درج و خواب زنی خبر وی بود بد مهر که با شوهر ساز کاری کند و اگر بنید که وراجی گرفت یا کسی
 بوی داد و دلیل که زنی بدین صفت خواهد و اگر بنید که گوشت درج بخورد دلیل که مقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمه الله

علیه کوید اگر بنید که در راج بسیار داشت و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن زنان و کنیزکان او را حاصل آیند و اگر بنید که در راج از دست وی ببرد دلیل که زن را طلاق دهد و راجه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بخواب بنید که دراعه نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیده بود دلیل که بقدر آن او را جاده و قوت و شرف در دین بود و اگر بنید که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تاویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دراعه سپید پوشیده بود دلیل که مال و لغت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ پوشیده بود دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بنید که دراعه از تن وی برین کردن دلیل که از زن جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید درین دراعه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرج دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کار هفتم زن و در خواب دیدن زن بود و اگر بنید که در مای بسته از جای معروف یا مجهول و برابرش کشادند و آن درگاه کشاده شد بر جانب راه بود دلیل که مالی که وارد خرج کند و اگر بنید که در سرائی در برابرش کشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیاید و بر عیال نفقه کند و اگر بنید که در سرائی او شکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که در سرائی او کشند و بر بند کس ندانست که کجا بروند دلیل بر محنت و مصیبت صاحب خانه بود و اگر بنید که در سرائی او انباشتند دلیل بر مصیبت اهل سرائی بود و اگر بنید که در وی کوچک بود دلیل که آفت بسیار او رسد و اگر بنید که در سرائی چنان فراخ بود که هیچ درمی بدان فراخی نبود دلیل که قومی بی فرمان در سرائی او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر بنید که حلقه در سرائی او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل که دعای او مستجاب گردد و باشد که بخی بیاید و اگر بنید که چون حلقه جنبانید زود در آن سرائی را بکشند و دلیل که خدا تعالی البتة دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر بیاورد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که در نو حکم بپست و طفلی بر نهاد و دلیل که ز نشن بمیرد یا زن را طلاق دهد اگر بنید که در و گردن او فرمودند او زود در خانه او نهادند دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بنید که در خانه ویرا غلق نبود دلیل که زنی بموید بخوابد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که در آن بر در خانه وی میجسیدند و بانگ میکردند دلیل که جنانا قصد عیال او کنند و اگر بنید که در آسمانها کشاده شد دلیل که بر مردم آذینار در خزان بکشند جعفر صادق رضی الله عنه کوید درین در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرائی دوم زن سوم خادم در و از ۵ ابن سیرین رحمه الله علیه کوید که در و از شهر می بخواب بنید دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب دیدن مردی بزرگ بود و ربانی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر در خواب بنید که ربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد زود روا شود و از مردی بزرگ عز و جاه بیاید و اگر بنید که در ربانی میکرد و در نبود دلیل که حاجت بر وی بلبس کسی بود و روا شود اما او جاه نیابد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که در ربانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد و بر سر گرفتن شرح در بر گرفتن و حرف الف گفته ایم و درختان دانیا علی السلام کوید درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود اگر درختی بنید که پیش مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی

مفتاح جبر کونین
جبر کونین جبر کونین

که در دیار عرب بود دلیل بر مردوم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردوم عجمی باشد و درختی که در باغ بنید دلیل بر مال
 بود و بنید باغ اگر بنید که درختی از بن کج دلیل که مرد و یا از جاه و نعمت افکند و درخت خرمایا اگر درخت خرمایا بنید دلیل بر مردی
 شریف عالم بود و اگر بنید که درخت خرمایا درخت دشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرمایا چون باغ بنید دلیل که تاویل او بنید و خواب
 باز کرد و درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود و کار خوشی و بعضی کو بنید زن بود یا کثیر درخت آلو
 مردی طبیب بود که زودی نفع بهر کس درخت بادام زنی خوری صاحب جمال بود و درخت انار مردی توانگر بود
 با منفعت و درخت پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت بمر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت
 شترنج دلیل بر مردی مخالف و خود رای کند و درخت زیتون دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد و درخت چنار
 دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد آلو دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو دلیل بر مرد
 عجمی خوش طبع کند و درخت سنجد دلیل بر مردی سبک روح و مجتهد باشد و درخت سیب دلیل بر مردی بیارگون باشد
 و درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دلت کند که زود هلاک شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که شهر
 باشد و درخت عود دلیل بر مردی بیکوری و خوش زبان باشد و درخت فستق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود
 و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که لهو و دست دارد
 و درخت بلوط دلیل بر مردی پنجه منافی بود و درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود و درخت جوز نندی
 دلیل بر مرد عجمی بود که با مردم بجل کند و با عیال سختی کند و اگر بنید که بالای درخت بود دلیل که با مردی بزرگ پیوند دارد و منفعت
 و زریکی یابد و درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود و درخت میوه دلیل بر مردی کران طبع و ناسازگار
 بود و درخت فی دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر بیاس میوه او بود و اگر بنید که از درختی میوه دارد
 میوه میخورد دلیل که بقدر قیمت آن میوه مال نعمت یابد و متبران گویند و بدین درخت خود درخت و جوابی بود و هر درخت که در خانه پادشاه
 چید دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بنید که لاق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه تا ویش بر مردمان دون بود که مالی رحمة الله علیه
 گوید اگر کهای درخت قوی بنید دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت
 را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بنید که درخت بر کباب بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بنید
 که بارهای اندک دارد تا ویش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بر خداوندش که پرهنر کار و دین دارد و اگر بنید که درخت
 بر سر پر و بنیقا و دلیل بر مرک خداوندش بود و مغربی علیه الرحمه که بود اگر بنید که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل
 بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بنید که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر
 بنید در سرای او یا در سرای دیگران کوتاه درخت بود دلیل بر مصیبت بود و در آنسرای افتد و اگر بنید که در سرای خود تخمی
 می کشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بنید که درخت در زمین بیکانه نمی نشاند دلیل که با مردوم بیکانه

درخت خرمایا درخت آبنوس درخت بادام درخت شترنج درخت پیل درخت شمامه درخت شفتالو درخت عود درخت کل درخت بلوط درخت جوز نندی درخت فی درخت لیمون درخت میوه درخت خیار درخت خربوزه درخت کباب درخت ناخوش درخت مصلح درخت مفسد درخت پاک دین درخت مفسد بی دیانت درخت بیکانه درخت بیکانه

اور صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بنید که در سرای خود درختی می نشاند دلیل که دامادی آورد و اگر بنید که بر بالای
 درخت بنید می نشاند دلیل که کاروی بزرگ شود و اگر بنید که برک درختان جمع میکرد دلیل که نقد آن درم حاصل کند و اگر بنید که از
 درختان میوه حاصل میکرد دلیل که فرزندان و نسبی زیاد شود و اگر درختان میوه دار بسیار بنید و داند که مال است دلیل که او را
 عمری دراز بود و طفل و بزرگی یابد و اگر بنید که درخت را می برید دلیل که بیمار گردد یا از آن وی کسی بمیرد و اگر بنید که در وقت خزان
 در باغ جھول بود و میسیدید که برک از درختان می افتاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که درخت با وی سخت گفت دلیل که کاری
 کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بنید که درخت از جای بکند دلیل که بیمار شود یا از آن موضع که درخت کند کسی بمیرد و معنی رحمة الله
 علیه که پدر درختان بریده یا خشک شده بنید دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که یکو تر بنید دلیل که دین او نیکو تر باشد
 و هر چه در درخت نقصان بنید دلیل بر نقصان وی بود و اگر بنید که در سایه درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل که در سایه مردی
 رود که بدان درخت منسوب باشد حیف صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب برده و چه بود یکی پادشاه دوم زن سوم باز بزرگان
 چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مومن هفتم کافر هشتم عنوان نهم خصومت دهم مال شربت در دانه امها ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بنید که اندامهای وی در دیگر دلیل که مال از دست وی برود و اگر بنید که سرش در دیگر دلیل که

در خواب

گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد و قوله تعالی 'مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ دَأْسِهِ فَفُلْيَةٍ مِنْ صِيَامٍ
 أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ' و اگر بنید که پیشانی وی در دیگر دلیل بر فساد دین و غم و اندوه بود و اگر بنید که چشم خود در دیگر دلیل که او را کسی
 نماید بحق و اگر بنید که دوش در دیگر دلیل که از هر کس بخندنای زشت نشود و اگر بنید که بینی وی در دیگر دلیل که در زبان وی نقصان بود دلیل
 که سخنی گوید که بوبال باز کرد و اگر این خواب باز بزرگان بنید دلیل که در تجارت در رخ گوید و اگر زبان خود بریده بنید دلیل که بصلاح و پارسائی
 بود و اگر بنید که کاش در دیگر دو آس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بنید که دامنش در دیگر دلیل که از خویشان اندوه یابد
 و اگر بنید که گردن او در دیگر دلیل که امانتی در گردن وی باشد و نمیکند از دو اگر بنید که شگش در دیگر دلیل که مال حرام خورده و اگر
 بنید که پشت او در دیگر دلیل که از همت خود آزرده گردد و اگر بنید که پهلوی او در دیگر دلیل که سبب خویشان در بنید و رنجور شود و اگر بنید که
 جلگه او در دیگر دلیل که فرزندان شقی بود و اگر در دست بنید دلیل که برادر عسایه یا جفا بخند و اگر بنید که در دامنش داشت دلیل که کینه دار
 بود و اگر در دماغ بنید دلیل که عیال را بر بچاند و اگر بنید که عورت او در دیگر دلیل که نفسا در آید و اگر بنید که مقعد او در دیگر دلیل که فساد
 خرم کند و اگر بنید که سرین وی در دیگر دلیل که بر خویشان و دوستان جفا کند و اگر بنید که پای وی در دیگر دلیل که بر بزرگان
 شقاق کند و اگر بنید که تن وی را دلغ میکرد دلیل که مال یابد و درم ابن سیرین رحمه الله علیه که بطبعهای مردم مختلف
 بود و مردی باشد که درم را بخواب بنید دلیل بر حاصل شدن درم است در بیداری و بعضی معتبران گویند هر که درم در خواب بنید
 که سخن خوش شود یا توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بنید که درم سفید بود دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد و بد نقش و
 صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بنید که درم کوچک یافت دلیل بر فرزند

این آیه
 در سوره بقره
 در جز دوم
 است

و

کو چیک بود و بعضی از بزرگان گویند اگر بنید که در میان ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزند وی خود بار بردل او آید و اگر بنید که در میان
 کو چیک کم کرد و باز یافت دلیل که آن رخ از دل وی زایل کرد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود که مانی رحمة الله علیه
 گوید درم در خواب بدست دشمن نمیکو بود و درم شکسته سخن بر آکنده و درم بسیار مال باشد و اگر بنید که در خانه با عیال خود در میان
 در دست قیمت کرد دلیل که میان ایشان داور می افتد و اگر بنید که درم در خانه بچید داشت بقدر آن مال یا بود اگر بنید که درم بسیار
 کرد دلیل که درم را نخت و باطل باز دارد و قوله تعالی جمع ما لا وعدده یحسب ان ماله اخلاذ اگر بیدرم عید در کف خود بنید
 دلیل که او از فرزند آید و اگر بنید که آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیدرم دای درم و دینار یافت دلیل که مال و
 نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصوصیت بود و اگر بنید که یا در شاه
 همان یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصوصیت بود و اگر بنید که یا در شاه
 او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یا زده وجه بود یکی سخنهای درست
 دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال محبوب پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی و هم
 کینزک یا زده هم درم یافتن خاصه که خداوند خواب تصور بود و اگر مستور نبود دلیل که رحمت فرزند آن دغم و اندوه بود و اما
 درم شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنک و خصومت سوم بند و زندان چهارم گفتگوی دروغ
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود و
 دروغ گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بنید که کواری
 دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که یا در شاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوش و بدی او
 گویند و حرارت و ابروی او برود و دروغ دگر می گردان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ دگر می گردان و خواب نیکو خواه مردم بود و
 صحبت با مردم منافق و بد مذمب باشد و بعد از ایشان رود زیرا که اهل چوب سنجاب دیدن دلیل بر نفاق باشد و قوله تعالی کاتهم خشب
 مستند جعفر صادق علیه السلام گوید دروغ در خواب متکلم کو دکان باشد که مرد جاهل و نادان را دانش و فرسنگ آموز و در بر مصلح
 کارهای مردم باشد و راه نفاق و فساد از ایشان زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید دروغ در خواب متکلم کو دکان باشد و دروغی ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید دروغی در خواب بهتر از توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر بنید که دروغش شده بود دلیل بر صلاح دین
 بود و اگر بنید که توانگر شده بود و دانش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که یا دروغش شده بود دلیل که دروغش
 رنج رفته کرد و اگر بنید که بر در میشت و زبان میخواست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب
 یا در شاه بود یا عالمی بزرگ اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عادل و دادگر بود و اگر بنید که آب در یاروشن
 تلخ بود دلیل که یا در شاه مضطرب و ظالم بود و اگر بنید که آب در یاروشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که یا در شاه یا در عالمی بهره مند
 کرد و اگر بنید که آب در یاروشن و در سبوی میگرد دلیل که بقدر آن از یا در شاه او را منفعت رسد و اگر بنید که در دریا

و دروغ گفتن

و دروغ دگر می گردان

و دروغی

و دروغ

فروشد چنانکه تن او بکل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بنید که تن خود را از کل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر بنید که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر بنید که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر بنید که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بنید که از دور دریا دید و نزدیک رفت دلیل که بدینچه امید بسیار دبرد و اگر بنید که فراز دریا میرفت و پای او ترختی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن کرد و کارهای دنیا بر وی آسان کرد و اگر بنید که در دریا بود بقول کرمانی رحمه الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و طبع و فضل گردد و اگر بنید که در میان دریا رفت دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بنید که از دریا بیرون آمد دلیل که بنیغم نشود و اگر بنید که از دریا آب خورد و سرد بود و بنیده خواب عالم بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر بنیده خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالی قل لو كان البحر مداً الكلمات دجی لنفد البحر قبل ان تنفك كلمات دجی و اگر بنیده خواب از مردان پادشاه باشد دلیل که از محترم پادشاه گردد و اگر بنید که آب دریا خورد از شست دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر بنید که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که گناهایی کند قوله تعالی و سقوا ماء هبما فقطح امعاءهم و اگر بنید که آب دریا بخورد و کنده و ناخوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود

قوله تعالی يتجرعه ولا يكاد يسيغه جابر مغزبی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت گذارد و اگر بنید که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بنید که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند و اگر بنید که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جای دلیل که پادشاه آن دریا مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بنید که از جهان موهبا برخواست و جهان از ابر تاریک شد دلیل بر گناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالی من فوقه موج ومن فوقه سحاب و اگر بنید که از دریا شکار میکرد دلیل که روزی حلال یابد و عیش و بر عیال او فراخ گردد قوله تعالی احل لكم صيد البحر و طعامه متاعاً لكم و اگر بنید که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بنید که آب دریا تیره بود از شکار میکرد دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی و اسلمهم

عن القرية التي كانت حاضرة البحر و اگر بنید که از دریا یا قوت و مرجان برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و از اهل علم باشد علمش زیادت شود و اگر بنید که از دریا ننگی را گرفت و بگشت دلیل که دشمن پادشاه بردست وی هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب شورش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم کاری بزرگ و شرف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در شب از دریا بر صلاصی بود و اگر بنید که در خواب از خواب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود کرمانی رحمه الله علیه گوید در خواب اگر بچ و آجر میکرد دلیل که صاحب دوزخی و اگر بنید که از کل و خشت میکرد دلیل که از اعمال اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه و اگر بنید که هر زبان از دریا بیرون آید و باز درون می شد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغزبی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در دریا بنید بقول مغزبی دلیل بر صلاح دین بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر تباهی و ضعف

نوشته

زیر کتب

دست

دست

دست

دست

در دین وی بود و زودی کردن اگر بنید که مال کسی در وید و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بنید که نیت داشت که بدزد
اما ندزدید دلیل که کسی مکر و بی رسا ند و بعضی گویند که بیمار شود اما شفا یابد و اگر بنید که از خانه وی چیزی بدزد و بدلیل که بخوابی و آفتی
بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که او در دست دزد است پس شد دلیل که حال وی بدزد و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر
بنید که دزدان بروی راه زدند دلیل که غم و اندوه بنید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالائکسان بر دلیلی که عیش بر
خداوند خواب نباه شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود و معتبران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل که ایادی
باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند خواب غایبی دارد و سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید دزد و در خواب بدین
خیانت و جیلت بود و دستار چه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دستار چه از کتان بر دست داشت
دلیل که او را از مودی پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بنید که دستار چه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را
زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستار چه در خواب بر سر وجه بود یکی منفعت و دوم کینرک سوم
عطاء اندک و دستار سر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب و بدین دین بود و اگر بنید که دستار
سفید یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود اگر بنید دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین
و نیا بود دستار قرمز و ابریشم دلیل نیکوئی حال اینجهان بود و اگر بنید که بادستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که نزدیکی
و منکرش بیشتر کرد و اگر بنید که دستار از وی بقیقا دو ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بجز ممتی او باشد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دزدیده بنید دلیل بر نقصان قدر و جاه او بود و اگر بنید که دستار می پیچیده خوب
داشت دلیل باصحاب دین و دنیا ساز کاری کند و اگر بنید که دستار طراز داشت دلیل که در میان سفر و مردم شهر کرد
و اگر بنید که دستار و جامه اش جلوه سبز بود دلیل که لشکرات از دنیا برو و مغربی رحمة الله علیه گوید هر چند که دستار بر کمر
باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بنید که دستار خورد چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر دستار سرخ بود دلیل
که بر کسی تم کند و اگر زرد بنید دلیل که بیمار شود و اگر کبود بنید دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بنید دلیل که زیان و ضرر بنید
مکر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بنید دلیل که مصف و دوا کرد و مردم او را عز و دارند و اگر بنید که دستار از
پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب
بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتب ششم توانائی هفتم سفر و دستار حامی و در حرف بیم بمان
کنیم انشاء الله تعالی و دست آس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بنید که دست
آس داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دست ملاک شود
یا در محنت افتد و اگر بنید که سنگ آس دست بدزدید دلیل که بیمار شود و اگر بنید که لباس دست خدا و غیره خورد و میکرد دلیل
بر خصومت بود و دست و انیال علیه السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود

و اگر بنید که دست راست وی دراز شد دلیل که کار بر اویش یا انباشش میجو کرد و اگر بنید که هر دو دستش باز گشته شده دلیل که بر او رو
 خواهر از وی روی بگردانند و اگر بنید که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که قطع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر بنید که هر دو دستش بریده و
 افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بر زندگی از وی جدا شوند و اگر بنید که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم
 خورد و اگر بنید که میان کوهی بود و دست میزدند دلیل که در آنجا عروسی کند و اگر بنید که تنهها دست میزد و شادی میکرد و دلیل
 غم و اندوه بود و اگر بنید که قاضی یا سلطان دست راست او بر بدن قبول ابن سیرین رحمه الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندان
 ببرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب مراد خود بازماند و اگر بنید که یک دست از دست دیگر پوست باز میکرد و دلیل که بر کسان
 خود ظلم و بیاد کند و اگر بنید که دست خود را بکار میبرد دلیل که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود و قوله تعالی فقط احسن
 اید یا من و اگر بنید که کف دستها بر یکدیگر میسوید دلیل که خویشی بکسب آورد و اگر بنید که یکی دستش بر بدن او آید و اگر بنید که امیران
 آنوقت مغرور گردند و اگر بنید که مانند چهارپای بچهار دست و پای میرفت و باز که روی آسمان داشت دلیل که از روی محال
 جوید و بدستواری بر آید و اگر بنید که دست وی مادر زاده خشک بود دلیل که از صدقه دادن و کار خیر فراموش کرد و اگر بنید که
 دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که تلاش بر تعلیم علم و دانش بود و اگر بنید که دستش بریده بود و دانه است که دست راست یا
 دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بنید که چون دستش بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از مصیبت باز دارد
 و معبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز کرد و عصبان را ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن و اگر بنید که دست راست او از
 بزرگنمایی بریده اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دینان بود و مغربی رحمه الله علیه بدید اگر بنید که دست خویش چون چمبر درون
 کرده بود دلیل که بر دراز نیک و نماز و طاعت و حج و غزاکردن و کردار نیک بجای آوردن بود و اگر بنید که دست راست او بریده
 دلیل که سوزند بر رخ خورد و اگر بنید که دست از تن وی تحویل کرد برترین پادشاهی وقت اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و
 صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بنید که یک دست وی از دست دیگر درازتر
 شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بآید و اگر بنید که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد ماند و معبران گویند که از خویشان
 منقعت یابد و اگر بنید که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بنید که از بهر دوست خود مراد بر بسته
 داشت دلیل که کلمه قرآن بظاهر بخواند اسمعیل است رحمه الله علیه بدید اگر بنید که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل که بزرگی
 و پادشاهی یابد و اگر بنید که دست راست او زیرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بنید که دست خود با نشان و
 صابون می شست دلیل که نا امید شود و اگر بنید که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست
 برسد یا از دست راست برآمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور
 تاول بد باشد دلیل که بر صغیری شکم کند و اگر بنید که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بنید که دست وی در دست گرفت
 یا دست در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بنید که دست مشرکی دشتیما میکرد و دلیل که آن مشرک

این آیه
 در سوره یوسف
 بسیار آمده است

خین

شستن
دست و روی

و شین

و شین

و شین

و شین

و شین

بدست وی مسلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خواهر سوم نایز چهارم
 دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم پیشه و صنعت و دست
 اور بخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دست اور بخن در خواب زانرا شوهر بود و مردانرا غم و اندوه بود و اگر بنید که
 دست اور بخن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی دست اور بخن بدو داد دلیل که
 او را فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بنید دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بنید که هر دو
 دست اور بخن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اور بخن در خواب بر پنج وجه
 بود یکی ریاست دوم حکمت سوم کر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند و دست و روی شستن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که دست و روی آب صافی آبست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد بود وامش گذارده شود
 و اگر بنید که دست و روی ناسته نمازی گذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که هر دو دست و روی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بنید که دست و روی می شست و او را حدی
 پیدا آمد و منویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بنید که او را حدی افتاد و دیگر دست و روی شست و نماز
 آغاز کرد و اما نماز تمام نکرد دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که کسی دست و روی او را شست
 و او را مل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید و ستینه در خواب مردانرا بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 و ستینه از آن در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یا دغا حاک که و ستینه از پولا بود و اگر و ستینه ازین
 یا سیمین باشد تا ویش چون دست اور بخن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و ستینه در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی
 دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی و شستن اگر بخواب بنید که او بر دشمن غلبه کرد دلیل که مرادش حاصل آید و اگر
 دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که دشمن او را بخورد دلیل که در طلب او مصیبت افتد و بایک کردن تا بلا دفع
 شود حضرت صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی لشکی کار نام دوم غم و اندوه سوم خسران مال
 و ششام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را حال نکو بود و اگر کس بر دشنام
 دهنده ظفر یا بد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را دشنام داد دلیل که کس بروی چیره و کامگار شود و عاگردن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود و اگر بنید که خود را دعا کرد و او از ترس میخواست دلیل که خانه و کارش
 بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بنید که مصلحتی را دعا کرد دلیل که ظلم و فساد مکرر آید و امر معروف بجای آورد و اگر بنید که ظفر دعا میکرد دلیل که بخواب
 خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بنید که دعا خاص میخواند دلیل که فرزندش آید و قوله تعالی اذ نادى ربه ندا خفيا کرمانی رحمه الله علیه
 اگر بنید که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و یا بر او دلیل که محتاجی او را بنیامزد و حاجت وی روا گردد و اگر بنید که آن خواب فسد بود و او را توبه
 دهند و اگر کافر بود اسلام آورد و فزون ابن سیرین رضی الله عنه گوید فزون در خواب دلیل امر معروف کردن است

۱۰۰

پہ

اپنی اپنے
دور دور
سیارہ و مریخ
۱۲
دور دور
سیارہ و مریخ

چند

نبی

تبیان
درین

از خون پشت دلیل که از حرام تو به کند و منیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بنده در خواب بدیده مال بود که یکی مکمل میدارد و مال زن
بود بر قیاس زیادت و یکی او را که بنید که بنده خام میخورد دلیل که مال شبهه خورد و اگر بنید که بنده نیمه میخورد دلیل که دشمنش از مال
وی بخورد که مالی علیه الرحمه گوید اگر بنید که او را چون کوفتند بنده بود دلیل که او را فرزند می آید که خداوند دولت و اقبال بود و
روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بنده در خواب دیدن بدیده زر بود و دندان
در خواب دیدن اهل خاندان بود دندانهای بالا دلیل بر برزیه بود و دندانهای زیرین دلیل بر بادینه بود و دندانهای پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود و مادر و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشند دلیل بر غم و غمزدگان بود و دندانهای
پسین دلیل بر خوشی و دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی میگویند که دندانهای
پیشین آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خوشی او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خوشی او بود و
و اگر بنید که دندانهای پیشین وی می جنبند دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی میگوید که و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
برینکه دندان پیشین او بر کف دست یا بر کنار یا بر زمین افتاد و خجاک آلوده نکشت دلیل که او را فرزند می آید یا برادر وی یا خواهر وی
بنید که دندان وی در خاک افتاد یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی میگوید که دندان وی شکست یا بوسید
دلیل از اینها که گفتیم یکی را آفتی رسد و اگر بنید که دندان پیشین او کوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر بنید
از دندان یکی بکشد یا دلیل که آن جماعت او را سختی زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر بنید که دندان پیشین وی ز
شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در غمی و راحت باشد و اگر بنید که در جنب دندان او دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او را غمی
آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر بنید که دندان پیشین خود بر کند دلیل که تا و آن خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر
بنید که جمله دندان بنفقا و در حال بدید شد دلیل بر هلاک اهل خاندان او باشد و اگر بنید که دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد
دلیل که اهل خاندانش بسیار کردند و اگر بنید که همه دندان او از سوی زیر بود و اگر بنید که خواب اهل صلاح بود دلیل بر خیر و نیکی
او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر بنید که دندانهای از سیم بود یا از آبکینه بود یا از سفال دلیل بر هلاک او
و معبران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت کند که مالی رحمه الله علیه گوید دندان بالا که در مقابل
چشم است دلیل بر برزیه کند و دندان زیر دلیل بر بادینه کند و اگر بنید که جمله دندانهاش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل
خوشی خود را جمع کند و گذارد که از وی جدا شوند و اگر بنید که دندانها بوی خوش می آید دلیل که خوشیانش ثنا گویند و اگر بخلاف
بنید دلیل که غیبت وی کند و اگر بنید که دندانهاش در میگرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که دندانهاش زرد بود
آنگس که بدان منسوب بود بسیار کرد و اگر بنید که دندانهای او سیاه شد دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بنید که دندانهاش
افتاده بود و زکوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز کرد و چنانکه همه خوشیانش خود بگوید که مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
که دندان وی در میگرد و دست خود بر کند و بهر دو دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد و اگر بنید که از دندان

دندان خون آلود بستر گرفت دلیل منفعت او را بود که دندان بر گرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بنید که بعضی از دندانها پدید
 شد دلیل که بعضی از ایشان لغزیت روند و سلامت باز آیند و اگر بنید که همه دندانهای او در میان زبان جمع شدند و دیگر هر
 دندان بجای خود باز شد دلیل که از ایشان تشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب برشش و جو بویکی
 اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و هفتم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دندان در
 خواب کلید کارها و خاتمه کاروی و هر چه از دندان بیرون آید دلیل بر جوهر و کلام بود اگر نیک باشد و اگر بد باشد آنچه درین
 بود دنیاوی بود و اگر آن بکر است در دندان بود دلیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دندان شیرین بود و آبسانی
 فرو رود دلیل بر معیشت و راحت و عیش بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دندان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک
 شود و اگر بنید که دندان از آرد جو یا کندم آکنده بود دلیل که جلش نزدیک آمده باشد و اگر بنید که دندان او فراخ شد
 چنانکه طعام بسیار در او کنجید دلیل که بقدر آن او نعمت و روزی برسد و اگر بنید که دندان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو
 شنود و اگر بنید که گوشت دندان او بقیاق و دلیل که دیر از بانی رسد و اگر بنید که از دندان خون بیرون آمد دلیل که با کسی
 گفتگوی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از دندان کرم یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او
 جدا شود و اگر بنید که از دندان وی پلیدی بیرون آمد دلیل که هر چه بجائی برده باشد سبب منت نهادن باطل شود و اگر
 بنید که از دندان وی مروارید بیرون می افتاد و مردم بر میکشیدند دلیل که مردم از علم وی بهره یابند و اگر بنید که از دندان خود
 پلیدی می انداخت و مردم از آن می کشیدند دلیل که شاعر بود و مردم را بگویند و اگر بنید که کسی در دندان وی مهر نهاد و دست
 که گشت دلیل که رسوا شود و قوله تعالی **الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ** حافظ معبر رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که چیزی خوب از دندان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گویند که معنی دارد و اگر بخلاف این بنید تا ویش بخلاف این بود و اگر
 بنید که چیزی در دندان نهاد و آن چیزی نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب برشش
 و جو بود یکی منزل دوم خواند سوم شایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان دلیل زدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دهن زدن در خواب کلام باطل و خبر کرده و دروغ و کارهای پید و روشن بود و تاویلین جمله ننده دل بد باشد اگر
 بنید که با دهن نامی زود و پای کوفتند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که دهن تنهایی زدند دلیل که کلام باطل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 دهن زدن در خواب خبرهای مختلف بود و در آن هیچ فایده نبود و پلیس کرمانی رحمه الله علیه گوید دهن زدن در خانه خادم بود و اگر بنید که
 دهن زدن آبادان بود و نیکو بود دلیل بر ندرستی بود و نطام خادم خانه بود و اگر بنید که دهن زدن است تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که دهن زدن را دلو از زشت و کل بود دلیل که اگر از زشت و کل بود خادم خانه منفسد و بیدین بود و دوال
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بنید دوال را دلیل بر خیر و منفعت بود و بقدر قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود دیار و اگر بنید که
 دوال پاره پاره کرد یا ضایع شد دلیل که بقدر آن مصرت بنید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دوال بسیار داشت آن دوالها

وین

این آیه
 در سوره ایش
 بسیار آمده و مالی

تجربین

منیر

دول

دوخت

دو

دوخت

از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل که مال حلال باید و اگر بخلاف این بنید دلیل که مال حرام باید و وضعت
جامه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب بنید که جامه خود میدوخت دلیل که کارش ببرد شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه
عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بنید که جامه زنی بکانه میدوخت دلیل که غمی و زبانی بدورسد و اگر بنید که جامه مردی
میدوخت دلیل که خیر و نیکی بنید و اگر بنید که سوزن و در دست و جامه تمام دوخت دلیل بر شغلی که پیش گیرد و تمام کند و اگر بنید که
جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش و فراخ کرد و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بنید
که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار بود و اگر بنید که شلاری بدوخت و نیت آن تمام نکرد دلیل که
زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بنید که قبا بدوخت دلیل که بخدمتی مشغول گردد و اگر بنید که جامه عیال میدوخت
دلیل که بخدمتکوی عیال در مانده شود و اگر بنید که از بهر جامه رشته میافت دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بنید که از
بهر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و بهت کنای اندوه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درزی در
خواب کسی بود که کالای پراگنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و دو دوخت
پادشاه بنگر بود و اگر بنید که از جانب مشرق یا مغرب دو دوختی عظیم بود دلیل که مردم آن دیار از دست پادشاه جو رو تم کشند و
اگر بنید که دو دو در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بنید که در شهری یار
ولا سیتی بی آنکه آتش بود و دو دو دلیل که آن موضع را از سختی بجان و تعالی بیم بود و اگر بنید که از خانه یا از دکان وی دو دو می آمد
دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصا در کند و مال وی بزرگستاند و ورخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و اگر بنید که
در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بد کردار باشد و بایر کردن و اگر دوزخ را دید و از آن گزند یوی نرسید
دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بنید که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت دلیل که پیوسته
در دنیا در پی روزی بود و اگر بنید که طعام و شراب با دل دوزخ میخورد و در آتش می سوخت دلیل که در دنیا کردار بد کند و در آخرت
و مال بود و اگر بنید که فرشته از وی پشتیبانی او گرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بنید خواب علامت بختری باشد که مانی رحمه الله علیه گوید و اگر خود را
در دوزخ بنید دلیل که بر کاه کردن دلیر بود و اگر بنید که از زقوم و جهنم خورد دلیل که لعن باطل چهل شغول کرد و اگر بنید که شمشیر کشید در دوزخ
رفت دلیل که سخن خش و سنگر گوید و اگر بنید که در دوزخ چری میخورد دلیل که مال ملتیم در باخورد و اگر بنید که نزدیک دوزخ آتش
می افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بخواب بنید که او را کشتن بد دوزخ میبردند
دلیل که عاقبتش کفر کشد قوله تعالی یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسی سقر و اگر بنید که
بد دوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند و اگر بنید که او را در دوزخ می بردند و فریاد
نمی توانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قال اخسوا فیها و لا تکلمون و اگر بنید که بانگ از دوزخ می شنید
دلیل که هیت و سیاست پادشاه بدورسد و اگر بنید که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان

بروی تنک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب برنش و چه بود یکی خشم حق تعالی دوم بملای کناه سوم جور سلطان
 چهارم ناشتم مصیبت درخ ووشاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ووشاب در خواب مال و نعمت بود ولیکن زیبا
 و اگر بنید که ووشاب میخورد دلیل که بقدر آن اورا مال حاصل کرد و اگر بنید که ووشاب می ساخت دلیل که کاری کند که از آن خیر منفعت
 یابد و اگر بنید که ووشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ووشاب پدید و پاکیزه
 میخورد دلیل که اورا فرزندی خوبصورت آید و ووشاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ووشاب در خواب زمینت مرد بود و
 اگر بنید که ووشاب راست او ضعیف شد یا تنگست بود تا ویش بخلاف این بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ووشاب وی قوی و
 درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و حال یابد از جانی که امید ندارد و ووشاب کی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که ووشاب زنی بکاح بسته دلیل که مال حرام یابد از زنی ووشاب نباشد و در خواب بنید که ووشاب است دلیل بر سترو
 عفت وی بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بنید که ووشاب کی بسته دلیل که در آن سال زن خواهد یا کینز کی خرد و ووشاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خریدن دوزخ در خواب غم داند و بود و خوردنش بیماری و متبرن کونید که خوردن دوزخ ووشاب
 مال حرام بود زیرا که مسک از وی بیرون کرده اند و اگر بنید که دوزخ بکسی دوه دلیل که آنکس غنا کند و ووشاب ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بنید که دکان را خواب کرد دلیل که زنا طلاق
 دهد و اگر بنید که دکان بنیفا و دلیل که زنش بمیرد و اگر بنید که بیرونای خداوند دکان دارد و دکان نشست دلیل که بیال
 مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب برنش و چه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم
 مگبوی پنجم بلندی ششم چون دکان نبود و مرتب باشد و وک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید وک در خواب دلیل
 بر دختر بود و اگر مردی بنید که وکی فرا گرفت و در وی دومه و وک بود دلیل که دختر بشود هر دو و اگر بنید که وک وی
 شکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد و رانی رحمه الله علیه گوید وک در خواب مردی مسافر بود اگر زنی بنید که وکی فرا گرفت یا
 بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند و اگر بنید که مهره از وک وی بنیفا و دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر مردی بنید که وک میرشت دلیل که اند و کین شود و اگر این خواب زن بنید دلیل که بخت کرد و نیز کونید که وک دلاله بود و وولاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید وولاب در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بنید که وولابی می ساخت اگر از اهل آن
 بود دلیل که خزانه از خانه او بسازند یا از اهل آن باشد که خزانه خوب سازد و اگر بنید که یا دشاهی یا بزرگی وی را وولابی داد
 دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بدو سپارد و اگر بنید که از وولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دار اورا
 منفعت رسد و لو که رانی رحمه الله علیه گوید و لو در خواب مردی بود که مالها ناشناخته بیرون آورد و اگر بنید که
 و لو پر آب کرد یا بدو آب میخشد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر بنید که و لو پر آب صافی داشت
 با کسی بوی داد و دلیل که اورا مالی آسان بدست آید و اگر بنید که بدو آب از جوی بر میگرفت دلیل که بقدر آن مال یابد

ووشاب

ووشاب

ووشاب

دوزخ

وکان

ووک

وولاب

ووک

دوات

دویدن

ویک

ویک

ویک

ویک

و آن مال بگرد و حیلست بدست آورد و اگر بنید که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بخیری خرج کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 اگر بنید که دوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی مال در دوشی کند و از وی منفعت یابد دوات ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دواتی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند و اگر بنید که دوات
 می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بنید که دوات لبکت یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که زن سودگر است
 بخوابد و اگر بنید که بقلیم سیاهی در دوات میگرد دلیل که او از فرزندی نریمه بشود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دوات زرین
 بود دلیل که متفکر شود و اگر بنید که دوات سیمین بود دلیل که زن خواهد یا کینری خرد و اگر بنید که دوات او برنجین بود دلیل که
 منفعت یابد و اگر دوات آسین بود دلیل که در کاره قوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل که چیزی کمتر بوی رسد
 و ویدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که میدوید یا ستور میدوید و ایند دلیل که بسفر رود و هر چند و ویدن او
 بلند تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بنید که براسپ یا لانی سوار بود و میدوید و ایند دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد بخزنی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در دویدن بر کسی سبق گرفت دلیل که بجز مال از وی سبق گیرد و اگر بنید که در دویدن مانده شد
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کند و قانع گردد و ویدا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ویدا خواب خیر و صلاح این
 جهانی بود و اگر زمان بنید بهتر بود و اگر مردی بنید که قبا و دیا و پرنیان پوشیده بود و غر کرد دلیل که عروجه یا بدردین
 دنیا مغربی علیه السلام گوید اگر زنی بنید که جبه و لباجه اطلس سبز پوشیده بود دلیل که آن زن دین دارد و با دیانت بود و اگر بنید که
 اطلس سفید پوشیده بود دلیل که برپا رسانی او کند و اگر اطلس کبود بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بنید که اطلس سیاه بود
 دلیل که اندوگین کرد و ویدا باف و خواب مردی ساز بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پرنیان چون تاویل با
 بود و یک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یک نود و خواب زن بود و معتبر آن گویند که یک که خدای خانه بود و اگر
 بخواب بنید که یک فرگفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد و خوردنی می ریخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت
 بدو رسد و اگر بنید که یک مسین یا یک سنگین داشت دلیل که بقدر قیمت یک فایده یابد و اگر یک سفالین بود دلیل که گای
 کند که بدان کار از منتهی خانه چیزی بوی رسد و اگر یک بر آتش نهاد و دوروی هیچ طعام نبود دلیل که مرد و یا بکاری بدارد که
 و آن کار او اگر است باشد که مالی رحمه الله علیه گوید یک در خواب که خدای خانه یا یکد بانو بود و اگر بنید که در یک گوشت و
 خوردنی بود دلیل که روزی بهیچ بوی رسد و اگر بنید که یک وی شکست دلیل که خدا و کد بانو هر دو بمیرند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید ویدن یک در خواب بر پنج وجه بود یکی که خدای خانه دوم که بانو سوم بیس چهارم خادم پنجم مکل بر جواج و یکم آن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ویکم در خواب بر دو وجه بود یکی که خدا دوم که بانو اگر خواب بنید که یکدانی و اگر کسی بوی داد و دلیل که بانوی بخوار آورد
 و اگر زنی بنید که یکم شکست دلیل که خدای خانه بمیرد مغربی گوید ویکم آن که خدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی اندیشد و شمار دنیا را علیه السلام
 گوید اگر بنید و درست دنیا را شکست که بدو پیش از چهار بود دلیل که او اگر است رسد یا بخنی شود که ویرا و شمار این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید

اگر پنج عدد درم باشد دلیل که کاری پس ندیده و نیکو کند و اگر باوی یک دینار بود یا پنهان دینار دلیل که علی اختیار کند که او را
 مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بنید که دینار کسی و او یا ضایع شد دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت رسد
 و اگر بنید که دینارهای بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبران گویند که دینار در خواب امانتها بود و گذاردنی قولی ثانی
 وَفِيهِمْ مَنْ اِنْ تَامَنَّا بِدِينِهِ لَوَاسْتَفْتَاكَ عَلَيْهِمْ لَوَاسْتَفْتَاكَ عَلَيْهِمْ لَوَاسْتَفْتَاكَ عَلَيْهِمْ لَوَاسْتَفْتَاكَ عَلَيْهِمْ لَوَاسْتَفْتَاكَ عَلَيْهِمْ
 اگر بنید که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان بکندارد و اگر بنید که دینارهای قسمت کرد دلیل که
 میان مردم مروت کند و امانت گذارد و مخری رحمة الله علیه گوید اگر بنید که بکند نیار یافت دلیل که بروی قباله نویسنده از پنهانی
 که بد و سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که دینار در خواب
 دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش نگرفته باشد و اگر بنید که دینار داشت و یکرویش نام خدای عزوجل
 بود و بر روی دیگر صورت اگر بنید که صاحب خواب مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دینار در خواب بر پنج نماز بود و اگر بنید که جود جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بنید که بعد
 طاق بود تا ویش بخلاف این بود و حافظ معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کثیر بود و دینار بسیار دلیل
 بر مالی بود که بر پنج خصوصیت بدست آرد و به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که در دیهی بود و نام آن دیه
 نداند دلیل خیر و نیک بود و اگر نام آن دیه داند دلیل بر بدی باشد و اگر بنید که از دیه بیرون آمد دلیل بر کوفی باشد و اگر بنید
 که در دیه رفت دلیل بر بدی باشد و مخری رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که از شهر دیه ای آبادان شد که در وی نعمت بود
 دلیل بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف این بنید دلیل بر شر و اوبار بود و اگر خواب بنید که در دیهی کم شده بود دلیل
 بر خیر بود و مخری رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که سی دیهی مجهول بوی و او یا بخیر دید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت و دیه
 خیر و منفعت بنید و اگر بخلاف این بود دلیل که مضرت یابد و یواری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بنید خواب
 باشد و اگر بنید که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکویی حال او بود و در دنیا و اگر بنید که دیوار کهنه بود و خواب میکرد دلیل که مال یابد
 و اگر بنید که دیوار نو بود و خواب میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و بقدر خرابی دیوار و اگر بنید که دیوار است و نیک بود دلیل که حالت
 در دنیا ضعیف کرد و اگر بنید که بر دیوار برپای بود دلیل که حالت مستقیم باشد و اگر بنید که دیوار را و بخت بود دلیل بر پیکندگی
 احوال و زوال عیش و می بود و اگر بنید که دیوار بفتیاد دلیل که از معیشت و صنعت بیفتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که
 دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بفتیاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بنید که بدست خود دیوار از کل و خشت کرد و قبول خضر
 صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از کج و آجرب بود دلیل بر تباهی حال او بود و در دین و اگر دیوار از آهک و سنگ
 بود دلیل که بدینا فرقیته شود و طالب آخرت نباشد و یواری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوار در خواب دشمنی بزرگ باشد
 فرزند و مکار و اگر بنید که دیوار او سوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب تو بیاورد و دشمن را بروی ظفر

و

و

و

باشد قوله تعالى إِنَّ الَّذِينَ أَقْسَمُوا أَنَّمَا هُمْ فَطَرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ لَيَكْفُرُوا بِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ أَفَتُؤْمِنُونَ بِهِ
 واوران علیہ کر دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل که از نصف دین باشد که مانی رحمة الله علیه کوید اگر دیو را ترسم بنید
 دلیل که به او شبهت مشغول گردد و اگر دیو را نمکین بنید دلیل که عبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بنید که دیو جامه از تن
 وی بکشد که عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب بقیانی بنید دلیل که او را مصرت رب مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید
 که دیو از پی او فرزند دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بنید که او بدست دیو اسیر شد و او را بر دلیل که بر سوانی مشهور گردد
 و اگر بنید که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بنید که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن با صلاح می
 شود و از تو تعالی اجل و علامه او ایشان بدیده قوله تعالى إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَكِنْ
 يَصْغَرُ بِهِمْ شَيْئًا إِلَّا يَذُنُ اللَّهُ أَسْمِعِلْ أَشْعَثَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَوِيدُ الْخَوَابِ بنید که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که راه فسق و
 فساد را بدو مطاوعت دیو کند و اگر بخلاف این بنید دلیل بر اهل خیر و صلاح باشد و قانع راه دین بود و اگر بنید که دیو را گرفت
 یا در شکم دیو در رفت دلیل که از راه فساد دور شود و توبه کند و مطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دین دیو در
 خواب بر شش وجه بود یکی دیدار دشمن دوم فساد سوم شهوت و مصیبت و هوس نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم
 از اهل خیر و صلاح دوری ششم چیزهای حرام و دیوانگی ابن سیرین رحمة الله علیه کوید دیوانگی در خواب مال حرام بود
 بر بنیده خواب بقدر دیوانگی که مانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که دیوانه بود دلیل که مجرام افتد و با خود قوله تعالی الَّذِينَ
 يَكُونُونَ أَوْلَىٰ بِالْأَقْيَمُونَ إِلَّا مَا يَقُولُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَوِيدُ الْخَوَابِ بنید که با
 دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مری را خواهر فساد مصاحب گردد و او را ملامت و بدنامی حاصل گردد و حرف الدال
 نو کرد انبیا علیهم السلام کوید قضیب در خواب فرزند مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بنید که او را دو قضیب بود دلیل
 که او را فرزند بود و هم بزرگی میان مردم یابد و اگر بنید که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بنید که قضیب وی خود میرد
 دلیل که فرزندش نباشد و اگر بنید که قضیب وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود و ابن سیرین رحمة الله علیه کوید بزرگی قضیب
 دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و کوچکی قضیب بخلاف این بود و اگر بنید که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها
 پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند از او کان باشد و اگر بنید که از قضیب وی مایه بیرون آمد دلیل که او را دختر می
 آید از زنی که آن زن از کنار دریای مشرق باشد و اگر بنید که از قضیب وی کره بیرون آمد دلیل که او را فرزند می دزد و از زمین
 پدید آید و اگر بنید که از قضیب او مرغی بیرون آید و پیش از جوهر آن مرغ باشد و اگر بنید که از قضیب او موشی بیرون آید دلیل که او را دختر می آید که
 در وی خیر نباشد اگر بنید که از قضیب او ماری بیرون آید دلیل که او را فرزند می آید که او را دشمن باشد و اگر بنید که از قضیب او کرم بیرون آید پس تاویل را
 دارد و اگر بنید که از قضیب او کرم و مور بیرون آید دلیل که او را فرزند می آید و در نهایت و فرمایند و ضعیف ترکیب بود و اگر بنید که از قضیب
 او مان بیرون آید دلیل که فرزند و عیال او کرسنه و تنگ دست شوند و اگر بنید که از قضیب او کنجید بیرون آید

تجلی

سور

دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بنید که از قضايب او ریم بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که از قضايب او بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر بنید که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر بنید که از قضايب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب دلیل که او را فرزندى آید که پادشاهى مشرق و مغرب کند و اگر بنید که از قضايب او سرکین بیرون آمد دلیل که پیش بلوا طت بود و اگر بنید که قضايب وی بر خاست و سخت شد دلیل که سخت و اقبال او قوی کرد و اگر بنید که قضايب وی سخت و دراز شد دلیل که او را فرزند ان بسیار شود و اگر بنید که پیرامن قضايب وی پیر رسته بود دلیل که نامش در آن دیار شهرور کرد و حرمت و جاهش به فرزند او اگر بنید که بدست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بمیرد و او را فرزندى دیگر آید و اگر بنید که قضايب خود در وان کسی نهاد و قوی شد دلیل که از وی بدان کس منفعت رسد و اگر بنید که بر قضايبش موی رسته بود دلیل که بجهت فرزندش دمان کرد و مغربى رحمة الله علیه بود اگر بنید که قضايب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضايب در خواب دلیل بر قوت و فراخی نعمت کند و اگر بنید که قضايبی بشکافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بنید که قضايبش آماس گرفت دلیل که مالش زیادت شود و اگر بنید که روی بر قضايب وی زو نده دلیل بر تباهی عیش وى بود و اگر بنید که قضايب در میان بسته بود دلیل که گواهی که دارد و ندهد و اگر بنید که زنى قضايب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل که پسری آرد و لیکن بمیرد و اگر آبستن نبود دلیل که آبستن کرد و اگر بنید که قضايب او باریک بود پهن تاویل دارد و اگر بنید که قضايب وی برخی بریده بود دلیل که فرزندش بمیرد یا مال و جاه وى کم شود و اگر بنید که از سوراخ قضايب وی مر و اید یا جوهرى بیرون آمد دلیل که او را فرزندى عالم و یار سا آید جعفر صادق رضی الله عنه کویدین قضايب در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم اهل خانه سوم مال چهارم عمر پنجم بزرگی ششم طلب حاجت هفتم جاه و حرمت و یکونى حال **حرف الرابع** رانیه پانه ابن سیرین رحمه الله علیه کویدر از یازده در خواب در وقت بموقت غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بنید که در پینی که ملک او بود از یازده بسیار بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اسو ابن سیرین رحمه الله علیه کویدر اسود در خواب دزد بود و اگر بنید که اسود را گرفت یا بگشت دلیل که دزد را بگیرد و بر وی ظفر یابد و اگر بنید که گوشت را سوخت و رویا چیزی از اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال دزدیده از دزدستان آید و اگر بنید که اسود را گرفت و بگزید دلیل که بیمار کرد و عاقبت شفایابد و اگر بنید که بار اسود خنک میکرد و بر وی غالب آمد دلیل که بر دزد چیره گردد و او را رقم کند جعفر صادق رضی الله عنه کویدر اسود در خواب بدین بر سه وجه بود یکی در دزد دوم غم و اندوه سوم بیماری **رانی** ابن سیرین رحمه الله علیه کویدر ان در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر خواب بنید که ران اول شکست یا بر قیقا و دلیل که وی از خویشان جدا شود و بتن ضعیف کرد و در غایت هلاک شود و اگر بنید که ران کسی بدرید و گسار همین تاویل باشد که رانی علیه الرحمته کویدر ان راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند و اگر بنید که ران وی باریک شد دلیل که کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بسید که ران وی بریده شد دلیل که از خویشان

از شکسته

رسو

رانی

جانی جوید و اگر بنید که ران وی بشکست دلیل که از غمته می ذل و خواری بدو رسد و اگر بنید که گوشت را نهایی می افتاده بود
 دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رانهایش بر لبیان بسته بود دلیل که از خویشان جدا نشود
 و پیوستگی بنجاح کند و اگر بنید که گوشت ران خود می خورد دلیل که بقدر ران مال خویشان بخورد حکایت چنین گویند که مردی
 پیش ابن سیرین رحمه الله علیه روایت نمود که ران مرا سوراخ شده بود و بروی موی رسته بود کسی گفت که موی ران
 من تراش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان تو کسی وام تو را بگذارد و دهم در آن ماه کسی از خویشان
 آن شخص پیدا کند و دوست دینار و ام بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی آنست
 دوم دوستان که بر ایشان اعتماد داشته و سوم مال چهارم ششم راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و
 استقامت بود و چنان راستی در راه دین و اگر بنید که در شام راه میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بنید که روی را براه راست
 بر می میگرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین بر می کند و راه نماید و اگر بنید که در راه کشته و تخریب شد دلیل که در راه دین
 یاد کار دنیا کشته و حیران گردد و اگر بنید که در دکان کالای او را از راه ببرند دلیل که بقدر آنچه برونند غارت کسی دیگر بگذارد
 و اگر بنید که در راهی میرفت و مانده نمی شد دلیل که حق خود بدشواری از کسی بستاند و اگر بنید که کسی او را از راه راست براه کج برد
 دلیل که بجهتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بنید که شب تاریک میرفت و راه بر او مشکل بود و کفاف آن داشت
 که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر راهبانی بنید و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود
 متحیر بود و صحبت با مردمان بدین دارد و اگر بنید که راه بروی مشکل شده ندانست که گامبرد و بوقول پیامبر صلی الله علیه و سلم
 جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بروی پوشیده گردد و اگر بنید که قصد از راه راست بکجو میرفت دلیل که بر دشمن نکرده
 حیلت سازد و اگر بنید که براه راست میرفت و از برای حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زبایان دارد و بمجالات
 مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بنید که در راه میرفت و زنی پیشش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بکسو رفت دلیل
 که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و
 پاکدینی وی بود و اگر بنید که در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت آورد و یاد کار خود گشته شود و قول تعالی
 إِنَّ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَأَتَّبِعُوهُ و اگر بنید که از راه برسد دلیل که بر خدا دین وی بود و قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ اَمَّیْسِلُ
 رحمه الله علیه گوید راه راست در خواب لمائی بود و راه کج بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا
 دوم زامش سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت را همین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید را همین در خواب مردی بود که
 با مردم جنگ کند و اگر بنید که را همین مال می بستد دلیل که با مردمی پیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فائده یابد بقدر آنچه
 را همین برده باشد و اگر بنید که را همین بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود شفایا بد
 کرامتی علیه الرحمه گوید اگر بنید که را همین از وی چیزی بزد و بدزد دلیل که از همین با وی دروغ گوید و اگر بنید که را همین کلاه او را

۱۵

را همین

بر دند دلیل که مصیبتی آلوده کرد و مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که را بنی کرد و کالای کسی را برود دلیل که آنکس با وی خشم گیرد
 و اگر خود را زود و کالای کسی را برود دلیل که آنکس بیمار کرد و دشمنی یا بدجنسه صادق ضی الله عنه کوید را بنی در خواب برود برود یکی
 جنگ دوم خصومت دوام و دروغ گفتن سوم تباهی عیش و بیماری ربهما ابن سیرین رحمة الله علیه کوید را بنی در خواب برود
 آنچه خوش طعم و خوش بوی بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر ضرر و رنج و اندوه بود و بختن رب
 در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر و منفعت بود و چون ترش بود تا ویش بخلاف این بود رباب ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید رباب در خواب دلیل بر سخن باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بنید که رباب میزد دلیل که سخن دروغ
 گوید و کسی را در سجده و تنائش پر دروغ کند و اگر بنید که در پیش می رباب میزد دلیل که سخن باطل رضا و دیگرانی رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که بار رباب جنگ و چنانه فای بود اینجند دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بنید که رباب لشکرت یا غنای شد
 دلیل که از دروغ تو بگذرد اگر بیمار بنید که رباب میزد دلیل که بمیرد یا بیماری بروی سخت شود و رخسار ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر خواب بنید که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که
 در میان مردم روشنائی کرد و اگر بنید که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا ویش بخلاف این بود کرانی رحمة الله علیه
 کوید رخساره در خواب آرایش مردم و که خدائی بود و اگر رخساره چسبی بنید دلیل که نقصان که خدائی بود و اگر بخلاف این
 بود دلیل نیکی که خدائی باشد بدجنسه صادق ضی الله عنه کوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال و شادی مردم بود
 زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رز ابن سیرین رحمة الله علیه کوید زرد خواب دلیل بر بزرگی کریمه نیکو کار بود
 و اگر بنید که زردی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکو کار زنی کند و از وجه و منفعت یابد
 و اگر بنید که درختان زرد و بیخ برگ نبود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید بر که های زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و
 اگر ملک او نبود تا ویش بخداوند زرد کرد و بدجنسه صادق ضی الله عنه کوید زرد خواب دیدن بر وجه بود یکی زن کریمه نیکو کار
 دوم منفعت سیوم رنج و اندوه و اگر زرد خواب بنید دلیل بر بدی حال خداوند زرد بود رز تخیر ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که قیامت آمانا و صدقنا برخاست دلیل که حقتعالی اجل و علی در آن دیار عدل بکسرت اند و اگر پادشاه
 آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر ظالم باشد دلیل که این از ارباب ظالمان نصرت دهد و اگر بنید که اهل آن دیار پیش
 خداستعالی استاده اند دلیل که خشم خداستعالی بدیشان فرستد کرانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که قیامت برخاست دلیل که مظلوم بر
 ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت و اندوه باشد دلیل که خلاصی یابد و اگر بنید که علامتی از علما متبای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب
 از خرب برآمد یا یا چو ج یا و حال علیهم السلام پیدا شدند تا ویش اینکه تو بکنند و بحق تعالی باز کرد و اگر بنید که شمارگاه رفت
 نشان غفلت باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ و اگر بنید که با وی
 شمار کردند دلیل که او از زبانی رسد قوله تعالی فَاَسْبِنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّ ثَنَاءَ عَدَّ آبَانًا و اگر بنید

سج

سج

خمس

ن

تخیر

که کردار وی میکشیدند و یکی او زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود و توبه قلمی فَمَنْ نَقَلْتَ مَوَارِيثَهُ قَالُوا لَكَ هُمُ
 الْفَالِحُونَ و اگر بنید که بدی وی زیادت شد دلیل که جایش در دوزخ باشد قوله تعالى قَالُوا لَكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ جَمِيعًا
 كَانُوا الْأَيَّامَ و اگر بنید که نام کرده دارد بد و دادند بدست راست کبرفت دلیل که بدست راست رود و امید است راه دین راست باشد
 قوله تعالى وَكَانُوا لَنَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَالْمِيزَانُ و اگر بنید که نام کرده دارد بد و دادند و گفتند که این را بخوان چون از اصل صلاح بود دلیل
 که کارش نیکو کرد و اگر از اصل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالى أَقْبَلْنَا كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ لِلَّهِ قَوْلًا عَلَيْكَ حَسْبُنَا
 و اگر خود را بر صراط وید دلیل که بر راه راست باشد و اگر بنید که بر صراط نتوانست گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کرد تا
 حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود کرد و رسن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود و اگر بنید که دست در رسن
 زده بود و از نه و امطلق او نجات بود دلیل که بقدر بلند رسن منزلت یابد و اگر بنید که رسن در دست او بماند و او بختیاد دلیل که از
 قدر و منزلت بختیاد گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رسن از آسمان او نجات بود و او دست در آن زده بود دلیل که پانی بود میان او
 و حق تعالی چنانکه مثلاً اگر بار بود و بگوید اگر خدا آیتت را مرا شفا بخشد چنین کنم و اگر بنید که بر پانی آیت داده بود دلیل که بدان
 پیمان بود و که با وی حق سبحانه و تعالی کرده باشد و اگر بنید که دست در رسن زده بود دلیل که دست در رسن زده باشد قوله تعالى
 وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَظِيمٌ و اگر بنید که رسن پیمان بود که با حق سبحانه و تعالی کرده باشد و هم با خلق خدای و اگر بنید که
 رسن در کردن وی کرده بودند دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در کردار وی تاخیر میکند و اگر بنید که متعبد بازی میکرد دلیل که
 در اعتقادش خلل بود و اگر بنید که از بام یا از جای بلند خود را بر سر فروخت دلیل که تبرک مقصود و حاجتی که دارد بگوید از سر جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روانی حاجت
 رضوان بدانکه رضوان در بان بهشت باشد بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رضوان بخواب دید دلیل که از عذاب
 این که رود و اگر بنید که رضوان در بهشت آیت داده بود دلیل که از دنیا برود و بعضی معتبران گویند که رضوان در خواب دلیل
 خزنیه دار سلطان بود که بوی صحبت افند زیرا که رضوان نازن بهشت است اگر بنید که او را رضوان یا قوت و کوه سرد و وارید داد
 دلیل که او را فرزندی آید و انا و عالم چنانکه نامش معلوم مشهور گردد و رفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از تنه خود
 میرفت و ندانست که بجای میرود دلیل که بجای میرود و اگر زن و فرزندان همراه داشت دلیل که مجموع کشته و حیران کردند
 اگر بنید که مانند اشتری میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر بنید که مانند دوی میرفت دلیل که تاولش بد باشد و اگر بنید که مانند کرم میرفت
 تاولش همین بود و اگر مانند مرغی شکاری میرفت دلیل بر خیر و نیک بود و اگر مانند کسی که از تار یکی بود و بر دشتائی میرفت
 دلیل که از راه باطل بر اهتدای خدای و اگر از خرابی آبادانی میرفت دلیل که از تنگی به فراخی رسد و اگر بنید که
 از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود و اگر بنید که بجای کاهسی بد رفت بد بود و اگر بجای کاهسی نیک میرفت
 دلیل بر خیر و نیک بود رفو کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را و دیگر

ن

رضوان

رفت

رفو کردن

چیز را دلیل بر جنک خصوصیت بود و اگر بنید که جامه یا مقنعه خود را فرو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصوصیت افتد یا با دوستی که روی خیر نباشد کرمانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که جامه خود را فرو میکرد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و فکر در خواب خداوند جنک و خصوصیت بود و بجهت کار خود را با صلاح آورد و از خصوصیت برادر رخص کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید پای کوفتن در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران کوبید که بیماری بود و بعضی کوبید که مردان از زنان خلاصی بود کرمانی رحمه الله علیه کوبید رخص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان از مصیبت اما صوفیان را کوبید که بسیار کنند ایشان را غم و اندوه نبود و رفاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید رخص کردن در خواب غم و مصیبت بود رک کشادن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که او را رک کشاد دلیل که از دوستی سخنی شنود و یا مالش تلف شود و اگر بنید که رک کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را زحمتی رسد و اگر بنید که خون اندک بود دلیل که اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که عالمی او را رک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل تحت رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که رک از دست راست کشاد و دلیل زیادتی مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دوستان بود و اگر بنید که محرومی او را رک کشاد از زشت آبتن نبود دلیل که آبتن شود و اگر آبتن بود دلیل که دختر می آرد و مغربی رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که رک زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل که او را سخنی حق کوبید جعفر صادق رضی الله عنه کوبید رک زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصوصیت چهارم از جهت مال انبازی کردن اگر بنید که رک زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصوصیت بود و اگر بنید که خون بیرون آمد چنانکه در تن خون نماند دلیل بر خصوصیت بود و اگر بنید که بجز حتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران کوبید که رک زدن در خواب اگر بنید خواب مستور بود دلیل بر خجانی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شرف و فساد و کبکها ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید رکهای در تن دلیل بر اطمینت و خویشان بود و اگر بنید که رکی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند و هر رکی که معین است که یکی تعلق دارد بر رکهای پیشانی دلیل بر مهتران کند و رکهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رکهای شکم دلیل بر خویشان مادر و رکهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رکهای سرین و ران دلیل بر اطمینت وزن و دوستان و رکهای ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بنید که رکهای بکشتاد و بر پهنار و دبر بریده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که بدان تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران کوبید که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان جدا ماند و اگر بنید که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی کوبید که بقدر آن خون که از وی رفته باشد مال یکی از خویشان خود تلف کند و انبیا علیه السلام کوبید اگر بنید که رک قیضال بکشتاد دلیل که کار وی بسته گردد و

خصوصیت

سختی

سختی

اگر بنید که رک با سلیق کشاد همین تاویل دارد و چون سیال گوید که از رک من خون می آید دلیل که هر که باشد مال یا بد و اگر گوید
از دست من خون همیرفت دلیل که او از زبانی رسد و معتبر باید که در لفظ کونیه خواب نگاه کند و تبسیر بر حسب لفظ او کند و اگر بنید که
رک او تهی و کبود بود دلیل که او را اندوهی رسد رکاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که رکاب از زمین جدا بود
دلیل بر فرزند یا غلام بود و اگر رکاب با زمین بود دلیل فرزند می بود که در هیچ خیانت نباشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
رکاب با زمین بود دلیل که فرزند می خوشتر است بین و سنگبر آورد و اگر بنید که رکاب به زمین بود دلیل که فرزند مال دنیا فرستاده شود
و اگر بنید که رکاب پسین بود یا بر نخین دلیل بر فرزند دونه است بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر رشتی و پکی او را قوت
در کار دنیا بود و اگر رکاب اوچین بود دلیل که فرزند او بداری و فرومایه بود و رکاب یا در خواب نیکو بود زیرا که او بهتر است از
نزدیک است رکبها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رنگ سفید بخواب بدین در جامه غیر آن دلیل بر پکی دین او بود و رنگ
سرخ موانرا اگر است و رنج بود و زنان را نیک بود و رنگ سبز زنان را دمر و از نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه
محببت باشد مگر کسی که پوشنده و رنگ بود و زنان را دمر و از نیک باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رنگ سبز و
سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است رو باه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب
مردی فرمیده باشد یا زن یا کینه دروغ گو اگر بنید که رو باه در بند بود دلیل که او را با مردی خصوصت افتد و اگر بنید که
رو باه می جست دلیل که از پریان ترسیده شود و اگر بنید که بارو باه بازی میکرد دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف
بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که رو باهی سانه میکرد دلیل که با کسی حبست کند و او را بفروشد و اگر بنید که رو باهی پیش او چای بوسی
میکرد دلیل که غریبی با او و حبست کند و پوست رو باه مالی بود که بحیثیت بدست آرد و شیر رو باه خواب خوردن دلیل شفا از
بیماری بود و نشادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و بعضی از معتبران گویند که شیر رو باه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که
بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب دیدن زن دروغ گو باشد و اگر بنید که رو باه گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی
فرمیده و دروغ زن خواهد و اگر بنید که رو باهی در خانه وی آمد و فرار گرفت دلیل که زنی او را بدوستدارد و او را بدوستد که رو باه
از بکر نخت دلیل که دامدار او بگریزد و رو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بنید که در
رود بزرگ صفائی شد دلیل که با مردی بزرگ باو یانت پیوند دوازوی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که از رود بیرون آمد دلیل
که از بلا و غم رسته کرد و اگر بنید که در روی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ شک پیوند و اگر بنید که در
آن رود غرق شد دلیل که نامرک از آن رستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رود بزرگ و زیر بود و اگر بنید که رود
بزرگ خشک شد دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رود زیادت بنید دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رود تیره
بنید دلیل که مال حرام یابد و اگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رود کنده بنید دلیل که بیمار گردد و اگر آب
رود سرد و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد و اگر بنید که در جوی خون بود و میرفت دلیل که در آن

سحاب

سحاب

رو باه

رود

خویش بشاید شود اگر بنید که آب رود سفید و خوش بود دلیل که مردم عام تمای و زیر گویند و اگر بنید که آب رود و برین
 فرو رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد و آن دیار قوله تعالی قل اذیتهم ان اصبح ماؤکم غوا غوا فین یا نیکم جماع
 معین و اگر بنید که آب رود و در پشت دلیل که از شر پادشاه و وزیر الهین کرد و اگر بنید که زیر آب غوطه مخور و دلیل که
 از رز و زیر گاه شود و اگر بنید که جامه خود را پشت دلیل که او را اهل بیت او را از پادشاه و وزیر الهین بود و اگر بنید که در رود
 میرفت و جامه او کشته دلیل که از قبل بازار کانی غم خورد و اگر رود و جلّه خواب بنید بقول کرمانی رحمه الله علیه خلیفه بود و
 همچون پادشاه خراسان بود و همچون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و در
 نبل پادشاه مصر بود و در رود که پادشاه ارمنه بود و آب خوردن و شستن خود را در آن خیر و منفعت بود و بقدر آن
 آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد و اگر خورده در روی از شیر بنید دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه
 فرماید وین رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سوم پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم
 ظفر و علم رود بار وادی را گویند اگر بنید که در رود باری شد دلیل که در غمی و اندوهی گرفتار شود و ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر از رود باری بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید کرمانی رحمه الله علیه گوید رود بار و خواب حج اسلام بود و قوله
 تعالی بواجب غیو ذی ذریع عند بیتک المحرم مغربی رحمه الله علیه گوید رود بار و خواب دلیل بر فتنه شعله بود و الشعله
 یتبهم النافون الم تراهم فی کل وادیهمون رود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که رود و از گرفت
 و بخور و دلیل که از خوشی و خیر و منفعت بنید و اگر بنید که رود و نای و می از درون پیدا شد دلیل که فرزندی از خوشی و می هتر
 کرد و اگر بنید که رود و کسی بخور و دلیل که بقدر آن مال کسی بخور و کرمانی رحمه الله علیه گوید آشکار شدن رود کان و خواب
 مال نهاد بود که پیدا کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رود و از دنا نش بیرون آمد دلیل که مرکب بر فرزندانش بود و اگر بنید
 که رود و کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را یا جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رود و در خواب بر شش وجه بود
 یکی مال حرام دوم سخنانی ناخوش سوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن و عیش روزگار و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که روز آدینه بود و در شب بود دلیل که کاری شروع کند و بنید که در آن کار خیر است و در آن شر بود و اگر بنید که روز شنبه بود
 در روز دینه بود و بخلاف آن بود و اگر بنید که شب است و روز باشد دلیل بر یکی باشد و اگر بنید که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان
 باشد و اگر شنبه خواب بنید دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را دینه پذیرد دلیل که هوا خواه اهل نعمت و توانگر باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بهترین روزگار دینه بود و در شب بود و در شب بود و در دینه و در روز خیر روشن تر و صافی تر باشد بهتر بود
 روز ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که روز میانه شد و هیچ و تسلی و قرآن میخواند دلیل که از گناه و حرام توبه
 کند و اگر بنید که روز دشت و غنیمت مردم میکرد و یا خوش میکفت دلیل که اطاعت برپا میکند و در دین صادق نیست کرمانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که روز بود دلیل بر کانی و کثرت طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از غم فرج یافتن باشد و کذا و ن و ام خاصه

رود که

رود

این آیه
 در سوره ابراهیم
 علیه السلام

روز که

روز ششم

که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید روز دوازدهم و شش در خواب برده و جوبود یکی بزرگی دوم ریاست سوم
تن و سستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم طهر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزاهم پسر دوازدهم کشادن لقمه موسی دلیلی بر نیکی دی
روزی حلال بود چون روزه بقصد کشاید دلیل که در سفر ملا کشد یا بیاید کرد و اگر بنید که دوازده روزه داشت دلیل که از
کند توبه کند و اگر بنید که روزه تلوغ میداشت دلیل که از بیماری امین کرد و اگر بنید که یکسال تاملی و پایی روزه داشت
دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بنید که روزه عاشوره داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و در خواب این سیرین
رحمة الله علیه کوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول دید دلیل بر خیر بود و اگر در جایگاهی معروف بنید دلیل نیک نباشد و اگر
خواب بنید که از روستائی بشهرستان رفت انشاء الله تعالی از قننه و عذاب امین کرد و کارش به مقام شود و اگر بنید که از شهر
بر روستا میرفت تاویل آن بخلاف این بود مغربی علیه الرحمه کوید اگر بنید که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی دانه بود دلیل که
بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بدو رسد و اگر روستا خواب بنید تاویش بخلاف این بود و روستائی این سیرین
رحمة الله علیه کوید روستائی در خواب دین بدی بود اگر بنید که روستائی فرارفت یا کسی بوی دانه بود دلیل که کسی را علم دین بیاورد
و راه راست نماید و تاریکی در خواب کما سی و بدینی بود قوله تعالی الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الى النور
کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که روستائی بسینه واقعه بود دلیل که پارسا و باوین بود قوله تعالی اقمین شریح الله صلوات
للاسلام فم علی النور من دینه اگر خواب بنید که پسر این دی روستائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین بدی دوم علم سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک و خوش دلیال
علیه السلام کوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی کوید که میراث باشد و اگر خواب بنید که روغن کاود داشت و از آن بخورد دلیل
که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن کوید بنید بنی تاویل دارد و اما روغن کاو بهتر از روغن دینه
و روغن باو ام و روغن کجند مال و نعمت بود و روغنهای دیگر که انما یچون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن زیتون دلیل
که حله منفعت بود و از دهمقان و روغن زیتون منفعت باشد از عجب و روغن زکس منفعت باشد از روستا ابن سیرین رحمة الله
علیه کوید اگر خواب بنید که همتن وی بروغن آلوده بود دلیل که بجا ر شود و اگر بنید که روغن بر سر میالید دلیل بر آرایش
بود و اگر بنید که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سمن دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنهای چون خوش بود
دلیل بر نیکی وی بود و اگر بوی او ناخوش و کنده بود تاویش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه کوید روغن زیت
در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که مردی بر سر مردی روغن می مالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد
مغربی رحمة الله علیه کوید روغن در خواب بر خود مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بنید
که بر روغن سینه چرب میکند دلیل که سو کند بد روغن خور و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه کوید روغنهای تاویل بدو
مکر و روغن زیت که بخورد دلیل مال و بالیدن غم و اندوه بود و اگر بنید که جامه او بروغن آلوده شد دلیل که

توبه

توبه

این آیه
در سوره بقرهاین آیه
در سوره بقره

توبه

انده و کین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روغن خوش بچوب برنش وجه بود یکی زن خبر روی دوم کینک سوم
 شامی نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کنده دلیل بر سه وجه بود یکی زن روی دوم منق
 سیوم سخنهای زشت روناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روناس در خواب و بیدار دلیل بر آرایش دنیا بود
 و خوردنش دلیل بر بخت و رنج بود و اگر بنید که جامه خود بر روناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه
 دین فو کند و روی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روی بچوب بنید بچال تراز آن که هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
 گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بنید زشتی کم کرد و اگرانی رحمه الله علیه گوید اگر کونه روی خود سرخ و پاکیزه بنید دلیل که
 روناس کرد و اگر بنید که کونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و اما الذین ابیضت وجوههم ففی همته
 الله هم فیها خالدون و اگر بنید که کونه روی او زرد شد دلیل که بسیار کرد و اگر کونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا
 کرد و اگر بنید که با سیاهی روی جامه بنید پوشیده بود دلیل که او را دختر می آید قوله تعالی و اذا ابشرا احدکم بالا فحی خلل
 وجهه مسوداً و هو کظیم اگر بنید که با سیاهی روی او کرد آلوده بود دلیل که شرک بود و اگر بنید که رویش خون آلوده بود
 یا زرد آب از رویش می آید و او را بر وی جراحت نبود دلیل که زبان مال او بود و اگر بنید که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حالی
 بود و اگر بنید که پیش روی او خال بود دلیل که او مادر شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر روی خود را بچوب بنید در آب یا در
 آئینه پاکسی او را نیکوید که روی تو خوب است دلیل که کار روی نیکو شود و اگر زشت بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که روی
 او سرخ بود دلیل که او را کسی مناظره افتد و خشم و خور و اگر روی خود سپید روشن بنید دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه
 بنید دلیل غم و اندوه بود و مناظره کفر بود قوله تعالی و اما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم و اگر بر روی خود
 جراحی بنید دلیل که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بنید دلیل که در کار و کد خدای وی خلل افتد و اگر خود را و روی بنید
 دلیل منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین روی در خواب برشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خاری و حقارت سیوم
 نظام کار را چهارم دین و دینا پنجم اندوه و رسوائی ششم و ام هتتم نیکوی هتتم توفیق طاعت ریحان اگر بنید که ریحان
 سبز و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از زمین دلیل که زمین و اندوه بود و ابن سیرین گوید اگر ریحان در جایگاه خود بنید دلیل
 که خداوند خواب کار نمی نیکو کند و انیال گوید ریحان بچوب بدین اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب کار نمی نیکو کند و توفیق بکار خیر یا جعفر صادق
 گوید بدین ریحان بچوب برشت وجه بود یکی زن دوم کینک سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هتتم کردار نیکو اگر بنید که در
 سرانی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر منفعت کند مغربی رحمه الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خواب نجات نیکو بود
 ریحان در خواب سفر بود و اگر بنید که از چشم یا موی ریحان میشت چنانکه زنان ریحان ریسند دلیل که کاری حلال
 کند و اگر ریحان بچوب برشت جامه با فرد دلیل که در تدریس کاری باشد که او را از آن خصومت بود و کرمانی علیه الرحمه گوید
 اگر بنید که زنی مانند موی ریحان از چشم یا موی می رشت دلیل که او را غایبی از سفر بیاید و اگر بنید که بوقت رشتن

س

س

این آیه در سوره عمران است

این آیه در سوره نحل است

س

س

م
ت
ب

ریشان کشته شد دلیل که غایتش در سفر و پیرمانند و اگر بنید که ریشان بسیار داشت دلیل که عمرش دراز بود و بقدر ریشان خیر
منفعت از خوشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه که پیر ریشان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر دوم مزد کار سوم عمر در چهارم
بسیار پنجم حاجت و کسب حلال ریواسی ابن سیرین رحمه الله علیه که پیر ریواس خواب اندوه بود بقدر خوردن آن اگر بنید که
ریواس بنیدخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که ریواس شیرین بود ویش که حضرت گفته بود و الله اعلم ریواس ابن
سیرین رحمه الله علیه که پیریش در خواب از ریش مردم و که خدائی او باشد و در خبر آمده است که حقیقانه و تعالی را فرستاده است
که تسبیح او اینست سبحان من ذین البحال بالحق و التساء بالذوات یعنی پاک است آن خدائی که بسیار است مردان را
بریش و زنان را کینه و اگر بنید که ریش او دراز شد دلیل که کار که خدائی او ساخته کرد و اما چون بدرازی از ناف گذشته باشد
دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که ریش خود را با نخ بسیار است دلیل که خدائی خود را بسیار بنید و اگر بنید که ریش خود را خضاب کرد
دلیل که حال خود را بر دمان بنماید و بنوشد و اگر بنید که ریش خود بر زمین می کشید دلیل که اجلس نزدیک بود و اگر بنید که ریش او
بر بجه بود دلیل که زبان مال و خواست و جاه او بود و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بر دباری و استسکی او زیاد شود
لیکن غمگین شود و اگر بنید که ریش بدن می برید دلیل که اهل بیت ویران رسد و اگر بنید که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل
که او از امر که مضاجات بهم باشد و مال و آبرویش برود و اگر بنید که ریش را نشانه کرد و بنجور و کلاب بر درخت دلیل که شغل کند که
مردم مکر کنند مغربی رحمه الله علیه که پیر بنید که ریش او دراز شد چنانکه برز پر ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بنید که دست ریش
فرافت و پاره ریش بدست او ماند و از بنیدخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بنید که پاره ریش در چیزی نهاد و کاهشت
دلیل که مال نکاهد و اگر بنید که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل که بغم
کرد و اگر بنید که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بهیر و اگر بنید که ریش او کنده شد دلیل که در قش یکبار برود و اگر بنید که
موی پدید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالف سنت نبی صلی الله علیه و آله باشد اسمعیل اثنت رحمه الله علیه که پیر بنید که
او را در جرم بموسم حج ستر آید و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بنید که سر و ریش را یکبار
بستر و دلیل که در موت و آبروی او یکبار برود و اگر بنید که بی سبی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان در وی ظاهر شد
دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بنید که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در قش نقصان شود و اگر زنی بنید که او را
ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسد و اگر مردی بنید که او را ریش برآمد دلیل که او را هرگز فرزند نباشد
و اگر فرزند آید هشتاد و هفتمی که کرد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بنید دلیل که در غم و اندوه افتد و اگر بنید که ریش کی رفت
و میکشد دلیل که آنکس مال و میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ریش در خواب برده وجه بود یکی پنج دوم
عروجه سیم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند دهم کرامی
شدن قوله تعالی و لقد کرمنا نبیاً آده اما ریش ستردن بخواب حاجیان را و زندانان را نکو باشد

ریاض بن سیرین رحمه الله علیه گوید ریاض در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بنید که در میان ریاض می نشیند
 که از بهر کسب شغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بنید که ریاض می خورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت
 بنید جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریاض در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سیوم منفعت چهارم رفعت لیکن
 بارخ ریش بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که ریش وی ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود دلیل که بقدر آن
 ریش او مال حاصل شود و اگر بخلاف این بنید دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 فی الجمله جمع شدن ریش در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 مال او نقصان شود و ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود دلیل که مال او بخواب بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 دلیل که غم و اندوه بود و ریاض بن سیرین رحمه الله علیه گوید ریاض در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 نقصان شود و اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود که مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود دلیل بر غم و اندوه بود و ریاض بن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که ریش او ریشی بود و در آن ریش جمع شده بود
 ندرستی حاصل شد دلیل بر صحت و ندرستی و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر رنج و بیماری بود و الله اعلم

حرف الزاء زن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر زنی بخواب بنید که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که خیر
 بوی رسد و از خویشان خورم شود و اگر بنید که مردی پسری زاد او را و زنی است بنود دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که دختری
 زاد دلیل که او را پسری آید که مانی رحمه الله علیه گوید اگر زن یا پادشاهی بنید که دختری بزاد او دلیل که شوهرش کنجی یابد و اگر بنید که
 پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که دختری بزاد دلیل که نکین شود و اگر بنید که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر
 دختر و تنیده بنید که دختری بزاد دلیل که تاویل آزن و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر کسی بخواب بنید که پسری بزاد او و هم در آن
 روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ بنیده بود و اگر بنید که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که بهتر قوم گردد
 زاع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زاع در خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بنید که زاعی را
 گرفت دلیل که کسی بدین پیوندد که صفت او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بنید که زاعی را بکشت
 دلیل که در آنجا زندان و فاسدان و فاسقان کرد آیند و اگر بنید که زاعی شکار کرد دلیل که از جانی باطل مال یابد که مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر زاعی را بخواب بنید که نیک نهدی تاویل آن باشد و زاعهای بسیار در خواب دیدن لشکر
 بود و اگر بنید که زاعی را پوست بر کند دلیل که بازنی غریب نماند و اگر بنید که زاعی را بکشت دلیل که اهل بیت او را
 مضرت رسد و اگر بنید که زاعهای بسیار در هوا می آمدند و میکند شفت دلیل که در آن دیار لشکری پدید آید بقدر

سید

شب

سید

سید

سید

سید

زیادت شود و بر خشم روان گردد و ظفر یابد و اگر بنید که زبان وی دراز شد نه بجنبک دلیل که سخن گفتن دراز شود و کرمی را
 علیه کوید اگر بنید که دراز زبان بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بنید که زبان خود بر یک قصد سخن
 نکند و دلیل که گفتن باطل توبه کند و اگر بنید که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخن گوید که حق سبحانه و تعالی اجل و علایق را نمی نباشد
 و اگر بنید که کسی زبان در دهان وی نهاد دلیل که او را از کسی قوی و جبری باشد در سخن و اگر بنید که زبان کسی می کشید دلیل که از آن کس
 علم و دانش حاصل کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زبانش کنگ شده بود دلیل بر فساد دین و دنیا می وی بود و اگر بنید که
 زبان در رویش برید دلیل که چیزی بد رویش دهد و اگر بنید که زبان زنی برید دلیل که بیشتر کند و از آن اشکارا کند و اگر بنید
 که زبانش بکام گرفته بود دلیل که دام دار شود و انیال علیه السلام کوید اگر بنید که زبان وی قوی و طبعش دلیل که بر خشم غلبه کند
 و اگر بنید که زبانش ریش کشت دلیل که کسی بهتانی بند و یاد در و غلوید و اگر بنید که بر زبان وی موی برآمده بود دلیل که از
 سبب گفتارش در بلائی افتد و اگر بنید که زبان وی آماسیده بود دلیل که سبب گفتارش مای حاصل آید سمعیل شست
 رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بنید که زبان نداشت دلیل که از همه تشدها
 فروماند و اگر کسی بنید که سر زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست وکیل بر آید و اگر بنید
 که زبانش خشک شده بود دلیل که در تاول بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود
 یکی حکمت دوم ریاست سیوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها و حرف سین یار و خوابیم کرد
 زمره چهل ابن سیرین رحمه الله علیه کوید زبرد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بنید که زبرد بسیار داشت
 دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بنید که زبرد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه
 فرماید دیدن زبرد در خواب بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سیوم منفعت زمره چهل ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی خواب
 بنید که زبور میخواند دلیل که بخداوند تبارک و تعالی باز کرد و دو بکار خیر رغبت نماید و اگر بنید که زبور را بطاهر میخواند دلیل که زبرد و
 خیرات بر او و نفاق کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زبور می نوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر
 بنید که زبور میخواند دلیل که کار و کردار او نیکو گردد زمره چهل ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که بآنک مرغان فال میکرد تا ویش
 غرور و باطل دنیا باشد و خواب بیداری از راه تاول نکو میبود و ابن سیرین کوید اگر بنید که بآنک مرغان فال میکرد دلیل که باطل دنیا
 مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر کسی بآنک مرغان فال میکرد و اگر بنید که بآنک مرغان فال میکرد دلیل که بکار
 کرد و دنیا یابد زمره چهل ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که بر تن زخم داشت و از خون پدید آمد و دلیل که بر زخم زنده ظفر یابد و خیر و منفعت
 یابد و اگر بنید که از زخم او خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که اندامش آلوده گشت دلیل که زنده
 او را بجناسی یا بهمتی مستهم کرد و اگر بنید که زخم خور و متن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمه الله علیه که در مال وی
 نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر و منفعت

زبرد

زبرد

زبرد

زخم

زوائد

سیوم نقصان مال زروق و انبیا علیهم السلام کو بد اگر بنید که اور تا زیاده زدن چنانکه از زدن پدید آید یا در استون بستند و
 چندان زدند که خون از وی بیرون آید و پیش بد باشد این سیرین رحمه الله علیه کو بد اگر کسی بخواب بنید که اور تا زیاده زدند دلیل
 که مالی حرام بجاصل او آید خاصه چون بنید که از اندامش خون آید و اندام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پدید آید دلیل که
 بقدر آن از مهری فایده یابد و بعضی از مجربان کو بنید که جامه او پوشند که کافی رحمه الله علیه کو بد اگر بنید که تا زیاده بر پشت وی زدند و
 خون بیرون آید دلیل که آنکس مال حرام یابد و اگر بنید که بر پشت خود تا زیاده دید و ندانست که او را که دلیل که شغل دین و دنیا وی
 نیکو باشد و اگر بنید که تا زیاده بر کسی زدند چنانکه تا زیاده پاره پاره گشت دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر بنید
 کسی اور تا زیاده بشمار زدند دلیل که او را غمی رسد و اگر کسی در خواب اور تا زیاده زدند دلیل که نمکین شود و به سبب مری در دین
 و منافق و اگر بنید که محاسب او را بدتره زدند دلیل که سلطان او را عمل دهد و کاش نیکو کرد و اگر بنید کسی او را بکلیوخ زدند دلیل که
 از آنکس منفعت یابد و اگر بنید که کلوخی بر پشت وی زدند دلیل که کسی او را فقیحت کند و اگر بنید که طباخچه بر روی وی زدند دلیل که
 از کسی سخنی زشت نشود و مغربی رحمه الله علیه کو بد اگر بنید که مرده او را میزدند دلیل که در ضرر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز
 یابد و اگر بنید که مرده بود او را میزدند دلیل که قوت دین او و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زدن در خواب بر تنش وجه بود
 یکی منفعت دوم مجادله سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم سفر بچشم شرف و بزرگی ششم مال حرام ششم ابن سیرین رحمه الله
 علیه کو بد زرخواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوه بود و زنان را غمی و پسندیدگی باشد و اگر بنید که دریافت یا کسی
 بوی داد و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود که کافی رحمه الله علیه کو بد اگر بنید که زریاسم میکند اخت دلیل که در زبان مردم
 افتد و اگر بنید که زریاسم فروخت و میخورد دلیل که او را غمی و اندوهی رسد و اگر بنید که زریاسم فروخت و خورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که زریاسم
 میخورد و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمه الله علیه کو بد زریاسم در خواب مردان را زدند اگر کسی زریاسم بربک جا
 بهم یابد دلیل که عجز و جاه یابد و اگر کان سیم بنید دلیل که دختر بزرگی خواهد و گویند زرخواب روی باشد و روغن زن و اگر بنید
 که پیش زریاسم نشست و با وی معاشرت میکرد دلیل که او را باد و غلغلی سرو کار افتد زرد آلو ابن سیرین رحمه الله علیه
 کو بد زرد آلو بوقت خود چون شیرین بود بهر زرد آلوئی که خورده باشد دلیل که بیماری حاصل کند و اگر زرد آلو ترش بود دلیل
 بیماری و غم بود و بعضی مجربان کو بنید که زرد آلو بخواب دیدن کینه ک بود یا مال که کافی علیه رحمه الله کو بد اگر بنید که استخوان انگشت
 و تلخ بود دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زرد آلو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و
 اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زرد پها ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد زرد پها در خواب دیدن بیماری
 بود از میوه و خورد و جامها زرد شک ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد زرد شک در خواب غم و اندوه بود و
 خورون آن همچنین و اگر بنید که زرد شک از روخت جمع میکرد دلیل که او را بامردی نخل خصومت افتد زرد شنبلیله ابن
 سیرین رحمه الله علیه کو بد اگر بخواب بنید که زرد شنبلیله خورد دلیل که بیماری و لاک بود و اگر بنید که زرد شنبلیله فروخت یا بکسی داد دلیل که

زوائد

زوائد

زوائد

زوائد

زوائد

از بیماری امین کرد و مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زرنیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آورد و بیماری بخورد و اگر بنید که
 زرنیخ در جای جمع کرد دلیل که در سفر بیمار کرد و زرنیخ ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که بنید که زره پوشیده بود و دلیل که از
 دشمن امین کرد و اگر بنید که زره ضایع شد دلیل که دشمن بروی چهره کرد و اگر بنید که سی زری بومی داد و او پوشید دلیل که با او
 قهر کند یا بقتل کردن دشمن با وی یار کرد و دوید و نصرت وی خواهد و بعضی معتبران گویند که زره حصن دین است که مالی رحمة الله
 عليه کوبید که بخواب بنید که زره داشت دلیل که او را اهل بیت او را امین بود و از شر دشمنان و اگر بنید که زره با سلاح پوشیده بود
 دلیل که از شر عامه و منافق امین کرد و حضرت جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که زره در خواب دیدن برش و جبه بود و یکی امینی
 از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم بکوفی و زره کرد خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد
 زعفران ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که کسی بخواب بنید که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر بنید که
 زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود و کرانی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زعفران ناکوفه بود که بومی داد و دلیل که زنی
 ثواب کرد و اگر بنید که زعفران بخوار داشت و بخورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل کرد و زعفران ابن سیرین رحمة الله
 عليه کوبید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آن موضع کند و اگر بنید که زعفران مطیع او گشت دلیل که او را اعلاستی باشد و به بزرگی رسد
 و اگر این خواب زنی آبتن بنید دلیل که پسری آورد که مقرب پادشاه کرد و کرانی رحمة الله عليه کوبید که بخواب بنید که زعفران از
 دست پیرید اگر زنش آبتن بود دلیل که فرزند مرده آورد و یا زنی را برود جعفر صادق رضی الله عنه کوبید زعفران در خواب بر
 چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگوارى سوم فرزند چهارم مال زعفران ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید زعفران
 در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که زعفران داشت یا کسی بومی داد و دلیل که در سرخ و اندوه گرفتار آید و اگر بنید که زعفران
 بخورد دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بنید که زعفران را بفروخت یا بکسی داد یا این خانه بیرون افکند دلیل که
 از غم و اندوه رستگاری یابد مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زعفران در جراحت نهاد و درست شد دلیل که از کسی خیر و راحت
 بنید و اگر بنید که جامه وی زعفران آلوده گشت دلیل که از بومی کاری آید که او را از آن زشتی و بدنامی حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله
 عليه کوبید که بنید که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بنید که زکوة فطر میداد دلیل که نماز و روزه و شایع زیاده کند و
 رستگاری یابد و اگر وام دارد که زاده شود و اگر بیمار بود و شفایابد و اگر دشمنی دارد و بروی ظفر یا بد کرانی رحمة الله عليه کوبید که
 بنید که زکوة مال میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود و بقول حضرت رسول صلی الله علیه و سلم حصوا أموالکم
 بالزکوة یعنی حصن سازید و لهای خود را زکوة مال دادن مغزنی رحمة الله عليه کوبید که بنید که زکوة مال میداد دلیل که برزخ و ثواب مال باشد و
 تعالی و ما اوتینکم من زکوة تنقید و وجه الله فاللک هم المضعفون جعفر صادق رضی الله عنه کوبید که زکوة و صدقه دادن خواب بر شست
 یکی ثبات دوم خیر و برکت سوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی ششم طهر یافتن
 بر دشمن زنگار ابن سیرین رحمة الله عليه کوبید که زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بنید که زنگار از کسی بستد دلیل

ز

مع

ن

ب

س

ب

که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیکو فروخت دلیل که یا پادشاه معاملات کند و از وی فایده یابد
 اگر مانی رحمه الله علیه بزرگوار در خواب دلیل بر آتش و خواست بود و اگر بنید که جامه یا اندامش بزرگوار شد دلیل که او را از سلطان حضرت رسد
 و اگر بنید که زنگار میخورد دلیل که مال حرام خورد و سر انجام او را از پادشاه غم ماند و رسد نه گاه هم این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که او را
 علت زکام بود دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر بود که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که او را زکام بود دلیل که
 بر کسی شتم گیر و در و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر سر وجه بود یکی بیماری اندک دوم شتم گرفتن بیگوم
 منفعت یافتن زلا میسر این سیرین رحمه الله علیه گوید زلا بید خواب دلیل بر کوشش بیرون از اندام و یافتن مال بسیار و شای
 بود و اگر بنید که زلا رسد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بنید که اندک زلا رسد بوی او دایره دانه و بی بهاد دلیل که از
 کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زلا رسد زعفران میخورد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بنید که باز عطران میخورد
 دلیل بیماری بود نه لرزه که این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زمین می جنبید دلیل که مردم آید یا در از پادشاه سرخ و ولادت رسد
 بقدر جنبیدن زمین و معتبر آن گویند که آفت مردم رسد و آید یا بیماری افتد و اگر بنید که زمین بر کردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن
 دیار فتنه و بلا افتد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زمین است جنبید و یک نیمه فروفت دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را
 عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزه در خواب و ضل و زمین فرو شدن محنت و بلا ی عظیم از قبل پادشاه بود قوله
 تعالی فحسبنا به و بداده الاض به حال لرزه در خواب دلیل بر عقوبت و ولایت بود با اهل آن دیار نه هر دو این سیرین
 رحمه الله علیه گوید زرد در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بنید که زرد و دشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند یا
 برادر می که از منفعت یابد و اگر بنید که زردی ضایع شد دلیل که فرزندش بسیر و مال او تلف شود و مانی رحمه الله علیه گوید زرد در
 خواب دیدن دلیل بر بدین پاک بود و هر زیادت و نقصانی که در زرد بود تا دلیل آن بزمسب پاک او باد کرد و مغربی رحمه الله
 علیه گوید زرد و خواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زرد در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر بیوم مال حلال
 چهارم کنیز پنجم غلام نیکو و هر چند که زرد و نیکو تر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر بود زمستان این سیرین رحمه الله علیه
 زمستان در خواب یا پادشاه بود اگر خواب بنید که زمستان بود و چنانکه در همان را از آن حضرت میرسد دلیل که اهل آن دیار را از
 پادشاه حضرت رسد و اگر بنید که زمستان بود و هواسر و بود کسی را حضرت تمیز رسد کسی را زمینی نمیداشت دلیل که مردم آن دیار
 از پادشاه خیر و منفعت یابند زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل حضرت و ظفر باشد زمستان و انبیا علیه السلام گوید زمین
 در خواب زن بود و اگر بنید که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد و بهر صلاح چنانکه میان اقربا و اولاد
 منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین اگر بنید که در آن زمین سبزه و نبات مجبول بود و دانه که از آن اوست دلیل که آن سبزه و نبات
 باشد و سبزه و خواب بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین سبزه و نبات بود و نباتی معروف بود دلیل که او را فضل و دیانت باشد
 و اگر در زمین نباتی نهاد و عمارتی کرد دلیل که او را فضل دین و دنیا باشد و سر انجام ثواب راه آخرت یابد و اگر بسیند که او را در میان

سیچ

در سبزه

زمین

مرد

زمستان

سب

صحر از مینی بود و مانند بایان و از زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بنید که زمین میکند و پیچور و دلیل که بخند خورد
 خاک مال یابد و اگر بنید که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مخاکی در آن جا بود و در آنجا ناید پیشند دلیل که بنید که زمین
 را مانند چاه و سرداب میکند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بنید که در زمینی فراخ بود و زمینی تنگ شد
 میرفت در آنجا دلیل که در آنجا از کاری نیک بکاری جمیع افتد و خبری رحمة الله علیه که در خواب بنید که زمین با وی سخن گفت و
 بخیر و صلاح او افزوده داد و دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را نیکی یاد کنند و اگر بنید که زمین او فراخ و بزرگ شد
 و دلیل بر درازی عمر و فراخی میشت او کند و اگر بنید که زمین می پیچور و دلیل که بخیر و در انجیل شست رحمة الله علیه که بنید که زمین
 از بهر گشت می شکافت دلیل که بشنلی بزرگ مشغول گردد و از قبل زن منفعت یابد و اگر بنید که زمین خویش را آبادان میکند و دلیل
 که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بنید یا پیش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته و دلیل
 که او را با کسی انبازی بود یا زنی را نکاح در آورد و اگر بنید که آبی آمد و زمین را غرق کرد و آن کشته را تابا کرد و دلیل که از پادشاهی
 ملائت یا بجنس صادق رضی الله عنه که بنید که در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت
زمان ابن سیرین رحمه الله علیه که دیدن جوان و خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل این جهانی و نیز دیدن زنان در
 خواب بقدر خوبی و جمال و فریبی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بنید زنی باشد معروف و زن فریب و معروف
 فراخی روزی بود و زن رشت و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شنا و مان و آراسته مراد این جهانی بود و پیر زن چرکین دلیل
 بر نامرادی و بد حالی بود و کرمانی رحمه الله علیه که دید که زنی بنید که او را قصب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند
 بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان بنید که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بنید که
 قصب داشت و مجامعت کرد و دلیل که حرمت و بزرگی او کم شود و اگر بنید که زنی جامه مردانه پوشید و بود اگر آن زن مستوره بود
 و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود و دلیل بر شر و فساد بود و مغربی رحمه الله علیه که دید ووستی زنان در خواب اهل دنیا را
 ز با و بی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر بنید که بر زن وی کسی دست درازی
 کرد و دلیل که اهل آن زن نه آنکه شوند و اگر بنید که زن وی بفساد و فساد بکانه رفت دلیل که پسری آورد و خیر و منفعت یا بجنس
 صادق رضی الله عنه که دیدن زنان و خواب بیش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنج قحط
 ششم تواری زمان ابن سیرین رحمه الله علیه که دید که زنی در دست داشت دلیل که در دین ضعیف بود و اگر بنید که زن را بر میان بست و اگر بنید که مستور
 نبود دلیل که کافر شود و اگر بنید که مستور بود انصاف از خشم تسامد و اگر بنید که زن را برید و دلیل که او کار بد کند و بخدای تعالی باز گردد و اگر بنید که صلاح اختیار کند
 و بخیر و این سیرین رحمه الله علیه که دید و خواب می دون و منفعت بود و اگر بنید که زن را برید و دلیل که او کار بد کند و بخدای تعالی باز گردد و اگر بنید که صلاح اختیار کند
 میان مردم دون گرفتار کرد و خواجه چون زن را برید و اگر بنید که زن را برید و دلیل که او کار بد کند و بخدای تعالی باز گردد و اگر بنید که صلاح اختیار کند
 را بگشت دلیل که در دشمنان ظفر یابد و اگر بنید که از نهوا زن مردان بسیار بقیاس کرد آمده بود و دلیل که در آن دیار لشکری برسد

بخت

میکار

میکار

گوید و بدان اقدام نماید و اگر بنید که تن او را از زهر گزند ی رسید یا آس داشت دلیل که بقدر آس او را غم و اندوه رسد و اگر بنید
 که زهر خورد دلیل که از کسی خشم فرو خورد زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زهره مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد و
 اگر بنید که زهره چهار پایی میخورد دلیل که بدخوی و دشمنی شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تن وی زهره مردمان آلوده
 کشت دلیل که از مردمان جوید و اگر بنید که تن وی زهره چهار پایان آلوده کشت دلیل که لباس حرام بپوشد و اگر بنید که تن
 وی زهره داو آلوده کشت دلیل که صحبت با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زوین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر خواب بنید که زوین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زوین با وی نبود دلیل که او را فرزند ی آید و اگر بنید که زوین
 سلام حای و دیگر داشت دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زوین
 انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید و اگر بنید که زوین کسی را مجروح کرد و ایند دلیل که بر کسی بهتان نهد زیتون ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که زیتون داشت یا کسی بوی داو میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید روغن زیتون در خواب لیل خیر و برکت باشد و اگر بنید که روغن زیت می پالود و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه
 خورد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد دلیل که او را منفعت بسختی حاصل شود زیره باج
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر و منفعت باشد و چون میل
 بترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از معبران گویند که خوردن زیره باج در
 خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیلو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیلو در خواب چون کسره باشد دلیل بر درازی عمر و سختی
 کار و نیا کند و هر چند زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو سحیده باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بنید که بر زیلوی کوچک نشسته بود
 و آن زیلو در زریوی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو برت خود سحیده و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت
 خود را تباه کند و اگر بنید که زیلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بنید که زیلو سحیده و کبسی دیگر داو دلیل که
 عمرش با خیر رسیده باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و
 اگر بنید که زیلوی گهنه و دریده بود دلیل که عیش و روزی و ثور شود و اگر بنید که زیلوی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه در دست
 دار و از دست او برود و اگر بنید که زیلوی نوبه و داو ندود و در خانه بکشد دلیل که دولت و اقبال یا بد و عمرش دراز گردد
 حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیم روزی
 فراخ چهارم عز و دولت پنجم و شواری عیش ششم گناه زیره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیره در خواب
 چون بسیار بنید دلیل منفعت دین و دنیا ی وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زیره در خواب چون
 اندک بنید منفعت کمتر بود زین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زین بخواب چون بر پشت چهار پای نباشد زن بود
 و اگر بنید که بر پشت چهار پای بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد و اگر بنید که زینی بخرد یا کسی بومی دلیل

زهره

زیتون

زیتون

زیره باج

زیره

زیره

زیره

که کینه کی بخرد یا زنی بخوابد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر بنید که زین وی لشکست دلیل که زن بمیرد و یا بپار
شود و اگر بنید که زین وی بزیریم آریسته بود دلیل که زین خوشیت بین و تکبر بود و اگر بنید که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت
دلیل که زینش پارسا و دیندار بود و زین کرد و خواب زن دلاله بود و دلالی کار او بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین**
سار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سار مرغی است و اگر خواب بنید که ساری داشت دلیل که مردی مسکار باشد که سفر بسیار کند
و اگر بنید که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی مسافر او صحبت افتد و اگر بنید که کوشش سار میخورد و دلیل که بقدر آنچه
خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بنید که
سار بسیار بروی جمع شد دلیل که میان کافران گرفتار شود ساطور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ساطور در خواب مردی
شجاع و دلیر بود و اگر خواب بنید که ساطور داشت دلیل که با چنین مردی او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر
بنید که ساطور لشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد مغربی رحمه الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که
کارهای دشوار بسبب او آسان کرد و خاصه که ساطور بزرگ بود ساطور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ساطور دست در دست و
انبار معتد بود و اگر بنید که ساطور و تنش قوی بود دلیل که او را از انباران و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بنید که ساطور وی لشکست
دلیل که انبار او دست از وی جدا شوند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر ساطور دست و وی موی بسیار بود دلیل که دوستان
از وی جدا شوند و نمکین گردند و اگر بنید که موی از ساطور خود بستر دلیل که و امش گذارده شود ساق ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معتبران گویند که ساق مردم را عروج و جاه باشد و اگر بنید که ساق وی قوی
بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر اقاقت ضعیف بود دلیل که حال و کارش ضعیف و بی نظام بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ساقش آهین
یا روین بود دلیل که عمرش دراز شود و مالش باقی ماند و اگر بنید که ساق او لشکست دلیل که بر تن او بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن
ساق در خواب مرد از ان زن بود و زنا را شوی اگر بنید که ساقهای وی بر یکدیگر میچسبید دلیل بهم لاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار
بود دلیل که و اعلا کرد و اگر بنید که موی از ساق بستر دلیل که و امش گذارده شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ساق در
خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دوم معیشت سوم عمر و از چهارم مرد از ان زن و زنا را شوی سایه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سایه در خواب
بزرگی و هیبت بود و سایه یا د شاه و زنا و بلی هم پادشاه بود و سایه و پادشاه بزرگ بود و سایه درخت بی دلیل بر فساد که زانی رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که در جانی زیر پای نشسته بود دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی الذین یأتون الی دینک کیف مد الظل و لو شاء لجمعه
ساکن جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر پای نشستن در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم هیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم
مرگ سایه بان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرماید بود و اگر بنید که زیر سایه بان نشسته بود
دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بنید که سایه بان بروی افتاد و او را از نزدی نرسید دلیل که پادشاه بروی شکم گیر
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سایه بان پشیم یا کرباس بود و لون آن بنر یا سپید بود دلیل که خدمت پادشاه ظالم

سار

ساق

ساق

ساق

ساق

در صورتی که
جزو ۱۹

ساق

کند سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب در وقت دشتن دلیل که از کسان بادشاه او را پناه بود و اگر بنید که با سپهر
 دیگر بود دلیل بر روی بود که دوستان و برادران را از شتر نکند و اگر بنید که سپهر زمین نهاد دلیل که او را پادشاهی حاصل صحبت افتد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوبید سپهر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم یار سوم قوت چهارم سپهر پنجم ایمنی ششم شست و نه
 بقدر بزرگی سپهر سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب دیدن مال و شادای بود و اگر بنید که سپهر زکاودا شست
 دلیل که او را در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر بنید که سپهر زداشت دلیل که ویران مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بنید که سپهر چهارم یاری دشتی
 داشت دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپهر زدان داشت دلیل که بقدر آن مال از سپهر یا جعفر صادق رضی الله عنه نماید
 دیدن سپهر زای مجموع در خواب مال بود سپهر جانوریک که گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام
 بود سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بنید که زمینی دشت
 و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بنید که در آن زمین گیاه مجهول بود و آن گیاه را شناخت
 و به تعجب در آن می نگرست و دانست که در آن زمین ملک و است این جمله دلیل بر دین و دیانت بنید کند و اگر بنید که در آن زمین
 گیاه معروف بود دلیل بر فراخی نعمت و مال وی بود و مغربی رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب چون بوقت بنید دلیل از زید و ورع بود
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر زار در خواب نیک بود و اگر بنید که در سبزه را میقیم شد دلیل که در راه دین میقیم شود و اگر بنید که مرده در میان
 سبزه را میقیم بود دلیل بر عاقبت و ثواب آخرت او بود و کرمانی علیه الرحمه کوبید سپهر زار پاکیزه و حرم بنید و دانند که ملک و است دلیل بر
 دین پاک و ورع و دیانت او باشد و اگر سبزه زار زرد و پژمرده بنید تا پیش بخلاف این بود و اگر بنید که در میان سبزه زاری
 بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت او با مردمان پارسا با دیانت باشد و اگر بخلاف این بنید دلیل که صحبت او با مردمان مفسد
 بود جعفر صادق رضی الله عنه فریاد سپهر در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم بر سپهر کاری
 سبیل ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید که چشمهای وی سبیل داشت چنانکه نمی توانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد
 و اگر چشمهای از زرق بود دلیل که در راه دین با نیکو چشمهای شهادت و سبیل در آن بود و دلیل که فرزندش
 بیمار بود و اگر بنید که سبیل از چشم وی بر گرفت دلیل که توبه کند یعنی کوبید که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که
 سلامت در وطن خود باز رسد سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب مرد منافق بود که بدست وی مال ضایع شود و کرمانی رحمه
 الله علیه کوبید سپهر در خواب کنیزک یا خادم بود و اگر بنید سبوی نو فر گرفت یا بخرید دلیل که کنیزک یا خادمی او را حاصل شود و اگر بنید که
 سبوی ضایع شد یا بگست دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بنید که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بنید که
 سبوی آب صافی پر بود دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوبید سپهر در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مزدور
 منافق دوم زن سوم خادم چهارم کنیزک پنجم توأم دین سپهر ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید سپهر در خواب دلیل بر نیازمندی بود
 و اگر بخواب بنید که مردی نان سبوس میخورد و دلیل که در آن دیار قحط و تنگی افتد و اگر بنید که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل

ج
 س
 ح

سب

ح

سب

سید اب
محمد
تبارکان

این آیه
در سوره نحل
بیاید چهارم

بر نیت و فراخی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید پیوس در خواب بر سره جوبو یکی نیا زمندی دوم خط سیوم تنگی همیشه
سید اب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سید اب بنحو دین دلیل بر نعم و انزه بود و اگر بنید که سید اب داشت یا کسی
 بوی داو دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بنید که سید اب بر روی داشت دلیل که تقدیر او را متاع دنیا
 حاصل شود و کرانی رحمه الله علیه گوید سید اب روی خدشکار بود و بعضی از تعبیران گویند که خدای خانه بود و نیک و بد آن بکبر خدای خانه
 باز کرد و **سید اب** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سید اب محمد به دلیل که راز نهان وی ظاهر کرد و اگر بنید که
 سید اب نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آنکار نراند مغرب رحمه الله علیه گوید سید اب محمد در خواب دیدن مرد از رنج و
 سختی بود و زمان را بر سوانی و ظاهر شدن راز بود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سید اب محمد در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی
 خبر کرده دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی **ستارگان** دانیال علیه السلام گوید ستارگان در
 خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود و اگر زحل را بنید دلیل که او را با مردم و با قنین
 شغل افتد و اگر زحل را بنید دلیل که او را با دشمنان و با ربا و مصلح و نیکخواه کار افتد و اگر زحل را بنید
 را بنید اب بنید تاویل آن بر زمان خبری خوشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد در خواب بنید
 دلیل که او را با مردم حکیم و پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر بنید که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت
 یابد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان تا سه چون عیوق و عقیق و سبیل و طیل که بعضی از ستارگان می پرستیدند اگر یکی از
 ایشان بنید دلیل که او را با دشمنان صحبت افتد و اگر بنید که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناید بزند دلیل عالمی از آن دیار از دنیا
 برو و قول تعالی و علامه و بالجم هم بجهت و ن اگر بنید که ستارگان یکدیگر و دلیل که فتنه و آشوب و بزرگان افتد و اگر
 بنید که ستاره بدست گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بنید دلیل که او را فرزندان بسیار شود
 کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرق در میان پادشاه افتد و اگر بنید که ستارگان جمع شدند
 دلیل که حالش نیک شود و اگر بنید که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بنید که ستارگان مطلق
 وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که ستارگان سخن می گفتند دلیل که پادشاه وقت و اگر باشد و اگر خلاف این بنید دلیل که پادشاه
 ظالم و تمکار بود و اگر بنید که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بنید که ستارگان در آستین خود
 نهاد دلیل که مال بسیار حاصل کند مغرب رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ستارگان یکسار و در برابر او متحرک شدند و در کنار وی
 افتاد دلیل که او را فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بنید ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش
 زیاده شود و اگر بنید که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که
 مردم در میان بد و راه می برند در خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان یکدیگر مردم آزمای پرستند دلیل بر شر و مضرت
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا

پنجم و زار ششم و بران هفتم خزانه دار ششم مردمان جنگجو نهم شاگردان حکایت آورد و اندک در غیاب و مردوی بخواب دید
 که ستاره روشن بر زمین افتاد و مبرن گفتند عالمی بپسورد و آن هفتمه امام عظم از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین گویند
 در خواب خداوند اقبال و دولت بود و اگر بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود و دلیل که از مردوی پیش مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خاوی
 بیفتاد و یا شکست دلیل بر لاک او بود و کرمانی رحمة الله علیه گویند ستون در خواب اسلام بود و اگر بیند که ستون خانه بیفتاد و یا شکست دلیل که
 خداوند خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خاوی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند ستون در خواب
 بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرکب سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کار و پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین رحمة الله
 علیه گویند سجاده در خواب دیدن بخیر بود و اگر بیند که در سجده بر سر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود و قوله تعالی و انحن و
 من مقام ابواهییم مصلی خاصه چون بیند که در سجده مشکف شد مغربی رحمة الله علیه گویند اگر بیند که سجاده پشیم یا پنداشت
 دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سجاده وی نشین بود
 دلیل که طاعت وی ربانی بود و **مسجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گویند اگر بیند که باری سبحانه و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردوی
 بزرگ نظر یابد و اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادیکه دارد بر نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گویند اگر بیند که مهنری را
 سجده کرد دلیل که او را از سلطان رحمت رسد قوله تعالی فتعبدون من دون الله ما لا یفعلکم ولا یضركم **سختن**
 ابن سیرین رحمة الله علیه گویند اگر بیند که تر از دور دست داشت و چیزی می بخشد دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست بخشد
 دلیل که حکم برستی کند قوله تعالی و ذنوبا بالقسط المستقیم اگر بیند که راست بخشد اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر
 عالم نبود دلیل که تقاضی محتاج کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گویند راست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم بوی
 سیوم محتاج شدن بدوری چهارم حاکم شدن و اگر آن که بخشد تا ویش بخلاف این بود **سختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گویند سختن
 گفتن در خواب و شنیدن تا ویل بر زبانها مختلف بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهنران عز و جاه یابد و
 اخباره حضرت رسول صلی الله علیه و سلم استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهنران او را صحبت افتد
 و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عبری سخن گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم
 بی اصل دون همت ویرا کاری افتد و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دلقین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن
 گفت یا شنید دلیل که خبری مکرده شود و اگر بزبان سغدی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شکی افتد و اگر بزبان یونانی
 سخن گفت یا شنید دلیل که بمقتولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت ناوافی غم و اندوه
 رسد کرمانی رحمة الله علیه گویند اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از انصاف
 بود جعفر صادق رضی الله عنه گویند اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و نشود اگر خواب خیر و صلاح بود تا ویل آن
 خیر و صلاح باشد و اگر شر و فساد گوید تا ویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که

ستون

سجاده

مسجد

سختن

سخت

برخوشتن گواهی راست و بر قوله تعالی یوم قتلهم علیهم السلام وایدیهم وارجلهم با کافوا یعلون
 و پندامی که بدان سخن گوید دلیل برتم و بداد باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب در خواب خصومت و
 داوری بود اگر بنید که سراب داشت یا کسی بومی داد دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که سراب بخورد و همین تاویل دارد
 متفرقی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سراب زرد شده بود و میخورد دلیل که بیمار کرد و اگر بنید که سراب کسی داد یا از خانه برون
 افکند دلیل که از جنگ خصومت خلاصی یابد و در دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد سر دانیال علیه السلام گوید
 سر بخواب دیدن بهتر قوم بود و اگر بنید که سر بریده بست دلیل که بهتر بر او دست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که
 بیزخم تیغ سرش از تن جدا کرد و دام دار باشد دلیل که دامش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر این خواب بنده
 بنید دلیل که آزاد کرد و اگر بخورد بنید شفا یابد و اگر بهتر می بنید ولایت یابد و اگر از او بنید دلیل که زنی خواهد مات و اگر
 باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرهای بریده بسیار بنید دلیل که بهتر آن آنجا بسیار جمع شوند و اگر بنید که از آن سرهای
 یا پوست یا مغز دارد دلیل که از آن بهتر آن مال یابد و اگر بنید که پوست سر میخورد دلیل که از بهتر آن و بسیار مال
 حاصل کند و اگر بنید که پوست سرهای مردم میخورد دلیل که بهتر می باوی عتاب کند و اگر بنید که سر مردی معروف میخورد دلیل که سرهای
 خود را بخورد و اگر بنید که سر چهارپائی دشتی میخورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که سر مردی مجهول میخورد دلیل که سرهای میخورد و اگر
 بنید که سر مرغی میخورد دلیل که تقدیر آن مال پادشاه بخورد و اگر بنید که سر مردی سری یا سر پیش او آورد دلیل که سرور آن کرده کرد
 و از ایشان خیر و نیکی بنید و اگر در خواب سر زنی بنید دلیل که از زمان تو آنکر راحت یابد و اگر بنید که سر کوه بنید میخورد دلیل که عمرش
 دراز کرد و مال حلال یابد و اگر بنید که سر کاه میخورد دلیل که آن سال مال و نعمت یابد و اگر بنی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بنید دلیل
 که جاه و قربت یابد و اگر بنید که او را دوسر بود دلیل که کارش قوی کرد و اگر سر خود برهنه بنید دلیل که از خشکی دارد و بخت و غلبه کند و اگر
 بر سر خود جراحی بنید که از آن خون می آمد دلیل که با کسی داوری افتد و اگر بنید که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد دلیل که سرهای
 از دست وی برود و اگر بنید که مغز باز جای خود نهد دلیل که باید باز بدست آورد و اگر بنید که سر وی چرب بود دلیل که کارهای خیر کند
 و اگر بنید که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و ولایتی بهتر کرد و فرمان روا کرد و اگر بنید که سر وی سخن نگوید دلیل که
 نیکو کار باشد و در کاره انصاف نکاید و اگر سخن بد گفت تا پیش بخلاف این بود و اگر سر خود را برهنه بنید چنان که یک نیمه در دست
 راست داشت و یک نیمه در دست چپ داشت دلیل که مادر و پدر وی بمیرند و اگر بنید که سر خود در دست خود داشت دلیل که از بهتر
 خیر و منفعت یا بخیر فی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سر وی چون ستریل شد دلیل که ولایت یابد و اگر بنید که سر وی چون ستر شد دلیل که
 بفساد حرام کراید و اگر بنید که سر وی چون سر سپ شد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بنید که سر وی چون ستر شد دلیل که از بخت خود کامکاری
 یابد و اگر بنید که سر وی چون سر کاه شد دلیل که سبزه خلق خواهد کرد و اگر بنید که سر وی چون سر کوه شد دلیل که چهل بروی غالب
 کرد و اگر سر خود چون سر شیر بنید دلیل که فرمان روائی یابد و دشمن را قهر کند و اگر سر خود را چون سر یک بنید

دلیل که دل و خورای یابد و اگر بنید که سرخو کند میلش بکفر باشد نفوذ باشد منها و اگر بنید که سرخی آکیند شد دلیل بر بلاک وی
بود و اگر بنید که سرخو زین یا سیمین شد دلیل کمال یابد و اگر بنید که سرخو آهین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهنتری سفلی کند و اگر
بنید که سرخو چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که سرخو سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن کند
و اگر بنید که سرخی چون سرمه غان شد دلیل که بفرود و اگر بنید که سرخو بریده داشت دلیل که او را بردار کنند و اگر بنید که سرخو از تن جدا
گردد و باز بر جای نماند و در دست شد دلیل که عاقبت در جهنم آید و اگر بنید که سرخی داشت و زشتی استن بود دلیل که
او را پسری آید و اگر زنی خود را سرشته بنید دلیل که شوهرش بمیرد و اگر بنید که سر بریان مخور و دلیل که مال یابد و اگر بنید که سر
بر بریان بخورید یا کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که از مهنتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان بنا و پل رسی یا
مهنتری کردن باشد و اگر بنید که سرخام مخور و دلیل که مهنتر بر غنبت کند و سرخچه بهتر از خام بود و جعفر صادق رحمه الله علیه گوید سرخو در
بخواب پیر بود یا مهنتر یا پسر و اگر سرخو را بریده بنید دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سرخو را بدست خود بنید دلیل که
با ایشان پیوند و اگر سرخو را باز کردن خود است دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا وام کند و اگر بنید که سرخو می بریده در پیش
داشت و نقص میکرد دلیل که مهنتر آن دیار را غم و اندوه و صیبت رسد و اگر سرخو را پادشاه بردوش خود بنید دلیل که ده هزار درم یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرخو در خواب دیدن برده از ده و ده بود یکی رئیس و دوم مهنتر سیوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم
مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بخواب بنید که سر بزرگ کرد و جامه پاک
پوشیده بود دلیل که او را با مهنتر آن صحبت افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشید دلیل که از مهنتری غم و اندوه یابد و اگر بنید که
سرخ در تنور نهاد دلیل که از مهنتر آن و خادم کارش افتد سراب تا ویش سخن باطل باشد و علمی که در و منفعت نبود
این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین سرانی مقیم شد دلیل که بعلم باطل سخن که در و خیر نباشد مشغول گردد و اگر بنید که از
زمین سراب بخورد دلیل که از علم باطل نان جمع کند سر اسیر و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر اسیرده بنید و دانده که
ملک بود دلیل که بزرگی و منزلت یابد و باشد که مهنتر کشند و اگر بنید که در سر اسیرده پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه
حرمت و جاه یابد و اگر بنید که سر اسیرده پادشاه بنیاد دلیل که زوال مملکت وی بود و اگر بنید که سر اسیرده پادشاه سوخت دلیل که
پادشاه بمیرد و اگر بنید که پادشاه او را سر اسیرده بیرون آورد و دلیل که پادشاهی باید و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن سر اسیرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت چهارم دولت پنجم سرنگی
و انیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بنید که در سرای بکانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مردگان دید دلیل که آنسری آخرت است و حسرت
خواب را وقت اجلش باشد و اگر بنید که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود و لیکن شفا یابد و اگر بنید که پسری معروف شد و بنیادش
از کل بود دلیل که روزی علیل یابد و اگر بنید که بنیادش از کج و آبر بود دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که آنسری بزرگ و فراخ بود دلیل
که روزی بروی فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود و اویش بخلان این بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سرانی

ب

ر

س

خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود بندد و عبادت نکند و اگر بنید که سرای که بنده را میکند دلیل که در خیرات بروی گشاده شود و اگر بنید که سرای نو و پاکیزه بود دلیل بر نزد رستی و عمر و از مادر و پدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سرای نو و پاکیزه در شد و دانست که ملک دینت دلیل که روزی بروی فراخ کرد و در عروجه یا در جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای در خواب بر منعت وجه بود و اگر در زن و زن را شوی دوم تو اگر می بینم چارم عیش و تنعم مال و ثروت و ولایت مقیم امانت و عزت و سرور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی و دین او را حاصل شود و اگر بنید که سرب میگذشت دلیل که بدی در زبان مردم افتد **سرخ** جامه بدانکه در جامه مردان سرخی که است بود و سرخ و اندیشه و زانرا خیر و خرمی و اگر مردی ببیند که جامه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون رنجین را دوست دارد و بر مردم ستم کند بقدر سرخی جامه سرخ در خواب دیدن دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بنید که بزنی سرخی بیرون آمد دلیل که نالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بنید که سرخی از تن او ناپدید شد تا ویش بخلاف این باشد **سفره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بر سر فین در خواب برینج وجه بود یکی سفره تر و دوم سفره خشک و سوم سفره بغم چارم سفره که خون برآورد و پنجم سفره که صفرا برآورد و اگر خواب ببیند که بگاه سر فین بغم برآورد دلیل که پیش کسی شکایت کند از بیماری که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بنید که سفره خشک داشت دلیل که شکایتی از محال و بیهوده بود و اگر بنید که سفره تر داشت دلیل که شکایتی از غلظت یا بود و اگر بنید که سفره خون داشت دلیل که شکایتی وی از فرزندان بود و اگر بنید که سفره صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بنید که منتری می سر فید دلیل که غمخوار دین بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی ببیند که او را سفره می آید دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بنید که سفره و کلوی او بماند دلیل که وقت مرگش باشد و اگر بنید که او را سفره پیران پدید آید چنانکه بغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سر فید دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد **سحر** که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بر سر که در خواب مال حلال بود با برکت و خوردنش تا بویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه و آله و السلام فرمودند خبیب الاکدام خلی و بعضی معبران گفته اند که سر که ترش در خواب آمد و نه بود و سر که فروش در خواب روی خدمت طلب بود **سحر** که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بر سر که سب و کاه و در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که سر که بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بنید که سر که سب مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بنید که در آب خانه سر که می انداخت دلیل که مردی بوی رسد و نقصان مال وی بود و اگر بنید که در بنر طیدی کرد دلیل که مال خود بعضی بیع یا بد و اگر بنید که سر که آن سر که رنجاک پوشید دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سر که مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بنید که بجای کسی مجهول سر که آنکند دلیل که مال خود بجای خج کند و اگر بنید تن خود را بر سر که بیالود دلیل که در گناه افتد و اگر بنید که اسهال پدید آید دلیل که مال با اسراف خرج کند و مال علی السلام گوید بر سر که مردم مال حرام بود و سر که چهار پا یا ن مال حلال بود و سر که دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید بر طیدی که از مردم جدا شود دلیل بر آن باشد و اگر بنید که در میان طیدی می رفت و غرق شد دلیل که او را

س
س
س
س

س

س

از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بید که بای بر بید می نهاد و بختیاد و جامه و اندامش آلوده گشت دلیل که از خاک مفرات نبیند و صوابی
رضی الله عنه گوید سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم کثایت سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم سرین
کردن یعنی جمل باشد مردی بود که مال صحیح کند این سرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که جمل گرفت دلیل که او را با مردی جمل خوار
صحت افتد و اگر بید که جمل شکست دلیل که مردی حرام خوار گشت و اگر بید که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد سرین
رحمه الله علیه گوید سر در خواب سرخ و مفرات بود اگر بید که سر با یافت دلیل که لغز سر را درویشی و تکدی اورا بود و اگر بید که سر اورا
مضرت رسانید دلیل که از خوشبختان اورا مضرت رسد سر سه ابن سرین رحمه الله علیه گوید سر سه در خواب مال بود و اگر بید که سر سه
در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بید که سر کسی بوی داد دلیل که لغز آن مال یا بدگرانی رحمه الله علیه گوید سر سه
در خواب مال و جاهد بود و زنی را و بعضی معتبران گویند که سر سه در خواب یافتن راه حق و صواب بود و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید سر سه فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سر سه روشنائی باشد سر سه دان ابن
سرین رحمه الله علیه گوید سر سه دان در خواب زنی بود که پوسته با خدا یتالی باشد و مردان را برادر دین خواند اگر بید که سر سه دان
وی شکست دلیل که زن وی بهیر و مغربی رحمه الله علیه گوید سر سه دان در خواب زن دیندار بود و اگر بید که سر سه دان وی
ضایع شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود و اگر بید که سر سه انی بخورد دلیل که کینه دیندار بخورد سر سه کوفانی رحمه الله علیه گوید
سر سه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که سر سه داشت یا کسی بوی داد دلیل که شکین و متفکر شود و اگر بید که سر سه میخورد دلیل
که بیمار شود و اگر بید که سر سه کسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته گردد سر سه ابن سرین رحمه الله علیه گوید سر سه در خواب
دلیل بر سخن باطل مصیبت بود و اگر بید که سر سه بانو آئی دیگر چون دف و چنگ و نای میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر
بود و اگر بید که سر سه می شنید دلیل که سخن باطل شود و کوفانی رحمه الله علیه گوید چون خواب بید که سر سه میگفت اگر در بازار بود دلیل
که تو انکران را رسوائی باشد و در ویشان رنم بود و متبآن گویند سر سه و گفتن در خواب یا شنیدن بر تنش وجه بود یکی کلام باطل دوم
غم و اندوه سیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم خجاست ششم علم و حکمت سر سه ابن سرین رحمه الله علیه گوید سر سه با خواب دیدن
همه نیک باشد اگر از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بید و اگر سر سه کا و ما و بید دلیل که در آن سال اورا منفعت
بسیار بود و اگر بزرگ تر باشد حاصل بیشتر باشد و اگر بید که سر سه در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن و یا خیر و منفعت
رسد کوفانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که بر سر خود و سر سه داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد و اگر بر سر خود سر سه و نهای
بسیار بید دلیل بر غم و اندوه بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که بر سر سه داشت دلیل که صلاح و کارش باز یابد
آید و عمر در خرمنی بگذراند و اگر بید که مردم را بدان سر سه میزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سر سه های چهار پائین و شتی دلیل بر خیر و منفعت بود و سر سه چهار پائین شهری دلیل بر خلاف این بود سر سه
ابن سرین رحمه الله علیه گوید سر سه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان باشد و اگر بید که

درین
سین
که
سه
درین
انچه
و
انچه
شبه

از عجم باشد و اگر بنید که سکی اورا بگزید دلیل که از دشمن گزند یابد و اگر بنید که جامه او بآب دهن سگ آلوده شد دلیل که از دشمن بجنب خسته
 کرد و اگر بنید که سگ جامه او بدرید دلیل که در مال و نقصان آید و اگر بنید که گوشت سگ میخور و دلیل که دشمنی را دفع کند و اگر بنید که
 نان بسک داد دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بنید که سکی باوی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند و اگر بنید که سگ بروی
 تکیه کرد دلیل که دشمنی فرومایه اعتماد کند و اگر بنید که شیر سگ میخور و دلیل که ترسی و بی بوی رسد و اگر بنید که سگ از وی میگریخت
 دلیل که دشمنی پر حذر باشد که مانی رحمته الله علیه گوید اگر بنید که ماده سکی در خانه وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه زنی
 کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بنید که سگ شکاری شکار میگرد دلیل که او را دشمن
 که دعوی داشت کند خبری بد و رسد و اگر بنید که گوشت سگ شکاری میخور و دلیل که میراث یابد و اگر بنید که سگ شکاری از وی دور
 گشت دلیل که از دشمن بامنعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم
 پادشاه طامع سیوم و انشد چهارم مرد غماز سسکیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سگ اگر بگوشت گو سپید و حواس پنجگانه بود
 دلیل بر عیش خوش و غرور و جاه بود و اگر بگوشت کاه چخته بود دلیل بر یافتن مال و خواسته بود و اگر بگوشت مرغ چخته بود دلیل
 بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سکوره نوبه دادند دلیل که سخنی
 لطیف شود و اگر بنید که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل شود و بعضی از معتبران گویند که سکوره در خواب
 کینک بود و اگر بنید که سکوره نوحزید دلیل که کینک نومی خرد و اگر بنید که سکوره بشکست دلیل که کینک او ملاک شود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کینک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم
 مال هشتم سخن خوش نهم میراث از بیت زمان سسکنجبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سسکنجبین در خواب چون شیرین بود
 دلیل بر مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید و اگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بنید که
 سسکنجبین خور و اگر شیرین بود دلیل که شفا یابد و اگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز شود و سسکلاح ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر بنید که سسکلاح پوشیده در میان خلقی بکانه بود دلیل که عوام زبان بروی دراز کند و لیکن مکره سی بوی نرسد
 و اگر بنید که روی آتشا بود و دلیل بر دشمنان ظفر یا بند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را با تیر و کمان بنید دلیل که
 بزرگی یابد و اگر بنید که از آن آلهتای که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود
 و اگر بنید که با کسی جنگ و نبرد میکرد دلیل که در جنگ و خدمت افتد و اگر بنید که کسی او را بود دلیل که آنکس را مضرت
 رساند و مخری رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را زخمی بزدند آنکه آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد و اگر بنید که
 در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال جمع شود و اگر بنید که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از
 آن کس مال و نعمت رسد و اگر بنید که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را سخنی سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر
 بنید که سر یکی ببرید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود

سکبا

سکوه

سسکنجبین

سسکلاح

سیرت

یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و صلاح کرد در خواب پادشاه بزرگ داد و کرد بود سلام
کردن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر بنید که دشمنی بروی
سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود و اگر بنید که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی با وی دوستی یا دشمنی
کیرد و اگر بنید که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که از غلب حق تعالی امین کرد و اگر بنید که پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل
که زنی خو بروی خواهد که زنی که بنید که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد
مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که اقبال دنیا یا بدو اگر بنید که در نماز بود و سلام بجانب چپ داد دلیل که کارش
شورید کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی آمیختی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت مال
سلطان ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که سلطان در سرای یا در مسجدی یا در شهری یا در دهی شد دلیل که بخشی و بخشی
بدان مقام رسد قوله تعالی ان المملوک اذا دخلوا قریة اتخذوها اگر بنید که در جنگ با سلطان علیه کرد دلیل که
حاجتی که دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بنید که سلطان دست راستش بریده دلیل که سوگندش دهند و اگر بنید که
سلطان از تخت بقیاد یا تخت لشکرت یا آب او را لکزد یا شمشیری بشکست یا کاهوی سرونی بروی زد و او را
مجرع گردانید این همه دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان داد و کرد بنید دلیل بر شرف و بزرگی وی بود و بقدر آنکه عدل کند اگر
بنید که سلطان بساطی بزرگ بکشد دلیل که ملک دنیا او را نشود و عمرش دراز کرد و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر سلطان
کا خوش نیکو بنید دلیل که عمر و جانش زیادت کرد و اگر سلطان مرده را کشته روی و خرم بنید و با وی سخن گفت دلیل که کاه
او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده کرد و سماروغ کیا پیست که او را کاغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی
خیر نباشد و اگر زیاد از سماروغ بنید دلیل بر مال و نعمت بود که از زنی بوی رسد که زنی رحمه الله علیه کوید اگر سماروغ بزرگ بود
دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید سحاق ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سحاق در خواب دیدن دلیل بر
جنگ و خصومت بود و اگر بنید که ساق خورد دلیل که کسی کشته کند و در خوردن ساق هیچ خیر نبود سمانه ابن سیرین رحمه الله علیه
کوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب بنید که سمانه گرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزند می آید و اگر بنید که
سمانه در دست وی پرید فرزند غلامش بمیرد که زنی رحمه الله علیه کوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود
قوله تعالی و انزلنا علیک المّن والسّلاوی اگر بنید که گوشت سمانه میخورد دلیل که روزی حلال یابد
جعفر صادق رضی الله عنه کوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سوم منفعت
چهارم خیر و مال سمسور ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سمسور در خواب مردی کافر و ظالم و راهزن بود و اگر بنید
که با سمسور روبرو میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بنید که گوشت سمسور
میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد که زنی رحمه الله علیه کوید سمسور در خواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست

سیرت

سیرت

سیرت

سیرت

و موی وی در خواب مال و خورسته بود و اگر بنید که سمور را کشت و گوشت او بر زمین افتاد و دلیل که مال مردی غریب تلف کند
سنان ابن سیرین رحمه الله علیه بدید که سنان بر تن خشم زد و او را بکنید و دلیل که حصیر را بخت غلبه کند و بروی طفره بابد
 و اگر بنید که سنان وی بشکست یا ضایع شد و اویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه بدید که سنان پولاد درفشند و داشت
 اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند و اگر بنید که سنان زنگ گرفته بود و دلیل که
 نفعتش اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن سنان در خواب برش و وجه بود یکی حجت دوم ولایت سوم عمر و در چهارم
 طفره پنجم ریاست ششم منفعت بعد از قیمت سنان **سنب** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سنب در خواب فرزند بود و اگر
 بیند که سنبی فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او فرزند می آید و اگر بنید که سنبی داشت و از ضایع شد و دلیل که فرزندش غایب شود
 یا بهر و کرمانی رحمه الله علیه کوید سنب خرد خواب مال بود و اگر بنید که سنبها فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل
 کند و اگر بنید که بریای او سنب بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بنید که سنب بقیه تا اویش بخلاف این بود **سنبیل**
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر خواب دید که سنبیل داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بنید که سنبیل خشک داشت
 تا اویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که سنبیل تا ده میخورد و دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزند می آید که در آن
 و یا مشهور کرد و اگر بنید که سنبیل بر آتش می سوخت دلیل بر نقصان مال بود و **سنبجاب** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سنبجاب در
 خواب مردی غریب و توانگر و ناآمین زنده بود و پوست و موی و تنخوان وی مال خواسته بود و گوشت وی مال غریبی بود و اگر بنید
 که سنبجاب را کشت و گوشت او بخورد و بکنید و پوست او پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا بقتل رساند کرمانی
 رحمه الله علیه کوید اگر بنید که سنبجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد و دلیل که دو شیر کی دختر برد **سنبجدر** ابن سیرین رحمه الله علیه
 کوید سنبجدر خواب مال صالح بود که برنج بدست آرد و اگر بنید که سنبجدر بدید یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بنید که سنبجدر
 میخورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید سنبجدر در خواب بر سر وجه بود یکی مال برنج دوم مال بهر
 سیوم منفعت از مردم بخوشی **سندان** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید سندان خواب دیدن رئیس بزرگ بود و اگر بنید که
 سندان فرا گرفت یا کسی بوی داد و دالت که ملک اوست و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یابد کرمانی رحمه الله علیه کوید سندان
 در خواب دلیل که بامتهری صحبت افتد و از وی راحت یابد و اگر بنید که سندان کسی دا یا ضایع شد و دلیل که از صحبت مردی بزرگ
 جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی متهری دوم منفعت سیوم قوت چهارم
 ولایت پنجم اقبال در کارها **سنگها** کرمانی رحمه الله علیه کوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم متهری و سهرنگی که نرم
 بود و منفعت بیشتر باشد اگر بنید که سنگی سپید گرفت دلیل که بامتهری خوش خلقی او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بنید که سنگی سیاه گرفت
 دلیل که بامتهری از عیب او را صحبت افتد و اگر بنید که سنگی سرخ گرفت دلیل که بامتهری منفعت او را رختی باشد و اگر بنید که کوئی زفت و سنگهای بسیار در دهن
 کوه گرفت و یا در دهن بزرگ یا در گان سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منافقتی کند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید دیدن سنگها و خوابی بخنی باشد و اگر

سنان

سنب

سنبیل

سنبجاب

سنبجدر

سندان

سنگها

دلیل که مال خود را در راه خدا تصدق کند کافی رحمة الله علیه کوید و در می پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید در زیاده و در راه دین مجتهد بود **سورة المؤمنین** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة المؤمنین میخواند دلیل که بامؤمنان در بهشت رود کافی رحمة الله علیه کوید و رجالت و نیش قوی کرد و سیرت پسندیده اختیار کند **سورة الفرقان** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة الفرقان میخواند دلیل که راستی حق از باطل جدا شود کافی رحمة الله علیه کوید میان خلق مصنف و داد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید از راه باطل براه حق کراید **سورة النور** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة النور میخواند دلیل که دلش لطم و حکمت منور گردد **سورة الشعرا** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة الشعرا میخواند دلیل که در پناه حق تعالی باشد کافی رحمة الله علیه کوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید باری سبحانه و تعالی او را از نوازش نکاهد **سورة النمل** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة النمل میخواند دلیل که بزرگی یابد کافی رحمة الله علیه کوید بخش مساعد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید مال و نعمت فراوان یابد **سورة القصص** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة القصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بزرگتر حق تعالی مشغول کرد و کافی رحمة الله علیه کوید پیوسته در راه دین و صلاح کوشید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید در می رحمت بروی کشاده کرد و **سورة العنکبوت** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در ایمان خدایتعالی باشد کافی رحمة الله علیه کوید از رخ و بلا امین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید که خلق را از صلاحیت و نعمت او نصیب بود **سورة الروم** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة الروم میخواند دلیل که بردست وی شهری از روم کشاده کرد و کافی رحمة الله علیه کوید در کار دین و غزاهما و مجتهد کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید که مردم را از دین و صلاح وی بهره باند **سورة السجدة** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة السجدة میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برو و کافی رحمة الله علیه کوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق علیه السلام فرماید که عاقبت کارش محمود باشد **سورة الاحزاب** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة الاحزاب میخواند دلیل که مال یابد و بختش بدر کافی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که سورة الاحزاب میخواند دلیل که صدق و یاریابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که سورة الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه و تعالی یابد **سورة السبا** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد کرد و کافی رحمة الله علیه کوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که سیرت صلحا گزیند **سورة فاطر** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود کرد و کافی رحمة الله علیه کوید پیوسته در طاعت مشغول کرد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید که در نعمت بروی کشاده کرد و **سورة النیس** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کجواب بنید که سورة النیس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد کافی رحمة الله علیه کوید که عمرش دراز باشد انق تعالی اصل و علا رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه

سورة المؤمنین
سورة الفرقان
سورة النور
سورة النمل
سورة القصص
سورة العنکبوت
سورة الروم
سورة السجدة
سورة الاحزاب
سورة السبا
سورة فاطر
سورة النیس

و سلم در دلش مستقیم شود **سورة الصافات** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الصافات میخواند دلیل که
بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که براه صلاح و آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزند دینی
صلاح آید **سورة ص** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة ص میخواند دلیل که مالش زیاده کرد و دوزخ نشود
سورة الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الزمر میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی کنایهش عفو کند
کرمانی رحمه الله علیه گوید خاتم کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در پیش قوی کرد و سورة مؤمن ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة مؤمن میخواند دلیل که مؤمن مخلص بود کرمانی رحمه الله علیه گوید در شریعت نکاه دارد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد **سورة فصلت** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که
سورة فصلت میخواند از مقربان حق کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
داعی بود بحق و اجابت کند و **سورة حم عسق** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة حم عسق میخواند
دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید تا ویش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمرش
دراز کرد و **سورة الزخرف** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت
بسیار کند و پیوسته روزه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود **سورة الدخان**
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمه الله علیه گوید
راست کوشی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید توانگر کرد و سورة الجاثیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید
که سورة الجاثیه میخواند دلیل که توبه کند و بخواند تعالی باز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بزرگ کار بود توبه کند
سورة الاحقاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادی و دینی
بجای آورد کرمانی گوید با مادر و پدر چنان کند و عجایب بسیار بنمید **سورة محمد** علیه السلام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
اگر بخواب بنمید که سورة محمد علیه السلام میخواند دلیل که بدشمنان ظفر یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید از آفت و بلا ایمن کرد و
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد **سورة الفتح** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الفتح میخواند
دلیل که در همه باب اوراق و نصرت باشد **سورة الحجرات** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة الحجرات میخواند دلیل که
مردم را با لقا خواند و غیبت نکند کرمانی رحمه الله علیه گوید که از کس بخوبی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با مردم پیوند و **سورة**
الذاریات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنمید که سورة الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول کرد و کرمانی رحمه
الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ کرد و سورة قاف ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنمید که سورة قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد کرمانی رحمه الله
علیه گوید که کارهای دشوار بر روی آسان کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب و بهره یابد **سورة الطور**

ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ سورۃ الطور میخواند دلیل کہ بروشن ظہر یا بدکرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ حق تعالیٰ
 جل و علا اور یاری وید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ در مکہ مجاور شود سورۃ النجم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ
 سورۃ النجم میخواند دلیل کہ حق تعالیٰ جل و علا در حجت بروی کشادہ کرواند کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ بروشن ظہر یا بد جعفر صادق
 رضی اللہ عنہ کو یہ کہ حق سبحانہ و تعالیٰ اور السیر می صالح دہ سورۃ القمصر ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ
 القمصر میخواند دلیل کہ بروشن ظہر یا بد کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کارهای و شور بروی آسان کرو و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ
 کہ جادو بروی کار نیکد سورۃ الرحمن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الرحمن میخواند دلیل کہ از
 دروغ و حرام اجتناب کند کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ سیرت نیکو و راہ دین کز نیکد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ درین جهان
 مال یابد و در آن جهان نعمت سورۃ الواقعة ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الواقعة میخواند دلیل کہ
 از کسایان توبہ کند کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ در طاعت سبقت کند
 سورۃ الحجد یابد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الحجد میخواند دلیل کہ روزی بر سنج و سختی یابد
 کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ راہ آخرت کز نیکد و رضای حق تعالیٰ جید جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ در راہ دین توبہ
 کرد و سورۃ المجادله ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ المجادله میخواند دلیل کہ او را با زبان خصوصت
 افتد کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ در راہ دین با خلق مجادله کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ با اهل خود خصوصت کند
 سورۃ الحشر ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الحشر میخواند دلیل کہ حشر وی با مخلصان باشد
 کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ صحبت او با و نیکد از ان و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ بروشن ظہر یا بد
 سورۃ الممتحنہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الممتحنہ میخواند دلیل کہ از مالش کار برستی کند کرانی
 رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ صحبت او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ محبتی گرفتار شود و کہ ہلاک او در آن باشد
 سورۃ الصف ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الصف میخواند دلیل کہ در راہ غلامی غرض غرا کند
 کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ پیوستہ در رضای خدا تعالیٰ باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ آخر عمر شہادت یابد
 سورۃ الجمعہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الجمعہ میخواند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالیٰ او را توبہ روزی کند
 کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ توفیق خیرات یابد سورۃ المنافقون ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ المنافقون
 میخواند دلیل کہ منافق باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ از منافق توبہ کند سورۃ التغابن ابن سیرین رحمۃ اللہ
 علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ التغابن میخواند دلیل کہ صدقات بپار و بد کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ دستگیری
 ضعیفان بکند جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو یہ کہ راست قول و مقیم احوال باشد سورۃ الطلاق ابن سیرین
 رحمۃ اللہ علیہ کو یہاں کہ جواب بنید کہ سورۃ الطلاق میخواند دلیل کہ با زبان گفتگوئی کند کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو یہ کہ سیرت

سورۃ النجم

سورۃ القمر

سورۃ الرحمن

سورۃ الواقعة

سورۃ الحجد

سورۃ المجادله

سورۃ الحشر

سورۃ الممتحنہ

سورۃ الصف

سورۃ الجمعہ

سورۃ المنافقون

سورۃ التغابن

سورۃ الطلاق

حق نکاه را در جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند **سورة التخریم** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة التخریم** میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید از حرام توبه کند و دور باشد
سورة الملک بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الملک** میخواند دلیل که او را عذاب کور نباشد کرمانی
 گوید که عاقبتش محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد **سورة القلم** بنام سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بنید که **سورة القلم** میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید با همه کس احسان کند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خدای عزوجل او را حلل روزی کند **سورة الحاقة** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة الحاقة** میخواند دلیل که فریضه های خدایتعالی بگذارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق کرند جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید که بر جاده شرع باشد **سورة المعارج** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة المعارج** میخواند دلیل
 که خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات کراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم امین گردد
سورة النوح بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النوح** میخواند دلیل که توبه کند و عاقبتش محمود گردد کرمانی
 رحمه الله علیه گوید که نادیش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که معروف کند **سورة الجن** بنام سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بنید که **سورة الجن** میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن امین باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
 دیو و پری مضرت او را نرساند **سورة فصل** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة فصل** میخواند دلیل که
 نازش و دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد **سورة مدثر** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 بنید که **سورة المدثر** میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک و راه راست یابد **سورة الیقیم**
 بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الیقیم** میخواند دلیل که شهادت از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کتاب
 کرد **سورة الانسان** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة الانسان** میخواند دلیل که در ویشان را
 طعام دهد و رضای حق تعالی عزوجل جوید کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر سخاوت و شکر نعمت توفیق یابد **سورة المرسلات**
 بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة المرسلات** میخواند دلیل که از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه
 علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد **سورة النبأ**
 بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النبأ** میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود **سورة النازعات**
 بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که **سورة النازعات** میخواند دلیل که
 بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت امین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید که دلش از مرگ و حیل و خیانت پاک گردد **سورة عبس** بنام سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید

سورة التخریم
سورة الملک
سورة القلم
سورة الحاقة
سورة المعارج
سورة النوح
سورة الجن
سورة فصل
سورة مدثر
سورة الیقیم
سورة الانسان
سورة المرسلات
سورة النبأ
سورة النازعات
سورة عبس

که سوره عیس میخواند دلیل که بدو در وی ترش کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که خیرات کند سوره التکویر بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره التکویر میخواند دلیل که از درویشم ترسد کرمانی
 رحمة الله علیه گوید که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه بیشتر بدین شود سوره الانفاطار
 بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الانفاطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که
 وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سوره المطففین بن
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمان راست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که
 راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همس منصف بود سوره الانشقاق بن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر بخواب بنید که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمال وی در دست راست وی و دیند کرمانی رحمة الله
 علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امنا و صدقانه روی آسان کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نسلش بسیار
 کرد و سوره البروج بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره البروج میخواند دلیل که در دنیا اندوختن
 باشد و عاقبت کارش محمود کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که از غمها فرج یابد سوره الطارق بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الطارق میخواند دلیل که او را
 فرزندی صالح آید کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوب روی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل و
 حرم شود سوره الاعلی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الاعلی میخواند دلیل که بخت و تمهیل بسیار خواند
 کرمانی گوید زبانش بذكر حق مشغول و جاری کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار و شوار بروی آسان کرد و سوره
 الغاشیه بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الغاشیه میخواند دلیل که از بول قیامت ترسد و توبه کند و از آن
 ترس این کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای حق تعالی عزوجل ثابت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او
 بزرگ شد و سوره الفجر بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیک مشغول کرد و
 کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هیت و سکوه او کم شود سوره الیل بن
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الیل میخواند دلیل که صدقه و اذن بر او واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله
 علیه گوید که با همس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بنید که سوره الیل میخواند دلیل که از آفات و بلیات امین کرد و
 سوره الشمس بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره الشمس میخواند دلیل که بدوست او کاری نماند و رود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از لایه امین کرد و سوره اللیل بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوره اللیل
 میخواند دلیل که سایه از آتش نکند و زکوة مال دهد سوره الضحی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که
 سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی نخواهند کان بد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را عزیز دارد

سوره التکویر
سوره الانفاطار
سوره المطففین
سوره الانشقاق
سوره البروج
سوره الطارق
سوره الاعلی
سوره الغاشیه
سوره الفجر
سوره الیل
سوره الشمس
سوره اللیل
سوره الضحی

سورة الم نشرح ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الم نشرح ميخواند دليل كه دشواري بروي آسان كرد
كراني رحمه الله عليه كويد كه كاري بسته بروي كشاده كه در جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه مراد و جاني بايد سورة التين
ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة التين ميخواند دليل كه نيك سيرت و خوي و خوب كردار كه در كرماني رحمه
الله عليه كويد كه خير و منفعت بايد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه از سختي فرج بايد سورة العلق ابن سيرين رحمه الله عليه كويد
اكر جواب بنيد كه سورة العلق ميخواند دليل كه حبيب سعادتي او را عاقل و قزان روزي كند كرماني رحمه الله عليه كويد كه عالم فصيح كه در
جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه متواضع و نيكو خصال بود سورة الفجر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الفجر
ميخواند دليل كه از دنيا برون نرود تا ثواب شب قدر يا بدكراني رحمه الله عليه كويد كه عيش و دراز كرد و مراد يا بد جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه جاه و قدرش عالي كه در سورة البقرة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة البقرة ميخواند دليل
كه با ثواب از دنيا بروي كرماني رحمه الله عليه كويد كه مردم را راه خير و صلاح دارد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه سين تاويل دارد
سورة الزلزله ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الزلزله ميخواند دليل كه اورا بكسي كاري افتد و عدل و
الضامن كند جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه قومي از كافران هلاك كند سورة العاوييات ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب
بنيد كه سورة العاوييات ميخواند دليل كه اهل بيت او اوست و ايد كرماني رحمه الله عليه كويد كه بخوار و جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه غزا كند و مظفر كرد سورة القارعه ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة القارعه
ميخواند دليل كه در قيامت ترازوي اعمال وي از كره و نيك كران آيد كرماني رحمه الله عليه كويد كه در كاخير كوشد جعفر صادق
رضي الله عنه كويد كه مردم را كرامت دارد سورة الشكاثر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الشكاثر ميخواند دليل
كه زيارت جمعي صالحان كند كرماني رحمه الله عليه كويد كه اورا قومي دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه دست از دنيا
بدارد سورة العصر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة العصر ميخواند دليل كه در كارها
صابر و شكيبا كرد و كرماني رحمه الله عليه كويد كه اورا زباني رسد جعفر صادق رضي الله عنه كويد كه از تجارت كاست
نيك شود سورة الهمزة ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الهمزة ميخواند دليل كه سخن بسيار
كويد و پيش مردم روشناس كرد و كرماني رحمه الله عليه كويد كه مال حريص بود و از عاقبت نيزد شد جعفر صادق رضي الله
عنه كويد كه در راه خداي تعالى مال نفقه كند سورة الفيل ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة الفيل
ميخواند دليل كه ظالم را ياري و يار و يار و دشمن نطفه يا بد و مرادش حاصل كرد و جعفر صادق رضي الله
عنه كويد كه دست او فتي بر آيد و دشمن نطفه يا بد سورة القدر ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب بنيد كه سورة
القدر ميخواند دليل كه از ترس بيم اين كرماني رحمه الله عليه كويد كه بكسي صحبت دارد كه او را نصيحت كند در راه دين جعفر
صادق رضي الله عنه كويد كه با خلق احسان كند سورة الماعون ابن سيرين رحمه الله عليه كويدا كرجواب

سورة التين
سورة العلق
سورة الفجر
سورة البقرة
سورة الزلزله
سورة العاوييات
سورة القارعه
سورة الشكاثر
سورة العصر
سورة الهمزة
سورة الفيل
سورة القدر
سورة الماعون

خورد و دلیل بر خشم خدا تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در و ام غرق شود و از پادشاه زبان بپند کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که سو کند راست خورد و دلیل که او را توبه باید کرد و از گناه و خطا تار استکار شود و اگر بنید که سو کند دروغ خورد و دلیل که در نیش تباها شود
 و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی و یجلفون علی الکذب و هم یعلمون مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سو کند
 بر است خورد و دلیل که اندوه و مضرت بنید سوراخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سوراخی بود و در آن سوراخ
 شد دلیل که از راز پادشاه آگاه کرد و اگر بنید که در اندام وی سوراخی بود و از آن خون میرفت دلیل که او را زبانی رسد مغربی
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در شکم وی سوراخی بود و دلیل که از عیال خود نا امین بود و اگر بنید که در سکنی سوراخ میکرد و دلیل
 که در سلمانی پایدار بود و اگر بنید که در درختی سوراخ میکرد تا ویش بخلاف این بود و میسران گویند که بقدر مان سوراخ مال او
 نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از
 سوراخی که چپ کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز بسوراخ رو نموانست رفت گفت آن سوراخ و در است
 و آن کاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نزد سوراخ و در حرف میم بای کنیم سیب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون سرخ باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از
 بازار کان بود و چون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که سیبی سپید بدو نیم کرد و دلیل که شرکت با کسی که دارد
 از وی جدا شود و اگر بنید که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد و دلیل که او را دختر می آید کرانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب
 دلیل خیر بود و اگر سیب ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بنید که سیب شیرین بود دلیل خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید
 اگر بخواب بنید که سیب داشت و خورد و دلیل که نفع یابد و سیب همت بنیده خواب باشد و در نخل و صفت وی اگر پادشاه سیب
 بخواب بنید دلیل که مملکت یابد و اگر بازار کان بنید دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب
 بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم منفعت نسوم بیماری چهارم کینک پنجم مال ششم فرمان روالی هفتم همت خداوند خواب و خبر
 غایب و حاضر سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرانی از گوید خوردن سیر در خواب
 خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بنید که سیر نخیده خورد و دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی گوید که سیر در خواب بخور و اگر سیرین
 باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم اگر سیرین
 پنجم سختی دیدن سیر می ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خورد و خواب سیری بنید دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف
 بود و اگر خورد و اگر بنید دلیل که مصیبت کند کرانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه سیر بنید زیرا که هر دو خلاف
 طبع اند و اگر خلاف طبع بود از وی مزاج برنج آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بنید که سبزی داشت دلیل که ناوش بخور
 یکی منتشر کرد و اگر بنید که در زمین او سبزه بود بوقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بنید دلیل بر مضرت باشد
 سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بنید که در میان سیکی شد دلیل که در رفته افتد

سورخ

سورخ

سورخ

سورخ

سورخ

سورخ

سورخ

و اگر بنید که سیکی میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام یا بدو اگر بنید که سیکی میخورد دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست
 آورد و اگر بنید که در خانه سیکی بسیار داشت دلیل که بقدر آن از و متعان منفعت یا بدگرانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که سیکی
 می آمیخت و میخورد دلیل که مالی باید که بعضی حلال باشد بعضی حرام بود و اگر بنید که سیکی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و
 را بدو در سیکی خوردن چیز نباشد و الی را دلیل بر عزل بود و سیکی خرما غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید سیکی در خواب
 بر سر وجه بود و سیکی مال حرام دوم تزویج کردن سیوم نعمت این جهانی و سیکی فروش در خواب مروی بود که جنک و فتنه
 طلب کند سیکی این سیرین رحمة الله علیه کوید سیکی در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود و اگر خواب بنید که
 سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد دلیل که دشمن ظفر یا بدو غم و اندوه وی کم شود و اگر بنید که سیل میگرخت دلیل
 که از دشمن بگریزد و گرانی رحمة الله علیه کوید سیل در خواب در و یا سردی غم و اندوه بود و در و یا گرم سیر دلیل بر
 منفعت بود و مغزلی رحمة الله علیه کوید اگر جهان پر سیل بنید و نداند که این سیل از کجاست دلیل که حقیقتا نه و تعالی عذابی
 بدان دیار فرستد قوله تعالی فارسلنا علیهم الطوفان و بعضی از معبران گویند که چون خواب بنید که سیل جانی خراب
 میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصوره بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن سیل در خواب بر چهار وجه
 بود و یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم شکر غایت چهارم ملا و فتنه سختی سیلاب این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر
 خواب بنید که در معدن سیلاب درون شد یا از آنجا سیلاب برگرفت دلیل که زلزله در کار بد افتد و اگر بنید که سیلاب به جز
 یا کسی داد و دلیل که از کوه حیات زن امین کرد و اگر بنید که در چشمه سیلاب غرق شد دلیل که زنان بروی جاو و کنند چشم
 این سیرین رحمة الله علیه کوید سیلاب مردم باشند که در خواب سیم بنید و در بیداری سیم یا بنید و بسیار بود که در خواب
 سیم بنید و در بیداری غم و اندوه بود و بسبب طبیعتی مختلف گرانی رحمة الله علیه کوید سیم در دست و در خواب خبر راست
 باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل که کسی پیش او و بختی نهد و انیال علیه السلام کوید اگر کاسه یا
 آفتاب یا طشت سیمین خواب بنید که بی اندازه آفات سیمین بایست و دلیل که بقدر آن کنج یا بدو اگر بنید که از معدن سیم پاره
 بایست دلیل که از آن دیار زنی خواهد و سیم پاره در خواب مروی بود که در حق او سخن راست گویند سیم رخ این سیرین رحمة الله علیه
 کوید اگر خواب سیم رخ بنید دلیل که بامروی خوش طبع و بزرگواردوستی کند و اگر سیم رخ ماده بنید دلیل که زنی با جمال و خوروی بود
 و اگر بنید که سیم رخ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه کرد و اگر بنید که با سیم رخ جنک میگرد دلیل که بامروی بزرگ خصوصیت کند
 و اگر بنید که گوشت سیم رخ میخورد دلیل که بقدر آن از مروی بزرگ مال یا بدگرانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که سیم رخ ماده کشت
 و دلیل که دشمنی دختر یا ستانند و اگر بنید که سیم رخ از دست وی برید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که بچه سیم رخ
 بگرفت دلیل که او را فرزندی ابله یا مغربی رحمة الله علیه کوید سیم رخ در خواب یا پادشاه بود و اگر بنید که سیم رخ در کوه
 فرو آمد و اهل کوه سیم رخ را بگشتند دلیل که پادشاه آن دیار بپاک شود و اگر بنید که از سیم رخ عیتر سبب دلیل که پادشاه

سی

سیلاب

سیم

سیم رخ

اور اعطاء دہ سینہ ابن سیرین کہ کوید سینہ در خواب شریعت بود و قوله تعالیٰ اقص من شریح صمد لله للاسلام
 اگر خواب بیند که سینہ وی فراخ شد دلیل که کارهای وی ساخته کرد و اگر بیند که سینہ وی تنگ شد دلیل که در پیش خلل
 بود و اگر بیند که بر سینہ وی خطی بنشیند بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینہ وی خطی بود و نبش بود دلیل که در
 دین او خلل افتد و بی شهادت میرود و اگر بیند که از سینہ وی ستره بود دلیل که وانش گذارد و شود مغربی رحمة الله علیه
 کوید اگر بیند که سینہ وی دم گرفته بود چنانکه دم نتوانست زدن دلیل که دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بیند که سینہ
 وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او متعلق کسی بود و انیال علیه السلام کوید اگر بیند که سینہ او تنگ بود دلیل که گداز
 کرد و اگر بیند که خود فراخ بنید دلیل که خرم و شاد گردد و بعضی متبرن کوید اگر کافر سینہ خود را فراخ بنید دلیل که مسلمان شود
 فَمَنْ يَرَى اللَّهَ أَنْ يَحْدِثَ بِهِ شَيْخًا صَدَقَ اللَّهُ عَلَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَوَيْدِ بْنِ سَيْنَةٍ وَرَخَابِ بْنِ سَيْنَةٍ
 و چه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت بیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم ترک هفتم بخل حرف الشین + شادی
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان شد دلیل که از آنکس غم
 اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بنید دلیل که حالش نیکو گردد و دو خاتش بسعادت بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید
 اگر خواب بیند که بی سبی شادمان بود دلیل که اجلش فرارسیده بود و قوله تعالیٰ حَتَّىٰ إِذَا فُجِّعَ أَمَّاؤُهُمْ أَخَذَتْهُمُ النَّفْسُ
 شاد و روان ابن سیرین رحمة الله علیه کوید شاد و روان نو و فراخ در خواب کسره بود و دانست که ملک اوست دلیل که
 بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر در زیاده و اگر بیند که بشاد و روان با دوستان در شرم خود یا جای بیکانه نشسته بود دلیل
 بر مال و نعمت و درازی عمر و روزی بود و اگر بیند که در جای بیکانه از بهر شاد و روان کسره بود و نداند که شاد و روان
 از آن کیست دلیل که احوال بروی تغییر کرد و در عزت میرود و اگر شاد و روان که یک در خواب بیند دلیل بر روزی اندک و عمر
 کوتاه بود و اگر بیند که شاد و روانی حمید بر خود گرفته بود دلیل که از جای خود بجای بیکانه رود و اگر بیند که بر شاد و روان صوت
 مروی نکاشته بود و آن مردی شناخت و با وی سخن گفت دلیل که غم و راد بر روغ ستایش کند و اگر بیند که شاد و روان
 بنفرت یا کسی داد و تایش بد بود و انیال علیه السلام کوید اگر بیند که شاد و روان کسره بود دلیل که بر روزی عمر و ساختگی کار بود
 و اگر بیند که شاد و روان که یک بود و در زیر او فراخ شد دلیل که روزی بروی فراخ کرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او
 تنگ شود و اگر بیند که شاد و روانی فراخ کسره بود و برست خود در نوشت بکج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباہ
 کند مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بیند که شاد و روان که نه دوریده بود دلیل که بعشرت دنیا مشغول کرد و اگر بیند که شاد و روان سیاه
 یا کوید بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شاد و روان زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر شاد و روان سپید بنید دلیل بر نعمت و فراخی
 روزی حلال بود و اسمعیل اشرف رحمة الله علیه کوید اگر بیند که شاد و روانی مجبول در جای بیکانه محمول افکند بود دلیل که آنچه
 دارد از دستش برود و اگر بیند که شاد و روان معروف در خانه کسی کسره بود دلیل که خداوند خانه را روزی و

سینه

سینه

شاد و روان

بنی

نه

موی

شاه و

شاه

میت

نعمت بود و اگر بیند که در خانه محبوس نشود و ای انداخته بود و او بر آن نشسته بود و دلیل که بسفر رود و در آن سفر اقامت
 حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد روان و خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر تسویم منفعت چهارم معیشت
 شاخ ابن سیرین رحمه الله گوید دیدن شاخها در خواب برخداوند خواب دلیل بر برادران و فرزندان و خوششان بیننده
 خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خوششان او بسیار بودند و اهل بیت او بسیار کردند و اگر بیند که بخلاف
 این بود و او پیش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود برید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور کند و اگر بیند که شاخ
 درخت وی خشک شد دلیل که از خوششان او بی لاک شود و اگر بیند که درخت از آن ویکران بود و او پیش بیکران باز کرد و کرمانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بیند که شاخ درخت خرابوی دادند یا بیافت دلیل که او از فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد دلیل که بقدر آن مال از دست
 خورده باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پادشاه در خواب مردی بود که او را حسب نسب نبود در دین او اتفاق باشد و اگر خواب بیند که
 سروریش را شاه میکرد دلیل که از نعمها فرج یابد و او امش گذارده شود و برادر برسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که
 ریش را شاه میکرد و یکان موی برون می آورد دلیل که زکوٰۃ مال بدین مخرجی رحمه الله علیه گوید پادشاه در خواب یاران موافق در
 کار خیر باشند و موی را شاه کردن یا فتن مراد بود و شاه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش برود و اوام کند و بعضی
 تعبیران گویند که مردم خبری باشد که از دیدارشان چشم روشن گردد و شاه آدمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاه آدمی در خواب
 دیدن زن بود و اگر بیند که شاه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی بخوابد و اگر بیند که شاه کا و یا کوفته یافت هم او را زنی حاصل شود و اگر
 بیند که دوش وی شکست دلیل که تلاش بمیرد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شاه باز میکرد و در که پدید بود دلیل که در آن سال رخ
 بسیار بود و اگر بخلاف این بیند و او پیش بخلاف این بود و اگر بیند که در آن شاه سیاهی بود دلیل که در آن سال آفت و بلا باشد و اگر در آن شاه خرمی یا
 سیاهی بیند دلیل در آن سال زحما را از آن باشد و اگر در آن زری بیند دلیل بر بیماری بود و اگر بر کبار و اشرافای بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ
 بسیار بود شاه رود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پادشاه رود در خواب دلیل بر لهو و طرب دنیا و غنم دروغ و محال بود و اگر بیند که شاه رود و غیره
 دلیل که بدروغ و ضا هد و اگر بیند که پادشاه رود و چنگ و چانه و نای بود دلیل بر مصیبت بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود شکست
 یا بقیل دلیل که از غن دروغ تو بر کند مخرجی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود و میر و دلیل که بازنی بزرگ پیوند و از وی عز و جاه
 یابد شاه اسپر عجم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه اسپر عجم سبز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زرد و پخته بود
 دلیل بر بیماری بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید پادشاه اسپر عجم در خواب بر تنش وجه بود یکی عز و بزرگی دوم فرزند تسویم و دست چهارم غنم خوش
 پنجم مجلس علم ششم نام نیکو و ثواب و هج ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شاهین را گرفت یا کسی بوی داد
 و آن شاهین طبع او بود دلیل که او را از پادشاه یا از بزرگی ظالم منفعت و جاه رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید شاهین در خواب
 مردی بسیار دان بود و اگر بیند که شاهین گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و
 منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرزند

سیوم مال و نعمت چهارم زبان روانی کُشید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببندد که شب تیره و ناخوش بود تا اولین غم و اندوه
بود و اگر خواب ببندد که شب روشن و مهتاب بود دلیل که عیش و خرمی بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببندد که در شب تیره برفت
و راه بروی مشکل بود و به نیست راه راست میرفت دلیل که او را در دین استقامت بود و شب بمائی که از آنرا نک سپید
گویند دیدن آن و خواب غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر بلاک بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر شب بمائی را در زمین چون
آفتاب درخشیده ببیند دلیل بر خیر و گشایش هر کاری وی باشد بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر ضرر و سنگینی کاره بود شهبان
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببندد که شبانی گا و گوسفند واسپ و خر و مانند آن کرد و هر چیز را نقد روی تاویل بود
شبان اسب دلیل بر ولایت و بزریگی بود و شهبان خروالت بر تخت کند و شبان کاودالالت بر سات و نعمت و فراخی بود
و شبان کو سفند دلیل بر روزی حلال و مال و نعمت بود و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر ببندد که شبانی میگرد و گرد آید که وی گفتند
را بود دلیل که پادشاه آن دیار را زبانه و احوال رعیت تباه کرده و دنیا را لایق السلام گوید شبانی گویند کردن دلیل که بعد از آن کو سفندان اول
جرحی مهران همتی بود و اگر ببندد که شبانی چیزی بوی داد دلیل که او را از بخت فایده رسد و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که شبانی
در خواب مردی را صح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کار هر کسی باز نماید و شب بازی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید شب بازی کردن در خواب لهو و طرب اما دروغ و محال باشد و اگر ببندد که شب بازی با بریطونای میکرد دلیل بر غم و اندوه بود
شب برگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب برگ در خواب مردی که راه و محروم بود و اگر ببندد که شب برگ داشت دلیل که
او را با کمراهی محبت افتد و اگر ببندد که شب برگ میخورد دلیل که از کار نکس برود نفع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببندد که شب برگ
از دست وی برید یا برود دلیل که از نصحت مردی که راه او را جدائی افتد صلاح او در آن باشد شمش ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب ببندد که شمش یکشت دلیل که دشمن از قهر کند و اگر ببندد که شمش یکجا بود دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر ببندد
که شمش بسیار بروی جمع شدند و او را میکزد دلیل که در زمان مردم افتد یا او را نقصان مال بود و اگر شمش خون مردم میخورند
و خون تبایل بود و شمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شمش جامه زنی بود که در تابستان در جامه شبنم و پوستین افتد و تباه کند
بر سر من هم خواندید وی مسایه بود و اگر ببندد که شمش جامه زنی میخورد دلیل که در حال او نقصان افتد و اگر ببندد که شمش بسیار شبنم تباه
کرد دلیل که از خانه وی در چیزی برد و اگر ببندد که شمش راجع شد دلیل که در ذرا بیک دو مال بسند شمس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
ببیند که شمش داشت یا بخرد و سودا رخ کرده بود دلیل که او را دختری آید و اگر دختر نایب غناک شود و دیدن شبهه نبود و سیاه خمری نبود مغربی
رحمه الله علیه گوید شمش پدید و بهر خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و بعضی گفته اند که شبهه زر و دلیل بر بیماری بود شمشافتن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببندد که بکاری می شافت دلیل که از آنکار پشیمانی یابد و اگر ببندد که از ان پشیمان شد و
شماقتن دلیل که در آن کار اشتبا کذ مغربی رحمه الله علیه گوید در همه کاری شماقتن دلیل در رنگ بود
و در رنگ دلیل بر شماقتن بود شماقتن الک یا فتن و خواب جنگ و خصومت بود و اگر خواب ببندد که با شماقتن بازی میکرد

تہذیب

۴۰

جنگ

سید



2

شرب

تیرگی

شمر

شستن

شستن

شستن

شستن

و بانگ و شغب میداشت دلیل که او را خصوصیت افتد و اگر بینکام بازی خاموش بود مال حرام یا بیهوشی شراب بن برین
 رحمۃ اللہ علیہ کو بد خوردن شرابهای که نطعم شیرین بود چون شراب سبب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این برش و جود
 یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر و از پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها یکله بوی آن برش بود
 چون شراب ریواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم فائده بود اما شرابها که تلخ باشند
 چون شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فائده دین و دنیا بود و اما شرابها یکله نطعم معتدل و
 خوشبوی بود چون شراب عمود و شراب بنفشه و شراب کل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خور می بود و دستمالش
 کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد شرابها یکله از برای دار و خوردن در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بحجت دار و بکار ندارد
 دلیل صلاح و خیر دنیاوی کند شمرائی ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر خواب بنید که شرابی بخورد دلیل که کینک بخورد
 معتبران کوینک که شرابی در خواب خادم خانه بود و اگر بنید که شرابی وی شکست یا ضایع شد دلیل که کینک یا خادم
 بهیر و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بد و بدین شرابی در خواب بر نه بود یکی زن دوم خادم سوم کینک چهارم قوام دین
 پنجم صلاح دنیا ششم عمر و از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان ششم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد
 شرم از ایمان باشد چنانچه حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود **الحياء من الايمان** مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد
 اگر بنید که در کاری شرم داشت دلیل که در آن کار خیر و صلاح بود و زیادتای ایمان و شرم داشتن از کاریکه در آن شرم
 فساد بود دلیل بر نقصان ایمان بود و شستن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن در خواب باب جوی و کاریز و حوض و دریا
 دلیل است بر نجات از غم و اندوه و اگر این خواب محسوس بنید دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر وام دارد و وامش گذارده شود و اگر
 بیمار بنید شفا یابد و اگر تن خود نام شست دلیل که کارش تمام شود و اگرانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که مرده خود را شست دلیل که
 خویشان او از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بنید که باب شور خود را می شست دلیل که برخی بوی رسد و اگر بنید که جامه پاک
 باب چرکین می شست دلیل بر تباہی کار و فساد دین بود و اگر بنید که باب سرد یا باب چرکین خود را می شست دلیل که توبه کند
 مغربی **کو بد شستن باب سرد و در چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن باب گرم**
 غم و اندوه بود و دست در می شستن در خواب بر شستن و جود بوی حصول مراد و دوم سفار از برای سرم یا فتن مال چهارم حج پنجم دین
 پاک ششم راندن حاجت ششم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن در خواب شوی و خرمی بود و اگر بنید که شستن بد و او را شستن معروف بود دلیل که از وی
 خرمی بنید و اگر شستن کی داد دلیل که خیر و بگس راند مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که شستن غم یا بخت بخورد و از جانیکه گذشت می حال بود و دلیل که گذشت
 مال حال کند شستن شستن ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد شستن با خشن و خواب بهتان بخشن دروغ بود و اگر بنید که شستن با خشن و خشم یا بخت و دلیل که باطل
 کسی را کند و بهتان بنید اگرانی **کو بد اگر بنید که شستن می با خشن دلیل که خبا و مناعت کند و معتبران کو بد شستن با خشن خیر و منفعت بنود و شستن ابن سیرین**
 رحمۃ اللہ علیہ کو بد اگر بنید که شستن از انرا بخاند یا در کسی یا بوی میخواند و دلیل که بخنی باطل کو بد و تو را عالی و الشراء یقیبهم الغاوان اما اگر توحید یا نعت

یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بزرگ کار نشود شغال ابن سیرین را گوید اگر بیدار طلب شغال میشت و میخیزد بود و میخواست
 گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بیدار شغال با وی بازی کرد و دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر بیدار که گوشت شغال میخورد و دلیل که
 بیمار شود و شغال یا بد و اگر وام دارد و امش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب همه مال بود و شغال لو
 ابن سیرین را گوید شغال و در خواب اگر زرد بود و دلیل بر بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بیدار شغال لو
 شیرین بود و زرد و بنفشه و کینزک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شغال و در
 خواب بر پنج وجه بود یکی کینزک دوم سپهر سیوم علت چهارم مال تخم منفعت از قبل مودی غریب و اگر بیدار شغال و شغال لو
 لشکست و بخورد و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود و دلیل که از مودی بی اصل بقدر آن مال و منفعت باشد
 شکا کردن ابن سیرین را گوید اگر بیدار که کوسفندان یا کاکو و کوی یا خور یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد
 همه دلیل نیکوئی بود و اگر بیدار که شکار بفکند و دلیل که غنیمتی یابد کرمانی را گوید شکار یک بدم کیرند یا بجا طلبند و دلیل که زیان
 بود و بعضی معتبران گویند که شکار کیر در خواب جوینده معاش بود و شکر ابن سیرین را گوید پاره شکر در خواب بخنی لطیف
 بود یا بوسه که کسی بدید چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود و دلیل بر مال و روزی حلال بود و مخرب رحمة الله علیه
 گوید شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکر
 در خواب بر پنج وجه بود یکی تخن لطیف دوم بوسه دادن سیوم منفعت چهارم فرزندان تخم مال شکر گذاردن
 ابن سیرین را گوید اگر بیدار که شکر خدا تعالی گذارد و دلیل بر دوستی دین و قوت و جاه و مال و سعادت و وجهائی بود و قول تعالی
 لَئِنْ شَكَوْتُمْ لَا ذَنْبَ عَلَيْكُمْ شکرستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که چیزی لشکست دلیل که بقدر آن
 او را زیان رسد و اگر آنچه شکرست از آن دیگری بود و دلیل که مضرت آن بر بیدار باز کرد و اگر بیدار که اندامی از اندامها
 وی لشکست دلیل بر غم و مصیبت خویشی که بدان اندام تعلق دارد و بود و اگر بیدار که از آلات چون چیک و رباب و طبل و نوای
 چیزی لشکست دلیل بر خرمی بود شکم و تعبیر معتبران سه قول است و انیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و ابن
 سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خوششان باشد اگر بیدار که شکم وی بزرگ
 شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوششان کند و اگر بیدار که شکم وی کوچک بود و از پوست و می چیزی نقصان شد
 دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیدار که هر چه در شکم بود جلوه بیرون آمد و لبست و باز بجای نهد و دلیل که حال او
 نیکو شود و مقصدش حاصل گردد و اگر مودی بیدار که شکم وی فرزند می بیرون آمد دلیل که از قبل می کسی بدیدار که شکم
 او را جاه و حشمت و بفرزاید مخرب رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آسید و بیدار دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را
 شکافت و بیدار دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیدار دلیل که او را از قبل عیال و ام افتد و اگر کسی از
 شکم خود موی سترده بیدار دلیل که بنیم کرد و دوامش گذارده شود و اگر کسی بیدار که سوراخی در شکم داشت دلیل که

شغال

شکار

شکر

شکر

شکر

شکر

و فرمان روائی بود و اگر بنید که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر بنید که شمشیر از نیام بیرون بود و او پیش
 به چنین بود و اگر بنید که شمشیر در نیام بود و نیام لشکست و شمشیر سلامت بود دلیل که فرزند سلامت بود و مادرش بمیرد و اگر
 بنید که شمشیر بر نه در دست داشت و بالابر و تا کسی زند دلیل از خنی اندیشیده بود که کسی کوید و اگر بنید که شمشیر بکسی زد و
 کار کرد و دلیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر بنید که شمشیر بکسی زد و کار کرد و دلیل که آنکس که زخم خورده باشد
 نشش منقطع شود و اگر بنید که شمشیر در کون حمال داشت دلیل که ولایتی در کردن او بود و اگر حمال شمشیر دراز بود دلیل
 که احتمال ولایت ندارد و اگر بنید که حمال شمشیر کوتاه شد دلیل که آن ولایت بدو سپارند و اگر حمال شمشیر کوتاه بود دست
 دلیل که آن ولایت از دست وی برود و اگر بنید که آنکه جنگ بود کسی از شمشیر زد و دلیل که آنکس شهید کرد و کوفی رحمة الله
 علیه کوید و اگر بنید که دست خود شمشیر از خنجه بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمان روائی باید و اگر بنید که کسی او را شمشیر
 داد و دلیل که توانگر کرد و اگر بنید که شمشیر با نیام هر دو بشکست دلیل که فرزند و مادر هر دو بمیرند و اگر بنید که کسی او را شمشیر زد و خون
 از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت دلیل که او را بمال حرام تهمت کنند و اگر بنید که شمشیر از وی بسفید و دلیل بر عملی کرد و
 از وی بستانند و اگر بنید که شمشیر بر میان بست دلیل که عمرش دراز کرد و مغربی رحمة الله علیه کوید و اگر بنید که شمشیر از میان دست
 دلیل که کارش قوی کرد و اگر بنید که شمشیر از بطور داشت دلیل که از زنی بزرگ خیر یابد و اگر بنید که شمشیر از موارید داشت دلیل
 که از عملهای اهل دین قوت یابد و اگر بنید که شمشیر از چوب داشت دلیل که کارش خفیف شود و اگر بنید که شمشیر از سفال داشت
 دلیل که از زنان یا شاه قوت یابد و اگر بنید که نیام آن شمشیر شکست بود دلیل که یکی از اهل بیت او بمیرد و اگر بنید که شمشیر وی
 دور وی بود دلیل که کارش روان کرد و اگر بنید که شمشیر لاجور بود و دلیل که کارش پایدار باشد و اگر بنید که شمشیر او چون آینه بود
 و میدرخشید دلیل که از متهری نواخت و حرمت یا بجهت صادق رضی الله عنه کوید و دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند
 دوم ولایت سوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان و ششم این
 سیرین هر کوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر خواب بنید که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و عیش
 زیادت شود و اگر بنید که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانه ها از روشن بود دلیل که در آن سال نعمت بر وی فراخ گردد
 و تجارت وی روان شود و بعضی کوید که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر بنید که شمع افروخته او را دادند دلیل که عز و دولت یابد و اگر
 بنید که او را شمع با شمعان سبین بود دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر بنید که شمعان زرین بود دلیل که زنی از نزدیکیان
 یا شاه بخوابد و اگر شمعان از زرین بود دلیل که زنی از قبیل ستمو خواهد و اگر بنید که شمعان از مس بود دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر
 بنید که شمعان برنج بود دلیل که زنی از اصل کبار خواهد و اگر بنید که شمعان از آهن بود دلیل که زنی از اصل قوی خواهد و اگر بنید که
 شمعان از خال بود دلیل که زنی از مردمان عامه باشد کوفی رحمة الله علیه کوید و اگر بنید که شمع افروخته و بر دست داشت
 ناکاه بمردنش بمیرد و اگر بنید که شمع افروخته در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد بر او برود و اگر بنید که

و

روشنی شمع کم شد دلیل که عز و جاه و دولت او کم شود و انبیا علی السلام گوید اگر بنید شمع افروخته در دست درشت دلیل که
 اگر زن دارد و او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بنید دلیل که پادشاه آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف
 و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بنید دلیل که مردمان آن موضع بطاعت و تعظیم علم مشغول
 باشند جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دویم قاضی سوم فرزند چهارم عروس
 پنجم فرمانروای ششم متهرب هفتم سراسر ششم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش و بازی دهم کنیز سیزدهم زن چهاردهم
 دلیل بر بنیده شناسا کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شناسا کردن در خواب در آب صافی طلب معیشت کردن بحیثیت
 و تدبیر بود و اگر بنید که در آب صافی شناسا کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که در دریا شناسا کرد و بکنار تنوالت رفت دلیل که پادشاه او را از اعلی باز دارد و اگر بنید که شناسا کردن بر روی آسان
 بود دلیل که کار وی آسان گردد و اگر بنید که شناسا بر روی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کناره دریا
 نمی دید دلیل که در حبس افتد و اگر بنید که آب غلبه کرد و او در میان آب ببرد دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بنید
 که در غرق شدن امان یافت دلیل که از دشمنهای این جهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بنید که آب
 بر زمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بنید که از زیر آب بر زمین آمد از غم فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که از دریا شناسا و پیرون آمد و جاه و ریویشید دلیل که از دشمنهای پادشاه خلاصی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل
 که تا ویش باز نماند بود و اگر بنید که از روی بزرگ شناسا و بکنار آمد دلیل که از دشمنی بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بنید
 دلیل که در آن مثل بماند **شکوف** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شکوف در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که شکوف داشت
 دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بنید که شکوف خورد دلیل که ببار شود و اگر بخواب بنید که بشکوف صورت می نکاشت
 دلیل بهو باطل و دنیا فریفته شود و اگر بنید که بشکوف چیزی می نشست اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر
 بخلاف این بنید دلیل که حضرت یابد شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها
 فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مصلح بود و بنید که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت
 مرگ شهادت یابد و اگر بنید که مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بنید که خواب مشرک بود دلیل
 که مسلمان گردد و عاقبتش بخیر بود شاه بلوط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاه بلوط داشت و بخورد دلیل که گمین
 گردد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاه بلوط داشت یا کبسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیر نفع یابد **شهر**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهید با موم بود تا وی میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بنید که شهید
 داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد که کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شهید داشت دلیل که بقدر
 آن علم و دانش حاصل کند و اگر بنید که از آن شهید مردم را میبرد و میخوردند دلیل که مردم از علم او فایده یابند

شکوف

شکوف

شکوف

شکوف

شکوف

و اگر بخلاف این بنید منفعت نیابد و معبران که بنید دلیل بر قرآن کند جعفر صادق رضی الله عنه که بود و خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه که بود اگر بنید که شهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و عاقبتش محمود کرد و اگر بنید که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که بود شهرستان و خواب بر منفعت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم طفره یا فتن هفتم دلیل بر استواری کار یا نشیمن ابن سیرین رحمه الله علیه که بود اگر بنید که در شهری شد دلیل که دینش قوی کرد و اگر کاری در دینش دارد تمام شود و برادر برسد و اگر بنید که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را برکنکره یا بر روی شهر بنید دلیل بر هلاک او بود و اگر بنید که از شهری بشهری او را کرد و دلیل که زن رطلاق دهد و زن وی شوی دیگر بکند و اگر بنید که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بنید که از شهر مسلمانان بشهر کافران تخطیل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کسب و اگر در شهری گرم سیر برف و بکشد بنید دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سرد سیر بنید دلیل بر فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بنید که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بنید که از روستا بشهری رفت دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بنید که از شهر بروستقا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی وَبَنَّا آخِرَ جَنَّاتٍ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا و اگر در شهری کم شده بود تا ویش نیکو بود و اگر بنید که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد و اگر بنید که زنان در آن شهر رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بنید که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان یا پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و سب و اذیت کنند و اگر بنید که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش رود و اگر در خواب در شهری جانب شرق بنید دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی که بود اگر در خواب خود را بشهر هند وستان بنید دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهری ای ترکستان بنید دلیل که بر دشمن طفره یابد و اگر خود را در شهری ای بلغاریه و سقلان بنید دلیل که بروی خیانت بود و کارهای بروی پوشیده کرد و اگر خود را در شهری ای ماوراءالنهر بنید دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود را بخوارزم بنید دلیل که کارش بسته کرد و اگر خود را در شهری ای عراق بنید دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهری ای خراسان بنید کار او باسانی تمام کرد و اگر خود را در شهر فارس بنید دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را بشهری ای کرمان بنید دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهری ای حجاز بنید دلیل که حج کند و اگر خود را در شهری ای یمن بنید دلیل بر سلامتی و ایمنی بود و اگر خود را در شهری ای مصر بنید دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهری ای آذربایجان بنید دلیل که در آن کار دارد و بلا کشد و اگر خود را در شهری ای ریمه بنید دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را در شهری ای مغرب بنید دلیل که

تشیع

تشیع

۱۰۰

که در کارش نقصان افتد و اگر خورد و از شکرهای فربه بیدار دلیلی که کار و نیایی او نیک کرد و اما درین ضعیف باشد و اگر خورد و از شکرهای شیر و ان بیدار دلیلی که کار او نیکو باشد شکرهای مفید و دیدن کارانی که کوبید و اگر خورد و در که بیدار دلیلی که عز و جاه و حضرت یابد و اگر خورد و در مدینه بیدار دلیلی که او را با تاج صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خورد و از شکرهای بیدار دلیلی که از ترس و بیم المین کرد و و اگر خورد و از ابلایف بیدار دلیلی که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خورد و از بهر بیدار دلیلی که از علما بهره مند کرد و اگر خورد و از اوطاف بیدار دلیلی که دیدار و پیار را شود و اگر خورد و کوفه بیدار دلیلی که از غم بکونی یابد و اگر خورد و از بهر بیدار دلیلی که توانگر شود و باز در کافی او خیر سازد و اگر خورد و از ابله ان بیدار دلیلی که محبت خوش گذارند و اگر خورد و از با صفا بیدار دلیلی که او را با بزرگی صحبت افتد و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که بر او رسد و اگر خورد و از شکر بیدار دلیلی که روزی بروی فراخ کرد و اگر خورد و از جلب بیدار دلیلی که از بزرگی منفعت یابد و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که از بهتری منفعت یابد و اگر خورد و از بهر بیت المقدس بیدار دلیلی که عز و کامرانی یابد و اگر خورد و از اخلایف بیدار دلیلی که کارش شوریده شود و اگر خورد و از بقیصر بیدار دلیلی که منفعت یابد و اگر خورد و از در قید بیدار دلیلی که کارش بسته کرد و و اگر خورد و از تغلیس بیدار دلیلی که کارش نقصان گیرد و اگر خورد و از بکجه بیدار دلیلی که نعمتش زیادت کرد و و اگر خورد و از انجوی بیدار دلیلی که مالش کم شود و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که امان راحت یابد و اگر خورد و از تبریز بیدار دلیلی که از رنج رسته کرد و و اگر خورد و از برنگان بیدار دلیلی که اندوگین شود و اگر خورد و از بهر بیدار دلیلی که جاه و منفعت یابد و اگر خورد و از بقرون بیدار دلیلی که او را با بهتری صحبت افتد و اگر خورد و از در می بیدار دلیلی که او را سو کند و افتد و اگر خورد و از ابرکان بیدار دلیلی که او را خصومت افتد و اگر خورد و از بدستان بیدار دلیلی که تشنگ شود و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که خرمی یابد و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که مالش نقصان یابد و اگر خورد و از بهر بیدار دلیلی که تشنگی ساخته بود بجای بماند و اگر خورد و از بنیاد بیدار دلیلی که بمر دی بزرگ او صحبت افتد و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که خیر و منفعت یابد و اگر خورد و از بلخ بیدار دلیلی که بر دشمن ظفر یابد و اگر خورد و از بهر بیدار دلیلی که در میان مردم نامدار شود و اگر خورد و از بغرنی بیدار دلیلی که از بزرگان خیر و منفعت یابد و اگر خورد و از بکاش بیدار دلیلی که اندوگین شود و اگر خورد و از با سکنر بیدار دلیلی که کاری در پیش گیرد و از ان پشیمان شود و اگر خورد و از ابله بیدار دلیلی که با دی خات کند و اگر خورد و از حصاری بیدار دلیلی که کارش فرو برد و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید دیدن شکرهای در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکار شدن تیوم عیش خوش چهارم زنی که جفت وی باشد ششور یا ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید ششور با در خواب اگر بکوشت باشد و طعم دوی خوش داشته باشد دلیلی بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیلی بر غم و اندوه بود و مغزی رحمه الله علیه کوبید اگر ششور با با کوشت باشد و خوب بخت باشد نیکو باشد و اگر بکوشت غلیظ باشد دلیلی که غم و اندوه بود و ششور نیز ابن سیرین کوبید ششور نیز در خواب دلیلی بر غم و اندوه کند و خوردنش دلیلی بر حضرت کند و نقصان بود و اگر بیند که ششور بسیار داشت دلیلی که در اندوه گرفتار شود شیراز ابن سیرین رحمه الله علیه

گوید شیر از خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صفت باشد و اگر بنید که شیر از بغر و خنثی یا کسی داد و از آن
 هیچ نخورد دلیل که خور می بنید که مانی را که می خوردن شیر از خواب سختی ببلود که از آن برنجد شیر و انیال علیه السلام گوید شیر
 در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تا ویش بخلاف این باشد
 و اگر بنید که شیر تازه می خورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بنید که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او فرزندی
 آید و اگر مردی بنید که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او فرزندی آید و اگر مردی بنید که شیر میدوشید و عوض وی شیر خون
 می آمد دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که از پستان خود شیر میخورد و دلیل که در کسب معیشت خود زیان کند و اگر مردی
 بنید که گوشت شده بود و شیر میخورد و دلیل که مراوش بر نیاید و اگر زنی بنید که گوشتی را شیر میداد دلیل که از یاد شاه مال یابد
 و اگر زنی بنید که گوشت از شیر باز گرفته بود و باز شیر داد و دلیل که زیان کند که بانی رحمة الله علیه گوید شیر چهار پای دشتی در
 مال اندک بود و اگر بخواب بنید که شیر کور خر میخورد و دلیل بر ثبوت و صلاحیت کند و اگر بنید که شیر خر میخورد و دلیل که از بزرگ
 مال یابد و اگر بنید که شیر آهو میخورد و دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر بنید که شیر بز میخورد و دلیل که از زن مال و نعمت
 یابد و اگر بنید که شیر بلک میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که شیر ببر میخورد و دلیل که از مردی بزرگ مال حرام یابد
 و اگر بنید که شیر کاه میش میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بنید که شیر خر میخورد و دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بنید که شیر خر گوش
 میخورد و دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بنید که شیر خوک میخورد و دلیل که ابله و بی خبر گردد و اگر بنید که شیر و باده میخورد و دلیل که
 با کسی کلاه و چلنت سازد و اگر بنید که شیر کرک میخورد و دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بنید که شیر کوسید میخورد و دلیل که
 مال حلال یا بدختر بی رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوریکه گوشت او حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و حیوانیکه گوشت
 او حرام بود دلیل بر غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر رتبه و وجه بود یکی روزی حلال دوم مال فرزندی
 سیوم غم و اندوه شیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر اگر در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود و قول تعالی یغاث
 الناس و قبله یصرون اگر بنید که شیر انکوری فشر و دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بنید که شیر تازه میخورد
 دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر بنید که شیر بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
 بنید که شیر داشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بنید که انکوری شیر می دوشید و تلف میکرد و دلیل که مال بسیار یابد و شیر
 هر چند که تازه تر و شیرین بود و منفعت آن بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر چهار وجه بود
 یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت چهارم منفعت بی رنج شیر پنهان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 شیر پنهان در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بنید که کسی شیرینی بوی داد و دلیل که از آن گس روزی
 یابد و اگر بنید که شیرینی خورد و دلیل که منفعت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید شیرینی در خواب کینزک نیکو بود و اگر
 بنید که شیرینی سفید بود دلیل که پار سا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر

شیر

شیر

شیر

نزد بود و دلیل که کنیزک بما صفت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیرینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم
 مال حلال سوم علم و ادب و فقر شاک و حکمت و نهای نیکو چهارم کنیزک خبر بوی شیرین این سیرین را گویند و در خواب دشمن بود
 و اگر بنید که با شیر جنگ میکرد و دلیل که با دشمن خصومت کند و از هر دو آنرا که ظفر بود غالب او باشد و اگر بنید که بر اثر شیر صفت
 دلیل که از پادشاه تبرسد و اگر بنید که از شیر میکشید و شیر او اطلب میکرد و دلیل که از آنچه میترسد اینم کرد و اگر بنید که گوشت
 شیر میخورد و دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بنید که گوشت شیر میخورد و دلیل که از پادشاه خلعت
 یا بکرمانی را گویند شیر در خواب پادشاه بود و اگر بنید که از اندام شیر چیزی بیافتد یا کسی بوی داد و خورد و دلیل که از
 مال دشمن چیزی بخورد و اگر بنید که با شیر حجامت میکرد و دلیل که از سخنها میبرد و مراد یابد و اگر بنید که شیر را بر
 گرفت و دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بنید که شیر نر با وی حجامت کرد و دلیل که از پادشاه خواری بنید و اگر بنید که شیر را پس او
 در آمد و از پیش وی بیرون شد و دلیل که از پادشاه او را مضرت رسد و انبیا علیه السلام گویند که خواب بنید که سر شیر بیافتد
 و دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که پادشاهی او را شیر داد و دلیل که پادشاهی خود بدو بدیال و لایق از آن خود او را پادشاه گرداند
 و اگر بنید که بر سر شیر نشست و دلیل که دولت و مرتبت او را زیادت کرد و مغربی رحمه الله علیه گویند شیر نر در خواب پادشاه بود و
 شیر ماده زن پادشاه بود و اگر بنید که شیر شیر میدید و دلیل که دبیر پادشاه کرد و اگر زنی سیر این خواب را بنید و دلیل که واپس
 پادشاه شود و اگر بنید که شیر را بر پشت گرفته بود و دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بنید که شیر او را بگریزد و دلیل که از دشمنی مضرت رسد
 اسمعیل تحت رحمه الله علیه گویند که شیر او را در گرفت و دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر خشم پادشاه
 بود و اگر بنید که با شیر طعام خورد و دلیل که معتقد پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر
 بنید که گوشت شیر میخورد و دلیل که دشمن را باسانی بدست آورد و اگر بخلاف این بنید با ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد و لیر سوم دشمن قوی شیر خور شست این سیرین رحمه الله
 علیه گویند شیر خور شست در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب بنید که شیر خور شست جمع میکرد و دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بنید که
 شیر خور شست میخورد و دلیل که مال بر عیال نفقه کند و عوض باز یابد و اگر بنید که شیر خور شست داشت و دلیل که از مال زن چیزی بوی بد
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خور شست در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فرخی عیش سوم کام دل یافتن شمشیر
 این سیرین رحمه الله علیه گویند شمشیر در خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن شاتش نباشد و اگر بنید که
 شمشیر خالی بود که بوی دادند و دلیل که زنی در ویش خوابد و اگر بنید که در آن شمشیر روغن گل و نفش دلیل بر زنی دیدار
 باشد مغربی رحمه الله علیه گویند زن توانگر باشد و اگر بنید که از آن روغن چیزی بسازد و دلیل که از مال زن چیزی بوی بد
 و اگر بنید که از شمشیر شرابی میخورد چون شراب سبب و شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی
 رحمه الله علیه گویند که بنید که شمشیر آکینه داشت و سپید و پاکیزه بود و دلیل که زنی خور بوی دبار ساخت و اگر بنید که شمشیر

شیر

شیر

شیر

بشکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بنید که نشسته ضایع شد دلیل که زن رطاف و بد اسعیل اشعث رحمة الله علیه کوید اگر بنید که
 نشسته داشت و در وی حجاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی ساز کا خوش طبع خواهد و اگر حجاب ترش بود تا ویش بخلاف
 این بود اگر بنید که نشسته چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوب روی خواهد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نشسته در
 خواب بر سره وجه بود یکی زنی با جمال دوم کیزک سیوم خادم خانه **نشیط** دار و دست که در غرون آن هیچ ضرر نباشد
حرف الصاد **صا بون** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که جامه خود را بصا بون می شست دلیل
 که از کارهای بد باز گرد و اگر بنید که جامه کسی بصا بون می شست دلیل که کسی را از کردار بد باز دارد و اگر بنید که صا بون می خورد
 دلیل که مال حرام خورد و اگر بنید که صا بون کسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دید که مانی رحمة الله علیه کوید اگر
 بنید که صا بون بسیار داشت و جامه خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل کرد و اگر بنید که دست خود بصا بون
 بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه کوید صا بون در خواب خریدن بر از فروختن بود اگر صا بون
 سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بخت نیکو بود و صا بون که زنی مهر بود **ص رافی** کردن ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید صراف در خواب بود و اگر کسی بخواب بنید که صرافی میکرد و معبر نکا کند تا سایل را چه مراد است اگر بنید
 مستور و دیدار بود دلیل که آنچه که موافقت دین بود آنرا اختیار کند و اگر سایل چیزی بشتن نداند تا ویش است
 که مردی مخیر باشد بخلاف مشغول بود و کرانی رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بنید که صرافی میکرد دلیل که بخت و نیست مردم
 مشغول بود و کوید صراف در خواب مردی خرافات کوی باشد که همه آن کنند که از زبان دارد و **ص روج** ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صراف و ج کرد دلیل که با مرد سخن لطیف کوید و صراف و ج کرد خواب مردی خوش بود و مغربی رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که صراف و ج کرد دلیل که آنکس را ادا و کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید صراف و ج کردن در خواب
 بر سره وجه بود یکی سخن لطیف دوم ادا کردن سیوم رضای آنکس بخت **صا عقیقه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید صاعقه
 آتش بود که از ابر جبهه اگر بخواب بنید که از ابر صاعقه افتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب خداست تا با اهل آن مقام رسد قوله تعالی
 وَيُنْزِلُ عَلَيْهِمْ حُسْبًا فَاَمِنْ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَبِغًا زَلْفًا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان رفع شود کرانی
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که آتشی از هوا نازل بر آن می بارید دلیل بر بلا و فتنه و خون ریختن از جهت پادشاه بود کرانی رحمة الله علیه
 کوید اگر بنید که صاعقه بقیاد و اورا سوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **ص صبح** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صبح
 صادق بدید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را امینی حاصل شود و اگر بنید که بعد از صبح تاریکی پدید آمد تا ویش بخلاف
 این بود مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که صبح دید و سرخ بود چنانچه زمین از عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خون ریختن
 شود و اگر آنک صبح زرد بود دلیل بباری بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن صبح و در خواب دلیل بر قوت و صلاح دین مردم آن دیار
 بود صبح در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بنید که صبح بخورد و دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر بخورد

نشیط
صا بون

ص رافی

ص روج

ص عقیقه

ص صبح

تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه کویید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم و اندوه بود که بوی رسد صحبت
 ابن سیرین رحمه الله علیه کویید اگر صحبت با مردم مصاح و پار ساید اشت دلیل بر دیانت و صلاح زندگانی او باشد و اگر
 بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تنباه کاری او باشد مغربی رحمه الله علیه کویید اگر بیند که همراهی با پادشاه میکرد و دلیل که از
 پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردمی عالم میکرد و دلیل که علم و دانش یابد و کارش تنظیم شود
 و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد و توبه باید کرد و اگر بیند که با بزرگی همراهی میکرد و دلیل که بدینا مغرور شود و صحرای ابن سیرین
 رحمه الله علیه کویید بین صحرادر خواب خرمی و نیکوئی بود و از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرای اگر صحرایی بی اندازه بیند و در آن
 خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میکشت دلیل که او را با پادشاه شکری نظام صحبت افتد و مقرب وی شود و اگر صحرایی
 بیند که در سبزه بود و دلیل که با مردم فاضل و عالم صحبت افتد و فایده یابد و صحرای ابن سیرین رحمه الله علیه کویید اگر خواب
 بیند که صحرای ابراهیم علیه السلام میخواند و دلیل که او کسی را صواب نماید و از خطا منع کند خاصه که از کتاب خواند و اگر بیند که
 صحرای از ظاهر میخواند و دلیل که صحبت او با مردم متفق و دریا باشد مغربی رحمه الله علیه کویید اگر بیند که مسلمانی مصحف و اگر مصحف
 ابراهیم علیه السلام میخواند و دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود و کبریا و جبهودان را دوست دارد و دلیل تمام با ایشان
 بود و صحیفه سه معنی دارد یکی نامه دوم کاغذ سوم پرده ابن سیرین رحمه الله علیه کویید اگر بیند که بر صحیفه چیزی بنویشت
 و دلیل که میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردمی دیدار با امانت چیزی یابد و اگر
 بیند که بر صحیفه خط سبز چیزی بنویشت دلیل که از مصیبت زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی بنویشت دلیل که بمیراث
 نزد صدق کرمانی رحمه الله علیه کویید صدق در خواب زن بود و اگر خواب بیند که صدق داشت دلیل که زنی
 خواهد یا کنیز کی خرد و اگر بیند که صدق ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد و صدقه دادن خلاف است معتبر است
 درین ابن سیرین رحمه الله علیه کویید اگر خواب بیند که عالمی صدقه میداد و دلیل که از علم وی بمردم نفع رسد و اگر بیند
 که پادشاه صدقه داد و دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وی صدقه داد و دلیل که شاکر داند کار آموزد
 کرمانی رحمه الله علیه کویید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از سختی یا به مغربی رحمه الله علیه کویید اگر وام داری بیند که صدقه
 داد و دلیل که وامش گذاره شود و اگر بده بیند که صدقه داد و دلیل که آزاد کرد و اگر زندانی بیند که صدقه داد و دلیل که خلاصی
 یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد و دلیل که مسلمان شود و اگر بجماعه صدقه داد و دلیل بر سعادت و جهانی باشد صراط ابن سیرین
 رحمه الله علیه کویید اگر کسی خواب بیند که بر صراط ایستاده بود و دلیل که کارهای کج بردست وی راست کرد و زیرا که صراط راه راست است
 قوله تعالی وَ يَهْدِيكَ يَا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا اگر بیند که از صراط گشت دلیل که از بلای بزرگ و مرگ ایمن گردد و اگر بیند که از صراط درون افتاد
 دلیل که در رنج و بلا و مصیبت افتد کرمانی رحمه الله علیه کویید اگر بیند که از صراط گشت دلیل که راه آخرت گزند و عمل صالح کند و صراط
 رضی الله عنه کویید بین صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سوم ترس چهارم

صحب

صحا

صحب

صحب

صحب

صحب

صحب

راحت از قبل سلطان پنجم کناه ششم اتفاق شد **ص** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که در خواب مادر پدر بود اگر کسی ببیند که صنفه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل بر درازی عمر و سلامتی نفس مادر پدر باشد و اگر ببیند که صنفه بنفشه و خراب شد دلیل بود بر پاک پدر و مادر مغربی رحمه الله علیه گویند که صنفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر ببیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش بیمار شود و اگر مادر پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد **صلوات** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که خواب بنید که صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم میاید دلیل که حاجت بایش روا کرد و روزی بروی فراخ کرد و خواست کارش بسجادت بود مغربی رحمه الله علیه گویند که ببیند که صلوات بسیار میفرستاد دلیل که حج کند و اگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم را خواب ببیند دلیل که سنتهای پیغمبر صلی الله علیه وسلم بجای آورد **صمغ** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که صمغ از درخت انجمن است که فضل آن خود و اگر خواب ببیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر آن از فضل مال کسی بخورد و اگر ببیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضل مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمه الله علیه گویند که صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مروی بومی رسد که بدان درخت منسوب است چنانچه اگر صمغ با دام خورد دلیل که از مروی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زرد آلود خورد دلیل که از مروی بیاید منفعت یابد و اگر صمغ مغیلاان داشت دلیل که از مروی بیایانی منفعت یابد **صنخ** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که صنخ در خواب کرده و کلام باطل و دروغ بود و اگر ببیند که در پیش او صنخ میزدند دلیل که دروغ و باطل رضا دهد و اگر ببیند که صنخ یا چنک و چخانه میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که باطل آن موضع رسد و اگر ببیند که صنخ بشکست یا بیداخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گویند که صنخ زدن در خواب بر پنج وجه بود یکی خبر کرده دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه **صندل** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که ببیند که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او گوید و اگر ببیند که صندل سپید داشت دلیل که از مروی بزرگوار عطا یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گویند که دیدن صندل در خواب بر چهار وجه بود یکی ثناء آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود **صندل** و قی ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که صندل و قی در خواب زن بود و بعضی معبران گویند که عروجه بود و اگر خواب ببیند که صندل و قی بزرگی نو بخرد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن عروجه یابد و اگر ببیند که صندل و قی صنایع شد یا بشکست دلیل که جاه وی کم شود مغربی رحمه الله علیه گویند که ببیند که صندل و قی پاکیزه داشت دلیل که زنی خوب روی و پاکیزه بود و اگر ببیند که صندل و قی کهنه بود تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که دیدن صندل و قی در خواب بر سه وجه بود یکی عروجه جاه دوم بلندی قدر و مرتبت سوم زن بود **صورت** ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که اگر در خواب ببیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که حالش بد آنکه دیده باشد بگردد و اگر ببیند که بصورت

صفه

صلوات

صمغ

صنخ

صندل

صندوق

صورت

ص

ص

ص

ص

ص

خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز کرد و در خواب صورت خود باز گو نه بنید دلیل که هر کس روی از روی بگرداند
 منفری حرمه الله علیه که بداند که صورت آدمی با صورتها نوری شد دلیل که بدیندب و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید
 که صورت در خواب کسی بنید که بخداوند تعالی دروغ نگذارد صوفی ابن سیرین رحمه الله علیه که بگوید چاه صوفی در خواب خیر و منفعت
 دنیا بود خاصه که مردم صلاح را و اگر بنید که از بدن صوفیان بیرون آمد دلیل که میل و خطا و گناه بود و گرانای رحمه الله علیه که بگوید
 بنید که صوفی شد و مرقع پوشید و در میان صوفیان مقام داشت دلیل که همین به بیداری بنید و اگر بنید که صوفیان او را از
 میان خویشین بیرون کردند و طیش بخلاف این بود و اگر بنید که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت و نفاق
 کند جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید صوفی شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره
 گرفتن سوم پیوسته بعبادت مشغول بودن چهارم طمع کسی نداشتن **ص** صیقل در خواب پادشاه بود و بعضی گویند
 وزیر یا پادشاه بوده و اگر بنید که صیقلی میکرد و اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشاهی یا بد یا مقرب پادشاه شود
 جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید که صیقل کرد و خواب مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند **ص** صیغی ابن سیرین
 رحمه الله علیه که بگوید صیغی آلت زن خادمه بود و اگر صیغی روشن و پاکیزه بنید دلیل که زن خادمه با جمال بود و اگر تیره
 بنید دلیل که زن خادمه زشت روی بود و اگر بنید که آلات صیغی داشت یا فرافروخت دلیل که زنی خادمه بخانه آورد
 یا کینک یا زن بمیرد یا بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید صیغی آلت در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم
 کینک سوم منفعت از زنان **حرف الصاد ۴** **ض** ضالی ابن سیرین رحمه الله علیه که بگوید ضالی در خواب مری
 باشد که سخنان خود را بیاراید و بفرزند باز گوید و اگر خواب بنید که ضالی میکرد دلیل که سخنی خدایی اصل بیاراید و لطیف و
 شیرین میگردد و اگر بنید که مردم در وی میزد و دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش بود که مردم از آن سخنان برنجند **۴**
ضعیف ابن سیرین رحمه الله علیه که بگوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بنید که سروی ضعیف شد دلیل که قدر و
 جاهش کم شود و اگر بنید که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بنید که گشت وی ضعیف شد دلیل که زشتی یا فساد
 بیارشد و اگر بنید که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بنید که دینش ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید
 و اگر بنید که گردش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بنید که تنهای وی ضعیف شد دلیل که غیبت مردم کند و اگر بنید که
 دست وی ضعیف شد دلیل که زشتی بچویشد و اگر بنید که ساعدش ریخورد دلیل که مادر یا فرزندانش بیمار شود و اگر بنید
 که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رمی او محال گردد و اگر بنید که پستان او ضعیف شد دلیل که پنهان تاوید و اگر
 بنید که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بنید که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پای
 او باشد ضعیف گردد و اگر بنید که سرن وی ضعیف شد دلیل که حال مهتری از خویشان وی بد کرد و اگر بنید که
 ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی بیمار گردد و اگر بنید که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او

نقصان پذیرد و اگر بنید که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوختن کرد و ضعیف است زنیهارا مالک بود و اگر بنید که در زمین خود تخم می کاشت دلیل که الحش نیکو باشد و اگر بنید که ضیاع وی بوقت خود رسته بود دلیل که در راه دین نیکو باشد و اگر بنید که جمیع ضیاع خود بفرزخت و بهیاست دلیل که در سرک و غم افتد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر بنید که ضیاع خود آبادان میداشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بنید دلیل که او را نقصان مال بود و اگر بنید که ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد حرف الطاء : طاس ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر طاس در خواب زن خادمه بود و یکینک خدمت خانه کند و اگر بنید که طاسی داشت یا کسی بوی داد و دلیل خانه بخانه آورد و یکینک کی خبر داد و اگر بنید که طاس وی بشکست دلیل که آئین از وی جدا شود یا بهی و کرمانی رحمه الله علیه که پدر طاس در خواب یکینک با سیرت بود و اگر بنید که طاس آب بوی داد و بجزر و دلیل که او را فرزند می آید و اگر بنید که طاس بشکست و آب بماند دلیل که یکینک بمیرد و فرزند می که باشد بماند و اگر بنید که آب ریخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد و یکینک بماند جعفر صادق که پدر که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم یکینک سوم فرزند چهارم منفعت از زنان طالع ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر که بنید که طالع بد و او را نخرانه خود محرم کند دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که تاویل طالع بهتر و قوی تر از انکشتن بود و کرمانی که پدر که بنید که پادشاه یا امیری طالع بد و او را نخرانه را مهر کند دلیل که مال خود بد و سپارد و اگر بنید که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود و بزرگی یا بد جعفر صادق که پدر دیدن طالع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزان سوم مال جمع کردن طالع ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر که طالعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر جواب بنید که برتن وی علت طالعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمه الله علیه که پدر طالعون در خواب خنک و کارزار بود و طالع ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر طالعون در خواب نر و خراب پادشاه عجم بود و اگر بنید که طالعون نر داشت دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بنید که طالعون ماد بود و او را نخرانه که ملک است و دلیل زنی عجمی بزرگ با جمال بخوابد و از مال و فرزندان حاصل کند کرمانی رحمه الله علیه که پدر که بنید که طالعون با کبر و تجفیت شد دلیل که قوادکی کند و انبیا علیه السلام که پدر که طالعون در خواب زنی مفیده بود و اگر بنید که طالعون نر با وی سخن گفت دلیل که او را نیت یابد و اگر بنید که نر و طالعون با هم بودند دلیل که بیکانه با عیال اوست و کند و اگر بنید که طالعون از خانه وی بیرون دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بنید که طالعون را بکشت دلیل که از دختر می دوشیزگی بستاند و اگر بنید که طالعون در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که بچه طالعون را بکرفت دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که طالعون نر از دست وی بیرون دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه که پدر طالعون در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینة و مال طالع ابن سیرین رحمه الله علیه که پدر که بنید که طالعون خوش طبع و لطیف بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بنید دلیل

ضیاع

طاس

طالع

طالعون

طالعون

طالعون

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

طریق

که حضرت یاب طریق ابن سیرین رحمه الله علیه کو طریق در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت نشاندی و هر که در یار بنشیند
 کرد و او اگر بنید که طریق بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خامی حاصل آید و اگر بنید که طریق لشکرت دلیل که خادم او میزد
 کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید طریق در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیزکی و یا پستتاریش بپا شد و بطاعون و سرسام
 گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن طریق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه مجلس دوم کنیزک سوم نایب
 چهارم بدیه طویل ابن سیرین علیه الرحمه کوید طویل در خواب سخن دروغ و باطل بود و اگر بنید که باطل نامی و رقص بود دلیل
 بر غم و مصیبت باشد و اگر بنید که طویل مفرد و ند دلیل که سختی باطل کوید یا چیزی مشهور بدو رسد کرمانی رحمه الله علیه
 کوید اگر بنید که طویل میزد دلیل که کاری باطل کند و طویل در خواب مردی بود که دروغ آورده است که طویل ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوید اگر بنید که طیبی بیمار را علاج کرد و درست شد دلیل که یکی را از راه فساد برادره صلاح آورد و اگر بنید که بیماری
 بر آنکس صبر شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که مردم را در داد و نافع آمد دلیل که علم کوید و پند دهد و مردم نپزدی
 پذیرند و بعلم می کار کنند و اگر در وی وی نافع نبود تا ویش بخلاف این بود و طیبی کردن در خواب مردم مصالح با
 دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را صلاح تن و کسب معیشت بود و طعام دانیال علیه السلام کوید هر طعام و شراب
 که از رسیدن باشد تا ویش بد بود مگر یا پوده و غیره زیرا که جواهر حلوا از اصل روغن و انگبین باشد و این هر دو در تا ویش
 مال بود ابن سیرین رحمه الله علیه کوید هر طعام که بخوردن دشوار و بهمه باشد یا تا ویش سخت و اندوه بود و هر چه ترش
 باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که طعام از زرد و بچم بست دلیل بر زبان
 مال باشد و اگر بنید که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد و اگر بنید که چندان طعام بخورد که طاقت
 نداشت که بر خیزد دلیل بر مرکب وی بود و اگر بنید که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام کران شود و جعفر صادق رضی الله عنه
 کوید اگر بنید که در پوشی را طعام داد و دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته کرد و اگر بنید که کافره را طعام داد و دلیل که در کار
 دشمنان قصصی او را یاری دهد و طعمه نیزه زدن بود و اگر بنید که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد دلیل که این
 کس بقدر آن زخم دشمنی این کس در دل دارد و مغربی رحمه الله علیه کوید طعمه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد و اگر
 بنید کسی را طعمه زد و جای او را خست دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید او را در و حاصل آید و اگر در و نکرده تا ویش
 بخلاف این بود و طلاق ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که زن را طلاق داد و او را یک زن بود دلیل
 که از شرف و بزرگی افتد و اگر از زنی دیگر بود بغیر این زن دلیل که شرف و جاه بعضی نقصان پذیرد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلق کردن
 در خواب تو انگری بود قوله تعالی وَإِنْ يَنْفَرَا بَعْضُكُمَا إِلَى اللَّهِ كَلَامًا مِنْ سَعْتِهِ طالع ابن سیرین رحمه الله علیه کوید طالع بار
 خراب بود و اگر بنید که یک طالع یا دو یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بنید که طالع خور و دلیل که مال و نعمت

بسیار حاصل کند و اگر بنده که طالع بسیار داشت و از آن میخور و دیگری بنده و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خست شود
 شود و جعفر صادق رضی الله عنه که طالع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال
 بنسب طلق ابن سیرین رحمه الله علیه که طلق اندک مایه سختی بود و کار کارزار پیرا که جوهر وی از سنگ است
 اگر بنده که از جانی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکار و حیلت از سفر مال حاصل کرد و مغربی رحمه الله علیه که پادشاه
 که طلق محلول بر تن بالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج نبرد و رسید دلیل که شریک پادشاه از وی رفع شود و اگر
 بنده که طلق میخور و دلیل که مال بسج سختی حاصل کند و اگر بنده که طلق از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف شود و طلق بود
 ابن سیرین رحمه الله علیه که پادشاه در خانه و منزل خود طلق میزد و دلیل که در آنجا غم و مصیبت بود و اگر بنده که طلق میزد
 بشکست دلیل که توبه کند و اگر بهار بنده که طلق میزد و دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بنده که او از طلق بر می شنید دلیل
 که بسجن باطل شنیدن رضا در طوطی ابن سیرین رحمه الله علیه که پادشاه در خواب فرزند یا غلام بود و اگر کسی بخواب
 بنده که طوطی از دست وی برید دلیل که فرزند یا غلام او بفرود و اگر بنده که طوطی ماوی سخن گفت دلیل که سخن گوید یا
 کاری کند که مردم را از آن عجب آید و طوطی ماده و دختر و شیر و بوی و طوطی زمرودی پاک بین بود یا غلامی جلد یا پارسا
 بود و اگر بنده که طوطی ماده را بکشت دلیل که دو شیرینی و خمری برود و اگر بنده که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد
 دلیل که او فرزند یا پسر آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه که پادشاه دیدن طوطی در خواب بر سر
 وجه بود یکی فرزند و غلام دوم دختر و شیر و سوم شاکر و پارسا طوقی ابن سیرین رحمه الله علیه که پادشاه در کردن او
 طوقی بود و از زیر پا از سیم دلیل که بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نکند و اگر بنده که از آن بن بود دلیل بر بی امانتی
 و فسادین بود و اگر مانی رحمه الله علیه که پادشاه طوقی در کردن خود بنده دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمه الله علیه که پادشاه
 در کردن خود طوقی ز سرین بنده دلیل که ولایت یابد و اگر از مس یا از آن بن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر
 صادق رضی الله عنه که پادشاه دیدن طوقی در کردن در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم خدمت چهارم نامت
 پنجم غلام ششم کنیز و اگر طوقی در کردن اسپ خود بنده دلیل که پادشاه مال و بزرگی یابد و طلیسان ابن سیرین رحمه
 الله علیه که پادشاه در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بنده که طلیسان نو و پاکیزه بود دلیل که قدرش بیک بود و اگر بخلاف این
 بنده دلیل که قدرش کم شود و اگر بنده که طلیسان بر رید یا بسخت دلیل که عزیزی از آن او ببرد و انیال علیه السلام که پادشاه دیدن طلیسان
 در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بنده که طلیسان پاکیزه بود دلیل که امانت بکند و اگر طلیسان چرکین بود دلیل که امانت نه
 کردنش بماند و اگر بنده که طلیسان زرد بود دلیل که او را غمی سخت افتد مغربی رحمه الله علیه که پادشاه دیدن طلیسان سپید در خواب فرزند
 مصلح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب بود
 جعفر صادق رضی الله عنه که پادشاه دیدن طلیسان در خواب برده وجه بود یکی عز و جاه دوم ولایت سوم فرزند

کلمات

کتاب

کیمی

کافی

کیمین

تجسم

تجسمات

عاج

تجسمات

عاشق

عالم

عجالت

چهارم دولت تجسم نیز که ششم مال ششم منفعت ششم علم ششم دین و ششم شمشیر حرف الظاء به ظلم کردن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بنید که بر وظلی رفت دلیل که بر ظلم کند نصرت یابد و اگر بنید که او بر کسی ظلم کرد دلیل که آن کس بروی ظلم یابد
و اگر بنید که پادشاه بروی ظلم کرد دلیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بنید که او بر پادشاه ظلم کرد دلیل که از پادشاه نصرت
یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بنید که بر بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را نصرت کند و اگر بنید که بر بنده
ظلم کرد دلیل که از خواجه او را بلا و سخت رسد ظلمات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در ظلمات بود و بر روشنائی دل
شد دلیل که راه دین بروی کشاده کرد و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در ظلمات بود و بر روشنائی آمد و باز در ظلمات رفت
دلیل که منافق باشد قوله تعالی **وَإِذَا الظَّالِمُ عَلِمَ أَنَّهُ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَمْنُ مَعْرِبِي** رحمة الله علیه گوید ظلمات در
خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که در دیاری ظلمات ظاهر شد دلیل که در آن دیار غم و اندوه می صبحتریدید آید جنف صدق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم تحمیر سوم فرو بستن کار و چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر
تو اگر بنید که بدر روشی آمد دلیل که مال زیادت شود و اگر در روشی بنید که بتواکری رفت دلیل که کارش بد بود حرف
العین ۴ **عاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود و اگر بنید که عاج داشت دلیل که از
پادشاه مال یابد و اگر بنید که عاج از وی ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود و معربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که عاج در
صندوقی داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی بزرگ خواهد و اگر بنید که دو اتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را
کیزی عطا و بد و جاه یابد و اگر بنید که عاج بشکست یا ضایع شد دلیل که زن یا کنیزک او پلاک کرد و هر خیز که عاج سپید
و یا کنیز تر باشد مال بیشتر بود **عاریت** کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر
آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که ثابت شود و اگر چیزی بود که دوست ندارند تا وایش بخلاف این بود
عاشق ابن سیرین را گوید اگر بخواب بنید که عاشق است و حریف بود دلیل بر فساد و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و
خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بنید که کسی خبر وی عاشق شده بود و اگر در آن عشق نیت حرام بود دلیل
بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود دلیل بر خیر و صلاح بود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از
معشوقی کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بنید که عالم یا فقیه شود و اصل جابل بود دلیل که مردم سخن کنند
و در زبان مردم افتد بدی و اگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بنید که قاضی یا حکیم یا خطیب بود یا
عالمی زنده یا مرده از معنی بگذشت که در آنجا ترس یکم بود دلیل که مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند و پادشاه ایشان عادل
کرد و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که مردم را علم کیفت اگر از اهل علم نبود دلیل که از آن دیار بگریزد و اگر عالم بود دلیل که عزو
جاه یابد و اگر بنید که علم کشتن عطا بسته دلیل که او را رشوت دهند و جنف صدق رضی الله عنه گوید عالم در خواب بر چهار
وجه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خطیب **عجالت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که

یضاعف لمن یشاء و اگر عدد دو سیست بنید دلیل که دشمنان بروی ظفر یابند و اگر عدد سه صد بنید دلیل که بروز کار
 ماروش حاصل شود قوله تعالی وَلَیْسَ لَیَّ کَیْفَ تَمَّ ثَلَاثَ مِائَةِ سِتِّینَ وَ اَزْدَادُ وَ تَسْعَا و اگر عدد چهار صد بنید دلیل که دشمنان
 ظفر یابند چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خَیْرُ الْجَبِیْشِ اَوْ بَعْلُ الْاَلْفِ یعنی بهترین خوابها چهار صد و بهترین لشکرها
 چهار صد هزار و اگر عدد پانصد بنید دلیل که کارش موقوف باشد و اگر عدد شش صد بنید دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر
 عدد هفت صد بنید دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد هشت صد بنید دلیل که دشمن ظفر یابد و اگر عدد
 نه صد بنید دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد دوازده صد بنید دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی وَاِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ
 اَلْفٌ یَعْلَمُوْا اَلْفِیْنَ یَاْذِنُ اللّٰهُ و اگر عدد دو هزار بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد سه هزار بنید دلیل که بر فیروزی بود قوله
 تعالی وِیَسْئَلُکَ الْاَکْفَرِیْنَ مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُتَوَلِّیْنَ و اگر عدد چهار هزار بنید دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنج هزار
 بنید دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شش هزار بنید دلیل تاویل دارد و اگر عدد هفت هزار بنید دلیل که کارهای او
 کشاده گردد و اگر عدد هشت هزار بنید دلیل که کارش بنظام شود و اگر عدد نه هزار بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد دوازده هزار
 بنید دلیل که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد سیست هزار بنید دلیل تاویل دارد و اگر عدد سی هزار بنید دلیل که نصرت و ظفر
 بدرنگ یابد و اگر عدد چهل هزار بنید دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار بنید دلیل که برکت و سخنی و عجز فرموده شود
 قوله تعالی وَ یَقْدِرُ اُوْهُ خَمْسِیْنَ اَلْفَ سَنَةٍ و اگر عدد شصت هزار بنید دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هشتاد
 هزار بنید دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار بنید دلیل که کارها بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود و هزار بنید دلیل
 که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی وَلَوْ سَلَطْنَا لَهَلَاکَ اَلْفٌ اَوْ یَبْرِئُ لَیْذُنْ
 عدس معبران را در تاویل عدس خلافت است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که
 حضرت ابراهیم علیه السلام او را دوست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
 را از من و یسوی مال گرفت از حق حل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
 مال بود که از زمان نبوی رسید خاصه که نخسته بود و اگر خام بود دلیل بر نصرت و اندوه باشد عسراوه ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که عراوه در دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران را سخت دشمن دارد و اگر بنید که عراوه در شهر مسلمانان
 می انداخت دلیل که درین مسلمانان دشمنان ناموار گوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند و اگر بنید که عراوه می انداخت
 دلیل که اهل آن موضع را عیب کند یا دشنام دهد عسراش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عسراش در خواب امیری
 بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بنید که عسراش آراسته بود دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و
 عزت و نصرت یابد و اگر عسراش را حقیر بنید دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر عسراش را بر عسراش نشسته بنید دلیل که او
 بامردی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاه میبرد و اگر بنید که از عسراش بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و جعفر

سی

سروه

عش

صادق رضی اللہ عنہ کو دیدن عرش و درخواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفت سوم مرتب چهارم عزت پنجم
 بزرگواری ششم عمر ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که عرق داشت دلیل که بامردی اصل او را صحبت افتد و خفت
 عرق بر او پل بر وی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر عرق
 و پرازیان افتد تا صدها عرق وی بر زمین میچکد ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که جامه وی از عرق تر شد و بود
 دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود بخورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق سپید بود و بوی خوش داشت
 دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود و گمانی رحمه الله علیه کوید عرق کردن و در خواب دلیل حاجت
 روائی کند و اگر بیند که عرق میگرد دلیل که حاجتش روا شود و اگر ببار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین
 رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخوابد و لیکن او را ندیده و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود
 و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی نجفت دلیل که بزرگی یابد و چیزی که ملک او نباشد ملک او شود و گمانی رحمه الله
 علیه کوید عروسی که در آنجا چنگ و چانه و نای باشد دلیل بر مصیبت بود و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند
 که عروسی شد و او را بنزد شوهر می بردند دلیل که عمرش با خور رسیده باشد و اگر بیند که شوهر او را بلند و باوی نیکی کرد و دلیل
 که چیز و منفعت یا بر عزل دور کردن از کاری بود اگر بیند که پیر را معزول کردند دلیل که خواری و بخیختنی یابد
 و اگر بیند که جوانی را معزول کردند و پیش بخلاف این بود و گمانی رحمه الله علیه کوید اگر بیند که بهتر پیر را معزول کردند
 دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد و دلیل بر کسب معیشت کند تا ویش نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش
 عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد و عسس ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید اگر بیند که با عسس میشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را چیز و منفعت رسد و اگر بخلاف این
 بیند دلیل بر شرف و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را گرفت و گزند رسانید دلیل که از مردم پادشاه بوی رنج رسد
 و اگر بیند که از آن عسس بوی طالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند گمانی رحمه الله علیه کوید اگر بیند که عسس جابوئی بکند یا ویر
 بزنان کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بخیختنی بیند و اگر بیند که از عسس بگریخت و کسی او را نتوانست
 گرفت دلیل که اندک رنج بوی رسد عصا ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بخواب بیند که عصا بر وی میگرد دلیل که
 بجاری مشغول گردد که او را شناسا گویند و نام نیکی و چیز برود و عصا ابن سیرین رحمه الله علیه کوید عصا در خواب
 مردی بزرگواری با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر
 و جاه پدید آید و اگر بیند که عصای وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرده دلیل که
 بمعاضدت مردی بزرگ آنچه میخواهد بیا بد گمانی رحمه الله علیه کوید اگر بیند که عصا در دست و را زدند دلیل که
 برادر رسد و اگر کوتاه شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند

ع

ع

ع

ع

ع

ع

که عطا با دلیلی نمی گفت دلیل که او را فرزند می آید و از و منفعت یا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید و پدرش غصا در خواب بر
 سه وجه بود یکی مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوم عصبیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عصبیه نوعی از خلوا است
 و آن بهتر از عفران بود و دیدن او در خواب مای بود که بهشت درونی بدست آید و اگر بیند که لقبه از عصبیه در دستان
 گذاشت دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصبیه بسیار زهر و ویل که مال شخصیت حاصل کند عطا ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا دادند معتبر باید که بپرید و از این عطا می گوید دادند چه نوع بود و
 یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود و چون جمله نیکو بد است آنکه تعبیر کند اگر نیکو باشد
 آنچه مردم آزاد و دست میدارند دلیل که از آن عطا می گوید بوی و او کی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل که سبب
 دنیا و آخر می رسد و اگر عطا بود عده خطا بود اینجا دروغ بود و اگر بیند که عطا بست و دیگر باز داد دلیل که نیک و بران
 بعطا دهنده باز کرد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا دادند دلیل که بآن کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده
 جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر غیبت کند دلیل که ایمان او پر خطر باشد و اگر چه و یا ترسا بخواب بیند
 که مسلمانی این از عطا داد و بر غیبت بست دلیل که مسلمان شود و گرامی رحمه الله علیه گوید اگر بیند کسی او را عطا داد و او
 شکر گفت دلیل که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر گفت تا ویش بخلاف این بود معتبر بی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده و آن بود تا ویش بد بود عطا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی
 خوش داشت و او عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود دلیل که از مال نفع رساند گرامی رحمه الله
 علیه گوید اگر بخواب بیند که با خود عطا داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنای او کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطا
 در خواب بر سه وجه بود یکی تنای نیکو و دوم سخن خوش و سوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد که پیغمبر مرد و یا
 فرسنگ ششم دین پاک هفتم خبر خوش عطا اگر بخواب بیند که عطاری میگرد و دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیدار بود
 بوی خوش می فروخت دلیل که وعده دیدن و گین خلاف کند اسمعیل شعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطا رود و سخنی
 و آشنائی شد دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود عطا سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب
 بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت دلیل که اگر بیمار است او را بطیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی
 حاجتش روا کند و بروی منت نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد و دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار
 داد و دلیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی بازگشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که
 چون عطسه داد و مخا ط از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که در وی سخنی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و جهنده او
 بیرون آمد دلیل که از جوهر آن جهنده او را غریزی آید که بدان چو آن منسوب باشد گرامی رحمه الله علیه گوید اگر عطسه
 در خواب باسانی داد و دلیل که مال باسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد و دلیل که مال بدشواری بدست آورد عقل ابن

عصبیه

عطا

عطا

عطا

عطسه

عقل

سیرین رحمه الله علیه کوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بنمیزد چنانکه کوید که من عقل تو ام و دانند که عقل و لیست که بنمیزد خواب این آن باشد دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وزیر بنمیزد و پادشاه زاده او را دوست دارد و کمالی رحمه الله علیه کوید اگر کسی عقل خود را بدین صورت بنمیزد دلیل که نجات روی بومی نهند و عز و جاه یابد و توانا نکند و انبیا علی السلام کوید عقل در خواب نجات و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بنمیزد چنانکه کوید که من عقل تو ام دلیل که نجات و دولت یابد و مغربا رحمه الله علیه کوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بودند دلیل که و میراثشان باز بنمیزد و اگر مرده باشند دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و و خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت بنحو خواب دیدم که مال و جان من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بجان من درآمدند و هر سه بنشینیم و شراب شتول کشیم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آنجهان کار تو بمراد شود و اگر بنمیزد عقل و جان متمیزه و حاج میگردند دلیل که با سلطان ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی نجات و دولت دوم مادر و پدر سوم فرزند پادشاه چهارم مال و نسبت تحقیقی ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر خواب بنمیزد که عقیق داشت یا کسی بومی داد دلیل که با بزرگی صاحب شود و از وزیر یابد و اگر بنمیزد که عقیق از وضایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنمیزد که بخبر و عقیق داشت و از و چیزی بخورد و دلیل که او را فرزند ی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد علک کند و بود اگر بنمیزد که علک بر آتش نهاد و دلیل که بقدر آتش و مال و نقصان شود و اگر بنمیزد که علک میخاید و دلیل که مالی بخصوصت و گفتگی یابد علم در خواب مردی و انبیا امام زاهد بود و یا شخصی که مردم بومی افتد کنند و اگر بنمیزد که علم در دست داشت و دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی آشنا شود و از وی رحمت یابد و اگر بنمیزد که علم از دست دی بپایند و یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه کوید بدین علم در خواب دلیل بر سفر بود و اگر بنمیزد که علی بومی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربا رحمه الله علیه کوید اگر بنمیزد که علمی سپید بزرگ و درست داشت و دلیل که با مردی توانا صلاح او را صحبت افتد و از وی چیز و منفعت یابد و اگر بنمیزد که علمی سبز داشت دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بنمیزد که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خلیف شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید بدین علم در خواب بر چهار وجه بود یکی بهتر دوم سفر سوم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بنمیزد که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر بنمیزد که بر زمین خراب شده بود و از بهر خود عمارت میکرد و چون سردای دوکان و مانند این دلیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بنمیزد که بجای معروف بود و خراب شد دلیل که در بلاد مصیبت افتد مغربا رحمه الله علیه کوید اگر بنمیزد که در جای معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آن مقام خیر و صلاح و منفعت بقدر عمارت آن

تحقیق

حکایت

حکایت

حکایت

مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه کو بدیدین عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجانی دوم خیر و منفعت
 سوم کامرانی چهارم برکت و کشایش کارهای بسته عمار می ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در
 عمار می نشسته بود و عمار می وی بر استر یا بر آب بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بنید عمار می بنشیند
 و یا از عمار می بیرون شد تا پیش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید کسی او را در عمار می نشاند دلیل که با
 بزرگی پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمار می در خواب
 بر منفعت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهنری
 عمود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود و معتبران گویند که سخنهای سخت باشد
 و اگر بنید که عمود بر کسی زد و دلیل که سختی سخت کسی بگوید و اگر بنید که عمود آهنگین داشت دلیل که او را از پادشاه توانا
 و یاری بود و اگر بنید که عمود از دست وی بستند تا پیش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود
 در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای سخت و زشت سوم مهنری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بنید که عتاب کسی داد و دلیل که از او
 بد آنکس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عتاب از او خست جمع میکرد و دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند
 مختبر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عتب داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر بنید که عتب
 بسیار جمع میکرد و باز بیافت دلیل که بقدر دست خویش ولایت یابد و اگر بنید که عتب کسی داد و دلیل که از او بد آنکس
 منفعت رسد و اگر بنید که عتب از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بنید که بر عارض کسی عتب مالید دلیل که
 بجای او یکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن عتب در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شتاب
 عتقا نوعی از نوا بود چون چنگ و بر لب و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عتقا میزد و دلیل که باطل سخن
 محال رضا دهد و اگر باری بیند که عتقا بشکست یا بپنجه زد دلیل که از او و غ و محال تو به کند و اگر بنید که عتقا میزد و دلیل که
 زود میرد و عتقا مکتوب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عتقا مکتوب در خواب مردی ضعیف و کمزوری و عاصی بود و بعضی
 معتبران گویند که عتقا مکتوب بود و اگر بنید که عتقا مکتوب از وی دور شد دلیل که از مردی جلا دهد و در شود عود و ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که عود زیر کسی میسوخت دلیل که از او خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع
 بود و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عود خام داشت و یا کسی بومی داد و دلیل که از پادشاه خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر
 باشد عطا بیشتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی خوبی دوم سخن خوش سوم شتاب و آفرین
 چهارم مال و منفعت عود سوزن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عود سوزن در خواب کینک با فرنگ یا غلام زیر یک و
 دانا بود و اگر عود سوزن پدید روی باشد دلیل که غلام یا کینک از اصل تر نشا باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل چود

عمار می

عمود

عتاب

عتب

عتقا

عتقا مکتوب

عود

عود سوزن

باشد اگر از همین بود از اصل کبریا باشد و اگر بنید که عود و سوز شکست یا ضایع شد دلیل که غلام یا کنیز یک ملک شود
 عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او را میدیدند دلیل که
 سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بنید که عورت خود و باز پوشید دلیل که سر او زود پوشید که دو و معمران گویند
 اگر بنید که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دام و اره دلیل که وارش گذارد
 شود و اگر ترس دارد دلیل که این کرد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن نشسته
 شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بنید که عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت کرد
 یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق کرد و عیید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که عید قربان بود دلیل که او را بامری
 عاقل کار افتد و اگر بنید که عید رمضان بود دلیل که او را بامردی عابد زاهد محبت افتد و منفعت دینی باشد که مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند و دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عرفه شرف
 بود و دلیل که شرف او زیادت کرد و عیاشورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بنید دلیل که کامکار
 یابد قوله تعالی اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بنید سال و ماه و روز
 بروی خسته و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح بود حرف الغین ۴ غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد و دلیل که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بنید که در غار شد و زود بیرون آمد
 و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در غار شد و آن غار روشن بود و دلیل
 که او را بر زندان کنند و بعضی گویند در کاری سخت گرفتار شود و اگر بنید که از غار بیرون آمد و دلیل که رنجور شود و شفا یابد غارت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مال و نعمت وی غارت کردند و دلیل که غم و مصیبت بود مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که لشکر اسلام دیر کفر را کوفت و غارت کردند و دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بنید که لشکر کفار اهل اسلام را
 غارت کردند و دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین غارت در خواب بر چهار وجه بود یکی
 جنگ دوم زبان سیوم غم و اندوه چهارم زنج از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب فرزند
 نام آور بود و اگر بنید که غالیه کسی داد و دلیل که آنکس را از وی اوب و فرزندک آموزد که مانی رحمه الله علیه گوید
 غالیه نشان حج بود و معتبران گویند که غالیه مالی باشد که از مهتر بد رسد و اگر بنید که غالیه یافت و دلیل که
 از زنی یا از مردی باز رکان منفعت یابد و اگر بنید که کسی بر چشم وی غالیه مالید و دلیل که بجای وی حق گذاری
 کند و مردم او را دعا گویند و اگر بنید که کسی بر بنا کوش وی غالیه مالید و دلیل که او را متهم بدروغ کوئی کنند جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید بدین غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی اوب و فرزندک دوم شمار و آخرین سوم
 حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید

عید

عید

عاشورا

عاشورا

عاشورا

عاشورا

عاشورا

غیا

غیا

غیا

غیا

که غیابی از سفر نزدیک وی آمد دلیل که نامه و یا خبر آن غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد
خویشان وی برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بر وی کشاوه کرد و او اگر
بنید که غایبش از سفر وی و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که
غایبش زود بانعت و مال باز آید و اگر غایب را پیاده و عاجز و برهنه بنید دلیل که در راه غایب را قطع الطریق بر بند
و مفلس شده باز آید عجمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غبار بر چیز که ملک او بود نشست و دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند اگر بنید که غبار بر روی آسمان و زمین می شد دلیل که مردم آن موضع از آن کار که در آن بیرون آیند
و اگر بنید که بر چیز که ملک او بود نشست و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که روی او غبار
بود دلیل که او را رنج و عقوبتی رسد قوله تعالی وَجْهَهُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّارِ وَهُوَ حَافِظٌ وَأَكْرَمٌ بنید که بر زمین که ملک
اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند غریب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غبار مال و در خواب خادمی بود
مهمین و اگر کسی بخواب بنید که غبار مال داشت دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بنید که غبار مال وی شکست دلیل که خادمی
بگریزد و یا بمیرد و کوفی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که غبار مال یک میکرو دلیل که کاری کند که مردم را از آن منفعت باشند و
او را مضرت رسد و اگر بنید که آنچه پاک میکرد از بهر خود میکرد و دلیل که منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غبار مال و خواب
بریده وجه بود یکی خادم دوم یار سوم شاگرد و زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در دریا غرق
شد و بمرد دلیل که پادشاه او را اهلک کند و اگر بنید که آب او را فرو برد و باز بالا آمد و غرق و دلیل که از کار دنیا دست بردارد و
صلاح دین در راه آخرت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که چهار پای و سرای یا دو کانی یا باغی غرق شد دلیل که کار
صحب در ماند و سر انجام رانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن و خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار
دوم اقبال سوم صحبت با مردم بد مذنب چهارم منفعت غمناک کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بنید که در راه خلیفه تعالی غمناک و دلیل که کار خویشان و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابند قوله تعالی وَمَنْ يَهْتَفِ بِ
سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاتِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً اگر بنید که از غزا روی بگرداند دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی
هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أَوْحَاءَهُمْ وَلَا تُخْلَفُوا سَبِيلَ الَّذِينَ أَنْتُمْ لِقَائُهُمْ عَسَى أَنْ يَكُونَ
لَكُمْ خُرُوجٌ مِنْهُمْ فَاصْلَحُوا إِنَّ اللَّهَ يَرْجِي عَنِ الْقَائِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بنید که مردم آن دیار بجزایرون شدند
دلیل که غزوه یا بد مردم را قهر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که با کافران تنها جنگ میکرد و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی
حلال بدو رسد و عمرش دراز کرد و قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُدْفِنُونَهُمْ فَرِحَ بِنِجْمٍ إِنَّهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غمناک کردن و خواب بر شش وجه
بود یکی خمر و رکت دوم سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم که از او نرسد بر دشمن ظفر یا فتن چهارم

غوره

فاخته

خفتن

فالوده

فام

فتنه

فراخی

دریا بر آورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد غوره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب
 ببیند که غوره بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن یابد رنج و کوفتی رحمه الله
 علیه گوید اگر ببیند که غوره میخورد دلیل که اندوختن شود و اگر ببیند که غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن بیخ میخورد دلیل که
 اندوختن کمتر شود و اگر غوره بکوشش بخت بود بهتر باشد شوک و وزخ و در حرف و ادب شرح آن کشف شود حروف
 الفاء فاخته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فاخته در خواب زنی ناقص دین بدیده بود که با کسی سازگاری
 نکند و اگر ببیند که فاخته داشت دلیل که زنی بدین بدینسان بخوابد و اگر ببیند که بچه فاخته بگرفت دلیل که او را فرزندی
 آید و اگر ببیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و حج کند کرمانی رحمه الله علیه گوید فاخته فرزندی
 دروغ زن بود و اگر ببیند که فاخته بر بام وی بانگ یکبار کرد و دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کرد و بهتر
 بود و اگر سه بار بانگ کرد و نبایت نیکو بود و اگر ببیند که فاخته باز ناخ و دو بخانه وی درآمد دلیل که در دو در خانه وی
 در آید و کالای او بر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم خادم
 فال گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر ببیند
 که فال کیری میگرد و دلیل که آنکس جز بیهوشی بسیار غور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه
 بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تا ویش بخلاف این بود
 فالوده اگر برعفران بود و بیماری بود و دیدن فالوده رنج و مصیبت بود و بقدر آن آلتی که بروی رسیده باشد
 اگر ببیند که فالوده در دهان نهاد و دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر ببیند که لقمه فالوده بکسی داد و دلیل که آنکس سخنی خوش گوید یا
 از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت
 چهارم حاجت کاریکه بر آید بشارتی بود فام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فام بروی بود دلیل که حج
 کند و اگر غارزش فوت شده باشد قصدا کند و اگر انانی در کردن دارد باز رساند و اگر دوام دارد و دلیل که بگذارد و فتنه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که فتنه از جایگاهش زایل شد و دلیل که اهل آن دیار بخداوند تبارک و تعالی باز گردند
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر از ده چهره یکی ببیند دلیل در آن دیار فتنه و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد و چهارم باد گرم
 پنجم سیاهی آفتاب و ششام غبار هفتم باران هشتم برکندن درختان نهم ابر سرخ یا سیاه دهم جامة سرخ و زرد یونشیدن
 فراخی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که از جایگاهش تنگ بفرخی آمد یا از سخنی آسانی رسید دلیل که از غم بفرخی شود
 و از اندوه فرح یابد و فرخی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال وی فراخ کرد و اگر
 ببیند که خانه بروی تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیالان وی تنگ کرد و اگر ببیند که خانه بروی تنگ شد و باز
 فراخ شد دلیل که راه دین و شریعت بروی مستقیم شود و فی الحقیقه فراخ شدن چیزی تنگ دلیل بر کنش است

فرج
فحج

کار را بود و برکت در چرخ ما فرانش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فرانش در خواب دلالت بود که از بهر کسی زن خواهد
 فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را همچون زمان فرج بود و دلیل که خواب را بهر چه کرد و اگر
 بیند که کسی با وی جماعت کرد و دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دوزن بیند که ایشان را یک فرج است و دلیل که دوزن
 از یک کس باشند که بانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از این یا از مس بود و دلیل که از این یافتن مراد را نگیرد
 و اگر مردی بیند که فرج زنش از سوی پس بود و دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی
 بیند که فرج وی بریده شد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون آمد و دلیل که او را دختری آید و اگر
 زنی بیند که از فرج او که به بیرون آمد و دلیل که او را فرزند دوز و راهزن پیدا آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد
 و دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد و دلیل که او را فرزند آید که دشمن او کرد و اگر
 بیند که از فرج وی کت و دم بیرون آمد و دلیل که او را همین تاویل دارد و اگر بیند که از فرج او کرم یا موری بیرون آمد و دلیل که
 او را فرزند دوزن است آید و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد و دلیل که مفلس و تنگ دست گردد و اگر بیند که از فرج وی کبچ
 بیرون آمد و دلیل که شوهرش او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد و دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی
 جماعت کند و اگر بیند که از فرج وی ریم بیرون آمد و دلیل که او را فرزند صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آب تیره بیرون آید
 تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که از فرج وی قی بیرون آمد و دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی
 آتش بیرون آمد و دلیل که فرزندانش ملک جهان بگیرند و اگر بیند که کسی فرج وی را برید و دلیل که از آن شخص منفعت یابد
 اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی رسته بود و بسیار بود و دلیل که بسبب فرزند خواند و کین
 شود و اگر بیند که بر فرج وی موی نبود و دلیل که نشاء شود و اگر بیند که فرج وی آما سیده بود و دلیل که مال یابد و اگر زنی
 بیند که او را بجای فرج قضیب بود و اگر آستین بود و دلیل که پسر آرد و نماز و اگر آستین نبود و دلیل که پسرش بمیرد و اگر
 بیند که از فرج وی کوهر یا مروارید بیرون آمد و دلیل که او را فرزند عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قوچی یا گیزه داشت و دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود و تا ویش
 بخلاف این بود که بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از وی سیاه بود که پوشیده بود و دلیل که نیک باشد و لیکن با
 مردم پارسا بود و دیبای رنگ از طون بود و فرجی که باس و ابریشم و نیل بر زیادت و دین بود و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که فرجی زمان پوشیده بود و دلیل که او را علامت رسد و اگر بیند که در آن فرجی با کسی جماعت کرد و دلیل که
 حاجتش روا شود و اگر آنکس که با وی جماعت کرد اسمعیل اشعث را گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود
 و دلیل که بر دینداری و امانت و پارسا می کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده بود و اگر عالم بود و دلیل که بر
 راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود و دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود و بر داشت

فحجی

دلیل بر صیبت و غم و اندوه بود فرزند ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر کسی بنید او را و دخترى آمد دلیل که خیر و راحت یابد و
از ایل بیت شادمان شود و اگر بنید که سیرى آمد دلیل که دخترى آمد و دلیل که سیرى آمد مغربى رحمه الله
علیه کوبید اگر بنید که او را فرزندى بود و فرزند او را کسی بستد دلیل که بیار شود و سبیل اشعث رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که در جالی
طفل افکنده بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جالی که امید دارد و چیزی بوی رسد فرعون ابن سیرین رحمه الله
علیه کوبید اگر بنید که یکی از فرعونیان با تقدم یا از پادشاهی تقدم شکر در شخصی در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل
که سیرت فرعون علیه السلام در آن دیار ظاهر گردد و اگر بنید که از پادشاه مقدم یکی در شخصی رفت دلیل که سیرت عدل آن
پادشاه در آن دیار ظاهر گردد و مغربى رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که فرعون عطالی بوی داد یا خلقی او را بخشید دلیل که قدر آن
از پادشاه خاتم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یابد فرعون ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که کسی
بگوید و یک بنیر دلیل که در کاری هست ایستادگی نماید و اگر کسی کوبید که و یک بگردان تا نوز و یعنی بر حذر باش و اگر
بنید که بد و گفتند که مان لشکر یعنی برادر از اخوش دارد و اگر بنید که کسی کوبید که کندم بفروش یعنی نان بده و اگر بنید که
کوبید میاز او ربنده یعنی فایده بر گیر از کار و اگر بنید که کوبید توقف کن یعنی برو دشمن ظفر خو اهی یافت و اگر بنید که کسی کوبید
باش که مال یعنی مال نکند در تاد و ویش نشود و اگر بنید که کوبید چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بنید که کوبید
که بستر بکشد یعنی سجاده و اگر کوبید تخم بکار یعنی با خلق عدا می نیگویی و اگر بنید که کسی کوبید غسل کن یعنی توبه کن و سجایا
باز گردد و اگر بنید که کوبید چیزی بخور یعنی لغت حلال بخور و فرود آمدن ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که از کوبی
فرود یا از جایگاه فرود آمد دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بنید که از یا فرود یان بزرگ
آمد دلیل که در ویش نقصان شود و خاصه که نروبان از کل بود و اگر نروبان از کچ و سنک باشد دلیل که لشکر نقصان شود
مغربى رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که از کوه فرود آمد که پیش پادشاه بود دلیل که از وجود او در حرمت و جایش
نقصان پذیرد و اگر از دل فرود آمد دلیل که بعد از بلندی اندر لغت او نقصان شود و فرعون ابن سیرین رحمه الله
علیه کوبید هر چه در شرع و راه دین عزیز تر بود فروختن آن بد بود و اگر بخواب بنید که مصحف کلام الله
را فروخت دلیل که دین مسلمانى نرود و او خوار بود و کرمانى رحمه الله علیه کوبید اگر بنید که بنده خود را
بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی او از زبان باشد و زشت نام گردد و مغربى رحمه الله علیه کوبید
اگر بنید که چیزی بفروخت آن چیز حقیر شود و فرعون ابن سیرین رحمه الله علیه کوبید اگر فروزلی چیزی
صلاح بود نیک بود و لیکن چیزهای که در آن شرف و فساد باشد بد بود و کرمانى رحمه الله علیه کوبید فروزلی در تن دین
چون تن رازبان نزار دینیک بود و هر چند که فروزلی بنید دلیل که مال و نعمت پیش یا بد و اگر فروزلی
تن او امضرت رسد دلیل که نقصان و رنج و بیماری بود مستحق ابن سیرین رحمه الله علیه

فرزند

فرعون

فرعون

فرعون

فرعون

فرعون

فرعون

کو پیشتر در خواب مال و نعمت بود و اگر بنید که مغز مفتق داشت و بخور و دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بنید که مغز
 مفتق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یا بد مغزی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که مغز مفتق بد و او اند دلیل که مال و نعمت
 یا بد فقاع خور و این ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فقاع خور و دلیل بر خیر و منفعت بود و از قبل
 خا و میکه بوی رسد و اگر بنید که فقاع میخور و دلیل که از خا و می خیر و منفعت یا بد اگر بنید که فقاع کسی داد دلیل که باکس
 منفعت رساند و اگر بنید که کوزه فقاع بنیما و بر نخت دلیل که او را زبانی رسد که مالی رحمة الله علیه کوید فقاع خور و
 در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بنید که فقاع خور و دلیل که خدمت مردی نفل کند و اگر بنید که فقاع خور و
 شیرین بود دلیل که از او منفعت یا بد و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که او را زیان و مضرت رسد جعفر صادق رضی الله
 عنه کوید فقاع خور و در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم بوسه سوم خدمت کردن چهارم مرد و غله فقیه
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که فاضل شده بود و سخن او نزد خلایق قبول بود دلیل که شرف
 بزرگی یا بد و ناامش در آن دیار بر یکی منتشر کرد و مغزی رحمة الله علیه کوید اگر مردی امی خود را بخواب فقیه بنید
 دلیل که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بنید دلیل که قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که فلاخن کسی انداخت دلیل که بد آن کس نضرین کند و اگر بنید که کسی سنگ فلاخن بوی
 انداخت دلیل که آنکس بروی نضرین کند و اگر بنید که اندام از سنگ فلاخن خسته شد دلیل که از نضرین آفتی بوی
 رسد و بخور کرد و **فلوس** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بنید که
 فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بنید که فلوس بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود و اگر
 بنید که فلوس از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و مغزی رحمة الله علیه کوید فلوس در خواب
 دین دلیل بر فلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود و اگر کسی بخواب بنید که فندق داشت دلیل که از مردی
 بخیل منفعت یا بد و اگر بنید که بخور و فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مالی رحمة الله علیه کوید اگر
 بنید که مغز فندق شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یا بد **فنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید فنگ
 در خواب مردی غریب توانگر و آینه زنده با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال و خواسته بود
 و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بنید که فنگ مطیع وی نبود دلیل که فایده یا بد و اگر بنید که فنگ را بکشت و
 پوست وی را بکشد و گوشت ویران بکند دلیل که مال مردی غریب تلف کند و اگر بنید که فنگ را خیه کرد و از گردن او خون روان
 شد دلیل که دو شیرکی دختر غریب بستاند و اگر بنید که فنگ بسیار روی جبهه شد و از ایشان کردند دلیل که در میان مردی
 افتد و از ایشان منفعت یا بد و اگر بخلاف این بنید مضرت یا بد **فواق** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بنید که
 فواق آمد دلیل که خشمش کبر و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید که مالی رحمة الله علیه کوید اگر بنید

تجرب

قصه

خبر

محب

فندق

فنگ

فندق

که بشکام نان خوردن اور افواق پدید آید دلیل که تبار شود و اگر بیند که اور افواق پیاپی می آید دلیل که بی عجبی کسی شکم
 کیر و و اگر بیند که فواق او به بانک او بلند بود دلیل که دروغ گوید و بدن دروغ اور علامت رسد و اگر بیند فواق نرم و
 آهسته بود دلیل که کسی خشم گیرد و لیکن زود باز آید و اگر بیند که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد دلیل که اجتناب
 رسیده باشد فووه خمیر خشک باشد که از آن آبکار سازند دیدن وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که فووه مخور
 دلیل که سبب کاری متفکر گردد و فووه در خواب جنک و خصومت با خویشان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 فووه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری عیال فوطه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب نشادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت
 دلیل بر راحت دین و دنیا وی بود که یا بدخاصه چون نو و فرخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تا ویش بخلاف این
 بود که مانی رحمه الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیند مستور بود
 دلیل بر زیادتی ستر او بود و اگر بیند خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر جامه
 فوطه یا شاه بیند دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم برستی کند و اگر شرک بیند
 مسلمان شود و اگر فاسق بیند تائب گردد و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید **حرف القاف**
قاضی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قاضی شد و در میان خلق داوری میکرد و از اهل قصه نبود
 دلیل که در سنج و لاکر قمار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته باشد او را قضا ع الطریق بزنند و مالش تلف شود
 و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیند خواب عالم بود و جوان بود از سفر سلامت باز آید که مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بیند که نشسته بود و
 او کسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی **والله یحکم لاهعقب**
لحکم و در جای دیگر فرموده **یقضی الحق** و هو خیر الفاصلین مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قاضی بر وی
 حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازوی در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم برستی کند و اگر بیند
 که قاضی بهر و شفقت برو نگاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل که او از داخل علم حرمت و جاه نبود و خوار و
 فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند با قافله سوی خانه می آید دلیل که کار بسته وی کشاده گردد و
 از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب
 بیند دلیل که زن و خادم بود که کارهای وی راست دارند و اگر بیند که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید
 و اگر بیند که قالب بشکت یا بسوخت دلیل که آن خادم خانه او هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 قالب بسیار داشت دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کفش دو یا موزه دو در خواب

فووه

فوطه

یه چمی

تخلفه

تخلف

دلیل که بهتر باشد قالی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قالی بزرگ از بیروی افکنده بود و دانست که ملک
 ولایت دلیل که بر روزی عمر و فراخی روزی بود و اگر بنید که بر قالی نشسته بود و در جانی بیکانه زندانست که آن جایگاه
 کیست دلیل که دنیا بروی متغیر گردد و در غربت بمر و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود
 دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت
 دلیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراخ تر باشد معیشت و روزی
 بیشتر و بهتر بود و اگر بنید که بر قالی کوچک نشسته بود و زیروی فراخ شده دلیل که عیش و روزی فراخ گردد
 و اگر بخلاف این بنید دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر بنید که قالی کسره بود و بدست خود در نوشت
 و در کنج خانه نهاد و دلیل که دولت و اقبال خود تنه کند و اگر بنید که قالی بر پشت نهاده و میرسد دلیل که بزه بسیار
 کند و آئینال علیه السلام گوید اگر بنید که قالی کوچک و سبز بود و دلیل که روزی بروی تنگ شود اما عمرش و راز
 شود و اگر بنید که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بنید که قالی در خانه کسی افکنده بود
 دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بنید که در خانه مجبور قالی افکنده بود دلیل که سفر کند و مال غنیمت
 یابد **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا ی که پارس در خواب پناه و قوت سفر بود و اگر بنید که قبا ی که پارس
 فراخ پوشیده بود و دلیل که از غنمها فرج یابد و اگر بنید که قبا ی حیر پوشیده بود و در خواب مکرده بود مگر که با سلاح
 پوشیده بود اما از مردی بزرگ شرف و منزلت یابد و اگر بنید که قبا ی پوشیده بود و در خواب مکرده بود مگر که با سلاح
 یابد و اگر بنید که قبا ی سبز پوشیده بود و دلیل که روشنائی یابد و اگر کبوتر بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه
 باشد و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر قبا ی کهته و دریده بود و دلیل که زلزله و بیدخیزی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که قبا ی عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که قبا ی پوستین سیاه و پلید پوشیده
 بود و دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر بنید که قبا از پوست روباه بود و دلیل که زنی یا سبزی کند و اگر قبا از پوست سمور بود و دلیل که
 زنی توانگر خود را بجز صاوق رضی الله عنه گوید قبا در خواب پیش وجه بود یکی پناه و دوم قوت حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست
 قبا **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قبا له و خطا داشت دلیل که بقدر خط و قباله از حرکت حاصل شود و اگر بنید که پادشاه خطا
 قباله بوی داد و دلیل که او را ولایت گرداند و اگر بنید که قبا له بوی داد و دلیل که علم شرع او حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبا له
 در خواب پیش وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا له
 و خواب مردی غمخوار بود و کفه قبا له در خواب شنوای بود و زبانه اش فرونی بود و بوقت گذارون حکم مغربی رحمه
 الله علیه گوید قبا له در خواب قاضی بود و اگر بنید که قبا له داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر
 بنید که قبا له چیزی می بخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد **قبای** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید

تعب
تعب

تعب

تعب

تعب

اگر بنید که قبله گذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد و دلیل که براه حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بنید که قبله را شناخت و دلیل
 که در راه دین سرگشته و متحیر گردد و قبیه کند و در حرف کاف بیان کنیم قدح ابن سیرین رحمه الله علیه که بدگرگی بخواب بنید
 که قدح آب با جلاب داشت و از آن بخورد و دلیل که زن بخوابد یا کینز که خرد و فرزند صالح و پارسا آورد و اگر بنید که آب بر بخت
 و قدح باغ و دلیل که فرزند بمرور و زن سلامت باشد و اگر بنید که قدح شکست و آب بر بخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمرور
 و اگر بنید که قدحی بود از آن بخورد و دلیل که او را فرزند ی بد کرد و او را بد و از محنتی بد و برسد و اگر قدحی بختی بخواب بنید و دلیل که او را
 فرزند ی نیاید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قدح در خواب برسد و چه بود یکی زن دوم کینز که نسوم خادم که مشترک در هیچ
 خانه بود قدح بد ابن سیرین رضی الله عنه گوید قدح در خواب اگر گوشت کوبید بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسب
 بود و دلیل که غنیمت مردم سپاه بود و اگر گوشت چار یا یا ن دشتی بود غنیمت مردم یا یا ن بود و خوردن گوشت قدح بد
 نباشد **قرآن خواندن** در خواب دلیل بر حاکم است اگر بخواب بنید که آیت رحمت و بشارت بود و اگر حق سبحانه
 و تعالی پس واجب بود که چیزات کند و شکر خفتن علی اجل و عاقل کند و اگر بنید که آیه عذاب میخواند دلیل که برشم غصب
 خدا تعالی اعزوجل بود و توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی باز کرد و بدین و اگر بنید که آیت از قصص و امثال میخواند
 و دلیل که معصیت کند که بانی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بنید که نیمه قرآن میخواند و دلیل که یک نیمه از نیمه گذشته بود و اگر بنید
 که حافظ قرآن شد و دلیل که امانت نگهدارد و اگر بنید که آواز قرآن می شنید و دلیل که کارش در راه دین بیکو کرد و اگر بنید که
 کسی قرآن وی میخواند و از آن هیچ فهم نمیکرد و دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسید و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که جمله
 قرآن ختم کرد و دلیل که مراد باید و بعضی از معتبران گویند عرش باختر رسیده باشد و اگر بنید که قرآن با و از بنید میخواند و دلیل که
 کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بنید که یاد دارد که کدام آیه میخواند و دلیل که تفسیر آیه تفسیر وی باشد و اگر بنید
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که چهار یک قرآن میخواند و دلیل که کار وی بیکو کرد و اگر بنید که از اعراف نامر میخواند و دلیل که در میان خلق
 مشهور گردد و اگر بنید که از زمر تا سورۃ الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بنید که تمام سی پاره قرآن خواند و دلیل که سال و
 ماه بروی مبارک باشد و اگر بنید که هفت سی پاره قرآن خواند و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر کسی قرآن خواند و بخواب بنید
 که قرآن میخواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و قول تعالی اهل کتاب که کفی بفسادک الیوم علیک حسینا اگر بنید که بر سر
 بود و قرآن میخواند و دلیل که هوادار بود و اگر بنید که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند و دلیل که اعتقادش خلل پیدا شده باشد و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از آفتها دوم توانگری بعد از ورع و ششی سوم مراد و کام
 دل یافتن چهارم بیداری و پیریز کاری فرمودن کسانی را که مستور باشند روز قیامت محبت مرایشان را
 بعذاب و عقوبت **قرآن کردن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که اشتر یا کاویا
 کوبند قربان کرد و دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا و محنت گرفتار بود و شفا یابد و اگر در بند بود و خلاصی یابد

و اگر درویش بود و تا نگر کرد و اگر ترس دارد و این کرد و اگر وام دارد و وامش گذارد و شود اگر حج کرده باشد گذارد و اگر
 بنده که بصر بجهت قربان رفته بود و ندلیل که آن قوم اگر از چیزی ترسند این کردند و اگر محبوس باشند خلاصی یابند و اگر قحط و
 تنگی بود بفرخی بدل شود و خاصه که این خواب نزد یک عید قربان باشد و اویش زد و تراش کند که مالی رحمة الله علیه بیدار کند که
 گوشت قربانی ببرد و قسمت میکرد و دلیل که مردمی نخست آنجا میبرد و مالش را قسمت کنند و اگر بنده که گوشت بدزدید و ندلیل که
 بر خداوند تعالی عزوجل دروغ گوید و قربان و خواب بشارت بود و قوله تعالی و لبشر ناه باسحق نبی یا من الصالحین
 و یا کذا علیه و صلی الشیخ اگر خداوند خواب زن بود و حاله پیر صالح آرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا وایل قربان و
 خواب برنش وجه بود یکی اینی از ترس دوم حاصل شدن ملز و حاجات سوم خیر و بهکت چهارم تا ششم زوال قحط و
 تنگی **ق ر ا ب** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرابه در خواب کنده پیری بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر در قرابه
 آب یا حلاب یا چیزی بخوردنش حلال بود و بنده دلیل که آن کنده پیر حلال خوار بود و اگر بنده که در قرابه چیزی بود که مستی کند
 دلیل که آن کنده پیر حرام خوار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که قرابه داشت دلیل که او را با کنده پیری صحبت
 افتد و اگر بنده که از قرابه آب یا حلاب خور و دلیل که او را از کنده پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرابه چیزی ترس خورد و دلیل
 که غم و اندوه خورد و از قرابه تنی هیچ خیر و شتر رسد و اگر بنده که قرابه شکست دلیل که از آن کنده پیر جدا کرد و قرض
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرض در خواب شنای نیکو بود و اگر بنده که قرض بسیار داشت و بهر کس عطا داد و دلیل که
 اهل آن دیار بروی ثنا گویند و نامش به نیکی منتشر کرد و اگر بنده که قرض میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد
ق ر ب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قزو ابریشم چون سپید باشد دلیل بر نعمت این جهانی باشد و اگر مرد بود و دلیل بر
 بیماری کند و دیدن ابریشم بخت بهتر از خام بود و اگر بنده که ابریشم یا قزو او سوخت یا خدای شد دلیل که او پیرانی رسد
 و اگر بنده که قزو ابریشم داشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود و بهتر باشد و اگر
 سرخ بود و در آنرا بد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بنده که از هر یکی ابریشم داشت و دلیل
 که او را از هر یکی متاع حاصل شود و ابریشم مردان را در دین مکره بود و زنان را نیک باشد **ق ط** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنده که قسط در زیر خود می سوخت و دو و میکرو دلیل که مروم آن ولایت او را مدح و ثنا گویند و نامش در آن
 دیار به نیکی منتشر کرد و اگر دو و کنده و ناخوش بود و اویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود
ق ث ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنده میان کوهی چیزی قسمت میکرد و دلیل که میان خلقی انصاف نکند و اگر
 و اگر بنده که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان قسمت کند و اگر بنده که مال خود بشتر و فساد
 قسمت میکرد و دلیل که مال وی تباه شود و اگر بنده که مال کسی برضای او قسمت میکرد و اگر اصلاح یا فساد بود و دلیل که خیر و شتر آن بوی باز
 کرد **ق ض ا ب** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضا چون مجهول باشد ملک الموت بود و اگر بنده که قضا

ق ر ا ب

ق ر ب

ق ر ب

ق ط

ق ث

ق ض ا ب

کشف
قصه

قضیب

قطایف

قطران

قناری

قصص

در سرای یاد کوچه آمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که او قصاب است و قصاب نبود دلیل که کسی را کشته و اگر
بیند که با قصاب همراهی کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب
نبود دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود و اگر بیند قصاب بود خون حق ریخت و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصاب
جبهول در خانه وی درآمد یا در کوچه درآمد دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود **قصه** کفشتن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قصه مجبول میخواند دلیل که از ترس و بیم شکم کاران ایمن شود و قوله تعالی قل لعلنا
جاءه و قضا علیه القصص قال لا تخف بخوت من القوم الظالمین که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم
قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل بر شر و فساد کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرادش حاصل کرد و قصه گوی در خواب مردی نیک محضر بود **قضیب**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قضیب شاخ و دخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که شاخ و دخت تازه و باریک بود
و بد و داند و آنکس محروم بود دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند که شاخ یا باریک
خشک بود دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ و دختی که ترش میوه او بود و بد و داند
دلیل که از آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر از دخت شیرین بود دلیل که خیر و منفعت یا بد **قطایف** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که قطایف بشکریه با و امی بوی داد و از آن بخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بخورد
جوز و و شتاب بود دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود
یکی سخن خوش دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیرنج **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران در
خواب مال حرام بود و اگر بیند که قطران داشت و از آن یکی خورد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که زن یا جامه
وی بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که قطران از خانه بیرون
انداخت دلیل که توبه کند **قناری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قناری خود موی بیند که بیرون آید
و اگر بیند که موی از قناری سترده بود دلیل که و امیکه وار و گذارده شود و اگر بیند که بر قناری او سیلی کسی زد چنانکه آس کرد و دلیل
که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیکانه بر قناری او سیلی زد و دلیل که منفعت از بیکانه یا بد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که کسی چندان سیلی بر قناری او زد که خون روان شد دلیل که او با کسی داور می کند و زیانش رسد و اگر بیند که قناری خود
بدرید و دلیل که عیالش بروی خیانت کند و اگر بیند که بر قناری خود حجامت کرد و دلیل چیز که خریده باشد قناری بد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا کشت دلیل که با مردم منافقتی کند **قصص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که قصص داشت دلیل که در جایی گرفتار شود و معتبران گویند که او را با کسی از خویشان در زندان کنند و اگر بیند که
قصص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قصص در خواب

برسته وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سزای تنگس قفل ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قفل در خواب دلیل
بر است شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بنید که قفل زود بشکند دلیل که کارها بروی کشاده شود و شاید که
حج اسلام بگذارد و اگر بنید که قفل نتوانست کشود دلیل که کارش دیر کشاده شود و مغربی رحمه الله علیه که بد که بنید که
قفل محکم بر جانی نهاده دلیل که مال خود بمصلح سپارد و اگر بنید که قفل شست و ضعیف بود و او پیش بخلاف این بود و جعفر صادق
رضی الله عنه که بد دیدن قفل در خواب برش وجه بود یکی تا خشن کار دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم زکات ششم
اعتماد بر کسی مصلح و اشد تن قلععه در بود در حرف دال ذکرش رفته است قلم معتبران در تاویل قلم خلاف کرده اند
ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قلم امر حق است و خدا تبارک و تعالی را بقلم لوح محفوظ بنیاز نیست مغربی رحمه الله علیه که بد
قلم نوشته ایست که بفرمان خدا تبارک و تعالی اجل و علا کار کرد و اگر کسی قلم را بدان صدرت که هست بنید دلیل که او را بایده شای
عاقل کار افتد و حتمتالی اجل و علا قلم را یاد کرده است ن والقلم و ما یسطرون اگر بنید که قلم بر دست گرفت دلیل
که او از زندگی فاضل آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه که بد اگر بنید که بر آن قلم که بر دست داشت چیزی نبشت
دلیل که علم آموز و قوله تعالی علم الا انسان مالم یعلم جعفر صادق رضی الله عنه که بد دیدن قلم در خواب بر پنج وجه
بود یکی امر حتمتالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا
یا در ویم قلیه ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قلیه که باب سخته باشد بهتر از آن که بی آب سخته باشند و هر چند که قلیه علم
خوشتر بود و منفعت آن بهتر باشد اگر قلیه از گوشت کا و فربه باشد و حوزر دلیل که در آن سال از ترس و بیمین
بود و اگر گوشت بره یا بزغاله خورد دلیل که مالی اندک یا بد مغربی رحمه الله علیه که بد اگر بنید که قلیه از گوشت اسب بود و خورد
دلیل که مال از پادشاه بربخ و سختی بدست آورد و اگر از گوشت اشتر خورد دلیل که مال از مروی بزرگ بدست آورد و اگر قلیه
از گوشت ماهی خورد و دلیل که از جهت زمان بکمال بدست آورد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بنید که
قلیه از گوشت چهارپای خورد و گوشت وی حرام است دلیل که مال حرام خورد و جمع ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قمع که کوچک
در خواب غلام و کینه بزرگ بود و قمع بزرگ وی مرتد برکنند و بود و اگر بنید که قمع که کوچک بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که غلام یا کینه بزرگ
کوچک بخیزد و اگر بنید که قمع او شکست یا ضایع شد دلیل که او از صحبت چنین مردی مفارقت افتد و اگر بنید که قمع او سبیمین
بود دلیل که او را بامردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بنید که قمع او آهنین بود و دلیل که بامردی قوی رای شجاع
صحبت افتد و از خیر و منفعت یابد قند ابن سیرین رحمه الله علیه که بد اگر بنید که قند خورد و دلیل که تعجیل کاری کند که از آن
کار پشیمان شود و اگر بنید که کسی یاره قند در دهان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بخبر و ار قند داشت دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بنید که قند می فروخت دلیل که او را زیان رسد و حزی دین قند بهتر از فروختن بود
قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه که بد قندیل افر و حنه تو فقی عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر

قفل

قلم

قلیه

قمع

قند

قندیل

کسی بخواب بنید که در خانه وی قندیل افروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه با پارسا بخوابد و اگر این خواب زنی بنید
 طاعت و عبادت بسیار کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خود پنهان
 دوم توفیق سوم عز و دولت چهارم کنش در کارهای بسته و قندیل نافر و خسته دیدن منفعت اندک بود قنوت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که قنوت خواند دلیل که مردم درج و شاکو بنید و حاجتش روا کرد و اگر مرد
 مصلح و پارسا و خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بنید که مصلح بود از درگاه حقیقی حاجتهای او برآید و اگر
 بنید که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیا پوی برآید قنینه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قنینه در خواب خامی
 بود که کلید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب بنید که قنینه داشت و روی آب بود یا حباب یا چیزی که خوردن او حلال بود
 و آن میخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر قنینه چیزی حرام بود و از آن میخورد دلیل که او را از آن خادم چیزی حاصل
 شود و اگر بنید که قنینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید قنینه در خواب خامی بود
 که چیزی را بردست وی باشد قیامت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه
 و تعالی او را آن دیار غرگس کرده و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دیار
 مظلوم باشند دلیل که حقیقی عزوجل ایشانرا نصرت دهد و اگر بنید که اهل آن دیار پیش حق جل و علا ایستاده بودند دلیل بر خشم و
 عذاب حقیقی حق جل و علا باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قیامت بر خاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظلم دست یابد
 و از غم رسته گردد و اگر بنید که عتقی پیدا شد چنانچه آفتاب منور برآمد یا طفل و یا جو ج و یا جوح پیدا شدند باید که توبه کند
 و بحق تعالی گراید و اگر بنید که کور یا بشکافت و مردمان بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که او را بر نیکنهند
 باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی اجل و علا جوید و اگر بنید که در شمار کاه بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی
 اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ اگر بنید که با وی شمار کردند دلیل که او را زیان برسد و قوله
 تعالی فَمَا سَبِّحْنَاَهَا حِسَابًا بَأْتِيَهَا مِنْهَا عَدْلٌ أُولَئِكَ كَانُوا فِي شَكٍّ اگر بنید که در راه بسجید و از آن وی یکی زیادت آمد
 که سرانجام کار وی نیکو شود و قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِسُونَ اگر بنید که بدی وی بیشتر از
 نیکی بود و دلیل که سرانجام کار وی بد بود و قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 خَالِدُونَ اگر بنید که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست و دست چپ دلیل که وی برادر راست بود و قوله
 تعالی وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ كَانُوا فِي شَكٍّ اگر بنید که نامه که در وی دادند و گفتند که برخان اگر از اهل
 صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد و قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ الْمَصْحُورِ اگر بنید که بر صراط است دلیل
 که راه راست میرود و اگر بنید که بر صراط نتوانست گذشت هم برادر است بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح بر چهار وجه
 بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال و خاتمت با سعادت و اهل فساد را

قنوت

قنینه

قیامت

بخلاف این بود قیر ابن سیرین رحمه الله علیه که بیدار کسی بخواب بنید که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت در روزی
 یابد مغربی رحمه الله علیه که بیدار بنید که قیر بسیار داشت و بخانه برود دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برود اگر بنید که قیر از خانه بیرون
 افتد تا ویش بخلاف این بود اگر بنید که در قیر او آتش افتاد و بسخت دلیل که بیدار شاه او را مصداق کرده و مالش بستاند
 و اگر بنید که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد فی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بنید که فی میکرد و آسان بر می آمد دلیل که توبه کند و اگر بنید که فی نشو است کردن یاد و وقت بر آمدن باز بجای
 رفت دلیل که از توبه باز کرد و وسر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و اگر بنید که فی میکرد
 و میخورد دلیل که از بخل چیزی بر عیال نفقه نکند که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که فی میکرد و طعم او ترش و ناخوش
 بود دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بنید که بهنگام فی کردن چیزی از شکم وی بزبان آمد دلیل که باری شود
 و اگر بنید که طعم بر آورد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بنید که خون بسیار بر آورد دلیل که مال یابد و اگر بنید که صفرا
 بر آورد دلیل که از سرخ امین شود و اگر هر چه در شکم بود بر آورد دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
 فی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن ششم
 کارهای بسته گشاده شدن و اگر بنید که فی کرده و میخورد دلیل که چیزی کسی بخشد و از آن کس باز ستاند حرف
الکاف کاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کاجی بروغن کنجد و شکوفه و روغن بادام
 خور و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که بروغن و انجبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بنید
 که کاجی بروغن و ماست میخورد دلیل که از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بنید که کاجی بچیزی ترش میخورد دلیل که بر غم و
 اندوه و اندیشه بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کاجی بچیزی شیرین میخورد دلیل که او را مال باسانی بدست آید و اگر
 بنید که بچیزی ترش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی کاه و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کار و فرزند بافتد
 و پیام کار و زن بود اگر کسی بخواب بنید که کار و در دست داشت و دانست که از آن وی است دلیل که او را فرزند
 آید اگر بنید که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد که مانی علیه الرحمه گوید اگر بنید که سلاحی پوشیده و
 کار وی در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و کوی آموز و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید
 که کار و از پیام بر کشید دلیل که زارش سپری آورد و اگر بنید که کار و در پیام بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان پدرش
 ببرد و اگر بنید که از دام خود را بکار و نجست دلیل که بقدر خشکی اذام او را زیان رسد و اگر بنید بکار و چیزی تراشد دلیل که
 از آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که در کار و او رخنه افتاده بود یا زناک گرفت یا علیی در و ظاهر شد دلیل که
 نقصان مال او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کار و در خواب بر منفعت وجه بود یکی حجت دوم فرزند
 سیوم ظفر چهارم پناه بردار ششم توانائی بهفتم ولایت کارزار کردن ابن سیرین رحمه الله

تعبیه

سیرین

کاجی

کاه

کارزار کردن

علیه کو بدکار زار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی بخواب بیند که کار زار میکرد و دلیل که او را از علت طاعون بیم بود و اگر در کار زار دشمن را قهر کرد و دلیل که از علت خلاصی یابد و اگر در کار زار دشمن بروی چیره کشت دلیل که علت طاعون هلاک شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کار زار با کسی بشمشیر جنگ میکند و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا ظفر بود که فرصت یافته بود و اگر کار زار را بنیزه میکرد و همین تاویل دارد و اگر به تیر و کمان کار زار میکرد و دلیل که میان ایشان بزبان گفتگوئی شود کار زاری کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کاری میکند و کار زار نبود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه تاویل غم و اندیشه بود و کار زار پاک کننده حرکت است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بدرید و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه دریده را بدوخت دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او شستن سفید شد و دلیل که از توبه خلاصی و رشککاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید نمی شد دلیل که همواره در گناه بماند و صغری رحمه الله علیه گوید کار زار در خواب مروی باشد که بر وی خیرات و حسنات هر دو برود از بهر کفایت کفایت آن جعفر صادق رضی الله عنه گوید کار زار در خواب مروی باشد که غم و اندوه از دل مردم برود از این سبب معتبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه می شوید و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شود کار زار و نیک کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار زار و دنیا میکرد و دلیل بر فساد و نقصان دین و وی بود و اگر بیند که کار دین میکرد و دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود و اگر بیند کار زار دنیای آراسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بود و عمرش دراز باشد و اگر بیند که بکاری مشغول بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود و دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری می شد و در راه بنشست دلیل که مخالف دین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْمُخْلِفُونَ بِمَقْصَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ** **کاروان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و دلیل آن کاروان مصلح و پارسا بودند و دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بود و غدا و عیش بخلاف این بود و اگر بیند که سوار بود و برک تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برک نداشت تا و عیش بخلاف این بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بنحانه می آمد و دلیل که کار زار وی کشاده کرد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که کار زار بروی بسته کرد و کار زار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که در جایگاهی معروف کار زاری میکند و دلیل که با کسان خود و مکر و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کار زار آب پیدا نشود و چون آب پیدا یابد و روان گشت حکم کار زار بکندن همین نکاید و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کار زار آب می سستد و دلیل که مکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کار زار وی کند باشد منفعت بقدر

کار زاری کردن

کار زاری کردن

کاروان

کار زاری

آنکه از بردارد بوی رسد و اگر بنید که آب از کار نیز برداشت و در خم ریخت یا در سبزه کرد و لیل بر مالی باشد که خرج کند و
 اگر بنید که در کار نیز افتاد و لیل که در مکر و حیالت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که باغ را از کار نیز آب میداد و لیل که
 باین خود مجامعت کند و کار نیز دیدن در خواب مروی بود که کارهای دنیا بکرو حیالت ساز کند کاسه ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کاسه چوبین چون در وی خورونی بود و بخورد و بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه
 سفالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندی و بیچارگی بود گرانی رحمه الله علیه گوید کاسه طعام می
 بود با برکت و منفعت که بردست وی چیزات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که
 در وی خورونی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شتهتی بود و کاسه آبکینه
 دلیل بر آن کند و کاسه تهی دلیل مغلسی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و
 شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش و ناخوش بنید دلیل بر غم و اندیشه بود کاسه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه در خواب مال و بزرگی بود اگر بنید که کاسه سفید و پاکیزه داشت دلیل که بقدر
 آن مال و بزرگی یابد و اگر بنید که کاسه غری در آب بریان رفت یا سوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال او
 نقصان شود گرانی رحمه الله علیه گوید کاسه غر در خواب علم و دانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود و اگر بنید که
 کاسه بسیار داشت دلیل که در فضل و علم شهرت یابد و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تا و پیش بخلاف این بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاسه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم
 مکر و حیالت کافور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک و راست بود در راه
 حق اگر بنید که کافور می سوخت و از آن بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکویی کند با کسی و از آن مست ندارد و اگر بنید
 که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت شادی یابد و اگر کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کینه که خوروی
 پنجم مال بسیار ششم شنا و آفرین و سخنهای خوب هفتم رامش نفس کافور سیر غم نبایست که شکر کوفه اوزر و بود
 و از وی بوی کافور آید و اگر بنید که در زمین او ریخته بود دلیل که مدح و ثنای او در زبان مجموع مردم باشد و اگر بنید که کافور سیر غم از
 جانی برگزد دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بنید که کافور سیر غم بخورد دلیل که او غم و اندوه بد جعفر صادق رضی الله
 عنه فرماید دیدن کافور سیر غم در خواب بوقت خویش بر سر و جوی بود یکی شنا و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن لطیف شنیدن و گفتن کافور
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کافور شده است دلیل که او را هلاکت کفر میل باشد و اگر بنید که کبر
 شد و آتش می پرستید دلیل که بخدا و مدد تنالی عاصی شود و اگر بنید که آتش نور و شجاع نداشت دلیل
 که مال حرام جوید و دین خود را بمال حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافور در خواب

ح

ک

خ

ص

ح

برسته وجه بود یکی میل بکفر داشتن دوم محبت با مردم داشتن و بابد اعتقاد ان نشست و حاست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بروی کا هم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کام وی چنان درازند که کلوی از درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریف بود دوم را غیبت کند کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کام بالائی وی بزرین لب بود دلیل که کار با بروی بسته کرد و اگر بینید که کام او دراز شده بود و برید و بنیداخت دلیل که بترک حرص و از بگوید و مردم را غیبت نکند کام هم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که ماها در خواب جمله دلیل برغم و محیبت بود و اگر بینید که کام میخور و دلیل که قدر آن رنج و اندوه بوی رسد و اگر کام کسی داود او میخور و دلیل که آنکس از وی رنج و دل کرد و غم و اندوهش کمتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ما در خواب خود و برسته وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سوم خصومت و کشتگی کا ۵ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب مال و نعمت بسیار بود و خاصه که گاه کندم باشد و اگر بینید که گاه بسیار داشت و در خانه میکشید دلیل که مال و نعمت حلال بسیار حاصل کند و اگر بینید که گاه جو بود آنچه گفتیم کمتر از آن باشد کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که در گاه وانی رفت و داند که ملک اوست دلیل که توانگر شود و مردم او و وجهانی یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که آتش در کا پان افتاد و گاه او بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مال خواسته از وی بستاند و اگر بینید که چهار یایی کا میخور و دلیل که بجهاد مال خود غنی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و پند کا در خواب برسته وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سوم کمال و ثنادهی کا ۶ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا هوی شیرین بوقت خود میخور و دلیل برغم و اندوه بود و اگر بینید که کا هوی تلخ بود دلیل که مضرت و زیان بیند و اگر بینید که کا هوی تلخ و نیکو نبود دلیل که با کسی گفتگوی کند کا و رس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کا و رس میخور و دلیل که مال و خواسته یا بد و اگر بینید که کا و رس بسیار داشت دلیل که قدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بینید که کا و رس بفروخت دلیل که او را مضرت رسد کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کا و رس بود دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا و دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که بر کا و نشسته بود و کا و از آن او بود دلیل که از پادشاه محمل کبر و نفع بسیار از وی بیاید خاصه چون کا و سیاه باشد و اگر کا و زرد و بنید دلیل که بیمار بود و اگر بینید که کا و ی نراز در خانه وی در آمد دلیل که حق تعالی در خیر و روزی بروی کشاده کرد و اندکیکن اند و پیش سپردی نکرد و اگر بیند کا و ان زیبا داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان سعی کند و اگر بیند کا و ی نراز را بسروان بزد و از منزلش بیرون برود دلیل که از غلامان او را مضرت رسد و او خود را معزول بگرداند و اگر بیند که کا و او را سه سروان بود و هر سروانها بموضع سر بود دلیل که بعد دهر سروانی غلامش یکسال محمل وی کند و اگر در اندامی از اندامهای وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند یا ویش بخلاف

این بود که مانی رحمة الله علیه کوید کاو و مرد و خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم کاو و زید و زوخت نیز عامل بود و اگر بینید که دنبال کاو و مرد و سرای در آمد دلیل که مال بسیار یا بد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچه خویش کاو و ان بسیار بینید دلیل که بهتر کرد و در کار او خیرات و برکت پدید آید و اگر کاوی نزد او برود و بیند خست اگر بیند خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر باز رکان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک برفت و اگر بیند که کاو و لبرون بزد و او بقیه دلیل که کسی بروی شرف و بزرگی کند و در غزل وی گوشت مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بیند که کاو و نر از میان کاو و ان بکشتن و قسمت کردند و کاو و ان عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه بکشد و اگر بیند که کاو و ان بکشت و گوشت او بخورد دلیل که خداوند کاو و ان را هلاک کند و مالش بستاند و اگر بیند که کاو و ان گوشت که نکاد و او بود دلیل که مردم محتشم در آن موضع بپزند و اگر کاو و ان بسیار نزد ماده مختلف بیند که در آن موضع آمدند و میکردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر کاو و فر به باشد دلیل فراخی و ارزانی بود و اگر بیند که کاو و ان زمین را می شکافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید تسخیل اشعث رحمة الله علیه کوید اگر بیند که با کا و جنگ میکرد دلیل که او را با بهترین جنگ افتد این سیرین رحمة الله علیه کوید کاو و در خواب سال بود و ماده کاو و بیند دلیل که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده کاو و لاغر باشد و پیش بخلاف این بود و گوشت ماده کاو و مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره باشد و اگر بیند که ماده کاو و را میدوشید و از شیر میخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند از او گردد و اگر در ویش بیند تو انگر گردد و اگر از او بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده کاو و او آستین بود دلیل بر امیدواری بود و حافظ معبر رحمة الله علیه کوید اگر بیند که گوشت کاو و فر به بخورد دلیل که در آن سال زنی توانگر زنی کند و اگر بیند که ماده کاو و ی بدوشید و از آن شیر میخورد دلیل که مال بسیار جمع کند و از آن چیزی بخورد و اگر بیند که ماده کاو و ی با وی سخن گفت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که ماده کاو و ی پیش آمد دلیل که سال بروی مبارک بود و اگر بیند که ماده کاو و ی روی روگردانید دلیل که آن سال بروی بد باشد و اگر بیند که بر ماده کاو و ی نشسته بود و بقیه دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده کاو و جنگ میکرد دلیل که در آن سال بار زنی خصومت کند و اگر بیند که ماده کاو و در آن زمین مرغ میکرد دلیل که در آن سال مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماده کاو و او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده کاو و ناگاه در خانه او در آمد دلیل که ناگاه مال یابد و بغم گردد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید درین ماده کاو و در خواب بشنود و چه بود که فرمان روائی دوم مال تووم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو کاو و دوشی کرمانی رحمة الله علیه کوید کاو و دوشی در خواب مردی توانگر بود با مال بسیار و اگر بیند که در شکار کاو و دوشی گرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو کاو و دوشی با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده کاو و

دستی بنادیل زن بود و اگر بنید که گوشت ماده کاودستی میخور و دلیل که انجبت زنان حاصل کنند اگر بنید که بچه کاودستی
 بگرفت دلیل که او را فرزند می آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گوشت کاودستی میخور و دلیل که قوت و دولت یابد اگر بنید
 که کاودستی شاخهای بسیار داشت دلیل که بهر شاخی او را دولتی و قوتی بود کا و پیش ابن سیرین گوید که کا و پیش
 در خواب مردی با قدر بود که از مردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود کا و چشم کیا هست دیدن آن در خواب که یک
 شکو بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر زنی بنید که شکوفه کا و چشم از درخت بکند و چشم هر فاد دلیل که او را طلاق داید
 و اگر بنید که شکوفه کا و چشم کند و بنام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کا و چشم بوقت خویش بر درخت
 بنید دلیل که او را فرزند می آید و اگر بیوقت بنید باشد و اگر بپرمده بنید فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود و عکسین شود و
 باشد که او را زبان رسد کا و زبان از انواع نباتت و برکهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید خوردن کا و زبان در خواب جنک خدمت بود و در خوردن و دیدن آن خیر نبود گوشت پنجه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گوشت پنجه در خواب بهتر از گوشت کباب بود اگر بنید که کباب از گوشت گویند میخور و
 دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت کا و بود دلیل که از ترس و بیم امین گردد و اگر
 کباب از گوشت میخور و دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بنید که از گوشت چهار پای دشتی کباب میخور و
 دلیل که او را منفعت و خیر از بزرگان پای پی برسد کرانی رحمه الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل بر
 منفعت کند کبر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر جمع میکرد دلیل که اند و عکسین شود خاصه که بهنگام خود بود
 و اگر بنید که کبر میخور و دلیل که غم و اندوهش صعبتر بود و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود کبر شد ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کبر شد دلیل که خواستکار و نیاز بود و طالب آخرت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که کبر شد و در کفشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بددیان دارد و تابع اهل فساد و سوءای
 نفس باشد و اگر بنید که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدا توبه یابد و بکار خیر
 مشغول شود کباب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کباب در خواب زنی خوروی بود و یا کینزک با جمال و اگر بنید که
 که کبکی را گرفت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که کبکی را بد و بخشد دلیل که از بهر وی زنی خوروی بخواند و اگر بنید که
 کبکی بشکار گرفت دلیل که کینزکی خوب بدست آورد و اگر بنید که گوشت کباب میخور و دلیل که او را لباس نوحاصل شود کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کلوی کبکی ببرد دلیل که و شیرینی کینزک ببرد مغربی رحمه الله علیه گوید کباب زبیر باشد و کباب ماده
 زن و کینزک ناموفق و اگر بنید که کباب از دست وی ببرد دلیل که زن را طلاق دهد و یا کینزک بگریزد و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن کباب در خواب بر چهار وجه بود یکی پسردوم دوست سوم رامش چهارم دل و مراد کبوتر
 دیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود و یا کینزک اگر کسی بخواب بنید که کبوتر گرفت دلیل که زن خواهد

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و او را دختری آید و اگر بنید که بوتر بسیار گرفت دلیل که بعد و بوتر زمان خواهد یا کنیز که بخرد و اگر بنید که گوشت که بوتر بخورد
 دلیل که از مال زنانه فایده یابد و اگر بنید که بوتر کچکان گرفت دلیل که از زمان منفعت یابد و بعضی معتبران گویند که بوتر کچ
 غم و اندوه بود از قبل زنی که بوی رسد که رانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که بوتر بسیار در خانه او بود و دلیل که او را
 فرزندان بسیار شود و نیز گویند که او را مال بسیار از جهت زنانه حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید که بوتر خواب
 زنانه آزاد بود و اگر بنید که بوتر کسان بحیثیت گرفت دلیل که بقدر آن مال بگر و حیثیت حاصل کند و اگر بنید که بوتر
 از همو پیش می آید و مطیع می شود دلیل که از جای که امید دارد بد و منفعت رسد و اگر بنید که بوتری را طعام داد
 دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بنید که بوتران بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل بر ریاست
 و سروری کند و بهترین بوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سفید فام باشد و خداوند خواب زن باشد دلیل
 که شوهر می کند یا او را دختری زاید و بوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که بوتر خانه در خواب جای زنانه باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیز سوم مال چهارم نامه غایب پنجم بابت
 و معتبران گویند که بوتر در خواب هر بوتری درم بود که باید کتاب خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که
 کسی در خواب بنید که کتاب تفسیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گام آید و کارهای بتره بروی کشاده کرد و اگر
 بنید که کتاب فقه میخواند دلیل که از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بنید که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه
 صاحب رای شود و اگر بنید که کتاب اصول میخواند دلیل که بکاری مشغول شود که منفعت بر پنج حاصل کند و اگر بنید که کتاب
 توحید میخواند دلیل که بهلما مشغول شود و اگر بنید که در آن فایده دینی باشد و اگر بنید که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تحمیل
 میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بنید که کتاب قصص میخواند دلیل که بر سخن اولیا و انبیا طریقی بود
 و اگر بنید که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح این جهانی او حاصل شود و اگر بنید که کتاب نحو و ادب میخواند دلیل که بشغل دنیا
 مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بنید که کتاب رسائل میخواند دلیل که بصلاح که خدا می مشغول گردد و
 اگر بنید که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و لبثنا ختن چیزها مشغول گردد و اگر بنید که کتاب شعر میخواند
 اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری مشغول شود که مردم او را علامت کنند و اگر نعت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد
 و اگر بنید که کتاب تفسیر میخواند دلیل که بجدی بزرگ بر محترمی منت نهند و از وی چیزی یابد و اگر بنید که کتاب هدیه میخواند دلیل که بکار مشغولی
 شود که مردم او را ناخواند و لیکن دین را سود ندارد و اگر بنید که کتاب صاحب فضا میخواند دلیل که بسفر رود و از آن سفر منفعت یابد و اگر بنید که
 کتاب حساب میخواند دلیل که همواره اندوختن بود و اگر بنید که کتاب مضاحک و فساد میخواند دلیل که کاری کند که از آن نشت نباشد و اگر بنید که
 کتاب نجوم و عیب میخواند دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد و کتاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کتاب
 در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم

خواب

شربت

ترتیب

۱۰

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

جامه کتان و خواب مبارک بود و اگر بید که تخم کتان میخور و دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه بگوید
 دیدن کتان و خواب بر تنه و چه بود یکی مال حلال و دوم منفعت سوم شرک کتف و خواب استکی مرد و جمال وی بود ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال جمال باشد و اگر کتف شکسته و ضعیف
 بید تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بید امانت گذارد و اگر ضعیف بید و
 امانت گذارد و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتف از موی
 پاک بید دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بید که کتف موی داشت از جانی که ضرر ندارد مال یابد کثیرا
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که کتف داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضل از موی بخیل بوی رسد
 و اگر بید که کثیرا میخور و دلیل که مالی بخور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کثیرا در خواب بر تنه و چه بود یکی فضل مال مردم
 دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخند و خواب برسد هیچ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کج در
 خواب جنک و خصومت بود اگر بید که کج داد دلیل که در جنک و خصومت افتد و اگر بید که کج کسی داد تا ویش بخلاف
 این بود که مالی رحمه الله علیه گوید کج در خواب سختی باشد و هر میا که از کج درست بید همه بد باشد زیرا که همه باتش بخیه اند و اگر
 بید که کج میخور و دلیل که بیم ملاک او بود کمال هر که کمال را بخواب بید و دلیل بر صلاح کار کند شتها کند و راه و
 بکارهای که در آن گمراه باشند و اگر بید که کمالی میکرد و در وی او چشمها نافع بود دلیل که خلق را به صلاح خواند و گمراه را
 راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کمالی میکرد و دلیل که دوستی که از هم جدا
 باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر در وی وی نافع نبود تا ویش بخلاف این بود که مالی کرد و ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که کمالی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را چیز و منفعت بسیار برسد و
 با هر کس و زندگانی بلطف کند الا مردم و اطلاست کنند و اگر بید که از در چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که
 کار بروی بسته کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم محبت
 چهارم عز و جاه که و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که و بوقت خود اگر کسی بخواب بید که در خانه او درخت کدو بود
 دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بید تنگایا بد و اگر بید از او کرد و اگر کافر بید مسلمان کرد و اگر مسلمان
 بید بسلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بید تو بید جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که کدو وی داشت دلیل که از زنی
 یا را منفعت یابد و اگر بید که درخت کدو از بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بید که کدو وی نداشت
 حاجتش روا کرد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید که و در خواب بر تنه و چه بود یکی عز و جاه دوم نعمت و مال سوم نظام
 کمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب مال و خواسته بود و اگر کسی بخواب بید که بر تن وی که پدید آمد و
 او را اندک خاشی میکرد و در کریم بود دلیل که مال بر پنج و سختی حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کدو داشت

و جلد از تن وی و فور بخت و ناپدید شدن دلیل که مال جمع کرده اولف شود و بعضی متبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه
 بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود که یا سو جانور است و بدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد
 اندازد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که که با سو را گرفت دلیل که مردی بزرگ بخوابش تن نزدیک کند
 و اگر بنید که که با سو از و بگرفت دلیل که آن مفسد از و بگرفت و اگر بنید که که با سو را بگشت دلیل که آن مفسد را حالی
 تنباه شود و اگر بنید که که بگشت که با سو بخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی مفسد غور و که به ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید که در خواب و زو مفسد بود و اگر کسی بخواب بنید که که به معروف بخانه وی درآمد دلیل که دزدی
 معروف بخانه او در آید و اگر که به جمبول بود و دزدی بیکانه بود و اگر بنید که از خانه چیزی بخورد یا به دلیل که دزد از خانه
 وی چیزی برد و اگر بنید که که به راکشت دلیل که دزد را قهر کند که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که که دشت بخورد و پوست
 از و بگشت دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بنید که که به چنگ میگرد و که به او را بخراشید دلیل که بهار
 شود و اگر که به را قهر کرد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر که به او را بگرفت دلیل که بیماری بروی در آید و بعضی از متبران گویند
 که به تاویل خادم بود و انیال علیه السلام گوید کسی نباشد که که به بخواب بنید بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنید
 بخواب بنید که که به بدوشید و بیروی بخورد دلیل که آزاد کرد و در آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را زنی کند و اگر
 آزادی بنید که که به بخورد دلیل که او را با کسی خصومت افتد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدن که به در خواب بگشت
 وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی مشفق ششم حسود هفتم جنگ و خصومت هشتم جاره کوته
 باشد که مردم از او فرط خوانند و پوشیدن آن در خواب قوت سفر بود و اگر که به وی سبز بود از مردی پناو
 قوت یابد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که که به سفید پوشیده بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بنید
 که که به زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که که به بود پوشیده بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که عیشت
 دنیا مشغول کرد و رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که که به ترابشین پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما دین ضعیف بود
 اگر بنید که که به لبوخت یا خالص شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کتفه
 در خواب بر چهار وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار تا که در ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که که به
 چیزی که ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او ایال حاصل شود و اگر بنید که میان آسمان و زمین که جمع شده بود دلیل که کاری
 پوشیده و زن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید و رانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که روی او را آلوده بود دلیل که او را نوحه و غم و تنبیه رسد و اگر
 بنید که که رو خاک بر زمین که ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن مال خسته یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب و بدن به
 وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و خصمتی کردن و انیال علیه السلام گوید که در خواب و بدن
 جایگاه امانت و جایی دین بود و اگر بنید که که در آن آن ستر شد دلیل که او را قوت و امانت گذارد و در مصالح

دین و نکاستن دینت بود و اگر بنید که کرون او کوتاه و ضعیف بود و دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود و اگر بنید که
 ماری در کرون وی حلقه شده بود و دلیل که زکوة مال نذر بقوله تعالی سبطون ما یطوون ما یطوون الله یوه القیمة اگر بر کرون
 خود کرافی بنیدنی آنکه چیزی بر کرون دهمشته باشد و دلیل که بپای شود و اگر باری بر کرون خود بنید و هیچ کرافی پیدا نبود و دلیل
 بر دوستی دین و دوزخی عمری بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون وی متبر و قوی شده بود و دلیل که امانت نیک گذارد
 و کارش قوی کرد و اگر کرون خود را در از بنید و دلیل که امانت در کرون وی دیر بماند و از کولهای و اذن خود باز بماند و اگر
 کرون خود کوتاه بنید و دلیل که امانتها از کرون خود زود و دور کند و اگر کرون خود سیاه بنید و دلیل که در امانت خیانت
 کند و اگر کرون خود شکسته بنید و دلیل که از مراد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانتی بزرگتر از دین نیست و اگر
 کرون خود کوتاه بنید و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر بر کرون خود موی بنید و دلیل که او را از جهت امانت گذاری و امانی
 افتد و اگر موی از کرون خود بستر و دلیل که و امش گذارده شود و اگر گوشت از کرون بریده بنید و دلیل که مال کسی با وی
 بود و منالغ شود و اگر کرون خود را کوته بنید و دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید
 که گوشت کرون وی میخورد و اویش بخلاف این بود اگر بنید که بر کرون کسی شسته بود و دلیل که بر دشمن غفر یا بد جعفر صادق
 رضی الله عنه کوید دیدن کرون در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم و ام پنجم بیماری کرون بنید
 ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون بنده زمر و ایدر بنید داشت و دلیل که حق سبحانه عزوجل او را علم و کلام خود
 روزی کرد اند و هر چند که جوهر کرون قوی تر بود علم و دانش او بیشتر بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کرون بنید
 وی از زربود یا از سیم صق مکه بر مای کرانایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی باید و باشد که امانتی در کرون گیرد و اگر
 کرون بنده او در از شد و دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود و اویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که
 کرون بنده خود بخواهر صرح کرده بود و با هر صیغه در کرون داشت و دلیل که جاه و ولایت باید و اگر کرون بنده وی در از بود و دلیل که
 منزلت باید و اگر کوتاه بود و اویش بخلاف این بود و اگر بنید که کرون بنده ای بسیار داشت و دلیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر
 صادق رضی الله عنه کوید دیدن کرون بنده زین در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم
 امانت پنجم محالجت ششم کنیزک و هم او کوید کرون بنده زین حج باشد و از آن سیم کنیزک کرون زدن ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که او را کرون زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده بود و دلیل که آزاد شود و اگر
 بیمار بود شفا یابد و اگر و ام دار بود و امش گذارده شود و اگر خوف دارد امین کرد و اگر کافر بود
 مسلمان شود و اگر بوقت کرون زدن سرش از تن جدا نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر آن کس
 که کرون زد معروف باشد آن چیزی که گفته شد از کرون زنده بدور رسد و اگر کرون زنده کوید فانی بالغ
 بود و دلیل که اگر بیمار بود و کرافی رحمة الله علیه کوید اگر آنکس که کرون او زود ندرت است و آزاد و توانگر بود و دلیل

سروین

سروین

که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال و نعمتش نماند و در ویش شود و سر انجام کارش هلاک شود علی الجملة کردن زدن و زخم
 مرد و ایشان و خداوندان محنت را نیک بود و مرگوان و خداوندان نعمت را بد باشد کرده در خواب مال نهان
 کرده باشد که بیاورد و خرج کند و اگر بیند که کرده بخت یاربان کرده بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاورد
 و اگر کرده از جانوری که گوشت او حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود و اگر از جانوری که گوشت او حرام باشد
 دلیل که مال حرام بود که مانی رحمة الله علیه گوید کرده یافتن در خواب مال نهان کرده بود و بعضی میگویند که کرده و زخم
 فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از او بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرده اسب
 داشت و بخت میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال بیاورد اگر بیند که کرده کاو داشت دلیل که در آن سال مال نعمت
 حاصل کند و اگر کرده گویند داشت دلیل که در آن سال مال نعمت حلال بیاورد از قبل دشمن و اگر بیند که کرده می خام
 میخورد دلیل که مال حرام بیاورد و اگر کرده می بخورد آنچه گفتیم کمتر بود و کرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که بر کردون نشسته بود و کردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی بیاورد اگر بیند که کردون بی کاوان ایستاده
 و او در کردون بود دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از کردوهای خود کردونی بدو داد دلیل که از
 پادشاه منزلت و بزرگی بیاورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردون در خواب دلیل بر پشت وجه بود یکی ولایت
 دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها کرده سسکی ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید که سسکی در خواب بهتر از سیری بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که رسنه شده بود و چیزی
 نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آرزویش در مال دنیا کمتر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رسنه بود دلیل که بقدر سسکی
 او را مصیبت بود و اگر بیند که رسنه بود و چیزی خورد و سیر شد دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود
 دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر مصیبت رود و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید که سسکی در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم حرص و آرزو سوم مصیبت و گناه چهارم طمع
 داشتن بر دوم کرسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است و از راه خود چنین
 واجب کند که ایزد تبارک و تعالی اجل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کرسیه السموات
 والارض ابن عباس رضی الله عنه گوید و سع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و
 قدرت خدا تعالی است و بعضی میگویند که کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید
 تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا تقوی بحال دارد و یا پادشاهی عادل و پریر کار وافی و ناچا که در
 اجاز آمده است دلیل که اهل دین و علم را نیک بود و بیند خواب از سلطان عادل خیر و نیک بیند و مالش
 زیاده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل دوم انصاف سوم

سوره

سوره

سوره

سوره

عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکسی نشسته بود دلیل که کار او بالا گیرد و قدر و
مرتبت و جاه یابد و بهر چه مراد او باشد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق پیدا شود
و اگر این کرسی که در روی سار و در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کسی بزرگ و پاکیزه بستد و بر و نشست
و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کسی نشست دلیل که دختری دوشیزه بخوابد و اگر بیند که
در زیر وی کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی در ویش و حیو
در مانده بود و اگر بیند که کسی دشت اما بر و نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد که نفس ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کفّس بخورد و لوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از تعبیران گویند که چیزی
مکروه خورد و اگر بیند که کفّس داشت اما نخورد و آنچه کفّس کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کفّس در خواب بر سر
وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت گفتگوی ستون خوردن چیزی مکروه کرک مرغی بود بقدر که بوتر و تاویل آن
بزن کنند اگر کرک در خواب بیند و غریب بود دلیل که زن کند و اگر کرک بزرگ خورد و اگر بیند که از دست وی بهرید
و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کرک دارد و بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن میراث
زن یابد کرکس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کرکس مهتر مرغان بود و قوی و تیز بین و در از عمر از مرغان بود
و اگر بیند که کسی داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر استخوان
یا بریان گوشت کرکس داشت همین تاویل دارد که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرکس او را بگرفت و در هوا برد و نزد یک
آسمان رسید دلیل که سفری دور کند و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بقضا و بود بسبب آنکه فرو
اگر کرکس با آسمان بر رفت و اگر بیند که کرکس او را از هوا بریرا فکند و یا خود از چنگال کرکس بفتد و دلیل که از شرف و بزرگی
بمیرد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرکس او را با آسمان برد و آنجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر بهر چه و اگر مقیم نشد
باز زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر از اهل پادشاه بود یا از اهل و خویشانش خود بزرگی یابد و اگر کرکس بی چنگال در خواب
دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حاکم العرش بصورت کرکس اند و اگر بیند که کسی بالای سروی شکار میکرد دلیل که
ببیند خواب باز رکائی کند و اگر بیند که با کرکس جنگ میکرد و او بر کرکس غالب شد دلیل که با مردی بزرگ خصومت
کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن با او قهر کند و اگر در خواب بچه کرکس بیند اگر زن
دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرکس روی
نشسته بود دلیل که او را بر و ار کند و انبیا علیهم السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه کرکس فرو آمد
دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرو آید و اگر بیند که در آن کوچه کرکس بکشتند دلیل که پادشاه آن جای منزلت کرد
یا ملاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرکس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان

فیب

سرب

سرب

سوم ریاست چهارم شناختن این پنج مرتبه ششم امری کردن کرک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کرک در خواب
 پادشاه دروغ زن شکر بود و اگر ببیند که با کرک جنک و نبرد میکرد دلیل که او را پادشاه یا با کسی دشمنی بود و خصوصیت
 کند و اگر ببیند که شیر که میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود و اگر ببیند که گوشت کرک میخورد دلیل که
 از پادشاه شکر بقدر آن مال باید کرانی بخیرد و اگر ببیند که کرک را بکشت دلیل که اهل اسلام از وی روی بگردانند و
 در وی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قتل کند و اگر ببیند که سر کرک بیافتد و یا کسی بوی داد دلیل که شرف و بزرگی باید
 بقدر وی و اگر ببیند که کرک در خانه وی در آمد و زانی انداخت دلیل که او را از پادشاهی مضرت رسد و اگر ببیند که زانی نکر و
 دلیل که پادشاه جهان او آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کرک در بستر او کین کرد دلیل که پادشاه با عیال وی
 فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن
 سوم مخالف ضعیف چون کرک ماده باشد که ماده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که ماده در خواب غم داند و بود و
 خوشتن شستن شادی و خرمنی بود و آب نیم گرم نیک بود و آب سخت گرم بد باشد و اگر ببیند که در کرک ماده رفت و غسل
 کرد و خود را پاک شست دلیل که از رنج و فکر رستگاری باید و اگر ببیند که در کرک ماده رفت و خود را نشست دلیل غم داند و
 بود که بدل وی رسد بسبب زمان کرانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در کرک ماده رفت و آب بر خود مالید و خود را پاک شست
 دلیل که اگر ترسی دار و امین شود و اگر غمگین بود و شاد و کرد و اگر بیمار بود و شفایابد و اگر واعدار بود و امش که از او شود و اگر
 ببیند که توانگر است ازین چیزها که گفتیم خالی ماند نیز درالش نقصان شود و اگر ببیند که آب بخورد مالید و خود را شست دلیل
 که کارش تمام نکرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کرک ماده رفت و دست در وی و سرتن را بکشت و بیرون آید دلیل که
 از غم بیرون آید و اگر ببیند که در کوچه یا در خانه کرک ماده بود دلیل که در آن مقام رفی پیدا یابد و اگر ببیند که کرک ماده بی آنکه
 بشستن محتاج بود دلیل که غمگین و دام دار شود و اگر ببیند که در کرک ماده جامه او زود برد و او برهنه بماند دلیل که بسبب
 کاری غمگین و روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ماده در خواب برشش وجه بود یکی زن دوم غم داند و سوم دین
 چهارم نابکاری پنجم دوست ششم دام و کرک ماده بان تاویل زن بود و بعضی معبران گویند که که خدای سزای بود کرانی
 رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کرک ماده بالی میکرد و اگر بود دلیل که زن محشم خواهد و بختهای زن مشغول شود و اگر زن
 بود دلیل که شوهری بدین صفت کند که مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که کرمان
 بسیار در شکم وی شدند و طعام در شکم میخورد و ندلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر ببیند که
 کرمان دراز در تنش می افتادند و نیز بر تن و جامه وی کرمان بسیار بودند دلیل که مال و عیال او شست
 بسیار او را حاصل شود و اگر ببیند که کرمان از تن خود بر زمین می افتند دلیل که عیالان خود را
 از خود دور کند و بیمارستان نذر و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که بعضی از اندامهای

او کرمان خوردند دلیل که عیال از مال وی خوردند و اگر بنید که از کرمان تن ویرا مضرت میرسد دلیل که او را از عیالان جدا
 و مضرت رسد و اگر بنید که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از متعذر کم بیرون می آید دلیل که بقدر آن مالش با عیالش
 زیادت شود و اگر بنید که کرمان از تن وی می افتادند وی مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا گردند
 و اگر بنید که کرمان بسیار از چوب خانه وی و غیره بر میرنجست دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن کرمان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خوشه گره افکندن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر لیمان گره افکند دلیل که از کار یک دور بود و بر آن تکیه کند و اگر بنید که بر لیمان
 باز شود دلیل که بر آن کار اعتماد نکند و اگر بنید که چیزی محکم بست و گره زد دلیل که روز کاری در شغل آن چیز بسته بماند یا
 کشودن بزودی نتواند و اگر آن چیز تعلق بدین دارد یا بدینا کرمانی رحمه الله علیه گوید بستن گره در خواب دلیل بر بستگی
 کار و گداز هر چند که گره سخت تر بود و بستگی کار او سخت تر بود و اگر بنید که گره کشودن نتوانست دلیل که کار وی بسته ماند
 کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در جالی کروست یا تن خود را بچیزی کرد و نهاد دلیل که از کرمان بسیار بر
 تن خود می ترسد که گره است و اگر بنید که عیال و فرزندان خود کسی کرو کرد و دلیل که بروی ستم و بیداد کند و اگر بنید که
 خود را پیش کسی کرو نهاد و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
 خود را بکرو کرد و دلیل بر فساد و دین کند کل نفس بما کسبت رهینه و اگر بنید که چیزی از متاع دنیا پیش کسی کرد
 کرد و دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و مضرت یا بد کرد و به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گره بد داشت
 و دلیل که نمکین و متفکر شود و اگر بنید که گره و پیچور و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که
 بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود و کرخی بن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 که خنجر در خواب رستگاری بود و اگر کسی خواب بنید که از دشمن یا از جانوری که زنده میگرخت و دلیل که از شر و خوف
 ایمن کرد و در خصم مغرور شود زیرا که موسی علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه السلام میگرخت پس از شر فرعون بگریزید
 شد و سرانجام بروی ظفر یافت کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از دشمن پنهان میگرخت چنانکه دشمن
 او را میدید و دلیل که متفکر شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مردمان میگرختند و دلیل که او را از بزرگی
 تهت رسد قوله تعالی یوم توفیها تذل هل کل مرضعة عما اوضعت اگر بنید که مردمان از زنان
 میگرختند از زنان مصلح و پارسا بودند و دلیل که بد باشد و اگر مضطرب بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که خنجر در خواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت و اندوه بود و آن موضع که بستن
 اگر بنید که از کرستی بر روی وی نشان بود و دلیل که بگردار نیک او را طعنه زنند کرمانی رحمه الله علیه گوید
 که بستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی اگر در خواب بنید برگناه کرستی

سخت

سرو

سرو

سخت

سخت

یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باری تعالی باشد که بفضل خود بروی رحمت کند و
 گناهان وی عفو کند و اگر بنید که میکسیت و اشک انچهشم وی نمی آمد دلیل که ناکردن از کارهای گذشته حسرت خورد
 و توبه کند و اگر از بهر معصیتی میکسیت که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بنید جعفر صادق رضی الله عنه
 کوید اگر بنید که میکسیت و بعد از آن بنید دلیل که اجلس فرارسیده باشد قوله تعالی هو اضحاک و ابکی کرمی
 در خواب درویشی و بد حالی و فرو بستگی کار را بود این سیرین رحمه الله علیه کوید کرمی در خواب تباهی دین و غم و اندوه بود
 و کار را بروی بسته کرد و مردارش بر نیاید قوله تعالی اضمکم بکم سعی فهم لایو جعون کرمی رحمه الله علیه کوید
 کرمی در خواب دلیل بر بینوایی و بستگی کار را کند و اگر بنید که کوشش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی کشاده شود
 و بر او کام دل برسد و از رحمت حق تعالی انضیب یا بد جعفر صادق رضی الله عنه کوید کرمی در خواب بر چهار وجه بود یکی
 درویشی دوم تباهی دین سوم غم و اندوه چهارم بستگی کار را و نامرادی کرمی در خواب مردی منافق و بخیر بود بعضی
 از معبران گویند دیدن کرم در خواب روزی حلال باشد که بی منت خلق بدورسد قوله تعالی و انزلنا علیکم
 المن و السلولی اگر بنید که کز انگبین بسیار داشت و بخور دو کسی نداد دلیل که مالی حلال بوی رسد و از آن
 خیر بنید و اگر بخلاف این بنید دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد که اگر بنید این سیرین رحمه الله علیه کوید
 اگر کسی بخواب بنید که کز انگیزی پوشیده بود دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان چیره گردد و اگر این خواب زنی بنید
 دلیل که شوهر کند و از شوهر خیر و منفعت بنید مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که قز انگیزی نو پوشیده بود دلیل که
 زنی تو اکر و پارسا زنی کند و اگر بنید که قز انگیزی بنر پوشیده بود دلیل که آئین مصالح و دیدار بود و اگر بنید که قز انگیزی
 سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طلب دوست بود و اگر قز انگیزی سیاه پوشیده بود و بنید قاضی خلیب
 بود دلیل که نیک باشد و اگر قز انگیزی نو بود دلیل که آن زن خداوند معصیت بود و اگر کز انگیزی که نه بود دلیل که آئین
 پدید و نابکار بود و کثروم این سیرین رحمه الله علیه کوید کثروم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را میرنجاند و دوست و دشمن
 نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بنید که کثروم او را کز بدلیل که دشمن او را سخت کوید و از آن رنجور دل شود و اگر بنید که کثروم را
 بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بنید که بعد از کشتن کثروم زنده شد و بار قصد وی کرد دلیل که بعد از این بر دشمن ظفر
 یابد و دیگر باره دشمن قصد وی کند و اگر بنید که در دست او کثروم بود دلیل که او مردم از او بود و او پس مردم را بد کوید و مردم را
 در یکدگر اندازد و فتنه انگیزد و اگر بنید که کثروم نچته یا بریان کرده میخور و دلیل که بقدر آن مال دشمن خور و او اگر
 بنید که کثروم را در دستان نهاد و بخور و دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیر کند و اگر بنید که
 کثروم در درون جامه داشت همین تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که از کثروم ترسید و کثروم
 او را کز بدلیل که از دشمن کزند یا بد و بعضی از معبران گویند باران مجامعت ننماید که کند و اگر بنید که کثرومی

سج

سج

سج

سج

در پیرایه وی بود و دلیل که از دشمنان او را مضرت رسد و اگر بنید که در شکار وی کثرت بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با
 اینک وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کثرت در خواب بر سر وجه بود و یکی از دشمنان دوم حاسد سوم مخم حسین
 از نوم خواره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کثرت در خواب چیرلیست که در خورستان و در بیان آب می باشد
 دوم و زمین می کشد و چون کسی زخم آن یافت و حال هلاک شود و زمانی رحمة الله علیه گوید دیدن کثرت در خواب
 دشمنی باشد با جز و حلیه و از مرید و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی مسبب بود و اگر بنید که کثرت در خواب و اگر بنید دلیل
 که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بد و رسد و اگر بنید که کثرت در خواب که کثرتی از سید و دلیل که از دشمنان
 کرد و اگر بنید که چیزی مانند کثرت در خواب بود و از و میسر سید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد و او از دشمن وی باشد که کثرت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کثرت در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی خواب بنید که کثرت در خواب و دلیل که از و بسیار
 بودی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید که کثرت در خواب بود و دلیل که غم و اندوه کثرت باشد و اگر کثرت در خواب نبیند دلیل
 بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی معتبران گویند خوردن کثرت در خواب بیماری بود و اگر کثرت بر بیان بنید هم نیک باشد
 و بهتر آن بود که بکوشت بچینه بود که دیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب بنید که کسی او را کثرت دید دلیل که محرو
 هواست آنکس در دل وی زیادت کرد و اگر بنید که کسی او را پنجشنبه و یکشنبه کثرت دید دلیل که تقدیر آن از وی زیادت شد
 مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر بنید که او را خری بکثرت دید دلیل که کارش از سخت در خطر بود و اگر بنید که شتر او را کثرت دید دلیل که
 او را از سفر زیان رسد و اگر بنید که او را کثرت دید دلیل که در آن سال مضرت بنید و کثرت در جلد و دکان و در خواب بر
 چهار وجه بود یکی مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی که فتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که با کسی کشتی میکرد و آنکس او را بنیداخت دلیل که حال او نیکو کرد و در آنکس غالب شود و اگر بنید که خود بنید
 تا ویش بخلاف این بود و اگر هر دو قایم بودند دلیل که احوال هر دو بخیر و شرمیانه باشد اما بنیاد ظاهر با سید کرد و می کنند
 کاسنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که کاسنی بوی دادند
 و بخورد و دلیل که اندوه کین شود مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب مضرت و خصومت بود
 کشت و زراعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشت و زراعت در خواب توکل بخدا و ایتالی اجل و علا بود و زراعت
 حلال طلب کردن و یکی و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بنید که از بهر تخم کشتن زمین شکافت و دلیل که
 خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت رحیم الله گویند که بنید که کثرت در زراعت میگرد و دلیل که بیماری بود
 که مانی رحمه الله علیه گوید که بنید که زمین شکافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد و دلیل که بزرگی و جاه و
 لغت یابد و اگر بنید که کشته بود و بازش میخورد و از آنچه کشتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بنید که از آن کشته چیزی
 حاصل نشد و ندانست که بازش چگونه است دلیل که بر غم و اندوه بود و اگر بنید که کثرت میکشت دلیل که از پادشاه خیر

تشریح

سنة

سنة

تشریح

سنة

سنة

و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو میکشت دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که او رس میکشت دلیل که مال
 اندک یا بد و انیال علیہ السلام کوید اگر بیند که در زمین خود تخم میکشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته کرد و او اگر
 باز کارنی زمین خود نکشت بیند دلیل که زبان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجای کا پی محبوبی زمین میکشت
 و تخم می انداخت دلیل که بر خرا و صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل
 که نعمت بروی فراخ کرد و اگر کندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشت و زری در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم
 بیماری چهارم عز و جاه پنجم محبت **کشت زار** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید کشته رستن چون معروف بود
 در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزندان مردم بود و اگر بیند کشته همی در وید دلیل که مردم در خاک کشته
 شوند و انیال علیہ السلام کوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند
 که کشت کرد و در وید و در خرمن افکند دلیل امید می که دار و بر آید و اگر بیند که در میان کشت را میرفت دلیل که با
 غازیان بغض دارد و منفعتی رحمه الله علیه کوید کشت و در خواب دلیل بر حربه و خصومت بود و بعضی از متعبران کوید که
 بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و میدرد وید دلیل که در میان مصاف رو و اگر بیند که آتش در میان
 کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحطی آید و اگر بیند که کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از
 دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتشی باید و کشت ویرا بسوخت دلیل که او را از پادشاه
 معرفت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رو و بزرگ می آمد دلیل که در آن دیار قحطی و تنگی پیدا شود و اگر بیند که از
 خوشه های کندم و آنها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت زار باریان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که زبان
 آن بخند و خواب بود و قوله تعالی نسائکم حرث لکم فاتواحرثکم الی شلتهم و اگر کشت زار در وقت غولش سبز بود دلیل که
 در آن دیار نعمت فراخ کرد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا کرد و اگر بوقت غولش کشته را بدرد و خوشه سخانه
 بر وید دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که در میان کشت زار با باریان میرفت دلیل که بغض دارد و جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشت
 در ویدن خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر بیکویی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر و با بیماری بود و سبب شست
 رحمه الله علیه کوید کشت در ویدن بوقت غولش دلیل که خدا تعالی بجای آورد و توفیق باید تا در حق و درویشان خیرات کند و قوله تعالی واقفا
 حقه یوه حصاده اگر این چیز که میدرد و میدرد وید دلیل که عاقبت کارش محمود باشد **کشت تن** ابن سیرین رحمه الله علیه کوید
 اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را برید دلیل که از مردی تو او کم خیر و نیکویی بوی رسد و معبران کوید که کشته در کشته
 خلا اندیشد و اگر بیند که وی را بکشت تند دلیل که عمرش دراز بود و زمانی رحمه الله علیه کوید که بیند که کسی ویرا بکشت
 دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که وی را بنظم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر

و منفعت بدو رسد قوت تعالی و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه ساطعا فاذا خلا یسرف فی القتل و اگر بنید که
 کسی را بظلم بکشت دلیل که عامی و ظالم باشد حق تعالی اجل و عاکی بر او کار و تا او را برنجاند قوت تعالی و لا تقتلوا اولادکم
 الا بیه و بعضی گویند که ستم بر فرزندان بپایان بر دنیا باشد و اگر بنید که کسی را بکشت و خون از تن وی روان شد دلیل که بقدر
 آن مال باید و اگر تن خود خون آلوده بنید دلیل که از مال خود چیزی بوی دهد و اگر بنید که خون روان شد دلیل که دین کشنده
 برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت دلیل که بر خصم خود ظفر یا بد و کسی که بر آن
 جنس منسوب باشد قهر کند و کشته خون آلوده دیدن غذا روید و اگر باشد کشتی و انبیاء علیهم السلام گویند کشتی
 دیدن در خواب غم و اندیشه بود یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بدو رسد خاصه که از دریای کشتی بیرون نیامده
 باشد یا کشتی در دریا فرومانده بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که کشتی بود و سلامت از آنجا
 بیرون آمد دلیل که از رنج برید قوت تعالی فابجیناه و من معه فی الفلک المشحون اگر بنید که در یاکشتی هلاک شد
 دلیل که بدست قومی هلاک شود و اگر بنید که کشتی وی بر زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و دستکاری ویر دست دهد
 و اگر بنید که کشتی غرق شد و او سلامت بماند دلیل که مالش تلف شود و او سلامت بماند و اگر بنید که کشتی بشکست و جمله
 غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بنید که کشتی بر جای بلند نشسته بود کشتی در میان آب میرفت دلیل
 که او را از پادشاه و بزرگواران قری و مندرستی پیدا شود و اگر بنید که در میان دریای کشتی با کازا میرفت دلیل که بسفر رود
 قوت تعالی و له الجوار المنشأة فی البحر کالاعلام و اگر بنید که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و دین بماند
 بلکه در آن سفر مقیم شود و اگر بنید که کشتی نشسته بود و بادوی خوش می آمد کشتی را خوش می برد و دلیل که از غم و اندوه فرج
 یابد و اگر بنید که کشتی ایستاده بود و از همه جانب کشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوت
 تعالی و جاءهم الموج من کل مکان اگر بنید که کشتی از پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد
 و عاقبت خلاصی یابد قوت تعالی فابجیناه و اصحاب السفینة اگر بنید که در پهلوی کشتی در دریای رفت دلیل که بسفر
 رود و او را منفعت بسیار حاصل شود قوت تعالی ینبجی لکم الفلک فی البحر لقیبخوا من فضله اگر بنید که در میان
 کشتیها چیزی نبود و تنی میرفتند دلیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر بنید که کشتیها غرق شدند دلیل که آن رسولان را
 باز دارند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کشتی ببرد یا غرق شد و دانست که آن کشتی هلاک او نبود دلیل که او را از هلاک اندیشه
 نبود و اگر بنید که کشتی نشسته بود و از پادشاه می رسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی کشتی او را منفعت رسد و اگر در
 کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود و اگر بنید که در دریای کشتیها بجایهای تلون آهسته بود دلیل که
 پیش پادشاه مقرب شود و اگر بنید که کشتی در قعر دریا فروشد دلیل که او را از پادشاه قوی غنیمت باشد و اگر بسند که
 کشتی میرفت تا ویش بخلاف این بود اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کشتی کوچکی نشسته بود

کشتی

و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بنید که گشتی در آب روان بود و دلیل که بسفر رود و زود باز آید
 و اگر گشتی نخورد و خشک است تا ده بنید دلیل که بیماری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دیدن گشتی در خواب بر پشت وجه
 بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم امینی هفتم عیش هشتم تو اگر گشتی کشف ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید کشف سنگ پشت را کوید و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و صحبت او منفعت است
 اگر کسی بخواب بنید که کشف داشت یا چنانچه او را در دلیل که او را باز آمدی صحبت افتد و اگر بنید که گوشت کشف میخورد دلیل که
 بقدر آن علم حاصل کند که گمانی کوید اگر بنید که کشفی در سر کنی وانی بیافت دلیل که صحبت عالمی رسد و اگر بنید کشفی در مسجد یا در
 جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و بنزدیک بزرگان و علما و احرار مت باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید و دیدن کشف در
 خواب بر سر وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع و در کارها کشف کباب ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 اگر بنید که کشف کباب غناب و بنفشه باشد میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش برود
 و اگر بنید که کشف کباب نمی توانست خوردن تا ویش بخلاف این بود کشف شمش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 کشفش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بنید که کشفش داشت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل که بقدر آن خیر
 منفعت بدان کس رساند و اگر بنید که آب کشفش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بزرگان
 بودند مالش زیادت شود و گمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کشفش بخورد داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود
 و اگر پیشه کار بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید کشفش در خواب خوردن بر سر وجه بود
 یکی منفعت دوم مال حلال سوم کسب کشفش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کشفش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و
 اگر بنید که کشفش داشت و خورد دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمة الله علیه کوید و دیدن
 کعب بخواب تباهیل مقام بود اگر بنید که با کعب بازی میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بنید که کعب بسیار داشت
 دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بنید که کعب پای اولشکت دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که تباهیل مناعت
 بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد مغربی علیه الرحمة کوید بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمنی و حیرت و جنگ و
 خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید کعب در خواب بر پنجه و وجه بود یکی مقام دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم
 گفتگوی قوله تعالی و کواعب اتقوا و کاسادها قوا اگر بنید که کعب جانوری داشت که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال
 حلال کند و اگر کرم بود دلیل بر مال حرام بود کعبه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کعبه بنی خلیفه بود و هر یک که وی کعبه بود بر زیادت
 نقصان که در کعبه بنید دلیل بر خلیفه بود و اگر بنید که طواف کعبه کرد دلیل بر صلاح دین وی بود و اگر بنید که کعبه را کرم کشته بود و روی
 کعبه داشت دلیل بر زیادت و صلاحیت او بود و اگر بنید که سرای او کعبه شده بود و مردم زیارت میکردند دلیل که امانت
 نیکو نگهدارد و حرمت و منزلت یا بد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر پادشاه بنید که کعبه میرفت دلیل که

کشف

کشف

کشف

کشف

کشف

کشف

از خلیفه بزرگی یابد و اگر بنید که کعبه بنیاد یا آتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بد کرد و اگر بنید که از کعبه چیزی بر گرفت
دلیل که او از خلیفه فایده برسد و اگر بنید که در کعبه نماز میکند دلیل که از خلق کارش نیکو کرد و اگر مانی رحمة الله علیه کوید
کعبه ایمانست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بنید دلیل که از شر دشمن این کرد و دو عایش مستجاب کرد و قول تعالی و من
دخله کان امنّا اگر بنید که روی کعبه الاسود نهاده بود و دوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بنید که زیارت قبر حضرت
رسول الله صلی الله علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که حج رود و سلامت باز آید و اگر خود را بر امام
کعبه بنید دلیل که بد مذہب بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان
مسلمانی چهارم ایمنی از بیم کفتار در خواب زن زشت پلید و بد کردار باشد این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر
بنید که کفتار بنده بود دلیل که زنی زشت پلید بخوابد و اگر بنید که گوشت کفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند
کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که شیر کفتار میخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی داشت دلیل که از آرزو فایده
یابد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کفتار با وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان درازی کند جعفر صادق رضی الله
عنه کوید درین کفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کفچه در خواب کار فرمای خانه بود و اگر بنید که
کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود و تاویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه کوید اگر بنید که کفچه وی شکست دلیل که خادم وی بیسیر و یا سیر شود و اگر ضایع شد یا بسوخت نیز خادم بهیر
کفچه آتش نشان نظام کوید سلاطین و ملوک چون بنید دلیل که نایب وی باشد و اگر کسی غیر ازین دو بنید دلیل بخاکساری
خانه داهل می باشد این سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتکاری حاصل شود
و اگر نظام بکشت یا ضایع شد دلیل که خدمتکارش بمیرد یا برود و کفش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کفش
در خواب زن باشد اگر بنید که کفش نو داشت و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کینزک خود و اگر بنید که کفش
دیگر و در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل که زنی ستیزه کار بود و اگر کفش سرخ بود
دلیل که زنی معاشره و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل که زنی بیارگون بود و اگر کفش سفید بود
دلیل که زنی خبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر کفش از پوست کاه بود دلیل که زنی با اصل بخوابد
و اگر از پوست کوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بنید که کفش از پای
وی بنیاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و بجز مرتی بنید و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که
زن او تنگه کار بود و نیز کوید کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید درین
کفش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کینزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر
و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که چیزی

سخت

سخت

سخت

سخت

سخت

کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بنید که کفها دست بر هم می بودند دلیل که آنجا عروسی و شادی
بود و اگر بنید که کفها اوخته یارایش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بنید که کفهای وی کشاده روی بود دلیل بر
فراخ دستی بود و اگر بخلاف این بنید دلیل بر نامرادی و تنگ دستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف و
خواب برشش وجه بود یکی دست فراخی دوم مال تنوم ریاست چهارم فرزند پنجم و گیر ششم باز ن بجوم در شدن
کف و بر یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کف در پادشاه یا از مردی بزرگوار بود که نفس
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از بهر مرده یا زنده گفتن بساخت اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس
بوی برخی رسد و اگر بنید که نفس مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده جوید که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که
کفن مرده میدریه معتبر آن گوید اگر بنید که صالح و پارسا بود و طالب علم باشد و خنهای باریک گوید دلیل که در یار وی
بوی دهند و مال حرام جمع کند و اگر بنید که مردگان کفن میکنند و از بجائی بجائی می بروند دلیل که مالهای حرام بدست وی
روان شود و اگر بنید که مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم کو اهی دید **کلاب** ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید کلاب در خواب تندرستی بود و اگر بنید که کلاب بروی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او را مدح و ثنا گوید
و اگر بنید که کلاب بهر کس میداد دلیل که نامش در آن دیار منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره مند
گردند **کلازه** مرغیست و آنرا اعتق کوبند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بنید که
کلازه گرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بنید که با کلازه نبرد و میکرد دلیل که با مردی
بدین صفت که گفتیم خصومت کند و اگر بنید که کلازه از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر چه که
کلازه را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد **کلاخ** ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید کلاخ در خواب مردی فاسق و بد عهد بود و اگر کسی بنید که کلاخی را گرفت دلیل که غیبتی از کسی بحلیتی و
دروغ حاصل کند و اگر بنید که بر سر شاخ و درختی نشسته بوده باشد دلیل بر وبال وی باشد که در کلاخ
بنید دلیل بر رنج و مشقت بود و در دیدن کلاخ در خواب خیر نبود **کلاه** دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب
دیدن عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه و اگر بنید که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود و ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که سختی منفعت یابد و اگر بنید که
کلاه منان بر سر داشت دلیل که عز و انجمنی یا بد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه
پادشاه بنید دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بنید که کلاه عنابی داشت دلیل که شادمان گردد و
منفعت یابد و اگر کلاه بروی بر دست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند و اگر کلاه بر سر
دستار نهاده دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه ابر شمین داشت

و یک

صفت

کلاب

کلازه

کلاخ

کلاه

دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاه ای از زیر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مردم و از بدیند دلیل که پیش مردم عزیز گردد و صحبت با کسی دارد و بدین دار و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یابد و اگر از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار بنماید و دروغ و محال گوید که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر زمستان بر سر نهاده دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد بازماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سروی بقیما و دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاه ای از این کلاهها که هفت کردیم بر سرش نهاند دلیل که بقدر قیمت آن کلاه از مهنتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سروی برگرفته بود دلیل که از عز و جاه و نفیقه و اگر زنی بیند که کلاه ای دو گوشه بر سر نهاده دلیل که آن زنی را پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه و زنی بر سر وی نهاند دلیل که آنکس بدین بود و یا پادشاهان را نیک بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه ای پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت او زیاده است کرد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندک و کمین شود و اگر بیند که بیکانه کلاه از سروی در بود دلیل که از مردی بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کمال در دین نباشد و اگر بیند که کلاه ای بر سر داشت که در بیداری بر سر کند و پوشیده بود اگر سفید باشد دلیل بر نیکویی و وی کند و اگر سبز بود دلیل بر بد او کند و اگر از این نوع کلاه داشته باشد در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشرف رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه ای مرتفع پوشیده بود دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاه ای آتشی افتاده بود دلیل که پادشاه او را مصداق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و بدین آن در خواب بر سرش وجه بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عز و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوز در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند کل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سروی کل شده بود دلیل که مال و خواسته بسیار یابد و بعضی معبران گویند که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر و اما در و امش گذارده شود و اگر بیند که او را بامری کل صحبت بود دلیل که بامری توانگر و دوست و آشنا نشود و اگر بیند که سروی کل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل که مال و وی تلف شود و او ام دارد شود کل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حکم بر کلی در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه کل بر درخت بود و یکی آنکه کل از درخت شده باشد و کلی که آنرا بنامش بود و دلیل بر غم و اندوه بیننده خواب بود و اگر کسی کل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که در آفریندی آید و چون بیوقت بیند دلیل که بسبب درزند او را مصیبت بود و درخت کل در خواب مهنتری و سخن روانی بود و درخت کل زرد زنی بود و بزرگان حاجت روا کنند و درخت کل سفید دلیل بر عز و دولت و جاه بود

خبر

ه

اگر در سبای خویش درخت کل میزد دلیل که دختر را بکاح آورد و اگر در سبای خود کل صد برک میزد دلیل که بسبب فرزند
 شاد شود و اگر کلها از هر گونه شکفته میزد دلیل که از خوشنشان و اهل بیت شادمان شود و اگر بنج درخت کل از زمین
 کشته میزد دلیل که مردم سرایش کامل باشند مغربی رحمه الله علیه گوید کل در خواب مرد و درون بهمت و بدعهد بود که
 با کس وفا نکند و اگر بنید که کل کسی داد یا از دوست بپسند دلیل که از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل انشالله رحمه الله
 علیه گوید کل در خواب نامر بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سوم مرد و درون بهمت چهارم کلش که پنجم غلام ششم نامر غایب **کل شکر**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کلش که در خواب و کل انجبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بنید
 که کلش که با کل انجبین داشت و از آن بخورد اگر توانا تر بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفایابد و اگر غلین
 بود شادمان گردد و اگر دام دار بود و امش گذارده شود **کل خورون** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بنید که
 کل میخورد دلیل که از پس مردکان بد میگوید و اگر بنید که کل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بنید که
 در خاک تربت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد دلیل که حج گذارد و اگر بنید که خانه بکل می اندود دلیل که غلین
 شود و مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن کل سفید و بنور در خواب مال حلال بود و کل زرد و بیمار می بود و کل سرخ لهو و
 طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آب تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که در میان کله خرق شده بود دلیل
 که در محنتی عظیم افتد که راهی نیابد و اگر بنید که از میان کل بیرون آمد و خورد و جامه خود را پاک نشست دلیل که از غم و اندوه
 راهی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سردی صحت بر بود که در گرمی سیر کلبتین ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کلبتین در خواب خامی بود که بخوبی مال از دست پادشاه بدر آرد و بر مردم نفقه کند و اگر بنید که کلبتین در
 دست داشت دلیل که او را مال دشمنی حاصل شود و اگر بنید که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زبانی رسد که زبانی رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که کلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بقدر آن از پادشاه راحت یابد کلم ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و چون
 بی گوشت خورد دلیل که منفعت کمتر بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر گوشت و کلم با هم خور و دلیل
 که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کلم بیوقت میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود
 و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **کلنار** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کلنار در
 خواب عروسی پاکیزه خوب خاصه که بهنگام خود بر درخت بنید اگر بنید که کلنار از درخت افتاد
 دلیل که از دیدار عروس پاکیزه یا کنیزک جدا ماند **کلنک** در خواب مردی غریب بود ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که کلنکی گرفت یا کسی بوی داو دلیل که با مردی غریب پیوند و باوادی نیکی کند و اگر

شکر

خورد

کلبتین

کلنار

کلنک

بنید که بر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل که از روی غریب راحت بنید که مانی رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر بنید که کلنگان را
 میچنانید دلیل که بر روی غریبان و درویشان بهتر کرد و اگر بنید که خاصه کلنگ داشت دلیل که درویش شود
 کلنگ ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر کسی بخواب بنید که کلوی وی بسلامت است و هیچ المی ندارد دلیل که امانت
 دوام بگذارد و اگر بنید که سرخ و آفتی در کلوی وی پدید آید و اویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بنید دلیل که
 روزی بروی فراخ کرد و اگر تنگ بنید بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بنید دلیل که امانت‌دار
 نیک نگذارد و مغربی رحمتہ اللہ علیہ کوید اگر بنید که کلوی او را بریدند دلیل که بریدہ بروی ظلم کند یا درین او طعنہ زند
 و هر جا نوری که گشتن او را نباشد چون بنید که کلوی او را بریدند دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم
 راستم کند و اگر بنید که پیه را کلوی برید دلیل که کار بروی و شوار کرد و اگر بنید که کلوش را بضرورت برید و گوشه
 بخور و اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر حرام بود مال حرام یابد و اگر بنید که کلوی آدمی برید
 دلیل بر آنکس میداد و ستم کند یا دروین او طعنہ زند و اگر بنید که کلوی کسی را بقیصه و وضعه کرد دلیل که از شرف و بزرگی
 معزول کرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کوید کلوی در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند استعیل اشعت رحمتہ اللہ علیہ
 کلوی شرف و در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش مغلوب بود کلیچہ ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید کلیچہ در خواب دلیل بر عیش
 خوش و نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بنید که کلیچہ میخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بنید
 که کلیچہ نخورد داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بنید که کلیچہ در دمان نهاد و نتوانست خوردن دلیل
 که مال و نعمت او قسمت دیگران باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ کوید خوردن کلیچہ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که
 آسان بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش کلیچہ ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ کوید کلید
 خواب مروی کشايند کار بود و اگر کسی بخواب بنید که قفلی را بکلید باز کرد و در کشاد دلیل که کارهای بسته بروی کشاد
 شود و روشن نظر یابد و اگر بنید که در دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد قوله تعالی له مقالید
 السموات والارض الایہ کرمانی رحمتہ اللہ علیہ کوید کلید در خواب کشایش و خیر بود و بستن شرف و بعضی کوید کلید در
 بستن تزویج بود و اگر بنید که کلید های در بشت در دست داشت دلیل که دروین سلطان بوده عاقبت کاشن بود
 محمود بود و انبال علیہ السلام کوید اگر بنید که کلید انہین داشت دلیل بر قوت و نیکی بود و اگر بنید که کلید برنجین یا سین
 داشت دلیل که او را سخن روانی بود و اگر بنید که کلید چوبین داشت دلیل بر نیکی و کثرت بود و اگر کلید زرین یا سہمین داشت
 دلیل که سخن او روانی یا بدو نیز کویند که کنج یا بد مغربی رحمتہ اللہ علیہ کوید چند آنکه کلید بسیار بود مال خستہ بود و نیز کویند که
 کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانہ و تعالی بود و اگر بنید که کلید بر قفلی نهاد و در را باز کرد
 دلیل که حاجتش روا کرد و کار بسته او کشادہ شود و اگر بنید که کلید در کلید ان شکست دلیل که دعا و دعای خالص

نباشد و اگر بید که بیک کلید و قفل را بکشد و دور باز کرد و دلیل که زنی خواب روی بخوابد حافظ معبر گوید اگر کسی دست
 خود را کلید بید دلیل که نماز گذارنده بود و اگر بید کلید وی بفتاد و دلیل که کامل نماز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید
 و خواب بر پشت و چه بود یکی کشاون کار و دوم فراغ از غم سوم تنهایی بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین
 ششم گذاردن حج هفتم اجابت هفتم دانستن علم **کلید دان** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که کلید دان
 زود بکشد و در زحمت نداد و دلیل که کارهای دینی و دنیاوی وی کشاده کرد و اگر بید که کلید دان بدین شوری بکشد
 تا ویش بخلاف این بود و اگر بید که کلید دان نتوانست کشود و در بسته بماند دلیل که کارهای دنیوی بسته کرد و در حال
 نیک بجال بد افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کلید دان زود باز کرد و اگر نکلیت بود و دلیل که زود فرج یابد و اگر
 بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهایش
 بنظام گردد و **کلید سار** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که در کلیسا رفت و در آنجا سوی قبله نماز کرد و دلیل که آنکس
 از گناه توبه کند و در دین قوی شود و از بهر آنکه کلیسا جای عبادت است که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که در کلیسا بود و دلیل
 که میل او بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سوی قبله ایشان بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بید که در گشت نشد
 اگر بید که خواب پارسا باشد و دلیل بد بود خاصه که بید و آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کلیم در خواب
 رئیس و سرور بود و اگر بید که خواب بهتر بود و دلیل که بزرگی و جاه او بفراید و بعضی بگویند که کلیم در خواب
 و از دور ایشان دیدار بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کلیمی بیافت دلیل که زنی توانگر بزرگ کند و اگر این خواب زنی
 بید دلیل که شوهر کند و از ویر و منفعت بید و اگر بید که کلیمی کوته نشسته بود و دلیل که زنی خواب روی و پارسا و موافق
 بزرگی کند و اگر بید که کلیمی سبز بود و دلیل که زنی تنیزه کار و دیدار بود و اگر بید که کلیم سرخ بود زنی معاشره و طرب
 و دست بود و اگر کلیم زرد بود زنی بیمارگون باشد و اگر کلیم سیاه بود از زن که باشد زاهد و عابد بود و اگر کلیم تلخ
 بود این همه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بید که کلیمی پوشیده بود و دلیل که در پناه مهری پارسا بود و از منفعت یابد و
 اگر کلیم از خود دور کند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کلیم در خواب بر پنج
 وجه بود یکی مرد رئیس دوم مهر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کینه که پنجم خیر و منفعت **کحان** دانیال علیه السلام
 گوید اگر بید که کمان را بی تیری کشید دلیل که بسفر رود و با فائده باز گردد و اگر بید که کمان کشیدن زده کمان برید
 دلیل که سفرش تمام نشود و باشد که در راهش زیان رسد و اگر بید که کسی کمانی بوی داد و دلیل که سپر پارسا و آرد و اگر بید که
 کمان وی شکست دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود و اگر بید که از کمان تیری انداخت دلیل
 که از بزرگی نامه بدو رسد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که از کمانی تیری انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید
 بسبب راست و کج رفتن تیر و اگر بید که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجبی شرف بزرگی حاصل شود

سیرین

کلیسا

کلیم

کمان

یا زن عجبی بخوابد و او را پسری آید و اگر بیند که از کمان تیر نیتوانست انداخت و دلیل که او را از پادشاه یا از آن زن ناپدید
 نباشد و اگر بیند که کمان را بفروخت یا بکسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تاویل
 درازی عمر بود و کمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو و پاکیزه داشت و دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان بکشد و دلیل
 که زن پایدار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد و دلیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان او سخت بود و در وقت کشیدن
 نرم باشد و دلیل که زنی بکساح بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر بمراد برسد و اگر بیند
 که کمان مست بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خودی ساخت و دلیل که کار او
 ساخته کرد و اگر بیند که کمان بفروخت و از بهای او درم و دینار بستد و دلیل که دنیا را بدین اختیار کند و اگر بهای
 کمان جز درم چیزی دیگر بستد و دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که کمانی عطا بوی داد و دلیل که زود زن را خواهد
 و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کمان خمیده کشیده بوی داد و بی آنکه کمان را بکشد و دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند
 که کمان در کمان دان نهاد و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که کمانهای بسیار داشت و دلیل که او را دوستان بسیار باشند
 که بگاه سختی بفریاد وی رسد و اگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت و دلیل که کردارهای نیکو و خیرات و طاعات و
 حسانت کند و حج گزارد و آنچه بدین ماند بخواند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادخانی
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب شش وجه بود یکی سفر و دوم فرزند یا برادر و سوم زن چهارم قوت
 پنجم کردارهای نیک و ششم مرد درست در کار و کمان حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کمان حلاجی در
 خواب شصت زنده بود و اگر بیند که کمان حلاجی در دست داشت و دلیل که منافق کند و اگر بیند که کمان حلاجی
 داشت و ندانست که ملک اوست و دلیل که شتیج خواهد کمانه آسمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب
 بیند که کمانه آسمان زرد بود و دلیل بر بیماری مردم آمد یا بر بود و کمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بزمی کمانه آسمان بیشتر
 از سرخی بود و دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سرخی بود تا ویش بخلاف این بود و معنی رحمة
 الله علیه گوید اگر بیند که بر آسمان علامت سرخی بگرداورد و شد و دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و کامکاری رسد و اگر
 عمو و های سیاه بیند تا ویش بخلاف این بود کمان کروهمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کمان کروهمه در خواب
 کار پادشاه بود و باغم و اندوه و اگر بیند که کمان کروهمه در دست داشت و کلمه می انداخت و دلیل که کسی را غن
 زشت گوید و دشنام و بد زبانی که کمان کروهمه در راه دین ناپسندیده بود و کمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 بکمان کروهمه کلمه مردم انداخت و دلیل که بسبب آزار مردم نمکین شود و اگر بیند که کمان کروهمه وی بشکست
 یا ضایع شد و دلیل که آزار کسی بخوابد که مرشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان کمری
 بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که

حلاجی

کمان

سرج

سرنه

که بنده بدر و جواهر مرصع بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه وی قوی گردد و با شدت کفر زند
 آرد و محنتی قبال کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنده سه چهار بار که بنده بر میان بسته داشت دلیل که او را مال و چشم بسیار
 باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بنده که کمر بنده بدو دادند و در میان بست دلیل که بنده رو داد اگر بنده که کمر بنده
 بشکست و بنیفا و صنایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که کمر بنده وی
 بجواهر مرصع بود دلیل که بهتر قوی شود و اهل بیت وی بسبب وی توانگر شوند و اگر بنده که کمر بنده ششمین پسرین یاس
 آراسته بود دلیل بخوابسته بود و لیکن کمتر و اگر بنده که کسی او را کمر بنده و ششمین پسرین یاس که از بهر پادشاه سفر کند جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمر بنده در خواب بر پیشش وجه بود و بی منفعت از قبل پدر یا برادر یا خویشان دو فرزند
 سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف و اودن و یافتن و او ششم پایی دین و اگر بنده که کمر بنده بر میان بسته
 داشت دلیل که انصاف از خصمان بستند و امانت عمر گذشت بود که شد **ل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بنده که کشد دلیل که در آن موضع که او بود وضایع شود و زیرا که او را بمعرفت نشناسد و قرب او
 نماند و اگر بنده که عیال یا فرزندان او کشد دلیل که از جهت ایشان اندوختن شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که
 چیزی از وی کشد اگر آنچه جز بنا و دل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت وی زایل شود و کارش
 بنظام گردد و اگر آن چیز بنا و دل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش بنظام نشود و گفته ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بنده که کشد یا بنده که کشد و مر ویرا گرفت دلیل که با نذرانه کند از بزرگی یاری خواهد و اگر بنده که
 کشد از زمین بود دلیل که از مردی مؤمن یاری خواهد و اگر بنده که کشد از مردی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری
 خواهد و اگر بنده که کشد انداخت و در کردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنده که
 در دست آن مرد افتاد دلیل که از مردی مسافر یاری خواهد و اگر بنده که کشد انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل
 که بیکس او را یاری ندهد **ل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب مال پیش بود و از میوه و سیب و غیره را خفت
 آن نبود و گویند که میوه بهتر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود و اگر بنده که کنار بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و صاحب چنان
 بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مال حلال بود و در زنی فروخ باشد و اگر بنده که بخورد کنار داشت دلیل
 که مال بسیار یابد **ل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنده که کشد و میوه و غیره را خفت که آن کشد چه بود دلیل که در کشد و فتنه افتد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب هم محبت و کناه بود و توبه باید کرد از عقوبت حق تعالی اگر عجل الین شود و کارش
 بصلاح آید **ل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بنده در خواب زن بود و اگر بنده یاکیزه بنده و اندک مال او است
 دلیل که زنی خوروی خواهد که زنی رحمه الله علیه گوید که بنده در خواب شرف و بزرگی بود اگر بنده که در کنبه ی بزرگ
 بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنبه در خواب بر چهار وجه

سنة

سنة

سنة

سنة

سنة

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

بود یکی زن دوم نیز که تمام منفعت چهارم عز و جاه کنج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کنج بیافت
 دلیل که بیمار کرد و یا برنجی بدل او رسد و اگر بنید که کنج اوصاف شتر و اویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید کنج
 یافتن در خواب در جایگاه خراب بیمار یا لاک شود و اگر بنید که در جایگاه آبادان یا بدلیل که بیمار شفا یابد کنج
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کنج در خواب مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بنید که کنج داشت و میخورد و دلیل که بقدر
 آن مال حاصل کند و اگر بنید که کنج کسی داد و دلیل که بقدر آن ازال خود او را منفعت رساند و اگر بنید که کنج خور و طعام
 آن ناخوش بود و دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی از معبران گویند که اگر غم و اندوه رسد کند سپهر ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کند و پیر و خواب دنیا باشد و کند پیر مسلمان که بجایه آراسته باشد دلیل که مال حلال یابد و کند پیر
 که بجایه حرام باشد و کافر بود تاویل مال حرام بود و کند پیر خبری و نیکو جامه تاویل اینچنان و آن جهان باشد
 و اگر بنید که کند پیر فریه و مسلمان بزی خواست و دانست که ملک اوست دلیل که مال حاصل کند و اگر بنید که زنی
 پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که تبرک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بنید که با کند پیری
 جماعت کرد و دلیل که مراد اینچنانی او را حاصل شود کند رو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند و میخورد
 یا می خایند و دلیل که با کسی خصوصیت کند یا شکایت بود و بقدر خائیدن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند و داشت
 دلیل که شکایت شود زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه بود کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کند بسیار
 داشت دلیل که بیماری و راز کشد و عاقبت شفا یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند میخورد و دلیل که در رنج و آزار
 شود و اگر بنید که کند به بلنی و گرفت و عطسه داد و دلیل که جانش بدشواری بر آید کند ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید کند در خواب مال حلال بود که برنج ببرد و اگر بنید که کند میخورد و دلیل که صلاح و نیکو بود و اگر بنید که میخورد
 دلیل که شکایت شود و اگر بنید که در آن تا شکم او پر از کندم خشک شده بود و دلیل که عمرش با خرسیده باشد کرمانی رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که خوشبهای کند میخورد و دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قول تعالی سمیع سبب است خضر
 و آخر یا بسا که اگر بنید که کند میگشت دلیل که در آن دیار قحطی بجا نهد و تعالی ندم غلّه از آن کند جعفر صادق
 رضی الله عنه فرماید کند و در خواب بریده وجه بود یکی مغزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم عزیزی اسمعیل شمس
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کند بریان میخورد و دلیل که هیچ منفعت نیابد و اگر بنید که کند موقت خود را
 میدر وید و دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و کندم فروش در خواب ویدن مردی بود که دین بدینا
 اختیار کند کند ما و انیال علیه السلام گوید کند ما در خواب مال حرام بود و کند ما زشت بود و اگر بنید خواب
 کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کند ما در خواب مال حرام بود و کند ما زشت بود و اگر بنید خواب
 مستور و مصالح نباشد و دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کند تا هیچ منفعت

نباشد کند و امس انجین بود اگر بنید که کند و الی فر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که رسولی پیش او در آید و او را
 شادمان کند و کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل زمان متقصد و و مرد و یا بد چاه که بوقت روز دیده باشد کشت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در کشت نشست و از سوی قبل نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند
 باز گردد و بدین قوی کرد و بسبب آنکه کشت جای عبادت است و اگر نماز سوی قبله چو دان گذارد دلیل که بوی
 چو دان دارد و کرامتی رحمه الله علیه گوید اگر بخور و در کشت بنید دلیل که بجفا مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید بدین کشت و کلیسا و در خواب مردم مصلح از خیر و نیکی بود و مردم مفسد را شر و فساد بود و کشت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بوقت خود کتک میخورد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کتک
 در خواب قطع نبود و اگر بنید که کتک داشت و نمیخورد و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد کتکی ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که کتک شده بود و دلیل که در ویش و بد حال گردد و کرامتی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را
 در خواب کتک بنید دلیل بر تباہی و نقصان دین وی بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده قوله تعالی اصم بکم
 عی فیهم لایوجعون جعفر صادق رضی الله عنه گوید کتکی در خواب بر زلفت وجه بود یکی و روشی دوم بدجالی
 سوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر کتکی بخواب بنید که زانش
 کشاده شد دلیل که کار بسته بروی کشانند کتبه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کتبه در خواب عیال مردم بود
 و اگر بنید که کتبه اندام او میخورد و دلیل که بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بنید که کتبه بسیار بر چهار پای بود و دلیل
 که مردم از چهار پایان او فایده بنید مغزلی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کتبه از خود و دومی انداخت و دلیل که عیال
 از خود دور کند و اگر بنید که کتبه از چهار پای خود میکرفت و می انداخت و دلیل که هیچکس فایده نرساند جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید بدین کتبه در خواب بر سر وجه بود یکی عیال دوم خدم چشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بنید که کتبه
 میکشت دلیل بدان چیزهای که گفتیم نقصانی بود و کتبه ک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کتبه در خواب خیر و نیکی
 بود و بقدر جمال او اگر کسی بخواب بنید که کتبه بود و دلیل که چیزی نهان بوی رسد و از آن
 چیز متفکر گردد و کرامتی رحمه الله علیه گوید کتبه در خواب مال بود و اگر بنید که کتبه بخورد و دلیل که خیر و نیکی بود و اگر بنید که
 کتبه بفرخت و بهای او بست و دلیل که او غم رسد و اگر بنید که کتبه بخورد و دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت
 یابد و اگر بنید که کتبه برهنه بود و دلیل که زبانی بد و درسد و اگر بنید که کتبه بخورد و دلیل که بستانه بود و در خانه وی درآمد
 دلیل که شادی و منفعت بد و درسد کتبه یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کتبه یا در خواب بیماری بود
 اگر کسی بخواب بنید که کتبه داشت دلیل که بیماری شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او دراز کشد
 کوارش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوارش در خواب چون شیرین بود و دلیل بر منفعت و خیر

دشمنی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل بر غم و اندوه و رنج و فساد بود و هر گوارش که بوی خوش بود دلیل بر صحت و شفا
 بود و هر چه بوی او ناخوش باشد و تلخ و سبک باشد این بود که گمانی بر تنه الله علیه که بد گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود
 گوارش دارد و خوشبودن دلیل بر ستایش کند که ال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که ال در خواب دلیل بر مردی
 عالم باشد و چیزهای که در و از خیر و شر بود و بد و نیکو دلیل از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه می آید چنانکه فرموده
 ان القلوب و عینة مغرانی حجة الله علیه که بد گوارش چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود
 و الا منفعت اندک باشد که و او ایها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که او ایها که در خواب ببیند بهتر از کواب خواب بود و
 بعد از آن کواب چنین بادام و بعد از آن کواب نان و بعد از آن کواب خشخاش را تا بدلیل منفعت از اینها کمتر باشد
 و اگر ببیند که کواب چنین میخورد و دلیل که بقدر آن مال از مردی بخیل برست آورد اگر ببیند که کواب خشخاش میخورد و دلیل که
 بقدر آن مال حاصل شود و اما فایده اش کمتر بود و اگر ببیند که کواب نان میخورد و دلیل که بقدر آن مال نعمت از مردی
 پارسا او را بدست آید و اگر ببیند که از این کوابها که گفتیم داشت و از آن چیزی میخورد و آنچه گفتیم بر سر مغرانی رحمه الله علیه
 گوید که او ایها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکو کنایه تلخ و ناخوش بود و دلیل بر بدی کند که او را اینال علیه
 السلام گوید که تا بدلیل زنمان بود و اگر ببیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بروی تنگ شود و بعضی از متعبان
 گویند در آن موضع که کور باشد از بهر خود و سرای نوسازد و اگر ببیند که او را در کور کرد و دلیل که احوال بروی دشوار شود
 تو که تعالی شد امانت فاقب و ثم اذا شاء انشده اگر ببیند که او را در کور کرد و دند و خاک بر سر او کرد و دلیل که دین وی
 نقصان بود و بی توبه از دنیا برود این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر ببیند که خود را در کور نهاد و دلیل که او را در زندان کنند
 و اگر ببیند که در کور برود دلیل که در زندان ببرد و اگر ببیند که برام او کوری میکند و دلیل که زندگانی او را زیاده باشد و اگر ببیند که
 بر سر کوری ایستاده بود و دلیل که بر کافه و مقیم و ایستاده بود که گمانی رحمه الله علیه گوید که خود را در کور کرده و دید و منکر و دیگر از
 سوال کرد و دلیل که پادشاه آن دیار او را مطالبه کند و اگر جواب منکر و نیکو خطا داد و دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر
 ببیند که او را از کور بیرون آورد و بر او را کرد و دیگر بار در کور نهاد و دلیل که پادشاه او را بنوازد و خلعت بپوشاند و
 بعد از آن بنزدان کند اما اگر این خواب باز در کان دیده باشد حساب او با باز در کان بود و شمار هر کس با جنس خود و همبران
 باید قیاس از چیزی های نیک بداند تا خطائی نیفتد که کورستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کورستان در خواب
 دیدن صحبت با جاها ان بود که دین و دنیای ایشان بفساد کرد و غم و پشیمانی بود که گمانی رحمه الله علیه گوید
 اگر ببیند که اهل کورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر ببیند که در کورستان باران
 بارید و دلیل که اهل کورستان را رحمت از حق سبحانه و تعالی بود و مغرانی رحمه الله علیه گوید که اگر تو آنکر ببیند که کورستان
 میرفت و بر کور مسلم میکرد و دلیل که در ویش کرد و از مردمان که انی کند زیرا که کورستان جائی خلستان است

سوال

سوال

سوال

سوال

و اگر بینید که در کورستان معروف بود و مردکان از کور برخاسته بودند دلیل که اهل آن جایگاه رباط محنت رسیده و اگر
 بینید که در کورستان کور یا بار میکوند بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن ولایت محنت و غمی بدید آید و غیر صادق
 رضی الله عنه گوید کورستان در خواب بر سر و جبهه بود یکی زن از آن قوم غم غم محنت و بلا کور در خواب مالی بود که محنت و بلا
 رنج و سختی حاصل کرد و اگر بینید که کور باز میگردید و کور در دست داشت دلیل بر جنگ و خصومت بود و کورانی را که میگردید
 کور که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدور رسد بقدری و بسیاری و اگر مغز کور لطیف خوش بود مال حلال
 بدور رسد و اگر بینید که کور می شکست دلیل که از مردی عجمی مال گیر و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کور داشت دلیل که
 او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینید که کور تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بینید که از مغز کور
 روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کور نهندی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کسی
 کور نهندی بوی داد و دلیل که سخن فال گیر و منجم شود و اگر بینید که کور نهندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست یزداد و بعضی
 از متعبران گویند کور نهندی در خواب مردی دون یا کینز کی نهندی بود کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کور نهندی میخورد
 دلیل که سخنان منجمان راست یزداد و واقعا و بدان داشته باشد کور بویاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کور بویاب
 در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شرع و اگر بینید که کور بویاب خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت
 بیا موزد کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کور بویاب بسیار داشت و میخورد و میبرد و میباید دلیل که در علم و حکمت بیکانه نشود
 و از آن علم او را و دیگر از آن منفعت بود و اگر بینید که کور بویابی داشت و از آن کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت نه او را
 و دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کور بویاب دلیل بر تعلیم علم نجوم کند کوی زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 کوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بینید که کوی پنهان بود که از آنجا او را برون آمدن نبود
 دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدستواری بر آید و هر چند که کوی دور تر بود کار صعبتر بود و اگر بینید که آن کوی
 مانند سوراخ بود و دلیل که در زوای چتری بر و کورانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کوی یا چاهی کند دلیل که از بهر کسی که و حیلت
 سازد و اگر بیند از آن کوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن کوی بکر و حیلت چتری بدست آورد و بدان میشت کند و اگر
 بیند که کوی از بهر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که در کوی افتاده بود و از آن
 بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری
 یابد کوزه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوزه از سپید روین یا از مس بود و در خواب خادم باشد و اگر سفالین
 نبود داشت دلیل که او را کینز کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که از کوزه آب خورد و دلیل که با کینز
 جماع کند و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کینز کش بمیرد مغربی رحمه الله علیه گوید کوزه در خواب مال و
 نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زین داشت یا سیمین او را مال خواسته حاصل شود و از آن مال تهمت باشد و اگر بیند که

سوز

سوز

سوز

سوز

سوز

که کوزه سفید روئین یا طلعی داشت دلیل بر مال و نعمت باشد و اگر کوزه آهنین داشت دلیل بر مال بود اما کمتر بحضرت صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم که بیک چهارم توأم دین پنجم صلاح تن ششم
عمر و از هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زمان و کوزه دوازدهم برادره خوانند تا ویش بخواب زنی بزرگ زاده و
مهرتر بود که **کوساله** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کوساله زنی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل
که او را پسری آید و اگر بیند که کوساله ماده بود دلیل که او را دختر آید و اگر بیند که کوساله بچه بود و برود دست مالید و دلیل که
اندو بکین شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله در منزل او در آمد و شد میکرد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که
کوساله دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوساله سوار بود و دلیل که با پادشاه عجبی پیوندد
و از بزرگی یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله وی ببرد و دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کوساله وی ضایع شد
دلیل که فرزندان از وی مفارقت جویند و اگر بیند که کوساله داشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که میراث فرزند بخورد
استمعیل انشت رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله سپید بود و دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانا گردد و اگر بیند که
کوساله ابلق بود و دلیل که میان او و کوساله وی قوی و فرزند بود و دلیل که فرزندش تنگ دست و نیک حال بود و اگر
ضعیف و لاغر بود تا ویش بخلاف این بود که سپید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که سپید در خواب غنیمت بود و اگر
بیند که کوسپند میخورد و دلیل که بر کوهی بزرگی و مهرتری یابد و اگر بیند که کوسپند آن بعضی سپید و بعضی سیاه بودند و دلیل
که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که کوسپند بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست و دلیل که او را مال
بسیار حاصل آید و اگر بیند که کوسپندی بر گردن گرفته بود و دلیل که ثروت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت کوسپند میخورد
و دلیل که بقدر آن او غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده بخورد و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که از بهر خوردن کوسپند
را بکشت و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند زنی فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل
که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که نزدیش را کتو ببرد و دلیل که بر مردی بزرگ
ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر زنی نشست و مشغول و فرمان بردار او بود و دلیل که بر مردی بزرگ حیر
کرد و اگر بیند که زنی بر وی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سر ویای نزدیش بکشت و دلیل که بر آن مرد که ضعف
کردیم غالب شود و اگر بیند که سر ویای نزدیش دراز و قوی بود و دلیل که آن مرد قوی و توانا شود و اگر بیند که چشم نزدیش دراز
بود و دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که چشم نزدیش بسیار حاصل شد و دانست که ملک اوست و دلیل که بقدر آن بر مردم
فرمان دهد و ایشان را زبردست خود کرده و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند که بعد از هر زنی میانی او را سالی بزرگی و شرف
حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید ماده میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه
داود علی نبینا و علیہ السلام فرموده قوله تعالی ان هذا الاخی له تسع وتسعون فجعلته ولی نبعثه ولیا و احدی که بیند که ماده

سکه

سکه

بیش از آنکه کسی بوی داوود دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم او را محب و خوشکار می شود و از وی مال حاصل
 کند و اگر بنید که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماده
 میش را کلبه برید و دلیل که زنی مستوره را بشناسد کند و اگر ماده میش سیاه بود و دلیل که آن زن از غرب بود و اگر بنید
 بود از عجم باشد و پوست کوبیده غنیمت و مال حلال بود و دیدن کوبیده در خواب بر پنج وجه بود یکی بهترین دوم زنی
 بزرگ سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت **کوشته ها** و اینا را علیه السلام گوید کوشته ها تاویل هر چند پنجه
 خور و دلیل بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و کوشته های که خام خور و دلیل که مال برنج و سختی بدست
 آید و خرید و فروخت کوشته ها در خواب غم و اندوه بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خور و ن کوشته پنجه بهتر از
 بریان باشد و خور و ن کوشته بریان بهتر از خام باشد و اگر بنید که کوشته تن خود را میخورد و دلیل که غیبت
 اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که از آن کار شیطانی خور و اگر بنید که کوشته مردم میخورد و دلیل که
 غیبت مردم با حق کند و قوله تعالی ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیبه میتنا فاکوهته و اگر بنید که مردی را
 برادر کرده بود و او کوشته او میخورد و دلیل که مال حرام خور و اگر بنید که کوشته کوبیده فروخته بود و میخورد
 دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که کوبیدنی مسلول بخانه آورد و دلیل که کسی بزرگوار را آماج میبرد و اگر بنید که برخی از
 اندام کوبیده در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود و مخری رحمة الله علیه گوید که کوشته فربه بهتر از کوشته لاغر بود و اگر
 بنید که کوشته تازه کسی را همی زد و دلیل که او را بزبان ریخته گرداند یا او را غیبت کند و اگر بنید که کوشته بریان میخورد و دلیل
 که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بنید که از قصاب کوشته بخرد و بهایش بداد و نمیزد خود و دلیل که هلاک
 شود و اگر بنید که کوشته از دماغ میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بنید که کوشته
 اسب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از یاد شاه چیزی بدور رسد و اگر بنید که کوشته اشتر میخورد و دلیل که بقدر آن
 مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بنید که کوشته اشتر بچه میخورد و دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد از آن بیامیزد
 دشمن یا بد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه او را منفعت رسد و اگر بنید که کوشته اشتر مرغ میخورد
 و دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بنید که کوشته آله میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او دردم
 دینار حاصل شود و اگر بنید که کوشته آه میخورد و دلیل که بقدر آن از زنی خبر وی او را مال حاصل آید و اگر بنید که کوشته بز میخورد و دلیل
 که او را منفعت مال دشمن بدست آرد و خرج کند و اگر بنید که کوشته بز میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران
 گویند که اگر دشمن بخورد و اگر بنید که کوشته بظ میخورد و دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بنید که کوشته پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آور باشد
 و شرف و بزرگی یابد و اگر بنید که کوشته گوسفند میخورد و دلیل که از مال مردی رفته یا از مال زنی بدست آید و اگر بنید که کوشته بوز میخورد و دلیل که
 بیامیزد و اگر بنید که کوشته پل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر بنید که کوشته چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او را منفعت

کوشته ها

رسد و اگر گوشت تذرو میخور و دلیل که مال مردی نذر خور و اگر بنید که گوشت چند میخور و دلیل که مال زن دیده خور و اگر بنید که گوشت چکان یک میخور و دلیل که چیزی از مال بنده خور و اگر بنید که گوشت خر میخور و دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که گوشت خر گوشت میخور و دلیل که از مال زن چیزی اندک باید و بعضی از معتبران گویند که میراث یابد و اگر بنید که گوشت خر و س میخور و دلیل که بقدر آن از مردی عجبی منفعت یابد و اگر بنید که گوشت خر چنانک میخور و دلیل که بقدر آن مال حرام خور و در طاعت سستی کند و اگر بنید که گوشت در اج میخور و دلیل که مال زن بستاند و خرج کند و اگر بنید که گوشت را سو میخور و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بنید که گوشت را غ میخور و دلیل که بقدر آن از مال فاسق میخور و اگر بنید که گوشت سنک خار میخور و دلیل که از مال مردی این منفعت یابد و اگر بنید که گوشت سو سها میخور و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سو سها و دلیل بر کمال و زینت اینجهانی یافتن باشد و اگر بنید که گوشت سبک میخور و دلیل که بر دشمن طغری یابد و اگر بنید که گوشت سنجاب میخور و دلیل که مال مردی غریب خور و اگر بنید که گوشت سیمرغ میخور و دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بنید که گوشت شاهین میخور و دلیل که از مال مردی شکر نفع یابد و اگر بنید که گوشت بره میخور و دلیل که با کسی که راه محروم پیوندد و اگر بنید که گوشت شیر میخور و دلیل که بسبب تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بنید که گوشت طاوس میخور و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بنید که گوشت طوطی میخور و دلیل که علم آموزد و ویرا منفعت کند و اگر بنید که گوشت فنک میخور و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بنید که گوشت قمری میخور و دلیل که از زنی خوب منفعت یابد و اگر بنید که گوشت ماده کاو میخور و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام کرود و اگر بنید که گوشت کاو و دشتی میخور و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیزک نفع رسد و اگر بنید که گوشت کبوتر میخور و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر بنید که گوشت کر میخور و دلیل که منفعت یابد و اگر بنید که گوشت کر میخور و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بنید که گوشت کشف میخور و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بنید که گوشت کهتر میخور و دلیل که بهره زنی بروی جادو کند و اگر بنید که گوشت کلاره میخور و دلیل که مال مردی بیابانی خور و اگر بنید که گوشت کور خر میخور و دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بنید که گوشت ماکیان میخور و دلیل که او را مال از کنیزک یا از خادم جمع شود و اگر بنید که گوشت ماهی میخور و دلیل که چیزی از مال زن خور و اگر بنید که گوشت مرغابی میخور و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بنید که گوشت مرده میخور و دلیل که آن مرده را بر بدی یابد و کند و اگر بنید که گوشت نهنگ میخور و دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر بنید که گوشت پد میخور و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بنید که گوشت ماهی میخور و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بنید که گوشت هزار دستان میخور و دلیل که از مال زن یا فرزندی غلام او را منفعت رسد و اگر بنید که گوشت واشه میخور و دلیل که از مال دشمن بخور و اگر بنید که گوشت یوز میخور و هم از مال دشمن خور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم توانگری چهارم نصیب و از ده گوشت

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که گوش او بفتیقا و یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دخترش بمیرد یا
از هم جدا شوند و بعضی میگویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که او گشت چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل
بر فساد دین و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خیر
سوم دوست چهارم رفتن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم ترس و بیم نهم کوشاوار ۱۰ ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که در هر دو گوش کوشاوار داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون کرد و اگر بنید که در هر دو
گوش مروارید کرانمایه او نیخته بود دلیل که علم و قرآن بیاورد و عالم و دانا شود و اگر بنید که در یک گوش مروارید بود
و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که هر دو کوشاوار داشت دلیل که بزرگی و جاه و پا بد
و اگر مردی زن خود را بنید که در حلقه و در گوش داشت یکی از زوکی از سیم دلیل که زن را طلاق دهد و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کوشاوار در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و جمال و آرایش دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی
چهارم غم و اندوه بسبب طلاق و ادون زن کوشاک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که در گوش
شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که گوش از پشت خام و کل بود و اگر بنید که از کل و آجر بود دلیل که مال
یابد اما در دین او نقصان بود و اگر بنید که پادشاه کوشکی بوی او و دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که گوش او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بنید که در گوش او آتش بفتیقا و دلیل که پادشاه
از او مصاوده کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت و جبهه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم
مرتب چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی بقدر بلند و یکوفی گوش
گوگرد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب غم و اندوه بود و در دیدن گوگرد و غیره منفعت نبود گوگرد
و انبال علیه السلام گوید که گوگردی در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که گوگرد شده بود در کتاب چیزی پیش معلم میخواهد دلیل
که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که گوگرد مصالح از فساد خواهد و معتبران گفته اند که اگر خود را گوگرد بنید دلیل که کارش
ضعیف شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببنید که گوگردی بریان کرده پیش وی نهاده و میخورد دلیل که
از وی خیر بسیار یابد و آن گوگرد با حشام بسیار برسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که گوگردی خبر و ی تبایل فرشته بود
و گوگرد زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بنید که شیر خواره شده بود دلیل که از فقر و بازماند و اگر مردی بنید که
گوگردی را شیر میداد دلیل که در وقت نزاع سلامت بود گوگرد و انبال علیه السلام گوید که اگر خود را بکوبی بنید و اندک آن کوه
ملک است دلیل که مردی بزرگ او را برپا خواهد کرد و اگر بنید که کوه را از جای خود بکند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بنید که بکوه مقام
کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بنید که بر بالای کوه می نشاند دلیل که بزرگی و جاه یابد بعضی از معتبران گویند که بر بخاری
بر بالای کوه می نشاند دلیل که غم و اندوه بد و رسد اگر بنید که انکوه بزرگ آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر

سوم

چهارم

پنجم

ششم

هفتم

بنید که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که
 بر سر کوهی نماز میکند و رویا بانگ نماز میدارد دلیل که کار او نیکو شود و مغفرت رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوه شکستن
 در خواب دلیل بر مقصودی که در دنیا بدو اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که بر دامن کوه بنیاد دلیل که
 اندوختن شود و اگر بنید که بر دامن کوه نماز میکند دلیل که کاری کند که موفق دین باشد و اگر بنید که در کوه در می
 از کسان پادشاه با وی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر بنید که کوه بنسبید و بعد از آن قرار گرفت دلیل که
 از مروی بزرگ در آنجا رنجور شود و شفا یابد و اگر بنید که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که نزد وی
 عطا یابد و اگر بنید که کوه از خاک بود دلیل که او را با بهترین خیس طمع باشد و اگر بنید که بر کوه قاف نشسته بود
 دلیل که اجلش فراریده باشد و اگر بنید که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل
 آید و اگر بنید که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بنید که بر کوه لبنان بود دلیل که با علما
 و صلحا صحبت دارد و اگر بنید که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را بهم لاک باشد و اگر بنید که بدره شد دلیل که اجلش
 نزدیک آید یا زندان گرفتار آید و اگر بنید که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد و استغنیای شت رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که در کوهی خراب بود که در سنگها افتاده بود و بدستواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستودگی بود
 و اگر بنید که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر بنید که در
 کوه سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود و اگر بنید که از آن سوراخ چیزی
 بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا یابد و حاقظ معجز گوید اگر بنید که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت
 مروی بزرگ مشغول گردد و اگر بنید که از کوهها سنگ می گرفت و هر یک بجائی می انداخت و او بر میگرفت و
 بر کوه مینهاد دلیل که باها بقهر جمع کند و اگر بنید که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل که خود را کسی بزرگ
 بند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که از کوه بزرگ افتاد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر بنید که
 بر کوه نزد بانی از گنج و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود
 حاصل شود و اگر بنید که نردبان از کل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد و اگر از مس بود بد
 باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر بنید که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص
 مقرب پادشاه گردد و مال بسیار یابد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوه در خواب بر
 پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلند می تخم ریسی یافتن
 گوهر این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کوه بر پنج خواب زن با جمال تو اگر بود و
 اگر بنید که کوهی داشت دلیل زنی که دارد طلاق دهد و اگر بنید که کوه بسیار

داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کوهر سفید و خشت دلیل که شغل زمان مشغول کرد و دو
ولای کند و اگر بنید که بعضی کوهر با سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که ولای دختران و شیر و زنان بویه کند مغربی
رحمة الله علیه گوید کوهر سفید در خواب فرزند بود و اگر بنید که کوهر سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن کوهر در خواب بر پشت و جبهه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی کران
بها پنجم زمان با جمال ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تصور نباشد دلیل بر
پیشانی بود و کوهر فروش در خواب خداوند علم و حکمت بود و کوچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که در کوچه
آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این بنید دلیل که شر و مضرت بدو رسد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که در کوچه فراخ مقیم شد دلیل که غم و اندوه بوی رسد یکمیر اگر کسی بخواب بنید که یکمیر داشت
یا کسی بوی داد دلیل که اندوختن شود و اگر بنید که یکمیر خور و دلیل بر غم و اندوه معتبر بود و اگر بنید که یکمیر کسی داد دلیل
که غم و اندوه بوی رسد و در دیدن یکمیر هیچ منفعت نباشد و الله اعلم **حرف اللام** لبا چه ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید لبا چه در خواب دیدن نیکوئی و پایداری دین بود خاصه که سبز باشد و اگر بنید که لبا چه سمور یا شنباد
دلیل که ناه مروی با دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که لبا چه سبز داشت دلیل که او را از مروی با امانت منفعتی
رسد و اگر بنید که لبا چه سفید بود دلیل که از مروی مصلح تو انکار او را لغوی رسد و اگر لبا چه سرخ بود و پوشید دلیل که از مروی
مساخره بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر لبا چه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لبا چه بگوید بنید که پوشیده بود دلیل که
اندوه و مصیبت یابد و اگر لبا چه سیاه پوشیده بود اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل که
مضرت و بی حرمتی یابد اسمعیل اشعری رحمة الله علیه گوید لبا چه دیبا مردمان نقصان دین بود و زنا را شادی بود و لبا چه
عنبالی مردمان زنا را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود و دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبا چه در خواب نقصان مال بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبا چه که باس زنا را مردمان نیک بود و لبا چه در خواب بر چهار وجه بود یکی
زمان دوم امانت داری سوم صلاح کار چهارم خیر و منفعت **لباس** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بنید که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی
رسد لیکن انجاش نیکو باشد و اگر زنی بنید که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشویش چیزی
رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بنید که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود
و اگر بهتر بنید نیکو شود و اگر برخود لباس بهتران بنید دلیل که بهتر شود و اگر برخود لباس فاسقان بنید
دلیل که گناه بسیار کند و اگر بنید که لباس سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر
بنید که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بنید که لباس صوفیان داشت دلیل که

سجده

سجده

سجده

سبب

از دنیا دست بردار و اگر بنید لباس تو اگر آن داشت دلیل که جمیع کردن مال حریص بود و اگر بنید که لباس چو جوان
یا ترسایان داشت دلیل که دلش با ایشان مایل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر مفسد وجه
بود یکی دین پاک دوم تو اگر می آسوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خاورد لباس
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباس در خواب دیدن دلیل بر بآیدن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی
از معتبران گویند لب در خواب خویش و قرابات بود و اگر بنید که لب بالای وی از اجازات ایل شد دلیل که مال وی در زوال
شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر بنید که لب بالای وی بریدند دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را طلاق کند
و اگر هر دو لب افتاد بنید دلیل که او امضیتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که عازر بود و اگر لباسی خورد و او را مندید
دلیل که غمگین شود و اگر بنید که لباسش بهم دو چسبیده بود چنانکه باز نتوانست کتف و دلیل که کارش بسته کرد و اگر
زنی بر لب خود خالی سیاه بنید دلیل که عز و زیادت کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لب خود را بدندان گرفت
و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم طلاق او بود و اگر بنید لباسش آما سیده بود دلیل که مال وی
زیادت شود و اگر بنید که لباسش سرخ شده بود دلیل که قران روا کرد و اگر بنید که لباسش سبز یا سفید بود دلیل
که بسبب دوستان غم خورد و اگر بنید که لباسش سست و ضعیف بود دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بنید که لحاف نو داشت دلیل که زن خواهد و اگر بنید که لحاف نو بخرد
دلیل که کنیزکی و دوشیزه بخرد و اگر بنید که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر لحاف دریده و چرکین
بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لحاف نو داشت دلیل که زنی دیندار و
تواکر خواهد و اگر بنید که لحاف سفید بود دلیل که زنی تواکر و پارسا او را بود و اگر بنید که لحاف سرخ بود دلیل که زنش
طرب را دوست دارد و اگر لحاف زرد بود دلیل که بر زنی بیا که کون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره و
فریبنده بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سر وجه بود یکی زن عالم دوم دختر و شیر
سوم **لر زید** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که گردنش میلرزید دلیل که در امانت
واری ضعیف بود و اگر بنید که سروی می لرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد و اگر بنید که قفایش میلرزید
دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بنید که دستهای وی میلرزید دلیل که تنگ معیشت بود و اگر بنید که
سینه وی میلرزید دلیل که سخنی بشنود که اندوگین شود و اگر بنید که شکم وی می لرزید دلیل که از مردی که
قوت او بود و پناه او بود بخی بوی رسد و اگر بنید که پایش می لرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بنید
که اندامش می لرزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود رنج و سختی بنید و انبال علیه السلام گوید لرزیدن

لحاف

لر زید

اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف
 احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری لرزیدن چشمها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بید که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بید که آفتاب و ماه لرزید دلیل که
 پادشاه آن دیار رنج و مضرت رسد و اگر بید که ستارگان لرزید دلیل که آشوب و درز و یکان پادشاه افتد
 و اگر بید که زمین می لرزید دلیل برفتنه و آفت بود و اگر بید که کوه می لرزید دلیل که پادشاه آن دیار مضرت رسد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که عرش می لرزید دلیل برفساد و بی و یانمی علما بودند و اگر بید که لوح و قلم می لرزید دلیل
 بر بد حالی و بیران و اهل علم بودند و اگر بید که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد اهل
 آن دیار بود و اگر بید که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان می لرزید دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه انداختن و
 خون ریختن بود و اگر بید که گوشه یا سراسر پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بید
 که تن وی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود **شکر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که لشکر و رجا یکا می بود
 یا فراسید دلیل که اهل آن موضع را کزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار
 که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود که لشکر از آن او بود و اگر لشکری بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن
 پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر و خواب بر پنج وجه بود یکی تلخ دوم سیل سوم باد
 سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لعل در خواب زنی با جمال و توانگر
 بود اگر بید که لعل آتش فرا گرفت یا کسی بوی واد یا بخور بدلیل که بدین صفت که گفتیم زنی بخوابد یا نیک یا کینه خور
 و اگر زنی باشد و ختری با جمال لطیف صورت زاید و اگر بید که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
 لیکن در دین مکر و دود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کسی آشنا یا ره لعلی بوی واد دلیل که بقدر و قیمت آن
 زنی توانا نکرا خوشیان خود خواهد و اگر بید که بکانه او را پاره لعل واد دلیل که زنی مجبور بدین صفت خواهد و اگر بید که جوانی
 پاره لعل بد واد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن و بیم کنیز
 سوم منفعت چهارم مال و نیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که طلع ابن سیرین
 و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بید که چون لعوق امار و لعوق چلغوزه و لعوق
 خشمی شش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و
 مضرت باشد مغربی رحمه الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت
 باشد و آنچه ترش بود و ناویش بخلاف این بود **لفاح** الشمامه دستنویه را گویند
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که دستنویه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر کسی داد و انگس بیمار

لر زیدن چشمها

لعل

لعل

لعل

تعلق

تعب

لقوه

لگام

لکد زدن

کرد و اگر بنید که لجاج را بوی میکرد و دلیل که سخنها می خوش شنود و اگر بنید که لجاج بسیار داشت و دلیل که مال و
 خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که بد لجاج در خواب برنش و چه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند
 چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف **لقلق** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لقلق در خواب مردی با حسب
 نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اگر بنید که لقلقی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با کسی بدین صفت
 صحبت افتد و اگر بنید که لقلقی را بکشت و دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بنید که لقلقی با وی
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهنتری او را منفعت رسد و اگر بنید که لقلقی بر
 بام وی بنشت و دلیل که مهنتری در خانه وی در آید و اگر بنید که لقلق از دست وی بپرد دلیل که از صحبت مردی
 و همتان جدا ماند و اگر بنید که گوشت لقلق میخورد و دلیل که بقدر آن مال و همتان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مردم و همتان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و
 درویشی بود **لقمه** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد و دلیل که
 آنکس سخن خوش بد گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و مصلح بود و دلیل که مال حلال یابد و اگر بنید که لقمه شیرین گرم در
 دهان وی نهاد و دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت
 بقدر لقمه **لقوه** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که روی از علت لقوه کج شده بود دلیل
 که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر بنید که رویش پاکیزه و نیکو بود و دلیل که نزد خلق عزیز و کرامی باشد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر منافقتی بود که میان مردم سخنان نفاق گوید و اگر بنید که لقوه شده بود
 دلیل بر آشکار شدن علت و نقصان دین بود **لگام** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لگام لشکرت
 یا ضایع شد و دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بنید که لگام بر سر داشت چنانچه اسپان را باشد دلیل
 که روزه دارد و از گناه تو بکند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر یک که نابکار و بدسکال تربود
 لگام در دهانش رود مغربی رحمه الله علیه گوید لگام در خواب بر سه بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان
 خواجه باشد و بر سر آزد نیکو نبود و گویند که بنده خواب با ادب و فرمانک باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم روزه داشتن سوم ادب و
 فرمانک و لگام فروش در خواب بدتر کارهای ولایت باشد **لکد زدن** ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر کسی بخواب بنید که کسی را لکد زد و دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر

بیند که اسپ اورا لک زد و دلیل که در شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معتبران گویند بفساد مشغول
 گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زنی اورا لک زد و دلیل که بسبب زنی اندوگین شود و اگر بیند که گنده
 پیری لک زد و دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر اورا لک زد و دلیل که از مردی محترم اورا زیان رسد و اگر
 بیند که خزی دیرا لک زد و دلیل که در سفر اورا زیان و مضرت رسد و اگر بیند که کا و اورا لک زد و دلیل که در آن
 سال اورا زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لک زد و در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت
 سوم غم و اندوه چهارم فساد و عیال لک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لک و دست
 دلیل که از کسی فرومایه اورا منفعت رسد و اگر بیند که لک را بر آتش نهاد و دود و دود و دلیل که نامش در آن
 دیار بیکلی منتشر گردد و اگر بیند که لک بخنجر رود و دلیل که شکنجین شود و اگر بیند که کار و دوست وی بود و لک
 محکم میگردد و دلیل که در میان دو کس مصالح پیوندد لویا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که لویا در خواب اگر
 بوقت خود بیند نیکو بود و اگر بیوقت بچخته یا خام دلیل غم و اندوه بود و لوح محفوظ ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید که لوح محفوظ بنا و دلیل عام با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی اخف کند که رانی رحمه الله علیه گوید که
 لوح محفوظ بنا و دلیل علم و حکمت و قرآن باشد و اگر بیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود و دلیل که حال وی بد بود و اگر
 بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر بیند که بر لوح میرفت و دلیل که او را با
 پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نبشته بود و دلیل که طبعش
 رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم
 علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت لوزیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
 که لوزینه بشکورد و آن نهاد و دلیل که از کسی خنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خرد و دلیل که بقدر آن
 مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه کسی داد و دلیل که او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمه الله
 علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خرد و یا خرد یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر
 آن مال و نعمت از حلال باید و خرج کند و اگر بیند که لوزینه کسی داد و دلیل که از وی بر آنکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که لوزینه
 خالص شد باید زد و دلیل که آن نقصان مال بود لک شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لنگ شده بود
 دلیل که کار را طلب کند از غیر و شر و ست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معتبران گویند اگر کسی خور و لک و
 حقیر بیند دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد که رانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خور و لک بیند و دلیل که در دین
 و دنیا شکسته بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خور و لک بعد از آنک ساخت دلیل که از کسی بجهت کار
 معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که لک شده بود و بصحا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد مردم بروی اعتماد

ک

لویا

لوزینه

لک

کنند و مراوش حاصل شود و اگر بیند که بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر هر کسی اعتماد نکند و اعتقادش
 حقیقی نبود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت
 دلیل که بتخل که خدائی درویش و عاجز و دردمند بود و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمی
 توانست رفت دلیل که از شر آنکس ایمن گردد و اگر بیند که در هر دو پای وی خار بود و آما سیده بود و نمی لنگید دلیل
 که دشمن بروی حسد بدو مال و جاه وی ریافت شود و استعجیل اشعت رحمه الله علیه گوید اگر لنگ خواب بیند که
 پای او درست نشد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشته شده که دو و از مرگ وی که نمیبرد شده باشد
 بیاید و کارش بنظام کم کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی گسستی در کار و دوم نامرغی
 سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و لذت و در خواب خدشکار خانه که اصلش ترس بوده باشد و اگر بیند
 که در دست لویدی نو بزرگ بود دلیل که خدشکارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چکین و کوچک
 بود و اویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بقیه دو شکست دلیل که خدشکارش بهیر و کوفی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که لویدش سوراخ شده بود دلیل که خدشکارش بهیر شود و اگر بیند که لوید پر از آب صافی بود دلیل که خدشکار
 او را منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر از خور و فی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید خور و فی
 که از خدشکار خیر و منفعت رسد **لیمو** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون
 زرد بود دلیل بیماری و در درخ بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و در دیدن و خور و فی لیمو خیر و منفعت
 نبود و الله اعلم بالصواب **حرف المیم** مار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه
 پنهانی بود و اگر بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمنی خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمنی بگانه بود و
 اگر بیند که با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چهره شد دلیل که بر دشمن ظفر
 نیابد و اگر بیند که مار او را بگزید دلیل که از دشمن به ضرر یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
 بیند که گوشت مار خور و دلیل که بقدر آن مال دشمن خور و خیر و خشن بیند و اگر بیند که مار بر او پیاده کرد و دلیل که
 از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند که هر دو نیمه را فر گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بملطف
 سخن گفت دلیل که ویرا عجب کاری پدید آید که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بر وی تندی و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن بر وی
 ظفر ببرد و اگر ماری مرده بیند دلیل که دشمن بگانه و تالی اش رو آفت از وی بگرداند و اگر بخی بوی رسد و اگر بیند که مار طبع او بود دلیل که جاه و بزرگی
 یابد و اگر بیند که مار زوی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی و نیکو و با
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بودند دلیل بر شکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیارگون باشد و اگر
 سرخ بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود و اگر بیند که مار پایا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد

لویدی

لیمو

مار

و اگر بنید که مار بسیار در پیش وی جمع شده بودند و گزاف را برسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشد
 و لیکن از ایشان حضرت زبید و اگر بنید که ماران سر و نهها و دندانها داشتند دلیل که دشمن او کینه دار و بدسیرت بود و غریبا
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماری از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قنصب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن
 او باشد و اگر بنید که مار از دندان او بیرون آمد دلیل که سخنی گوید که ویران آن و بال باشد یا شایسته میل است رحمة الله علیه گوید
 ما یفید دشمن بود و مار سیاه سر ننگ لشکری باشد و اگر بنید که از مایه کبریت و مار را رانید دلیل که رامش و خرمی یا بدو
 اگر بنید که مار او را گرفت و گزندتی کرد و دلیل که بزرگی یا بدو از دشمن این کرد و خلف امضا فانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که کجی یا بدو و اگر بنید که از استین او ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد
 و اگر بنید که مار را بکشت و خویش در خود مالید دلیل که مال دشمن یا بدو و اگر بنید که بر بستر خود ماری بکشت دلیل که
 زلش میرود و اگر بنید که مار از کمر بیان یا از دندان او بیرون آمد و بزین فروشد دلیل که هلاک کرد و دوا را در خواب
 دشمن ضعیف بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مار در خواب برده و جوی نهانی دوم زندگانی سوم سلامت
 چهارم پادشاهی پنجم پیهسالاری ششم زن هفتم دولت هشتم مرگ نهم سپردن سیلاب مار چوبه اگر بنید که مار چوبه
 از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن او را منفعت رسد و اگر بنید که مار چوبه خام میخورد و دلیل بر حضرت در سج بود
 مار قشیشا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار قشیشا در خواب دلیل بر سج و حضرت و بیماری بود و دیدن او در
 خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از درخت از جوع کرد و دلیل که بر سج و سختی دل حاصل کند
 و اگر بنید که بخورد مار از داشت دلیل که مال گزیده بود و اگر بنید که مار میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود
 دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که مار سیاه بود دلیل غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار چوب بود و
 مال گزیده دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار نه یون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زبون در
 خواب در وقت و بوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال و هلاک تن بود و دیدن وی
 خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت و
 ترش غم و اندوه بود و انبال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بنید که ماست
 میخورد و دلیل که مال از سفر حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بنید که ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن
 او را مال حاصل شود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماست شیرین میخورد و دلیل که مال حلال بدست آرد
 و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ماست در خواب اگر نجسته بود
 دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و اندو کمین شود و اگر بنید که ماست در خانه گذاشت و بمردم
 داد و دلیل که پیغمبر کرد و مانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماست در خواب چه خشک و تیره و خام یا نجسته دلیل غم و

در سج

در سج

در سج

در سج

در سج

در سج

سیرین

میرزا

کاتب

۵۶

اندوه باشد ماکیان مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کینزک
 بود اگر بنید که مرغ خانگی بخزید یا کسی بوی داود دلیل که کینزک بخزد و یا خادمی بمنز و گیر دو اگر مرغهای خانگی بسیار
 و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری یابد و اگر بنید که کشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از
 خادمان یابد و اگر بنید که ماکیان را بکشت دلیل که کینزک را در و نیزگی بستاند و اگر بنید که بچه ماکیان را بکشت دلیل که
 فرزند او یا فرزند غلامش یا کینزک او بملائی گرفتار شود و گرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که خایه ماکیان را یافت دلیل
 که او را و ختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید ماکیان در خواب زنی با جمال بود و ماکیان
 سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بنید که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن ناخوش شود
 اسمعیل اشع رحمه الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب بر تنه و بوی زن با جمال دو کینزک سوم خادم مامیر
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مامیر در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از آن غیر و ثواب حاصل شود و مامیر
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مامیر در خواب اگر بوقت یا بوقت بمیزد دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن مامیر در خواب
 خیر نباشد ماه دانیال علیه السلام گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بنید که ماه از آسمان فرا گرفت
 یا او را ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد و اگر بنید که با ماه جنگ و نبرد میکرد دلیل که با وزیر
 خصومت کند و اگر بنید که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه گردد و اگر بنید که نور ماه بستد دلیل که وزارت
 یابد و اگر بنید که ماه آسمان فرا گرفت و نور و شمع داشت و نیز تاریک و تیره نبود دلیل که از غمها فرج یابد
 و اگر بنید که تیره و تاریک بود و بجای خود و بخود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی کرد و ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بنید که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه هلاک
 شود و اگر بنید که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی نظم کنند و او خود خوانند و اگر بنید که ماه با وی سخن گفت
 دلیل که ولایت یابد و اگر بنید که ماه با یکدیگر جنگ میکرد دلیل که دو پادشاه با هم یکدیگر جنگ کنند و اگر بنید که از آن
 دو ماه یکی بقیه و یا پاره پاره و نقصان شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی از پادشاهی بقیه مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بنید که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل که آن زن به اصل و نسب از و
 کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اصل مولد از او گمان باشد و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن باصل و نسب
 از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بنید دلیل که شوهری بدین صفت بخوابد و اگر بنید که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی
 یافت دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بنید که چتری ماه را بپوشانید دلیل که پادشاه بر وزیر متخیر شود و اگر
 بنید که ماه منخسف شده بود دلیل که حال و نه بر بد باشد و مغرول گردد و گرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ماه بدر و مغرور
 بنید بموضع خویش و نورش مقابل خانه وی یافت دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت

و اگر ماه بدر بود و تار یک بنید دلیل که او در رنج و کرامت رسد و اگر ماه طالع از مطلع خورشید برآمد لیکن نه بادل ماه
 نورش زیادت شد یا در کشت دلیل که او را فرزند می آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه طالع از موضع خود برآمد دلیل
 که از وی فرزند می آید یا او را کاری صعب افتد که مرد را از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متعبران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب
 بنید دلیل که پادشاه آن دیار را پسری آید و اگر نور ماه را بنید دلیل که آن پسر را زندگانی دراز بود و اگر ماه را بنید
 دلیل که عمرش میان بود و اگر ماه را نقصان بنید دلیل که بخدمت پادشاه یا وزیر مشغول شود و اسمعیل اشعث رحمة
 الله علیه گوید که بنید که ماه را بدست گرفت یا بکند روی آمد دلیل که فرزند می عالم و دانا او آید و اگر این خواب کسی
 از مقرران پادشاه بنید دلیل که او پادشاه شود و اگر بنید که ماه و آفتاب و جملة ستارگان فرا گرفت و همه تیره و
 سیاه بودند دلیل که بنیده خواب هلاک شود و اگر مصالح بود و در غم و اندوه افتد یا بنیده بیمار گردد و عاقبت
 شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر بنیده و چه بود یکی پادشاه دوم وزیر یوم نیکم چهارم
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دست به ششم کینرک ششم غلام پنجم کار باطل و هم والی یازدهم عالم فاسد دوازدهم هم
 بزرگ و ارسیند هم پدر چهارم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفتم هم بزرگ واری ماهی دانیال علیه السلام
 گوید ماهی در خواب در دریای گرم سیر ملا و سختی بود و در سرد سیر تا ویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ
 بسیار دید دلیل بر مال و غنیمت کند و اگر ماهی خرد بنید غم و اندوه یا بد و اگر در شکم ماهی مرورید یافت دلیل که او را پسری
 آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماهی خشک یا شورکی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی او را مضرت
 رسد و اگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند که ماهی شور بریان کرده تا بویل مغر و طلب علم یا صحبت
 مردی باشد و در خوردن ماهی خرد و خصومت باشد و اگر بنید که چیزی از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد
 یافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بنید که در وی ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از آن کسی
 زنی بخوابد که او را مال بسیار باشد و خبری رحمة الله علیه گوید ماهی تازه و بریان کرده بخوابد و نعمت باشد زیرا که ماهی
 تازه از جمله طعامهای بهشت است و برخوان بود که از بهر علی علیه السلام از آسمان آورده اند قوله تعالی و تبنا انزل
 علینا مائدة من السماء اگر بنید که از دهن ماهی بیرون آمد دلیل که سخنی دروغ در کاری گوید و اگر ماهی از قصب
 وی بیرون آمد دلیل که او را دختر می آید و اگر زنی بنید که از دهن وی ماهی بیرون آمد دلیل که اند و لیکن شود و اگر بنید که از جری
 ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگواران نعمت یابد و اگر بنید که ماهی تازه میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل شعث
 رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بنید که ماهی از حوض یا
 از جوی می گرفت دلیل که از مردی عامه بگرو حیات چیزی بستاند و اگر بنید که ماهیان دریا با او سخن در آمدند دلیل
 که رازان پادشاه آشکارا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب برشش وجه بود یکی وزیر

ماهی خواره

مید

میکند

مش

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

دوم لشکر سوم دختر و شیر چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم لیکر هند و بود ماهی خواره ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید ماهی خواره در خواب زن بود اگر بیند که ماهی خواره را گرفت یا کسی بوی او و دلیل که زن خواهد
 و اگر بیند که ماهی خواره از دست وی بگریزد یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره بخورد
 دلیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمه الله علیه گوید ماهی خواره تاویل غم و اندوه باشد مبر و سودن باشد
 باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبروی داشت و زنک بدان میزد دلیل که کاری مشکل بروی کشاده
 کرد و خاصه که آهین ملک او باشد و اگر بیند که آهین روشن و پاکیزه را در آنجا بچیزی میزد دلیل که کاری کند که
 در آن مضرت و زیان بنید و بعضی گفته اند که مبر و سخن نرم باشد و اگر بیند که مبر و او شکست یا ضایع شد دلیل که کاری
 طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی از آلتها مسین خانه مبر و روشن میکرد
 دلیل که چیزی از وی بخاوم خانه وی رسد یا شغل خادمش بسبب او باز خلاصی یابد **مطهر** ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بیند که مطهر نو داشت دلیل که از سفر او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مطهر کهنه و دریده بود
 تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهر در خواب برسد و چو بود یکی سفر دوم مال سوم
 زندگانی هوشه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بنشیند چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بکرو حلیت
 چیزی از وی بستاند و بعضی از مجربان گویند که مقصودش حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بنشیند اندام
 کسی را سوراخ میکرد دلیل که بکرو حلیت و یکی را ببلال افکند مجلس **علم** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در
 مجلس علم نشسته بود و عالم کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و توحید می گفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم
 کند که خلاف شریعت باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس علم می گزیند دلیل که بکار دنیا مشغول شود
 و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود و اگر او را مجلس علم حالی پدید آمد و بهیوش گشت
 چنانکه عقل از وی برمیید دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار گشته و متخیر شود اما سرانجام آن بخیر بود
مجلس شراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود و شراب نمی خورد و دلیل که فساد و حرام مشغول
 نشود اما رضادهد و اگر بیند که در مجلس شراب بطرب و چنگ و چنانه بود و دلیل که او را غم و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند
مجمره عود و سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته ایم **مجمره** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مجمره در خواب
 بیند دلیل بر نی پاک وین و عالمه بود و اگر بیند که مجمره داشت دلیل که زنی عالمه بزنی کند و از و خیر و منفعت
 یابد و اگر بیند که مجمره شکست یا ضایع شد دلیل که زانش مبر و اگر زن ندارد و از خویشان او یکی بمیرد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مجمره چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای
 خدای تعالی باشد دلیل بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر شر و فساد بود

محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که در محراب نماز می گذارد و دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حقیقی در قصه مشهور ذکر یا علیه السلام فرموده و هو قائم یصلی فی المحراب الی آخر الایة اگر بینید که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزندانش صالح شوند و اگر بینید که در محراب نشسته بود و دلیل که در نماز کامل بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که محراب را عمارت میکرد و دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب و در خواب بر تنج وجه بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم محاسب پنجم میاخی مردمان بود و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که محبت شده بود و برینیت زنان خود یا بشارت دلیل که بقدر آن او ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بینید که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل کرد و مغفرتی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مجالست با غمخشان داشت دلیل که با مفسدان اختلاط کند و اگر بینید که در میان ایشان اوستیم شد و دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود مداو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مداو بخواب دید دلیل که معیشت بروی فراخ کرد و اگر بینید که مداو از وی ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مداو بر جامه وی ریخت و دلیل که او را زیانی برسد و اگر دبیر بود و متهتری یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداو در خواب بر چهار وجه بود یکی متهتری دوم امش سوم همیشه چهارم شادی مذکور کند و هنده و صاحب باشد اگر بینید که مردم را پند میداد و دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود و شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که مردم را پند میداد و دلیل که در آن پند صلاح دین و دستکاری آخرت بود و بشارت چیز دینی و دنیاوی باشد و اگر بینید که مردم را پند و هنده بود و دلیل که او را بخداوند تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و فتنه نگاهدارد و مذمومی آب فشاط بود و چون کسی شهوت بازی کند اول آب مذمومی از غضیب او فرو آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مذمومی در خواب شادی و خوشی بود بقدر آنچه دیده باشد هر جان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرجان و در خواب فرزند بود و اگر سرخ بود فرزند خوب روی بود و اگر مرجان با جوهرهای بسیار بیند دلیل که بقدر آن مال و ثروت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرجان و در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از جهت خادم هر و معروف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در بیداری هم چنان بیند با هم نام او پاکسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود و دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که کجاست وی باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که مویش سیاه شده بود تا ویش بخلاف این بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند و دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی او

حکایت

محدث

مداو

میش

مذمومی

مجان

مذموم

کتاب
در بیان

در دین بود و اگر مردی جوان را بنید دلیل که از بزرگی زحمت و کلاست رسد و اگر مردی ضعیف بنید که با وی سخن بسرد
میگفت دلیل که با مردی بدان صفت در خدمت افتد و بروی ظفر یابد و اگر مردی بنید که کودک شده بود دلیل که کار بخوبی
کند که او را پادشاه نامت گشتند و اگر مردی بنید که زن ویران قبیله بود چنانکه مردان را با بنید دلیل که او را پسری آید که مهر اهل بیت
کرد و اگر مردی دیگر او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و در حالی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن مرد و پیر
خواب دولت و نجات بود مردم را ویدن مرد چون مکر و حیلت و چیزی مکرده بود مرد و اسنک ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید مرد اسنک در خواب بیماری بود و اگر بنید که مرد اسنک میخورد دلیل که بیمار شود و چنانکه بیم هلاک باشد و اگر بنید که
مرد اسنک کسی بنید یا بفروخت دلیل که از سرخ و بیماری این شود و مرد اسنک زرد بیماری و اندوه بود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مرد اسنک در خواب بریده و جود بود یکی پنج دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و خواب
و انیال علیه السلام گوید اگر بنید که بمرد مردم بروی میگویند و زاری میکند و ناله بر استند و در کفین سپید نهد یا بر جنازه
نهد و ندوب و کور و ناله این جمله دلیل بر فساد او و در دین بود که اگر بنید که او را از کور برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن
و فن کرده بودند و اگر بنید که او را دفن کردند و کورش از خاک پر کردند و مردم از سر کوری باز گشتند دلیل که
ویش بر کز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بنید که بمرد و زو و بر جنازه نهادند و حال جنازه اش برداشته و خلق بسیار
از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد اما بر ایشان ظلم کند و اگر بنید که مرده بود و زنده
شد دلیل که گناهی کرده بود و از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بنید که کسی او را گفت که تو هرگز نمی
دلیل که شهید در غزاست و اگر بنید که بمرد و کسی بروی مکرست و از پس جنازه او کسی نموده دلیل که آنچه از خانه او خراب
شده باشد هرگز آبادان نشود و اگر در خواب خود را در میان بنید و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است دلیل که
با مردمان جاهلی سفر کنند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که هر که خوابد که بداند که حال وی بنزدیک اصلاح چگونه است اگر مردگان
صلاح و پیرا در خواب بشارت میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق
سجانه و تعالی نیکو بود و اگر بنید که مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک
بار تعالی بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید هر که مرگات و در خواب دیدن دلیل بر راحت مؤمن و عذاب کافر بود
و اگر مرگات نبوغ و فساد وین بود و هر چند که جان کندن خود سخت تر بنید عذاب و عقوبت صعبتر بود و اگر بنید
که بمرد و کسی او را می شست دلیل که تائب گردید و اگر بنید که از پس جنازه وی قومی در هم می رفتند دلیل که
بزرگی از آن شهر و رفر میرو کردانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بمرد و او را در جنازه نهادند و خلق دلیل جنازه
او می رفتند دلیل که بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه کران بود دلیل که بمردم فقر و
ستم کار بود و اگر بنید که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بنید که مرده را بر کف برداشت و بی برد دلیل

که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده ببرد و او را بر تخت خوابانند و آن تخت بر کف نهاده و دلیل که بخدمت پادشاه
 رود و از وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که ببرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب کرد و اگر بیند که دیگر باره ببرد
 دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او ببرد دلیل که توانگر شود و نیز که بید که از دشمن ایمن شود
 و اگر بیند که پدر و مادر وی ببرد و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بید که آستین بود و ببرد و مردم بروی میگریند
 دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کوید اگر بیند که مرده بار دیگر ببرد و بمرک کریم نبود بلکه استیمه میگردد
 دلیل که از اهل بیت وی یکی را زنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که بمرک وی زمان و مردان فغان برداشتنند و نوحه
 میگردند دلیل که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که ببرد و او را بشستند و بر جنازه نهاده و دلیل که سخن نگوید
 کوید و اگر بیند که او را و فتنه کند و دلیل که بد باشد هر روز زنده شد که کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر بیند که مرده
 زنده شد دلیل که حال وی نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشاده روی بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل که حال بروی
 بد باشد خاصه که ترش روی بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و کشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل
 که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد
 دلیل که غایبش از سفر بیاید و اگر بیند که مرده بیکانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که
 زنده ببرد و او را پیش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده را زنده کرد و دلیل که کافر بدست وی سلمان شود و مغرور رحمة الله
 علیه کوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترش روی و غمگین و با جامه های چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان کرد و
 زیرا که در سرای حقست بهر صفت کسی مرده را در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را
 کشته روی با جامه های پاکیزه بیند دلیل که نعمت بسیار یابد و اگر پدر خود را بدین صفت که گویم زنده بیند دلیل که شرف
 بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود کرمانی رحمه الله علیه کوید اگر کسی مرده را در خواب دید و
 پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که سخن مرده نگوید و آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد
 قوله تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون فحين
 بما انهم الله من فضله و این آیه دلیل است بر آن که هر چه مرده کوید راست کوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان
 بخانه خود را آمد و نشست دلیل که صدقه و عابد و میرسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بیند که مرده بخانه خویش
 در کنار گرفت دلیل که ندرت و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او بود و عا و صدقه
 از وی چشم وار و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی شادی و
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت
 خود بروی جست و با وی مناظره میگرد یاروی از وی بگردانید دلیل که مرده وصیت کرده باشد

مرو زنده شد

و وصیت او بجا نیاورده باشد و اگر بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد و دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد
و اگر سخن بد گفت یا او را وصیت کرد تا او پیش بد باشد و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند
داد و دلیل بر خیر و صلاح دین و دایانته خداوند خواب بود و اگر مرده را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه
پاکیزه داشت دلیل که خاتم کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مرده از عذاب خدا یتعالی ایمن باشد
و عاقبت محمود بود و حافظ مبرک کوید اگر بیند که مرده دست در کردن او در آرد و دور کنار گرفت دلیل که عمرش
دراز بود و اگر بیند که مرده القات نکرد و سخن نکفت دلیل که بیند در از بهر وی صدقه یابد و او را بدعا یاکند
و اگر مرده را ترش روی و غمناک بیند دلیل که عاصی و کنه کار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده
مسلمان نموده باشد و اگر مرده را سیاه روی بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ
أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ ایمَانِكُمْ فَلَنُوَفِّيَنَّكَمُ الْعَذَابَ جَمِيعًا آنکه بعد از ایمان شما کفر کردید پس من تمام عذاب را به شما خواهم داد
باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده در نماز بود و دلیل که آن مرده در زندگانی استغفار بسیار کرده باشد
و معتبران گفته اند که مرده را بجا می طاعت ثواب است دلیل که بیند خواب لطاعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را
در جای که بنزدیکی نمازگروی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح عاقبت رفته بود هر چه چیزی **داون**
و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از تناسخ دنیا و او دلیل که از آنجا که امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که
مرده چیزی از خورونی و آشامیدنی بوی داد و بخورد و دلیل که روزی حلال یابد و اگر بخورد و تا او پیش بخلاف این بود و اگر
بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و اندوه رسد و اگر جامه پوشید
و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا حلت کند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو داد
و از آن جامه در پوشید و باز بیرون کرد و ببرد و او دلیل که او هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر
بیند که جامه خود ببرد و داد و گفت که جامه بدوز یا بسوز یا نکاهد دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را ببارید
بدو داد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل که آن مرده را کردار بد باشد و اگر مرده جامه که بدو داد دلیل که خداوند خواب در پیش کرد
و اگر جامه نبود که بدو داد دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامح کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و او دلیل که
توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر مرده جامه می فروخت دلیل که آنجامه که آن کرد و اگر چیزی ببرد می بخشید و قبول
نکرد دلیل که او را مصرت و زیان رسد **مرده نالیدن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی مرده را
بد حال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند و اگر مرده را بیمار بیند دلیل
که او را از دین و ایمان سوال کنند و اگر مرده از درو سر می نالید دلیل که از تکبر که در دنیا کرده باشد

مرده چیزی

مرده نالیدن

اورا سوال کنند و بعضی گفته اند که تفصیری که در حق مادر و پدر کرده است اورا سوال کنند و اگر از درودندان نمی آید
 دلیل که از غیبتی که در حق مردم کرده باشد اورا سوال کنند و اگر از درود چشم می نالید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده
 باشد از آن سوال کنند و اگر از درود کوش می نالید دلیل که سخن بخشش شفته باشد در دنیا و از آن سوال کنند و اگر از
 در دوست می نالید دلیل که از آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درود بیایید
 دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از وی سوال کنند و اگر از دروشت می نالید آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد
 از وی سوال کنند و اگر از درود عورت می نالید دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درود
 سرین می نالید دلیل که آنچه در حق خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درود ساق و پاییار
 می نالید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند **مجامعت کردن با مرده** جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اصل این خواب آنست که اگر با مرده مجامعت کند و آب منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا ویل آن خواب
 بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویش باطل باشد و اگر بیند که با مرده مجامعت کرد و دلیل که از
 جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با با درو خواهد کرده بود و مجامعت کرد و دلیل که از جانی که صدقه و
 ثواب بدان مرده برسد و اگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد
 و اگر مرده را بشنود بوسه میداد و دلیل که زن خواهد و از بهر مرده چیزی کند یا او را بد عاید کند و اگر با مرده مجامعت
 کرد و دلیل که از مال مرده چیزی بوی رسد از پس **مرده شدن** کرمانی رحمه الله علیه گوید از پس مرده شدن
 دلیل که اگر مصلح و یار سا بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و سیرت او گیرد و اگر زندان مرده مصلح بود یا فاسد و از پی
 وی می شود دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده ویران بانک جواب داد و مرده را
 ندید دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسراخی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان
 وقت میش من بیا او گفت که بایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند وقتی که مرده مصلح در استخوانی بوده باشد
 و اگر بیند که مرده او را بسپم پیش خود خواند و او را منع نتوانست کرد و دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسپری
 خود خواند و او در سراسی مرده نرفت دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برد و دلیل که کسب و
 معیشت او نیکو گردد و انجیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی
 منکر کند از وی نشوند و اگر بیند که با مرده دوستی گرفت دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی
 یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه خبر او میان ایشان کسی دیگر زنده نبود و دلیل که با گروهی مجالست کند که
 دین ایشان بفساد بود و اگر بیند که او نیز همچو ایشان مرده است دلیل که در دین او نیز فساد بود و اگر بیند که در
 مردگان طعام خورد و دلیل که در آن و یا طعام کران شود و ا فقط معتبر رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که پاره

نصف

مجامعت کردن با مرده

مرده شدن

از تن مرده میخور و دلیل که از زمین بجای یابد و اگر بنید که مردگان مجهول البسمه کردن نمی زوداگر مصلح بود دلیل که مرد
 بدست وی تو بکنند و از گردن باز آیند بعضی معتبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه دلیل و حجت غلبه
 کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت در یابد و اگر بنید که مرده خود را می
 دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بنید که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار
 یابد و اگر بنید که مرده را بر دشت دلیل که مال حرام یابد و اگر بنید که مردگان را زنده میکرد دلیل که دباغی کند و اگر
 بنید که با مرده در یک خانه نخله بود دلیل که عمرش دراز بود و هر دو را جاحصا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که مرده جامه بهر پوشیده بود دلیل که با شهادت از دنیا رفته باشد و اگر بنید که جامه پدید داشت
 دلیل که در جهنم او نیکو باشد و اگر بنید که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که هالش بد باشد و جامه دوزخیان
 سیاه باشد و اگر بنید که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بنید که جامه زرد یا کبود پوشیده بود دلیل
 که بنیده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بنیده را با او خصوصیت
 باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بنید حتی بجانب زنده بود بعضی از معتبران گویند زنده در خواب چون مرده
 جامه پوشانند دلیل که اجلش رسیده باشد تا و دلیل که کفن مرده کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرده
 معروف را کفن کند دلیل که در دنیا طریقت آن مرده بگوید و اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود مال و اگر نجواب بنید که
 مرده را کفن بر کند دلیل که آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر بنید که مرده را کفن
 کرد دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال
 دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بنید که مرده نکست دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سرائیش خرابی
 افتد و اگر بنید که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بروی ظاهر کرد و چنانچه اگر مغرول بود و عمل یابد و اگر پادشاه بود
 علم و حکمت زیادت کرد و امیدیکه دارد و اگر دوازده شغل تر و دود باز یا بد قوله تعالی فاما لله الله مائة
 عام فقه دینه الایة مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بهترین یا عالمی زنده شده بود دلیل که نهیب یا سیرت او
 زنده شود و اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بنید که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش
 بالا گیرد و اگر بنید که چیزی برده او دلیل که آن چیز عزیز کرد و ورخ او کران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید
 بود و اگر بنید که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و هرگز نکوشش ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که مرز نکوش می بود دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان عالم و فرنگ باشد
 و اگر بنید که مرز نکوش از جای خود بر کند دلیل که پسرش بیمار کرد و اگر فرزند نداشت و او را غم و اندوه رسد و اگر
 بنید که در زمینی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته بود دلیل که او را مردم مصلح بسیار باشد کرمانی

جامه

سخت

سخت

رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست دار بود و اگر بنبید که مرزنگوش
 سبز بود و در زمین اورسته بود دلیل که کسی از اهل بیت اید و دست داشتن شود و اگر بنبید که مرزنگوش زرد و درخت
 بود دلیل که آنکس مفسد و بدبخت بود و مرغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل
 که همتش در آن کار طلب کند که عظیم تر باشد و اگر بنبید که مرغان بسیار در جایگاه های بانک میکردند دلیل که اهل آن موضع
 را غم و مصیبت رسد و اگر بنبید که خایه مرغ داشت دلیل که او را فرزندی آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنبید که مرغ
 باوی تخم گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بنبید که مرغ در دست او ببرد دلیل که اندوختن شود و اگر بنبید که بار بر
 پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدان کس که بدان مرغ منسوب باشد او را مصرت رسد و اگر بنبید که مرغی تازه گوشت
 از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر بنبید که گوشت از اندام خود می برد و در پیش مرغ می افکند دلیل
 که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بنبید که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افکند دلیل که مال باید و بداند که
 تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بود منسوب بود و این باول بیان کرده ایم مغربی رحمة الله علیه گوید بخورس
 مانند تخم بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل است رحمة الله علیه گوید اگر بنبید که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند
 دلیل که لشکری بیکان در آن جا رسد و اگر بنبید که مرغ چشمهای وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد
 و اگر بنبید که خون مرغ میخورد دلیل که بعد از آن خون نقصان مالش رسد مرغ آبی ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است و اگر بنبید که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داو دلیل که مال و نعمت
 و بزرگی یابد و بیکام دل برسد و اگر بنبید که مرغ آبی بسیار ویرا جمع شدند دلیل که بعد از آن مال حاصل کند و بر دشمن
 طغیر یابد که مانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بنبید که مرغ آبی گرفت یا کسی بوی داو دلیل که بعد از
 آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنبید که مرغ آبی جانی میداشند
 دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بنبید که بچه مرغ آبی را گرفت یا کسی بوی داو دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمان روالی
 زیرا که مرغ آبی کاهی در هوا و کاهی در آب باشد چنانکه خواهد این سبب است که هر که مرغابی در
 خواب بنبید هر را دیکه خواهد بیاید مردمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنبید که مردمان
 بسیار جامهای سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی وی بود و اگر بنبید که مردمان
 جامهای سیاه داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بنبید که جامهای کبود داشتند
 دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بنبید که جامهای نر و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت
 بود مرغزار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بنبید که جوهر نباتهای

مغ

مغ

مغ

مغ

او شناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر بنید که میان مرغزاری بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل
بر اعتقاد دین وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تنها شایمیکر و دلیل که صحبت او با بنیکان باشد و اگر بنید که
در مرغزاری خوش و خرم میکشت دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد و مرغزار در خواب مردی
بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزاری سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را با مردی بزرگ
پیوندمی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بنید که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و ریاحین
در وی شکفته بود و جوئی آب در وی روان بود دلیل که مرکب وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری ببیند
با شهادت بود معروف یا مجهول که کل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد
که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید
و آن مرغزار را از بیخ برگند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را مرکب مفاجات رسد مغربی رحمه الله علیه
گوید اگر بنید که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل که پادشاه آن دیار ظالم و ستمگر بود و اگر در آن
مرغزار کوسپندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار کاوان و خزان دید
دلیل که لشکر پادشاه بیوفایا باشد و برایشان اعتماد نباشد و اگر بنید که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بجانها برد
دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید مرغزار در خواب زن بود اگر بنید و مرغزاری
سبزه و خرم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا فی سبزه و خوب روی بزی کند و اگر بنید که مرغزار سبزه و خرم بود
تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم
اعتقاد و سوم محبت و نظام چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد هفتم
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی به خواب ببیند که مرهم در اندام خسته و ریش می نماید دلیل بر خیر و صلاح کار و دین او
باشد و اگر بنید که مرهم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدور رسد و اگر مردی ببیند که مرهم کسی داد دلیل که
فرزند آن مرد را خیر و منفعت رساند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرهم بر اندام خسته یا بر ریش نهاد و آن مرهم
میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود هر و ار پله و انبال علیه السلام گوید مرد و ارید و در خواب فرزند غلام یا فرزند
کینزک بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرد و ارید و در خواب کینزک خوب روی بود یا زن با جمال اگر بنید که مرد و ارید
بسیار بود و چنانکه در شمار نیاید دلیل که بقدر مرد و ارید او را منفعت رسد و بعضی معتبران گویند که چون مرد و ارید
پراکنده ببیند دلیل بر سخن علم و حکمت بود و بعضی گفته اند دلیل بر سپهران و دختران بود ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر چنین ببیند دلیل بر زنان و دختران کند و اگر بنید که مرد و ارید بسیار داشت دلیل که بقدر
آن مال یابد و اگر بنید که از دامن وی عقد مرد و ارید بیرون آمد دلیل که از دامن وی کلام منظوم از علم

صحیح

مروارید

وحکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بنید که مر و ارید میخورد و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بسپوشاند یا قرآن را فراموش کند و اگر بنید که در منزل یا در راه عقد های مر و ارید کرده داشت دلیل که مر و ارید علم حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی علم و دانش حاصل کنند و اگر بنید که بجای میزمر مر و اریدی سوخت دلیل که علم و حکمت بسیار برود و نموز که میزای علم و حکمت نباشند و اگر بنید که مر و ارید بسیار داشت و او نیدار و پارسا بود دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر توانگر بود مالش زیادت شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مر و ارید داشت دلیل که او را فرزندی خویشی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است کاتمام لؤلؤ ممکن و اگر مر و ارید بزرگ بنید چنانکه از حد گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل کرد و اگر بنید که مر و ارید را بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بنید که مر و ارید در دین انداخت و فروبرد دلیل که او را از حق تعالی علم و حکمت روزی کند و اگر بنید که مر و ارید را بجای مجهول بنیداخت دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آشکار نماند و اگر بنید که عقد مر و ارید در دست بسته داشت دلیل که مر و ارید خویشی آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مر و ارید بسیار داشت دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی کرد و اگر بنید که از دین وی یک یک مر و ارید کرانما بیرون می آید دلیل که سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا پسندند و اگر بنید که عقد مر و ارید از دست او بقیات و بشکست دلیل که بسیار بگوید اسمعیل اشرف رحمه الله علیه گوید اگر بنید مر و ارید بر سر کلین دان یا بجای پلید افکند دلیل که علم و حکمت در پیش مردم نادان گوید و اگر بنید که مر و ارید با تش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بنید که مر و ارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندیش بمیرد و اگر بنید که مر و ارید از قفسب وی بیرون آید و آن مر و ارید سوخت نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بنید که عقد های مر و ارید در گردن بسته دلیل که از هر کوزه علم حاصل کند و اگر و گردن کسی بسته دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بنید که گوشواره از مر و ارید در پیر و گوش داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بنید که مر و ارید بخوار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند جابر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مر و ارید فروشی میکرد دلیل که آنکس پارسا و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آن کس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزندان و مال بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مر و ارید در خواب بر شش و جبه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرزند سوم مال چهارم زن پنجم کینه با جمال ششم فرزند نهم و مر و ارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دین داشته باشد هر دو ران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان یا دوستانه خصومت افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار شود و خداوند خانه را یکی خصومت افتد

سیرین

مذکور

مس

شی

مسجد

و اگر بنید کہ فرودان در خانہ او کار میکردند دلیل کہ عکین شود اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ کو بد کہ بنید کہ فرودان
 در خانہ او خاک میکشیدند دلیل کہ بقدر آن اورا مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بنید دلیل کہ مال وی نقصان شود
مشرکان ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد مشرکان در خواب بگفتن دین باشد و اگر کسی بخواب بنید کہ مشرکان وی
 جنبیدند دلیل کہ بیمار شود و اگر بنید کہ مشرکان چشم فروخت دلیل کہ در دین وی فساد بود و اگرانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد کہ
 بنید کہ مشرکان چشم وی بازگو نکشت دلیل کہ بقدر آن اورا زیان مال بود و اگر بنید کہ مشرکان چشم وی جنبید
 دلیل کہ بیمار شود و جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو بد دیدن مشرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی بگفتن دین دوم دست
 موافق سوم مال و روزی چهارم حرمی بقدر فرزند فی الجملہ ہر خیر و شر کہ بر مشرکان بنید دلیل برین چهار وجه بود
مذکور ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد مزور چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت
 کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود **مس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد مس از جهت
 جہودان باشد و اگر بنید کہ مس داشت دلیل کہ بقدر آن اورا مال حاصل شود و اگرانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد آوند مس
 چون مشرب و آفتاب و آنچه بدین ماند جلد دلیل کہ خدائی بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ کو بد کہ بنید کہ مس می کہ راحت و صاف
 و پاکیزہ کرد دلیل کہ کاری مشکل بردست وی کشادہ کرد و کو بنید کہ مال حلال بر پنج بدست آوردستی
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بدیستی در خواب مال حرام بود و در نماز کالی کردن چنانکہ در کلام مجید فرمودہ قولہ تعالیٰ
 یا ایہا الذین امنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سکا دی کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو بدیستی در خواب چون از شراب
 بود دلیل کہ بقدرستی ترس و بیم عظیم بود حضرت جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرمایستی در خواب بر چهار وجه بود یکی
 مال دوم توانگری سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کو بد
 مسجد آبادان تاویل مردی عالم بود کہ مردم بنزدیک او بسیار آیند از بہر صلاح و خفقتالی در کلام قدیم فرمود
 قولہ تعالیٰ و مساجد یدنک فیہا اسم اللہ کثیرا اگر بنید کہ مسجد بنا کرد دلیل کہ از بہر مسلمانان خیر و نیکی کند و
 از آن اورا اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین و شریعت بداد و مغربی رحمۃ اللہ علیہ
 کو بد بنامی مسجد در خواب نہادن زن خواستن بود و اگر بنید کہ مسجدی بنا کرد اگر بنیاد تمام کرد دلیل کہ
 زن حلال خواهد و آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بنید کہ چراغ مسجد بگشت دلیل کہ فرزندانش ہمیزند
 و اگر بنید کہ در مسجد جامع نشسته بود و پیرامن او سبزی رستہ بود دلیل کہ بروی کمانہا بر نذر دوی
 نباشد کرانی رحمۃ اللہ علیہ کو بد کہ بنید کہ کسی اورا از مسجد بازداشت دلیل کہ آن کس بروی
 ستم کند و اگر بنید کہ در مسجد نماز میکند و رویش سوی قبلہ نبود تا ویش بد بود و اگر بنید کہ در
 مسجد دست و روی می شست دلیل کہ مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر

بنید که مسجد ویران شد دلیل که عالمی بمیر و اسمعیل است رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب
 خواستش بود و جمع کردن مردمان که در ضلالت باشند باز بصلاح آمدن و غیبت کردن اعدای حق و تصحیح
 جمل و علا فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدًا و اگر بنید که جایگاه از ملک وی
 مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بدعوت حق خواند و اگر بنید که با قوی مسجدی مفت
 دلیل که زنی ستیزه کی بزنی کند و اگر بنید که در مسجد چراغی برافروخت دلیل که او را فرزندی صالح آید و اگر بنید که
 در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد و دلیل که از همه ترس ایمن کرد و دو جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خلیف
 هفتم مؤذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر
 بنید که مسجد آدینه می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت
 می کرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر بنید که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود
 قوله تعالی ومن دخله کان امنًا مسح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مسح موزه
 میکرد و دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که مسح موزه میکرد و دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام
 کرد و مسکه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روغن تازه بنا و بل مال و نعمت حلال بود و اگر بنید که
 مسکه فرافرت یا کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد که مافی رحمه الله علیه گوید
 مسکه خوردن در خواب کو اسی راست دادن بود و اگر مسکه کو سپند در خواب بخورد و دلیل دادن که او را
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آن سال بروی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجملة مسکه
 جانوری که گوشت او حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق
 رضی الله عنه فرماید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم کو اسی راست سوم علم و دانش چهارم
 معصیت مسواک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن
 هیچ ثواب باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که دندانهای پیشین را مسواک کرد و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند
 و اگر بنید که دندانهای خود را مسواک کرد و دلیل که با همه خویشان یکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید درین مشرق
 در خواب دلیل بر ملک عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روانی و وفای از جهت پادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر
 بنید که بکار صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بدید و دلیل که مرادش بر نیاید و بهمه حال حاجی
 بر آمدن آفتاب بهتر از فرو شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جای

مستحبات

مشک

مشک آب

مصحف

مصطکی

مطبوع

مطرب

فروشدن آفتاب دلیل ادا بار و فرو ماندگی بود مشرک شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بنید که
مسلمان شود دلیل که در مسلمانان نمیرد و اگر بنید که مشرک سوی قبله نماز میکند ارد یا شکر حقیقی میکند ارد دلیل که مسلمان
شود و نعمت به روی زیادت کرد و چنانچه حقیقی افرموده قوله تعالی الله نور السموات والارض مثل نور
المشکوة الخ اگر بنید که مشرکی در خانه مسلمانان آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی مشرکی را بخواب
بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم کرد و دوبره و ثمن ظفر یابد و اگر مستور نباشد دلیل که با مردم بدمنه ب او را
صحبت افند مشک و انبال علیه السلام گوید اگر بنید که مشک با خود داشت دلیل که با ادب و فرشتک بود و همه کس
به روی آفرین کنند و بنا گویند و اگر بنید که بوی مشک از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین دوی پاکیزه و صاف کرد
و در راه حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مشک را بسو دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بنید که با ف
مشک بشکافت و از آن مشک بوی ناخوش می آمد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن مشک در خواب برتش وجه بود یکی زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیز پنجم مال بسیار
ششم سخن خوش مشک آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک بخر باشد و اگر بنید مشک آب داشت و نوب
دلیل که بسفر رود و بسیار کند و اگر بنید که مشک آب کمه بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن مشک آب در خواب برته وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زن دکانی مصحف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف
در خواب تا ویش علم و حکمت بود اگر بنید که مصحف بخرد دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر بنید که مصحف را بآتش
بسوخت دلیل بر فساد دین او بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصحف کشاده و بر سر و دیده نهاد دلیل که هر چه کند تقدیر آن
کار کند و والی آن شهر کرد و اگر بنید که مصحف قرآن بادی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر کرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم امانت چهارم
روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصطکی میخاید دلیل که در گفتگوئی
بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مصطکی باب میخاید دلیل که بقدر خاییدن با کسی شکایت کند و اگر بنید
که مصطکی بآتش بخورد دلیل که ویرا از یاد شاه رنج رسد مطبوع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
بنید که مطبوعی از بهر بیماری می بخفت و آن مطبوع موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر مطبوع موافق
نبود دلیل که صلاح دین از وی بخوید و اگر بنید که مطبوع بخورد و در وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی
و خیر بود و اگر بخلاف این بنید دلیل که رنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید
که مطرب می خورد و چیزی از سر و دوتا نه میزد دلیل که بچیزهای حرام که اید چون ف و طبل و آنچه
بدین مانند میزد دلیل که اندو کین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود و معتبر خواب گذار

بود و مردی باشد چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و در تعبیر دلیل بر فساد
 کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از و خیر
 منفعت باشد و اگر بنید که معجون از بهر همتن بود دلیل که از و بهر دمان خیر و منفعت رسد معده ۵ ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که معده وی قوی و بی آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این
 بنید عمرش کوتاه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب برشش وجه بود یکی مال حرام دوم شایع سوم
 سخنها یا ناخوش چهارم وزن پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود و بودن مغزول شدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از کاری مغزول شد یا کسی ویرا مغزول کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر زن را
 نذر و در تجارت زیانی کند معصوم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصوم در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
 غم و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد معصوم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصوم در
 در خواب بهتر و آسانا بود و اگر بنید که معصومی میگردد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید که با بی حقیقت
 علیه گوید اگر بنید که معصومی میگردد و کودکان را علم می آموخت دلیل که شاید پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن
 روا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معصومی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی
 چهارم حکم کردن معصوم و انیال علیه السلام فرمایند مغز و مغز استخوان در خواب مایه بود که به خیره نهاده بود اگر
 بنید که مار و کرم مغز سروی میخوردند دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد و استغیث اشعث رحمه الله علیه گوید مغز سروی بخورد
 مال دینیه بود و اگر بنید که مغز کند و ناخوش خورده بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوة نداده باشد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر مبتلا شدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مبتلا شده بود چنانکه نمی توانست خاستن دلیل که در کارها ضعیف و ست
 بود مغز بی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی را مبتلا کرد و دلیل که عیش بر آن گس تباه کند و مضرتی بوی
 رساند مقراض ناخن گیر بود و در حرف نون بیان خواهیم کرد مقعد ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بنید که بیرون آمده دلیل
 که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بنید که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال
 سوم معیشت مقنعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را نشوی و مردان را زن بود
 و اگر بنید که مقنعه از سروی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد اگر مقنعه سیاه بنید دلیل که شوهرش
 فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بنید دلیل که شوهر وی معیبت زده بود

معجون

معجون

معصوم

مغز

مغز

مغز

مغز

مغز

تتبع
مسلمان

مسما

سم

سمیت
سمیتسمه
سمه

و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیمارگون بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقننه در خواب بر چهار وجه بود
 یکی زن دوم کینک سوم خادم چهارم منفعت از زمان و اگر مقننه که یا سان یا پشتمین بود دلیل که شوهر وی مصلح
 و پارسا و دیندار بود مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مسلمان بخواب بیند که دیگر باره
 مسلمان شد دلیل که از بلا و آفتها ایمن گردد و اگر کافر بیند که مسلمان شد دلیل که کافر را حق تعالی مسلمان فرماید
 کند و اگر بیند که مسلمان کافر را گفت که مسلمان شود دلیل که کارهای وی مستقیم شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که مسلمان کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و وفاتت کارش بخیر نبود و اگر بیند که کافر بدست وی مسلمان شد
 دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد و مسما را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسما بیند دلیل
 بر مردی بزرگ بود که بکارهای استاده باشد و بهم پیوندد و بعضی معتبران گویند که مسما در خواب پادشاه یا ایدی
 بزرگ بود و اگر بیند که مسما بر بزرگ وقوی داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که بخیر
 بمسما بدوخت دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای برآید و اصلاح آید و جمع شود و اگر بیند که مسما گشت
 یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسما در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی
 بزرگوار دوم مردی که با مردان عهد پیوندد سوم امیر یا والی چهارم مکروه و مضرت کارهای مکس ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید مکس در خواب مردم سفله و درویش بود و اگر بیند که مکس بر وی جمع شدند یا در چشم و دانه
 وی می شدند دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند تا مضرت یا بد و اگر بیند که مکس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله
 سخن زشت شنود که از آن کوفه خاطر گردد و اگر بیند که بانگ مکس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند که مانی
 رحمه الله علیه گوید مکس در خواب مردی حاسد و فرمایید بود و اگر بیند که پیرامن او مکسان جمع شدند دلیل که با مردم
 حاسد در اشغال افتد و اگر در خواب بیند که مکس بسیار در خانه وی می گشتند دلیل که مردم سخن وی گویند و اگر بیند که
 مکسان او را میگزیند دلیل که مردم دون بر خویشان او حیدرند و اگر بیند که مکس را میکشت دلیل که حاسد اثر
 قهر کند و اگر بیند که مکسان در زیرین می شدند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و خزینه کنند و ویرا
 مضرت رسد مکس انجبین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مکس انجبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کننده باشد
 و اگر بیند که مکس انجبین را گرفت یا کسی بومی داد دلیل که بقدر آن مال غنیمت حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مکسان
 انجبین بروی جمع شدند و او را میگزیند دلیل که بر سچ مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که مکسان انجبین میخورند دلیل
 که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد و اگر بیند که انجبین از مکسان می شنید دلیل که سخنهای باخیر و منفعت شنود
 و از آن فایده بیند مکس مبارک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکس بیند دلیل که زیارت کعبه کند
 و حج دریا بدو و اگر بیند که بکعبه از بهر تجارت رفته اند بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد و مغربی

رحمة الله عليه کويداگر بنید که در که بصلاح و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در منفعت دنیا باشد و اگر که را
آباد و پر بنید دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خراب بنید تا ویش بخلاف این بود **ملخ** ابن سیرین
رحمة الله عليه کويدملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ بخته درم و دنیا بود و اگر بنید که در شجره یا در موضعی ملخ پدید آید
و در آن جا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آنجا لشکر جمع شود اهل آن موضع را بلا و زحمت رسد کرمانی
رحمة الله عليه کويداگر بنید که ملخ بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بجا بین زن و پدر و اگر
بنید که ملخ بقیاس در دریائی جمع شدند و نبات آنجا خوردند دلیل که مال بقیاس در آنجا جمع شود و همه را
بتاراج ببرند دلیل که خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة الله عليه کويداگر بخواب بنید که منادی که گشت
و کلامش موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله
عليه کويداگر بنید که منادی بصلاح آنجانی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیاوی کرد و دلیل که
مرا در آنجانی بیاورد و اگر بر شر و فساد بود و تا ویش بخلاف این بود **مناره** ابن سیرین رحمة الله عليه کويد
مناره در خواب مردی بود که مردمان را برادر دین خواند و اگر بخواب بنید که مناره بنا کرد و دلیل که کار خیر کند و عجبی
از اهل اسلام جمع دارد و اگر بنید که مناره بکند و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی کونید که مؤذن آن مناره
از دنیا برود کرمانی رحمة الله عليه کويدمناره در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بنید دلیل که
بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از گنج و آجر بنید دلیل که از مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل
که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره از سنگ و آهک بنید دلیل که آن مهتر پادشاه
شکر بود و اگر مناره از چوب بنید دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد و اگر مناره بر در مسجد دید و دلیل که
آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بنید که مناره مسجد افتاده بود و دلیل که یکی از بزرگان دین
هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکنندگی افتد و اگر بنید که میان شهر مناره بود و دلیل بر پادشاه کند و اگر
بنید بر آن مناره از مس یا برنج بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بنید بر او از زریا از سیم بود و دلیل
که پادشاه دروغ زن و بیقول و غذا بود و اگر مناره از خشت بخته بود و دلیل که پادشاه کروغش و متکبر بود و
اگر خود را بر سر مناره آمده بنید و دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش به نظام شود و اگر بنید که بر مناره طعام
نهاده بود و دلیل که در آن دیار پادشاه پدید آید مغربی رحمة الله عليه کويداگر بنید که در مناره بود و
بانگ نماز می گفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر بنید که در مناره مسجد جامع بانگ نماز
داد و دلیل که عمره آرد و اگر بنید که مناره بجنبه دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بنید که پادشاه مناره را
بفکند دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند مجتهد صادق رضی الله عنه

ملخ

منادی

مناره

کوید ویدن نمازه و در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منشی
 ابن سیرین رحمه الله علیه کوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و چیز و شریکه در منبر بنید تا ویش سلطان
 کند و اگر بخواب بنید که بر منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل آن نبود دلیل که فرزندش یا یکی از خویشان
 او عالم شود و اگر بنید که بر منبر شمر میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلام بد بدینی
 و بدعت رسوا گردد و بعضی از معتبران گویند که ویرا بر دار کنند و اگر پادشاهی بنید که بر منبر بود آن منبر بیفتد یا شکست
 دلیل که او پادشاهی معزول گردد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد
 دلیل که از خطابت معزول گردد و اگر زنی بنید که بر منبر کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت دلیل که رسوا
 شود و زیرا که زبان را علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردان روا نباشد و نیز مردان را خواندن هم میان زنان
 بد باشد و اگر بنید که از منبر بیفتد اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار و حقیر شود و مغربی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر منبر شد دلیل که عالم او مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر
 مفسد بود دلیل که او را بزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر بنید منزلت و جاه
 بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید ویدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم
 امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن منجم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که منجم شد دلیل که پیش
 پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت او بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید خاصه که در خواب سخن از
 احکام نجوم گفته باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سخن علم و نجوم و هیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه
 و بزرگان او از حرمت دارند و اگر بنید که سخن در احکام نجوم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید منجم در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا یتقانی نکند منجم حقیق ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بنید که در شهر یا در قلعه مسلمانان سنگ منجم می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنها می بد گوید و اگر
 بنید که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجم می انداخت دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان
 میگوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که پیر من شهری منجم نبوده بودند و با ای آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را
 از دشمن خطر بود و اگر بنید که منجم بی شکست یا با تش بسوخت دلیل که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور
 شود و اهل آن شهر از ترس و بیم ایمن شوند منجم پیل دستار بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید منجم پیل
 بخواب خادم بود و هر زیادت و نقصان که در روی بنید بخادم باز کرد و اگر بنید که منجم پیل بود داشت یا کسی
 بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود و اگر منجم پیل سبز یا سفید بود دلیل که خادم وی باد یا ناست بود
 و اگر منجم پیل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر منجم پیل زرد بود دلیل که خادمش بیمار

منجم

منجم حقیق

منجم

کرد و بکدر اصل بیار کون بود و اگر کبود بود دلیل که خدا دش مصیبت زده و اندوگین بود و اگر مندیل وی فوطه بود
 دلیل که خدا دش زاهد بود و اگر بنید که مندیل از پیشم یا پنبه بود دلیل که خدا دش با امانت و دین وار بود و اگر از کتان بود
 نیک باشد و اگر از قز یا بریشم بود دلیل که خدا دش بی وفا و شکبه بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن
 خادم نیکوئی بنید و اگر مندیل ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندیل بیخفت دلیل که خدا دش بهیرو
 منشور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بد و دادند که در آن کار مهیا
 بنشسته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بنید
 دلیل که برستکار می نیابد و اگر بنید که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که پادشاه منشور بد و داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزله عظیم یابد و
 کارهای وی بتظام شود و اگر بنید که آن شهر خراب و ولایتی دون بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بنید که فرشته یا پیاپی منشور بخط بنشسته بد و داد دلیل که حقیقتی او را بیاورد و از وی خوشنود و راضی شود
 و اگر منشور سیاه بود تا ویش بخلاف این بود متقار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که او را بان مرغ فقار
 بود دلیل که بقدر و بزرگی متقار مال حاصل کند و اگر بنید که مرغی بزرگ چون آله و کرس و مانند این او را متقار زد
 و او را در درو دلیل که ویرا سنج سختی رسد و نقصان مال وی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که متقار مرغی داشت
 دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که متقار داشت و مردم را بمتقار کردند
 را بنید دلیل که مردم را از وی گزند و زحمت رسد منی آبی بود که از وی فرزند پدید آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و بدین منی در خواب مالی بود که بیاید و از آن شاد شود و اگر بنید که یک سبوی از آب منی داشت دلیل که مال بسیار
 حاصل کند و اگر بنید که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی
 که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از قضیب وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیکانه بد و رسد مغربی رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که منی از وی فرو آمد دلیل که مال یابد چنانکه باری تعالی عزوجل فرموده افاخلقتنا الانسان
 من نطفة امشاج نبت لیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه فرماید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم نیا دتی
 مال سوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بنید که منی از وی بیرون آمد معتبر باید که تعبیر بر زیادتی
 مال کند و اگر منی نمی آمد نقصان مال بود محمد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در مهند نشسته بود
 و خداوند خواب سزاوار محمد بود دلیل بر راحت و آسانی و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن کرد و
 و اگر بنید که از محمد بیفتا و تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در مهند نشسته بود
 دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینزگی خوب روی خرد و بعضی معتبران گفته اند که مهند در خواب

منشور

متقار

منی

مهند

اگر امکاه و عز و مرتبت بود کسی که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید مهند در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت
 پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم کینزک مهربان هشتم زن و دیدن مهند و رویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم
 جایگاه تنگ سوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت **محمدر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر کل مهر
 انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت و بزرگی یابد و اگر بنید که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی
 بدورسد و اگر بنید که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بستان و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه
 بوی سپارند و اگر سزاوار خزان پادشاهی نباشد دلیل که بزرگان یکی مال خود بدو سپارند و اگر بنید که پادشاه
 مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بنید که پادشاه بر نامه مهر نهاد و خا که رسم است دلیل که
 زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر
 هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و
 بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **محمدر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مهره یافت
 یا بخرد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدورسد یا اورا خدمتکاری حاصل شود و اگر بنید که
 مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتکار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بنید دلیل که خدمتکارش مبارک و
 بود و اگر زرد بود دلیل که خدمتکارش بیمارگون باشد و اگر سیاه بود و خدمتکارش سخت دل و بدخو باشد و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتکار سوم کینزک چهارم مال
 پنجم اوب و فرنگ ششم فرزند هفتم غلام خورد و هر زیادت و نقصان که در مهره بنید بدین هفت چیز آید همچنان
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مهبانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بنید که قومی را بمهبانی خواند دلیل که کاری کند
 که آن کار اورا از بهر شغلی باز دارد و اگر بنید که اورا در باغی بمهبانی بردند که کن باغ پر از میوه کی الوان و آب روان بود
 دلیل که بغزار رود و شهید شود و قوله تعالی فیها فاکهة کثیرة و شراب کرمانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهبانی در
 خواب که در آنجا چنگ و چخانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت
 و خرمی باشد و عمر می رحمه الله علیه گوید مهبانی در خواب دلیل بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بنید که عروسی بی نکاح خواست و مهبانی کرد دلیل که اورا غم و اندوه رسد
مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بنید که مورچه بسیار در چیزی
 شد دلیل که مردم بسیار در خانه وی فرار کنند و اگر بنید که موران بسیار از سرای او بیرون
 آمدند دلیل که مردم آن سرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بنید که مورچه بیگانه

در خانه وی شد دلیل که دزد بخانه وی رود و اگر بید بترن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا زدن وی
 بیرون آمدند دلیل که زود و لاک شود و مغربی رحمه الله علیه کوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر در خانه خود مورچه بسیار
 بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بید که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود و سمفیل است رحمة الله علیه
 کوید مورچه خر و دوسرخ دلیل بر مردم ضعیف است باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر زوال اهل بیت باشد و اگر
 بیند که موران از سرای وی بیرون آمدند و در یحیی پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله
 عنه کوید دیدن موران تاویل اهل بیت بیننده خواب بود و اگر بید که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال
 آن خانه پریشان شود **مور و ابن سیرین رحمه الله علیه** کوید مور و در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خبر وی
 و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بید که مور داشت دلیل که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت
 یابد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بید که درخت مور و شکست یا از جالی برگذ دلیل که از صحبت چنین مردی منفعت
 کند مغربی رحمه الله علیه کوید مور و در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از تعبیران کوید مور و فرزند صالح بود جعفر
 صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مور و در خواب بر چهار وجه بود یکی مزدوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار
 چهارم منفعت اگر زنی بید که دسته مور و بسته بشوید داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود **مور و ابن سیرین**
 رحمه الله علیه کوید مور توانگران را مال بود و دینداران را دین و برک مور بهترین برک در خجتها بود و اگر بید که مور
 فر که نت یا کسی بوی داد و آنکس توانگر بود دلیل که مالش زیادت کرد و اگر بید که مور میخورد دلیل که منفعت دینی
 و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید مور و در خواب بر سه وجه بود یکی زیادت مال دوم زیادت دین سوم روزی
 حلال و عیش خوش و بعضی از تعبیران کوید اگر بوقت خویش بید که مور میخورد دلیل که زنی خبر وی و توانگر زنی کند و
 از وی منفعت یابد **مور و ابن سیرین رحمه الله علیه** کوید مور و در خواب در زمان زمستان دلیل بر جزو نیکوئی
 کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر رموز معبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بید که مور و
 در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بید که با مور و سلاح داشت دلیل که غم و
 اندوه بید خالصه که مور و تنگ باشد و اگر بید که مور و اویم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بید که مور و اویم
 در پای داشت و باز کوته بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بید که مور و از پوست شیش
 داشت دلیل که بقدر آن مال بد و رسد و اگر بید که زیر مور و او دیده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بید که از
 پای مور و بیرون آورد دلیل که شادی و خوشی یابد و اگر زنی بود خلاصی یابد و اگر بید که مور و اش
 سوخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بید که مور و او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر مور و
 بزم تاویل دارد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بید که مور و اش از خانه بدر افتاده است دلیل که زنی را

مور

مور

مور

دلیل که غم و اندوه بود بقدر درازی موی و اگر بنید که قدری از موی برید و بنیداخت دلیل که غم و اندوه از موی
زایل شود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در وقت حج موی سر را ستر و دلیل بر صلاح دین و کفارت
کنان بود و اگر در خواب با بهای حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعدة و محرم بنید دلیل که وارش گذارده شود
و از غم فرج یابد و اگر بنید که موی تمام بستر و دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب زن امیری بود و بنید که
موی ستر بستر و دلیل که شوهرش بمیرد یا والی کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر پادشاهی موی خود را بنید و دلیل بر شکر
بود و اگر رعیت بنید و دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن هم غم و اندوه بود و اگر مردی بنید که موی سر
او آشفته بود و دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی سر خود او سخته بنید دلیل بر غم و اندوه بسبب دارد
پیر یا جهت مهنری بود و اگر سر خود را صلح بنید بابر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بنید که او را بسان علویان
و کیسوی بود و دلیل که مهنری یابد و نیکنام گردد و اگر بنید که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند
و اگر بنید که موی خود را شانه میکند دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید
اگر بنید که موی بغل یا موی زانو ستر و دلیل که صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال و مراد
بود و ناستردن موی بغل دلیل بر زیادتی بیهوشی بود و اگر بنید که در بینه وی موی بود دلیل که دام بروی
جمع شود و موی بر تن دام مال بود و اگر بنید که موی از تن خود بستر و دلیل بر نقصان مال وی بود و اگر این کس
در ویش و وارش گذارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بنید که آهک بر تن خود مالید و موی
از تن خود بستر و اگر تو انکر بود و دلیل که در ویش کرد و اگر در ویش بود تو انکر کرد و اسمعیل اشعث رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که قدری از موی فراخیخت اگر تو انکر بود و دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر در ویش به و تو انکر
کرد و اگر دام را باشد وارش گذارده شود و اگر بجای بود و دلیل که شفا یابد و اگر بنید که موی راست او بمشرق رفت
و موی چپ او بمغرب دلیل که او را دلپس باشد که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور که دو حافظ معبر رحمه الله
علیه گوید اگر عالمی بخواب بنید که موی او جعد بود و دلیل بر بدعت و ذلت وی بود و اگر جاهل این خواب بنید دلیل که
نمیت و عزت یابد و اگر بنید که موی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بنید که موی زگار او را ز بود و دلیل که او را
زیانی رسد و درازی موی زانرا نیک باشد و اگر بنید که موی زانو خود می ستر و دلیل که دین وی نقصان شود
چهارم المینی پنجم دولت و باریتجالی در کلام مجید فرموده محققین و دسک و مقصرون الخ اگر خداوند خواب موی ستردن عادی
بود و دلیل که نیک و بد آن سهل باشد می سخنة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید تا دلیل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بنید که
می خورد و دست شد و دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بنید که بی می سخنة و خمر مست شد و دلیل که برین می غلبه می رسد

اقول تعالی و قدی الناس سکا دی الخ منزلی رحمه الله علیه کو بدستی از می نچته یا شراب مویر بقدر خوردن
 مال و نعمت کم شود و اگر بنید می نچته داشت و بهمنامی خورد دلیل که با مردم جنک خصوصیت کند و اگر بنید که در میان
 می نچته غرق شد دلیل که در خصوصیت هلاک شود و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کو بد اگر بنید که می نچته می خورد و دلیل که
 مال حلال حرام مبتدل گرداند و اگر بنید که می نچته باب مصافی بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام
 باشد و نیز کو بنید که مال از زنان بستاند و اگر بنید که می نچته می فروخت دلیل که چیزی حرام فروشد و میخ ابن سیرین
 کو بد میخ در خواب برادر بود اگر بنید که میخ در دیوار زد دلیل که برادرش در آن جا که میخ زد مردی فراگیر و زیار
 که دیوار بتاویل مرد باشد و اگر بنید که میخی بری بر بست دلیل که برادرش بمردی پیوندد و اگر بنید که میخ بر پشت زد
 دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا بشرف و بزرگی تمام برسد یا زایل شود که نام او در تمام عالم
 منتشر گردد که مانی رحمه الله علیه کو بد میخ در خواب بهر چیز بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر بنید که میخی بر
 در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد اگر بنید که میخ از خانه خود بکند و بنید اخت تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بنید که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی که
 زن خواهد یا دوستی گیرد و اگر بنید که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد
 و اگر بر درخت زد و قرار گرفت احتیاط کند و آن که چه درست بود تا ویل از آن درخت کند و بدستی یا
 بنکاح یا بعباد و صلوات مغربی رحمه الله علیه کو بد میخ از برنج یا از مس بود تا ویل نیکو باشد و اگر از آهن یا
 از استخوان بود دلیل بر نیکویی و قوت کند و اگر بنید که دوست وی میخ آهنین بود دلیل که او را فرزندی آید
 که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند ندارد دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم باشد
 دلیل که اهل علم او را دوست دارند و اگر بنید که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود ثواب ببرد
 جعفر صادق رضی الله عنه کو بد دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن
 خواستن عیش ابن سیرین رحمه الله علیه کو بد میخ در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا
 نیز اندکی ذکر کنیم اگر بنید که بر نره میخی نشسته بود و مطلع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمانبردار او شود و اگر ماده میخی در جنک بود
 آن نره میخ بروی چیده گشت دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بنید که شناخه های نره میخ بزرگ و قوی گشته دلیل که
 آن کس قوی و توانا گردد و اگر بنید که نره میخی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بنید
 که پوست نره میخ بکند و گوشتش جدا کرد دلیل که شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بنید که نره میخی را از گشتن
 باز نماند دلیل که از غم برهد که مانی رحمه الله علیه کو بد اگر بنید که ماده میخ با وی جنک میکرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت
 کند و اگر بنید که گوشت ماده میخ از خانه وی بخانه کسی دیگر گشت دلیل که زن وی بمشوق کسی دیگر مشغول

میخ

عیش

میوه

کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نره میش در خواب برنشش و جوبود یکی امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم پس
پنجم مال ششم در زند میوه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت بود و
هر میوه که خام و ترش و خوردنش بود دلیل بر بختهای بهیود و دوسرو باشد و انکور سیاه و آلود و زیتون دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بنید که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بنید که
نشسته بود و از درخت میوه می چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بنید که بی آنکه دست برد درخت کرد و
میوه بنیقا و دلیل که بی رنج و تعب او را مال حلال حاصل شود و اگر بنید که از درخت لختی میوه فرا گرفت اگر بوقت
باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بوقت باشد تا و طیش بخلاف این بود و انیال علیه السلام گوید
هر میوه که در وقت خود بخواب بنید و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر میوه بوقت خود نباشد
دلیل که مالش پراکنده شود و تاویل هر میوه باصل درخت باز کرد و خواه نیک یابد بود و میوه آنچه زرد بود دلیل
بیماری بود و اگر ترنج و به و زرد آلو که این هر سه در تاویل زیان دار و میوه های ترش غم و اندوه بود و میوه های
ترچون رسیده و شیرین بوقت خود باشد دلیل بر روزی حلال بود و میوه های نارسیده و ناخوش در خواب دلیل
بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بنید که میوه تا بستان بزمستان میخورد دلیل که بیمار شود که مانی رحمه الله
علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بوقت بنید دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کله کله اگر بوقت خورد دلیل بر تنگی
کار و تنگی عیش بود و فی الحکله هر میوه که سبز تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث
رحمه الله علیه گوید اگر بنید که میوه میفرودخت اگر میوه باشد که مردم آزاد و دست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد
و اگر میوه ترش و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه در رخ بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون
میوه خوش و شیرین فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معتبر باینکه نیک و بد جنس و ناجنس و اندک کدام را چگونه بایست
و خوابهای هر کسی را بدان نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم **حرف النون**
نا بیضا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بنید که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام گداز
باشد و اگر بنید که یک چشم وی کور گشت دلیل که نیمه دین وی بشود و یا کنایه بزرگ کرده باشد و بیک اندام
از اندامهای وی مصیبت رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نابینا را دست گرفت و برد دلیل که
گمراه گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نابینا شد دلیل که کارهای خوب بردست وی بگذرد
و اگر بنید که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر بنید که چهار پای را کور کرد و دلیل بر کسی
بود که بدان چهار پای غصب باشد و دیر اگر نزد مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینایی در
خواب بر مصیبت و جوبود یکی درویشی دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت

نابینا

بخش

سفر

بخش

نار یا

نار مشک

ششم نقصان مال ستم تباہی دین قوله تعالیٰ هم بکوه محیی فهم لا یوجعون و اگر نایابی بخواب بنید که بنیا
 شد دلیل که کارهای دنیا بروی کشاوه شود و از آنچه نوبید گشته باشد امیدوار کرد و از رحمت خستعانی نصیب
 یابد قوله تعالیٰ لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً ناخن ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معتبران گفته اند که خداوند سلاح را ناخن سلاح
 بود اگر بنید که ناخن را بمقتراض برید دلیل که دین وی قوی کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید ناخن در خواب
 قوت توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر بنید که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال تواند حاصل کردن
 و اگر بنید که ناخن از بن بیفتد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر بنید که ناخن بیفتد و دیگر باره برست و
 زیادت شد دلیل که کار وی نیکو کرد و مال بسیار بدست آورد و اگر بنید که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود دلیل
 بر مصیبت او بود و اگر بنید که ناخنهایش چنان دراز شده بود که بهم شکستن داشت دلیل بد باشد و اگر بنید که ناخنهای
 از بن بریده بود و تنگی کشید دلیل بر تنگی کار وی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ناخنهای او سجد اعتدال
 بود دلیل بر صلاح دین و دنیا وی بود و اگر بنید که ناخنهای راست میگرد دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و
 دست را یک تاویل بود و بعضی از معتبران گفته اند تاویل ناخنهای دست حاصل کردن مال بود و از آن پای هم
 حاصل کردن مال بود اما در صفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب برشش وجه بود یکی قوت
 توانائی دوم مقدار مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم نده زادگان یا برادر زادگان
 ناخن پیرا بمعنی مقتراض بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بنید که
 موی سر ناخن پیرا برید یا ناخن پیرا جامه برید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بنید که کسی ناخن پیرا بوی واد یا بخرد
 اگر لیسری وارد دلیل که لیسری و کیش آید و اگر دختر دارد و دختر و کیش آید و اگر ناخن پیرا دوپاره بود و همین تاویل بود کرمانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی ناخن پیرا بدو واد یا بخرد یا بیافت اگر آسبی دارد دلیل که آسبی دیگر بخرد یا
 بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین قیاس باشد از چیزی که یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی
 رحمه الله علیه گوید مقتراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با ایشان دوستی کنند و دین و
 دنیا وی زیادت کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب برسته وجه بود یکی مرد
 قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق نار یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 نار یا در خواب خوردن چون شیرین بود و بگوشت گوشت پند یا بگوشت مرغان پنجه بود و دلیل بر
 چیز و منفعت باشد اگر بگوشت کا و یا گوشتی غلیظ پنجه باشند دلیل بر غم و اندوه بود نار مشک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در زمین او نار مشک رسته بود دلیل که نار مشک

بخیر و خرمی و خوبی در آن دیار منتشر کرد و واکر بنید که نازشکها از زمین بکند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله
 علیه گوید اگر بنید که دست نازشک تازه داشت و بوقت خفیش بود دلیل که خیر و منفعت یابد تا رنج دانیال علیه
 السلام گوید نازشک کو ز زو است اما بوی خوش دارد و ویدید ارنیک و پاکیزه است و از میوه های بهشت است
 لاجرم در خواب نیکو باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید نازشک در خواب از یکی تا سه فرزند بود و واکر بیشتر از سه بود
 مال باشد بقدر آن نازشکها و نازشک بهتر باشد و نازشک زو بوقت خود بد نباشد که مانی رحمة الله علیه
 گوید اگر بنید که نازشک سبز بود و بعضی از معبران گفته اند که نازشک سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید نازشک در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود و از مردمان
 ناطف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال و نعمت
 بسیار بدست آید و خیرات و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انکبین و ناطف و ناطف دلیل نیت
 مال بسیار بود و الا فامده ناطف انکبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطف انکبین در خواب بر سه وجه بود
 یکی سخن شیرین دوم مال حلال سوم معیشت ناطف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناطف در خواب زن بود و
 کینک که زیر دست وی باشد و اگر بنید که ناطف وی بهیاء و دلیل که زن را طلاق دهد یا کینش بمیرد و اگر بنید که
 ناطف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و همه شغل وی تباها کرد و واکر بنید که ناطف وی کوچک شد تا ویش بخلاف
 این بود و اگر بنید که در ناطف او سوراخ شد دلیل که در حال او غل یا پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ناطف
 یا سینه او همچو خطی موی برآمده بود دلیل که بر سنتهای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم راغب کرد و واکر بنید که اصل ناطف
 وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا کرد و واکر از ناطف تا شکم شکافته بود دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن
 مالش برود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ناطف کسی بمیرد و بخورد دلیل که بقدر آن مالی وی ضایع
 شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناطف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن خواری دوم کینک سوم مال
 روزی چهارم سپهر پنجم مادر و پدر تا قوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناطف و خواب مردی منافق و دروغ زن
 بود و در ویش خبر نباشد و اگر بنید که ناطف زو دلیل که با مردی منافق نشیند و بفریاد سخن دروغ گوید و درضا و
 واکر ناطف شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناطف در خواب بر سه وجه بود یکی
 دروغ گفتن دوم منافق سوم مهرال کفر و دل داشتن نام کروانیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و احمد و سعید و صالح و آنچه بدین مانند
 دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر شر و فساد کند جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کفایت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید

برنج

مخمس

ناف

پیر

پیر

نامه

نامه

یا ابوالبرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بنید چون ابوجبل ابولهب و عتبه و ثقیف و مانند
 اینها لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم نامه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که
 نامه بر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده نشود و اگر نامه سرکش داده داشت دلیل که چیزی فاش نشود و اگر بنید که
 نامه سر بجهر داشت دلیل که هر نامه آن خیر بود که بوی رسد کهانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که کسی نامه بوی داد که روی
 آن نامه بخواند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بنید که عنوانش
 نبسته بود و محصر داشت کسی نکشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاہر نگوید و باطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بنید که
 محصر نامه بکشد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت کرد و اگر بنید که خواب خوانده بود و دید که نامه را بخواند دلیل که
 عز و جاهش زیاده تر کرد و بعضی از معبران گویند که اجلس نزدیک آمد باشد قول تعالی اقض کتائبک کفخی
 بتفاسک الیوم علیک حسدیا مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نامه پادشاه بدو داد اگر نکشاد و بخواند
 دلیل که غم و اندوه بود و اگر برکشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای
 زشت ناخوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترش و تهلیک بود و اگر بنید که نامه بمهر بیافت و پادشاهی
 داد دلیل بر خیر و منفعت بود اسمعیل اشعث را گوید اگر بنید که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امید داری بود
 و کارهای وی بر آید بدان حاجتی که خواهد و اگر بنید که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او بر نیاید ناخوش
 و انیال علیه السلام کوید دیدن نا نهایی پاکیزه در خواب عیش باشد و اگر مان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش
 بود و اگر بنید که نان خردید و بخانه برد دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بنید که نان
 یکسی داد دلیل که راحت بدان کس رساند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که دوسته نان یافت دلیل که از غم و اندوه
 برید و شادی و راحت یابد و اگر بنید که در جای مجهول نیمه نان یافت دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بنید
 اندکی نان یافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بنید که نا نهایی بسیار داشت و
 نمیخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بنید که نان کرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کهانی رحمه الله
 علیه کوید بدان کرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر
 قحط و تنگی بود و نان کرم پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاو رس دلیل بر تنگی عیش و
 پر بهیز کاری بود و نان جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بسگی کار کند و نان
 عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نان خشک میخورد دلیل که روزی بروی
 فراخ کرد و بعضی گفته اند که خوردن نان تنگ در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بنید که نان کرده بر
 پیشانی وی آویخته بود دلیل که درویش کرد و اسمعیل اشعث را گوید تاویل نان بر امر

و مردم بزرگ و رئیسان است و اگر سلطان یک نام بخواب بنید دلیل که ملکش زیادت کرد و اگر بزرگان بنید دلیل
که مالش زیادت شود و یک نام از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بنید ضیاع و قارش زیادت
شود و انیال علیه السلام کوید پیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از آن نباشد زیرا که نام در خواب مال حلال بود که
بی رنج بدست آید و آن چنین در خواب بناوید کار کردن باشد در طلب معیشت و تعبیل کردن اندر زمان بزرگی
حاصل کردن باشد با مال جعفر صادق رضی الله عنه کوید نام در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال
حلال سوم شهری چهارم خیر و برکت و بدانکه نام در خواب کسی بود که طلب مال کند و اگر بنید که نام داشت دلیل که
بسیار مال بجنبک و خصومت جمع کند و بعضی از متبران کویند که نام واد تاویل پادشاه عادل بود و نام خواه
ابن سیرین رحمه الله علیه کوید نام خواه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که نام خواه کسی داد یا بنید اذیت
دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و در دیدن و خوردن نام خواه پیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه و الله اعلم
ناودان ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که بی ناودان آب از باها فرو می آمد دلیل که
در آن مقام جنگ و خصومت و خون ریختن پدید آید و اگر بنید که باران نمی آمد و از ناودانها آب فرو می آمد
دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره و رنج رسد و اگر بنید که ابر باران بود و از ناودانها آب فرو می آمد
دلیل که به حق تعالی جل و علا بر اهل آن موضع عنایت و رحمت باشد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که ناودان
بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بنید که ناودان خانه او بفتاد و لبشکست دلیل که تاویش
بجلاف این بود و اگر بنید که ناودان مسین یا آهنین بود دلیل که به نظام کارش مستدام باشد و اگر بنید که از ناودان
کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید ناودان در خواب بر سه وجه بود
یکی رئیس شهر دوم بهتر سوم خیر و منفعت اندک نامی زدن ابن سیرین رحمه الله علیه کوید نامی زدن
در خواب دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و شنیدن آواز نامی دلیل غم و تفکر بود و اگر بنید که نامی میزد دلیل که
در غم و اندوه گرفتار شود که مانی رحمه الله علیه کوید نامی زدن کسی باشد که خیر بمردم برساند و در نامی زدن
خیر نباشد نبات ابن سیرین رحمه الله علیه کوید هر نباتی که بوقت خود بنید که او را ساق نباشد دلیل بر خیر و منفعت
کند و هر نباتی که او را ساق و پیشانی پیشاخ باشد دلیل بر افزونی مال و نعمت و جاه بقدر سبزی و کوتاهی و
بندی و باریکی شاخهای وی بود و اگر بنید که بتن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت
یابد و هر چند نبات بیشتر بنید خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بنید که بر چشم و گوش و زبان وی نبات برست بود
دلیل که او را بزرگی زیادت کرد و مانی رحمه الله علیه کوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود
و خواسته مردم خاص و عام را و اگر بنید که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته بود دلیل که بنیده

پیچ

ناودان

نامی زدن

نبات

حجاب

نبش

نبش

نبش

خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
 منفعت و بزرگی و جاه سوم همیشه خوش چهارم زیادتى دولت نبات حجاب ابن سیرین رحمه الله
 علیه کوید نبات حجاب بخواب دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بنید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بنید کسی نبات
 در دلمان دی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش شنود یا ویرا بوسه دهد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که
 بخواب نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید نبات حجاب
 در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزندان پنجم روزی
 حلال نباش آنگس بود که کفن از مردگان بکند بزوی ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید
 که نباش شد اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که علم را فروشد و طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و
 صرف کند مغربی رحمه الله علیه کوید اگر نباشی بنید که کفن بسیار جمع کرد و دلیل که مصلح شود و علم و حکمت حاصل کند
 بعضی از مجربان گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد نویسد ۵ و انیال علیه السلام کوید
 اگر بنید که چیزی می نویسد و نویسد باشد دلیل که بکرو حیات مال کسی را بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بنید که از
 بهر یاد شاه چیزی می نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بنید که از بهر مردم عامی نبشت دل مردم
 بخویشتن بکرو حیات کرم کند ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که ناکاه نویسد شد دلیل که بکرو حیات روزی
 از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد و بنید که نویسد کی بکرو دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بنید که شعر و
 غزل و افسانه می نبشت دلیل که شغل دنیا مشغول گردد و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بنید که قرآن و توحید و دعوات
 می نبشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که نامه می نبشت و در او دش خون بود دلیل که قباله را با
 نویسد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کوید اگر بهر بی خواب بنید که خط بهتری می نبشت اگر صاحب بود دلیل که دین و دیانت
 او ضایع گردد و اگر فاسق بود تا یاب کرد و اگر بنید که بسری می نبشت دلیل بر عیش و عشرت و نیا کند و اگر بنید
 که بزوی می نبشت دلیل که بیمار گردد و اگر بنید که بسری می نبشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در آن دیانتش
 گردد و اگر بنید که بزوی می نبشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید شستن
 در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بکرو حیات چیزی حاصل کردن چهارم
 مغز و لی عمل بنید ابن سیرین رحمه الله علیه کوید بنید در خواب مال حرام بود که بکنک و خصومت
 بدست آید و اگر بنید که در بنید عرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر بنید که در خانه او بنید بسیار بود
 دلیل که بقدر آن از دهقانان بد و منفعت رسد که مانی رحمه الله علیه کوید اگر بنید که بنید خورد
 دست شد دلیل که خوفی و ترسی بد و رسد و اگر بنید که بنید با دیگران میخورد و دلیل که بقدر آن که خود بود

جنگ و خصومت کند و اگر بنید که در جوی یا در رودی بنید میرفت و او در میان او شنا میکرد و دلیل که در
 فتنه افتد و اگر بنید که پاره بنید و دست او بود و بدین اوست دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بنید باب امیخته بود و میخورد و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و
 بعضی حرام باشد و اگر بنید که بنید میفرودخت دلیل که مال بر باد و بدو خوردن بنید و الی دلیل بر عزل بود و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید بنید در خواب برسد و چه بود یکی تر و تنگ پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت اینجهانی اگر
 بنید که بنید میباید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا بدستخاسی ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر بنید که نخاسی میکرد دلیل که سختیهای محال گوید و سو کند دروغ خورد و دستخاسی در خواب
 پیچ فائده نبود و تخمچر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تخمچر و رام شد دلیل که منته و بزرگ شود
 و بعضی از معبران گویند که سالار و زدان شود و اگر بنید که تخمچر او را متابعت نکرد تا ویش بخلاف این بود و اگر
 بنید که بصورت تخمچر شد دلیل که بدوین شود و باطل کرد اید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که تخمچر تکه یا دام
 گرفت دلیل که بقدر تخمچر او از مردی بیابانی بکرو حیلت فایده رسد و اگر بنید که کوشت تخمچر میخورد دلیل که از مال
 مردی بیابانی خزینه کند و اگر بنید که در میان تخمچر آن مقیم شد و از آن تخمچر آن اورا کوند نرسید دلیل که
 در میان کروی بیابانی مقام سازد و از ایشان چیز و منفعت او را رسد و اگر بخلاف این بنید دلیل که او را
 کوند رسد و منفعت نرسد و اگر بنید که تخمچر آن باو می بخش گفتند و ویرا مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود دلیل
 که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بدو اگر چایل بود دلیل که کاری کند که مردم را از آن کار عجب آید و خود
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بخود در خواب خواهد تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بنید
 که بخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم و اندوه رسد و اگر بنید که بخود و بخورد داشت دلیل
 که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که بخود و بشو با یا بکوشت پنجم میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود
نزد با ختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نزد با ختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی
 بخواب بنید که نزدی باخت و بخت غم که دلیل که بسبب کاری باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بنید
 که آنکس بروی غالب آمد تا ویش بخلاف این بود و نزد بان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که بر
 نزد بان بالامی شد و آن نزد بان از کل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح بود و دین وی زیادت کرد و و میگوید بدو
 رسد و اگر نزد بان از سنک و آبک بود دلیل که سنگدل و سیرم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود و اگر بنید که بر
 نزد بان بالاشد اگر از آبک باشد دلیل که پادشاه شود و اگر از آبک نباشد دلیل که خیر و منفعت یا بدو اگر بنید که از نزد بان بریزد تا ویش
 بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از نزد بان بریزد تا و دلیل که از جاه و بزرگی بفتند و او را مقدرت برسد

پیچ

تخمچر

نخود

ختن

بخت

سیر

حضرت صادق رضی الله عنه کو پذیرد بان در خواب مرد مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر یا بدو فاسق را منافی بود و نرگس
 دانیال علیه السلام کو پذیرد نرگس در خواب مردی ظریف و خوب روی و لطیف بود ابن سیرین رحمه الله علیه کو پذیرد
 نرگس در خواب بن سیرین باشد و اگر زنی بنید که نرگس تازه ذکر کند یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند بوی
 آید و اگر شوهر ندارد دلیل که شوهری خوب روی کند و اگر بنید که نرگس از زمین بر کند و دلیل که زن را طلاق دهد یا
 فرزندش بمیرد و اگر بنید که نرگس از درخت بر کند و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بنید که بسته نرگس شوهر
 داد و دلیل که شوهرش طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه کو پذیرد نرگس در خواب بر سره و بوی که مرد ظریف و خوب روی
 دوم فرزند سوم دوستی که دوستی وی دیر بماند و اگر بنید که نرگس بنز بگرفت و دلیل که احسان و نیکوئی کند و در خیر مشهور
 کرد و اگر بنید که نرگس بود و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت کرد و شرم بداند که نرگس صاف را خواند اگر بنید که
 نرگس را ذکر گرفت و دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی باید در دین و اگر بنید که نرگس بود و بر و شناسائی بدل شد و دلیل که نایب
 کرد و اگر بنید که نرگس بود و با نرگس شد دلیل که منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه کو پذیرد اگر بنید که نرگس تار یک
 شد و دلیل که غم و اندوه بود و کارهای شان بسته کرد و اگر بنید که هوار شدن بود و ناکاه نرگس بدید و دلیل که برک
 مناجات در آن دیار بود و جعفر صادق رضی الله عنه کو پذیرد نرگس در خواب بر چهار وجه بود و یکی تاخیر دوم پوشیدن
 کار و سوم بدعت چهارم گمراهی اسمعیل اشعث رحمه الله علیه کو پذیرد اگر بنید که از نرگس بر و شناسائی آمد و دلیل که از درویشی
 بتوانگری آید و از بدعت ضلالت دور باشد ابن سیرین رحمه الله علیه کو پذیرد نرگس در خواب خوب نباشد نسرین
 ابن سیرین رحمه الله علیه کو پذیرد نسرین در خواب اگر بوقت خود بود و دلیل که چیزی بوی رسد و نیز که نرگس او را فرزند بوی آید
 و اگر نسرین از درخت دور باشد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که کسی دست نسرین بوی داد و دلیل که در میان ایشان
 گفتگوی پیدا شود اگر کل نسرین بر درخت بنید و دلیل که خرمی بوی رسد و باشد که و یا باشد که از کسی چیزی اندک یا بد
 نشاسته ابن سیرین رحمه الله علیه کو پذیرد نشاسته کندم در خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست
 آید اگر بنید که نشاسته میخور و دلیل که اند و کمین شود و بعضی از معتبران گفته اند که بجای کرد و اگر بنید که از نشاسته
 حلو کرد و بخورد و دلیل که مال و ثروت بدست آورد و معزنی رحمه الله علیه کو پذیرد اگر بنید که از نشاسته سبک و دلیل که
 از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند نشستن ابن سیرین رحمه الله علیه کو پذیرد اگر بنید که بر زمین مقیم نشسته بود
 و قرار گرفته بود و دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بنید که بسیار خفته بود و زمین تاویل دارد و جعفر صادق
 رضی الله عنه کو پذیرد نشستن بر اسب یا بر استر یا بر جز و دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت
 چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد و دلیل بر یادشاهی کند چنانکه باد مطیع او باشد که مانی رحمه الله علیه کو پذیرد
 اگر بنید که با مردم مصلح میرفت و در راه بنشست و دلیل که هوا و در مخالفت دین بود چنانکه

نرگس

نسرین

نشاسته

نشستن

خدا تعالیٰ در کلام مجید فرموده توله تعالیٰ اخرج المخلوقون بمقعد هم و اگر بنید که مخالف دین بود و میرفت و در
 راه بنشت تا ویش بخلاف این بود اسمعیل اشعث را گوید اگر بنید که با گروهی متسلحان و پارسایان نشسته بود
 دلیل که خیر و صلاح او زیادت کرد و اگر بنید که با فاسقان نشسته بود تا ویش بخلاف این بود **فعل** ابن
 سیرین رحمه الله علیه که بد فعل در خواب مال بود از هر سببی که بد و رسد و اگر بنید که فعل است و داشت دلیل که از
 پادشاه منفعت یابد و اگر بنید که فعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند و اگر بنید
 که فعل بندی میسر و چهار پایان خورد دلیل که بسفر رود و فعل بند کسی بود که میان مردم دوستی جوید **فعلین**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که دو ال فعلین بشکست دلیل که روزگاری در سفر باز ماند و اگر
 بنید که فعلین او سوراخ داشت دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بنید که فعلین او بنر بود دلیل که سفرش
 از برای آخرت باشد و اگر بنید که فعلین نداشت و بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کینگری یابد مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که فعلین او سیاه بود دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر سرخ بود زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر
 بنید که فعلین او سفید بود دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بنید که فعلین او طون بود این مصفهای که گفتیم
 از هر یکی برخی در وی بود و اگر بنید که فعلین او از پوست کاه بند داشت دلیل که آن زن اصل عجم باشد و اگر بنید که
 بند فعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن فعلین او میفاد و ضایع شد احتیاط کند
 و آن فعلین از پوست چه بود و اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید
 که فعلین او بد ریذمین تاویل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فعلین در خواب بر سته وجه بود یکی سفر و دوم زن سوم کیم
نفس یو دینه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نفس در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بنید که در زمین ملک
 نفس بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بنید که نفس میخورد دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر بنید که نفس در
 زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را غم و اندوه بود و اگر بنید که نفس از زمین خود بر کند و بنید اخت دلیل که از غم و اندوه
 خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نفت در خواب زنی ناکجا بود و اگر زنی بخواب بنید که نفت در خود مالید
 که باز زنی ناکجا جمع شود و بعضی از متبران گفته اند که چیزی حرام خورد و اگر بنید که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام
 جمع کند مغربی رحمه الله علیه گوید نفت در خواب بر سته وجه بود یکی زن ناکجا دوم مرد غمار عوان سوم مال حرام
نفرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی به خواب بنید که بر ظالمی نفرین میگرد دلیل که بر آن ظالم
 ظفر یابد و اگر بنید که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که ناحق بکینا میگرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که موی را
 ناحق نفرین کرد دلیل که کار او بند شود و بعضی از متبران گویند که نفرین ناحق در خواب بخواند خواب باز گردد

نعل

نعلین

نفس

نفت

نفرین

نقا

نقا

نقصان

نکار

نکستی

نکار

خواب باز کرد و اگر نفسین بحق کند تا ویش بر آنکس باشد که او را نفسین کند و مصلح را زودتر از آنکه از مفسد مفسد
 اگر نفسین بحق یا ناحق کند بنفسم باز کرد و نقاد و در خواب عالم و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیزیست
 بهترین باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید کسی دیندار صالح نقاد شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل
 کند و اگر خواستکار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال دنیا اختیار کند مغزنی رحمه الله علیه گوید
 نقاد و در خواب مرد عاقل و تمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 نقاد و در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا و دوم حکیم سوم خرمند چهارم دریا بنده کار نقره دلیل بر زنان آزاد
 کند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که نقره از کار خود گرفت دلیل که آنان موضع ولایت که او بود و زنی
 را بزنی کند زیرا که نقره جوهر زنان باشد و اگر بنید در مکانی که معدن نقره بود و درون شد و از آن جان نقره بیرون آورد
 دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم عیشت
 نقصان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که در تن او نقصان بود و دلیل که بقدر آن مالش نقصان
 شود مگر نقصان زنان که در آن صلاح بود و چنانکه در باب زنان فرمود و حرف زایا و کردیم کرمانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که مال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که متفکر شود اما او را مضرت برسد نکار کرمانی ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که نکار کرمانی میکرو بر سقف دیوارهای خانه دلیل که او دوستان در دنیا و فرقیته
 و مشرور بدینیا باشد کرمانی رحمه الله علیه گوید نکار کرمانی و صورت کرمانی و خواب کار باطل و ناحق بود و چنانکه خداوند
 تعالی جل و علا فرموده تو را تعالی ما هذه التباثیل التي انتم لها عاكفون مغزنی رحمه الله علیه گوید نکار کرمانی
 در خواب فرقیته باشد و دنیا و راه راست گذاشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بنید که دستهای
 خود را بسیار خضاب و نکار میکرد دلیل که در کب دنیا خداوند مکر و حیلت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نکار کرمانی در خواب
 بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ نمکین انکشتی
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نمکین انکشتی در خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر
 بنید که نمکین انکشتی او ضایع شد دلیل که در بزرگی و جاه او نقصان پدید آید و یا فرزندانش بمیرد و اگر بنید که نمکین
 انکشتی شکست همین دلیل کند و اگر بنید که ناکاه نمکین بر انکشتی او ظاهر شد دلیل که بقدر و قیمت آن نمکین
 نعمت یا بد مغزنی رحمه الله علیه گوید نمکین و تاج پادشاهان را ولایت بود و زنان را شوی و عام را جاه و نیکوئی
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نمکین انکشتی در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم
 ولایت چهارم عیشت پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل نماز ابن سیرین رحمه الله

علیه که یک کسی بخواب بیند که در نماز روی جانب مشرق میکرد و دلیل که سجد رو در محل سجده باشد میلش بر جانب
ترسایان باشد و اگر بیند که بر جانب مغرب نماز میکرد و دلیل که درین اسلام پس پشت انداخته
باشد و اگر بیند که بر راه نماز میکند و پشت سوی قبله داشت و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و باید کرد و اگر
بیند که نماز کند و در وقت است که قبله کدام است دلیل که در راه دین متخیر بود و اگر نمازی سوی قبله گذارد و دلیل که در راه
دین مستقیم شود و زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد و دلیل که بعد از جماعتی که مأموم وی بودند و نماز
یابد و اگر بیند که وقت نماز گذشت و بجای پاکیزه نیافت که نماز گذارد و دلیل که کارش بدشواری بر آید و اگر بیند که
نماز قطع کرد و نماز نگذارد یا نمازی وضو گذارد و دلیل که در طلبیکه باشد آن مطلب میسر نشود و اگر بیند که در مسجدی یا
در مدرسه امامت میکرد و دلیل که پادشاه آن دیار مطیع وی شود و اگر بخلاف این بیند و اویش بخلاف این بود و اگر
بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجای آورد و دلیل که کار دین و دنیا می شود و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند
که نماز پیشین بوقت میکند و آسمان روشن و پاکیزه بود و دلیل که رفیع درجات وی بحضرت حق تعالی باشد و اگر
آسمان تیره و ابرناک بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نماز میکند و دلیل بر امیدیکه دارد و اگر بیند که ضعیف
شام میکند و دلیل که با اهل و عیال خود معامله کند و از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز صبح میکند و دلیل که
بسیار رود و اگر این خواب فی بیند خالی نشود و اگر بیند که بی وضو نماز میکند و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فرضیه عشا میکند و
دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میکند و دلیل که از کثرت توبه کند و اگر بیند که در کشتیها
نماز میکند و دلیل که و امش گذارد و شود و اگر بیند که بجای نمازی نبود و نماز گذارد و دلیل که منفرد و بدکار باشد
و اگر بیند که نماز کرد و روی صبحر آنها و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکند و اگر بیند که در
کعبه نماز گذارد و دلیل که کارش از خجسته بنظام شود و چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجد کرد و دلیل که بر
روی بزرگوار خجسته ظفر یابد و بروی مستطاب شود و اگر بیند که سجد خدایتعالی کسی را سجد نکرد و دلیل که مر او نشد حاصل شود
و اگر بیند که بر سر دیواری سجد کرد و دلیل که با و از بزرگان رنج و خواری رسد و اگر بیند که نماز میکند و او انکبین میخورد و دلیل که
با عیال خود نزوی کند و اگر بیند که در نماز تنبیهات نشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و جلش رو کرد و اگر بیند که سلام نماز
اول بدست چپ داد و دلیل که حالش شوریده شود و اگر بیند که نماز نشسته میکند و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند
عنبری گوید که از وی بیند و اگر بیند که در نماز خود را دعا کرد و دلیل که دیر فرزند آید و قول تعالی اذ نادى دقه نداء
خفیا اگر بیند که در نماز یکی نماز گذارد و دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز شب میکند و دلیل که از همه ترسایان ایمن گردد و دوست
بزرگی و فرمان روائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلوی میکند و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که نماز جمعه میکند و دلیل که
در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میکند و دلیل که میراث یابد و روزی بروی

فراخ کرد و اگر بید که در کعبه نماز میکند از وی در بام کعبه دلیل که روی کعبه آورد و عاقبت کارش بخیر کرد و حافظ
 معبر رحمه الله علیه گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فرضیه دوم سنت سوم تطوع و اگر بید که نماز فرضیه
 میکند از دلیل که حق سبحانه و تعالی جل و علا او را حج روزی گرداند و از فواحش نکهد و قوله تعالی ان الصلوة
 تنهی عن الفحشاء والمنکر و اگر بید که نماز سنت میکند از دلیل بر صبر کردن کارها و آشکارا شدن نام نیکو و نفی
 بر خلق بود و اگر بید که نماز تطوع میکند از دلیل بر کرامی داشتن عیال و سعی کردن در کارهای دوستان و مروت
 کردن با هر کسی بود و اگر بید که بر ستون نماز میکند از دلیل که او را الهی عظیم رسد و اگر بید که در کارخانه یا دوکانی نماز
 میکند از دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند و اگر بید که نماز آدینه گذارد دلیل که کار وی جمع کرد و خال
 اصفهانی رحمه الله علیه گوید رکوع و سجود و خواب بحضرت باری تعالی عز و جل دلیل تقرب بود و قوله تعالی
 کلا لا تطعه و اسجد و اقرب و معبران گفته اند اگر بید که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوة مال ندهد و اگر بید
 که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک و تعالی عبادت او پذیرفته گرداند و دعای مستجاب کند و بروی رحمت
 کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سوم عز و جاه
 چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا و هم او گوید که رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه بود یکی
 یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم مظهر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اذکروا
 و اسجدوا واعبدوا ربکم و افعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر بید که بر نماز گذارد دلیل که او را دعا و ثنا
 گوید و اگر بید که نماز تمام نکند از دلیل خلاف این بود محمد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که ندی سپید
 و پاکیزه داشت دلیل که دل حلال یا بدو اگر ندی چرکین بید در آن هیچ منفعت نباشد و اگر بید که ندی بسیار داشت دلیل که
 بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بید که ندی بسوخت دلیل که مال بفساد تلف کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بید که بر تن خود جامه از ندی سپید داشت دلیل که زنی ثوا نگر خواهد یا کینزکی و دشیزه بخرد و اگر بید که ندی از چشم اشتر
 بود دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که ندی داشت و از صنایع شد دلیل که در مالش نقصان
 شود و ندی در خواب مردی بود که بحلال کراید و از حرام پرهیز نماید ملک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نمک در خواب
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بید که نمک سپید داشت دلیل که نقد آن درم نقد حاصل کند که مانی رحمه الله علیه
 گوید اگر بید که نمک خور و دلیل که راه زهد گیرد و کاخیر کند و نمک چرکین سیاه و دلیل جنک و خصومت بود جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید نمک در خواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آب روی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو
 و نمک ناخوش در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنیهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم
 خورندگی نمک سوو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که گوشت نمک سود فربه

نمک

نمک

نمک

بود و خورد و دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یا بد و اگر نکاح بود و لاغر بود و دلیل که زیانی بود و مرد و هر چند که
 شور تر بود و لاغر تر بود و دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن و خواب دلیل بر غیبت کردن بود و مغربی رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که گوشت قدید است و لاغر بود و دلیل که از مردم پاوشاد و اورا زیان رسد و اگر گوشت اشتراک بود
 دلیل که از بهتری مضرت یا بد و اگر نکاح بود از گوشت چهار پایان و شنی میخور و لاغر بود و دلیل که از مردم بیایانی مضرت
 بیندنی الجله در گوشت لاغر منفعت نباشد **نهنگک** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید نهنگ در خواب دزد باشد
 و تنگبار و سبیزنده بود اگر کسی بخواب بنید که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد و دلیل که در آب هلاک شود و اگر
 بنید که نهنگ او را بکزد و دلیل که بقدر کزند او را از دشمن مضرت رسد و رحمت بیند که مانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که آب
 او را فرو برد و دلیل که مایان او را هلاک کنند و اگر بنید که نهنگ برو غالب شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید که
 گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ داشت دلیل که از دشمن مضرت یا بد مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که نهنگ
 او را در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شهید شود **نودیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید هر چیز که نو
 باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و گفته را در حرف کاف بیان کردیم **نوحه** کردن ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید اگر کسی در خواب بنید که نوحه میکرد و دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد و مردمان بهتر از آن موضع متفرق شوند
 و اگر بنید که والی آن شهر بمرد و مردم برو نوحه میکردند و دلیل که ایشان را از آن والی رنج و ستم رسد و بعضی از معتبران
 کوید که والی را خرمی باشد و اگر بنید که با نوحه میکردند دلیل که برایشان بیداد و ستم کند و از بیدادی وی غمگین و نمانند
 شوند که مانی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که نوحه میکرد و دو فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود و از و مضرتش رسد
 و اگر بنید که میکرد و آهسته نوحه میکرد و دلیل خرمی و شادی بود و اگر بنید که بازمان مردمان بسیار بودند و نوحه
 با و از میکرد و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد **نوش** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
 نوشا در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که نوشا در داشت دلیل که غمگین کرد و اگر بنید که نوشا در میخورد و دلیل که
 غم و اندوه صبر بود و **نیر** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بنید که نیر و منذر از آن شد که در بیداری بود و دلیل
 بر نیکی احوال او در دنیا و آخرت بود و اگر مصلح بود و اگر مفید بنید تا ویش بخلاف این باشد **نیزه** ابن سیرین
 رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بنید که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و کامرانی یا بد چنانکه
 در و لایتها فرمائش روا کرد و اگر بنید که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید
 و اگر بنید که نیزه بشکست دلیل که فرزندی یا برادرش بمیرد و اگر بنید که نیزه او کسی بر و دلیل که کار وی
 دشوار کرد و اگر بنید که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد و دلیل که غیبت مردم کوید و نیزه در خواب دلیل قوت و
 طفر یافتن بر مردم بود و اگر بنید که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکوکار صحبت افتد

نهنگک

نودیدن
نوحه کردن

نوشا

نیر
نیزه

و از وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر پشت وجه بود یکی قوت و دوم سفر نوم
 ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم اینی هفتم توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه کرد و خواب مردی بود که
 با مردمان یاری کند و از وی بهر کس قوت رسد **نیشکر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بپزد
 که می نشت یا کسی بوی می آموخت دلیل که دانش بیاموزد و اگر بنید که چیزی می نشت دلیل بر شرف و فساد بود و اگر
 بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشت دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می نشت
 دلیل بر شر بود **نیشکر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که نیشکری بکشد دلیل که بکاری مشغول گردد و اگر آن
 کار ویران بگذرد بکشد گفتگوی و خصومت باشد اگر بنید که نیشکری بکشد دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد **نیکو کردن**
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نیکو کردن در خواب قوت و بزرگواری در دین بود بدان قدر که نیکو کند رستگاری
 یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که با او مردی نیکوئی کرد و او خوار داشت
 دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی **و لا تتسوا الفضل بینکم ان الله جماعلون بصیبا** اگر بنید که
 نیکو با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسانی که حاجت ویرا خیر و دو جهانی حاصل کرد و دلیل ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بنید که نیل داشت دلیل که بقدر آن اول غم و اندوه بود
 و اگر بنید که نیل کسی داد یا از وی ضایع شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بنید که جامه خود را بنیل رنگ
 کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب خویشان و دوستان بود و اگر بنید که نیل بخورد
 دلیل که در دریا افتد بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر بجای خود بوقت خود
 بر درخت بنید دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل بر غم و اندوه بود
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی بنید که نیلوفر از درخت شکست و بفلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر بنید که دست
 درسته نیلوفر بداد و دلیل که میان ایشان جدائی افتد و انیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر گیزی بود
 که از وی او را زیان رسد **حرف الواو** **داشتن** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چون داشته مطیع
 و فرمان بردار خود بنید چنان که از دست برود و بانگ کند او را باز ماید دلیل بر مال حلال بود و
 منزلت خداوندش بود و اگر بنید که داشته سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود
 دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت یابد و اگر بنید که داشته پیرید و رسته در دست
 ماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید داشته در خواب پادشاهان را
 ملک و بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزند بود و اگر بنید که داشته از دستش
 بیفتاد و بمرد اگر صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که از ملک بقیه و اگر امیر بود یا سروری بود و دلیل که

نیشکر

نیشکر

نیکو کردن

نیل

نیلوفر

داشتن

از جاه و منزلت بیفتد و اگر توانا گریز و فرار و پیش بریند و فرزندش بمیرد و بعضی معجزان گویند که
 وانشه مردی پیشترم بود و اگر بنید که گوشت و انشه میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بنید که وانشه بسیار
 در جای جمع شدند و دلیل که عیاران در آن موضع جمع شوند و بعضی صادق رضی الله عنه گوید دیدن وانشه در
 خواب بر چهار وجه بود یکی قد و منزلت دوم فرمان روائی سوم مال چهارم منفعت و **والی** کار واری
 و فرمان روائی بود و اگر بنید که کار واری از تخت میفتد یا تخت او شکست یا کسی از وی بشتم یا بدیاری
 او خراب گشت یا در دامی گرفتار شد و گشته شد یا چهار پا سبزه بر آید و بنیاد یا کسی او را بنیگند این همه دلیل
 بر آنکه از شرف و بزرگی بیفتد و مغرور گردد و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کار واری بنید که دستارش با
 دستار کسی پیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی پانیده باشد و اگر بنید که بندی بر پای اوست دلیل که شرف
 بزرگی او زیادت گردد و مغرور گردد و اگر بنید که کار وارش در عمل خود منصف و دیندار بود
 چنانکه مردم از وی خوشنود و بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل بر شرف و فساد بود و خاصه که
 بنیده مفسد و ناپارسا بود و **حوش** چهار پایان دشتی باشد هر چند از ایشان نز بود دلیل بر مردان گند
 و هر چند ماهه بود دلیل بر زمان بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که حوش صید میکرد یا کسی از حوش
 صید بدو داد دلیل بر مال و نعمت و غنیمت بود و گوشت و پوست او بهین دلیل بود که مانی رحمة الله علیه
 گوید اگر بنید که حوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سلیمان علیه السلام را بودند دلیل که گروهی ایشان را که در
 مسلمانان خلل بود او را مطیع و فرمان بردار شوند خاصه که بنیده خواب مستور بود و **روح** در حرف بین بیان
 کردیم و رونه و تبوک نان هر دو در خواب انباز متفق یکدیگر بودند اگر بنید که و رونه و تبوک نان کسی بوی
 داد و دلیل که او را انباز گفتیم حاصل شود و مغرور گردد و اگر بنید که و رونه داشت دلیل که با کسی محبت کند
 که او را راه حق ناید و از باطل دور کند و اگر بنید که و رونه او شکست دلیل که از صحبت این چنین کسی جدا افتد و بعضی صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و در کار دوم انباز یک طلب کند و محبت سوم کار دشوار که بزرگی
 آسان گردد و **رو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که بروست دشمن و روه شده است دلیل که برو دشمن
 غالب گردد و او را قهر کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که و روه میفرودست چون غلام و کنیزک دلیل که او را خیر و منفعت رسد
 و اگر بنید که و روه از کافران بستاند و یا بخرد دلیل که بد باشد مغرور گردد و اگر بنید که و روه غلام بود که خرید دلیل
 که بد باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامیکه فروخته بود باز خرید دلیل که بد دشمن طغریابد
 و اگر بنید که و روه داشت و از وی بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بود دلیل بد باشد
 و بعضی بدان مال بود و روه فروش مردی بود که اختیار مردمان جوید و **رسان** جانوری بود که خراسان آنرا

والی

حوش

روح

ورونه

وروه

رسان

کبوتر خوانند دیدن وی در خواب زن و کینرک بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که بوتر
 و رسان گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زن خوابد و اگر بید که و رسان بخیرید اگر از دست وی بید دلیل که زن اطلاق
 و بید یا کینرک فرود شد کهانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که و رسان را بکشت و گوشت او را بخورد و دلیل که بقدر آن مال زن
 بستم بستاند و اگر بید که و رسان بسیار داشت و دلیل که کینرک بسیار بخورد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی
 الله عنه گوید دیدن قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم محبت سوم غم و اندوه و وزغ
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید وزغ در خواب مردی زاهد و عابد بود اگر کسی بخواب بید که وزغی گرفت و دلیل که
 با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با وزغ نبرد و دلیل که با چنین مردی خصومت کند و اگر بید که وزغ
 بسیار در جانی جمع شدند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و فریاد مغرایی رحمه الله علیه گوید
 اگر بید که وزغ را بکشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه
 کند و اگر بید که وزغ او را بکشد و دلیل که از مردی زاهد وی را رنج رسد و اگر بید که وزغی را از آب گرفت و بر خشک
 انداخت و دلیل که زاهد را از کار باز دارد و منفعت رساند و زید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که وزیر
 پاوشاه را کار نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار نیکو شود و دو نش زبانت شود و اگر بخلاف این بید تا پیش بد بود و اگر کسی
 بید که وزیر شده منصف و دادگر بود دلیل که بقدر عدل انصاف خویش شرف و بزرگی یابد و اگر بید که وزیر بساط بکشد و دلیل که
 جاه و نعمت و مال بروی فراخ گردد و عمرش دراز بود و اگر بید که وزیر بر خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی
 گردانند و اگر بید که وزیر بر سرای او آمد دلیل که او را بسبب پاوشاه غم و اندوه رسد کهانی رحمه الله علیه گوید اگر بید
 که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بید که خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پاوشاه او را
 مغضول کرده بود یا اسب او را بفکند یا گاوی او را ببرد و این همه دلیل بر عزل وی بود و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم آفتاب و ماهتاب کشته بود و دوم آنکه چون
 بید که چشم او جلّه لبدا کشته بود و سوم آنکه چون بید که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه از چهار پاران
 رسول الله صلی الله علیه و سلم کی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و سیم در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین و سیم بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود
 و اگر بید که و سیمها از زمین بکند و بید خفت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که و سیم بخورد و دلیل که بسبب
 عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بید که دسته و سیم بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد
 مغرایی رحمه الله علیه گوید اگر بید که دسته و سیم بدست عیال خود داد و دلیل که از بملک گیر جدا گردد و دور دیدن
 و سیم خیر نباشد و سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و سیم در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که

وزغ

وزیر

وزیر

وزیر

و شته بر دار داشت دلیل که غم ماند و زیادت کرد و اگر شته بکسی داد دلیل که از غم ماند و خلاص
 شود و مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بنید که چسبزی به و شته و نشانید دلیل که کار پر کند او جمع
 شود و اگر بنید که شته می خائید دلیل که غیبت مردم بسیار کوید و ضحوی نماز ابن سیرین رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که دست و روی باب صافی شست دلیل که کاری جوید که تمام کار بیاید و
 مقصودش حاصل کرد و اگر بنید که باب پلید روی می شست تا ویش بخلاف این بود کرانی رحمة
 الله علیه کوید اگر بنید که دست و روی خود را می شست دلیل که از بهر یاران خود پیاری خواهد و اگر بنید
 که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود و کیل ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی
 بخواب بنید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که چیز و اقبال دنیا یابد و اگر وکیل قاضی
 شد همین تا وکیل دارد و اگر در شغل و کالت منصف بود و اگر نبود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
 علیه کوید اگر وکیل بنید که منیب را بنواخت دلیل که او را با مردمی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را
 کشاده روی بنید دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بنید دلیل که بد بود و ارمی
 علت جذام بود و دیدن او در خواب مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آید سفید بنید ابن سیرین رحمة الله
 علیه کوید اگر بنید که در تنش واری بسیار شده بود دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معتبران
 گفته اند که او را معروف کرد اند جعفر صادق رضی الله عنه کوید واری در خواب درویش را توانگری و نعمت
 بود و توانگری از این استادن از گناه و اگر بنید که چنان شد که همه انگشتان افتاده بودند دلیل که کارهای نیکو
 کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ایرانی ابن سیرین رحمة الله علیه کوید که ویرانی خانه و مکان
 و آنچه بدین ماند دلیل که ارمی بود و درین و اگر بنید که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود کرانی
 رحمة الله علیه کوید اگر بنید که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بنید که
 ویرانه کهنه آبادان میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و همچنین از گمراهی بر صلاح آید مغربی رحمة الله
 علیه کوید اگر ویرانی از کردار خالق است دلیل که بنیده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف
 این بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید اگر بنید که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد
حرف الحاء و ا و ن ابن سیرین رحمة الله علیه کوید ا و ن و وسته مرد و شریک باشد که ایشان را از
 یکدیگر ناکزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند و اگر از ایشان یکی بنید فایده نباشد
 و اگر بنید که در ا و ن چیزی می گوشت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت آن او را برنج و
 سختی نفع رسد و اگر آن چیز دارو بود و اگر وی امساک بود دلیل بر زیادت مال بود مغربی رحمة الله علیه

نسخه
وضوح

وکیل

واری

ویرانی

ویرانه

شود که مانی رحمه الله علیه کوید هزارستان در خواب زن خوش آواز بود و اگر بنید که هزارستانی بخرد دلیل که کینه زک
 خوش آواز و مطهر به بخرد و اگر بنید که هزارستان از دست وی ببرد دلیل که زن را طلاق دهد یا کینه زک وی بمیرد یا
 بگریزد و جابر مغربی رحمه الله علیه کوید هزارستان در خواب فرزند غلام بود و سخن شیرین و شنیدن آواز خوش
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید هزارستان در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند غلام سوم قاضی
 چهارم حکیم پنجم غلام طایفه ابن سیرین رحمه الله علیه کوید طایفه کابلی در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و طایفه زرد
 دلیل بر بیماری بود و طایفه سیاه دلیل بر مصیبت بود و اگر بنید که مینوع ازین طایفه بخورد و دلیل که اندوهش صعبتر باشد
 و اگر بنید که ازین طایفه یابی با شکر یا با نجبین بخورد و دلیل که اندوهش کمتر باشد و در دیدن طایفه سیح منفعت
 بنوود همای ابن سیرین رحمه الله علیه کویدهای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بنید که های
 داشت دلیل که بقدرهای عزت و دولت یابد و اگر بنید که های از دست او ببرد دلیل که در جاده و حلقش نقصان شود
 که مانی که کویدهای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر بنید که های را بکشت و گوشت وی بخورد
 دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بنید که های داشت دلیل ازین کسان که گفته شد
 خیر و منفعت یابد و اگر بنید که های را به تیر یا بسک زد و دلیل که از پس مردم چنین سخن بد گوید و اگر بنید که های
 او را بخراشد دلیل که ازین کسان او را مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن های در خواب بر پشت
 وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمانروایی هفتم عزت و اقبال
 هفتم ابن سیرین رحمه الله علیه کوید اگر بنید که هوا روشن و صافی بود و دلیل که مردم آن دیار را تندرستی و حیثیت
 نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت را دولت و اقبال زیادت شود و اگر بنید که هوا تاریک و تیره بود
 دلیل که اهل آن دیار را غم و اندوه بود و اگر بنید که هوا سرخ رنگ بود و دلیل که در آن دیار جنگ و فتنه بود
 و اگر بنید که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و نعل و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بنید که سپید
 و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود و مانی که کوید اگر بنید
 که هوا از گرد پاک بود و با دخت می جست دلیل که پادشاه بیکانه در آن دیار آید و رنج و زحمت برایشان
 رسانند و اگر بنید که برخی از هوا بر سر شهری یا محلی روشن و صافی گشت و دلیل که در آن سال اهل آن موضع
 را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بنید که هوا مختلف بود و دلیل که اهل آن دیار را حال پرگنده شود و جعفر صادق رضی الله عنه کوید
 دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم آسایش پنجم معیشت و این پنج وجه دلیل بر وی روشن و صافی بود
 هوا هم بدانکه هوا جنبه کان بی زهر بود و ابن سیرین رحمه الله علیه کوید تاویل هوا جنبه کان باشند بقدر قیمت و صلاح
 ایشان باشد زیرا که هر چه فروتر بود دلیلش از علم تبیین دشمن قوی تر بود از جنبه کان که زهره دارد و

طایفه

همای

هوا

هوا

جعفر صادق رضی اللہ عنہ کو دیدین ہوام در خواب تہدید باشد کہ بازگشت آن بدشنام و حاسد باز کرد
 ہمیزم ابن سیرین کو دید ہمیزم تر و خشک در خواب جنک و خصومت و سخن چینی بود و اگر بنید کہ ہمیزم
 در خانہ خود آورد دلیل کہ بقدر ہمیزم اورا در آن شہر و خانہ جنک و خصومت بود و اگر بنید کہ کسی بیکانہ ہمیزم
 بد بختید دلیل کہ ویرا بامردم بیکانہ بقدر ہمیزم جنک و خصومت افتد کہانی نہ کوید اگر بنید کہ از ہمیشہ یا از
 صحرای کونہ ہمیزم جمع میکرد دلیل کہ این کس بد کردار و حاسد و سخن چین بود و زود گرفتار شود و قولہ تعالی
 حمالة الحطب في جیدہا جلد من قسید اگر بنید کہ از در خانہ ہمیزم جمع میکرد دلیل کہ ویرا
 محتشان و بزرگان اورا از مودن کنند و سخنامی بی اصل کوید و اگر بنید کہ آن در خانہ ہمیزم از آن
 جمع میکرد و میوہ دار بود دلیل کہ میان بزرگان بزرگ تہمت بود و محتشم باشد فی الجملہ دیدن ہمیزم تر و خشک
 خوب نباشد حرف الیاء پاره و خواب جنسی بود از جنس دست اورنچ ابن سیرین رد کوید اگر
 مردی بنید کہ پارہ زرین در دست داشت دلیل کہ مکر و پی بد و رسد و اگر پارہ سیمین داشت دلیل کہ غم و
 اندوہ بوی کمتر رسد و جملہ پیرایہ زنان مروان را نیک نباشد و از آن مروان زنان را طوق و کوشوارہ وغیرہ
 کہ زینت پادشاهی باشد مروان را زن بود و زنان را شوہر بقدر و قیمت آنچه دیدہ باشد و شرح ہر کی از پیرایہا
 و راول کتاب بیان کردیم یا سیمین ابن سیرین کوید اگر بنید کہ دوتی دستہ یا سیمین بد و او دلیل کہ میان ایشان
 گفتگو افتد و از ہم جدا شوند و اگر زنی بنید کہ یا سیمین از خوشی بچید و شوہر داد دلیل کہ شوہر اورا طلاق دہد و اگر بنید کہ یا سیمین
 بلغام و او دلیل کہ اورا غلام گیرند و درخت یا سیمین در خواب زنی توانا مکر و بدخوی بود و مفلکہ و حاسد باشد و اگر یا سیمین
 خوشبوی بود دلیل کہ آن زن با جود و احسان بود یا فتن ابن سیرین کوید اگر کسی بنید کہ چیزی یافت اگر خداوند
 خواب پارسا و صالح بود دلیل کہ در بیداری چیزی یابد و اگر صالح و مستور نبود دلیل کہ اورا غم و اندوہ رسد کہانی
 رحمۃ اللہ علیہ کوید اگر بخواب بنید کہ دو چیز یافت و ہر دو یکجس بود دلیل بر خیر و منفعت بود و حج و عمرہ کند و اگر بنید کہ
 دہ چیز یافت و ہر دہ یکجس بود دلیل بر خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برین قیاس باشد و اگر
 آنچه یافت از یکجس نباشد تا ویش بد باشد یا فتن کا تھا ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کوید اگر کسی بخواب بنید کہ
 کوہ کند و کان زیر یافت دلیل کہ بقدر خویش ولایت یابد و اگر بنید کہ مصلح و پارسا بود و اہل دین کہ حق تعالی اورا علم و حکمت
 ارزانی دارد و اگر بنید کہ کان سیم یافت دلیل کہ زنی از بزرگان خواهد کہ با جمال و مال بود و بعضی از معتبران کوید کہ او فرزند
 مبارک پی آید و اگر بنید کہ کان مس یا برنج یافت دلیل کہ اورا بامہتری بد کردار میرحم صحبت افتد و اگر بنید کہ کان از زینہ
 یافت دلیل کہ زنی خوب روی زنی کند و اگر بنید کہ کان آہن یافت دلیل کہ اورا بامہتری قوی صحبت افتد
 و از وی مال یابد و اگر بنید کہ کان بلور یافت دلیل کہ از پادشاہ یا زن اورا منفعت رسد و اگر بنید کہ کان

بیم

پارہ

سیمین

یقین

زینت

زهر چید و ز سر و پاست دلیل که صاحب مال و جاه کرد و اگر بنید که کان یا قوت یافت دلیل که عز و مالش بابت
 کرد و اگر بنید که کان پیروزه یافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بنید که کان عشیق یافت دلیل
 که از پادشاه نفع یابد و اگر بنید که کان شبه یافت دلیل که با مہتری گفتگو کند و اگر بنید که کان لعل یافت
 دلیل که جاه و شہمت یابد و اگر بنید که کان نوشادر یافت دلیل که اند و کین شود و اگر بنید که کان نمک یافت دلیل
 که از بزرگی منفعت یابد و اگر بنید که کان سحر مد یا کان زاک یافت دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که کان
 کل زر و سیاف یافت دلیل که بمار کرد و اگر بنید که کان کل سفید یافت دلیل که با مہتری او را صحبت افتد یا قوت
 ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که یا قوت سرخ یا سبز پاکیزه داشت دلیل که زنی یا کینزگی نیکو او را
 حاصل آید یا اولاد و ختری خوب و آید و اگر بنید که یا قوت محبوب داشت دلیل که آن کینزک یا آن زن
 که دارد بروی حرام کرد و اگر مانی در گوید اگر بنید که یا قوت سبز داشت دلیل که زنی خوب با اصل و نسب بخوابد
 و اگر زن دارد دلیل که فرزندش آید و اگر بنید که یا قوت سفید داشت دلیل که فرزندش مفسد بود و دلیل
 است بر گوید اگر بنید که یا قوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر و با جلال بخوابد و اگر بنید که یا قوت سبز
 بود دلیل که زنی پارسا و نیک سپرت بخوابد و اگر بنید که یا قوت زرد داشت دلیل که آن زن بمار کون باشد
 و اگر بنید که یا قوت سفید بود دلیل که زنی دوشیزه و زاده و صالح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید یا قوت و خواب
 بر شمش و جہ بود یکی مال دوم کینزک سوم علم چهارم سپر پنجم مرد نیک ششم دختر دوشیزه هفتم صبر و صبر بد اگر میرج را بر و غم
 نیز خوانند و بصورت مردم باشند ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که بر و غم داشت یا کسی بد و او دلیل که بخند مدت مری
 فرو نماید و در قدر مشغول گردد و از وی رحمت یابد و اگر بنید که میرج خورد دلیل که از مال مری بدین صفت بخورد
 و بدین میرج و خواب منفعت نباشد و مخ و انبال علیہ السلام گوید ترخ و خواب غم داند و بود خاصه که بوقت خویش
 بنید و اگر بنید که ترخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بسیار و بی اندازه بنید بوقت خویش یعنی زیستن و اگر بنید که
 ترخ صافی بخاند میر و دلیل که بقدر آن مال جمیع کند که مانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بنید که در تابستان ترخ صافی بود دلیل که مال
 حلال جمیع کند و اگر بنید که ترخ قیصر بود دلیل که مالی جمیع کند از تمام بود و اگر بنید که در تابستان ترخ پاکیزه بخواب بنید دلیل که
 عیش خوش گذارد و منفعت از روزگار خود بیند و دل دوستان بروی شاد کرد و جابر مغربی گوید ترخ و سر و سر
 زمستان بخواب بدین دلیل بر خیز و منفعت و ندرستی بود و در گرم سیر دلیل بر قیصر و نکی داند و بود بعضی تعبیر گفته اند ترخ
 و برق و خواب بدین در دیار سرد سیر دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرم سیر دلیل بر قیصر و داند و بود جعفر صادق
 رضی اللہ عنہ فرماید ترخ و خواب بر شمش و جہ بود یکی روزی فراخ دوم زنده گانی سوم مال چهارم نرخی از زمان
 پنجم غم داند و ششم قحط و نکی هشتم ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید بدین لیثم و خواب دلیل بر زنی بی اهل بود و اگر

یا قوت

میرج

مخ

لیثم

عین

یعد

بیند که انجمن ششم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر زن وار و دلیل که او دختری
 آید و اگر بیند که ششم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت یابد چنانکه مبارک و مبارز بود و این سیر
 رحمة الله علیه گوید که پادشاه بیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که فاضل
 یکانه و ریخت بود دلیل که چشم غالب کرد و او اگر بازو کافی بیند که مبارز شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر
 سیاهی بیند دلیل که توانگر شود و مال یابد قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اکسبوا و اسجدوا واعبدوا ربکم و افعلوا
 الخیر لعلکم تفلحون و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خشم بروی
 غالب آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بازنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد دلیل که حالش بد بود و خوار
 مستمند گردد و پیر این سیر رحمة الله علیه گوید یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر کرد و اگر بیند که
 با یوز جناب و نبر و میکرد و اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یوز را گرفت
 دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوز آن وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوز آن بسیار
 مطیع وی بودند دلیل که دشمنان او را بون شوند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد دلیل که بقدر
 آن مال دشمن بستاند و بعضی از معبران گفته اند اگر بیند که یوز را بکشت دلیل که در هیچ خیر و منفعت نباشد و اگر بیند که یوز بر

کردن نهاد و می برد و دلیل که بار دشمن کشد و اگر بیند که یوز آن در خانه او یابد

مضمی بانک میگرد و دلیل که از نسب دشمنان رنج و مضرت یابد بقدر

آنکه دیده باشد و الله اعلم بالصواب

والیه المرجع والمآب والحمد لله اولاً و آخراً

والصلوة علی نبی محمد و علی آله و

اصحابه اجمعین

تمت

شعب

خاتمه الکتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مریکمی را که بواسطت وحی قطعی انبیاء و مرسلین را علیهم السلام امر و نواهی خود رسانیده و صدیقان
 و شهداء و اولیاء خود را بذریعۃ الهام و رویا بمقام ازبشارت و نذارت آگاه گردانیده و در و نامحدود بر خاتم النبیین

و شفیع المؤمنین که آیه کریمه لقد صدق الله رسوله الویاء بالحق بیان رویای اوست و برآل و اصحاب
 و اولیاء امت که قانع اند بر شمع از رویای او **اما بعد** علم تبیین الروایا علمیت شریف نموده و حق آسمانی
 و مفسر الهامات ربانی کاشف رموز عالم مثال پر توه انوار جلال و جمال و بقایای مبشرات و سرمایه علو
 مقامات ثابت بکتاب الهی جل جلاله و محقق نسبت نبویه علیه الصلوٰة و التحیة بحاکم قال الله تعالی حکایت عن کلام
 یوسف علی نبینا وعلیه السلام وبت قد اتیتنی من الملائک وعلیتنی من تاویل الاحادیث ای التبیان
 جلالین و در بخاری از حدیث انس آورده که رویای حسن از مرد صالح یکجذوست از چهل و شش جزو از
 نبوت و گفته اند که غالب رویای صالحین است و گفته مرد صالح می بیند کاهی اصفنا را و لیکن ناوار است
 از جهت قلت نمکین شیطان و در اینجا اشکالیست که بودن رویا جزو نبوت چه منعی دارد و حال آنکه نبوت
 منقطع گشت بوفات نبی علیه السلام و جواب داده اند که اگر از نبی است صلعم پس جزو است از اجزاء نبوت و حقیقه
 و اگر از غیر اوست پس جزو است از اجزاء نبوت بر میل مجاز باعتبار تشبیه رویا به نبوت و نبوت اگر چه منقطع
 شد علم او باقی است و از امام مالک پرسیدند که آیا تبیین کننده رویا را هر کس گفت آیا بازی میکند به نبوت بعد از آن
 گفت الروایا جزو النبوة مراد وی همان تشبیه رویا است نبوت از جهت اطلاع وی به بعضی از غیوب
 و در حدیث عایشه عنها آمده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و سلم باقی نمی ماند بقدر از مبشرات مکر رویا و آتی
 و وارد است ایضا که تبیین رویا بمبشرات باعتبار غالب است و الا بعضی منذر سیم می باشد و صاحب مواهب
 لدنیه گفت این حرفیست از تعبیرات آنحضرت صلی الله علیه و سلم و آن نمود خوبی است و الا از آنچه منقول از لطایف
 تبیین و غرایب تاویل مجملات حصر آن نتوان کرد چون قائل کنی بدانی که هر گاه متنی که داده شد است آن را یکی
 از افراد امت در علم یا عمل همه از آثار معجزات پیغمبر صلعم و برکات تصدیق و از ثمرات ابتدا و بهدی طریق
 اوست و پر شده است زمین بان از روی صدق و صواب و عجب و عجایب و بحر عباب و اگر استحضار کنی آنچه
 داده شده است با نام ابن سیرین رحمه الله علیه از لطایف تبیین آنچه شایع و ذالعی است و پر شده بان
 اسماع حکم یکی با آنچه داده شده آنحضرت صلعم را از علوم و معارف و چون ابن سیرین حرکتی از امت است
 نقل کرده شده است از وی در فن تبیین آنچه خارج از حد حصر است پس از آن حضرت چه خواهد بود زاد الله
 فضلاً و شرفاً و افاض علینا سحاب علومه و معارفه و تعطف علینا بعواطفه و ایضا در مدارج است و مردم
 بر سه قسم اند مستور الحال و غالب بر ایشان استوار صدق و کذب است و فسقه و غالب بر ایشان
 اصفنا است و ناوار است بر ایشان صدق و کفار صدق ایشان بنایت ناوار است و از بعضی کفار
 صادق نیز می افتد چنانکه رویای صاحبی التجن با یوسف علی نبینا وعلیه السلام و رویا ملک ایشان

و غیره ذلک الکمل فی مدارج النبوت غرض که در کتب صحاح سته و غیره از احادیث صحیح و کتب اخلاق
و سیر که ملاحظه کرده شود تفصیل این فن شریف بطوری مبین است که بر ما هر یک این فن اظهر من الشمس
امین من الایمان اما مغروران و بیماران چهل مرکب همچو آن گری که در سبکی نهانست زمین و آسمان و نبات
این علم شریف را که نموده از آن نوکر یافته از قبیل فضائل الاحلام و تقوید استند لهذا این نسخه تبرکه
معتبره را که جامع از کلمات اکابر و ائمه ما هر مثل امام همام سیدنا جعفر الصادق علیه السلام و محمد بن
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و از متاخرین مانند کرمانی و اسمعیل اشعث السجستانی و معتبرین غیرهم
بود با تمام بنده درگاه رحیم قاضی عبد الکریم و قاضی رحمه الله بطلنج فتح الکریم واقع مسموره
بمبئی فی الشارح پانزدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۸۵ هجری مطابق بیت و ششم

ماه مارچ ۱۸۹۱ عیسوی بکمال تصحیح حلیه طبع

پوشید و بید عبد المذنب المسکین رکن الدین

سمت انطباع پذیرفت فی سنه

هزار و سه صد و هشت

هجری نبوی علی صاحبها

الف الف

الصلوة

والسلام

تمت

بالنسخه

تاکم

شد

شده طبع بارشانی این نسخه گرامی
در بچ مکرم فتح الکریم نامی